UNIVERSAL
LIBRARY
OU_228645
UNIVERSAL
LIBRARY

۱۶۵۹۳
ف ۹۵۵۵۵
ج د جعفر شاهید
دودمان پهلوی

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No. ۲ ج / ۹۰۵۵۰ Accession No. ۱۴۰۹۳

Author جعفر شاہید

Title دودمان پہلوی

This book should be returned on or before the date last marked below.

دودمان پهلوی

جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران

تاریخ و شرح حال خاندان سلطنتی

از نویسنده ملی دکتر جعفر شاهید

چاپ دوم

«تجدید چاپ کتاب»

چهارسال پیش که نخستین بار کتاب تاریخ «دودمان پهلوی» انتشار یافت نگارنده تصور نمیکرد که نتیجه زحمات و مطالعات چندین ساله او برای تهیه وتدوین تاریخ معاصرایران تا این پایه مورد استقبال عموم قرار گیرد .

ولی پس ازمدت کوتاهی که ازانتشار کتاب گذشت ، و نسخ آن نایاب گردید . بمیزان علاقمندی هم‌میهنان ارجمند درباره آگاهی از تاریخ خاندان پهلوی وماجرای فداکاریها وازخود گذشتگیهای اعلیحضرت رضاشاه کبیر سردودمان خاندان پهلوی ، واعلیحضرت همایون شاهنشاهی پهلوی دوم، درراه ایران عزیز پی برده موضوعی که موجب حسن استقبال عمومی این کتاب گردید ، رنجها و کوششهائی بود که راقم این سطور درراه جمع آوری مطالب تاریخی ،مصاحبه با رجال سیاسی وشخصیت های برجسته نیم قرن اخیرمتحمل شد زیرا تا قبل ازانتشاراین کتاب ، علاقمندان بتاریخ معاصرایران وهمچنین بیگانگانی که مایل بدانستن شرح احوال خاندان سلطنتی وتحولات نیم قرن اخیر کشور بودند، بهیچوجه دسترسی بکتابی که ازهرحیث مستندباسناد و مدارك تاریخی باشد نداشتند .

ازاین رووقتی کتاب تاریخ « دودمان پهلوی» انتشار یافت ، با وضع غیر منتظره ئی مورد توجه واقبال عامه قرار گرفت و در اندك مدت نسخه های آن بپایان رسید .

واما آنچه که موجب تجدید چاپ کتاب گردید دو موضوع بود . یکی مراجعات مداوم‌وپی‌درپی کسانیکه موفق بتهیه کتاب مزبور نشده‌وبلاانقطاع برای تجدید چاپ آن مراجعه میکردند .

دیگرنقیصه‌ئی که دراواخر کتاب وجود داشت . زیرا تاریخ دودمان پهلوی دراواخرسال ۱۳۲۸ انتشاریافت ،ازاینروحوادثی که در خلال سالهای ۱۳۲۹ تا پایان سال ۱۳۳۲ درایران رویداد وقسمتی برازدواج مسعودشاهنشاه باعلیاحضرت ملکه ثریا ، و عقد قرارداد های تجارتی با کشور های دوست ، و زمامداری

سپهبد رزم آرا و قتل وی، ماجرای ملی شدن صنعت نفت، وقطع رابطه ایران بادولت انگلیس و کشیده شدن دعوای دو کشور بشورای امنیت و دیوان بین المللی داد گستری لاهه، وماجرای ۹ اسفند و انقلاب ۲۸ مرداد است، ازهیچیك از آنها در نخستین چاپ کتاب سخنی بمیان نیامده بود. بدین لحاظ لازم بنظر میرسید که تجدید نظری در مندرجات کتاب مزبور بعمل آید، وحوادث تاریخی فوق که قسمتی از آنها هم از نظر بین المللی وهم از لحاظ داخلی حائز اهمیت بسیار است بچاپ دوم اضافه شود.

اینك بعون اله تعالی، و با تشکر بی پایان از هم میهنان عزیز، مخصوصا هم قلمان ارجمند و فضلا و دانشمندان و ارباب جرایدی که با نگارش مقالات و مطالب فاضلانه خود در باب زحمات نگارنده اظهار لطف کرده واینجانب را مشمول عنایات و الطاف بزرگوارانه خود قرارداده اند، چاپ دوم کتاب تاریخ دودمان پهلوی را بهم میهنان عزیز و دانش دوستان تقدیم میدارد وازارباب فضل و دانش تقاضا دارد درصورتیکه ضمن مطالعه مندرجات آن به نقیصه ئی برخوردند که رفع آن از لحاظ تاریخی ضرور بنظر میرسد، اینجانب را مستحضر فرمایند تا درچاپهای بعدی رفع نقیصه شود و برای ثبت در تاریخ و اطلاع نسل های آینده از تاریخ نیم قرن اخیر ایران، مورد استفاده قرار گیرد.

سر آغاز

دودمان پهلو

تاریخ دوهزار و پانصدساله ایران، پراست ازافتخارات جاویدان و فناناپذیر ملتی که قرنهامشعلدارتمدن دنیابوده ،وسهم بزرگی درتمدن کنونی جهان دارد.

متاسفانه گذشته‌ما غالباً بوسیله بیگانگان وبدست اجنبی نگارش یافته، و جز کتیبه هاوسنگ ،نبشته هائی که‌ازعهد باستان درسینه خاك ،یادرپیشانی کوه های بلند باقیمانده چیزی دردست مانیست.

ازاین‌رو تاریخ قرون اولیه ایران که‌مربوط به‌سلسله های هخامنشی‌واشکانی وساسانی نیست، باهمهٔ عظمت وقدرت سلاطین آنعهدوجهانگشائیها وخدماتی که بفرهنگ‌وتمدن جهان کرده‌اند ،آنطور که‌باید برای ماروشن نیست، زیرا ازآثاری که در بارهٔ ایران بدست‌مورخان بیگانه نگارش یافته ،غالباً آمیخته باغرض‌ورزی و کینه‌توزی و حق شکنی‌است. بطوریکه فتوحات وپیروزیهای درخشان ایران‌را کوچك و ناچیز نشان داده ،ودرعوض موفقیت‌های عادی خویش رابصورت اعجاز وعملی خارق‌العاده جلوه گر ساخته اند.

اما تاریخ ایران دردورهٔ اسلامی‌اگرچه روشن‌تر ازاعصار وازمنهٔ پیش‌ازآن است، باوجود این‌در اثرتحولات بزرگ‌وتغییرات شگرفی که‌درطی قرون متمادی در این کشور رویداد ومنجر بهجوم امپراطوریهای بزرگ واقوام وطوائف‌وحشی بمیهن ماگردید ، قسمت اعظم‌این‌آثار ازبین‌رفت وجز معدودی کتب خطی‌ونسخ قدیمی چیزی برای ما باقی نماند.

بنابراین برای آنکه تاریخ معاصر که نسل کنونی شاهد وناظر آن بوده بطرز

جالب ومطلوبی انتشار یابد ،وقایع وحوادث مهم تاریخی بامرورزمان بدستخوش فراموشی سپرده نشود ، نگارندهٔ این کتاب تصمیم گرفت تاریخ زندگی خاندان پهلوی و علل انقراض سلسلهٔ قاجاروچگونگی تشکیل سلسلهٔ پهلوی را بامدارك صحیح و کامل انتشار دهد .

بطوریکه این مجموعه برای تمام کسانیکه بخواهند ازوقایع بعد ازاستبداد صغیر واواخر سلطنت احمد شاه و اوضاع سیاسی ونظامی واجتماعی ایران مطلع شوند ، بصورت یك سند مهم تاریخی مورد استفاده قرار گیرد.

این نکته نیز ناگفته نماند که نگارنده این کتاب نه تنها هیچگونه منظورونفع شخصی از انتشار این تاریخ نداشته ، بلکه با صرف وقت ومرارتهای زیادومراجعه بکلیهٔ تواریخ ومطبوعات ویادداشتهای رجال سیاسی ومطبوعات نیم قرن اخیر تاریخ مزبور را برشتهٔ تحریردرآورده ،وبا صرف مبالغ هنگفتی این کتاب را منتشر ساخت.

وچون این رسم از دیرباز مرسوم بوده که هرنویسنده ای اثرخودرا بعزیزترین وگرانبهاترین کسی که باو علاقمندبوده تقدیم میکرده است ،اینجانب نیزاثرناچیز خودرا به «**ملت حقشناس ایران**» که بیست وپنج سال باسرافرازی ونیکنامی دربرابر سهمگین ترین حوادث تاریخ پایداری کرده ،واززیرهمهٔ آن فشارها وشکنجه ها وسوانح خانمان بربادده باموفقیت وکامیابی سرراست کرده است تقدیم میدارم ،و امیدوارم این هدیهٔ کوچك یکی ازفرزندان این آب وخاك را بابزرگواری خود قبول فرمایند ،واز لغزشهائی که ممکنست درخلال نوشته های این کتاب ملاحظه فرمایند ، قلم عفو برروی آن بکشند

اسفند سال ۱۳۳۲ - دکتر جعفر شاهید

تحولات دنیا در قرن اخیر

قرن شانزدهم میلادی در تاریخ جهان مادر حوادث و آغاز تحولات عظیم سیاسی واجتماعی وعلمی وادبی بشمار میرود ، زیرا از این قرن بود که اندك اندك تغییرات عمیقی در کلیه شئون زندگی ملل واقوام گیتی پدیدار شد ، وبالاخره بتمدن درخشان و خیره کننده قرن بیستم منتهی گردید .

در اروپا پس از جنگها و خونریزیها و کشتارهای موحش دوران فئودالیته، و تاریکی وظلمت قرون وسطی بپایان رسید ، باز تحولات جدیدی ریخته شد که منجر به پیدایش نوابغ بزرگی در صحنه های مختلف حیات بشری گردید ، وتغییرات شگرفی در کلیه امور بین المللی ، چه در مسائل سیاسی واجتماعی، وچه در موارد علمی و ادبی وصنعتی پدیدار شد .

توسعهٔ دانش بشر ،ومسافرت جهانگردان ،ودست اندازی دول بزرگ و نیرومند بقاره های دیگر، و کشف قارهٔ جدید آمریکا، دنیا را وارد مرحلهٔ تازه ای از حیات خود نمود ومبارزات ومنافشات محلی بمنازعات و کشمکشهای بین المللی وجهانی تبدیل گردید.

در آسیا و شرق نزدیك آثار این تحولات سیاسی از سه قرن اخیر بخوبی پدیدار گشت سرزمین افسانه ای که مورد توجه دول بزرگ بود ، سبب شد که منطقهٔ خاورمیانه مخصوصاً ایران کانون مبارزات سیاسی دول بزرگ قرار گیرد،وصفحه جدیدی بر تاریخ این کشور که شاهراه بازرگانی دنیای کهن و دروازه آسیا باروپا است ، گشوده شود:

پس از انقراض سلسله زندیه ،وتشکیل سلسله قاجاریه این توجه دولتهای بزرگ مخصوصاً کشورهای انگلیس و فرانسه وروسیه بایران رو بازدیاد نهاد و کار بجائی کشید که علناً در پشت پرده در امور داخلی این کشور دخالت نموده وبرای پیشرفت منافع خود از هیچگونه اقدامی فروگذار نکردند.

امپراطوری روسیه تزاری که هزاران کیلومتر مرز مشترک با ایران داشت از زمان سلطنت پطر کبیر برای آنکه دست بدریای آزاد داشته باشد و راهی بهندوستان پیدا کند توجه خودرا بجانب ایران معطوف داشت و امپراطوران روسیه همگی برای اجرای وصیت معروف پطر کبیر مبنی بر رسیدن بآبهای گرم و دست یافتن بخلیج فارس شروع بفعالیت نمودند ، چون در آنهنگام پنبهٔ جهل و بیخبری در گوش زمامداران و پادشاهان قاجار چنان فرورفته بود که بهیچوجه غرش توپها وصدای مهیب انقلابات و تحولات بزرگ گیتی بگوش آنان نمیرسید باینجهت بزرگترین ضربت برحق حاکمیت واستقلال و تمامیت این کشور وارد آمد و طبق معاهدات ننگین ترکمانچای و گلستان که در تاریخ چهار هزار سالهٔ ایران بی نظیر و بیسابقه است ، سرزمینهای وسیعی از خاك ایران با آبادترین و پرجمعیت ترین شهرهای آن که مهد مدنیت ایران کهن بود همه از این کشور منتزع وجزو خاك امپراطوری روسیه گردید .

ازطرف دیگر حریف قوی پنجه‌ای مانند دولت بریتانیا برای آنکه خطررا ازجانب هندوستان دور نگهدارد و وقایعی نظیر پیش آمد لشگرکشی سلطانمحمود غزنوی و نادرشاه افشار بهندوستان تجدید نگردد ، میکوشید که ایران قدرت و توانائی دیرین خودرا بدست نیاورد ، وبرای اینکار عمال ومأمورین زبردست خویش را باین کشور گسیل داشت تا با ایجاد اختلاف ونفاق ودسته بندی وجنگ خانگی این نقشهٔ عجیب و خطرناك را بمرحلهٔ عمل در آورد .

از سوی دیگر امپراطوری عثمانی که از سه قرن پیش با پادشاهان سلحشور ایران مانند شاه اسمعیل صفوی وشاه عباس کبیر ونادرشاه جنگها کرده و ضربات موحشی بآن کشور وارد آمده بود ، میل نداشت ایران دارای قدرت و عظمت دیرین بشود ، وچون خاری ازجانب خاور بپهلوی او فرو برود .

بدین ترتیب جنگالهای خونین از همه طرف ایران را احاطه کرده وبرای اضمحلال وانقراض این کشور باستانی بالاترین مساعی را بکار میبردند .

همین دستها بودند که مستقیماً یا بطور غیرمستقیم بوسیله عمال ودست نشاندگان

خود مردان بزرگی مانند نادر شاه و لطفعلیخان زند و عباس میرزا و قائم مقام و امیر کبیر و صنیع الدوله و بهبهانی و طباطبائی و ستارخان و باقرخان و ثقة الاسلام و صور اسرافیل را نابود کرده و همه آنها را که ممکن بود ایران را باوج ترقی و تمدن برسانند فدای سیاست و منافع شوم خویش کردند .

هنگامیکه مشروطیت ایران ببهای خون بزرگترین و دلیرترین و لایق ترین و فداکارترین مردم ایران بدست آمد ، بازاین دستها و پنجه های خون آلوده برای عقیم گذاردن سیر ترقی و پیشرفت ملت ایران وارد صحنه گردید ، و چون اوضاع ایران در آن هنگام براثر سهل انگاریها و سست عنصریها و ضعف نفس زمامداران و مسئولین عصر کاملا برای نقشه شوم آنان مساعد بود زیانهای جبران ناپذیری بملت و مملکت ایران وارد آوردند که اگر مردی فداکار و ازجان گذشته از میان مردم پاك نژاد ایرانی قیام نمیکرد و ایران را از آن ظلمت وحشت زا و بلایا و محن نجات نمیداد ، بلا تردید امروزه نامی از ایران در نقشهٔ جغرافیای عالم وجود نداشت .

در یك چنین دوران تاریك و پرهرج ومرج وآشفته‌ای بود که جریان تاریخ ایران بدست یك سرباز شجاع ومیهن پرست عوض گردید ، وتحولاتی دراین کشور بظهور پیوست که اگر قرار بود بحال عادی این تغییرات پدیدار شود ، یك قرن طول میکشید تا فرهنگ دانش وتمدن جدید به ایران راه یابد ، ویك ملت عقب افتاده که قرنها گرفتار جنگهای خانگی وحکومت های ملوك الطوایفی وجهل وبیسوادی و خرافات وموهوم پرستی بود از ثمرات آن بهره‌مند گردد .

یك نابغه

سپیده دم یکی ازروزهای بهار سال ۱۲۹۵ هجری ، دردامنهٔ کوهی سرسبز وباصفا ، موجودی پابعرصه وجود گذاشت که بعدها یکی ازنوابغ بزرك جهان گردید این موجود **رضاخان** ، فرزند عباسعلی خان پهلوی سرگرد فوج سواد کوه که حکومت آن سامان رانیز بعهده داشت بود .

پدر عباسعلی خان ، یاور مرادعلیخان پهلوی ازدلیران ورادمردان روزگار بود

که درجنگ هرات پس از دلیریها وفداکاریهاشربت شهادت نوشید ، وروح وطن پرستی وشهامت رابفرزندخویش عباسعلیخان ونوهٔ خود **رضاخان پهلوی** بخشید .

سوادکوه موطن ومولدرضاخان، همانجائی بود که قرنهاپیش ازاین پادشاهان وفرمانروایان بزرگ ایرانی دربرابر هجوم اقوام وملل مختلف گیتی ایستادگی کرده زانوی دشمنان ایران رادرآن سامان برزمین زدند .

آنجاکانون دلاوران ومردانی ازسلسله اسپهبدان ،وآل زیار، وپادشاهان باوندبود،و در همین نقطه بود که فریدون پادشاه پیشدادی باسپاه ضحاك وتازیان پیکار کرد و ضحاك رابه بندافکندواورادرچاهی برفراز البرز کوه زندانی ساخت.

رضاخان پهلوی درسال ۱۳۰۷ هنگامیکه فقط ۱۲ سال داشت وارد فوج سوادکوه گردید وپس ازآن بادرجه افسری مراحل مختلف راطی کردودرجنگهای بسیار شرکت نمود ورشادتها ازخرد بروز داد .

اویك چند درتهران ، ومدتی درهمدان وپس ازآن روزگاری در کرمانشاه وسایر نقاط ماموریت داشت ، و درزدوخورد های محلی با یاغیان و گردنکشان خدمات بزرگی بوحدت وحفظ استقلال ایران کرد .

درسال ۱۳۳۳ هجری ازهمدان برای تشکیل قسمت مسلسل قزاقخانه تهران بجانب پایتخت حرکت نمود ، وبعدازچندی مجدداً بریاست آتریاد همدان منصوب گشت .

در این هنگام اوضاع ایران سخت تیره وتار بود ، واز هرسوخان و رئیس ایل وحاکمی قیام کرده ، ودر مرزهای ایران نیز قوای بیگانه واردخاك کشور گردیده وشروع بدست اندازی بجان ومال وناموس مردم مینمودند . درتمام این ایام رضاخان پهلوی بافرماندهی فوج پیاده تهران مأمور سرکوبی یاغیان ومتجاسرین بود ودر همه جاآنهارا شکست داد

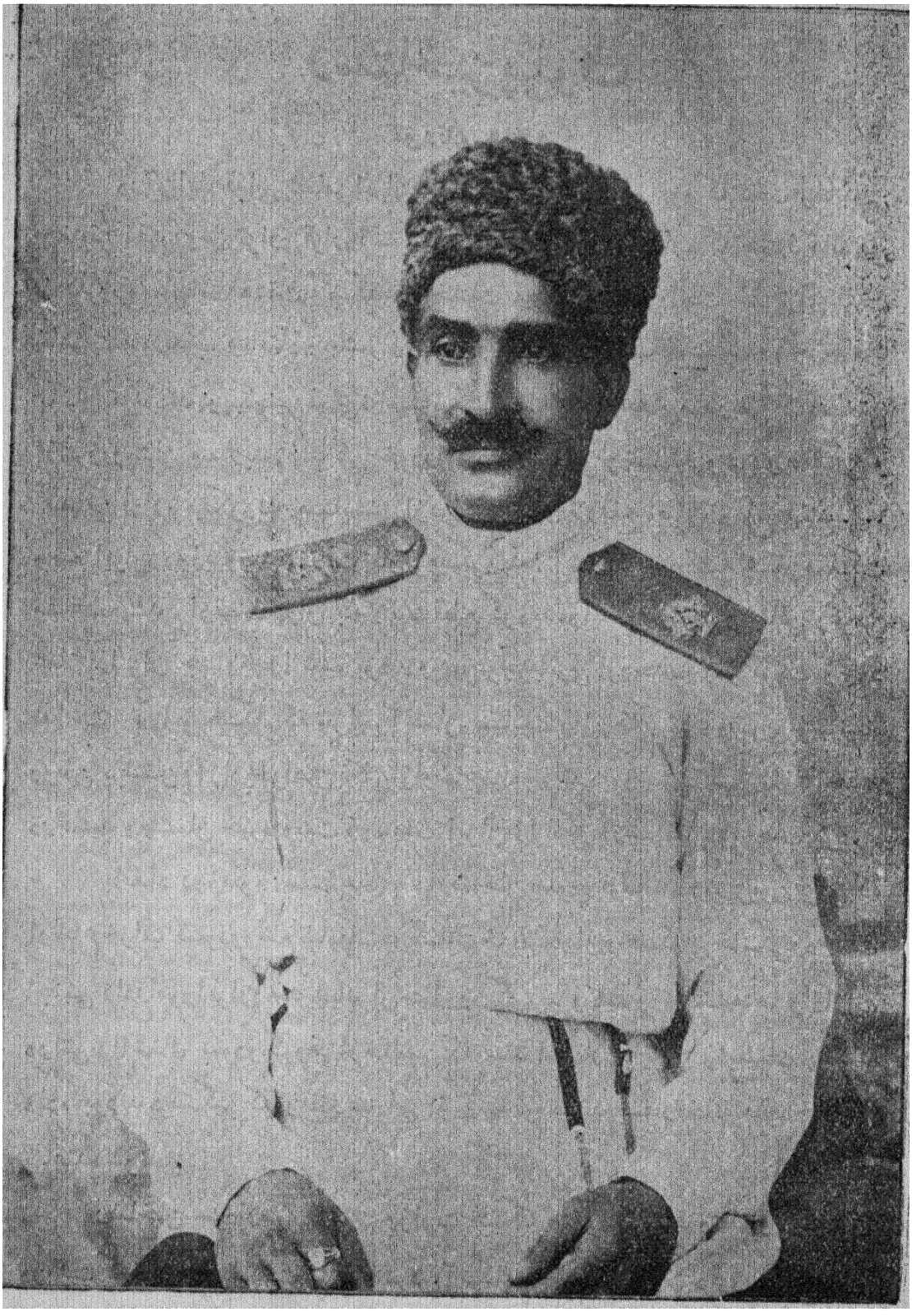

رضاشاه قبل از کودتا

رستاخیز پهلوی

کودتای ۱۲۹۹

درآن ایام قوای نظامی ایران مرکب ازعده ای قزاق بود که تحت فرماندهی چندتن افسرروس تزاری قرارداشتند . همچنین یك عده ژاندارم که تحت فرماندهی (گلروپ) بانهایت مشقت وتنگدستی خدمت میکردند، وپرداخت حقوق آنها اغلب تاهشت ماه بعقب میافتاد وبیشتراوقات بجای جیره وماهیانه سنگ وآجروآهك بآنان میدادند، ویکچنین قوای ناامید پریشانحالی باجامه های مندرسی که بدبختی ازسرورویشان میبارید وزندگی خودرا باهیزم شکنی وذغال فروشی و عملگی و گدائی اداره میکردند ،میبایستی ازمرزهای بازوبلادفاع ایران دفاع کنند .... وضع ایران روزبروزبدتروروقت بارترمیگردید . آشفتگی درکلیه شئون مملکت مشاهده میشد . ارتباط تهران بولایات قطع گردیده وایالات جنوبی وشمالی وغربی عملا ازایران جداومجزا شده بود ، وبهیچوجه اثری ازوحدت ومرکزیت وجود نداشت . دراین هنگام که سراسرآسمان سیاست راابرهای تیره وتاری پوشانیده ووطن پرستان وآزادیخواهان بکلی ازاوضاع ناامید شده بودند ، ناگهان بارقه امیدی درخشید وچشمان خیره وبهت زده ملت ایران را غرق درشگفتی واعجاب کرد.

بامداد روزسوم اسفند ماه ۱۲۹۹ رضاخان پهلوی فرمانده دیویزیون قزاق که اوضاع خراب کشوروووضع تباه ملت وخیانت خیانتکاران وجنگهای خانگی ودخالت اجنبی رادرامورایران میدیدبتهران حمله ور گردید وکلیهٔ وزارتخانه ها وادارات دولتی رااشغال نمودو گروهی ازخائنین که سند استقلال ایران رابدست بیگانه داده بودند دستگیر کردوفقط عده‌ای از آنها توانستند بسفارتخانه های خارجی پناهنده شوند .

رضاخان سردارسپه باسمت وزارت جنگ مشغول کارشد ونظم و امنیت را درمدت کوتاهی درپایتخت برقرارنمود .آنگاه برای سروصورت دادن بوضع درهم و آشفته نظام شروع باقدامات اساسی کرد و در قصر قاجار اردوئی تحت ریاست

سر لشگر احمد آقاخان تشکیل داد. پس از آن برای آنکه وزارت جنگ را از حالت مسخره و نامفهوم آنروزی که از یکنفر وزیر آخوند مآب نظام ندیده و بدون هیچ سرباز تشکیل شده بود بیرون بیاورد، نقشهٔ وسیعی طرح کرد و خود در رأس وزارت جنگ قرار گرفت، و قوای متفرق انتظامی را که از ژاندارم و قزاق و نظامی تشکیل شده بود بصورت واحدی درآورد، و شاهزاده امان الله میرزا را که از افسران رشید و نجیب بود بریاست ارکان حرب منصوب ساخت.

زدوخورد با اشرار شمال

وضع آشفتهٔ مملکت از مدتها پیش به خوانین محلی و رؤساء ایلات و عشایر و حکام خودخواه و مستبد مجال داده بود که هریك از گوشه‌ای سر بلند کرده و بر ضد حکومت مرکزی قیام کنند و برای خود بساط فرمانروائی و مطلق العنان بگسترانند

اینوضع در مدت کوتاهی بسراسر کشور سرایت کرد بطوریکه وقتی انسان پای خود را از دروازه‌های تهران بخارج مینهاد با تفنگچیها و افراد مسلح و دسته‌های مختلف که بهیچوجه خودرا تابع حکومت مرکزی نمیدانستند مواجه میگردید.

برای خاتمه دادن باینهمه آشفتگی، و حفظ امنیت در کشور و نجات جان و مال و ناموس مردم از چنگ یاغیان و گردنکشان و راهزنان. **سردار سپه** با جدیتی خستگی ناپذیر شروع بکار نمود. نخست امیر مؤید و پسران او را که در سواد کوه علم مخالفت برافراشته بودند پس از چندین جنگ منکوب و مغلوب کرد. پس از آن احسان الله خان و ساعدالدوله را که در نواحی تنکابن قیام نموده بودند مورد حمله قرارداده و در چندین جا آنها را شکست داد. آنگاه عده‌ای از روسها را که با توپ و مسلسل از شورشیان پشتیبانی میکردند مغلوب نموده و همگی را خلع سلاح کرد. در این اثناء میرزا کوچك خان با گروهی از متمردین گیلان مازندران و قزاقهای روس همدست شده و شروع به زدوخورد با قوای دولتی و در چندین نقطه دستبردهائی زد و شهر و نقاط دیگررا تصرف کرد.

در این هنگام سردار سپه خود وارد عرصهٔ پیکار گشت و برای یکسره ساختن

غوغای جنگل از تهران بطرف شمال عزیمت نمود. قوای دولتی پس از جنگی خونین شهر رشت را تسخیر و ماسوله و جمعه بازار را که مرکز جنگلیان بود اشغال کرد و میرزا کوچک خان در کوههای پربرف متواری شد و بر اثر سرمای شدید در کوههای برف پوش طالش جان داد و سراورا نیز طالشیها بریدید.

سرکوبی اشرار سیمیتقو

پس از آنکه امنیت و آرامش کامل در صفحهٔ گیلان و مازندران برقرار شد، قوای دولتی بطرف ساوجبلاغ وارد بیل که عمال اسمعیل آقا سیمیتقو در آن نقاط شقاوتها و بیرحمیها کرده بودند حرکت نمود. در قلعهٔ چهریق موجودی فرمانروائی میکرد که از شنیدن نام او، لرزه براندام اهالی پاك نژاد آذربایجان میافتاد، این مرد یعنی سیمیتقو روزی نبود که مردان و زنان و کودکان آن سامان را قربانی شقاوت و بیرحمی خود نکند، و خون بیگناهی را برزمین نریزد و اموال بیچاره‌ای را بغارت نبرد، و بعفت و عصمت زنان پاکدامن دست درازی نکند. اهالی بیگناه شهرهای ارومیه و خوی و سلماس و تبریز و سایر شهرهای آذربایجان در زیر چنگال اشرار سیمیتقو دست و پا میزدند و در همین موقع بود که سیل خروشان قوای دولتی برای نابود کردن بنای پوشالی بیداد گران بجانب شمالغرب سرازیر گشت. در این زمان لاهوتی نیز با قوای متجاسرین همدست شده و برای افزودن آتش شورش و هرج و مرج بتبریز رفت.

قوای دولتی بشتاب بطرف تبریز عزیمت کرد و پس از جنگ خونینی که بین طرفین در گرفت شهر تبریز آزاد و شورشیان منهزم گردیده و لاهوتی با چند تن از نزدیکان خود متواری گشتند.

پس از آنکه تبریز از چنگ متمردین آزاد شد خبر آوردند که سرزمین فارس در آتش هرج و مرج میسوزد، و اهالی بنادر خلیج فارس جان و مال و ناموسشان بازیچه دست اشرار و اجانب و ایلات آشوبگر است. سردار سپه با آنکه هنوز کار آذربایجان را یکسره نکرده بود دستور داد که قوای دولتی دست متجاسرین را از دامان

مردمان بیگناه فارس کوتاه کنند وهمچنین درایالت خراسان ازتوسعه آتش شورش وهرج ومرج جلوگیری نمایند درخلال این اوضاع باردیگر خبر رسید که سیدجلال چمنی ازنزدیکان و فدائیان میرزا کوچك خان درجنگل فتنهٔ دیرین را تجدید نموده وافرادپراکنده را بدور خود جمع کرده وبار دیگر مردم را از تبهکاریهای خویش بعذاب آورده است . هماندم قوای دولتی بتعقیب او وهمدستانش پرداخت و گروه انبوهی ازطاغیان و برادران آنمرد را بقتل رساندوخوداورانیز درطالش بکیفر رسانده و سرزمین زرخیز گیلان را از شرآشوب گران بکلی نجات داد.

فاجعهٔ کوه مرواريد

پس از پایان کار شمال عملیات نظامی درایالت فارس شروع شد و در آنجا قوای دولتی مشغول قلع و قمع اشرار بویراحمدی و طرفداران امامقلی درناحیه ممسنی گردید، ولی در راه کهکیلویه سیصد نفر ازنظامیان موقعیکه عازم بهبهان ورامهرمز بودند ناگهان باعده بسیار زیادی ازاشرار کوه مروارید مصادف شده وهمگی باوضع فجیعی قتل وعام گردیدند. دربارهٔ قتل این سیصد سرباز فداکار حکایتها نقل میکنند که چگونه اشرار اجساد نظامیان راقطعه قطعه کرده و بشدید ترین وجهی آنانرا نابود ساختند .

این پیش آمد سبب خشم و تعصب عموم وطنپرستان شد ونفرت وانزجار کلیه افراد کشور نسبت به یکچنین شقاوت وخونخواری که تا آنزمان کمتر نظیر آن دیده شده بود جلب گردید. در شهرهای جنوبی ایران هرج ومرج عجیبی حکمفرما بود و آتش فتنه وفساد و قتل وخونخوار گی در همه جا مشتعل گشت. بطوریکه روز روشن در بیرون دروازه های شیراز مردم را سرمیبریدند ومال افراد ورعایای بیگناه را غارت میکردند. قوای دولتی وارد کازرون شد و گروهی ازآنانرا در (دشتك) شکست دادندو یکعده دیگررا در (دالکی) تاروومار ساختند.

شورش ایلات غرب

در حینی که نظامیان مشغول زدوخورد با اشرارجنوب بودند صفحات غرب

نیز در آتش بیداد میسوخت. طوایف و ایلات (زلقی) و (خواجه مکوئی) و (گلباغی) و (مریوانی) و (سنجابی) و (چواری) و (کاکاوند) و (حسن وند) و (پیران وند) و (سگوند) و (چهار لنگ) و قوای (سردار رشید) و (سیدطه) تمام صفحات غربی ایران را غرق در آتش و خون کرده بودند. کاروانی نبود که از یکی از نقاط بگذرد و غارت نشود. و مسافری نبود که از آن نواحی عبور کند و جان بسلامت بدر برد، و زنان و دختران بیگناهی نبودند که بسفر روند و در درون دشتها و یا بالای کوهها و یا در سر گردنه‌ها گوهر عصمت و ناموسشان برباد نرود.

اینوضع دیگر قابل تحمل نبود ورعب ووحشت در سراسر ایران از شنیدن نام این طوائف و قبائل حکمفرما گردید. در اینموقع سر لشکر احمد آقاخان فرمانده سپاه غرب بنا بدستور سردار سپه مأمور سرکوبی اشرار گردید و طی چندین جنگ خونین قوای متمردین را تارومار کرد. این پیکارها خود احتیاج بشرح و بسط جداگانه دارد زیرا در هر قدم از کوهها و دره‌های باختر، ماجرائی بس شیرین از فداکاریها و جانبازیهای سربازان وجود دارد.

قتل و خونریزی در آذربایجان

در این اوان خبرهای موحشی از صفحات شمالغرب میرسید و همهٔ این خبرها حاکی بود که (سیمیتقو) و (مهر علیخان امیر منظم) و (شیخ عبیدالله) و (شیخ عبدالقادر) و اشرار (شاهسون) و (الارلو) در شهرها و قصبات آذربایجان دست بچنان قتل و خونریزی دراز کرده‌اند که فتنهٔ چنگیز و تیمور از خاطرها فراموش شده است. شیخ عبدالقادر در شهر میاندوآب چهار نفر از اهالی را قتل عام کرد، شیخ عبیدالله گروهی از جوانمردان و دلیران ارومیه (رضائیه کنونی) را که دست و پایشان را با زنجیر بسته بود بدست خود همه را بضرب گلوله از پای درآورد و مریدان او اجساد مقتولین را با خنجر قطعه قطعه کرده و خون آنها را بتصور ثواب بسر و روی خود میمالیدند. در سلماس خانه‌های مردم را آتش زده و زنان و کودکان را در آتش میسوزانده‌اند، در شهر خوی اطفال خردسال را سر میبریدند و پیرمردان را خفه میکردند، جوانان دلیر را از

بالای کوه دست بسته باعماق دره سرنگون میساختند . بمحض رسیدن این اخبار وحشتناك سرتیپ امان الله میرزا رئیس ارکان حرب (ستاد ارتش) ازطرف وزیر جنگ (سردار سپه) مأمور قلع و قمع اشرار گردید، مشارالیه بانهایت تدبیر وازجان گذشتگی قدم بقدم یاغیان را تعقیب نموده و پی در پی آنهارا شکست داد و قسمت اعظم شهرهای اشغال شده را آزاد کرد ،و قلعهٔ چهریق را که مرکز و مأوای اشرار سیمیتقو بود تسخیر ساخت و سیمیتقو با اتباعش ناچار ازمرز گذشته وبخاك عثمانی پناه بردند .

قدردانی مجلس شورای ملی ازسردار سپه

پس از خاتمه کار یاغیان شمالغرب و استقرار امنیت در آذربایجان نوبت بصفحات شرق رسید و قوای دولتی بلوچ هارا که آشوب بپا کرده بودند قلع و قمع نمودند. و پس از برقراری امنیت در کلیه آن صفحات ، مجلس شورایملی ایران بپاس خدمات و فداکاری های سردار سپه رسماً بوسیلهٔ مؤتمن الملك پیرنیا رئیس مجلس از خدمات این سردار بزرگ قدردانی نمود، در کلیه شهرهای ایران بشکرانه این جانبازیها جشنها برپا گردید وچراغانیها بعمل آمد .

استعفای سردار سپه

این موفقیت ها و افتخارات پی در پی که نصیب سردار سپه میگردید ، عده‌ای ازمفسدین و کسانی را که ازهرج و مرج و نا امنی استفاده میبردند ، برآن داشت که شروع به تفتین نموده و برضد سپهسالار بزرگ و ناجی ایران تبلیغات سوئی کنند. با این اندیشه روزنامه های مخالف و سران این گروه شروع بنگارش مطالب و ایراد نطق هائی برضد حکومت نظامی که براثر جنگها وخونریزیها و قتل و غارت ها و نا امنی اشرار برقرار شده بود نمودند و تهمتها زدند، بطوریکه عواطف و احساسات سردار سپه را پس از آنهمه فداکاری و جانبازی سخت جریحه دار کردند ، بطوریکه سردار و ناجی بزرگ ایران درصدد برآمد از کار کناره گیری کند. با این اندیشه، پس از آنکه افسران و فرماندهان و امرای لشکررا درعمارت وزارت جنگ دعوت نمود ، پس از نطق آتشینی که دربارهٔ خدمات و فداکاری های خویش ایراد کرد اعلام داشت که

ازاین پس دیگر دخالتی درامور مملکتی نخواهدنمودو بدین ترتیب استعفای خود رااعلام داشت .

این خبر مانند بمب دربین افسران ودربین اهالی شهرها ومحافل مختلف صدا کرد . بطوریکه افسران دلیری که انفجار بمب و خمپاره در روحیه آنها تأثیری نمیبخشید ، براثرشنیدن این خبراشك از دیدگانشان سرازیر شد ، وسیل تلگرافها ازکلیه شهرستانهای ایران بجانب پایتخت سرازیر گردید. وسران وفرماندهان لشکر هانیزاز کار کناره گیری کردند ،وتشنج عجیبی درسراسر مملکت ایجادشد،وترس ووحشت درهمه جا حکمفرما گردید . وبلافاصله اشرار وياغيان وطاغيان بمحض اطلاع ازجریان باردیگرسرراست کردند، وچیزی نمانده بود که مجدد ا ایران مبدل بکانون انقلاب ودریائی ازآتش شود ، که براثرفشارعناصر وطن پرست و تقاضاها ها وتلگرافها وتحصن اهالی شهرستانها، سردارسپه باردیگرحاضر برای انجام خدمت درراه وطن گردید .

شورش کردستان و ارستان

براثر انتشار خبر کناره گیری سردار سپه عده‌ای ازياغيان که منتظر فرصت بودنددر کردستان شروع بدست اندازی بشهرها و قصبات ونهب غارت وآدم کشی کردند . باینجهت باردیگربنا بامر سردارسپه قوای نظامی در فرونت های متعدد شروع بکار نمود . نخست نظامیان برای پایان دادن شورش و یاغیگری باقیماندهٔ سران شورشی کردستان عزیمت کردند وقوای سردار رشیدرا بکلی منهدم ساختند . بعدعشایرسنجابی را که درمناطق مرزی دست بغارت وچپاول گشوده بودندسرکوبی نمودند . آنگاه یکباردیگر قوای سرداررشیدرا کادرمرز کردستان عده زیادی را جمع کرده ومشغول شرارت بودبکلی تارومارساختند بطوریکه مشارالیه ازبیم جان مجبور گردید بخاك عراق عرب پناهنده شود .

قوای نظامی دراین هنگام سقزوبانه را که مدتهادر دست یاغیان بوداشغال نمودو قادرخان یکی ازرؤسای متمردین درحین زدو خورد کشته شد . پس از آن

نیروئی تحت فرماندهی امیرلشگر احمدآقاخان دزلرستان شروع بپیشروی نمود و بقیه‌عشایرمتمردرا تنبیه کردوباموفقیت واردبروجردشد. مقارن‌همین اوقات سردار سپه شخصا وارد صحنه‌های پیکارشدودر همه‌جا با استقبال بینظیر اهالی روبرو گردید، پس‌ازآن یك‌ستون مأمور گردید که‌برای فتح قلعه (فلك‌الافلاك) عزیمت نماید، اما ستون مزبور در کوهستانهای سخت بوسیله گروه انبوهی از عشایرلر محاصره شدووضع آنهاسخت خطرناك گردید، ولی دراینموقع قوای کمکی ازپشت سررسیدو پس‌ازتلفات شدیدی که‌بیاغیان واردآمد قلعه فلك‌الافلاك فتح شدومجسمه سردارسپه برفرازآن نصب گردیدوسران متمردین ازجمله (شیخه) و (علیمرادخان) بشدت کیفر یافتند.

هرج و مرج در آذربایجان و کردستان

ازسوی‌دیگردرآذربایجان نیز براثرانتشارخبر کناره گیری سردارسپه، ازنو سران یاغی‌شروع بسرپیچی‌ازدولت‌مرکزی‌ودست درازی باموال‌و نوامیس مردم کردند. ازجمله‌امیرعشایرورشیدالممالك وامیرنصرت‌وامیرفیروز واقبال‌السلطنه ماکوئی‌و کاظم‌قوشچی‌هریك‌باعده‌ای‌سوارمسلح سراسر آنسامان‌راعرصهٔ تاخت و تاز ودزدی‌وغارتگری وخونریزی‌ساختند. دراینجانیزسپاه شمالغرب‌برای یکسره ساختن کاریاغیان‌شروع بکار کردوباکمال شدت‌عشایرمتمردرایکی‌پس‌ازدیگری موردحملات شدیدقراردادوپس ازدادن تلفات‌سنگین‌وبدست‌آوردن مقدار زیادی اسلحه‌ومهمات، امنیت‌کامل‌رادرسرزمین‌آذرآبادگان برقرارنمود. دراینموقع از خراسان‌خبررسید که‌بر اثرزلزله‌شدیدی‌درتربت ونزدیکیهای‌آن گروه انبوهی ازمردم بیگناه تلف‌شده وبعلاوه عده‌ای از اشرارنیز دست‌تطاول بمال‌ونوامیس باقیمانده‌اهالی‌آن ایالت‌دراز کرده‌اند. همانندم‌قوای‌نظامی‌درمدتی کوتاه‌متمردین را چنان چشم زخم رساندکه سراسر آن نواحی قرین آرامش گردیدو بلافاصله شروع بکمك‌ودستگیری‌از زلزله‌زدگان شدوبتدریج بوضع آشفته وناگوارآنها خاتمه‌داده شد.

نجات بلوچستان

پس از پایان کار کردستان و لرستان و آذربایجان و خراسان نوبت به بلوچستان رسید. در بلوچستان بر اثر لاابالیگری و سهل انگاری آخرین سلاطین قاجار مدت ۲۵ سال بود که حتی یکنفر از مامورین و سربازان ایرانی در آنجا مشاهده نمیشد. قسمتی از این سرزمین وسیع و زرخیز را قوای بیگانه تصرف کرده و بقیه نیز تحت حکومت مردی بنام بهرام خان قرار داشت. دولت مرکزی باندازه‌ای ضعف در آنسامان نشان داد که حتی پول ایران در آنجا اعتباری نداشت، بطوریکه سکه جداگانه در بلوچستان ضرب شد و مردم فقط با این سکه و با پول خارجی خرید و فروش میکردند. اینوضع آشفته و تأثرانگیز مدت ۲۵ سال در آنسامان برقرار بود تا آنکه در ۱۴ آبان ۱۳۰۲ بنا بفرمان سردار سپه عده‌ای از قوای نظامی با کمك عده‌ای از قوای چریك که تحت فرمان دولت بودند بفرماندهی (فیض محمدخان) و (کچی خان) بلوچ بآنسرزمین که از قدیمی ترین ایالات ایران بود حمله‌ور گردیده و اشرار و حکومت پوشالی آنمحل را بکلی منکوب ساخته و سراسر آن نواحی را از چنك متمردین نجات دادند هنگامیکه نظامیان وارد شهر دزداب گردیدند مردم بحدی خوشحال شدند که اغلب زنان و مردان وحتی پیران سالخورده از شدت شوق اشك میریختند و دست و صورت سربازان را می - بوسیدند و از اینکه مردی در ایران پیدا شده که بعد از ۲۵ سال بلوچستان و مردم بی پناه آنرا بآغوش مادر وطن باز گردانیده خداوند را شکر و سپاس میگفتند.

تقویت ارتش ایران

پس از آنکه بلوچستان آنیز زاد شد و پرچم سه رنك ایران تقریباً در قسمت اعظم ایران بر فراز کوهها و دشتها باهتزاز در آمد، سردار سپه برای آنکه ارتش جوان ایران را که بافداکاریهای خود توانست کشور را از اضمحلال قطعی نجات دهد، وعشایر و اشرار و متمردین را بسختی منکوب سازد، از هرجهت نیرومند کند و آنرا با اسلوب واصول مدرن ارتش‌های دنیا آشنا نماید، تصمیم گرفت عده‌ای از فارغ التحصیلهای مدارس نظام ایرانرا برای تکمیل معلومات خود باروپا اعزام دارد، و برای انجام این

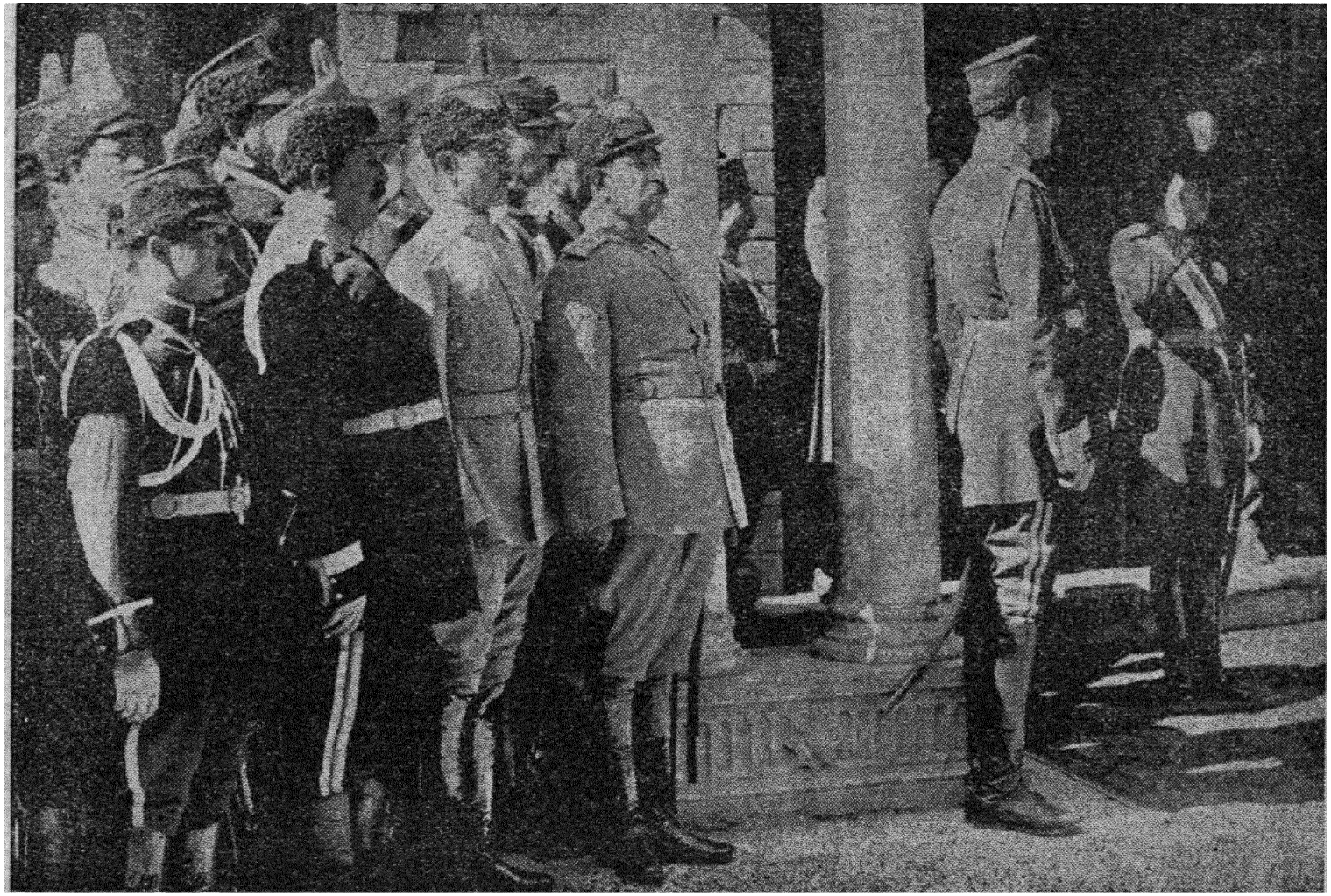

سردار سپه با عده‌ازافسران درحضور احمدشاه قاجار در موقع دفباه

منظور نخستین کاروان محصلین اعزامی ایران بریاست شاهزاده سرتیپ امان‌الله میرزا راه دیار مغرب را در پیش گرفته و بطرف فرانسه عزیمت کردند. از سوی دیگر تشکیلات مدارس نظام در داخل کشور بصورت آبرومندی درآمد و عدهٔ زیادی از جوانان کشور در آن مشغول تحصیل و کسب فنون نظامی شدند، بطوریکه همین جوانان بعد ها از برجسته‌ترین افسران و فرماندهان ارتش ایران گردیدند.

ریاست وزرائی سردار سپه

پس از آنکه سردار سپه امنیت را در سراسر ایران برقرار کرد، و فئودالیسم، و حکومت خانخانی، و هرج و مرج را از بین برد، و ارتشی نوین که ضامن استقلال ایران بود ایجاد نمود، و وحدت و مرکزیت را برقرار ساخت، و قدمهای بلندی در راه سعادت کشور برداشت، و سینهٔ خود را در تمام جنگها و پیکارها آماج گلولهٔ دشمنان داخلی و خارجی ساخت، رجال ملت و مملکت بپاس زحمات و خدمات و فداکاریهای او، و بیرا بمقام ریاست وزرائی برگزیدند، و بدین ترتیب سردار سپه، علاوه بر ریاست دولت. پست وزارت جنگ را نیز کماکان بعهده گرفت، و با سری پرشور و اراده‌ای آهنین برای احیای ایران، و ایجاد یك کشور مترقی و متمدن در مغرب آسیا شروع بکار کرد.

عقیدهٔ مردم نسبت بخانواده قاجار

این زمان ملت ایران که از نعمت استقلال و امنیت و آزادی برخوردار شده بود افکار جدیدی در مغز او راه یافت و برای سعادت ایران شروع بکار کرد و انزجار خود را نسبت بخانوادهٔ قاجار که مسبب همهٔ بدبختیهای ایران بودند ابراز داشت. مردم مشاهده میکردند در حالیکه بزرگترین رستاخیز سیاسی و اجتماعی در کشورهای جهان جریان دارد، و زمامداران آن ممالك مشغول فداکاری در راه پیشرفت و ترقی وطن خویش هستند، پادشاه ایران سلطان احمدشاه بجای رسیدگی بدردها و آلام و بدبختی های مردم و حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و کشورداری و ملت نوازی و ایجاد امنیت و نظم در مملکت، در اروپا مشغول عیش و عشرت و خوشگذرانی است، و با آنکه

پی‌درپی اورا ازوضع آشفته کشور آگاه میساختند وهیئت دولت ومجلس تقاضای مراجعت اورا میکردند ، معهذا او کوچکترین اهمیتی بتقاضای دولت ومجلس نداده بارقاصه های پاریس سرگرم عشقبازی وخوشگذرانی بود .

مردم میدیدند پدراو محمدعلی میرزا بزرگترین ضربت را بآزادی ومشروطیت زدومجلس شورای ملی رابتوپ بست، ومردم بیگناه را که تقاضای حق وعدالت و آزادی داشتند، گلوله بخوردشان داد، بعد بدامان تزارپناه برد ،وبازمیدیدند پس از آنکه پسرخردسال اواحمد میرزا بسلطنت ایران رسید ، بهیچوجه توجهی بوضع مملکت وبدبختی مردم نداشت. تازمانیکه طفل بود فقط فکرش این بود که لله باشی او رااالاغ سواری بدهد ،وبعد که بسن رشد رسید بجای رسیدگی بامورمملکت بسفر فرنگ رفت ودرایامی که مردم بی پناه ایران خون دل میخوردندو گلولهٔ اشرار و یاغیان درسینه آنها جای میگرفت، اوباده های ارغوانی مینوشید، وپری پیکران پاریسی رادرآغوش خویش میفشرد. بعدهم که بایران مراجعت کرد، چنان خاطرات دوران عیش وطرب درارو پااورا تهییج نمود که بازرخت سفر بربست وباقرض و گدائی و خالی کردن خزانهٔ فقیرمملکت بدیداریاران دیرین شتافت وزندگی عاشقانهٔ خودرا درکنار امواج رودسن ، ودر زیر درختهای جنگل ورسای وبولونی باردیگر آغازکرد ....

اوسرگرم عیش وعشرت بود، درحالیکه دولت های بیگانه چون گرگهای درنده دندانهای تیزخودرابرای بلعیدن این لقمهٔ چرب آماده میکردند.... اونواهای عاشقانه وآهنگهای نغزودلپذیرماهرویان فرانسوی را گوش میکرد، وحال آنکه ملت بدبخت ایران صدای صفیر گلوله یاغیان ، وفریادضجه وناله زنان وکودکان بدبخت وبینوارا که درچنگ اشرارخونخوارو دست وپامیزدند گوش میکرد.... این صحنه های تراژیك ،واین لالا بالیگریها، این بی اعتنائی نسبت بمقدرات ملت ومملکت سبب گشت که نفرت و کینه‌ای خارق العاده دردلهای مردم زجردیده وستمکشیده

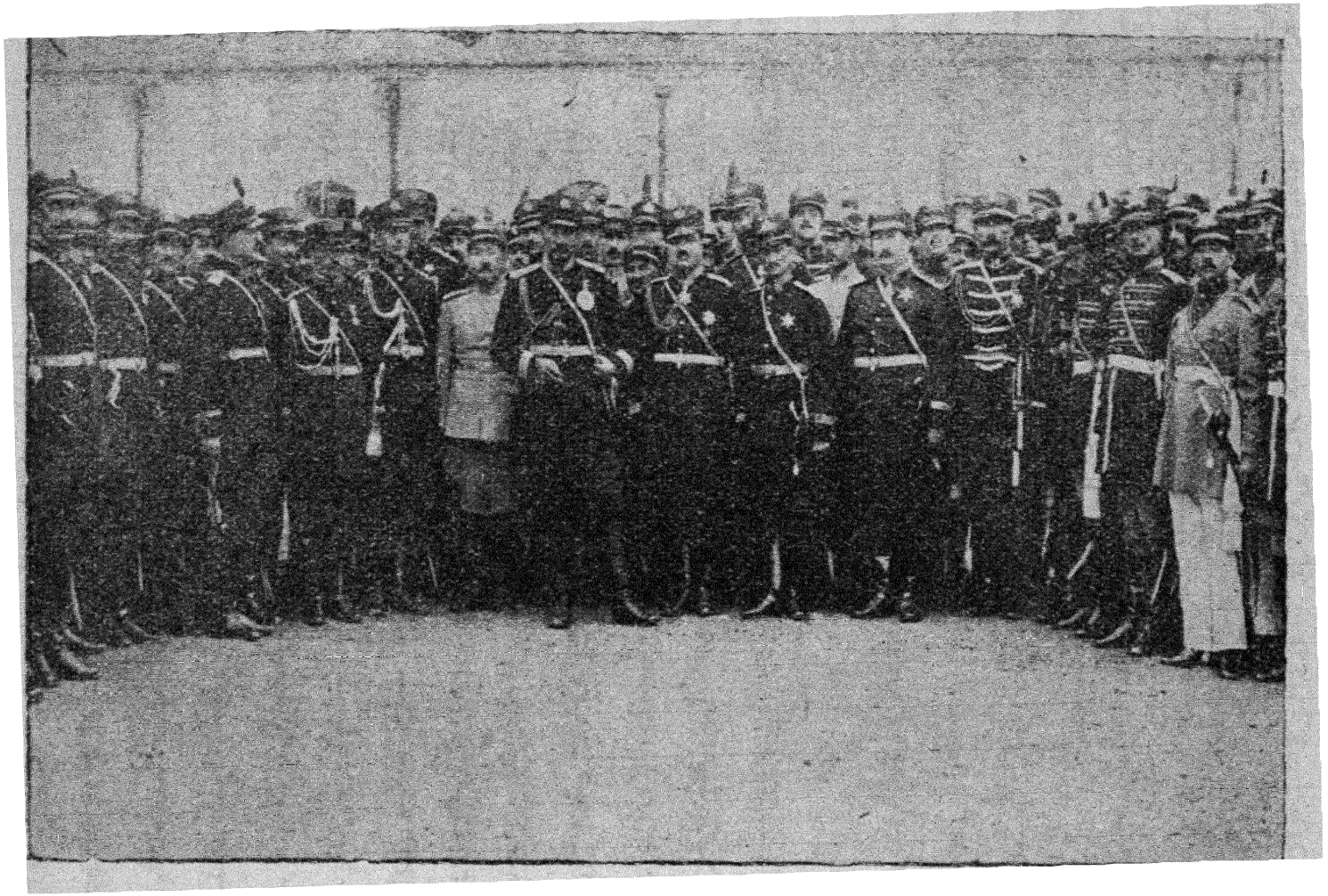

سردار سپه پس از استعفاء با فرماندهان ارتش برای خدا حافظی بمنظور حرکت برودهن دیده میشود

ایران نسبت بخانواده قاجار ایجاد شود ؛ ودرعوض محبت وعلاقه های بی حد حصر نسبت بسردار بزرگ ملی خود که ازدوران کودکی تمام ساعات عمرخودرا در میان باران گلوله گذرانده وسینهٔ خودرا سپربلای ملت و مملکت ساخته ، و با چهرهٔ گشاده برای سعادت ایران باستقبال مرگ رفته بود پیدا کنند .

کناره گیری دوم سردارسپه

این اندیشه ها سبب گردید که کم کم زمزمهٔ جمهوری طلبی در محافل ومجامع بلندشد وپس ازچندی طرفداران جمهوری علناً شروع به تبلیغ برضد سلطنت و پشتیبانی ازجمهوریت کردند. سردارسپه برای آنکه مبادا دربعضی از اذهان تولید شبهه شود وبین عناصروطنپرست دودستگی وتفرقه ایجاد گردد ، اعلامیه‌ای مبنی برخود داری جمهوری طلبان از تبلیغ این مرام صادر کرد . باوجوداین مخالفین سردارسپه وآنانکه طرفدار هرج ومرج وفئودالیسم ودغلی وناپاکی بودند چنین وانمود ساختند که رئیس الوزراء دراین جنبشها دخیل است وباصلاحدید او این فعالیتها انجام شده است باینجهت سردارسپه درحالیکه ازناسپاسی وحق ناشناسی این گروه ناجوانمرد سخت آزرده خاطرشده بود تصمیم بکناره گیری از کار گرفت ، ودرشب ۱۸ فروردین رسماً استعفای خود راتقدیم مجلس شورایملی نمود ،ودرحالی که طی اعلامیه‌ای علت کناره گیری خودرا پس ازآنهمه فداکاری ومبارزه بااجانب شرح داد ، وارتش را بافسران ارشدوآنهارا نیز بخدا سپرد شبانه بسوی (رودهن) عزیمت کرد .

این خبر در سراسر کشور برای دومین بار با بهت وحیرت عجیبی منعکس گردید وقلوب حق شناس میهن پرستان راسخت جریحه دار ساخت ،وچون وضع مملکت بسیار باریك ، وسران لشکرها تصمیم داشتند که لشکرهای خودرا رهانموده و بمرکز عزیمت کنند ، ودر نتیجه کشور یکبار دیگر مبدل بکانون هرج ومرج میشد ،رجال مملکت وعده‌ای ازنمایندگان مجلس وگروهی ازبزرگان ومعاریف کشور به رودهن عزیمت کرده وبااصرار وتقاضای بسیارسردارسپه را وادار ساختند که مجدداً زمام امور کشورا بدست گیرد .



سردار سپه درزمان رئیس الوزرائی

مجلس شورای ملی نیز با اکثریت تام بر رئیس الوزراء رای اعتماد داد و در نتیجه سردار و پیشوای بزرگ کشور پهلوی بار دیگر آماده فداکاری و جانبازی شد.

قتل ماژور ایمبری

در خلال این احوال مخالفین سردار سپه مخصوصا شاهزادگان قاجار و درباریان که موفقیتهای رئیس الوزراء را روز افزون میدیدند، حتی طنین دلیریها و فداکاریها و اقدامات مشعشع او در دنیای غرب منعکس شده بود، در صدد برآمد بهر قیمت که شده ضربتی موحش بسردار سپه وارد آورند.

یکی از این اقدامات ایجاد بلوا و جنجال بدست یکعده از عوام الناس در سقاخانه آقا شیخ هادی بود.

مامورین دربار قاجار بین مردم چنین شهرت دادند که سقاخانه آشیخ هادی معجز کرده است. مردم نیز دسته راه انداخته و در جلو سقاخانه اجتماع کردند. در خلال این احوال ماژور (ایمبری) کنسول امریکا در تهران مسیو (سیمور) یکی از اتباع آن دولت همانروز یعنی روز ۲۷ تیرماه ۱۳۰۳ برای برداشتن عکس جلو سقاخانه رفتند. مردم ممانعت کرده و بر اثر تحریک چند نفر، عده ای از عوام الناس ماژور ایمبری را چنان مضروب ساختند که بقتل او منتهی شد، و مسیو سیمور نیز در این کشاکش سخت زخمی گردید.

این امر سبب شد که علاوه بر دولت امریکا، سفیر ترکیه بنمایندگی از طرف سفرای آلمان و شوروی و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و بلژیك و افغانستان یاد داشت اعتراضیه ای نسبت بفاجعهٔ فوق بدولت ایران تسلیم کرد دولت نیز که در مقابل کار انجام شده ای قرار گرفته بود بلا فاصله مرتکبین دستگیر و سه تن را اعدام نمود و مبلغ صد و بیست هزار دلار خونبهای ماژور ایمبری بدولت امریکا و شصت هزار دلار نیز بهمسر او پرداخته و جنازه مقتول را با احترامات نظامی بامریکا فرستاد.

بدین ترتیب مخالفین سردار سپه نخستین ضربت ناجوانمردانه خود را وارد آوردند تا صدای دولتهای بیگانه را بلند کنند و با وجود این باز مترصد بودند بار دیگر ضربتی موحش تر از مرتبهٔ پیشین وارد آورند.

آخرین شورش لرستان

دراین موقع بر اثر تحریکاتی که بین ایلات عشایر میشد، مجدداً خبر رسید که در صفحات لرستان کلیه ایلات عشایر قیام کرده .

نیروی نظامی و شهر خرم آباد را محاصره نموده اند . وارتباط پادگان خرم آباد (تحت فرماندهی سرتیپ شاه بختی) را باخارج بکلی قطع ساخته اند. بلافاصله بفرمان رئیس الوزراء قوای نظامی مجهز بیهترین سلاحها با پشتیبانی زره پوش و ارابه جنگی برای نجات قوه محاصره شده عزیمت نمودند جنگ بسیار شدیدی در کوهها و دره های لرستان بین طرفین در گرفت و هواپیماهای جنگی نیز کلیه خطوط دفاعی و استحکامات اشرار را بسختی بمباران کردند. سردار سپه فرماندار که این بار یاغیان چنان سرکوب شوند که دیگر نتوانند از امر دولت مرکزی سرپیچی نموده نظامیان را بقتل رسانده و بمال و ناموس مردم دست درازی نمایند .

دراین کشاکش سرلشگر احمد آقاخان شجاعت بسیار ابراز داشت و بالاخره روز ۲۳ مرداد ۱۳۰۳ پس از جنگ خونینی بر اثر فداکاری سربازان و نظامیان، اشرار دچار چنان شکستی شدند که دیگر نتوانستند کمر راست کنند و در نتیجه لرستان بکلی از چنگال آنان نجات یافت .

احمد شاه چه میکند ؟ !

در آنروزهای تیره و تاری که ملت ایران در دروازهٔ مرگ و زندگی قرار داشت. و دولتهای بزرگ استعماری درصدد بلع این لقمهٔ چرب بودند احمد شاه قاجار در پاریس و نیس سرگرم عیش و عشرت بود.

در آنهنگام ایران در زیر چنگال فقر، گرسنگی، قحطی، ناامنی دست و پا میزد و هر دم بیم آن میرفت که شیرازهٔ امور کشور بکلی از هم گسیخته شود، و استقلال سه هزار سالهٔ این سرزمین باستانی محو و نابود گردد.

ولی شاه قاجار توجهی باین امور نداشت و کشتی نیم شکسته و طوفان زدهٔ

ایرانرا بدست حوادث سپرد، و اگرراد مردی از میان یك ملت دردمند و بینوا برنمیخاست و با کلیهٔ عوامل مخالف و دشمنان ایران مبارزه نمیکرد، مرگ واضمحلال کشور کوروش وداریوش قطعی بود .

موفقیتهای این سردار بزرگ و فرزند برومند ایران سبب شد که ترس ووحشی بی مانند، دردلهای سیاه مخالفین ایجاد شود. ازاین رودر جمادی الاول سال ۱۳۰۳ یعنی همان هنگامیکه سردار سپه سینهٔ خودرا آماج گلوله‌های خائنین قرارداده وشب و روز بجبهه‌های شرق وغرب وشمال وجنوب میپرداخت وبرای استقلال وعظمت ایران فداکاری میکرد ،احمد شاه در پاریس ومحمدحسن میرزا برادرو ولیعهداودر تهران میکوشیدند که باکمك دولتین انگلیس وروسیه سردار سپه راازبین برده و کشور ایرانرا بلردیگرعرصهٔ قتل وغارت وخونریزی سازند ، ودریك چنین محیط خون آلود بسلطنت وحکومت خود ادامه دهند .

درپاریس شاهزاده نصرت السلطنه ازطرف احمد شاه مامورشد که بلندن رفته وکمك دولت انگلیس را بجانب اوجلب کند، ولی نصرت السلطنه بحدی ازطرف مقامات دولت انگلیس مورد تحقیر وبی اعتنائی قرار گرفت که باسرافکندگی وبدون اخذنتیجه بپاریس باز گشت .

این امرنشان میدهد که ضعف نفس ولا ابالیگری شاه قاجار بحدی بود که حتی یکدولت بیگانه برای حفظ منافع خودهم نتوانست ازاو پشتیبانی کندوخویشتن را مورد نفرت وانزجارملت ایران قراردهد .

آنکسانیکه درآن ایام اوضاع ایرانرا مورد مطالعه قرارداده بودند ، از خونسردی احمدشاه که باوجود تقاضاهای بی‌دد بی شاهزادگان قاجار برای مراجعت بایران ، بازهمچنان درفکرخوشگذرانی بود، دچارتعجب وحیرت گردیدند .

درپاریس وسایرنقاط اروپا روزنامه ها و سیاسیون عقیده داشتند که چون ایران خیلی متشتت است ، و فئودالیسم وهرج ومرج و بیچارگی و بدبختی بحد کمال درآنجا وجوددارد، اگرانقلابی روی ندهد ویانابغه‌ای درآنسرزمین ظهور

نکند، بطور قطع آن کشور باستانی تجزیه خواهد شد .

مخصوصاً قراردادهای ننگین سال ۱۹۰۷ و۱۹۱۵ و۱۹۱۹ که همهٔ آنها برای تجزیه وتقسیم ایران آماده شده بود، بیشتر این نظریه را تأیید میکرد ، وهمه انتظار داشتند که سیاست خارجی ازاینموقعیت دقیق وحساس استفاده کندو کارایران را که هم ازلحاظ سوق الجیشی ، وهم ازنظرمنابع تحت الارضی بسیار گرانبها بود یکسره نماید .

احمدشاه گاه درپاریس و گاه درشهرنیس روزگارخوشی را میگذراند و از حال ملت ومملکت خودبیخبربود .اودرمقابل خواهش ها وتمناهای فرستادگان مخصوص دربار برای بازگشت بایران بهیچوجه روی خوشی نشان نمیداد ،حتی تلگرافهای سردارسپه را نیز که اورا بایران دعوت میکرد پاسخ نمیداد .

یکروزهنگامیکه درحیم‌زاده صفوی تازه ازایران وارد شهرنیس شده و ازطرف محمدحسن میرزا ولیعهد برای اوپیغام آورده بود که یا بایران مراجعت کند ویا سلطنت را بولیعهدخویش واگذارنماید . احمدشاه با خونسردی اشاره به کارناوال مجلل وبا شکوهی که دختران وزنان زیبای فرانسوی درآن سرگرم خواندن و رقصیدن بودند نموده گفت :آیاهیچ آدم عاقلی ازاین مناظرقشنگ چشم میپوشد ووقت خودرا صرف کارهای یك مملکت شلوغ و عقب افتاده که درآن جنگ و خونریزی بین ایلات وعشایرجریان دارد میکند ؟...

درشهر (نیس) روزهاو شبهااوقات پادشاه قاجارصرف دیدو بازدیدشاهزادگان و کنتس ها ودوشس‌های اروپائی میشد. گاهی نیزبا حاکم وفرمانروای قمارخانه معروف اروپا (مونت کارلو) ملاقات میکرد ...

درپاریس نیز بیشتر اوقات در (هتل مازستیك) بسرمیبرد ، وخبرنگاران فرانسوی اورامیدند که با رفیقه‌های خود درجنگل (بولونی) یا (ورسای) مشغول تفریح است ...

کم کم کاربجائی کشید که اطرافیان اونیز از این وضع دلسرد شدند وهمگی



سردار سپه قبل از عزیمت به خوزستان

اعتراف کردند که احمدشاه و خانواده قاجار بر اثر سهل انگاری و ضعف نفس و بی اعتنائی بکشور و ملت ایران مورد تنفر و انزجار عمومی قرار گرفته است.

چون درباریان و اطرافیان شاه قاجار از بازگشت او بایران نومید گشتند، در صدد برآمدند سردار سپه را که روز بروز برمحبوبیتش افزوده میشد بنحو دیگری از بین ببرند، و برای اینکار نقشهٔ ترور او را در کاخ گلستان طرح کردند، و حتی برای این کار چندتن از افسران کاخ سلطنتی قاجار را انتخاب نمودند. آنگاه برای انجام این امر جریان را در شهر نیس با احمدشاه اطلاع دادند، ولی شاه قاجار از ترس آنکه مبادا این توطئه ننگین کشف شود و آبروی او و حکومت صد و پنجاه سالهٔ قاجار بکلی از بین برود با این نقشه موافقت نکرده بدین ترتیب احمدشاه در اروپا فارغ از امور ملت و مملکت سرگرم کارهای خود بود، و بقول یکروزنامه نویس فرانسوی «با آنکه او پادشاه یک مملکت پانزده میلیونی بود، معهذا ترجیح میداد پادشاه مهمانخانه (نیس) و قمارخانه (مونت کارلو) باشد، و شاه ایران نباشد...»

لشگرکشی بخوزستان

روز ۳ مردادماه سال ۱۳۰۳ بود که بتهران خبر رسید که شیخ خزعل ملقب به (سردار اقدس) باطایفه خود موسوم به (بنی کعب) و عده‌ای از سرداران بختیاری کمیته‌ای بنام (کمیتهٔ سعادت) تشکیل داد و برضد حکومت مرکزی و سردار سپه قیام کرده اند.

پهلوی رئیس الوزراء و سردار سپه دانست که بالاخره شاهزادگان قاجار از یک طرف و سیاست خارجی از طرف دیگر، بدست یک شیخ جیره خوار اجنبی در صفحات جنوب آشوب بپا کرده، و درصدد تجزیه خوزستان و الحاق آن به اتحادیه عرب (پان آرابیسم) میباشد.

بدیهیست سردار سپه که تا آن تاریخ عمر و حیات و آسایش خود را وقف مبارزه و جنگ درراه استقلال و وحدت ایران کرده بود، این بار نیز مانند دفعات پیش تصمیم خود را گرفت و برای منکوب کردن قوائی که علناً از طرف بیگانگان پشتیبانی میشد آماده پیکار گردید.

شیخ خزعل برای آنکه بتواند ارتش جوان و نیرومند سردار سپه را بکلی قلع و قمع کند، علاوه بر اسلحه و مهماتی که از خارج از کشور باو رسید، باعده‌ای از مشایخ خوزستان و همچنین با جمعی از روسای ایل بختیاری متحد شد، و بدین ترتیب توانست بیست هزار جنگجوی عرب، و پانزده هزار تن از افراد مسلح بختیاری بریاست (امیر مجاهد بختیاری) آماده نموده و جمعاً باسی و پنجهزار مرد مسلح با دولت مرکزی بجنگ بپردازد. بغیر از این عده متجاوز بر شصت هزار تن از افراد ایلات کرد و قشقائی و بویراحمدی نیز منتظر بودند که بمحض حمله نیروهای خزعل، آنها نیز سراسر صفحات جنوب و غرب ایرانرا غرق در آتش و خون کنند.

بدین ترتیب سردار سپه میبایستی با ارتش جوان خود با قریب صد هزار جنگجوی مختلف که علناً خوزستان و کردستان و لرستان را از ایران جدا نموده و برای بخشیدن معادن گرانبهای نفت به بیگانگان شروع بکار کرده بودند، درجبهه و پشت جبهه بنبرد پردازد، و واضحست که این کار در آن دوران تاریك و وحشتزا، کاری بس دشوار و از عجایب لشکر کشی نیمقرن اخیر ایران بشمار میرود.

جلوگیری از دخالت بیگانگان

از طرف دیگر تشبثات و آنتریکهائی که بوسیله دستهای مرموزی انجام میبافت هر لحظه کار را مشکل تر میساخت.

نماینده سفارت انگلیس طی ملاقاتی که با سردار سپه کرد، ظاهراً بعنوان دلسوزی گفت چون شماره افراد کمیته سعادت خیلی زیاد است، و از طرف دیگر ممکن است بر اثر افروخته شدن آتش جنگ بلوله‌های نفت جنوب زیان وارد آید، و از این راه بمنافع دولت امپراطوری بریتانیا لطمه‌ای برسد، باینجهت صلاح نیست دولت ایران از راه جنگ و خونریزی داخل شود، و گرنه انگلستان چون در این امر ذینفع است، مجبور خواهد شد که در این قضیه دخالت کند.

سردار سپه که تا آنوقت کوشش باو لتیماتوم و سخنان کنایه‌آمیز بیگانگان علاقت نکرده بود گفت من نمیتوانم مملکت را در آشوب و هرج و مرج بجای گذارم، و در

حالیکه روزنامه‌های بین‌النهرین و سوریه و مصر، ایالات خوزستان را یك کشور جدید التأسیس عربی مینامند، و آنرا قلمرو امیرنشین خزعل میدانند، مملکت را بدست خائنین بسپارم و از مقدرات ملت و مملکت ایران چشم بپوشم آنگاه بدون آنکه توجهی بآنمرد بیگانه نماید تصمیم خود را بمورد اجرا گذاشت و یکعده از نظامیان را بفرماندهی سرتیپ فضل‌الله زاهدی مأمور کرد که از کهکیلویه بطرف بهبهان و فریدن عزیمت کنند، و از دوی دیگری از راه ساوجبلاغ و کردستان و کرمانشاه به پشتکوه فرستاد. یکعده از سپاهیان را نیز مأمور کرد که از راه خرم‌آباد بدزفول بروند و گروهی را نیز از اصفهان به بختیاری و بهبهان و رامهرمز اعزام داشت. خود سردار سپه نیز تصمیم گرفت بطرف جنوب حرکت کرده و ببوشهر برود. آنگاه از راه دریا بقوای خزعل حمله کند و بدینترتیب با نیروی خود از همه طرف اشرار و متجاسرین را محاصره نماید.

این اندیشه بزودی بمرحله عمل درآمد، و روز ۱۳ آبان سال ۱۳۰۳ سردار سپه بطرف جنوب حرکت کرد. و در حین حرکت این جمله تاریخی را بر زبان راند:

«میروم یا آخرین نغمهٔ ملوك الطوایفی را از میان برده، و یا در زیر خرابه‌های شوش مدفون شوم.»

سردار سپه از تهران باصفهان، و از آنجا بشیراز رفت. در شیراز خبر برخورد قوای نظامی با اشرار در کلیهٔ جبهه‌ها رسید. این خبرها همگی حاکی بود که نیروی دولتی با کمال موفقیت در فرونت های مختلف مشغول پیشروی است.

پاسخ دندان شکن

چون اثرات شکست در قوای متجاسرین نمودار گردید، یکبار دیگر کنسول انگلیس سردار سپه را ملاقات کرد و این بار بالحن جدی‌تر از دفعه سابق متذکر شد که چون خزعل تحت الحمایه انگلیس است باینجهت ما مجبوریم از تحت الحمایهٔ خود جداً پشتیبانی نمائیم و از ورود قوای دولتی بخوزستان جلوگیری کنیم. زیرا انگلستان علاوه برموقعیت سیاسی، وضع خاصی در ناحیهٔ خوزستان دارد، و لوله‌های کمپانی

نفت براثر لشکر کشی و جنگ در این سامان ممکنست صدمه ببیند و باینجهت دولت بریتانیا خودرا ناگزیر می بیند که در قضایای آن منطقه دخالت نماید.

سردار سپه باعصبانیت پاسخ داد که اولا در مورد لوله های نفت بهانه های شما کودکانه است و من ملزم میشوم که اگر براثر این لشکر کشی صدمه ای بآن وارد آمد غرامت آنرا بپردازم، وثانیاً اگر از این پس یکبار دیگر بایك چنین لهجه و با این طرز با من سخن بگوئید، من مجبور خواهم شد مناسبات خودرا با کلیهٔ مأمورین دولت انگلیس قطع کنم.

«شما باید بدانید که خوزستان یکی از ایالات ایرانست و خزعل نیز یکنفر رعیت ایران میباشد اگر او خودرا تحت الحمایه شما معرفی کرده خائن است و من نمیتوانم در اینمورد لاقید باشم، باینجهت اجازه نمیدهم دیگر در حضور من از این گونه سخنها بمیان آید».

پس از بیان این پاسخ دندان شکن در حضور کنسول انگلیس فرمان داد که کلیهٔ همراهان فردا صبح برای عزیمت بخوزستان آماده باشند. شهامت و سخنان سخت سردار سپه در برابر نماینده یکدولت مقتدر بیگانه، کنسول انگلیس را در جای خود میخکوب کرد بطوریکه دیگر نتوانست سخنی بگوید.

یکچنین مردانگی و رشادت و صراحت لهجه در عرض صدو پنجاه سال گذشته که دولت بریتانیا در شرق و شرق نزدیك روز بروز نفوذ و قدرت روزافزون میبافت بی-سابقه بود، و تا آنروز هیچ رئیس الوزراء و صدر اعظمی این قسم شخصیت ملی خود را در برابر بیگانگان نشان نداده و بایك نماینده خارجی اینطور صحبت نکرده بود.

من در حال حرکت بشوونت هستم

صبح روز بعد هنگامیکه سردار سپه عازم حرکت از شیراز بوشهر بود دستور داد هواپیماهای بمب افکن از شیراز پرواز کرده مواضع متجاسرین را بسختی بکوبند پس از آنکه سردار سپه وارد بوشهر شد خبر آوردند که هیئت دولت از تهران تقاضای مخابره حضوری دارند. همانندم که رئیس الوزراء در تلگرافخانه حضور یافت و مطلع



سردار سپه قبل از عزیمت به شیراز

شد که ازطرف سفارت انگلیس در تهران یادداشت شدیداللحن و تندی بدولت ایران تسلیم گردیده وطی آن ازاینکه رئیس الوزرای ایران فرمان لشگرکشی بجنوب را صادرکرده خشمناک شده ومتذکر شده بودند که چون دولت انگلیس درنوامبر سال ۱۹۱٤ بشیخ خزعل معروف به (شیخ محمره) وعده داد که برای حفظ جان ومال او واتباعش درهنگام خطر اقدام جدی بعمل آورد ، باینجهت دولت امپراطوری برای اجراء تعهدات خود نسبت بشیخ محمره وهمچنین برای حفظ وحراست جان ومنافع اتباع خویش مجبوراست که هرگونه اقدامی را که لازم میداند بعمل آورد.

چون سردار سپه ازمفاد این یادداشت استحضار حاصل نمود دستورداد فوراً ازطرف او پاسخی باین شرح بدهند :

«من عادت ندارم ونمیتوانم اینگونه یادداشتها را در کابینهٔ خود بپذیرم. معتقدات من همین است که بارها گفته‌ام وعجالتاً هم درحال حرکت بفرونت هستم .

تقاضای تسلیم بی قید و شرط

پس ازآن بلافاصله ازبوشهر سوار کشتی شده بطرف بندر دیلم عزیمت کرده در تمام این احوال ستونهای نظامی درکلیه جبهه‌ها بسرعت پیش رفته وقوای اعراب و ایلات را منهزم میساختند .

دراین هنگام ازطرف شیخ خزعل تلگرافی بعنوان سردار سپه واصل شد که تقاضای تسلیم بلاقید و شرط رابه نیروی ایران میکرد وضمناً استدعا مینمود که مورد عفو سردار سپه قرار گیرد.

سردار سپه بدون آنکه فرصت خودآرائی بقوای اشرار بدهد سخت آنها را از همه طرف مورد حمله قرارداد وخود از دیلم به زیدون وازآنجا بجبهه رفت . نظامیان وجب بوجب درآنجا جنگیده وتمام اراضی را از چنگ قوای شیخ وعشایر وایلات متمرد خارج ساخته بودند .

شیخ خزعل وامیر مجاهد و سرهنگ ارغون فرماندهٔ قوای اعراب که ازهمه سو

درمنگنهٔ قوای دولتی قرار گرفته و لحظه بلحظه حلقه پیرامون بدور آنها تنگ تر میشد هیچگاه باور نمیکردند در ایامی که احمد شاه قاجار در پاریس سرگرم خوشگذرانیست رئیس الوزراء مملکت خرد بجبهه آمده و در برابر آنهمه فشار های نمایندگان سیاسی خارجی مقاومت کند .

درعرض یك قرن و نیم اخیر سابقه نداشت که صدراعظمی از دارالخلافهٔ تهران از آغوش زنان و کنیزکان و دختران خوبروی حرم خارج شده و بمیدان جنگ برود .

سردار سپه پس از آنکه تمام اراضی تسخیر شده ، و سنگرها و قلاع اشرار را بازدید کرد تقاضای تسلیم خزعل را پذیرفت و با عده‌ای از همراهان خود بشهر ناصری رفت . ناصری مرکز و مسقط الرأس اعراب و شیخ خزعل بود . تمام کوچه ها و خیابان ها و بام و خانه ها غرق اعراب مسلح بود و با این وضع سردار سپه با شهامتی بی مانند از میان تفنگداران روی بستهٔ عرب گذشت و در کاخ پر از شکوه و جلال شیخ خزعل وارد گردید .

خزعل چکمه های سردار سپه را میبوسید

در اینجا مردی که تا چند روز پیش خود را فرمانروای مطلق خوزستان میدانست و در درون قصر خویش مانند خلفای افسانه‌ای هزار و یکشب زندگی میکرد و کشتی های او برروی رود کارون مانند زورق های هارون الرشید برروی دجله غرق نور و روشنائی بود ، با برومندترین فرزندان کشور روبرو گردید .

این پیرمرد ۶۵ ساله که تا یکروز پیش در قصر فرعونی خود حتی بفلك هم اعتنا نمیکرد ، بمحض آنکه سردار سپه را در برابر خود دید خویشتن را بپای او افکند و چکمه هایش را بوسید و بالحن تضرع آمیزی تقاضای بخشش کرد .

سردار سپه اورا از خاك بلند ساخت و با نهایت جوانمردی وی را استمالت نمود و باو گفت که از این پس دیگر باید چشمانش متوجه تهران باشد نه جای دیگر .

بدین ترتیب رئیس الوزراء و سردار بزرگ ایران پس از آنکه مدت یکماه از

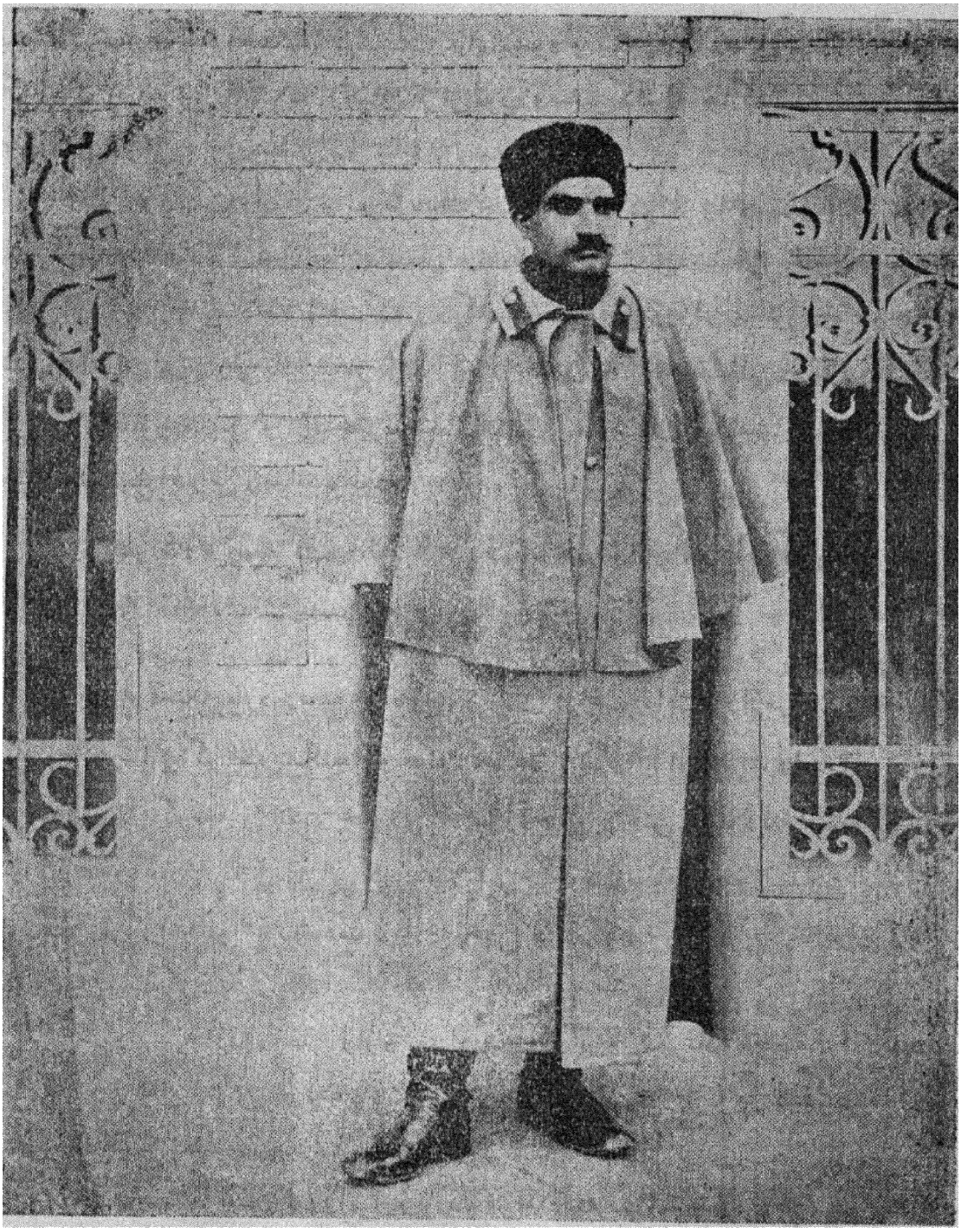

سردار سپه با لنل مخصوص خود

پایتخت خارج شد وصد ها فرسنگ راه پیمود و کوهها ودره‌ها ودشتها را پشت سر گذاشت ودر میدان جنگ ازمیان غرش توپ وصفیر گلوله ها گذشت. روز ۱۳ آذر ۱۳۰۳ کار انقلاب خوزستان را بپایان رساند

سردار سپه توانست در عرض یك چنین مدت کوتاه وارد سرزمینی شود که روزگاری گاهوارهٔ تمدن ایران باستان ومدفن بزرگترین شاهان وقهرمانان ایران بود. او بر سرزمینی دست یافت که یادگار قدیمی ترین دوران مجدوعظمت وجلال و شکوه ایران بود. ولی یك شیخ عرب آنجارا بصورت کشورمستقلی درآورده وحدود آن را ازخاور بفارس و ازباختر به شط العرب و ازشمال بکوههای بختیاری واز جنوب بخلیج فارس رسانده بود.

سردار سپه گفت من باید قربانی ملت ایران بشوم

زیارت عتبات

پس از آنکه سردار سپه از کار خوزستان فراغت یافت، وازمردم رنجدیدهٔ آن سامان که سالها گرفتار شکنجه وعذاب خزعل وپیروان او بودند دلجوئی کرد واز ده هاهزار کارگر معادن نفت جنوب که سردرخاك راهش میسودند استمالت نمود و یادگارها وآثارتاریخی ایران کهن را دید، حکومت نظامی خوزستان را به سرتیپ فضل الله خان زاهدی که رشادت زیادی بخرج داده بود سپرد وآنگاه برای زیارت عتبات عزیمت کرد.

سردار سپه ازراه بصره وارد بغداد شد واز آنجا بکربلا و نجف مشرف گردید. احساساتی که ایرانیان مقیم عراق درطول مسافرت سردار سپه در کلیهٔ شهرها ازخود نشان دادند بی نظیر و بی مانند بود.

هنگامیکه رئیس الوزراء اززیارت مرقد حضرت امام حسین (ع) بزیارت حرم حضرت ابوالفضل میرفت علاوه برصدها گوسفند که قدم بقدم درراه رشیدترین فرزند ایران قربانی میشد، مردی دو فرزند خودرا درسرراه اوافکند ودرحالیکه می گفت «من فرزندان خودرادرراه کسی قربانی میکنم که وطن مرا پاینده نگهداشت وآبروی

مرادر انظار یگانگان حفظ کرد . ، میخواست کاردرا بطرف حلقوم کودکان خود نزدیك کند که همانندم سردار سپه درحالیکه از شدت هیجان اشك ازدیدگانش جاری شده بود دست اورا گرفته گفت ، من بایستی قربانی ملت ایران بشوم .»

پس ازآن بحرم مطهر حضرت ابوالفضل رفت . درآنجاسردارر شید کهیکی از رؤسای طوائف کرد بود دوبار برضدسردارسپه بجنگ پرداخت وهردوبار بشدت شکست خورد ، درحالیکه بایکدست قرآن وبادست دیگردامان رئیس الوزراء را گرفته بود، باوسوگند داد که ازگناه وی درگذرد وازخطاهایش چشم بپوشد.

اونیزباکرامت همیشگی خود سرداررشید را بخشید و بوی اجازه داد که بایران بازگردد .

تقدیر ملت حق شناس ازیك سردار بزرك

سردارسپه پس از زیارت عتبات ازراه قصرشیرین وکرمانشاه وهمدان بطرف پایتخت رهسپار گشت . روز ۱۱دی۱۳۰۳ بود که سردارسپه واردتهران شد و بپاس فداکاریها وازجان گذشتگیهایش که استقلال کشوررا محفوظ داشت وحیثیت ایرانرادرسراسرعالم حفظ کردوصفحات جنوب راازچنگ صدهزار مرد مسلح نجات داد وخوزستانرا بایران بازگرداند ،طاق نصرتها برپاساختند وچراغانیها کردند وقربانیهانمودند وتاسه روزجشن وسرور وشادمانی درهمه جا برقرار بود.

روز ۲۵بهمن سال ۱۳۰۳ نیز مجلس شورای ملی ایران بپاس فداکاریهای سردارسپه اورا به «فرماندهی کل قوا» که مختص شاه مملکت است منصوب کرد و باو اختیارات تام داد .

حکومت موقتی

موفقیتها ومحبوبیتهای سردارسپه هرقدر بیشترمیشدبهمان اندازه مخالفین اوبیشترمیکوشیدند که بموقعیت وجان سردار بزرگ آسیب وگزند برسانند . در حینی که تشبثات وکینه توزیهای مخالفین استقلال ایران درخفا جریان داشت ملت ایران ازناجی حقیقی خویش روزبروزبیشتر تقدیر و تکریم مینمود، بطوریکه از کلیهٔ

شهرستانهای ایران تلگرافها ونامه های زیادی درضد خانواده قاجارواصل شدو گروه انبوهی ازاهالی ولایات که شنیده بودند ممکنست احمد شاه ازسفر فرنگ مراجعت کند همگی در تلگرافخانه ها و دارالحکومه ها تحصن اختیار کرده و انزجار شدید خودرا نسبت بقاجارابراز داشتند .

این امرهمچنان دوام داشت تا آنکه روز۹آبان سال ۱۳۰٤ فرارسید .

دراین روزدرمجلس شورای ملی جوش وخروش و غلغله عجیبی برپا بود و پیشنهادی بشرح ذیل از طرف عده‌ای ازنمایندگان مجلس شورای ملی بمجلس تقدیم گردید :

« نظر باینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و شکایاتی که از این خانواده »
« میشود ، بدرجه‌ای رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند ، ونظر باینکه »
« حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفه مجلس شورایملی »
« است وهرچه زودتر باید این فصل خاتمه باید داد ، امضاء کنندگان »
« باید دو ثلث اکثریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورایملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید »:
« ماده واحده – مجلس شورایملی بنام سعادت ملت ، انقراض سلطنت »
« قاجاریه را باعلام نموده وحکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و »
« قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار مینماید »
« تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای »
« تغییر مواد ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود »

در این جلسهٔ تاریخی نطق‌های مفصل وپرحرارتی ازطرف موافقین ومخالفین ایراد شد ، و حتی آن کسانیکه با این امر موافق نبودند در ضمن نطق خود از لایالیگری‌های خانواده قاجاریه انتقاد نموده وازخدمات وفداکاری‌های سردار سپه ستایشها کردند . ازجمله دکتر مصدق که جزواین گروه بود ضمن نطق خود چنین گفت : « راجع بسلاطین قاجاریه بنده عرض میکنم که کاملا از آنها مأیوس هستم . زیرا دراین مملکت خدماتی نکرده اند که بنده بتوانم اینجا ازآنها دفاع کنم و گمان هم نمیکنم کسی منکر این باشد . همین سلطان احمد شاه قاجار بنده را درفارس گرفتار سه هزار و پانصد پلیس جنوب کرد

بنده مدافع اینطور اشخاص نیستم. بنده مدافع اشخاصیکه برای وطن خودشان کار نمیکنند و جرات و جسارت حفظ مملکتشان را نداشته باشند و درموقع خوب از مملکت استفاده نموده و درموقع بد از مملکت غائب شوند نیستم

آقای رضا خان پهلوی خدماتی بمملکت کرده اند که گمان نمیکنم بر احدی پوشیده باشد وضع مملکت وضعی بود که همه میدانید. اگر کسی میخواست مسافرت کند اطمینان نداشت. اگر کسی مالک بود ودهی داشت بایستی چند نفر تفنگچی داشته باشد تا بتواند محصول خودش را حفظ کند ولی از وقتیکه ایشان زمام امور مملکت را در دست گرفته اند خدماتی بمملکت کرده اند که گمان نمیکنم بر کسی مستور باشد والبته برای حفظ خودم و خانه و کسان و خویشان خودم مشتاق و مایل هستم که شخص رئیس الوزراء رضا خان پهلوی در این مملکت باشد. برای اینکه من در این مملکت امنیت و آسایش میخواهم و در حقیقت از پرتو وجود ایشان ما در ظرف این دو سه سال اینطور چیزها را داشته ایم و اوقاتمان صرف خیر عمومی و منافع عامه شده و بحمدالله از برکت وجود ایشان خیالمان راحت شده و میخواهیم یك کار های اساسی بکنیم. »

بغیر از دکتر مصدق السلطنه، حاج مهرزا یحیی دولت آبادی نیز که جزو گروه مخالفان بود در همان جلسه مجلس شورای ملی درباره خانواده قاجار و سردار سپه ضمن نطق خود چنین اظهار داشت:

«چندی پیش من به حاج مخبر السلطنه گفتم سلطنت قاجاریه منقرض است، زیرا احمدشاه خودش بدست خودش این حق را از خودش سلب کرد و رفت زیر بیرق اجنبی نشست. بنده همیشه میدانستم که این سلطنت از ابتدا اساس نداشت و حالا هم هم اساسی ندارد. ما دچار گرفتاریها و ابتلائات و پریشانیها و کشمکش های زیادی بودیم، تا آنکه خدا خواست و شخص آقای پهلوی در این مملکت پیدا شد. پس از آنکه با ایشان آشنا شدم دیدم مردی است که بمملکت علاقه دار و دلش میخواهد مملکت ترقی کند، وجرأت و قوت هم دارد. یك عملیات و کارهائی کرد که امروز

مردمی که بمملکت علاقه دارند، دلشان میخواهد این مملکت نیز همرنگ دنیا شود و دلشان میخواهد ازاین ذلت و کثافت بیرون بیایند و باو متوسل شده‌اند و میگویند آقا بیا و ببد بختی ما خاتمه بده و یك چاره‌ای برای ما بکن- چرا در خانه من و شما نمیآیند ؟... چرا میروند و باو میگویند ؟ ... برای اینکه قدرت و توانائی در او می بینند و در من نمی بینند.

ما نمیخواهیم برویم متوسل شویم به آن شاه پوسیده و به آن درباری که وقتی رفتیم باید اشك بریزیم بحال آن دربار ! ....»

سرانجام پس از نطقهائی که از طرف نمایندگان مجلس شد و عموم آنها عدم لیاقت خانوادهٔ قاجاریه را علناً ضمن بیانات خود ابراز داشتند ماده واحده انقراض سلطنت قاجاریه با کثریت آراء تصویب شد و بدین ترتیب سلطنت قاجاریه در تاریخ ۹ آبانماه ۱۳۰٤ منقرض گردید.

غروب همان روز هیئت رئیسه مجلس شورایملی مادهٔ واحده را که بتصویب پارلمان رسیده بود برئیس الوزراء ابلاغ کردند و سردار سپه نیز نطقی باین شرح ایراد کرد:

«ازاین قدم مهم و تاریخی که دردوره پنجم مجلس شورایملی در راه»
« سعادت ایران و انقراض سلطنت قاجاریه برداشته و بحیات سیاسی این»
«مملکت بکروح جدیدی بخشیده است ورق العاده مسرورم واز این حسن»
«توجهی که در اعطای ریاست حکومت و سرپرستی ایران به بنده نموده اند»
« بی اندازه ممنون هستم و امیدوارم مجلس پنجم که قدمهای بزرگی»
«برای آبادی و ترقی ایران برداشته است در آتیه نیز موفقیت‌های بزرگی»
«احراز نماید. دوره پنجم در تاریخ مشروطیت ایران علاوه بر این اقدام»
« بزرگ خدمات مهمی بمملکت نموده واسم مهمی در صفحات تاریخ از»
« خود بیادگار گذارده است و من همیشه این حسن نیت نمایندگان دوره »
«پنجم و روابط حسنه‌ای را که با آقایان دارم فراموش نخواهم نمود.»

روز ۹ آبان ۱۳۰٤ باشلیك توپ، خلع سلطنت قاجاریه و تشکیل حکومت موقتی اعلام گردید.

رضاخان پهلوی رئیس حکومت موقتی اعلامیه‌ها و ابلاغیه‌ها بعنوان مامورین لشکری و کشوری صادر کرد و تأکید نمود که در راه حفظ نظم و امنیت و تامین آسایش

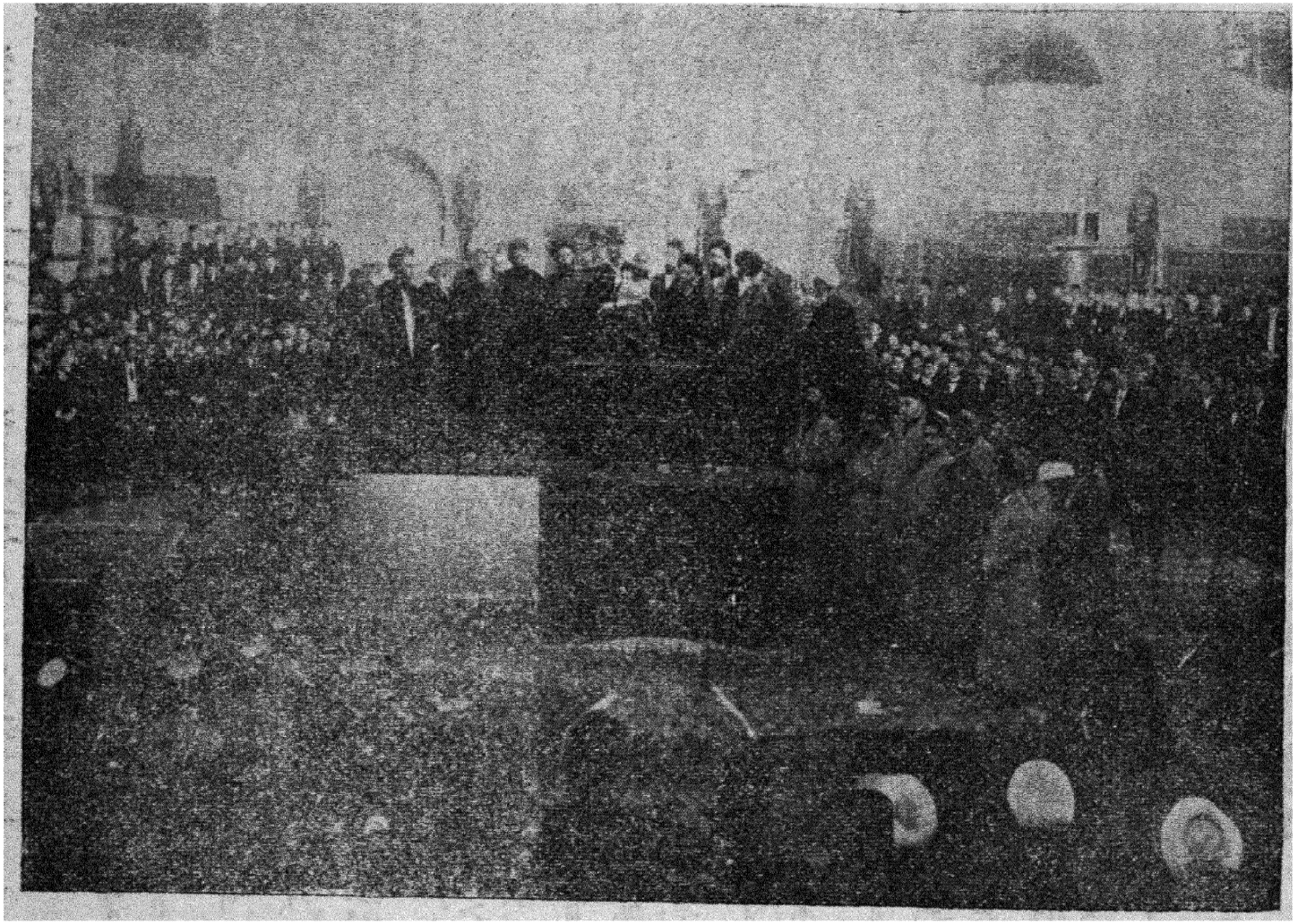

تشکیل مجلس مؤسسان و تعیین تکلیف ملت و دولت

مردم واحترام بشعائر اسلامی نهایت سعی و کوشش ومجاهدت رابعمل آوردند

آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی

روزیکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۰٤ مجلس موسسان بوسیله رئیس حکومت موقتی افتتاح گردید ، ومیرزا صادق خان مستشارالدوله بریاست مجلس مؤسسان انتخاب شد مذاکرات مفصلی درمحیط پرهیجان مجلس انجام گشت وبالاخره پس ازچندین جلسه روز ۲۱ آذر ۱۳۰٤ مجلس مؤسسان باا کثریت ۲۵۷ نفراز ۲٦۰ نفرعده حاضر سلطنت مشروطه ایران طبق اصل ۳٦ قانون اساسی باعلیحضرت رضاشاه پهلوی تفویض شد ومواد ۳٦ - ۳۷ - ۳۸ - ٤۰ متمم قانون را بصورت ذیل اصلاح و تصویب کرد :

اصل ۳٦- سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت ، بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت رضاشاه پهلوی تفویض شده ودراعقاب ذکور ایشان نسلا بعدنسل برقرار خواهد بود .

اصل ۳۷- ولایتعهد باپسر بزرگ پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود ، درصورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد ، تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه وتصدیق مجلس شورایملی خواهدبود . مشروط براینکه آن ولیعهد ازخانواده قاجاریه نباشد ، ولی درهرموقعیکه پسری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهدی با او خواهد بود .

اصل ۳۸- درمواقع انتقال سلطنت ، ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد . چنانچه باین سن نرسیده باشد باتصویب مجلس شورایملی نایب السلطنه ازغیرخانواده قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد

اصل ٤۰- همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبورفوق را یاد نموده باشد .

بدین ترتیب سلسلهٔ پهلوی ، بدست اعلیحضرت رضاشاه پهلوی فرزند برومند

میهن و یادگار شاهنشاهان بر عظمت ایران باستان تشکیل گردید. و روز سه‌شنبه ۲۴ آذر برای ادای مراسم تحلیف از کاخ گلستان بمجلس شورای ملی رفت، و روز چهارشنبه ۲۵ آذر رسماً بر تخت سلطنت جلوس کرد، و روز ۲۹ آذر نخستین کابینه شاهنشاه پهلوی بریاست مرحوم ذکاءالملك فروغی تشکیل گردید.

دراینموقع ازداخل و خارج مملکت هزاران تلگراف تبریك بمناسبت تشکیل سلسله پهلوی مخابره شد و در تمام شهرستانهای ایران جشن‌ها برپا گردید و چراغانیها شد و پادشاهان و رؤسای جمهوری و نخست وزیران ممالك مختلف تلگرافهای شادباش مخابره کردند

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی پس از انجام مراسم تحلیف قبل ازهر کار تصمیم گرفت دو قدم بزرك برای استقلال مملکت و احیای کشور بردارد یکی محو بقایای حکومتهای خانخانی و ملوك الطوایفی و دیگری سروصورت دادن بوضع بودجه و مالیه مملکت.

مقارن این ایام نا امنی‌هائی از طرف عده‌ای هرج و مرج طلب در گیلان و آذربایجان و خراسان شد و عده‌ای از ایلات خوزستان و لرستان و بلوچستان حسب المعمول باز شروع بتجاوزاتی کردند

رضا شاه بریگاد مرکزی وزاندارم را ضمیمه قزاق کرد، واز آن ارتش متحد الشکل و مجهز نوین را ایجاد نمود، آنگاه کلیه شورشیان و هرج و مرج طلبان و یاغیان را سرکوبی کرد و امنیت را در سراسر ایران برقرار ساخت و بدین ترتیب حکومت ملوك الطوایفی را بکلی از بین برد.

اصلاحات

همین زمان مستشاران امریکائی مشغول سروصورت دادن وضع مالیه بودند رضاشاه برای آنکه هرچه زودتر اصلاحات مملکتی بجامه عمل پوشدو ایران بیش از این قافله تمدن عقب نماند جداً شروع بکار کرد راههای شوسه در سراسر کشور ایجاد نمود، تا بدینوسیله اقتصاد و بازرگانی ایران را زنده نگهدارد.

آنگاه مدارس نظام ودانشکده صاحبمنصبی برای تربیت افسران لایق ایجاد نمود. تلگراف بی‌سیم، کشتیهای جنگی، اتومبیلهای زره‌پوش، کامیونهای نظامی، تانك، هواپیما، کارخانه‌های اسلحه سازی، کارخانهای صنعتی ازخارج کشور وارد ساخت و محیط مرده و مفلوك و عقب‌مانده ایران را ازمرکز کار و تلاش و فعالیت مبدل کرد. محصلین فارغ‌التحصیل ایرانی را برای تکمیل معلومات باروپا فرستاد، در تمام شهرها ذخیره خوار باروبرنج و گندم تهیه نمود و مقدار زیادی محصول و خشکبار ومواد خام ومواد صنعتی که مورد نیاز کشور نبود بخارج صادر کرد. تهران خراب ومنحلاب را که مایه ننك مملکت بود بصورت یکی از بهترین شهرهای دنیا در آورد. شهری جدید، در نقاط مختلف کشور بنا ساخت و بر فراز ویرانه‌های قرون گذشته مراکز تمدن جدید ایجاد کرد.

در سال ۱۳۰٤ هنگامیکه خشکسالی شدو قحطی پیش آمد، دولت چنان وسائل کار را قبلا آماده نموده بود که در کمال قدرت پانزده کرور تومان برای تهیه ارزاق بمصرف رساند وحال آنکه در قحطی زمان احمد شاه باندازه‌ای رقت بار واسف انگیز بود که تنها در تهران ده هزار نفر از گرسنگی مردند و احمد میرزا قاجار به نبارداری... و گندم فروشی اشتغال داشت.

درزمان سلطنت قاجاریه پادشاهان آن سلسله از بانکهای خارجی پول قرض نموده ویا با گرو گذاشتن تاج وجواهر و شمشیر وحمایل سلطنتی بفرنگ میرفتند ودر آنجا بعیش وعشرت وخوشگذرانی مشغول بودند... در آنزمان سربازان ایرانی باهیزم شکنی و کاه و آجر فروشی امرار معاش میکردند... ولی بمحض آنکه رضاشاه پهلوی بسلطنت رسید، بطوری براوضاع مسلط شدوشالودهٔ کار را محکم ریخت که نه تنها مایه اعجاب کلیه رجال ملی و اصلاح طلبان داخلی گردید، بلکه محافل خارجی را نیز دچار حیرت ساخت

عقیدهٔ بیگانگان در بارهٔ رضا شاه

در آن هنگام آوازه شهرت رضاشاه پهلوی و اقدامات مشعشع او در کلیه کشور

های متمدن گیتی پیچید، وروزنامه ها ومطبوعات جهان مطالب مبسوطی راجع بایران انتشار داده ورجال وسیاستمداران اغلب طی سخنرانیهای خودازاوضاع ایران و اقدامات رضاشاه پهلوی که توانست بزرگترین تحولات تاریخی رادر ایران بوجود آورد سخن میگفتند .

ازجمله (پروفسور هوپ) یکی ازرجال معروف امریکائی درانجمن بازرگانی امریکادرواشنگتن نطق مفصلی ایراد کرده است که خلاصه‌ای ازآنرا ذیلا نقل میکنیم:

«رضاشاه پادشاه جدیدایران، یکی ازپهلوانان برجسته وآباد کنندهٔ دنیای قدیم است که بتازگی ظهورنموده، وخیلی‌ها این پادشاه‌را (موسولینی) آسیامینامند ولی مقایسه مزبورمنصفانه نیست. شاه ایران مردیست بزرگتروعاقل ترازدیکتاتور ایتالیا - موسولینی ازناپلئون تقلید میکند، ولی پادشاه جدید ایران روش مستقل دیگری داردوشب وروز برای سعادت ملت خود کارمیکند اوشخصی است مهربان وفعال وعلاقمند بآبادی

امروزه ایران یکی ازجالب ترین ممالک دنیاست این مملکت قدیمترین واز بعضی جهات جوانترین کشورهای روی زمین است. ایران تقریباً درطول چهارهزار سال پیش آهنگ قسمتی ازاساسی ترین عقائد علمی وصنعتی دنیا بوده که یا خود مبتکرآن بشمارمیرفته ویا ازدیگران کسب کرده وبعد بسایرین اهدانموده است. ایران اعصار پرافتخاروباشکوه بسیار دارد. این کشورتامدت چندقرن ملکهٔ آسیای غربی بوده وامپراطوری روم رامغلوب نموده، وتمدن اسلامی راتحت نفوذواستیلای خویش درآورده تااندازه‌ای نهضت صنعتی اروپارا بقالب ریخته است درعین حال حوادث ناگواروبدبختیهای بزرگی هم گریبانگیرآن شده، ولی باتمام این احوال همواره بااستقامت واستعداد فوق العاده دوباره قدراست کرده وزندگی تازه خودرا شروع نموده است .

اکنون نیز پس ازیکدوره جنگها وخونریزی‌های ویران کننده، شروع بتجدید

سعادت خود کرده است و این تحولات برای سایر کشورها مخصوصاً امریکائیها قابل توجه میباشد . ایران نوین که بسرعت هرچه تمامتر مشغول اخذ اصول تمدن جدید است از پیشرفتها و ترقیات و دموکراسی امریکا پیروی میکند این کشور اکنون در رأس حکومت خود پادشاهی دارد که یکی از بزرگترین قهرمانان مولود جنگ است و عملیات او مورد حیرت و تحسین عموم میباشد ، بطوریکه میتوان گفت یکی از بزرگترین فرمانروایانیست که ایران طی هرچند قرن یکبار در دامان خود پرورش میدهد . سلسله‌ای که سابقاً در این کشور حکومت میکردند از اعقاب ترکمانان بودند که افراد آن ضعیف و خودپرست و نالایق بشمار میرفتند و یک رژیم ترکمانی در این کشور ایجاد کردند . اکنون بجای این افراد پادشاهی در ایران حکومت میکند که جرأت و پشتکار و کیاست و اشتیاق او بترقی و سعادت مملکت درخور عالیترین ستایشهاست ، او سیاستمداران و رجال فاسد و خائن را که میخواستند کشور را باجانب تسلیم کنند از میان برداشت ، و بدین ترتیب ایران جدیدی ایجاد نمود . مستشاران مالی امریکائی اکنون در آن کشور مشغول کارند ، و بر اثر جدیت و مساعی دکتر میلسپو رئیس مستشاران امریکائی مالیهٔ مملکت براساس صحیحی استوار گشته است . ایرانیها از حیث نژاد با ما یکی هستند و خیلی باهوش و مهمان نواز بشمار میروند و نسبت بعملیات معارف پرورانهٔ میسیونهای امریکائی شکر گزارند و تا کنون هیچ ملتی مثل ملت ایران امریکائی را مورد اعتماد و تمجید قرار نداده است .

تعیین ولایتعهد

روز پنجشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۰٤ جشن باشکوهی با حضور کلیهٔ رجال و سیاستمداران داخلی و خارجی و معاریف مملکت در کاخ گلستان برپا گردید ، و در آنجا فرمان ولایتعهدی شاهپور محمد رضا پهلوی ، فرزند ارجمند و والا گهر رضاشاه پهلوی قرائت شد

پس از تعیین ولایتعهد ، بار دیگر ملت حقشناس ایران از اطراف و اکناف کشور

تلگرافها و نامه‌ها و چکامه های شادباش بپدر تاجدار خود مخابره کرده و از انتخاب ولیعهد اظهار مسرت و شادمانی نمود وتامدتی مجالس جشن وخوشحالی در تهران وولایات برپا بود .

اعلیحضرت رضاشاه پهلوی برای آنکه فرزند ارجمند وولیعهد ایران راطوری بزیوردانش و کمالات بیاراید که از هرجهت جانشین با کفایتی برای او بشمار رود در تعلیم وتربیت آن شاهزاده نهایت مراقبت را بعمل آورد واستادان بزرگ برای تعلیم او تعیین کرد و علاوه بر دانش اندوزی ، تأکید نمود که از کلیه فنون نیز باید بهره‌مند گردد .

یادی از کریمخان زند

میگویند آغا محمد خان قاجار مؤسس سلسلهٔ قاجاریه ، زمانیکه برضد کریمخان زند قیام کردو بعد بدست سپاهیان وکیل الرعایا شکست خوردواورا بعنوان اسیر نزد کریمخان آوردند ، وکیل الرعایا بحدی باو رأفت ومهربانی کرد که عموم درباریان ونزدیکان کریمخان ازجوانمردی وبزرگواری او ستایشها وتمجیدها کردند .

این موضوع راخود آغامحمدخان نیز بعدها که بسلطنت رسید برای اطرافیان خود تعریف مینمود وروزی برای آنها گفت با آنکه کریمخان بامن بالاترین محبتها ومهربانیهارا کرد ، معهذا من بدون آنکه خود از علت آن باخبرباشم کینه خاندان زندرا بدل داشتم ومیخواستم بهرطریقی شده چشم زخم وزیانی بآنها وارد آورم و چون در آن هنگام دستم ازهمه جا کوتاه بود بانوك قلمتراش خودتاروپود قالیهای گرانبهای دربار سلطنتی را پاره میکردم واکنون که آن قالیهای نفیس بدست خودم افتاده از این کینه‌توزی خودتأسف میخورم که چرا بایددست بچنین کاری دراز کنم!

آغامحمدخان قاجار بایك چنین خصلتی که خوداواز آن متعجب ودرشگفت بود ، پس ازآنکه بالاترین ضربتهارا بخاندان زند زدولطفعلیخان پهلوان دلیرزند را کور کرد وبیست هزار جفت چشم ازمردم شهر کرمان درآورد ، دستور داد که استخوانهای کریمخان وکیل الرعایا را ازقبرخارج کرده ودرمحلی درزیرپای وی

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در کنار دیوار مجلس رسمی

دفن کنند تا روزها هنگامیکه برتخت سلطنت می نشیند ، استخوانهای کریمخان در زیرپای او باشد ...

این سبعیت و وحشیگری که در تاریخ زندگی بشری کمتر نظیر دارد ، همچنان

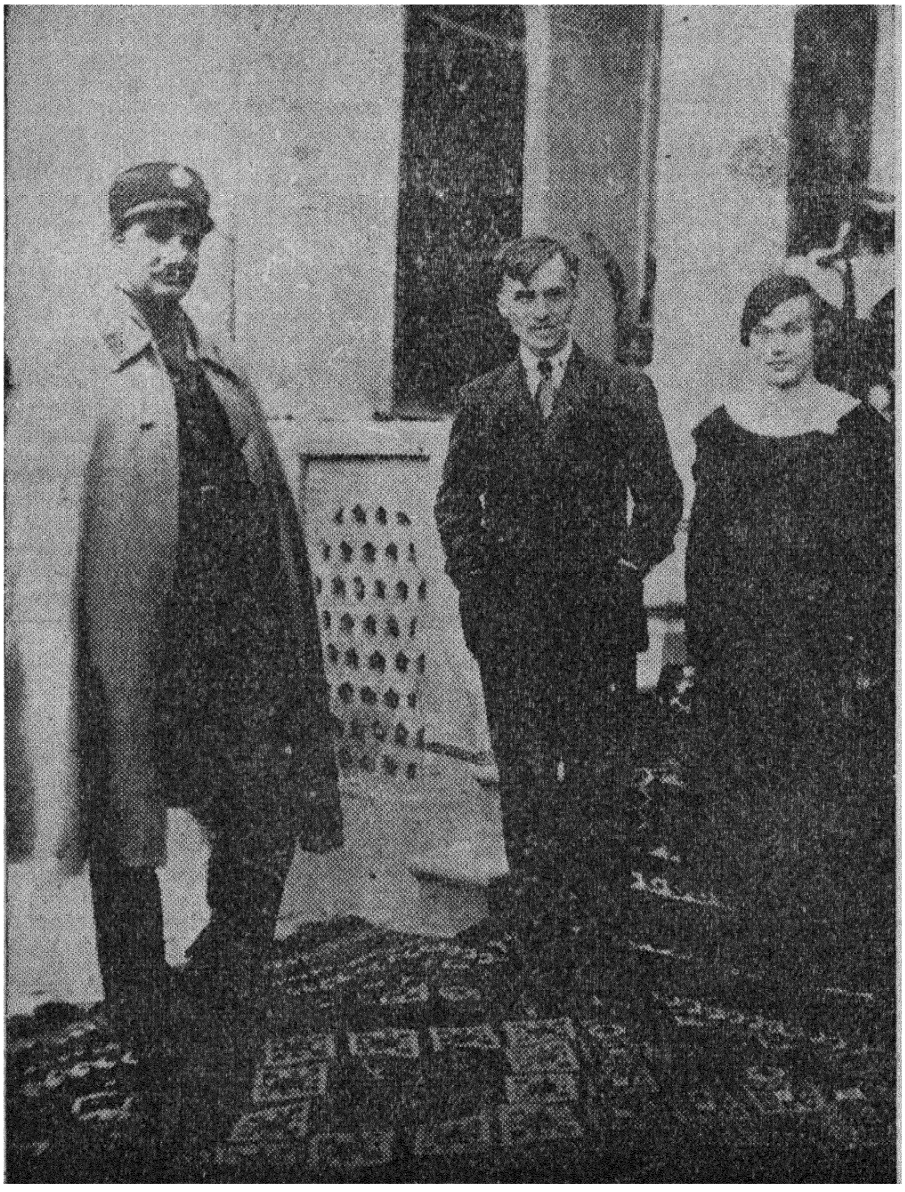

رضاشاه قبل از تاجگذاری سفیر انگلیس اورا ملاقات وراجع بآزادی شیخ محمره (خزعل) مذاکره می نماید

دوام داشت ، تا آنکه سلسله قاجاریه منقرض گردید و اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بر

تخت سلطنت جلوس نمود. وبیاد آن رادمرد دلیری افتاد که عمرخودرادرراه خدمت بملت ایران صرف کرد. وباآنکه بمقام پادشاهی رسیده بود، معهذا تنها بنام وکیل‌الرعایا اکتفانمود.



پهلوی اول با افسرانیکه در کودتا شرکت کرده‌اند
رضاشاه فقید باعلامت (+) مشخص شده است.

اعلیحضرت رضاشاه فرمان داد که استخوانهای پوسیده کریمخان زندرا که یکقرن ونیم پایکوب بی‌عدالتی خانواده قاجارشده بوداززیرپابیرون آورند وآن رادرآرامگاه ومحل مناسبی که سزاوارآن مرد بزرگ بود باتجلیل واحترام دفن کردند وخود نیز بر مزار کریمخان زند رفت و بر روان آن رادمرددرود ها فرستاد.

خاندان زند که یکچنین بزرگواری رااز پدرملت وسردودمان سلسلهٔ پهلوی مشاهده نمودند، برسم حق شناسی شمشیر کریمخان زند را به پیشگاه شاهنشاه تقدیم کردند.



اعلیحضرت رضاشاه پهلوی اول پس از تاجگذاری

تاجگذاری

رضا شاه پهلوی پس از انجام امور فوری مملکت و بنیان نهادن شالوده ترقیات و پیشرفتهای آینده ، روز یکشنبه ٤ اردی بهشت ١٣٠٥ در کاخ گلستان حضور یافت ، و با حضور بزرگان مملکت ، و رجال داخلی و خارجی مراسم تاجگذاری ، باشکوه بسیار انجام یافت .

آنگاه برای تقویت بنیهٔ مالی مملکت دستورهای اکید صادر نمود و در نتیجه در مدت کوتاهی چرخ های فعالهٔ کشور بکار افتاد و سربازان و نظامیان که در راه استقلال وطن و احیای ایران جانبازیها کرده بودند ، بجای گچ و آجر و آهك که در زمان قاجاریه میگرفتند ، از حقوق و مزایای حقهٔ خود بهره مند شدند و وضع مالیات در سراسر کشور سروصورتی بخود گرفت .

پس از آن رضا شاه کاپیتولاسیون را که بزرگترین ننگ ملی بود لغو کرد ، و رسماً افراد ملت ایران را با اتباع بیگانه از لحاظ حقوقی در کلیهٔ امور برابر دانست و بدین ترتیب بدنیای متمدن اعلام کرد که ایران و ایرانی زنده شده و دیگر دوران نکبت بار پیشین برای همیشه از این کشور رخت بر بسته است .

شانزده سال سلطنت

رضا شاه کبیر طی شانزده سال سلطنت خود ، از ١٣٠٤ تا ١٣٢٠ شمسی ، خدمات گرانبهائی با یران و ملت ایران انجام داد .

رضا شاه یك کشور منحط و مضمحل را که در آستانهٔ نیستی قرار داشت ، و دولت های بزرگ خارجی چند بار در صدد تجزیه و تقسیم آن بین خود برآمدند و قرارداد هائی هم در اینخصوص در سالهای ١٩٠٧ و ١٩١٩ منعقد گردید از خطر نجات داد ، و بار دیگر پرچم بخاك افتاده ایران را بلند نمود و آنرا بر فراز قلل کوهها و دردل صحاری وسیع ، و در طول مرزهای ایران برافراشت .

رضا شاه حکومت ملوك الطوایفی و فئودالیسم را که چون موریانه ریشهٔ استقلال

ایران را میخورد ، ومملکت را بآستانهٔ فنا نزدیك میکرد از بین برد ، ودست خائنین داخلی را که با کمال شقاوت حلقوم ملت را میفشردند قطع کرد . و یاغیان و طاغیان و متنفذین محلی و سران گردنکش ایلات و عشایر ، وجیره خواران بیگانه ، و حکام خود خواه مستبد را سر کوب کرد ، وامنیت را که در آنهنگام در هیچ نقطه کشور معنی و مفهومی نداشت ، در سراسر مملکت برقرار نمود .

رضاشاه وحدت و مرکزیت و تمامیت ارضی ایران را حفظ کرد ، و آبرو و حیثیت از دست رفتهٔ ایران را مجدداً بدست آورد ، و ایران را در نزد بیگانگان سرافراز و مفتخر ساخت ، وروابط دوستانه با کشورهای همسایه و ممالك معظم و متمدن جهان برقرار نمود .

رضاشاه کشور عقب افتاده و مردم بیسواد ایران را که از تمدن غرب کاملا بی بهره بود و گوئی هنوز در دوران قرون وسطی زندگی میکنند ، از مدنیت قرن بیستم و دانش و فرهنگ جهان متمدن جدید برخوردار ساخت ، و برفراز ویرانه های قدیم ، شهرهای آباد و کارخانه ها و مراکز مهم علمی و صنعتی و کشاورزی ایجاد کرد .

رضاشاه باتقویت ارتش و حفظ مرزهای ایران جان تازه ای در کالبد بی جان ایران دمید و هستی و موجودیت ایران را در برابر مطامع دول بیگانه حفظ نمود .

خدمات رضا شاه نه تنها از لحاظ ملت ایران ، بلکه از لحاظ بین المللی نیز حائز اهمیت است ، زیرا او بود که یکی از مقتدر ترین ممالك دنیای قدیم را بار دیگر در منطقهٔ خاور میانه زنده کرد ، و امنیت این ناحیه حساس را با سیاست و تدبیر و کاردانی مخصوص خود حفظ نمود بطوریکه اقدامات او در محافل سیاسی خارجی و در مطبوعات بیگانه همواره مورد بحث قرار داشت .

اینك درباره یکایك اقدامات این مرد بزرگ که سراسر عمر خود را صرف مبارزه و جهاد با فساد و تأمین آسایش و رفاه ملت و آبادی و عمران کشور کرد بطور اختصار سخن میگوئیم .

خدمات فرهنگی

ایرانیها ، صددرصد بیسوادند ! !

زمانیکه سلطان احمدشاه‌در پاریس ، فارغ‌ازملت ومملکت در هتل‌ماژستیك ودراپرای بزرك آنشهرسرگرم‌عشقبازی‌بارقاصه های‌طلائی بود ، درهمانموقع‌ملت فقیرومستمند وبینوای‌اودرجهل‌وبیسوادی وبدبختی دست‌وپا میزدند .

یك‌سیاح فرانسوی که‌درآنزمان بایران‌آمده بودواوضاع رقت‌باراین کشور را ازنظر گذراند ، درمراجعت شرح خجالت‌آوری درباره‌ایران نوشت که‌موجب سرافکندگی‌و شرمساری‌هرفرد میهن‌پرستی میشود. این‌جهانگردنوشته بود:

«آن‌چیز هائی که من‌درتاریخ ایران قدیم‌خوانده بودم ، وآن‌مطالبی که، «هرودوت»،و« گزنفون» و«پلوتارك» درباره این قوم‌باستانی‌نوشته بودندبهیچوجه، « باوضع کنونی‌ایران‌وفق‌نمیداد.»

« اگربایرانیان که‌هنوزدرمهمان نوازی‌سنن‌وخوی‌دیرین‌راحفظ کرده‌اند، «برنخوردوازمن‌نرنجند ، باید بگویم‌مردمی که‌امروزه درایران‌زندگی‌میکنند، «یکمشت‌قاطرچی ، ورمال ، وروضه‌خوان،وآخوند بیسواد هستند که از فرهنك، «وتمدن بهیچوجه خبری ندارند.»

«اینان درجهل وتعصب‌عمیقی بسرمیبرند که‌مشکل‌است باین‌زودیها بتوان، «آنهارا ازاین خواب‌عمیق بیدار کرد ، واگربگویم‌دربین‌هرصدنفرایرانی ، همهٔ، «آنها بیسوادند گزاف نگفته‌ام !!»

این‌بود نظریهٔ یکی‌ازبیگانگان که وضع‌ایران و مردم اینکشور رادرعهد سلطنت‌آخرین پادشاه‌قاجار دیده،وملتی را که‌بینانگزارتمدن دنیای کهن‌بوده و بعد بآن تباهی‌وخواری افتاده ، آنطور معرفی کرده است .

ولی‌روزیکه رضاشاه رویکارآمدودست باقدامات‌اصلاحی‌زد، نخستین کاری که کرد این بود که‌آن ملت‌عاطل‌وباطل‌وبیسواد راکه‌نه‌از اوضاع داخلی خود

ونه‌از اوضاع دنیای خارج اطلاعی داشتند ، ومعلومات آنها فقط منحصر بهمان داستانهای شاهنامه بود که‌در قهوه خانه‌ها میشدند ، باعلم و فرهنك آشنا کندو بر کالبد بیجان آنان روحی تازه بدمد .

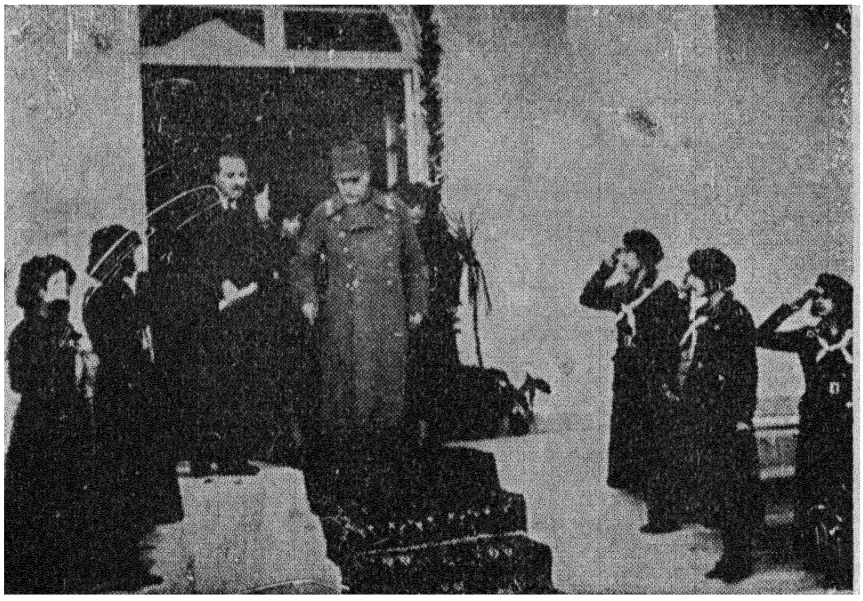

اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر هنگام افتتاح هنرسرای عالی دختران

برای انجام این منظور شروع بکار کرد ، وبجای مکتب خانه‌ها مدارس نوین ایجاد نمود ، و کودکان ونونهالان میهن را که‌درمیان ولگردان و رجاله ها درس ناپاکی ورزالت میخواندند ، درمدارس بتعلیم علم ودانش وادار ساخت .

کم کم در شهرها ودهات دور دست نیز مدرسه‌ها ایجاد شد ، و کار بجائی کشید که‌حتی بچه چوپانها ، واطفال زارعین ، و کودکان پنبه‌دوزها وسبزی فروشها وافراد طبقه سوم همه باميل ورغبت مشغول فراگرفتن علم ودانش شدند

آنگاه دانشکده‌ها ایجاد شد وجوانانیکه آرزوی آموختن علوم و فنون عالی را داشتند درانشگاه مشغول تحصیل دررشته‌های مختلف شدند .

گروهی نیز که‌علاقمند بودند دارالعلمها ودانشگاههای بزرگ خارجی را ببینید همه ساله بخارج کشور برای تحصیل دانش اعزام میگشتند

بطوریکه بجای ملاها و آخوندهای قدیمی ،مهندسین و پزشکان وحقوق دانها ودکترهای متخصص دررشته‌های اقتصاد، ادبیات ، علوم ، صنایع ظریفه ،راهسازی معدن شناسی، برق ، شیمی ، فیزیك رویکار آمدند.

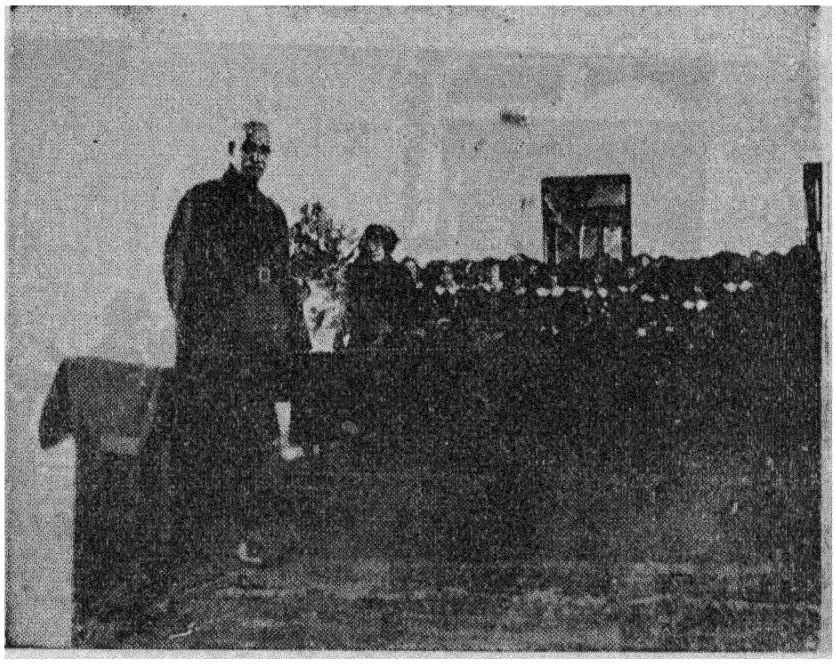

اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در هنرسرای عالی دختران

در مدارس بجای ملاباجی ها وروضه خوانهای بیسواد ،استادان عالیقدر وتحصیل کرده مشغول کارشدند وبآموزش وپرورش جوانان پرداختند .

رضاشاه بابنیان گذاشتن فرهنگ نوین بزرگترین خدمت را بایران کرد بطوریکه امروزه اینهمه مهندس و پزشك وحقوق دان ونویسنده وریاضی دان وافراد دانشمند که در کشور وجود دارند ،همه کسانی هستند که از کارخانه آدم سازی او بیرون آمده اند وهمینها هستند که شالودهٔ سعادت آینده کشور ونسلهای آینده را خواهند ریخت.

ایجاد ارتش نوین

ایران قویترین کشور شرق میانه است

خسارات وزیانهائیکه براثر لاابالیگری وضعف سلاطین قاجار بایران وارد آمد

شاید در تاریخ اینکشور کمتر نظیر داشته باشد .

زیرا بر اثر عدم توجه بقوای نظامی وضعف نیروی دفاعی و اشتغال بعیش و عشرت و سر گرم بودن درحرمسراها و کنیز کان ماهرو و شهوترانیهای بی حدوحصر قسمتی از خاك ایران در قفقازو ترکستان و افغانستان و بلوچستان و عراق ازاینکشور

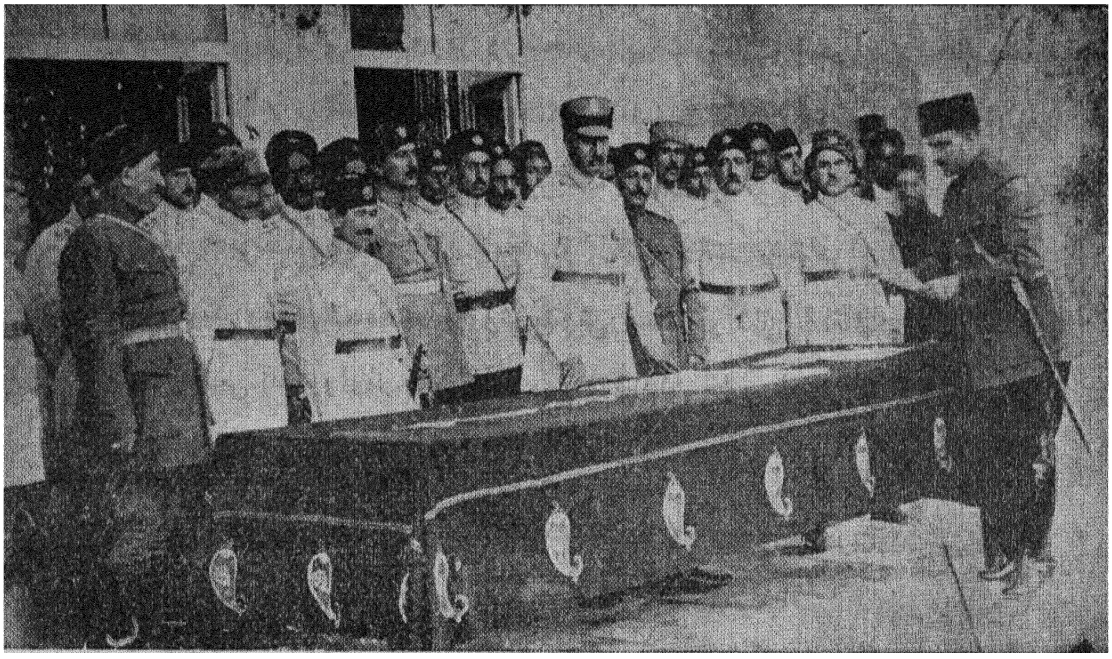

پهلوی اول رضاشاه فقید بانفرات ژاندارم و قزاق یك سازمان قوی تشکیل داد

منتزع شد و ضمیمه خاك دول خارجی گردید .

ازاین رو هیچ مورخ میهن پرست و هیچ محقق باانصافی نمیتواند اینهمه ضعف و سستی و بی اراد گی ولاابالیگری را که درعرض تقریباً یکقرن و نیم حکومت قاجار دراینکشور وجود داشت نادیده انگارند وازاظهارتأسف وتأثرخودداری کنند .

رضاشاه برای جبران گذشته های تاریك . وجلوگیری ازآن وضع اسفناك دست به تشکیل یك ارتش نوین وقوی زدو بوسیلهٔ همین ارتش برد که حکومتهای ملوك الطوایفی راازایران برانداخت وقوای بیگانه راازمرزهای کشور بیرون راند واستقلال وتمامیت ارضی ایرانراحفظ کرد .

پس از آنکه برتخت سلطنت جلوس نمود برای تقویت ارتش قدمهای بلندی برداشت وافرادی را که بفنون نظامی بهیچوجه آشنائی نداشتند وحتی طرز بدست گرفتن تفنك رانمیدانستند درسربازخانه هابه آموختن فنون نظامی وادار کرد .

جوانانی را که غالباً درحجره های تنك وتاریك ودردهلیزهای خاموش بازارها ساعتها ساکت وآرام نشسته ویا در صحاری بکشاورزی وشخم زدن زمین ویا در سرگردنه هابراهزنی اشتغال داشتند، همه را باتعلیمات نظامی افرادی ورزیده وکاردان وچست وچالاك وبااحساسات ومیهن پرست بارآورد .

باایجاد نظام وظیفه اختلاف طبقاتی راازبین برداشت، وشاهزادگان وفرزندان رجال عالیقدر ومعاریف مملکت رادوش بدوش روستازادگان واطفال کارگروپیشه ور بخدمت مقدس نظام وادار کردوحتی بین فرزندان خود باسایرجوانان فرق و تفاوتی ننهاد .

قوای نظامی را که درگذشته فاقد شخصیت وآبروبودو قدرت نداشت حتی در برابرقلع وقمع دسته های چهارپنجنفری دزدان کفایت ولیاقتی نشان دهدوبجای حقوق کاه وآجرویونجه دریافت میکرد وغالباً به هیزم شکنی عملگی امرار معاش مینمود بصورت مجهزترین ارتشهای دنیادرآورد .

بطوریکه قوای پیاده نظام وسواره نظام وتوپخانهٔ ایران درکلیهٔ جنك های داخلی لیاقت وشایستگی فوق العاده خود رانشانداد .

پس ازآنکه اوضاع کشورآرام شد، روزبروزنواقص این نیروهامرتفع گردید ودرتقویت آنها کوشش بعمل آمد .

بعلاوه نیروهای موتوریزه ومکانیزه وقوای هوائی وضع ارتش ایران رابکلی دگرگون ساخت وقدرت ونیروی فوق العاده بقوای دفاعی ایران بخشید .

ازاینها گذشته نیروی دریائی ونیروی هوائی راایجاد کردوروزبروزدرتقویت آنها کوشید بطوریکه علاوه برموارد نمودن هواپیماهای جنگی ازخارج کشور، کارخانه های هواپیماسازی شهبازرادرتهران ایجاد کرد که محصول آن درسالهای

اولیه وتهیه اشیاء وابزار یدکی شایان توجه بود.

برای تربیت افسران مجرب وآزموده دبیرستان نظام ودانشکده افسری را ایجاد نمود که همه ساله عده زیادی افسران لایق و کاردان از آن فارغ التحصیل میشوند ودر نقاط مختلف کشور در پادگانها و سربازخانه ها مشغول انجام وظیفه هستند. بعلاوه عده ای از افسران را برای تکمیل تحصیلات خود باروپا فرستاد. بطوریکه اکنون جمعی ازبهترین سران نظامی ما همان کسانی هستند که در دانشگاههای اروپا تحصیل کرده اند.

برای حفظ امنیت درداخل کشور، قوای ژاندارمری وتشکیلات شهربانی را ایجاد کرد وآنهارا بصورت آبرومندی درآورد، بطوریکه درمملکتی که در پشت دروازه های پایتخت آن همه روزه قتل وآدم کشی ودزدی میشد واشرار حتی تادروازه



شاه فقید در کلیه جشنها حاضر و بکلیه امور شخصاً رسیدگی ودستورات متین و پرمغز صادر میکرد

های تهران پیش می آمدند، چنان نظم و امنیت برقرار گردید که اگر کسی از مرزهای شرقی بمرزهای غربی کشور میرفت، وصحاری وسیع و کوههای مرتفع را زیرپا میگذاشت حتی ازبینی او یك قطره خون نمیآمد وازجان ومال ونوامیس

خود اطمینان کامل داشتند .

برای تأمین احتیاجات نظامی و تهیهٔ اسلحه و ابزار جنگی گذشته از سفارشهائی که بکشورهای خارج داده شد ، کارخانه‌های اسلحه سازی متعددی ایجاد کرد و مقدار زیادی از سلاحهای جنگی و مواد مورد نیاز را در داخل کشور تهیه نمود .

در نقاط مختلف کشور فرودگاههای مختلف هوائی ، و سربازخانه های متعدد بوجود آورد و بدین ترتیب شالودهٔ یك ارتش مجهز و نیرومند را ریخت بطوریکه وزیرمختار ایتالیا در ایران طی گزارشی که راجع بوضع وقوای دفاعی این کشور برای دولت ایتالیا فرستاد متذکر شد که ، ایران قوی‌ترین کشور شرق میانه است و جلب دوستی ایران برای دولتهای محور ، آلمان و ایتالیا و ژاپن ، سود بسیار خواهد داشت

ایجاد طرق و شوارع

رضاشاه خلیج فارس را ببحر خزر متصل کرد

در یك کشور پهناور مثل ایران که مساحت آن متجاوز بر یك میلیون و ششصد



پس از اتمام راه آهن سرتاسری ، در اولین مسافرت شاه فقید ، والا حضرت ولایتعهد نیز همراه پدر تاجدار خود بود.

هزار کیلومتر مربع است ، ارتباط شهرها و نقاط حساس و مهم بیکدیگر یکی از کارهای بسیار مشکل بشمار میرود . زیرا ایران در زمانیکه رضاشاه تازه بر تخت سلطنت جلوس کرده بود هنوز دارای همان راههای کاروان رو قدیم عهد کوروش و داریوش بود. و همان پالکی ها و کجاوه های عجیب و غریب در این راههای باریک و خطرناک از فراز کوه ها و گردنه های صعب العبور و صحاری خشک و کویرهای پهناور میبایستی عبور کند ، و غالباً در فصل زمستان بواسطه مسدود بودن راهها تلفات زیادی در برف و سرما و یخبندان بمسافرین وارد می آمد و آنها که موفق میشدند از موانع طبیعی جان سالم بدر برند ، مواجه شدن با دزدان و راهزنان هر دم عفریت مرگ را در برابر آنان ظاهر میساخت.

ولی رضاشاه این مشکل را نیز با سرپنجه تدبیر خود حل کرد و با ایجاد راههای شوسه در سراسر کشور ، و تبدیل جاده های کاروان رو بجاده های اتومبیل رو بزرگ ترین خدمت را باقتصاد و بازرگانی و سلامت مسافرین کرد و شرائین کشور را بکار انداخت ، و ارتباط نزدیک و دائمی بین کلیهٔ شهرها مخصوصاً شهرهای دور دست با مرکز برقرار ساخت .



رضاشاه کبیر در موقع افتتاح راه آهن و اتصال خط جنوب بشمال

گذشته از این با کشیدن خط آهن از شمال بجنوب یک خدمتی درخشان تاریخی

بکشور عقب افتاده ایران کرد، وبارخنه نمودن دردل کوههای عظیم، وایجاد تونل های بزرك وپل های متعدد که هریك شاهکار فن مهندسی ومعماری بشمار میرفت نظر اعجاب وشگفتی کلیه خارجیانی را که بایران میآمدند جلب کرد وبدین ترتیب عملا خلیج فارس را بدریای خزر متصل نمود.

همین راه آهن سراسری ایران بود که در دوران جنك بزرگترین خدمت را بمتفقین کرد ونقش عمده ای درپیروزی ملل متفق ایفاء نمود وبهمین جهت ایران ملقب به «پل پیروزی» شد.

بعلاوه خطوط هوائی ودریائی نیز ایجاد نمود، وبالنتیجه از راه زمین ودریا وهوا دیوار آهنینی را که بدور ایران کشیده شده بود شکست و این کشوررا از همه جهت بادنیای خارج ارتباط داد.

ایران از لحاظ سیاست خارجی

دست آتاترك را فشرد و بادولت فرانسه قطع رابطه کرد!

خدمات رضاشاه ازلحاظ سیاست خارجی، بهمان اندازه گرانبها وپرارزش بود که درداخل کشور شالوده وبنیان اصلاحات اساسی را کار گذاشت.

زیرا مسافرتهای پی درپی سلاطین قاجار بممالك اروپا، آنهم با گرو گذاشتن جواهرات سلطنتی وخالی کردن خزانه دولت و فقیر کردن ملت و نشان دادن عدم لیاقت خود در مجامع بین المللی، بحدی آبرو و حیثیت ایران را درانظار خارجی ها لکه دار ساخت که بسیاری از روزنامه نویسهای اروپائی ایران را بصورت یك کشورعقب افتاده ونیمه متمدن میشناختند وتصور میکردند که هنوز آداب واخلاق ورسوم دوران خلفای عباسی و حکمرانان و گردن کشان دوران قرون وسطی در این سرزمین برقرار است.

ولی رضاشاه نشانداد که اندیشه های آنها درباره این کشور باستانی جزوهم وخیال چیز دیگرنیست، بلکه ایران پس ازخدمات گرانبهائی که دراعصار گذشته بتمدن جهان کهن کرد اکنون نیز مجدداً نقش خودرا دراجتماع ملل دنیا انجام خواهد

دادودرمقابل نوشته‌های موهن یك روزنامه فرانسوی روابط سیاسی خودرا بادولت فرانسه قطع کرد وخاطرنشان نمود مادام که دول خارجی بشخصیت ایران احترام نگذارند ورعایت آداب ورسوم بین‌المللی را نکرده وبرروی اصل احترام متقابل عمل ننمایند دولت ایران حاضرنیست باهیچ کشور خارجی مناسبات سیاسی داشته باشد .

ولی پس از آنکه دولت ورئیس جمهوری فرانسه از این پیش آمد رسماً عذر خواستند ومسیو . لوبرون، رئیس جمهوری فرانسه نامهٔ خصوصی بعنوان رضا شاه نوشت، وپس ازاظهار تأسف دراین مورد ، تقاضای تجدید روابط بین دو کشور را نمود. باردیگر روابط حسنه بین ایران و فرانسه برقرار گردید .

رضاشاه کاپیتولاسیون را که سندبربریت وبندگی ملت ایران رادربرابردول خارجی بود لغو کرد وبدنیا اخطار نمود که ملت ایران در کلیهٔ شئون باسایرملل برابر است وباید ازهمه گونه حقوق حقهٔ خود برخوردار گردد .

رضاشاه تشکیلات وزارت امور خارجه راوسعت داد و مأمورین عالیرتبهٔ سیاسی و نمایندگان فوق‌العاده بممالك بزرگ اعزام داشت ، وباعده‌ای ازدولتهای مترقی که تاآنوقت باایران روابط سیاسی نداشتند مناسبات دوستانه برقرار کردو برای شناساندن ایران ببیگانگان ، شخصیتهای برجسته‌ای را بخارج کشور فرستاد وانتشارات گرانبهائی راجع بایران کنونی و ایران باستان انتشارداد .

درزمان سلطنت رضاشاه کبیر امان‌الله‌خان پادشاه اسبق افغانستان ملك فیصل پادشاه عراق وپس ازچندی ملك غازی فرزنداوو ولیعهدسوئد بایران مسافرت کردند ومورد پذیرائی های گرم قرار گرفتند، ومناسبات دوستانه ایران باکشورهای همسایه براثر حسن تدبیروسیاست عاقلانه پیش ازپیش بهبود یافت .

آنگاه اعلیحضرت رضاشاه مسافرتی بترکیه کرد ودست مصطفی کمال پاشا ، آتاتورك، رئیس جمهوری وقائدبزرگ ترکیه‌را فشردومورد پذیرائیهای بسیار گرم ملت ترکیه قرار گرفت .

براثر همین حسن سیاست وحسن تدبیربود که پیمان سعدآباد بین دولت-

های فوق‌الذکر منعقد گردید و صلح شرق میانه بدین ترتیب بیش از پیش تأمین گردید .

رضاشاه برای حفظ منافع ایران در مورد نفت جنوب اقدامات مجدانه و سودمندی بعمل آورد وچون شرکت نفت جنوب با پشتیبانی دولت انگلیس نمی خواست بحقوق حقهٔ ایران توجهی کند ، بنابفرمان رضا شاه نماینده ایران در جامعهٔ ملل این موضوع رامطرح کرد،ودربرابر،سرجان سیمون، وزیر امورخارجه وقت وسیاستمدار معروف انگلیس ، ازحقوق ایران با کمال قدرت دفاع نمودوتوجه نمایندگان کلیهٔ ملل دنیارا بجانب ایران جلب نمود، وبدین ترتیب تا آنجا که ممکن بودسود بیشتری از نفت جنوب نصیب ملت ایران کرد .

تقویت بودجه کشور

روزیکه سردارسپه بفرماندهی کل قوا منصوب شد ، وضع آشفتهٔ مملکت ازلحاظ مالی فوق‌العاده رقت باروا سف‌انگیز بود. مامورین دولت درشهرهای‌دور دست اغلب هشت الی نه ماه ازسال گذشته هنوز موفق بدریافت حقوق فروردین خود نشده بودند باینجهت رشوه خواری وغارتگری وتجاوز بمال مردم از امور عادی و معمولی بشمار میرفت .

روزیکه احمدشاه میخواست برای باردوم بفرنگ برود بحدی وضع مملکتی خراب بود که حتی مخارج ایاب وذهاب او باهمراهانش تأمین نمیشد .ازاین رودرصدد برآمدند جواهرات سلطنتی را نزدیک تاجر کلیمی گرو گذارده و مبلغی از اوپول دریافت نمایند ومخارج مسافرت را تأمین کنند .

ولی ازسال ١٣٠٤ ببعدروز بروزوضع مالیه کشور بهبود یافت و اعتبارات مالی مملکت بالارفت وحوائج گوناگون از قبیل اسلحه و مهمات و تانك و هواپیما باپول نقد خریداری شد وحقوق سربازان و مأمورین دولت در اقصی نقاط کشور پرداخت گردید وهزینه راهسازی وبنای مدارس و عمران و آبادی شهرها و غیره تأمین شد.

وضع صادرات وواردات بهبود یافت، بطوریکه اجناس صنعتی و خشکبار و امتعهٔ ایرانی در بازارهای بین‌المللی مورد توجه فوق العاده قرار گرفت و خریدار بسیار یافت .

قالیهای ایران و نقره کاری و منبت کاری و اشیاء و اجناس دیگر که از زیر پنجه های هنرمند افراد ایرانی خارج میشد در نمایشگاههای بزرگ جهان مورد تماشا قرار میگرفت، و بدین ترتیب همه ساله مبالغ هنگفتی بابت امتعهٔ ایرانی از کشور های بیگانه وارد خزانهٔ کشور میگردید.

این وضع آنقدر دوام یافت تا رضاشاه در سایه تدبیر و کفایت خود توانست ایران را از فقر و ورشکستگی و دربدری بکلی نجات داده و یک مملکت غنی و خوشبخت و ثروتمند سازد.

توسعه صنایع

سرزمین ایران که از روزگاران باستان همواره مهد هنر و دانش و فرهنگ بوده، بر اثر حوادث خارجی و خونریزیها ، مواریث پرافتخار گذشته را از دست داد و روز بروز ضعف و انحطاط در کلیهٔ شئون آن پدیدار گردید .

این ضعف و عقب افتادگی پس از مرگ نادرشاه روز بروز بیشتر ظاهر و هویدا میشد تا آنکه در زمان قاجاریه بحد اعلای خود رسید .

عدم امنیت و نبودن قشون و بی اعتنائی بهنر و صنعت کسانی را که عمری در راه هنر صرف کرده بودند از کار خود بیزار ساخت و آنها را وادار کرد که بامور و مشاغل عادی بپردازند.

لیکن از روزیکه سلسله پهلوی تشکیل گردید وضع صنایع بکلی تغییر کرد و بار دیگر اهل هنر بساختن مصنوعات گرانبها و پرارزش خود همت گماشتند تا آنجا که صنایع قدیمی ایران که در موزه های بزرگ دنیا بانهایت دقت و مراقبت نگهداری میشد بار دیگر زنده شد و تجار بیگانه با اشتیاق فراوان اجناس مزبور را خریداری

کرده و بعنوان بهترین ارمغان بکشورهای خود میبردند.

علاوه براین رضاشاه پهلوی برای توسعه صنایع داخلی نمایشگاهی در تهران تشکیل

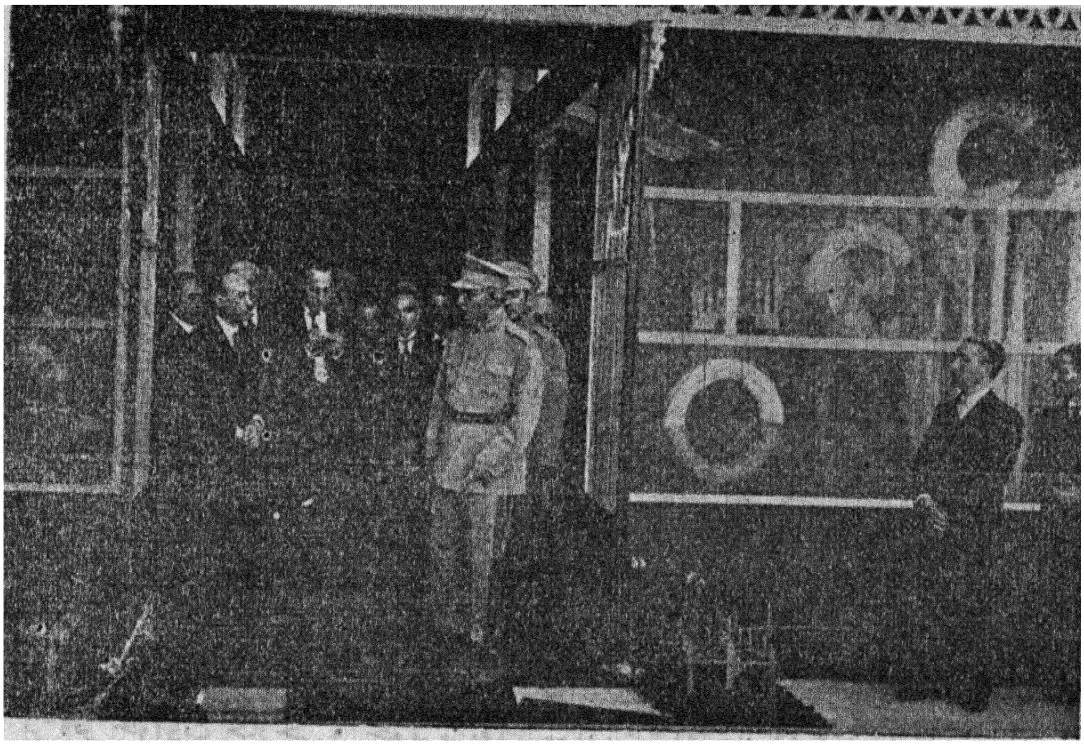

پهلوی اول باتشویق تجار و تشکیل نمایشگاه کالا میزان صادرات را ترقی داد و ازاینراه در سال مبالغ زیادی بر بودجه کشور افزود

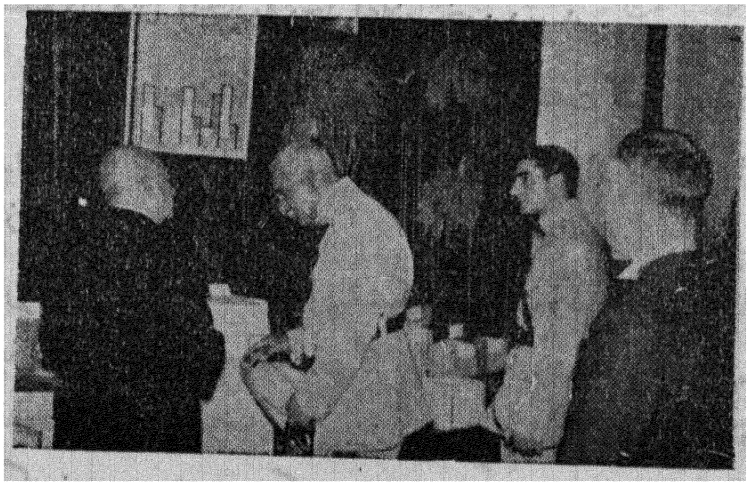

اعلیحضرت رضاشاه درروز افتتاح کارخانه دخانیات باتفاق والاحضرت ولایتعهد

داد که درآن انواع واقسام صنایع ظریفه و کالاهای گوناگون ایرانی بجالب ترین وضعی درآن بمعرض نمایش گذاشته میشد ، وسال بسال راه ترقی و تکامل میپیمود.

گذشته ازاینها کارخانه‌های متعدد اسلحه‌سازی ، هواپیماسازی ، ذوب آهن ذوب مس ، سیمان ، قند ، نساجی و برق وانواع کارخانه های سنگین دیگر ازخارج کشوروارد نمود ، بطوریکه اینموضوع در روزنامه های آن ایام موردبحث بود که ایران باید یك کشور صنعتی باشدیایك کشور کشاورزی ...

عمران وآبادی

پس ازآنکه رضا شاه درسال ۱۳۲۰ خاك وطن را ترك گفت وبسرزمینهای دورافتاده مهاجرت کرد، تنها چیزی که‌چه نویسندگان خارجی وچه‌نویسندگان داخلی وحتی آنها که‌اهل غرض و کینه ودشمنی بودند ، نتوانستند منکرآن شوند این بود که سردودمان خاندان پهلوی بزرگترین خدمت‌را بآبادانی کشور کرد وایران مرده وفرتوت را بسرزمینی آباد ونعمت خیز وسبزوخرم مبدل ساخت.

درهیچ گوشهٔ ایران نیست که یادگاری ازرضاشاه نباشد، وبنائی باشکوه نساخته باشد بسیاری ازبنادرشمال‌را بااسکله ها وباراندازها وتأسیسات مختلف رضا شاه ایجاد نمود . شهرهای متعددی نیزدرنقاط مختلف کشوربنا کرد ، و بر روی ویرانه های قدیمی نیزمراکزمهم تمدن ایجاد نمود که حتی قرنها پس ازاین نیزپایدارخواهد ماند .

دبستانهاودبیرستانهاونوانخانه ها وسربازخانه‌ها وعمارات متعددوباشکوه برای وزارتخانه ها وادارات ومؤسسات دولتی وبانکها بنا کرد، وکارخانه های برق وارد نمود ورونقی تازه برکالبد بیجان ایران دمید .

درسراسرنقاط کشور برای توسعهٔ کشاورزی ودفع آفات نباتی وخشکاندن باطلاقها اقدامات گرانبهائی انجام‌داد،وجنگلهای مصنوعی ایجاد کرد،وروزمخصوصی را درسال برای جشن درختکاری اختصاص داد وبدین ترتیب چرخهای فعاله کشور را بکارانداخت ومملکتی را که بااصول فئودالیسم باسیستم حکومتهای قرون وسطی اداره میشد ، بصورت یك کشور مترقی ومتمدن وآبادد‌رآورد ، بطوریکه‌جهانگردان

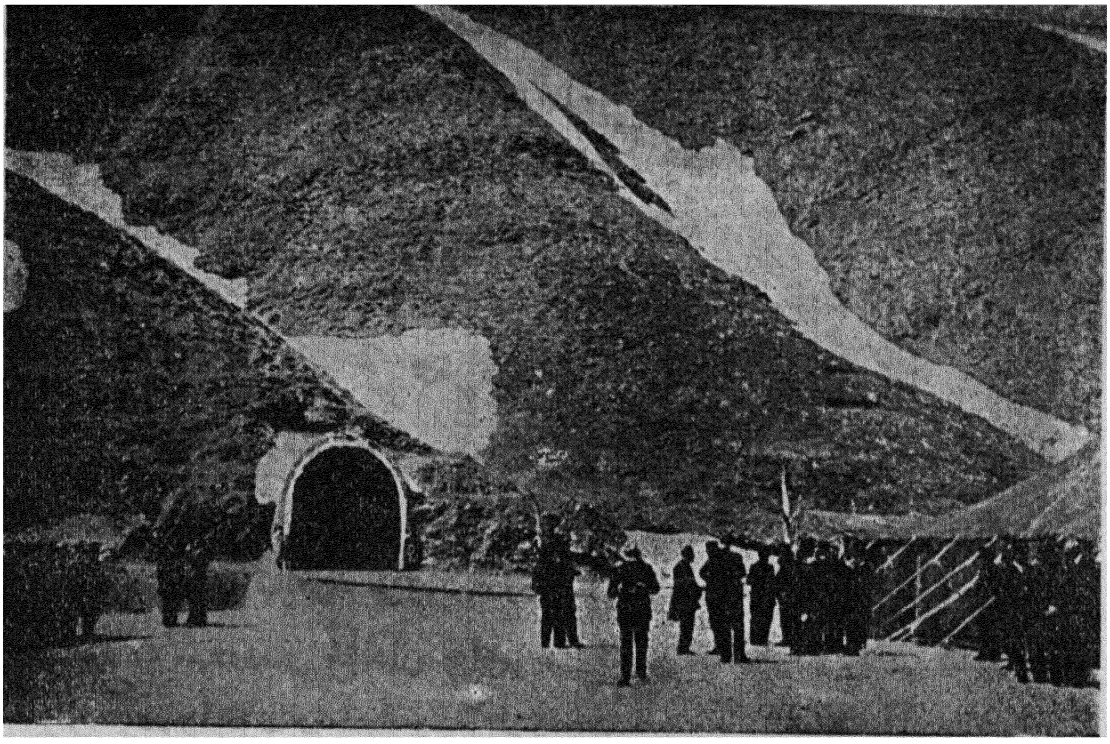

پهلوی اول رضاشاه کبیر موقعیکه تونل کندوان باتمام رسید پس از افتتاح با اتومبیل داخل تونل شد

وپادشاهان ورجال نامی که بایران آمدند وشهرهای نوسازایران مخصوصاراامسر وچالوس وبابلسرو کشتزارهای وسیع وسرسبزوحاصلخیزرا دیدندتصدیق کردند که قسمتی ازایران نمونه کاملی ازتمدن غرب است .

آزادی زنان

چگونه نیمی ازبدن فلج شدهٔ ایران بکار افتاد

دردورانی که در کشورهای اروپاوامریکا، زنان دوش بدوش مردان در کارهای اجتماعی وسیاسی و علمی وادبی مشغول کار وفعالیت بوده ونیمی ازامورمیهن خود را بعهده داشتند درهمان هنگام در کشورما زنان ودختران درسیاه چادرها مثل مردم ششهزارسال پیش زندگی میکردند .

اینان ازکلیهٔ امور اجتماعی برکنار بودند وکارشان خانه نشینی وتحمل زجر ومحنت ومصیبت وغوطه ورشدن درجهل وخرافات وموهومات بود. عده ای ازمردان

جاهل ونادان زنان را محکوم و برده و کنیز و زرخرید خود میدانستند و از هیچگونه ظلم و شقاوت و بیرحمی نسبت بآنان فروگذار نمیکردند. حتی قتل و جرح و همه گونه شکنجه و عذابی را در مورد آنها مجری میداشتند. بدین ترتیب نیمی از بدن ایران فلج شده و در شدید ترین محرومیتها و ناکامیها بسر میبرد.

برای بیگانگانی که بایران میآمدند، زندگی زنان ایرانی و افکار و عقاید عجیب وغریب آنها مایهٔ تعجب و حیرتشان میشد و پس از بازگشت بمیهن خود در باره آنها افسانه های شگفت انگیز انتشار میدادند.

این موضوع رقت بار توجه رضاشاه را جلب کرد و برای آزادی زنان که در آن هنگام با اوضاع نامناسب و جهل و تعصب اکثریت مردم از مشکل ترین کارها محسوب میشد شروع بکار نمود.

بالاخره روز ۱۷ دی ۱۳۱٤ فرا رسید، و در این روز میلیونها تن از زنان و دوشیزگان ایرانی که از همه چیز محروم بودند، پردهٔ جهل و خرافات را بیکسو زدند و مردانه قدم پیش گذاشتند و در کلیهٔ امور اجتماعی دوش بدوش مردان مشغول بکار شدند.

امروزه از بین همان طبقه ای که بیست سال پیش معلومات شان از چهار دیوار خانه و سحر و جادو و مطالبی که از روضه خوانها میشنیدند تجاوز نمیکرد، و چشمشان بجز تکیهٔ محل و حسینیه و مجالس روضه خوانی جائی را ندیده بود، زنان و دختران پا بمیدان گذاشته اند که کرسی استادی دانشکده را اشغال کرده و از بهترین پزشکان کشور محسوب شده و باموز سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بین المللی مانند مسائل عادی اطلاعات کامل و مبسوط دارند.

رضاشاه با آزادی بانوان خدمت بزرگی بملت ایران کرد و با این اقدام در تحول اوضاع اجتماعی ایران و تربیت نسل آینده قدم بزرگی برداشت.

پست و تلگراف و تلفن و بی سیم و راد یو

بجای چاپار و پالکی و کجاوه!

از زمان داریوش کبیر و خشایارشا که پیکها و چاپارها تنها وسیله ارتباط بین

شهرها و کشور هابودند ونامه ها واخبار ازدباری بدیاردیگر میبردند تا دوران سلطنت قاجاریه‌همواره‌این‌روش درایران مرسوم‌بود وچه بسا تحولات و تغییرات فوق‌العاده که درجهان‌روی‌میدادوحال آنکه ماهابعد مردم ایران از آن مطلع میشدند . کجاوه هاوپالکی ها و گاریها نیز تنها وسیلهٔ مسافرت از شهری بشهر دیگر بشمار میرفتند وچه‌بسامسافران‌واژگون بخت که‌در گرمای‌تابستان وسرمای زمستان‌در راههای دوروو دراز جان‌میدادندو آرزوی رسیدن بسرمنزل مقصود را بگور میبردند.

در دوران سلطنت‌احمدشاه نیز بمناسبت نبودن وسائط نقلیهٔ‌موتوری وجاده های شوسه‌اینوضع‌همچنان‌دوام‌داشت‌وروزی‌نبود که درصحراها و گردنه هاخون عده‌ای‌ازمسافرین بدست‌راهزنان‌ویاغیان‌ریخته نشودواموال آنهابغارت نرود.

اماپس‌ازآنکه سردارسپه‌اشرار ومتجاسرین را قلع‌وقمع کرد وامنیت را درسراسر نقاط کشوربرقرار نموددرصدد برآمد باین‌وضع آشفته پایان‌دهد،از این رو جاده‌های گوناگون ایجاد کرد وسائط نقلیهٔ موتوری برای حمل و نقل مسافرین وبردن‌محمولات وپست ازشهری‌بشهر دیگر آماده نمود ؛ و پس از مدت کوتاهی‌درسراسر کشور تلفن‌خانه‌هاوتلگرافخانه های‌متعددرست کرد و بیسیم ورادیورا که‌برای‌مردم آنزمان‌مایهٔ اعجاب‌وشگفتی‌بودایجاد نمودو بدین ترتیب فواصل‌را ازمیان برداشت‌وبین‌شرق‌وغرب‌وشمال‌وجنوب‌ارتباط تلفونی وتلگرافی برقرار ساخت‌وبابیسیم‌ورادیو ایران‌را بادنیای‌متمدن مربوط کرد.

اینهمه پیشرفتهاوترقیات وآثار تمدن‌غرب که امروزه درسراسر کشور در شهرستانهاو نقاط دور افتاده مملکت دیده میشود همه نتیجه رنجها و زحمت های مردیست که‌عمری‌را برای‌آسایش‌ورفاه‌ملت ایران‌فدا کرد ومرارتها و ناکامیهای بسیاررا هموار نمودوباطبیعت‌درجنگ و ستیزشدودرسینهٔ کوههای بلند نفوذ کرد وبردل‌صحراهای وسیع‌وبیکران‌نفوذیافت ورشتهٔ‌ارتباط رابین کلیه شهرستانهای ایران بایکدیگربرقرارساخت‌وباین‌ترتیب شالوده‌و بنیان‌یك‌ایران‌نوین رابنانهاد

ورستاخیز بزرگی در کلیه شئون کشور چه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و چه از نظر فرهنگی و نظامی و صنعت آغاز نمود.

خدمات رضا شاه سردودمان خاندان پهلوی در دورانی که ایران تاریک ترین ادوار تاریخ خود را طی میکرد و چه از داخل و چه از خارج کشور در معرض خطرات قرار داشت و بر لب پرتگاه مرگ قرار گرفته بود، شباهت زیادی بخدمات ژرژ واشنگتن در امریکا و دیزرائیلی در انگلستان و فردریك کبیر در آلمان و شارلمانی در فرانسه و پطر کبیر در روسیه و آتاتورك در ترکیه داشت

زیرا این مردان بزرگ تاریخ هنگامی زمام امور کشور خود را بدست گرفتند که میهنشان بر لب پرتگاه سقوط قرار داشت، و اگر همت مردانه و فداکاریها و از خودگذشتگیها و تدبیر و کفایت آنان نبود چه بسا که امروزه نامی از این ممالك در روی نقشهٔ جغرافیا دیده نمیشد.

سوم شهریور ۱۳۲۰

عمله متفقین بخاك ایران

در تاریخ سیاسی جهان همیشه این رسم برقرار بوده که دولتهای کوچك و ضعیف مقهور و مغلوب مطامع دولتهای بزرگ میشدند و باجزئی بهانه استقلال و آزادی و تمامیت ارضی آنان دستخوش تجاوز دول نیرومند میگردید.

کشور ایران نیز که قرون متمادی براثر دخالتهای بیگانگان از کاروان تمدن دنیا عقب افتاده استقلال و موجودیت آن درمعرض خطر قرار گرفته بود بوسیله رضاشاه باردیگر استقلال از دست رفتهٔ خود را بازیافت، وجنبشی در کلیه شئون اجتماعی و فرهنگی و نظامی و صنعتی و کشاورزی و آبادی و عمران آن پدیدار گردید اما دیری نپائید، پس از بیست سال که از دوران زمامداری رضاشاه گذشت بازهم این کشور در گرداب سیاست بین المللی گرفتار شد و قربانی مطامع دولت های بزرگ گردید.

(انگلیسها)

انگلیسها که ازدو قرن پیش روز بروز نفوذ خود را در منطقهٔ خاور میانه بیشتر

میکردند، ودراغلب کشورهای این ناحیه عمال ودست نشاندگان آنها فرمانروائی مینمودند، هیچگاه نمیتوانستند تحمل کنند که درایران مردی در رأس امور کشور باشد که علناً با آنها مخالفت نماید وریشهٔ نفوذ آنها را قطع کند ودارای سیاست مستقل وخاصی باشد که در مورد قضیهٔ نفت جنوب بجامعهٔ ملل شکایت کند!..

دولت بریتانیا میخواست ایران بصورت یکی از تحت الحمایه های آنکشور اداره شود ومانند مصروماوراء اردن وعراق ویمن تحت نفوذ امپراطوری انگلیس باشدوهروقت که سیاستمداران آنکشور صلاح دانستند خاك اینکشور را اشغال نموده آزادانه هرکاری که میخواهند انجام دهند.

انگلستان برای دفاع ازهند، وحفظ منافع خوددرشرق نزدیك وشرق میانه ودفاع ازچاههای نفت این منطقه اصرار زیادی داشته که کسانی براین کشورحکومت کنند که مطیع اوامروزارتخارجه ووزارت مستعمرات انگلیس باشند.

پرواضحست که درآنهنگام سردار رشید وپادشاه مقتدر ومیهن پرستی مانند رضاشاه که درمدتی کوتاه تحولی بزرگ ورستاخیزی عظیم دراین کشورایجاد نمود ممکن نبود زیربار یکدولت خارجی برود.

ازاین روازتابستان سال ۱۳۲۰ دولت انگلستان شروع ببدرفتاری بادولت ایران کرد، وزمزمه های مخالف آغاز نمود، ورادیو ومطبوعات آنکشور باگوشه وکنایه شروع بانتقاد ازوضع ایران ورژیم اینکشور کردند. ساعت ۱۰ صبح روز ۲۸ تیرماه وساعت ۱۱ بامداد روز ۲٦ مرداد بترتیب دویادداشت ازطرف سفارت کبرای انگلیس وشوروی بوزارت امورخارجهٔ ایران رسید ونسبت بحضورعده‌ای کارشناس آلمانی درایران اظهارنگرانی کرده بودند.

درآن هنگام جنگ عالم سوزدوم درسراسرجهان زبانه کشیده و مخصوصا دراروپا وافریقا وآسیاخونین ترین پیکارهای تاریخ جریان داشت.

قارهٔ اروپادرزیرچکمه‌های ارتش قهار آلمان قرارداشت، وسپاهیان آنکشور ازیکسرتادروازه های مسکو ورود ولگا وکوههای پربرف قفقاز وازسوی دیگر

تادروازه‌های اسکندریه پیش رفته بودند .

ارتش سرخ دچار وضع بسیاربدی شده وشکستهای پی‌درپی، ونبودن اسلحه ومهمات کافی روسیه شوروی را در دروزاهٔ فناواضمحلال قرارداده بود .

ازطرف دیگر ژاپونیها نیزدرشرق دوربپیشرفتهای سریع خود ادامه داده وبطرف هندوستان پیش میرفتند، ودر نظرداشتند ازآنجا بانیروی آلمان که قرار بود ازقفقاز بایران وازایران ببلوچستان وهندوستان برود ملحق گردند .

این نقشهٔ عجیب واین اوضاع ناگوار امپراطوری بریتانیا ودولت اتحاد جماهیر شوروی را دچارمشکل ترین وخطرناک ترین حوادث تاریخ کرد ، بطوریکه دو کشور سخت درمعرض خطر قرار گرفته بودند ، ازاین رو لازم میدیدند بهر قیمت شده ارتباطی بین قوای انگلیس وارتش سرخ ایجاد کنند وباارسال اسلحه ومهمات کافی باینوضع آشفته وناگوار خاتمه دهند وموجودیت خودرا حفظ نمایند .

برای انجام این منظور یك قربانی لازم بود ، واین قربانی ایران بشمارمیرفت بطوریکه گفته شد رادیوها ومطبوعات بیگانه ازاوایل تابستان سال ۱۳۲۰ جسته و گریخته ازاوضاع ایران انتقادمیکردند وضمناً مینوشتند که ایران کانون فعالیت جاسوسان آلمانی شده واوضاع خطرناکی رابرای متفقین ایجاد کرده است .

این انتشارات روزبروز شدیدترمیشد ، ولحن نوشته ها وبیانات مطبوعات ورادیوهای خارجی لحظه بلحظه شدیدتروخشن ترمیگردید ، تاآنجا که دویادداشت ازسفارت کبرای انگلیس وشوروی واصل شد ورضاشاه متوجه گردید حوادث مهمی درشرف وقوعست ، ومیهن اودرآستانه تغییرات وتحولات شگرفی قرار گرفته که بعید نیست حیات استقلال اینکشور راسخت درمعرض خطر قراردهد .

باینجهت فوری درصدد تقویت مرزها برآمد و قوای احتیاطی برای مقابله باحوادث ناگوارآماده کرد ، وواردی را که موردبهانهٔ بیگانگان بودتاآنجا که امکان داشت مرتفع ساخت . ولی کلیه این اقدامات دربرابر نقشه‌های دودولت همسایه که ازبین بردن مرد مقتدر و پادشاه مصلح ومیهن پرست ایران یعنی رضاشاه بود نقش برآب

گردید. درنتیجه روز سوم شهریور ۱۳۲۰ نیروهای انگلیس از خلیج فارس و شط العرب بسر حدات غربی ، و قوای شوروی از مرزارس و بحر خزر و ترکستان بخاك ایران تجاوز نموده و باجدیدترین و مجهزترین قوای موتومکانیزه شروع بپیشروی درخاك ایران کردند . عده‌ای از شهرهای ایران بمباران و گروهی از افسران و سربازان ایرانی درمرزها درنخستین برخورد قربانی شدند .

رضاشاه که همواره بفکر آسایش و سعادت ملت و آبادی و عمران کشور بود و درعرض بیست سال باندازهٔ یك قرن برای ایران زحمت کشید ، چون ازاین عمل ناجوانمردانه دوهمسایهٔ شمالی وجنوبی آگاه شد ، ومقاومت رادر برابر بزرگترین نیروهای نظامی دنیا بیهوده دید وحتی یقین داشت درصورت پایداری ، صدها هزار نفر از جوانان این کشور قربانی شده ، وشهرهای ایران ویران گردیده ، واستقلال ایران نابود شده وایران بصورت مستعمره درخواهد آمد ، باینجهت فرمان عدم مقاومت صادر کردودستورداد دولت ایران ازراه دوستی وارد مذاکره بادودولت بیگانه شود وبرای حفظ استقلال وتمامیت ایران تاآنجا که امکان دارد تلاش و کوشش نماید .

مهاجرت ازایران

و تبعید بجزیره موریس

اندیشهٔ صائب وفکرمتین رضاشاه برای نجات جان صدها هزار تن از مردم ایران وحفظ شهرها ودهات وقصبات ازخطرخانمان برانداز جنگ وحفظ استقلال ایران اثرخود را بخشید ، ومتفقین حاضر شدند چشم طمع بخاك ایران ندوزند واستقلال این کشور رامحترم شمارند .

اما چون انگلیسها وروسها ازبدو سلطنت رضاشاه دل پر خونی از این مرد میهن پرست وسردار بزرگ داشتند ، و او را بزرگترین مانع اجرای سیاست‌های خاص ومنافع خود میدیدند اعلام کردند که رضاشاه بایددست ازسلطنت بشویدو خاك ایران را ترك گوید .

در حقیقت برای رضا شاه نیز که یك عمر در ایران فدا کاری کرده بود

همکاری با بیگانگانی که بیطرفی کشورش را نقض کرده، ومملکت را اشغال نموده واستقلال ایران رازیرپا گذاشته بودند محال بود .

او بهیچ قیمت حاضر نبود اختیار ملت ومملکتی را که دو هزار و پانصد سال باامپراطوریهای بزرگ جهان جنگیده ، وباطوایف واقوام وقبایل بزرگ وخونخواری دست وپنجه نرم کرده وازهمه این پیکارها وطوفانهای سهمگین تاریخ سرافراز بیرون آمده بدست بیگانگان بسپارد .

بنابراین ترجیح داد که خوددست ازتاج و تخت سلطنت بشوید، و خاك میهن وزنان وفرزندان وهم میهنان خود راوداع گوید، وبنقطهٔ دورافتاده ومجهولی برود ودرعوض ایران عزیزرا ازچنگ خطرات ومطامع بیگانگان ایمن نگهدارد

بااین اندیشه درحالیکه این سردار بزرگ یك عمر در راه عظمت و اعتلاء ایران زحمت کشید ، وسراسر حیات خودرا وقف آبادی وعمران وپیشرفت میهن و سعادت هم میهنان خود نمود پس ازشانزده سال سلطنت، استعفاء خودرا از این مقام نوشت وسلطنت را بپسرارشد و ولیعهد والاتبار خود محمد رضا شاه پهلوی تفویض کرد . آنگاه بااعضاء خاندان سلطنتی ازراه اصفهان ویزدو کرمان بطرف بندرعباس عزیمت نمود .

دربارهٔ این لحظات حساس تاریخی باید کتابها نوشت ،وماجرای حیات مردی راکه همه چیزخودرا در راه ایران دادوسرانجام هم ازخاك میهنش تبعید شد تشریح وتوصیف کرد . ولی چون این کارازوظیفهٔ ما که نوشتن تاریخ وجریان زندگی این مرد بزرگ است باینجهت باصل موضوع میپردازیم .

در کرمان شاه دچار بیماری شدیدی گردید و با آنکه اطباء تجویز کردند اعلیحضرت چند روزی استراحت کنند ، معهذا کنسول دولت انگلیس با اصرار تمام متذکرشد که شاه باید فوراً بطرف بندر عباس حرکت نماید، زیرا کشتی که خانواده سلطنتی را باید ازایران ببرد نمیتواند زیاددرسواحل ایران توقف کند .

رضا شاه دراینموقع پس از بیست سال زمامداری ویك عمر فداکاری حتی مخارج

سفر خود را نداشت ، بطوریکه وقتی کنسول دولت انگلیس خاطرنشان کرد که اعلیحضرت باید زودتر حرکت کنند ، رضاشاه اظهار داشت :

« کجابروم ؟ .. پنج ریال پول درجیبم نیست ... اقلا باید فرصت داشته باشم که وسائل سفرم آماده شود » .

این پایان زندگی مردیست که جوانی و عمر و زندگی و هستی خود را در راه ایران و ایرانی داد و خود بادست خالی از این مملکت رفت بالاخره اعلیحضرت باهمان وضع بطرف بندرعباس عزیمت کرد ، در آنجا بشاه گفتند که اگر شب را در کشتی استراحت کنند بهتر است ولی شاه که در آنموقع سخت ترین و دشوارترین لحظات حیات را میگذراند اظهار داشت :

« بگذارید آخرین شبی را که در خاک میهن هستم ، در همینجا بگذرانم » .

بامداد روز بعد درحالیکه عده ای از سربازان موزیك سلام را مینواختند رضاشاه بالباس شخصی سوار قایق موتوری شد و بطرف کشتی رهسپار گردید کشتی که برای مسافرت اعلیحضرت و خاندان سلطنتی اختصاص داده بودند یك کشتی پنجهزار تنی موسوم به « بندرا » بود . دراینموقع صدای سوت کشتی بلند شد و همانندم ساحل را ترك گفته و در سینهٔ دریا مشغول شناوری گشت .

رضاشاه درتمام این مدت چشم بساحل دوخته و تازمانیکه در کرانهٔ افق خاك ایران نمایان بود چشم از خاك ایران برنمیداشت .

کسانیکه در آن لحظه مواظب شاه بودند ، میدیدند این مردی که دربرابر سهمگین ترین حوادث تاریخ و درمقابل انفجار بمب ها و خمپاره ها و صفیر مسلسل ها کوچك ترین ترس و وحشتی نداشت ، اکنون چگونه قطرات اشك از چشمانش سرازیر میشود .

کشتی بندرا بطرف سواحل هندوستان عزیمت کرد . سرنشینان کشتی نخست تصور میکردند مقامات انگلیسی موافقت خواهند نمود که آنها بیکی از کشورهای امریکا بروند ، ولی وقتیکه بسواحل بمبئی رسیدند بایشان اطلاع دادند که دولت

بریتانیا جزیرهٔ موریس را برای اقامت پادشاه ایران اختصاص داده‌است .

واضحست که شنیدن این خبر برای آنها تا چه اندازه ناگوار وغیر منتظره بود ولی چون جز این راه چاره نداشتند ، باینجهت تن برضا دادند . کشتی بندر امدت پنج روز در ساحل بمبئی لنگر انداخت تا کشتی دیگری برای بردن خاندان سلطنتی ایران بجزیرهٔ موریس بیاید .

در این ایام رضاشاه همواره دیکوشید که قلوب افراد خانواده سلطنتی را تسلی دهد و آنها را برای مواجهه باحوادث ناگوار آماده سازد وغم واندوه را از قلب آنان بزداید یکروز هنگامیکه یکی از همراهان در درون کشتی با پیانو یکی از آهنگهای غم انگیز را مینواخت ، اعلیحضرت گفت :

«این چه آهنگی است می‌زنید ؟.. مارش بزنید... یك آهنك زنده بنوازید» این کلمات نشان میداد که هنوز در زیر قیافهٔ آرام این مرد تاریخی ، طوفان بزرگی نهفته است با آنکه دشمن بدست و پای او زنجیر افکنده ، هنوز روح سلحشوری و مردانگی خود را از دست نداده است .

بالاخره کشتی جدید بنام «برمه» رسید و مسافرین سوار آن شدند . برمه مدت ده روز آبهای اقیانوس هندرا میشکافت و پیش میرفت تا آنکه از خط استوا گذشت و در مشرق جزیرهٔ «ماداگاسکار» بجزیرهٔ موریس رسید .

خاطرات جزیره موریس

بامداد روز ۲۳ مهرماه بود که دورنمای جزیرهٔ موریس، بصورت یك سرزمین افسانه‌ای ، مانند خرمنی از گل و گیاه ازدور دیده میشد .

کشتی بساحل رسید و ساعت چهار بعدازظهر آنروز فرماندار جزیرهٔ موریس «سر بید کلیفرد» با رجال جزیره بالباس رسمی باستقبال شاه آمدند و باتفاق اعلیحضرت به بندر «پورت لوئی» پایتخت جزیره وارد شدند .

جزیرهٔ موریس ۳۸۰ هزار نفر جمعیت دارد و وسعت آن ۱۸۶۵ کیلو متر مربع است .

این جزیره نخست درسال ۱۵۱۰ بوسیلهٔ پرتقالیها کشف شدو نود سال دردست آنها بود و بعد بدست هلندیها افتاد و ۱۱۲ سال نیز هلندیها بر آن حکومت کردند، ودرسال ۱۷۲۱ بچنگ فرانسویها افتاد ، وسرانجام درسال ۱۸۱۰ انگلیسیها آنجا را تصرف نمودند .

موریس دارای آب وهوای بسیار گرم و ناسالم است . باران های سیل آسا ، وهوائی خفه ومرطوب دارد . پشه‌ها و مورچه‌های بالدار آن بزرگترین دشمن آدمی است ولی درعوض درودیوار وزمین آن جزیره پوشیده از گل وسبزه است .

محلی که برای اقامت رضاشاه وفرزندنش اختصاص داشت ، باغ سرسبز و خرمی بود که سراسر آن ازانواع و اقسام درختان مناطق حاره و گلها و گیاهان استوائی پوشیده شده بود . این باغ دو عمارت داشت ، یك عمارت دو طبقه که اختصاص به اعلیحضرت و شاهپورها داشت ، ودیگری یك ساختمان کوچك که مخصوص همراهان شاه ومستخدمین بود .

شاه دردوران اقامت درجزیرهٔ موریس بسیاررنج میبرد . بیشتر اوقات در خیابان های باغ قدم میزد وبیاد سرزمینی که بخاطر آن دوران جوانی وسراسر عمر وآسایش وحیات خودرا صرف کرده بود میافتاد . جنگها ومبارزه‌ها وفدارکاری های خودرا بخاطر می‌آورد که چگونه ایران منحط وتجزیه شده را بیك ایران مستقل وآزاد وآباد مبدل کردوسرانجام براثر عهدشکنی وتجاوز همسایه های شمالی وجنوبی آن همه زحمات برباد رفت، واستقلال کشور بازیچهٔ دست آنان گردید .

چیزی که بیش ازهمه شاه را درآن جزیرهٔ دور افتاده وآتش زارنج میداد ، دوری ازوطن وبی خبری ازوضع اعلیحضرت محمد رضاشاه و همچنین ملت ایران بود که نمیدانست متقین برسر آنان چه می‌آورند وچه وقایعی دراین کشور جریان دارد ، این ناراحتی سبب شد که شاه غالباً شبها نمی‌خوابید و همواره از خستگی و ناراحتی خود شکوه میکرد . رنج واندوه شاه را پایانی نبود و با همهٔ کوششها برای آسایش خیال او، معهذا همچنان خواب ازدیده‌اش فراری بود ، بطوریکه هر وقت

همراهان در چهرهٔ آن مرد مینگریستند ، آثار یک رنج عمیق و یک اندوه بزرگ را درچشمانش میخواندند .

شاه در موریس نیز اصرار داشت که فرزندانش از کمالات گوناگون بهره مند شوند و بتحصیلات ناتمام خود ادامه دهند و روی همین نظر بود که شاهپور هارا مکلف کرد ، زبان های خارجی خود را تکمیل کنند و مخصوصاً ادبیات و زبان فارسی را که سرچشمهٔ فنا ناپذیری بود بخوبی فرا گیرند .

رفتار مامورین انگلیسی در جزیرهٔ موریس نسبت بسردودمان خاندان پهلوی و فرزندانش رضایت بخش نبود ،وآنها را درمحدودیت شدیدی قرارداده ومانع مکاتبه ورسیدن نامه ازایران واعلیحضرت محمدرضاشاه بپدرش بودند .

ولی وقتی پیمان سه گانه بین ایران ومتفقین امضاء شد ودولت ایران هم در جلقه اتحاددول متفق درآمد ناگهان طرز رفتار مامورین نسبت بشاه وهمراهان او تغییر کردو برای نخستین بار نامه های متعددی از اعلیحضرت محمدرضا شاه وعلیاحضرت ملکه مادر ووالاحضرت اشرف برای شاه وشاهپور هارسید .

بمحض اینکه شاه بخط فرزندش اعلیحضرت محمد رضاشاه افتاد ، برقی در چشمانش درخشید که قلب خانوادهٔ سلطنتی و کسانی را که در آنجا حضور داشتند آتش زد . باد ستی ارزان وحالتی که هرگز بوصف نمی گنجد چشم بآن سطوردوخت وخدامیداند که چند بار آن نامه را قرائت کرد . نکته ایکه قلب رضارشاه را مرتعش ساخت آن قسمت ازنامه بود که فرزندتاجدارش باوه نوشته بود :

«آن عظمت وشوکتی که وجود اعلیحضرت بایران بخشیده بود، از این کشور رخت بربست» .

شاه هیچگاه این قسمت ازنامه رافراموش نمیکرد و همواره بیاد آن رنجها و مرارتها وجانفشانی های بربادرفته ای بود که درراه عظمت و شوکت ایران متحمل شده بود .

یاد وطن و فرزندان

ناراحتی شاه در جزیرهٔ موریس روزبروز شدیدتر میشد و لحظه بلحظه آثار کسالت وضعف و بیماری درچهره‌اش بیشتر نمودار می گردید. معهذا هیچگاه اظهار عجز نمیکرد ، بلکه همواره میکوشید فرزاندن خودرا که در آن جزیرهٔ دور افتاده دردل اقیانوس اظهارد لتنگی میکردند، دلداری داده و آنهارا برای مواجهه باحوادث آماده سازد . برای اینکار و برای آنکه فرزندان خودرا سرگرم کند بیشتر اوقات داستان‌های شنیدنی وسرگذشت‌های جالب دوران سربازی وجنگهائی که در میدان های پیکار کرده بودوهریك ازآنها بزرگترین درس وطن پرستی وجانبازی برای فرزندانش بود برایشان شرح میداد و روح وارادهٔ آنهارا قوی میکرد .

باآنکه رضاشاه نسبت بعموم کسانیکه درموریس با او بودند ابراز محبت و ملاطفت می نمود وآنهارا دلداری میداد. معهذا برخی اوقات چنان دردریای اندیشه غوطه‌ورمی گردید وچنان ازپیش آمدحوادث متأثر میشد که عموم را دچار غم و اندوه میساخت .

حساس ترین لحظه ایکه درآندم رضاشاه ازهمیشه غمگین‌تر بنظر میرسید حتی قطرات اشك ازچشمان نافذش جاری میشد، موقعی بود که والاحضرت شاهدخت شمس درنظرداشت موریس راترك گفته وبایران حرکت کند . در آن موقع شاه با والاحضرت شاهدخت دریکی ازخیابان‌های باغ قدم میزد وآرزوهای خویش را برای اوشرح میداد . میگفت :

«دوچیزدراین دنیا نزدمن عزیز بودوبس... یکی وطنم که «عزیزترین چیزها» «نزدمن بود ودیگری بچه‌هایم. .برای وطنم آرزوی سعادت ونیك بختی داشته ودارم» «من تاآنجا که در قوه وقدرتم بود، وازقوه وقدرت هر کس خارج بود، برای سعادت» «وطنم کوشیدم ولی افسوس که نقشه‌ها وفکرهایم عملی نشدوبسیاری ازاقداماتم» «ناتمام ماند .»

«پیام من باعلیحضرت همایون برادرت اینست که در دنبال اقدامات من در» «راه سعادت وترقی وطن عزیز کوشش کندو همانطوری که من ایران را دوست»

«داشته‌ام اوهم دوست بدارد ، وایران وایرانی‌رادرجهان سر بلندنماید .»

«برای‌شما فرزاندانم که‌بعد از وطنم عزیز تر از هرچیز هستید ، یك آرزو»
«دارم وآن اینست که متحدومتفق باشید. رضایت خاطرمن‌دراینست که‌شماهمیشه»
«همدیگررا دوست بدارید .»

این کلمات واین خاطرات که‌ازیادداشتهای‌والاحضرت‌شمس پهلوی که‌درتمام لحظات بهترین‌یارویاور وانیس ومونس‌پدربزرگوار خودبود، اقتباس شده‌نشان میدهد که‌این‌مرد بزرگ تاریخی حتی‌تا آخرین لحظه‌حیات‌ازیادوطن‌غافل‌نبود وخاك میهن‌را عزیز ترین وگرانبهاترین چیزهامیدانست .

ناپلئون‌ورضاشاه

سنت‌هلن ژموریس

تبعید رضاشاه بجزیرهٔ موریس ، شباهت‌زیادی‌به‌تبعیدناپلئون بجزیرهٔ سنت هلن‌داشت ، زیراهمانگونه که‌انگلیس‌ها تقریباً یك‌قرن‌ونیم پیش بواسطه وحشتی که‌از امپراطور فرانسه داشتند او را بیکی از جزائر غربی افریقا فرستاده و در آنجا محبوس ساختند ،همانطور هم‌رضاشاه‌را که‌یکی‌ازمقتدرترین‌سلاطین ایران وموجد یك کشور مترقی ومؤسس یك سلسله نوین ، و بقول یکی از مستشرقین امریکائی ،یکی‌ازسرداران بزرگ آسیابود،بیکی‌ازجزایر دورافتادهٔ‌مشرق‌افریقا تبعید کردند ، تامبادا باردیگربایران بازگردد وتحول ورستاخیزی‌را که‌حملهٔ ناگهانی قوای‌بیگانه مانع‌انجام‌آن شده بود ازسرگیرد .

بهرحال پس‌ازآنکه والاحضرت شاهدخت‌شمس‌با یازده‌تن‌ازهمراهان‌خود جزیره موریس راترك نمود ،غم‌واندوه‌شاه فزونی‌یافت.روزبروزبیماری‌و کسالت شاه بیشتر میشدوضعف‌وناتوانی براو مستولی‌میگردید ، وبا آنکه همراهان سعی میکردند پزشکی برای معالجه شاه حاضرنمایند ، معهذا اوحاضرنمیشدومیگفت: «عمری که‌درخدمت کشور صرف نشود بدردنمیخورد» بالاخره پس ازپافشاریهای زیادپس ازآنکه یکی از پزشکان متخصص شاه را معاینه کرد اظهار داشت که

اعلیحضرت مبتلا به بیماری قلبی شدیدی میباشد

یکروز بعد رادیو لندن خبر بیماری شاه را منتشر کرد و بمحض آنکه او این خبر راشنید اظهار داشت :

«مرگ برای من وقتی بود که ازمطامع بیگانگان تبعیت میکردم ولی چون، «دربرابر اجنبی سر اطاعت فرود نیاوردم ، از مردن وحشتی ندارم بلکه مرگ اکنون، «آرزوی قلبی منست . من خیلی ازاین وضعی که برایم پیش آمده خرسندم ، زیرا، «نخواستم نفوذ خارجی در کشورم راه یابد، واین حادثه ایکه برایم رویداده بخاطر، «سعادت وطنم بوده وبهمین جهت است که امروز دچار این همه رنج وتعب هستم .»

روزها ازاین ماجر گذشت تا آنکه نوروز سال ۱۳۲۱ فرا رسید شب عید اعلیحضرت بیکی ازرادیوهای بیگانه گوش میداد ، ورادیوی مزبور با گوشه و کنایه نسبت برضا شاه سخن میگفت : دراین موقع رضاشاه لبخند تلخی برلب رانده و اظهار داشت :

«اینها همه ازمن بدشان میآید وحق دارند ازمن بدبگویند زیرا نمیخواستند، «دراین مملکت لجام گسیخته کسی باشد که ازآنها مؤاخذه و بازخواست کند وخودرا، «دربرابر او مسئول بدانند .»

بامداد نوروز نیز یکی ازتلخ ترین ودردناکترین لحظات حیات رضاشاه بود زیرا همه ساله درآنروز درخاك میهن ، درمیان فرزندان وخانواده خود ، و دربین هموطنان خویش بسرمیبرد ، ونقشه‌ها برای اقدامات اصلاحی وسعادت ملت خود در سال نوطرح میکرد .ولی در آندم ازهمهٔ اینها محروم بود باین جهت موقعی که یکی ازنزدیکان شاه برای عرض تبریك نزد اعلیحضرت رفت ، شاه با بیانی تأثرانگیز گفت :

«امسال عیدما دورازوطن ،دوراز فرزندان گذشت . گمان نمیکنم دراین روز عیدواول سال نه من ونه هیچ ایرانی وطن پرستی بتواند آرزوئی بهتراز این داشته باشد که ازخداوند درخواست کنیم امسال تحت توجهات شاه موجبات آسایش وسعادت ملت ومردم ایران فراهم شود .»

بالاخره نارضایتی شاه ازاقامت درموریس وتذکرات پی در پی دراین باره سبب شد که انگلیسها موافقت کردند شاه جزیره موریس را ترك کرده وبه بندر «دوربان» واقع درجنوب شرقی افریقا برود .

مسافرت ازموریس به دوربان وژهانسبورك

روز ششم فروردین اعلیحضرت شهر «پرت لوئی» وجزیره موریس راترك کرد وپس ازهشت شبانه روز دریانوردی ، کشتی درساحل دوربان لنگرانداخت.

دوربان یکی ازشهرهای آباد وبنادر مهم جنوب شرقی افریقاست. این شهر بازیباترین وباشکوه ترین بنادر اروپا وآمریکا لاف برابری میزند .معهذا شاه در دروبان نیزناراحت بودوازوضع خود درآن شهر رضایت نداشت. باین جهت پس از دوماه اقامت دردوربان اعلیحضرت باتفاق والاحضرت شاهپور ها ازآنشهر بطرف ژهانسبورگ عزیمت کرده ودرهتل «لنگهام» بطور ناشناس اقامت نمود.

ژهانسبورگ یکی ازشهرهای آبادوخوش آب وهوای افریقای جنوبی است. این شهر پس ازآنکه کانهای طلا درترانسوال کشف شدبوسیله مهاجرین اروپائی بنا گردید . بناهای زیباوچندطبقهٔ این شهر که اغلب باسنگ ساخته شده وخیابانهای خشنگ ، وگردشگاههای متعدد ، وباغهای دلگشا وپراز گل ، شهرژهانسبورگ را بصورت یکی ازبهترین وزیباترین شهرهای جهان درآورده است .

تنهاسرگرمی رضاشاه دراین شهراین بود که گاهگاه برای تماشای باغ وحش بزرگی که انواع واقسام حیوانات درنده افریقائی درآن جای داشتند میرفت و با تماشای آنها ومناظر عجیب وتماشائی باغ وحش خودراسرگرم میساخت .

ارمغانهای گرانبها

پس ازچندی شاه باهمراهان خودازهتل بدوخانه تازه ساز رفتندودرآنجا اقامت گزیدند. دراین هنگام پیش آمدی که تااندازه ای شاه را مشغول داشت رسیدن مقداری کتابهای مختلف تاریخ ایران بود که غالب اوقات اعلیحضرت باخواندن آنها خویشتن را مشغول میداشت. چندروزی بعدنامه ای ازطرف اعلیحضرت محمدرضاشاه با ارمغان

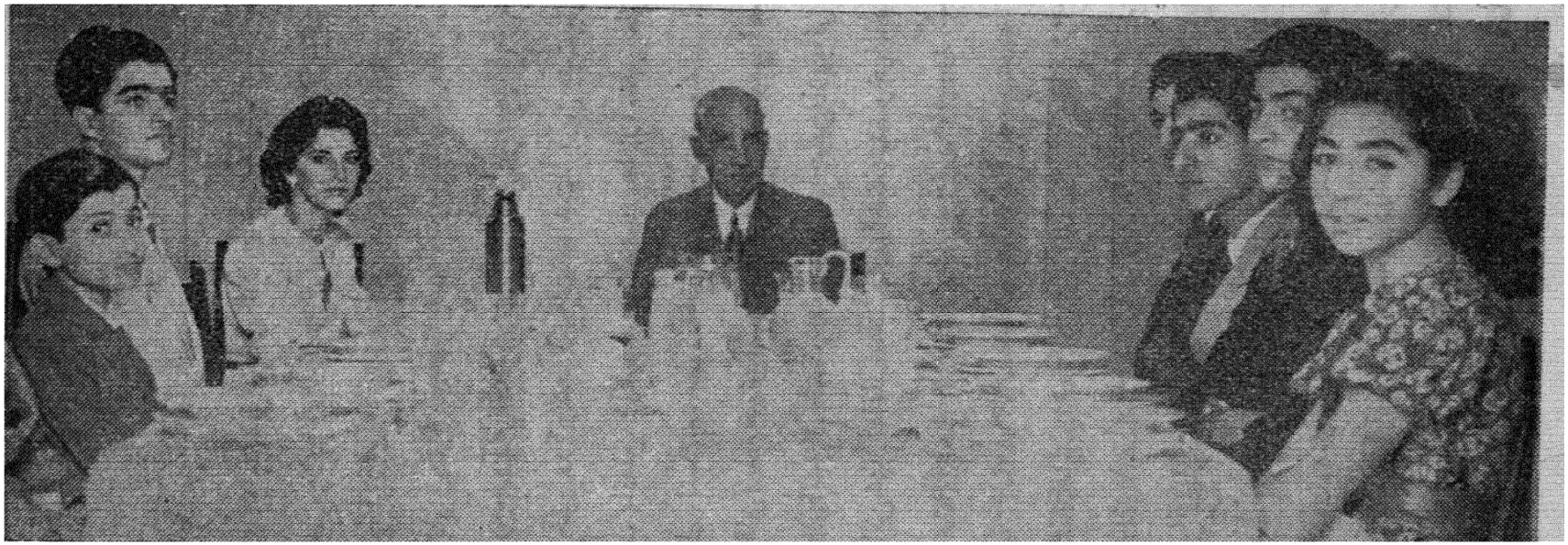

اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در سر میز نهار با فرزندان خود

از راست بچپ : والاحضرت شاهدخت فاطمه ـ والاحضرت شاهپورمحمود رضا ـ والاحضرت شاهپور احمد رضا والاحضرت شاهپورغلامرضا ـ اعلیحضرت فقید ـ والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ـ والاحضرت شاهپور عبدالرضا والاحضرت شاهپورحمید رضا .

تنها مایه تسلی شاه فقید موقعی بود که درمیان فرزندان خود بسر میبرد

گرانبهائی ازایران برای رضاشاه رسید .

این ارمغان یك مشتی ازخاك وطن ، ودیگری پرچم سه رنگ ایران بود .

شاه بمحض دیدن این ارمغانها اشك ازدیده جاری ساخت ،وآنهارا باطاق خود برد . خاك رادرجعبه‌ای مخصوص جای داد و پرچم را زینت بخش اطاق خود کرد . کسالت شاه روز بروز بیشتر میشد و بیماری قلبی با وضعی خطرناك روبشدت می‌نهاد . مقارن این ایام که مصادف بابهار سال ۱۳۲۲ بود والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ازایران برای دیدار اعلیحضرت پدرش واردژهانسبورك گردیدو نامه هاوهدایائی نیز برای اعلیحضرت آورد .

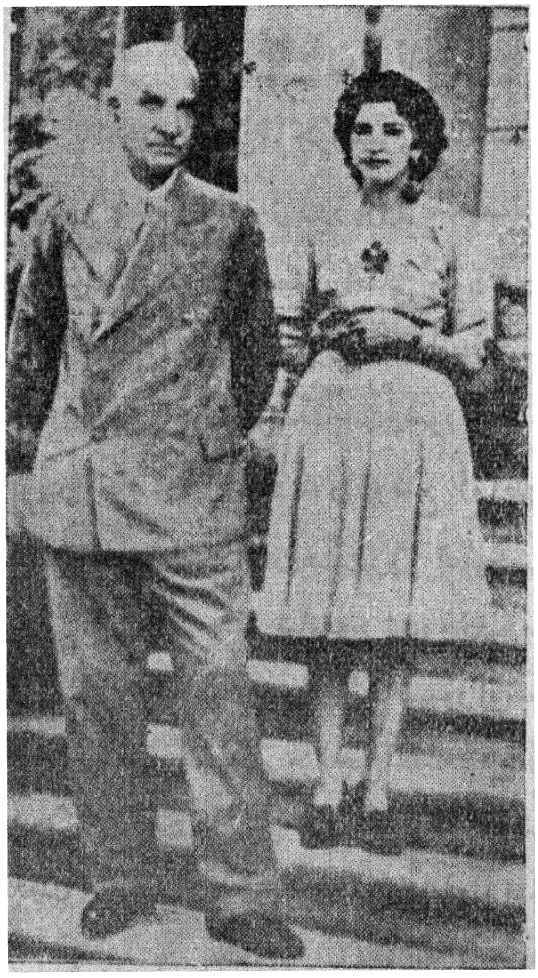

درمیان هدایا چیزی که بیش از همه خاطر شاه را بخود مشغول داشت عکس والاحضرت شهناز بود اعلیحضرت با محبت خاصی مدتها عکس والاحضرت شهناز را مینگریست وروزها اغلب ازخاطرات دوران کودکی والاحضرت سخن میگفت . یاد والاحضرت شهناز چنان خاطر شاه را بخود مشغول داشت که اغلب اوقات در کوچه‌ها و خیابانها هروقت دختربچه‌ای را بسن وسال والاحضرت میدید ، او را نوازش میکرد مدت یك ماه ونیم که والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در ژهانسبورك نزد اعلیحضرت بسر میبرد ، شاه آرامش خاطر زیادی در خویشتن احساس میکرد . ولی پس

شاه فقید در اوقات بیکاری با والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی مشغول گردش میشد

از اصرارها و پافشاریهای شاه برای بازگشت والاحضرت بایران که منجر بعزیمت والاحضرت اشرف بایران شد، رنج واندوه اعلیحضرت تجدید گردید .

یکروز هنگامیکه شاه باخبار رادیو تهران گوش میداد شنید که در تهران قحطی شدیدی روی داده و مردم در عسرت و سختی بسر میبرند. شاه از شنیدن این خبر غرق در بهت و حیرت شد و پی در پی باخشم و عصبانیت باخود میگفت :

« قحطی در تهران ؟! قحطی یعنی چه ؟! مگر نان خارجیها را هم باید ایرانیها بدهند؟ آنها که ادعا میکردند برای مردم ایران نان می آورند ؟! می گفتند آمده اند که وضعشان را درست کنند ؛ عجب درست کردند ؛ میخواستند مرا مفتضح کنند ؛ ... »

پایان زندگی یک مرد بزرگ

یک چند از این ماجرا سپری شد. شاه اغلب روزها احساس دل درد های شدید میکرد، وچشمان او نیز روز بروز ضعیف تر میگشت . کم کم کار بجائی کشید که اعلیحضرت از شدت ضعف در اطاق خود قادر براه رفتن نبود .

بامداد یکی از این روزها شاه بطور ناگهانی دچار حمله قلبی شد، بطوری که بشدت برزمین خورد و یکدست و صورت شاه زخمی گردید . بلافاصله پزشکان شاه را مورد معاینه قرار دادند واز وضع او اظهار نگرانی کردند . معهذا بمعالجهٔ او پرداخته ودر نتیجه مدت هشت روز اعلیحضرت بستری بود .

پس از آن حال شاه بهتر شد ومخصوصاً چون در این موقع والاحضرت شاهدخت شمس برای دیدار پدرش وارد ژهانسبورگ شده بود وضع شاه بنحو محسوسی بهبود یافت

یکشب که حال مزاجی اعلیحضرت از همیشه بهتر بود، والاحضرت شمس و یکی از نزدیکان خود را پیش خوانده و با سرور و شادی غیر قابل تصوری از هر دری سخن میگفت و با بیانات شیرین و نغز خاطر آنها را مشغول میداشت .

فردای آنروز ساعت شش بامداد یکی از مستخدمین مخصوص شاه، در حالیکه اضطراب خاطر و نگرانی زیادی از چهره اش نمودار بود اطلاع داد که « اعلیحضرت از خواب بیدار نمیشوند ؛ »

پس از لحظه‌ای والاحضرتها و پزشک مخصوص شاه بربالین اعلیحضرت جمع شدند و پس از معاینه‌ای که پزشک کرد اطلاع داد که در ساعت پنج بامداد اعلیحضرت براثر حمله قلبی شدیدی جهان را بدرود گفته است.

این خبر چون صاعقه درمغز تمام اطرافیان شاه صدا کرد. رضا شاه مؤسس خاندان پهلوی و یکی از بزرگترین شاهنشاهان ایران، پس از یك عمر فداکاری و جانبازی و خدمت درراه میهن، دردیارغربت دورازوطن و فرزندان و هموطنان برای همیشه دیده ازجهان فروبست و بسرای جاوید شتافت.

درآن هنگام هنوز تنها یادگار و مایه دلخوشی آن مرد بزرگ، یعنی پرچم سه رنگ و یك مشت خاك ایران دراطاق شاه دربرابر جسد او دیده میشد.

پس از مرگ رضاشاه و انجام مراسم مذهبی، جنازه را مومیائی کردند و اورا درون تابوتی جای دادند.

یك هفته بعد والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی و والاحضرت شاهپورها برای آخرین بار برای زیارت پدر بزرگوار خود، باچشمان اشکبار و دسته‌های گل رفتند و در برابر جسد او زانو برزمین زدند. والاحضرت شاهدخت شمس گلی بسینهٔ پدر خود نصب کرد.

چند روز بعد والاحضرتها بطرف مصر حرکت نمودند و پس از آن جنازه بقاهره حمل گردید.

در قاهره جنازه شاه باتشریفات واحترامات بی نظیری بروی ارابه توپ حمل گردید و رجال و زمامداران مصر و اهالی قاهره آنرا تشییع کردند و آنگاه تابوت شاه برسم امانت در آنجا ماند تا پس از ساختن آرامگاه مناسبی برای اعلیحضرت فقید بایران حمل گردد.

رضا شاه در نظر بیگانگان

حکومت بیست ساله رضاشاه درایران و تحولاتیکه این مرد بزرگ در اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و صنعتی و نظامی کشور بوجود آورد سبب

گردید که مطبوعات و رجال سیاسی دنیا در پیرامون این تحولات قلمفرسائی کرده واز شخصیت مردی که موجد ایران نوین بود سخن بگویند .

نظریه محافل خارجی در باره مؤسس سلسلهٔ پهلوی و خدمات شاهنشاه ایران عموماً منصفانه بود و همگی از سیاست و تدبیر و مملکتداری رضاشاه ستایش کرده و وی را یکی از مردان بزرگ مشرق زمین و ایران و دنیا بشمار آورند .

بسیاری از روزنامه نگاران بیگانه و جهانگردانی که دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بایران آمدند ، این سرزمین را یك کشور مترقی دانسته و ایران را قوی ترین دولت شرق میانه معرفی کردند .

گروهی دیگر رضاشاه را باسایر پادشاهان بزرگ مشرق زمین مقایسه کرده و او را بعلل مختلف از بسیاری از آنها برتر و بالاتر دانسته اند . از جمله متذکر گردیدند که رضاشاه مانند ناپلئون مردی بود که از سربازی با مپراطوری یك کشور باستانی رسید ، و بعلاوه در سخت ترین و دشوار ترین ادوار تاریخ که استقلال ایران دستخوش فنا و اضمحلال شده بود زمام امور کشور را بدست گرفت و توانست از یك مملکت منحط و عقب افتاده و ویران و مضمحل ، یك کشور آباد و آزاد و مستقل و مترقی بوجود آورد و برای میهن خود در جامعهٔ کشورهای جهانی حیثیت و آبرو کسب کند

جهانگردانی که ایران را قبل از کودتای ۱۲۹۹ دیده و بعد در زمان سلطنت رضاشاه نیز بایران آمدند و اینکشور را طی دورانی کوتاه باهم مقایسه کردند باحیرت و اعجاب پیشوای ایران را یکی از مصلحین بزرگ قارهٔ آسیا دانستند و متذکر شدند که این مرد کاری را که لااقل نیم قرن صرف وقت لازم داشت در عرض ۱۰ سال در ایران انجام داد و این کشور را بپای ممالك متمدن اروپای شرقی رساند ، و نیز در مقالات و سفرنامه های خود نوشتند که وقتی انسان وارد ایران میشود بهیچوجه خود را غریب و بیگانه نمی بیند زیرا براثر فرهنگ دوستی رضاشاه ، جوانان ایرانی عموماً بزبان های خارجی مخصوصاً فرانسه و انگلیسی آشنائی دارند و موقعیکه آدمی با آنها مواجه



رضا شاه در بستر مرگ

میشود از هوش وذکاوت ودانش آنها دچار حیرت میگردد . بعلاوه درایران شهرهای آبادومهمانخانه‌های بزرگ و کارخانه‌های متعددوجود دارد که نظیر بعضی از آنها فقط در کشورهای درجه اول جهان یافت میشود .

رضا شاه قدر ومنزلت ممالک مشرق زمین را بالا برد

نظریه سیاستمداران ورجال بزرگ وپیشوایان ملل بیطرف نیز نسبت برضاشاه خیلی خوب بودوهمه اورا بادیدهٔ احترام واکرام مینگریستند ووی را پادشاه مصلح ومقتدر ولایق وکاردان میشمردندوحتی دوستی او را برای خود مغتنم میدانستند، چنانکه وقتی رضاشاه روابط خودرا بادولت فرانسه قطع کرد ، مطبوعات ورجال فرانسوی سخت ازاین امرناراضی و متأثر شدند و رئیس جمهوری فرانسه مسیو «لوبرون» طی نامهٔ خصوصی رسماً ازاعلیحضرت رضاشاه معذرت خواست و تقاضا کرد که مجدداً بابرقراری روابط دوستانه بین دو کشور موافقت نماید .

اینموضوع سبب گردید که قدرومنزلت وشخصیت دولت وملت ایران دراجتماع ملل بالا رفت ومخصوصاً بعضی از رجال برجسته سیاسی کشورهای اسلامی از صمیم قلب شخصیت برجسته ولیاقت وشایستگی اورا میستودند ومیگفتند رضاشاه آبروی ممالک مشرق زمین را درد نیا حفظ کردو برای ملل اسلامی مقام ومنزلت بزرگی کسب نمود ،وکاررا بجائی رساند که رئیس جمهوری فرانسه ازاو معذرت خواست .

لیکن پس ازآنکه رضاشاه براثر حمله نا جوانمردانه همسایگان شمالی و جنوبی مجبور بترك ایران گردید، مطبوعات انگلیسی وروسی دورازحق وعدالت و انصاف نسبت باو قضاوت کرده ودرصدد تحقیر وتخفیف وی برآمدند .

روزنامه‌های انگلیسی مخصوصاً سعی داشتند رضاشاه رادست نشاندهٔ خود محسوب کنند وبگویند که این مرد براثر کمك ومساعدت ما بسلطنت ایران رسید ولی پس ازآنکه در کارخود موفق شددیگر بمااعتنائی نکرد .

محافل بیطرف میگویند برفرض آنکه روزی این سردار بزرگ باسیاست و وتدبیر خود بخاطر نجات میهن ازچنگال بیگانگان موقتاً باانگلیسها کنار آمد

ولی بمحض آنکه قدرت دردست گرفت بتصدیق خود انگلیسها بآنها پشت پازد و این بزرگترین سند وطن پرستی و لیاقت و کاردانی رضاشاه است که زیر بار نفوذ بیگانه نرفت و یکه و تنها ایران را بآن درجه قدرت و ترقی رساند.

همین رضاشاه بود که در زمان سردار سپهی و قتی خزعل در خوزستان علم طغیان برافراشت و خواست آن خطهٔ زرخیز را از ایران مجزا نموده و ضمیمه ممالك عربی نماید، او تصمیم گرفت یا خوزستان را از چنگ مزدوران خارجی نجات دهد و یا خود در این راه سر ببازد، و با آنکه بارها سفیر و کنسولهای انگلیسی او را تهدید کردند که حمله بخوزستان صلاح نیست زیرا امپراطوری بریتانیا مجبور است بخزعل کمك نظامی نموده و از او پشتیبانی کند، باوجود این سردار سپه با تغیر نمایندگان انگلیس را از خود دور کرد و بخوزستان حمله نمود و آن ایالت زرخیز را از چنگ خزعل و قوای مسلح او نجات داد.

بعدها که رضاشاه بسلطنت رسید و قدمهای بلندی در راه اصلاح مملکت برداشت هنگامیکه بین ایران و دولت انگلیس بر سر قضیه نفت جنوب اختلاف افتاد، باز رضا شاه علناً بر ضد دولت نیرومند بریتانیا بمبارزه برخاست و بجامعه ملل شکایت کرد و نگذاشت که کانهای نفت جنوب یکباره بکام آن دولت فرو رود.

پس از آنکه جنگ عالمگیر دوم نیز شروع شد، با آنکه دولت انگلیس علاقمند بود دولت ایران هم از بیطرفی خود دست کشیده و جزو متفقین در آید، معهذا رضا شاه باسیاست خاص و مستقل خود بیطرفی ایران را حفظ کرد و حاضر نشد میهن او بخاطر منافع دیگران وارد جنگ شود و زیانهای جانی و مادی جبران ناپذیری بآن وارد آید.

چرچیل اسرار را فاش میکند

پایداری و مقاومت رضا شاه در برابر مطامع بیگانگان، و اتخاذ یك سیاست مستقل و روشن انگلیسها را متوجه این موضوع کرد که سرسلسلهٔ دودمان پهلوی نه

تنها مردی نیست که مانند سایر رجال ممالک خاور میانه از سیاست بریتانیا پیروی نماید بلکه اساساً مخالف کوچکترین دخالت بیگانگان در امور داخلی ایرانست ، و باینجهت درصدد برآمدند که این پیشوای بزرگ و شاهنشاه مقتدر را با قوای قهریه خود ازمیان بردارند ، تابتوانند بمنظورهای خویش نائل شوند .

باین جهت طبق یادداشتهائی که چرچیل نخست وزیر انگلستان ، پس از پایان جنگ منتشر نموده اسرار فعالیتهای روس و انگلیس را برای برانداختن سلطنت رضا شاه فاش کرده و مینویسد :

دولت بریتانیا بدولت شوروی پیشنهاد کرد که مشترکاً علیه ایران وارد جنگ شوند . چرچیل مینویسد، من در این باره وحشت و اضطراب داشتم ولی چون چاره نبود و این موضوع برای ما اهمیت حیاتی داشت مجبور بودیم این کار را بانجام رسانیم پس از آن ژنرال «ویول» را مأمور کردیم که نقشهٔ حمله بایران را تهیه کند، ازطرف دیگر درروز ۱۳ فوریه ۱۹٤۱ ایدن وزیر خارجه انگلیس با «مائیسکی» سفیر کبیر شوروی در لندن در کاخ وزارت خارجه بریتانیا ملاقات کردو باهم قرار گذاشتند که مشترکاً یاد داشتی بدولت ایران تسلیم نمایند، وموضوع وجود عده‌ای از مهندسین و کارشناسان آلمانی را درایران بهانه قراردهند .

رؤسای ستاد ارتش ما مخصوصاً توصیه کرده بودند، که رفتار دولت انگلیس باید خیلی خشن باشد تا دولت ایران را وادار بعمل مقابله بمثل کند و بدین ترتیب جنگ و نزاع بین طرفین آغاز شود و آنگاه قوای نظامی انگلیس و شوروی مشترکاً بایران حمله ور شوند ، بدین ترتیب چرچیل اعتراف کرد که دولتین انگلیس و شوروی برای حمله بایران بایکدیگر تبانی کردند .

روسها هم برای حملهٔ خود بایران درپی محملی گشتند و مدتی مشغول مطالعه بودند و بالاخره تصمیم گرفتند آنها نیز موضوع وجود پنجاه و شش مهندس آلمانی از جمله «فن رادانویچ» و «لاگاموتا» و «میبر» و «ویلهلم سایف» و «گوستاو بور» و «هینریخ

کلینگر، و «تراپه» را در ایران بهانه قرار داده ومتذکر شوند که افراد فوق یادر بنگاه راه آهن یا درمؤسسات نظامی ایران ویا در تجارتخانه هائی مانند «آ. ا. گ» و «فرشتال» و «مرسدس» و «زیمنس» بعنوان مهندس مشغول کار ندوحال آنکه همگی از جاسوسان زبردست آلمانی بشمار میروند که برای انجام منظورهای خاصی بایران آمده اندواز جمله پنجاه تن مواد منفجره در نزدیکی شهر «میانه» تهیه کرده اند تا پلها و کارخانه ها و خطوط ارتباطیه را منفجر کنند، و ضمناً درصدد ند ایران را بصورت تکیه گاهی برای حمله وهجوم بخاك شوروی مبدل سازند .

باین جهت دولت شوروی برای رفع خطر مزبور طبق قرارداد سال ۱۹۲۱ که بین ایران وشوروی منعقد گردیده بخاك ایران قوای نظامی داخل میکند . ماده ۶ قرارداد مزبور حاکیست که :

«دولتین معظمتین متعاهدتین قبول مینمایند که اگر دولت ثالثی قصد داشته باشد بوسیله مداخله نظامی سیاست غاصبانه وتجاوز کارانه ای را در ایران مجرا سازد وخاك ایران را مرکز حملات لشکری خود برضد روسیه قرار دهد ، و در اینصورت مخاطرات وتهدیدی متوجه سرحدات جمهوری متحده شوروی سوسیالستی روسیه و دول متفق آن بشود ، ودرصورتیکه پس از اخطار دولت شوروی بدولت ایران، خود دولت قادر به برطرف ساختن مخاطرات فوق الذکر نباشد، آنوقت دولت شوروی حق خواهد داشت ارتش خود را بخاك ایران وارد نماید، تا بمنظور دفاع از خود، اقدامات لازمه را بعمل آورد .

دولت شوروی متعهد میشود همینکه مخاطره مزبور برطرف شد ، فوراً ارتش خود را از حدود ایران خارج نماید . »

پس از آنکه مقدمات کار آماده شد ، وهر یك از دولیتن انگلیس وشوروی بهانه هائی برای حمله بایران طرح کردند سه یاد داشت در سه تاریخ مختلف بدولت ایران تسلیم شد، وآخرین یادداشت در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۴۱ بود .

امارضاشاه متوجه بود که این یاد داشتها و مطالب مندرجه در آن همه بهانه است

چنانکه بارها گفته بوده اینها بیخود بهانه جوئی میکنند، من خوب میدانم که اینها منظور های دیگری دارند. وموضوع آلمانها بهانه است، این سفرای ما هم که در لندن ومسکو نشسته اند هیچ غلطی نمی کنند و ما را ازجریان اوضاع مطلع نمیسازند و بااین وضع بالاخره برای ما مصیبتی درست خواهد شد.

اما ما باید سعی کنیم بهانه‌ای بدست آنها ندهیم - دل من باین خوشست که وعده صریح داده‌اند بیطرفی مارامحترم خواهندشمرد. ماهم باید باکمال دقت از حدود بیطرفی خارج نشویم تاخودمان راانشاءالله سالم ازاین بلا نجات دهیم، امابا همه این احوال متفقین بالاخره کارخودرا کردند ودرسپیده‌دم روز ۲۵ اوت مطابق سوم شهریور ۱۳۲۰ نیروهای آنها ازمرزهای ایران گذشتند، وچون رضاشاه خودرادر مقابل کارانجام شده‌ای دید. وبعلاوه مقاومت رادربرابر ارتش بزرگترین دولتهای دنیا بیهوده میدانست فرمان ترک مخاصمه صادر کرد تالااقل بنفوس بیگناه وشهرها وقصبات ایران زیانی وارد نیاید.

اماقوای نظامی روس وانگلیس وقتی وارد خاك ایران شدند، علاوه براستفاده از راهها ومنابع ایران خیال دیگری نیزداشتندوآن انتقام ازرضاشاه بود که‌مدت بیست سال جداً بانفوذ ومطامع آنها مبارزه میکرد و باینجهت شاهنشاه فداکار و وطن پرست ایران را وادار بکناره گیری ازسلطنت نمودندوپس ازآن اتباع آلمانی مقیم ایران رادستگیر کرده وسفارتخانه‌های آلمان وایتالیا و رومانی ومجارستان وبلغارستان وفنلاند را که‌تاآن تاریخ جزومتحدین آلمان بودند اشغال نمودند.

این خلاصه‌ای بودازروابط سیاسی ایران بادولتهای انگلیس وشوروی درآخرین سال سلطنت رضاشاه که‌منجربحادثهٔ شوم سوم شهریور گردید.

روزنامه های خارجی و رضا شاه

رضا شاه طی ۲۰ سال سلطنت خودهمواره بانفوذهای خارجی مبارزه میکرد وازمنافع ایران جداً دفاع مینمود تابالاخره بهمین جهت دشمنان ایران بزور سرنیزه وبا قوای نظامی درصدد برآمدند این پیشوای بزرگ را که خارراه آنها بود ازمیان بردارند

روزنامه مشهور «لندن نیوز» باتمام کینه‌ای که انگلیسها نسبت برضاشاه داشتند معهذا نتوانسته است منکر شخصیت و لیاقت و وطن پرستی این مرد بزرگ شود چنانکه دراین باره مینویسد :

« رضا شاه پهلوی در آغاز کار سرباز سوار نظامی بیش نبود ، ولی اخیراً بزرگترین دیکتاتور شرق شده بود . اوزندگانی خودرامانندیك سرباز فداکار شروع کردو کم کم خودرا بمقامات عالی رساند . ولی (ژنرال ایرن ساید) انگلیسی بترقیات او کمك شایانی کرد . رضاخان پهلوی در سال ۱۹۲۵ بسلطنت ایران رسید . ولی هیچیك از فرمانروایان مشرق زمین باندازه او دوستی ما را با ابراز خصومت پاسخ نداد . کشور فقیر ایران بدست وی ترقی کردو روبتمدن پیش رفت و پول شرکت نفت نیز در این کمکها مؤثر بود .

رضا شاه راه آهن سراسری ایران را ساخت ، مدارس متعدد ایجاد کرد ، راههای مختلف بوجود آورد ، ارتش کامل و کافی درست کرد ، هتل ها و بنا های آبرومند بصورت مؤسسات اروپائی بوجود آورد . آلمانیها در کشوروی راه یافتند ووعده‌های خوبی برای آبادی مملکت دادند و کم کم دراین کشورنفوذ یافتند ».

«درسال ۱۹۳۲ رضا شاه امتیاز شرکت نفت را که مبلغ چهل میلیون لیره انگلیسی درآن خفته بود لغو کردو کاربجامعه ملل کشید . در آنموقع وزیر خارجه بریتانیا سرجان سیمون بود» .

«بالاخره دولت انگلیس حاضر بپرداخت حق الامتیاز بیشتری گردید و بعلاوه مبلغ سه میلیون لیره نیز برای تجدید امتیاز داده شد . ایران باآنکه قریب پنج برابر فرانسه وسعت دارد باوجود این فقط پانزده میلیون نفر جمعیت دارد» ایـن کشور تحت راهنمائی رضا شاه پهلوی ترقیات زیـادی کـرد و ایران در زمان او بپیشرفتهای بزرگی نـائل شد ، امـا چون حاضر بکوتاه کردن ،



زندگی یك نابغه شرق پهلوی اول به‌پایان رسید در کشور بیگانه جان سپرد و در تاریخ هفدهم اردیبهشت سال یکهزار و سیصد و بیست و نه با تشریفات رسمی جنازه نامبرده در شهرری بخاك سپرده شد.

« دست آلمانیها درایران نشد ، قوای روس وانگلیس از سه طرف بکشور او داخل
« شدند. ایران در آنموقع صدو پنجاه هزار سرباز داشت که چندین قسمت مجهز و تعلیم
« دیدهٔ خوب ، در بین آنها بود و بعلاوه یك بریگاد مسلح خوب هم داشت. نیروی هوائی
« ایران از دو یست هواپیما تشکیل شده بود که اغلب آنها از سیستمهای قدیمی بشمار میرفت

مطالب فوق که در یك مجله انگلیسی منتشر شده نشان میدهد که باهمهٔ کینه
« وعداوتی که انگلیسها نسبت برضاشاه داشتند معهذا از لیاقت و کاردانی او ستایش کرده
« وخدمات وی را در راه ترقی و پیشرفت ایران ستوده اند وضمناً مخالفت رضاشاه را
« با خود ضمن « لغو ناگهانی امتیاز شرکت نفت، وهمچنین آنجائی که متذکر شدند
« درمشرق زمین هیچ فرمانروائی باندازهٔ او با ما مخالفت نکرد، شرح داده اند.

پس از آنکه رضاشاه در ژوهانسبورگ جهان را بدرود گفت، بار دیگر مطبوعات انگلستان دربارهٔ شخصیت سر سلسله خاندان پهلوی مطالبی انتشار دادند ، از جمله مجله سیاسی « ایلوستریتد لندن نیوز » در این باره نوشت :

« رضا شاه پهلوی ، پادشاه سابق ایران که پس از استعفاء از مقام سلطنت از ۱۶
« سپتامبر ۱۹۴۱ بجنوب افریقا رفت در ۲۶ ژوییه وفات یافت . وی در ۱۲ سامبر سال
« ۱۹۲۵ بر تخت سلطنت نشست و در آوریل سال ۱۹۲۶ تاجگذاری نمود رضاشاه
« خدمات زیادی بایران وایرانیان کرد ، ولی همکاریش در سال ۱۹۴۱ آنطور که
« انتظار میرفت با متفقین صمیمانه نبود و اینموضوع سبب شد که قوای دول متفق از
« مرزهای ایران گذشته وارد خاك آن کشور شوند » .

یکی از استادان دانشگاه پاریس پس از آنکه شاهنشاه بزرگ ایران در ژوهانسبورك وفات یافت در کنفرانسی که برای دانشجویان دانشگاه راجع بایران و رضاشاه پهلوی میداد ، پس از مقدمات تاریخی چنین گفت :

« رضا شاه در طول مدت زمامداری خود خدمات درخشانی بایران
« کرد . او یك مرد مثبت بود و پرده خرافات و موهومات را که بزرگترین
« سد پیشرفت ملل مشرق زمین است از هم درید . وی در یك موقع بحرانی

«زمامدار ایران شد و میهن خود را از خطر نیستی نجات داد. ولی ایران که در سه
«قرن اخیر همواره بازیچهٔ سیاستهای خارجی بود با وجود آنکه در مدت بیست سال
«زمامداری پهلوی از دسائس بیگانگان بر کنار ماند معهذا در سال ۱۹٤۱ با حمله
«قوای مسلح انگلیس و شوروی بآن کشور عظمت و قدرت خود را از دست داد.
«پهلوی نیز در کشاکش این سیل بنیان کن از ایران بجزیرهٔ موریس تبعید شد
«و بار فتن او ترقیات و پیشرفتهای ایران نیز همه از بین رفت»

در دورانی که هنوز رضاشاه پهلوی بمقام سلطنت نرسیده بود و سمت سردار سپهی داشت مطبوعات مغرب زمین از جمله امریکا راجع باین مرد بزرگ مطالب مهمی انتشار دادند که تهیه و جمع آوری آنها مدتها وقت لازم خواهد داشت از جمله پرفسور «هوپ» یکی از دانشمندان امریکائی در انجمن بازرگانی شهر شیکاگو، نطقی درباره شخصیت و خدمات رضاشاه ایراد کرد که متن آن در صفحات قبل ذکر شد. مجموع این گفته‌ها و نوشته‌ها حاکیست که رضاشاه یکی از بزرگترین پادشاهان مصلح و فرهنگ دوست و کاردان و وطن پرست ایران بشمار میرفته و یکی از برجسته ترین سرداران و پیشوایان قارهٔ آسیا محسوب میشود.

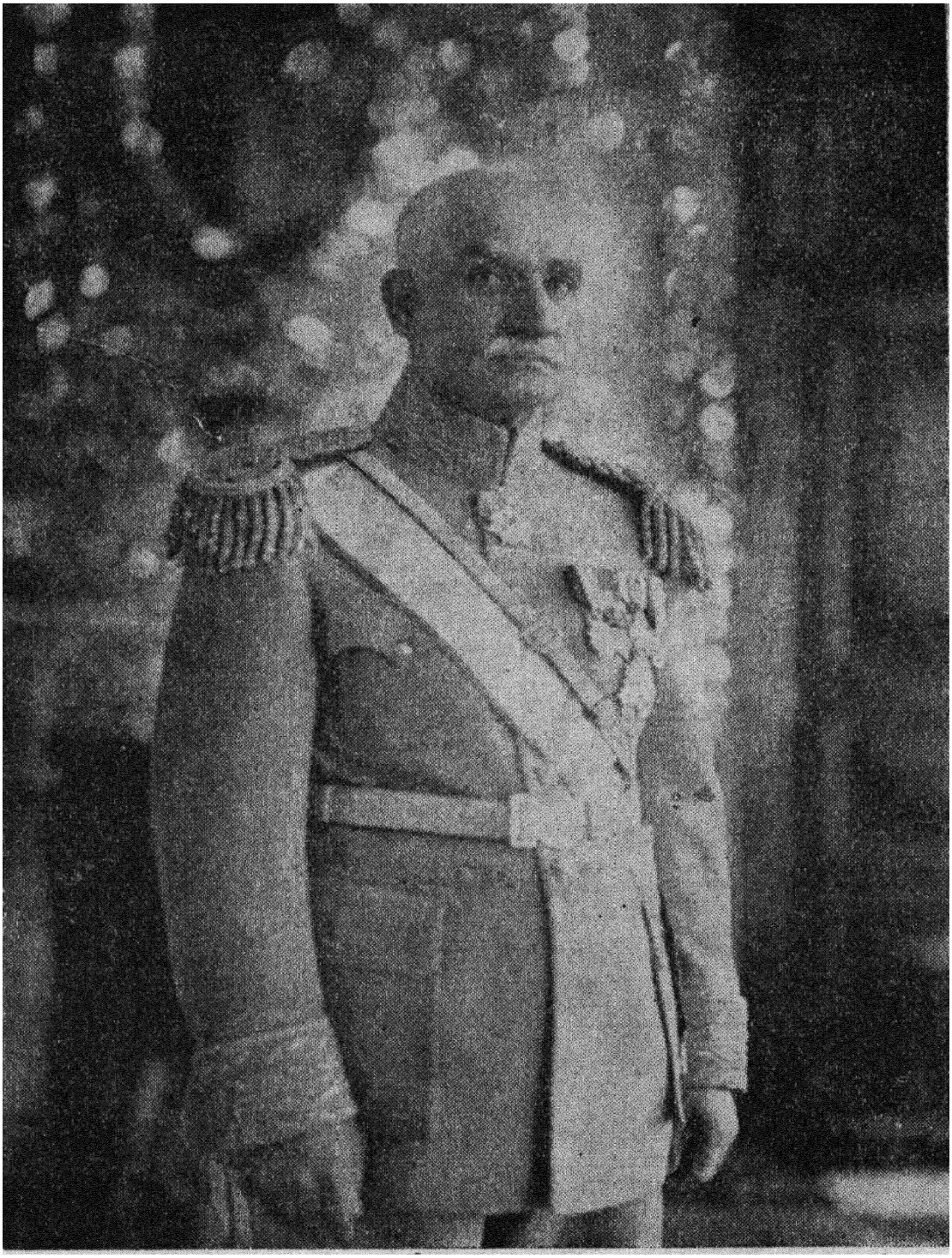

شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر درآخرین روزهای سلطنت

رضاخان میرپنج که‌درجنگهادلیریها بخرج‌داده‌وبارها برای حفظ استقلال میهن باستقبال مرگ رفته‌بود . وقتی این اوضاع دلخراش را مینگریست چنان خونش بجوش میآمد که‌ازخودبیخود میشدواین محیطوفضای خفه کننده را برای خودبسیار جانفرسا وغیرقابل تحمل میدید .

ازاین روچندصدبار درصددبرآمدبرای نجات‌ایران‌مردانه قدم‌پیش گذارد ودراین‌راه ازبذل جان ومال مضایقه نکند . ولی هربار پیش‌آمدی او را ازانجام مقصودش بازمیداشت ، تاآنکه‌بالاخره‌تصمیم خودرا گرفت‌وبرای‌واژگون ساختن کاخ ظلم وبیداد ومبارزه بارجال مفسدونالایق‌وعناصر خائن وآشوب طلب نقشه خودراطرح کردومیخواست بهر قیمت شده باین وضع آشفته و درهم خاتمه دهد که‌ناگهان پیش‌آمدی‌موقتاً اورا از انجام مقصودش بازداشت.

این‌حادثه بجهان آمدن‌طفل‌نوزادی‌بود که‌افکاروانديشه‌های سردار بزرگ مارا تامدتی تحت‌الشعاع‌خویش‌قرارداد .

تولد

سپیده دم روز چهارم آبان ۱۲۹۸ ، درآنهنگام که‌بانگ مؤذنین ازبالای گلدسته‌های مساجدورفضای‌تهران می‌پیچید، ودرآنموقع که‌خروس سحری‌بانگ (الله‌اکبر) برمیآورد ،ودرافق خاور سپیده‌بامدادی‌آسمان وزمین‌رارو شن‌میکرد درخانه‌رضاخان‌میرپنج‌افسردلیروفداکار، ازبانوتاج‌الملوك‌همسر گرامیش که‌سومین فرزندمرحوم تیمورخان میرپنج بوددو کودك نوزاد پابجهان گذاشتند که‌دل‌ودیدهٔ پدرومادر خودرا ازوجودخویش‌روشنی بخشیدندوقلوب افراد و اعضاء خانواده را نیز غرق‌درسرورو شادی کردند .

دوران کودکی

هیچکس‌نمیدانست که‌برپیشانی این‌دو کودك نوزادقلم تقدیرچه چیز ها نوشته‌وچگونه‌آنهارا برای ایجاد یك تحول بزرگ و ایجاد یك نقش فوق‌العاده مأمور کرده است .



والاحضرت محمد رضا پهلوی - والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی - والاحضرت شاهپور علیرضا
پهلوی - والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی و بانوارفع

هیچکس نمیدانست که یکی از این دو روزی بر او رنگ شاهنشاهی پادشاهان کیان تکیه خواهد زد و ایران را از سخت‌ترین و دشوار ترین بن بست های تاریخ بطرف سعادت و نیکبختی سوق خواهد داد ، و دیگری چون فرشتهٔ رحمت در زندگی مردم بینوا و رنجدیدهٔ این کشور تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد و رنج ها و آلام و مصائب آنان را تسکین خواهد داد و شالودهٔ بزرگترین مؤسسات خیریه و اجتماعی را خواهد ریخت .

آنروز و قتی این دو برادر و خواهر تو أمان پا بجهان نهادند کسی این چیزها را نمیدانست ولی همهٔ افراد خانوادهٔ آنها بشکرانهٔ این دو نوزاد شادیها کردند و مجالس عیش و سرور برپا ساختند و از بسیاری از خانواده های مستمند و بینوا دستگیری کردند

رضاخان پهلوی این دو فرشتهٔ کوچك آسمانی را چون جان شیرین عزیز میداشت و وجود آنها و خواهر بزرگترشان (شمس) را طلیعهٔ خوشبختی و سعادت خود میدانست از این رو بدرگاه حضرت احدیت نیایش کرد و چون اعتقاد و ایمان زیادی بدین حنیف اسلام و ائمه اطهار ، مخصوصاً حضرت رضا علیه السلام داشت ، از این رو نام فرزند پسر را محمدرضا و نام دختر را اشرف نهاد .

روزها تنها سرگرمی و مایهٔ سعادت و مایهٔ دلخوشی این سردار بزرگ این بود که پسر و دختر عزیز خود را در آغوش میفشرد و ساعتها در خانه شخصی خود که در نزدیکی باغشاه و روبروی مدرسه نظام قرار داشت با آنها خود را سرگرم میساخت .

چند ماه بعد پهلوی مأموریت یافت که از تهران خارج شود و برای انجام کارهای فوری بقزوین برود . پهلوی مدتی در همدان و قزوین بسر میبرد و در آنجا فرماندهی دیویزیون قزاق را داشت . یکسال پس از این حادثه بود که ناگهان نیمه شبی این سردار نامدار بتهران حمله ور گردید و در سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتا کرد و ایران را از اضمحلال و فنای محض نجات داد .

از آن پس همانطور که پیش بینی شده بود بر اثر قدم میمون و طالع فرخنده این دو کودك خردسال روز بروز موفقیت‌های تازه‌ای نصیب پهلوی میگردید ، چنانکه پس از فتح تهران و کودتا ، بمقام سردار سپهی و بعد وزارت جنگ و پس از آن فرماندهی



شاهنشاه فقیدرضاشاه کبیر ـ والاحضرت شاهپور محمد رضا ـ والاحضرت
شاهدخت شمس ـ والاحضرت شاهدخت اشرف ـ والاحضرت شاهپور
علیرضا ـ والاحضرت شاهپور غلامرضا

کل قوا و سپس ریاست وزراء و آنگاه ریاست حکومت موقتی و بالاخره بشاهنشاهی ایران و تشکیل سلسلهٔ پهلوی نائل گردید .

سردار سپه در تمام روزهای سخت و دشواری که در جبهه‌های جنگ با دشمنان وطن میجنگید آنی از فکر نورديدگان خود غافل نبود و همیشه یاد چهرهٔ ملکوتی و چشمان درخشان و هوش و ذکاوت فرزندان خردسالش که بزرگترین مایهٔ تسلی او بشمار میرفت بود مخصوصاً توصیه کرده بود که فرزندانش در غیاب وی بزیور کمالات آراسته شوند و بکسب تحصیل اشتغال ورزند .

فرزند کامکار سردار سپه شش ساله بود که پدر دلیر و کاردانش بعد از یك عمر فداکاری و جانبازی از طرف ملت ایران بشاهنشاهی این کشور باستانی برگزیده شد و پس از چندی او نیز از طرف رضاشاه پهلوی بعنوان ولیعهد انتخاب گردید و در روز پنجشنبه ۸ بهمن فرمان ولایتعهدی صادر شد .

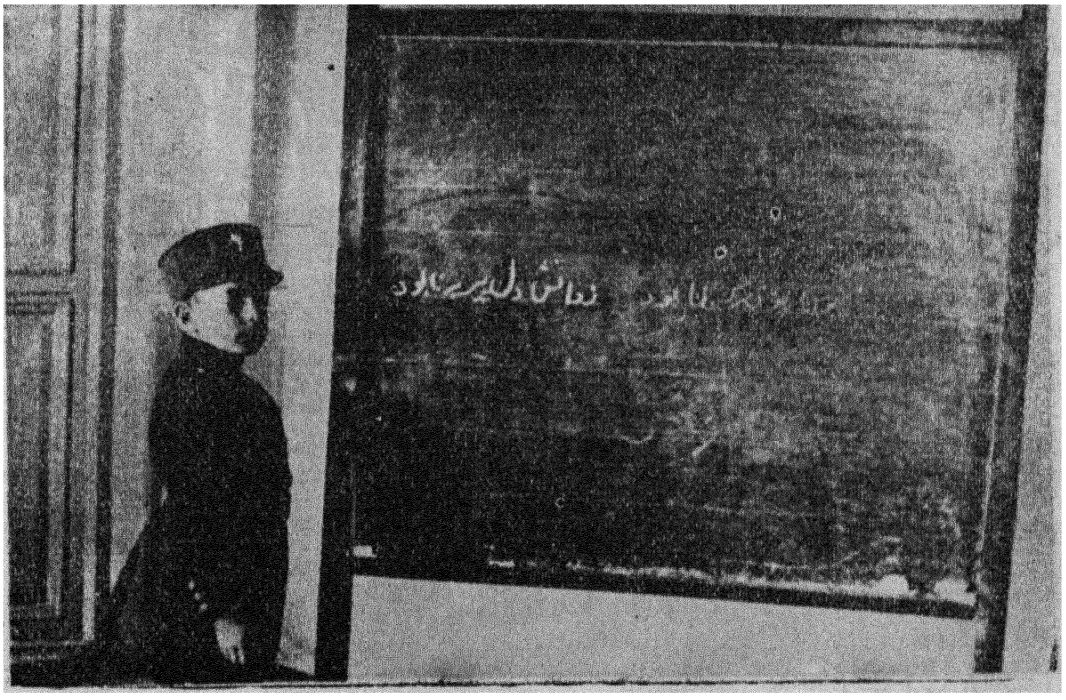

والاحضرت ولایتعهد هنگام تحصیل در دبستان نظام

والاحضرت ولایتعهد یکسال از موعد مقرر، یعنی در شش سالگی در دبستان

نظام مشغول تحصیل شد و مدت شش سال در کلاس مخصوص بتحصیل اشتغال داشت در ۱۴ خرداد ۱۳۱۰ امتحانات نهائی دبستان نظام را بامعدل ۱۹/۲ بانهایت موفقیت بپایان رساند .

زندگی خصوصی خاندان سلطنتی

اعلیحضرت رضاشاه کبیر علاوه برعلاقه‌ای که نسبت بتحصیل فرزندان خود داشت سعی مینمود که ولیعهد کشور را از کودکی برموز مملکتداری واقف و آشنا سازد . ازاین رو درغالب جریانات و مراسم رسمی اورا باخود میبرد تا از نزدیك ناظر امور باشد . ازجمله هرسال درمراسم سلام عام که در کاخ گلستان برپا میشد با پدر تاجدارش درمراسم مزبور شرکت میکرد .

رضاشاه درجهان دوچیزرا بیشتر ازهمه چیزدوست داشت، یکی وطن و دیگری فرزندان خودرا . صبح‌ها وقتی میخواست از کاخ سلطنتی خارج شود سه فرزند کوچکش‌را ازخواب بیدارمیکرد و پس‌ازآنکه آنان رامیبوسید و نوازششان میکرد ازخانه خارج میشد ،

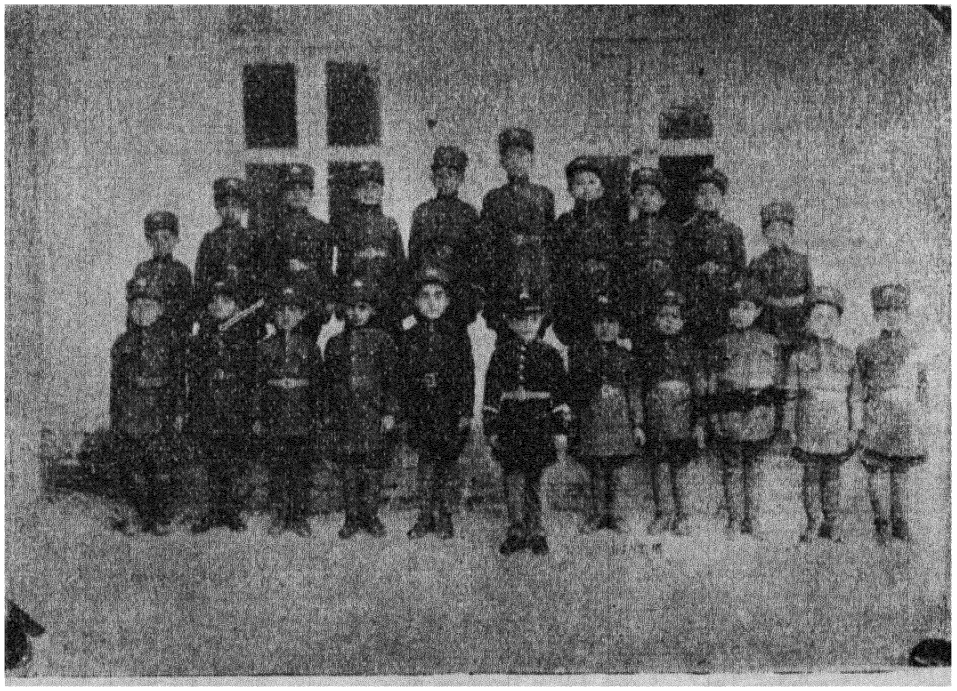

والاحضرت درمیان محصلین دبستان نظام

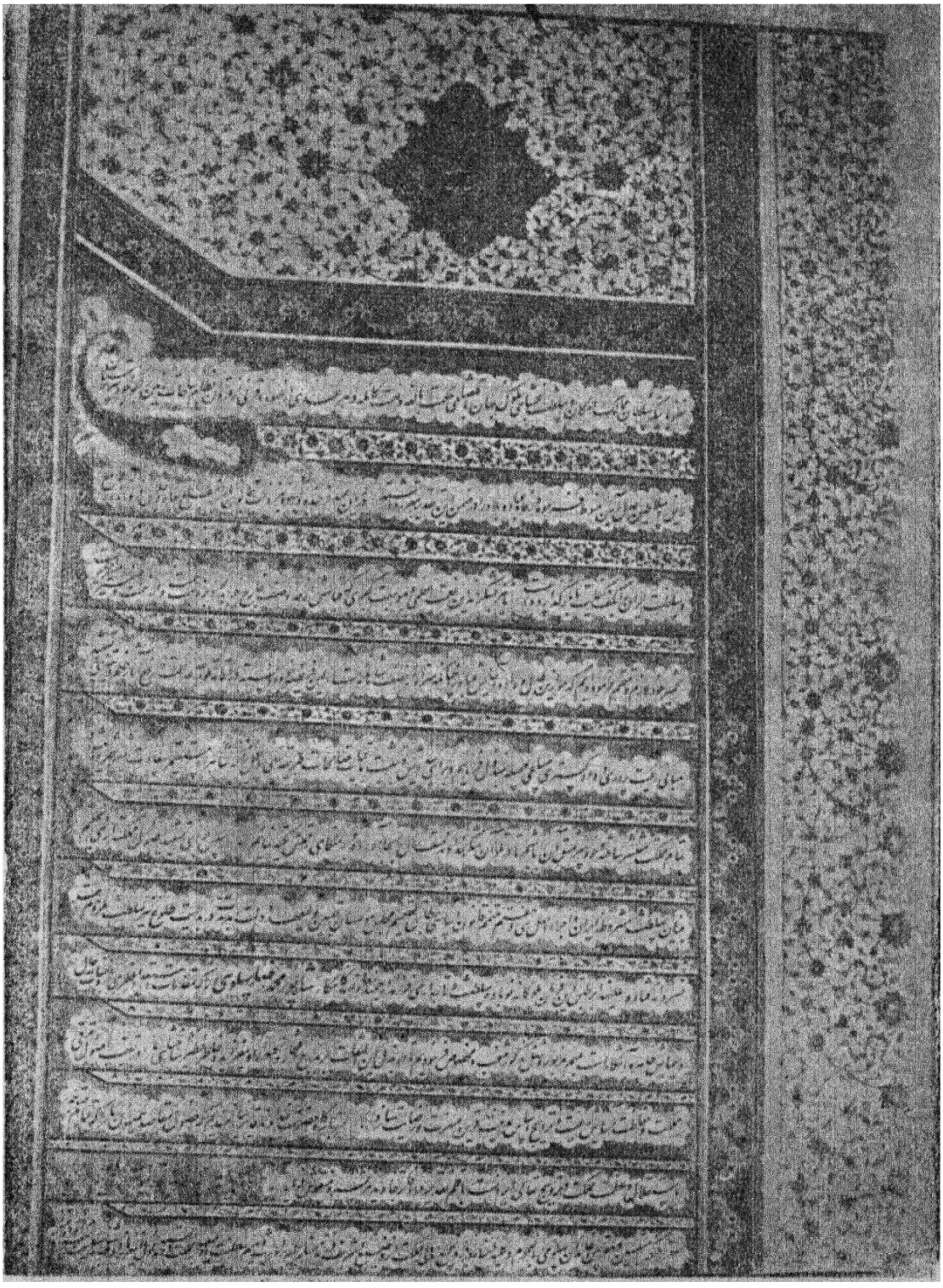

متن فرمان صادره ولایتعهدی بنام والاحضرت محمدرضا پهلوی

ولیعهدایران درهنگام تحصیل علاوه بر آنچه که در بستان میآموخت، در خانه نزد استادان مخصوص خویش نیز غالب اوقات بآموختن علوم و فنون مختلف میپرداخت ومخصوصاً شوق زائدالوصفی نسبت بآموختن تاریخ ایران و شرح زندگانی شاهنشاهان وسرداران بزرگ گیتی ابراز میداشت، وگاهی اوقات نیز زندگی پرماجرای پدرخود را که همواردرجنگهای و پیکارها صرف مبارزه باد شمنان ایران میشداز نظر میگذراند وازآن نکتهها میآموخت .

رضاشاه بسیارعلاقمندبود که فرزندانش نیزمانندا و سحرخیز باشندوازورزشهای مختلف اطلاع کافی داشته باشند ، باینجهت هنگامیکه والاحضرت ولایتعهدنزد استادورزش خود بکارهای ورزشی میپرداخت و در تیر اندازی ، واسب سواری و رانندگی ، وشناوری وسایرورزشهای بدنی مهارت بسیارازخود ابرازمیداشت مایهٔ شگفت اعضاء خانواده سلطنتی ، ومورد تحسین پدرتاجدارش میشد .

رضاشاه همانگونه که خود یك سربازفداکاروازجان گذشته بودوزندگانیش عاری ازتکلف بود ، سعی بسیارداشت که زندگانی فرزندانش نیزازهرجهت ساده و بی پیرایه وعاری ازتکلف وقیود باشد ، ولی ازحیث نظم وترتیب وانضباط درکار ، برای سایرین سرمشق بشمار رود .



روزهائیکه والاحضرت ولایتعهد بخارج از شهر میرفتند باسایرشاهپورها مشغول شکارمیشدند

روزهای سیزده نوروز که خانوادهٔ سلطنتی ایران بامین آبادورامین میرفتند تنهاسرگرمی رضاشاه بسربردن بافرزندانش بود که در کشتزارهای سبزوخرم مراسم سیزده نوروزرا بخوشی و شادمانی میگذراندند .

رضاشاه نسبت بولیعهد خود بی نهایت علاقمند بودو بارها این نکته را بنزدیکان



والاحضرت ولا يتعهد بالباس رسمى

خود اعتراف کرده گفته بود: «من هروقت ولیعهدرا می بینم مثل اینستکه روح تازه‌ای در کالبدم دمیده میشود، زیرا تمام افکارمتوجه اوست».

وقتی علاقه ومحبت شاهنشاه نسبت بفرزندارجمند خودرو بشدت مینهاد که از استادان اومیشنید ولیعهد چه در امور تحصیلی وچه در سایرامور لیاقت وشایستگی فوق العاده ابراز داشته وهیچگاه جزعدالت وراستی ودرستی واحترام بقوانین از اومشاهده نشده است.

بمن دعا نکنید، بفرزندم دعا کنید

رضاشاه عموم فرزندان خودرا دوست میداشت ودرتعلیم و تربیت آنها می کوشید اعلیحضرت رضاشاه ازعلیاحضرت ملکه ایران بانو، تاج الملوك، دو پسر ودو دختر داشت که بترتیب سن عبارت بودنداز: والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی، اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی، والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی، والاحضرت شاهپورعلیرضا پهلوی، علیاحضرت ملکه ایران نیز دربین فرزندان خود بولیعهد کشورعلاقهٔ بسیارداشت وچون بانوئی خیراندیش ونیکوکار و مهربان ونوعپرور بود وهمیشه ازبیچارگان ودرماندگان دستگیری میکرد، ازاین رویقین داشت که خداوند فرزندان والاگهر اورانیز ازشرآفات حفظ خواهد کردوآنهارا سعادتمند خواهدساخت.

علیاحضرت ملکه پهلوی هروقت به بینوایان ومستمندان کمك میکرد و آنها نیز باودعا مینمودندعلیاحضرت ازشدت علاقه ایکه بولیعهدداشت میگفت: «بمن دعا نکنید، بفرزندم دعا کنید که خداوند بیش ازپیش توفیق ونصرتش بدهد».

ولیعهدایران باآنکه کودکی بیش نبود، معهذا از شش سالگی بواسطه علاقه‌ای که پدرتاجدارش بسربازی داشت، اونیزجامهٔ سربازی بتن کرده و ازعهد صباوت برای فداکاری وجانبازی درراه میهن آماده شده بود.

هوش سرشارواستعداد وذوق وقریحهٔ فوق العاده والاحضرت ولایتعهد بمسائل گوناگون مایه بهت واعجاب عموم معلمین گردید، و مخصوصاً گاهی اوقات که

والاحضرت سؤالات عمیقی ازاستادان خودمیکرد آنها دردادن پاسخ دچار اشکال میشدندومجبور بودند بهنگام فراغت بکتابخانه مراجعه نموده خود را برای پاسخ بسؤالات شاهنشاهزاده خویش آماده سازند .

والاحضرت علاوه بر کتب تاریخ، بآثار گرانبهای ادبی، دیوان نظم ونثر نویسندگان وشعرای نامدار ایران بسیارعلاقمندبود ،چنانکه بانهایت دقت کتب کلیله‌ودمنه و کلیات سعدی وسایر آثار گرانبهای سخن گستران نامی ایران را نزد استادان فن می‌آموخت .

درچهرهٔ زیباوجذاب ومتین و موقر والاحضرت ولایتعهد ، از همان دوران کودکی آثار نبوغ وبزرگی نمودار بود . ادب‌واحترام‌ومتانت او بحدی بود که هیچگاه باطرافیان خود حتی بخدمتگزاران‌ومستخدمین «تو» خطاب نمیکرد.

هروقت پدرتاجدارش نسبت بگناهکاری خشمگین میشد ،والاحضرت باروح



والاحضرت ولایتعهد قبل ازعزیمت بسویس در سعدآباد

حساس وقلب مهربانی که‌داشت ازاعلیحضرت پدرش تقاضا میکرد که ازگناه او درگذرد و وی‌را مورد عفووبخشش قراردهد

والاحضرت مانند پدرتاجدار ومادر والاگهر خود ازدوران کودکی بمبانی مذهبی ایمان وعقیده بسیارداشت . چنانکه درایامی که هنوزخیلی کوچک بوددعای چهل بسم الله بر گردن اومیآویختند وهمیشه قرآن کوچکی بهمراه داشت وبعدها که کمی بزرگترشد همه ساله روزهای اول نوروز وهمچنین ایام عاشورارا بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها وزیارت حضرت عبدالعظیم میرفت .

حرکت بسویس

والاحضرت ولایتعهد پس ازآنکه در ۱۴ خرداد ۱۳۱۰ امتحانات نهائی دبستان نظام را با موفقیت بی نظیری بپایان رساند ، در ۱۳ شهریورماه همان سال درحالیکه دوازده سال از عمرش میگذشت ، برای تکمیل تحصیلات خود بسویس عزیمت کرد.

والاحضرت در شهرلوزان در دبیرستان «شاییی» مشغول تحصیل گردید. استعداد و لیاقت شاهزادهٔ ایرانی از نخستین روزهائیکه وارد مدرسه شد برهمهٔ معلمین ودانش آموزان آشکارشد . اوزبان فرانسه را بخوبی وزبان روسی رااندکی درایران آموخته بود ازاینرو بانهایت آسانی درآنجا بزبان فرانسه تکلم میکردو دروس خودرا میخواند.

والاحضرت ولایتعهد

درسویس میان ورزشکاران

والاحضرت علاوه برتحصیل دانش ، درمواقع فراغت بآموختن ورزشهای مختلف میپرداخت ، چنانکه دربازی فوتبال وباسکتبال وشنا کمترنظیرداشت.

غالب اوقات درفصل زمستان والاحضرت روزهای تعطیل رادردامنه‌های پربرف کوههای آلپ میگذراند .

شاهزاده خردسال ایرانی درسویس تحت تعلیمات استادان معروف وبرجسته طوری تربیت شد که هر کس بااو روبرو میگشت درنخستین برخورد پی بشخصیت برجسته ومقام شامخ وی میبرد ، وبی اختیار نسبت باو احترام میگذاشت . والاحضرت باآنکه یك شاهزادهٔ شرقی بود معهذا هیچگونه تکلف وپیرایه‌ای نداشت ومخصوصاً

بسیار میکوشید که‌از حیث لباس واخلاق‌ورفتار ازهرجهت مانند فردعادی‌جلوه گر شود . سادگی‌ومهربانی وروح عدالت پروری وحق‌دوستی‌والاحضرت‌اورامحبوب ومورد ستایش‌عموم کرده‌بود.

والاحضرت یکسال‌در لوزان وچهارسال‌درشهر کوچك‌رول ، درمدرسه (روزه) مشغول تحصیل بود ، زبان وادبیات فارسی‌رانیز درآنجا نزدمرحوم‌مستشارالملك که‌ازدانشمندان ایران بودمیآموخت تاازاندوخته های‌دانش وفرهنگ‌میهن‌خویش

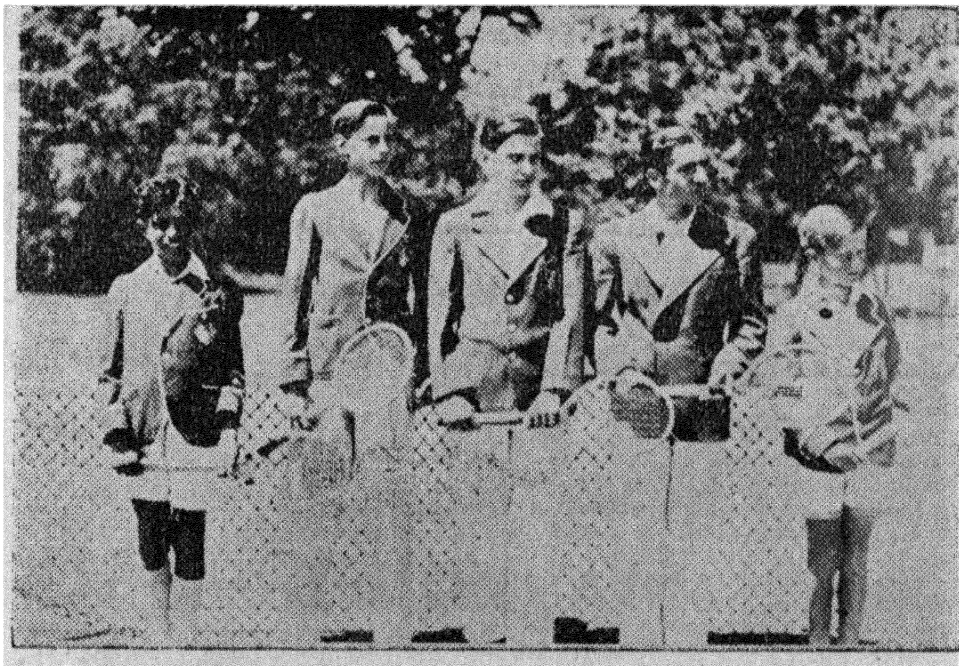

والاحضرت ولایتعهددرسویس با یکعده از محصلین ورزشکار

بی‌بهره‌نماند ، وآنچه‌را که‌در سالهای پیش درسینهٔ خودجمع کرده بود فراموش نکند . والاحضرت نسبت بمرحوم دکترمؤدب‌الدوله نفیسی که‌پیشکارومربی‌او بود و از رجال و دانشمندان کشور بشمار میرفت خیلی علاقمند بود ، زیرا مرحوم مؤدب‌الدوله که مردی‌جهاندیده ومجرب وباتدبیربود همواره بانهایت دلسوزی‌و صمیمیت بشاهزاده خردسال ایرانی‌خدمت‌میکرد.

بدین ترتیب‌مدت پنج سال‌والاحضرت ولایتعهد درسویس که‌کانون فرهنك

ودانش وتمدن جهان بود، بتحصیل اشتغال داشت واصول دموکراسی وآزادمنشی وعدالت طلبی رادرآنسرزمین آموخت، تا درسال ۱۳۱۵ پس ازپایان دوره متوسطه بطرف ایران عزیمت کرد ودرروز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ پا بخاك میهن عزیز گذاشت ووارد بندرپهلوی گردید.

دو سال در دانشکده افسری

ولیعهد ایران پس ازورود بتهران ازطرف اهالی پایتخت مورد استقبال صمیمانه وباشکوهی قرار گرفت، اعلیحضرت رضا شاه فرزند تحصیل کرده ودانش پژوه خویش را که پنج سال ازخاك میهن واز کنار پدرومادرو برادران وخواهران خود بدور بوددرآغوش فشرد.

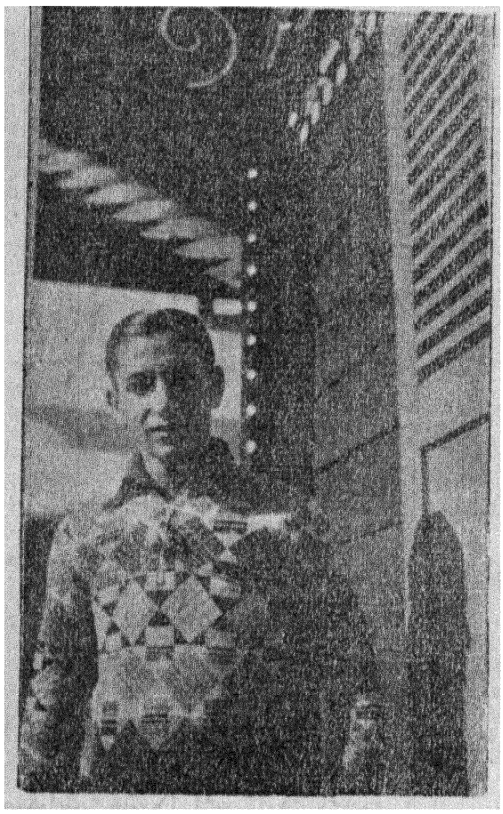

آنگاه برای تکمیل تحصیلات نظامی خوددرهمانسال واردد انشکده افسری گردید ودوش بدوش سایر دانشجویان بدون آنکه کوچکترین رجحانی برای خویش قائل شود در قسمت پیاده نظام مشغول خدمت شد.

مدت دوسالی که والاحضرت دردانشکده افسری مشغول خدمت بود، بزرگترین نمونهٔ نظم وانضباط برای سایرین بشمار میرفت. درمانورهای دانشکده افسری که همه ساله درفصل تابستان انجام میشد، اعلیحضرت رضا شاه درمحل مانورحضور می یافت وازنزدیك باکمال دقت جریان مانوررا ازنظرمیگذراند، وفرزند عزیزخویش را میدید که بین سایردانشجویان درمیان گرد وغبارازتپه‌ای به‌تپهٔ دیگربالا رفته، گاه بحال دراز کش ازسنگری بسنگردیگرمیرفت، وزمانی باسرنیزه وبمب دستی و نارنجك بسنگردشمن حمله‌ورمیگردید.

والاحضرت ولیعهد در سویس

لباس و کفش و کلاه والاحضرت باسایر دانشجویان هیچگونه تفاوتی نداشت همان لباس سربازی وهمان پارچه وطنی وهمان پوتین های معمولی که سایرین داشتند اوهم داشت. همانطور که سایرین تعلیمات نظامی می آموختند والاحضرت نیز دوش بدوش آنان درمیدانهای وسیع یا درروی نیمکتهای کلاس درس مشغول آموختن دروس بود.

هیچگاه دیده نشد والاحضرت نسبت بیکی ازدانشجویان خشونت یا تندی کند بلکه درمواقعی که دانشجوئی در کارخود سستی واهمال میکرد والاحضرت سعی مینمود تا بیان مؤثر ومنطقی اورا براه راست هدایت کند و باو درس کار و کوشش ومردی و مردانگی بیاموزد، چه بسا که همین راهنمائی دراینگونه افراد چنان مؤثر واقع میشد که بکلی تغییر رویه داده وجزو بهترین وآزموده ترین دانشجویان بشمار میرفتند.

والاحضرت نسبت بکلیه دروس مخصوصاً تاریخ نظامی علاقه خاصی ابراز میداشت شرح احوال وزندگی بزرگترین سرداران و فرماندهان نظامی جهان را از بدو تاریخ تاکنون باکمال دقت میخواند ومخصوصاً درنقشه های استراتژیکی سرداران وفاتحین بزرگ دنیا مدتها مطالعه میکرد. همیشه یکدوره تاریخ نظامی که جریان لشگر کشی های بزرگ تاریخ درآن جمع بود در کتابخانه خصوصی والاحضرت در دسترس او قرار داشت.

والاحضرت ضمناً بوقایعی که درآن ایام دراروپا وآسیا روی میداد از قبیل جنگ ایتالیا وحبشه و جنگهای داخلی اسپانیا و پیکارهای شرق دور توجه خاصی مبذول میداشت وتکنیک وتاکتیک جنگهای جدید را باعلاقه ودقت کامل از نظر میگذراند.

والاحضرت در دانشکده افسری بهترین تیرانداز، وبهترین سوارکار، وبهترین دانشجو بشمار میرفت. رفتار و کردار او برای عموم همدوره های والاحضرت بهترین سرمشق بشمار میرفت. والاحضرت ولایتعهد در خرداد ۱۳۱۷ دوره دانشکده افسری را با موفقیت کامل بپایان رساند، ودرمهرماه همان سال بدست پدر تاجدارش بدرجه ستوان دومی مفتخر گردید. اعلیحضرت رضاشاه پهلوی فرمان افسری را باین شرح بولیعهد خود اعطا نمود:

«نظر باینکه گرامی فرزند کامکار شاهپور محمد رضا پهلوی ولیعهد کشور شاهنشاهی ایران دوره دانشکده افسری را در سال ۱۳۱۷ باموفقیت بپایان رسانیده بموجب این فرمان همایون مشارالیه را بدرجه ستوان دومی قرین افتخار مینمائیم»

اعلیحضرت رضاشاه دراین روز بسیار خوشحال بنظر میرسید و در حالیکه بسایر افسران فارغ التحصیل مینگریست گفت :

«همینقدر سربلندی و سرافرازی برای شما بس که ولیعهد کشور نیز در این

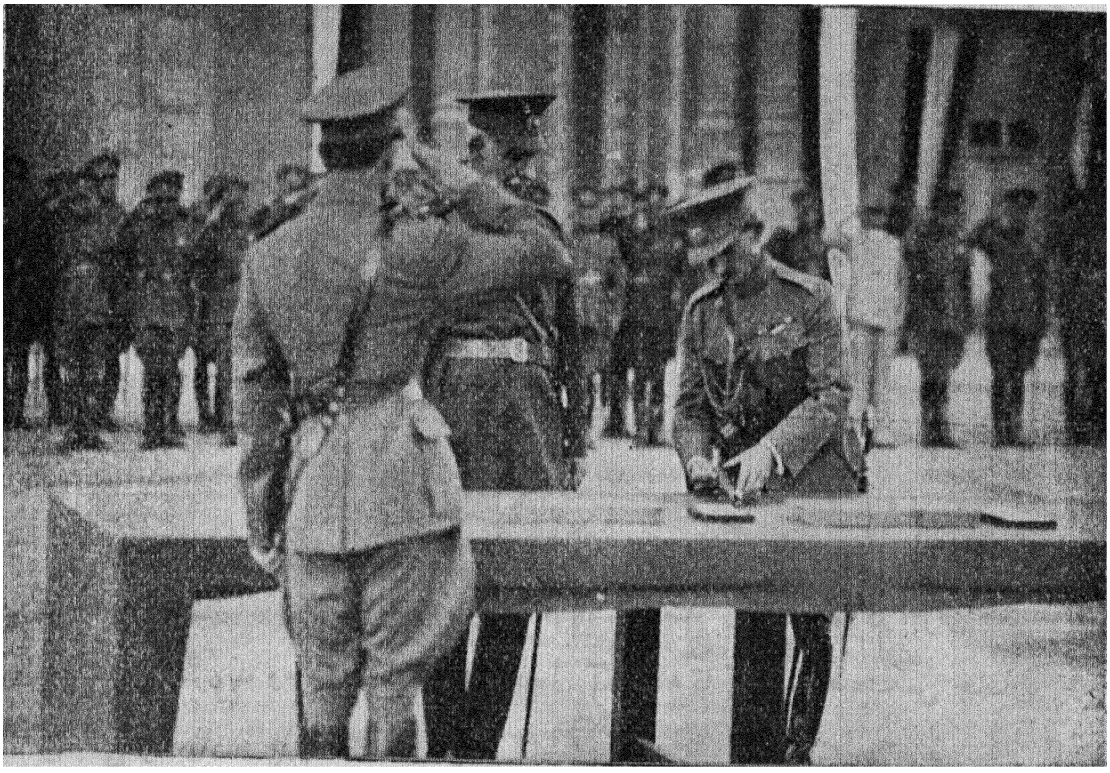

والاحضرت ولایتعهد در موقع اخذ دیپلم از دست پدر تاجدارش در دانشکده افسری

دوسال موافق تمام شرایط وقواعد نظام، دوره دانشکده افسری را طی نمود در تمام تمرینات وتعلیمات ارتشی دانشکده شرکت کرد واین خود بهترین سرمشق فداکاری و وظیفه شناسی برای شما میباشد.»

در همین روز رضاشاه، یك قطعه نشان لیاقت، بدست خود بسینهٔ فرزندش نصب کرد ولیعهد ایران بدین ترتیب وارد زندگی اجتماعی وخدمت بمیهن گردید، وتحت

نظر مستقیم پدر تاجدارش برای سلطنت تربیت میشد. درتمام مسافرتهاو در کلیهٔ بازدیدهاولیعهدباشاه همراه بودو کلیهٔ فنون وراه‌ورسم‌مملکت داری راازشاهنشاه می آموخت .

ملکه فوزیه

وشاهزاده خانم شهناز پهلوی

سال ۱۳۱۸ یعنی یکسال پس ازآنکه‌ولیعهد ایران‌ازدانشکدهٔ افسری فارغ التحصیل گردید: بنابارادهٔ اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، مقرر شدبین خاندان سلطنتی ایران وخاندان سلطنتی مصروصلتی انجام یابد ، و شاهزادهٔ خانم فوزیه دختر ملك فواد وخواهر بزرگ ملك فاروق بعقد ازدواج والاحضرت ولایعهد ایران درآید .

برای انجام این منظور ولیعهد کشور بـا هیئتی ازرجال برجسته مملکت مسافرتی بمصر نمود ودرآن کشورمورد استقبال بی‌نظیر اهالی قرار گرفت وطی مراسم با شکوهی مراسم عقد ازدواج انجام شد .

آنگاه ولیعهد باتفاق همسرخود بخاك میهن بازگشت و درایران در تمام خطسیروالاحضرتین استقبال بی‌نظیری از آنـان شد ، مخصوصاً درتهران طاق نصرتها برپاگردید ومراسم باشکوهی بعمل آمد که تا آنوقت هیچکس چنـان مراسمی را بیاد ندارد .

سال بعد یعنی درروزیکشنبه ۵ آبان ۱۳۱۹ ، شاهزاده خانم شهنازپهلوی درتهران متولد گردید .

والاحضرت شهنازدرهمان نخستین روزهای تولد توجه کلیهٔ افراد خاندان سلطنتی را بجانب خودجلب کردوچشم وچراغ پدرومادر ومخصوصاً اعلیحضرت رضاشاه قرار گرفت .

اعلیحضرت رضاشاه نسبت بوالاحضرت شهنازمهروعلاقه‌زائدالوصفی‌داشت

بطوریکه همواره اورا «شهناز من» خطاب میکرد روزی نبود که اورا در آغوش محبت خود نفشارد و چهرهٔ اورا نبوسد . پس از وقایع شهریور ماه نیز که شاهنشاه ایران مجبور بترك وطن گردید ، باز در سرزمینهای دور دست ، در جزیرهٔ آتش زای موریس و در شهرهای دوربان ، وژهانسبورك همواره بیاد شهناز کوچك خود میافتاد و قلب قوی و مردانه‌اش مالامال از محبت میگردید و چشمانش در اشك غوطه میخورد .



علیاحضرت ملکه فوزیه مادر والاحضرت شهناز ایران

درژهانسبورگ بطوریکه در فصل گذشته ذکرشد وقتی یك قطعه عکس والاحضرت شهنازرا بدست پدربزرگ ، وسردودمان سلسلهٔ پهلوی دادند چنان تحت تأثیر قرار گرفت که مدتها بیاد وطن وبفکر این عزیزدورافتادهٔ خود بود ،هنگامی که درخیابانها طفل خردسالی را میدید هماندم شهناز کوچك درنظرش مجسم میشد ونسبت بآن طفل ابرازمحبت ومرحمت میکرد .

روزچهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۲٤ علیاحضرت ملکه فوزیه پهلوی برای دیدار خانواده سلطنتی مصرازفرودگاه مهرآباد بسوی آنکشور پرواز کرد وپس ازمدتی اقامت چون آب وهوای ایران باوضع مزاجی ملکه فوزیه سازگارنبود از اینرو طبق موازین شرع بین طرفین طلاق انجام یافت .

والاحضرت شهنازدرتهران بوسیلهٔ مربیان آزموده تحت تعلیم قرار میگرفت ودرنتیجه بزودی زبانهای فرانسه وانگلیسی را آموخت وخلاصه ای ازتاریخ وجغرافیای کشورخویش را یادگرفت . روزها والاحضرت شهناز پهلوی که یگانه مایه تسلی خاطر پدرتاجدارش بود درکاخ «شهوند» در همان مکانی که زمانی رضاشاه کبیر روزگارمیگذراند بسرمیبرد و زیرهمان درختانی که شاهنشاه فقید هنگام حیات خود شهناز کوچك را درآغوش داشت ، ببازی میپرداخت .

والاحضرت شهناز پهلوی تاسن هفت سالگی درکانون پر ازمهر و محبت خانوادگی خود بسرمیبرد ، وپس ازآن بنابارادهٔ پدرتاجدارش برای کسب دانش به سویس، یعنی همان کشوریکه مدت پنجسال پدرش درآنجا مشغول تحصیل بود رفت .

والاحضرت شهناز درشهر لوزان درمدرسه «ماری ژوزه» بتحصیل اشتغال ورزید و اکنون هرساله برای دیدار پدرتاجدارش بایران مسافرت میکند .

والاحضرت شهناز ایران

محبتی که اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی، چه در دوران ولایتعهدی وچه در زمان سلطنت نسبت بنورديدهٔ خود والاحضرت شاهزاده خانم شهناز پهلوی دارد بحدی است که بوصف نمیگنجد.

*



والاحضرت شهنار ايران

والاحضرت در میان کلیهٔ افراد خاندان سلطنتی و در بین افراد ملت ایران محبوب و مورد علاقهٔ همه است حتی در سویس هم بازیها و مدرسهای والاحضرت شهناز، این شاهزاده خانم زیبا و قشنگ و رئوف و مهربان شرقی را بسیار دوست میدارند و همه پروانه‌وار دور او جمع میشوند.

واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰

بطوریکه ضمن شرح احوال رضاشاه کبیر ذکر شد، واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ و حملهٔ ناجوانمردانه و خیانتکارانه دو دولت بیگانه کلیهٔ نقشه‌های اصلاحی اعلیحضرت رضاشاه را عقیم گذاشت و ضربتی مهلك بر استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران وارد آورد.

عبور نیروهای مسلح بیگانه از مرزهای ایران و اشغال شهرها و مراکز نظامی و کلیهٔ مناطق حساس کشور، چرخهای فعالهٔ مملکت را از حرکت بازداشت و اوضاع درهم و آشفته‌ای بوجود آورد که همه کس نسبت بسرنوشت خود و ملت و مملکت قطع امید کرد. دولتهای انگلیس و شوروی با مقدمات و طرحهای اولیه بنای کار را طوری گذاشتند که ایران را بدو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم کرد، و هر قسمت را تحت الحمایه و جزو متصرفات خویش سازند، قسمت شمالی که از خراسان و گرگان و مازندران و گیلان و آذربایجان تشکیل میشد جزو روسیه و قسمت غربی و جنوبی که شامل کردستان و لرستان و خوزستان و فارس و بلوچستان میشد جزو انگلستان میگشت فقط در وسط یك ناحیه محدود و کوچك را که از قم تا اصفهان و از اصفهان تا کوههای بختیاری منتهی میشد و کویر لوت نیز جزو آن بود بنام «ایران» باقی گذاشتند تا این قطعه خاك مانع برخورد و اصطکاك منافع طرفین باشد...

قوای مسلح بیگانه کلیهٔ مراکز حساس کشور از قبیل سربازخانه‌ها، کارخانه‌های اسلحه سازی، فرودگاهها، بنادر، راه آهن و مؤسسات دولتی را تصرف کرده و هر گونه حرکت و جنبش را از ملت ایران سلب کردند.

اعلیحضرت رضاشاه که تنها حامی و پشتیبان و مقتدرترین مرد کشور بود و بیست سال با کمال سرافرازی بر این سرزمین حکومت کرد و ایران منحط و منقرض و

مضمحل راایرانی آباد وآزاد ومستقل کرده بود براثر فشاربیگانگان مجبور به ترك وطن گردید ، وارتش ایران نیزمنحل شد و کوچکترین نشانه ازآزادی واستقلال برای ایران باقی نماندورجال ایران نیزدر این گیرودار عده‌ای خاك‌وطن راترك کرده وعده ای نیز در کنج خانه هاپناهنده شدند .

تنها کسیکه دراین ماجرای دردناك ودراین حادثه ناگوار برای ایران وملت ایران باقیمانده ولیعهد جوان وبی‌یا رویاورایران بود که پس‌از عزیمت اعلیحضرت رضاشاه ازتهران واستعفاء ازمقام سلطنت ، در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ بجای پدر برتخت سلطنت نشست .

اکنون برای آنکه اوضاع کشور درایام تیره و تار شهریور ۱۳۲۰ ودرآن روزهائی که ولیعهد بیست و دوساله ایران درسخت‌ترین لحظات تاریخ زمام‌امور را بدست گرفت روشن شود ، بذکر برخی از حوادث مهم‌ودرج بعضی ازاسناد تاریخی مبادرت میورزیم .

وقایع قبل از سلطنت محمد رضا شاه پهلوی

بامداد روزسوم‌شهریور ۱۳۲۰ ، هنگامیکه آقای علی منصور نخست وزیر وقت خبر تجاوز قوای مسلح بیگانه را بمرزهای ایران باطلاع اعلیحضرت رضا شاه رساندو پس‌از آنکه ولیعهدجوان ایران ازاین حادثه غم‌انگیز اطلاع یافت بزرگترین انقلاب روحی باو دست داد .

در تمام مدت دوران حیات خود هیچگاه‌یك چنین سانحهٔ عظیمی‌برای اوپیش نیامده بود که‌شاهدوناظر دردناك‌ترین صحنه های تاریخ شده و میهن‌خود را مورد تعرض قوای بیگانه ببیند .

ساعت دوونیم بعد از ظهر آن روز جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی تشکیل شد وآقای علی منصور جریان این حادثه ناگوار را باین شرح باطلاع نمایندگان مجلس رساند :

«مطالبی که‌حالا باطلاع آقایان نمایندگان میرسدفقط برای گزارش جریانات

اخیر و وقایعی میباشد که رویداده است . آقایان نمایندگان در این موضوع هر گونه اظهاراتی داشته باشند تمنا میشود بجلسات بعد موکول دارند .

بطوریکه از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنابفرمان ملوکانه مقرر گردید ، دولت شاهنشاهی بیطرفی ایران را اعلام نموده باتمام وسائل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی وبموقع اجرا گذاشته وبایك رویه صریح وروشنی درحفظ کشور ازخطر سرایت وقایع جنگ ودرصیانت حقوق مشروع تمام دول که باایران روابط دارند ، بویژه دول همسایه کوشیده ،چنانکه تاحال بهیچوجه خطری درایران از هیچ طرف بهیچیك از آنها متوجه نگردیده است ، بااین حال دولت انگلیس و بعد ازاتفاق آندولت بادولت شوروی هردو متفقاً اظهاراتی مبنی برنگرانی ازوجود یکعده آلمانی درایران نمودند ،ودونوبت درتاریخ ۲۸ تیرماه وتاریخ ۲۵ مرداد ماه همین سال مرطبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکاریه هائی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمدهٔ آلمانیهای مقیم ایران رادرخواست میکردند .

در پاسخ این اظهارات چه ضمن اظهارات عدیدهٔ شفاهی وچه طبق تذکارهای تاریخ هفتم مرداد وتاریخ سی ام مرداد کتباً اطمینان کافی درمراقبت های دولت ایران نسبت برفتار کلیه اتباع بیگانه وعدم امکان بروز مخاطراتی ازعدهٔ محدودی آلمانی که درایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد وبرای مزید اطلاع دو دولت ، اقدامات مقتضی برای کاستن عدهٔ معتنابهی ازشماره آلمانها بعمل آمده وبجریان افتاد ومراتب مکرر چه در تهران وچه در مسکو ودر لندن بمقامات دولت انگلستان و شوروی خاطرنشان شدوآنچه ممکن بود برای حصول اطمینان وروشن ساختن نظریه آنها کوشش گردید . متأسفانه باتمام این مجاهدات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت وآسایش کشور ورفع نگرانی دو دولت همسایهٔ خود نمود ودرعوض حسن تفاهم وتسویه مسالمت آمیز قضیه ، نتیجه این شد که نمایندگان شوروی وانگلیس ساعت چهار صبح امروز بمنزل بنده آمده وهر کدام یادداشتی مبنی برتکرار مطالب گذشته که جواب آنها بااقدامات اطمینان بخش داده شده بوود راین یادداشتها توسل

خود را به‌نیروی نظامی اخطار کرده‌اندومطابق گزارشهای رسیده‌معلوم‌شدنیروی نظامی آنهادرهمان ساعت که‌نمایندگان درمنزل من‌مشغول مذاکره بودند ازمرزهای ایران‌عبورنموده‌ونیروی‌هوائی شوروی‌در آذربایجان به‌بمباران شهرها پرداخته وقوای زیادی‌ازجلفابسمت تبریز اعزام شدند. درخوزستان قوای‌انگلیس به‌بندر شاهپورو خرمشهرحمله‌نموده‌وکشتی‌های ما راغافلگیر نموده وصدمه زده اند. نیروی هوائی آن دولت باهواز بمب ریخته همچنین قوای انگلیس با وسائل موتوریزه‌فوق‌العاده‌زیادازطرف قصرشیرین بسمت کرمانشاه‌درحرکت‌میباشد. قوای متجاوزدرهرنقطه که‌بانیروی‌ارتش‌مواجه شده‌اند طبعاً تصادم و زد وخوردی هم رخ‌داده‌است. دولت برای‌روشن ساختن‌علت‌ومنظوراین‌تجاوزات بفوریت‌مذاکرات واقداماتی بعمل‌آورده‌ومنتظر نتیجه میباشد که‌البته‌باستحضار مجلس‌شورای‌ملی خواهدرسید. چون فعلا منتظر نتیجه‌مذاکرات هستیم تقاضا شددراین‌جلسه‌غیراز استماع گزارش ، صحبتی نشود . بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات‌واتخاذتصمیم‌خبر خواهیم داد .

دولت‌لازم‌میداندبعموم‌افراد کشورتوصیه‌وتأکیدنماید که‌دراین‌موقع‌باکمال خونسردی متانت رارعایت نموده‌وبانهایت آرامش رفتار نمایند.»

بیانات‌آقای منصور که باتأثر خاصی‌ایرادمیشد،عموم‌نمایندگان‌را از این حادثه‌اسف‌انگیز متأثرساخت‌و بهت‌وحیرت‌عجیبی‌ازاین‌حمله وهجوم‌غیر منتظره بهمه دست داد.

پس ازاین حادثه وحشت واضطراب ونگرانی‌فوق‌العاده‌ای بهمه دست داد، ولی درمقابل کار انجام یافته دیگرهیچگونه‌اقدامی امکان‌پذیر نبودتأثرعمومی هنگامی بمنتها درجه رسید که‌اعلامیه‌شماره یك ارتش نیز منتشر شد و بمباران شهر های بلا دفاع را بوسلیه قوای‌دودولت متجاوز باطلاع‌عموم‌رسانده‌بود . اعلامیه مزبور حاکی‌بود :

۱ - ساعت‌چهارروز سوم‌شهریورماه،ارتش‌شوروی‌درشمال‌و ارتش انگلیس

در باختروجنوب باختری مرزهای کشور رامورد تجاوزوتعرض قرارداده‌اند.

۲ - شهرهای تبریز ،اردبیل،رضائیه، خوی،اهر، میانه‌وآب، ماکو،مهاباد بناب، رشت، حسن کیاده، میانه ،اهواز ،بندر پهلوی مورد بمباران هوائی‌واقع وتلفات وارده نسبت بمردم غیر نظامی زیادونسبت بنظامیان باوجودیکه‌سربازخانه ها رابمباران مینمودندمعذالك‌تلفات نسبتاً کم‌بوده است .

یك هواپیمای مهاجم درناحیه تبریز درنتیجه‌تیراندازی توپخانه ضد هوائی سرنگون شده است.

۳ - نیروی موتوریزه ومکانیزه شوروی‌در محورجلفا - مرند - پل‌دشت - ماکو- وقره‌ضیاءالدین،ونیروی‌موتوریزه‌ومکانیزه‌ارتش انگلیس‌درمحورخانقین- قصر شیرین - نفتخانه - گیلان - آبادان - بندر شاهپور وقصر شیخ بتعرض پرداخته‌اند .

٤-نیروی‌دریائی‌شوروی در کرانه دریای‌خزرونیروی‌دریائی‌انگلیس‌دربندر خرمشهرو شاهپورتعرض‌نموده‌اند.

٥ - واحدهای ارتش شاهنشاهی‌غافلگیرشده‌اند در حدود امکان‌باستقبال آنهاشتافتند،در نقاط مختلف‌باآنها تماس حاصل نموده‌وبدفاع پرداخته‌اندودرابتدا زره پوش مهاجم درمنطقهٔ باختر مورد اصابت وازکارافتاده وپیشروی مهاجمین را متوقف ساختداند .

٦ - در کلیه‌مناطق شمالی‌وباختری‌روحیه اهالی‌بسیارخوب‌وعموماًتقاضای دخول‌درصفوف ارتش‌وحرکت‌بجبهه رابرای‌دفاع‌ازمیهن مینمایند .

انتشاراعلامیه‌ستاد ارتش باآنکه‌حاکی ازمقاومت قوای نظامی‌بود ،معهذا نشان‌میداد که‌باحمله‌ناگهانی‌وغیرمترقبه‌دوارتش‌منظم‌ونیرومند دنیاقادربمقاومت نخواهدبود .

تأثر اعلیحضرت رضاشاه ووالاحضرت‌ولایتعهدازاین پیش‌آمدبیش ازهرفرد میهن پرست دیگر بودزیرابچشم‌خودمیدیدند که با همهٔ فداکاریهائی که‌برای‌حفظ

بیطرفی ایران بکار برده شده بود ، معهذا آتش جنگ بداخلهٔ مرزهای ایران سرایت کرده وزحمات بیست ساله اعلیحضرت رضاشاه مواجه با این حادثه ناگوار گردیده است

اما کسانیکه باوضاع بین المللی آگاهی داشتند عموماً معتقد بودند که با شرایط فعلی مقاومت ارتش ایران کاری بیهوده وزیانبخش است ، زیرا در جنگ عالم سوزی که ارتش یك کشور سی و پنج میلیونی مانند لهستان هفده روز ، وارتش هلند چهار روز ، وارتش بلژیك هفت روز ، وارتش بزرگ فرانسه فقط درحدود چهل روز توانست جنگ کند ، واضحست که ارتش کوچك ایران قادر به نبرد با قوای مجهز بیگانه آنهم درچند جبهه نبود .

بهر حال تیرگی و وخامت اوضاع سبب گردید که آقای علی منصور با آنکه مردی لایق و سیاستمدار و مدبر بود از کار کناره گیری کند ، و مرحوم فروغی بجای وی مأمور تشکیل کابینه شد .

فرمان ترك مقاومت

یکروز پس از تشکیل کابینه جدید یعنی درروز ششم شهریور ماه دولت ایران نامه‌ای بشرح ذیل برای «اسمیرنوف» سفیر کبیر دولت شوروی و «سر ریدر بولارد» وزیر مختار دولت انگلیس فرستاد :

«خاطر آن جناب مستحضر است که دولت شاهنشاهی ایران با رعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه خود را با بویژه با دولتهای همسایه خود محفوظ بدارد . در اینموقع هم که نیروی جنگی اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس وارد خاك ایران گردیده اند دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات همجواری مبادرت بجنگ ننموده است . با اینحال قوای آن دولت اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهرها نموده و نیروی پادگان ایران نیز در شهرستانها هم طبعاً در مقابل حمله ایکه بآنها شده است ناگزیر از خود دفاع و مقاومت نموده اند . اینك باستحضار خاطر عالی میرساند که دولت شاهنشاهی ایران برای اثبات نیت صلح خواهانه خود دستور داد نیروی دولتی بکلی ترك مقاومت نموده و از هر گونه اقدامی خودداری نمایند .

انتظاردارد قوای آن دولت هم حرکت خودرا متوقف ساخته وعملیات جنگی را متروك دارند . این تصمیم باطلاع نمایندگان دول دیگرهم میرسد .

دوروز بعد . یعنی ساعت یازده صبح روز ۸ شهریورماه وزیر مختارانگلیس وسفیر کبیر شوروی پاسخ نامه فوق را بشرح ذیل بآقای فروغی تسلیم کردند .

متن نامه سفارت انگلیس ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰

آقای وزیر محترما بطوریکه قبلا هم تذکرداده شد ، خاطر جنابعالی را مستحضر میداریم که دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی هیچ نقشه‌ای بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران ندارند وعلت اینکه مجبور شده اند اقدامات نظامی بعمل آورند این بوده است که دولت ایران توجهی به پیشنهادات دوستانه آنها ننموده است لیکن اینگونه اقدامات بر علیه خود ایران اتخاذ نگردیده بلکه فقط بر علیه تهدید اقدامات ممکنه آلمانی ها بوده که در نقاط مهم کشور ایران قرار گرفته بوده اند چنانکه دولت ایران فعلا حاضر بتشریك مساعی باشد علت ندارد که عملیات خصمانه ادامه پیدا نماید .

۱ - دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی خواستار بعضی ضمانت هائی میباشند که فعلا دولت ایران درحقیقت مایل بانجام تقاضاهای عادلانه آنها هستند تقاضاهای مزبور بقرار ذیل است :

الف - دولت ایران باید امر صادر نماید که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و شرق خطی که از خانقین ، کرمانشاه ، خرم آباد ، مسجدسلیمان ، هفتگل ، گچساران واز آنجا به بندر دیلم که درخلیج فارس واقع شده است عقب نشینی نمایند - درشمال قشون ایران باید از نقاط اشنو ، حیدرآباد ، میاندوآب ، زنجان ، قزوین ، خرم آباد ، زیراب ، سمنان ، شاهرود علی آباد عقب نشینی کند نقاط نامبرده بالا موقتاً بوسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهد شد .

ب - دولت ایران بایستی درعرض یکهفته کلیه اتباع آلمانی باستثنای اعضای رسمی سفارت آلمان وچندین نفر اشخاص فنی که در بنگاه های مخابرات نظامی نباشند

ازایران خارج نموده وصورت اسامی آلمانی‌های مزبوررا برای موافقت بنمایندگان سیاسی انگلیس وشوروی درتهران تسلیم نمایند.

ج- دولت ایران بایستی تعهد نماید که اتباع آلمانی دیگر بخاك ایران وارد نشوند.

د- دولت ایران باید تعهدنماید که مانعی درراه حمل ونقل لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد شد وازوسط خاك ایران بین نیروهای انگلیس وشوروی بعمل خواهدآمد قرارنداده بلکه تعهد نماید وسائل تسهیل حمل ونقل این قبیل لوازم را که یا بوسیله راه خطآهن ویاازطریق هواحمل میشوند فراهم سازد.

درمقابل دولتین انگلیس وشوروی موافقت مینمایند که:

الف- حقوق مربوط بنفت وغیره ایران را کمافی السابق بپردازند.

ب- وسایل تسهیل لوازم مورداحتیاجات اقتصادی ایران رافراهم سازند.

ج- پیشروی زیادترنیروهای خود را متوقف ساخته وبمحض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد قشون خود راازخاك ایران خارج نمایند.

۲- علاوه براین دولت ایران تعهدمینماید که بیطرفی خودراادامه داده وهیچ گونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس یاشوروی باشددراین مبارزه که براثر تجاوزآلمان برآنها تحمیل گردیده است ننماید. موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تقدیم مینماید.

وزیر مختارانگلیس

ریدرزبولارد

نامه سفارت کبرای شوروی بدولت ایران

مورخه ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰

دولت اتحادجماهیرشوروی ودولت بریتانیای کبیرچنانکه درنامه مورخ ۲۵ اوت سال جاری خوداشعارداشته اندهیچگونه مقاصدی که مخالف استقلال ایران و یا تمامیت ارضی آن باشد ندارند آنها مجبورشدند بعملیات نظامی درخاك ایران مبادرت ورزندچونکه دولت ایران بپیشنهادات دوستانه آنها عطف توجه ننمود بااین

حال این اقدامات بهیچوجه متوجه خود ایران نیست این اقدامات فقط متوجه تهدیداتی است که بامنیت دولت جماهیر شوروی و انگلستان و خود ایران بوسیلهٔ عملیات آلمانی هائی که مقامات برجسته‌ای را در تمام ایران اشغال نموده‌اند وارد گردیده چنانکه در حال حاضر دولت ایران حاضر بهمکاری باشد هیچ سببی برای اینکه عملیات جنگی ادامه داشته باشد وجود نخواهد داشت ولی دولت شوروی و دولت بریتانیای کبیر در نظر دارند که از دولت ایران تضمینات معینه راجع باینکه دولت ایران اکنون حقیقتا مایل است منافع حقه آنها را تأمین نماید بگیرند تضمینات از اینقرار است:

الف- دولت ایران باید قوای خود را در جنوب خطی که از جنوب بشرق از نقاط زیر میگذرد عقب ببرد قصبه اشنو، در جنوب غربی دریاچه رضائیه، حیدرآباد و میاندوآب، در جنوب دریاچه رضائیه، وزنجان و قزوین و خرم‌آباد، ساحل جنوبی دریای خزر، وبابل وزیرآب وسمنان وشاهرود ودرشرق علی‌آباد - نواحی واقعه درشمال این خط باید موقتا در تصرف نیروی شوروی باشد.

دولت ایران باید بنیروی خود امر بدهد که درشمال ومشرق خطی که از نقاط زیر بگذرد عقب بنشیند خانقین و کرمانشاه وخرم‌آباد ومسجد سلیمان وهفت گل و کچساران ورام هرمز وبندر دیلم ونواحی واقعه درجنوب ومغرب آن خطی را که موقتاً قشون انگلیس اشغال مینماید.

ب - دولت ایران باید درظرف یك هفته تمام اتباع آلمانی را باستثنای هیئت سفارت آلمان وچند نفراز تکنیسین های متخصص که مشاغل آنها مربوط بوسائل ارتباطی و یا مؤسساتی که جنبه نظامی دارند نباشد خارج نماید سیاهه آلمانی هائی که در ایران خواهند ماند، واز آن جمله کارمندان سفارت آلمان خواهند بود، باید با موافقت سفارت شوروی وسفارت انگلیس درتهران تنظیم شود.

ج- دولت ایران باید تعهد نماید که آلمانی ها را در آینده بخاك ایران راه ندهد.

د ـ دولت ایران باید تعهد نماید هیچگونه موانعی برای حمل و نقل کالاهائی که از جمله مواد جنگی، بمقصد اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر حمل میشود ایجاد ننماید .

همچنین حمل کالاها و موادی را که در راههای شوسه و راه آهن های ایران و یا درخطوط هوائی حمل میشود تسهیل نماید .

هـ ـ به بنگاههای اتحاد جماهیر شوروی برای توسعه نفت در کویر خوریان مطابق قرارداد ایران و شوروی و همچنین برای توسعه امور شیلات در سواحل جنوبی دریای خزر مطابق قرارداد ایران و شوروی و راجع به شیلات بذل مساعدت نماید .

و ـ دولت ایران باید تعهد نماید که بیطرفی را حفظ نماید و بر ضرر منافع شوروی و انگلستان در مخاصمه ای که نتیجه تجاوزات آلمانیها میباشد بهیچ عنوان اقدامی ننماید . دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان از طرف خود در مطالب زیر موافقت مینمایند :

۱ ـ بدولت ایران در انجام امور اقتصادی کمك و مساعدت نمایند

۲ـ حرکت نیروی انگلیس را در آینده متوقف سازند و بمحض اینکه وضعیت جنگی اجازه دهد نیروی خود را از خاك ایران خارج سازند .

۳ـ دولت شوروی همچنین موافقت دارد پرداخت حق الامتیاز شیلات سواحل جنوبی بحر خزر را بروفق قرارداد ایران و شوروی مورخ اکتبر ۱۹۲۷ ادامه دهد

دولت بریتانیای کبیر موافقت دارد :

پرداخت حقوقی را که از بابت اجاره بهای نقاط نفت خیز وغیره بطوری که تاکنون معمول بوده ادامه دهد .

عصر روز نهم شهریور ماه نامهٔ دیگری از طرف سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه ایران رسید که طی آن دولت مزبور خواستار شده بود کلیهٔ اتباع آلمان در ایران بقوای انگلیس یا شوروی تسلیم شوند .

متن نامه مزبور باین شرح بود :

یادداشت سفارت انگلیس

مورخه ۹ شهریورماه - سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعارفات خودرا بوزارت امورخارجه شاهنشاهی اظهار و محترماً اشعار میدارد که نظر بحوادث و جریانات چندروز گذشته که درنتیجهٔ کلیه طرقی که آلمانها از آن میتوانند از ایران خارج شوند برروی آنها بسته شده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حال مایلند که آلمانها بعوض اینکه توسط دولت شاهنشاهی ایران خارج شوند بقوای انگلیس یا سویت تسلیم گردند .

بنابراین جمله (ب) نامه که وزیرمختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان محترما درتاریخ ۳۰ اوت ۸ شهریورماه ۱۳۲۰ بجناب آقای نخست وزیر تسلیم نمودند بقرار ذیل است :

دولت ایران بایستی درظرف یك هفته کلیه اتباع آلمان باستثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی را که دربنگاههای مخابرات یا نظامی باشند بقوای انگلیس یا سویت تحویل و صورت آلمانیهای مزبور که باموافقت سفارتخانه های انگلیس و سویت تنظیم میشود بمیسیونهای مزبور تسلیم کنند .

پس ازآنکه یادداشتهای دولتین انگلیس و شوروی واصل گردید هیئت دولت تامدتی مشغول مطالعه و بررسی نامه های مزبور بودند . پس ازآن به تهیه پاسخ آن مبادرت ورزید ودرنتیجه دونامه بشرح ذیل ازطرف وزارت امورخارجه ایران بسفارت انگلیس و سفارت کبرای شوروی تسلیم شد :

نامه وزارت امورخارجه ایران بسفارت انگلیس

آقای وزیرمختار .

محترماً درپاسخ نامه مورخه ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ ، ۳۰ اوت ۱۹٤۱ ، اشعار میدارد :

اینکه مرقوم شده است دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی هیچ قصدی علیه استقلال و تمامیت خاك ایران ندارند و عملیاتی که اخیراً واقع

شده برضد استقلال نیست و در صورتیکه دولت ایران حاضر برای همکاری باشد عملیات خصمانه ادامه نخواهد یافت ،دولت ایران ازاین اظهارات رسمی اتخاذ سند مینماید و با اعتماد کامل انتظار دارد از اقدامات آن دو دولت که صریحاً وعده داده اند هیچ نوع لطمه‌ای باستقلال کامل و تمامیت خاك ایران وارد نخواهد آمد و اینکه اظهار کرده اند که دولت ایران تضمین کند که منافع حقه آنها را رعایت خواهد کرد دولت شاهنشاهی ایران کاملا اطمینان میدهد که نه در گذشته و نه در آینده هیچ قصد نداشته و ندارد که منافع آن دو دولت در ایران مختل شود یا اقدامی برخلاف دوستی و مناسبات همجواری که در بین بوده و هست بعمل آید.

اما در باب تقاضاهائی که در نامه مزبور از دولت ایران نموده اند:

۱ - تقاضا کرده اند دولت ایران بقوای خود امر دهد که بطرف شمال و مشرق خطی که از نقاط خانقین، کرمانشاه، خرم آباد و مسجد سلیمان و هفت گل و گچساران و رامهرمز و بندر دیلم میگذرد عقب بکشد و قوای دولت انگلستان در نواحی جنوبی و غربی این خط اقامت کند و نیز دولت ایران قوای خود را بطرف جنوب خطی که از مغرب بمشرق از قصبه اشنو «درجنوب غربی رضائیه» و حیدر آباد و میاندو آب «درجنوب دریاچه رضائیه» وزنجان و قزوین و خرم آباد « در جنوب دریای خزر» و بابل وزیر آب و سمنان و شاهرود و علی آباد « در مشرق میگذرد عقب بکشند و قوای شوروی موقتاً در نواحی واقعه در شمال این خط اقامت کنند اظهار میشود که دولت ایران اصولا این پیشنهاد را برای مدتی که اوضاع جنگ کنونی ایجاب میکند می پذیرد وضمناً چون یقین دارد که خود دو دولتین هم قصد ندارند نواحی که در آنجا قوای خود را موقتاً اقامت میدهند وسیع باشد و نیز نظر بملاحظاتی که شفاهاً گفته شد تقاضا میکند در قسمت جنوبی حدود ناحیه منظور نظر طوری معین شود که شهر های خرم آباد و دزفول در آن ناحیه واقع نشود در قسمت شمال هم شهر های قزوین و سمنان و شاهرود از این خط خارج شود در این موقع لازم میداند نکات زیر را اشعار دارد:

الف : دولت شاهنشاهی ایران تصور میکند دولت انگلستان موافقت دارد که قوای ایران شهر کرمانشاه را تخلیه نکند.

ب : بنابراصلی که آن دو دولت در آغاز نامه خود تصریح کرده اند مسلم است که در نواحی که قوای دولت بریتانیای کبیر یا شوروی اقامت خواهند کرد متعلقات ملت و دولت ایران کاملا محفوظ و اختیارات دولت ایران برحسب استقلال تامه خود راجع بوظایفی که نسبت بامور کشور عهده دارد برقرار خواهد بود و از طرف قوای آن دو دولت بهیچوجه عملیاتی که منافی با آن اختیارات باشد واقع نخواهد شد و ادارات دولتی و ملی ایران آزادانه وظایف خود را مطابق مقررات کشور ایران عمل خواهند کرد و قوای شهربانی و امنیه نیز مشمول همین اصل خواهند بود.

ج - قوای انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی هرجا اقامت دارند از حیث تدارک خوار بار و لوازم زندگی و مسکن و سایر حوائج بر دولت ایران تحمیلی نخواهند داشت و تهیه وسائل مزبور برعهده خود شان خواهد بود و در قسمتی که از داخله تهیه بنمایند باید مطابق مقررات کشور بطریقی باشد که مضیقه ای پیش نیاید و مأمورین دولتین انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی در نقاطی که قوای آنها اقامت دارند دستورهای لازم خواهند داد باینکه قوای مزبور و افراد آنها حتی الامکان تماس با اهالی نداشته باشند تا از وقوع احتمالی قضایای نامطلوب احتراز شود.

۲ - با اینکه تقاضا کرده اند دولت ایران در ظرف یك هفته تمام آلمانی ها را باستثنای کارمندان سفارت آلمان و بعضی از متخصصین فنی که کار آنها مربوط به وسایل ارتباط با اعمال نظامی نباشد از ایران خارج نمایند اشعار میدارد:

دولت ایران موافقت خود را با این تقاضا اعلام میکند و چون خروج آنها از راههائی باید بشود که قوای آن دو دولت در آنجا اقامت دارند البته اقدام خواهند نمود که اتباع آلمانی که خارج میشوند بدون مزاحمت از آن نواحی عبور نمایند و از طرف قوا و مأمورین آن دو دولت تعرضی نسبت به آنها نشود راجع باینکه بعد از این

دولت ایران اجازه ندهد اتباع آلمانی بخاك ایران وارد بشوند اشکالی نیست و بدیهی است این قید محدود بمدتی است که مخاصمه فعلی بین آندودولت و دولت آلمان ادامه دارد .

٤ - این که تقاضا کرده اند دولت ایران بهیچوجه اشکالی برای حمل اجناس ومهمات جنگی بمقصد بریتانیای کبیرواتحاد جماهیر شوروی پیش نیاورد وحمل آنرا بوسیله راههای شوسه وراههای آهن و یاراههای هوائی تسهیل نماید دولت شاهنشاهی موافقت خود را دراین باب اشعار میدارد البته تسهیلاتی که دولت ایران خواهد نمود دوحدود تمکن وموجودیت وسایل خواهد بود بطوریکه مایه تضییقی برای دولت ایران وایرانیان فراهم نشود .

٥ - اینکه اظهارداشته اند که دولت ایران تعهد کند که بیطرف مانده و اقدامی نکند که بمنافع دولت انگلستان واتحاد جماهیر شوروی دراین منازعه آنها بادولت آلمان خلل وارد آورد لزوماً اشعارمیدارد که راجع به بیطرفی بطوری که اطلاع دارند دولت ایران ازآغاز جنگ اروپا بطیب خاطر بیطرفی خود را اعلام داشته وبهیچوجه ازشرایط این بیطرفی تخلف نکرده بود وبعد هانیزدراین تصمیم خود باقی خواهد بود ونیزدولت ایران هیچگاه راضی نبوده ونخواهد بود که بمنافع حقه آن دودولت خللی وارد آید وامیدواراست اولیاء آن دودولت در تفسیراین عبارت وتطبیق این معنی با موارد عمل حسن تفاهم را ازمدنظردور ندارند تا ازبروزهر گونه مشکلاتی اجتناب شود .

٦ - بطوریکه درنامه خودوعده داده اند که بدولت ایران درحوائج اقتصادی مساعدت نمایند یقین است که دراجرای این مقصود خرید کالاهای صادراتی ایران را نیزمنظور داشته واقدام لازم بعمل خواهند آورد که اجناس متعلق بایران که تاکنون درحدود متصرفات انگلستان ویا خاك دولت شوروی موجود ومتوقف مانده هرچه زودتر بایران حمل شود وازاین جهت برای اینکشور گشایشی دست دهد .

۷ - نسبت بوعده صریحی که آن دولت داده اند پیشرفت قوای انگلیس و شوروی

را متوقف سازند و هر روزی که اوضاع جنگ کنونی اجازه دهد آنها را از خاک ایران بیرون ببرند دولت ایران از این فقره اتخاذ سند مینماید و اعتماد خود را نسبت باین اظهارات دو دولت اشعار میدارد .

۸ - اینکه اظهار داشته اند حق الامتیاز نفت شرکت ایران و انگلیس مانند گذشته پرداخته خواهد شد و دولت شوروی هم موافق قرارداد ایران و شوروی مورخ اول اکتبر ۱۹۴۷ حقوق دولت ایران را از بابت شیلات سواحل جنوبی بحر خزر کماکان خواهد پرداخت موجب امتنان است .

۹ - درخاتمه اشعار میدارد که چون درضمن عملیاتیکه از روز ۳ شهریور ببعد واقع شده ممکن است اسلحه و مهمات و اشیائی از قوا و متعلقات ایران بدست قوای آندو دولت افتاده باشد نظر بعوالم دوستی که فیمابین این دولت با بریتانیای کبیر و با دولت اتحاد جماهیر شوروی برقرار است دولت ایران انتظار دارد که مسترد سازند وچون نیز درضمن عملیات قوای آندو دولت خسارات مالی و خرابیها و اتلاف نفوس واقع شده است امیدوار است از طرف آندو دولت نیات دوستانه و مشفقانه در باره ترمیم آنها ابراز شود و قسمتی از این قضایای ناگوار پس از آن روی داده است که دولت ایران بقوای خود امر بترك مقاومت نموده بود .

نامه وزارت امور خارجه ایران بسفارت کبرای شوروی

دولت شاهنشاهی ایران درجواب یادداشت ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ ، ۳۰ اوت ۱۹۴۱ ، دولت اتحاد جماهیر شوروی اشعار میدارد :

اینکه مرقوم شده است دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیچ قصدی بر علیه استقلال و تمامیت خاك ایران ندارند و عملیاتی که اخیراً واقع شده برضد ایران نیست و درصورتیکه دولت ایران حاضر برای همکاری باشد عملیات خصمانه ادامه نخواهد یافت دولت ایران از این اظهار رسمی اتخاذ سند مینماید و با اعتماد کامل انتظار دارد از اقدامات آن دو دولت چنانکه صریحا وعده داده اند

هیچ نوع لطمه‌ای با ستقلال کامل و تمامیت خاک ایران وارد نخواهد آمد و اینکه اظهار کرده‌اند که دولت ایران تضمین کند که منافع حقه آنها را رعایت خواهد کرد دولت شاهنشاهی ایران کاملا اطمینان میدهد که نه در گذشته و نه در آینده هیچ قصدی نداشته و ندارد که منافع حقه آن دو دولت در ایران مختل شود و یا اقدامی بر خلاف دوستی و مناسبات همجواری که در بین بوده و هست بعمل آید.

۱- اینکه تقاضا کرده‌اند که دولت ایران فوری قوای خود را بطرف جنوب خطی که از مغرب بمشرق و از قصبهٔ اشنود در جنوب غربی رضائیه و حیدرآباد و میاندوآب در جنوب دریاچه رضائیه و زنجان و قزوین و خرم‌آباد و در جنوب دریای خزر و بابل و زیرآب و سمنان و شاهرود و علی‌آباد در مشرق میگذرد عقب بکشند و قوای شوروی موقتاً در نواحی واقعه شمال این خط اقامت کنند و نیز دولت ایران بقوای خود امر دهد که بطرف شمال و مشرق خطی که از نقاط خانقین و کرمانشاه و خرم‌آباد و مسجد سلیمان و هفت ـ گل و گچساران و رام‌هرمز و بندر دیلم میگذرد عقب بکشد و قوای انگلستان در نواحی جنوبی و غربی این خط اقامت کنند اخطار میشود که دولت ایران اصولا این پیشنهادرا برای مدتی که اوضاع جنگ ایجاب میکند میپذیرد.

ضمنا چون یقین دارد که خود دولتین قصد دارند نواحی که قوای خودرا در آنجا موقتا اقامت می‌دهند وسیع نباشد و نیز نظر بملاحظاتی که شفاهاً گفته شد تقاضا میکند که در قسمت شمال شهرهای قزوین ـ سمنان ـ شاهرود از این خط خارج شود و در قسمت جنوبی هم حدود ناحیه منظور نظر طوری معین شود که شهرهای خرم‌آباد و دزفول در آن ناحیه واقع نشود و در اینجا لازم میداند نکات زیررا اشعار دارد:

الف ـ دولت شاهنشاهی ایران تصور میکند که دولت انگلستان موافقت دارد که قوای ایران شهر کرمانشاه را تخلیه نکند.

ب- بنابراصلی که آن دو دولت در آغاز نامهٔ خود تصریح کرده‌اند مسلم است که در نواحی که قوای دولت شوروی یا بریتانیای کبیر اقامت خواهند کرد متعلقات دولت و ملت ایران کاملا محفوظ و اختیارات دولت ایران برحسب استقلال تام خود راجع

بوظایفی که نسبت بامور کشور بر عهده دارد کاملا برقرار خواهد بود و از طرف قوای آن دو دولت بهیچوجه عملیاتی که منافی با این اختیارات باشد واقع نخواهد شد و ادارات دولتی و ملی ایران در ادامه وظایف خود مطابق مقررات کشور ایران عمل خواهند کرد و قوای شهربانی و امنیه نیز مشمول همین اصل خواهند بود.

ج - قوای دولتین اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان هرجا اقامت دارند از حیث تدارك خواربار و لوازم زندگی و سایر حوائج بر دولت ایران تحمیلی نخواهند داشت و تهیهٔ وسایل مزبور بر عهده خودشان خواهد بود و قسمتی که از داخله کشور تهیه مینمایند باید مطابق مقررات کشور و بطریقی باشد که مضیقه‌ای پیش نیاید

د - مأمورین دولتین اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان در نقاطی که قوای آنها اقامت دارد دستورهای لازم خواهند داد باین کـه قوای مـزبور با افـراد آن‌ها حتی الامکان تماس با اهالی نداشته بـاشند تا از وقوع احتمالی قضایای نامطلوب احتراز شود .

پس از تسلیم یادداشتهای فوق، دولت برای آنکه قوای نظامی انگلیس و شوروی وارد تهران نشوند بنمایندگان دو دولت مذکور وارد مذاکره شد. نگرانی مردم همچنان دوام داشت و میدانستند باوجود توافق نمایندگان سیاسی دو دولت همسایه با دولت ایران، معهذا روزهای سخت و دشواری در پیش است.

خبرهائیکه از شهرستان‌ها میرسید بیش از پیش باعث تأسف و تأثر وطن پرستان میگردید، زیرا خبرهای مزبور حاکی بود که عده‌ای از افسران و سربازان در نخستین برخورد و پیش از دریافت فرمان ترك مقاومت در حین انجام وظیفه کشته شده‌اند و قوای بیگانه اغلب شهرها را اشغال کرده و همچنان بطرف پایتخت پیش میآید.

بالاخره روز ۱۵ شهریورماه بار دیگر نمایندگان دو دولت در کاخ وزارت امور خارجه حضور یافته پاسخ یادداشتهای دولت ایران را تسلیم کردند. یادداشت سفارت انگلیس باین شرح بود:

یادداشت سفارت انگلیس

مورخه ۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی وزیر امورخارجه دولت شاهنشاهی - تهران

آقای وزیر :...

درپاسخ نامه شماره ۳٦۱۵ مورخ ۱۰ شهریور ماه جاری برابر اول سپتامبر محترماً مراتب زیررا باستحضار خاطر آن جناب میرسانم .

درعرض چندروز گذشته اوضاع محلی بنحوی تغییریافته که در زمانی که دولت متبوعه دوستدار تعلیماتی را که نامهٔ اینجانب مورخهٔ ۳۰ اوت ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ برآن مبنی بود تنظیم نمودند پیش بینی نگردیده بود ازلحاظ اینکه تصفیه امرجهت دولت ایران آسان تر گردد قوای متحدین شهرتهران را اشغال ننمودند لیکن سفارتخانه های دول محور این خودداری را فقط علامت ضعف پنداشته از آزادی که ازاین رهگذر جهت آنها پیش آمده بود استفاده نموده بوسیله هجو و تنقید دولتین اعلیحضرت پادشاهی انگلستان واتحاد جماهیرشوروی و تخدیش اذهان عمومی توسط تبلیغات محلی ورادیو های آلمان وایتالیا موجبات زحمت و اشکال دولت ایران را فراهم نمودند بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان ناگزیر بدولت ایران اطلاع میدهد که لازم است باسرع اوقات ممکنه سفارت آلمان بانضمام سفارتخانه های دیگر که تحت اراده آلمان میباشند یعنی سفارتخانه های ایتالیا ومجارستان و رومانی و بلغار برچیده شوند این تقاضاامروز صبح شفاهاً بجنابعالی ابلاغ گردید لیکن مقتضی میدانم آنرا کتباً نیز اظهار داشته وخاطر آن جناب را متذکر شوم که تازمانی که سفارتخانه های نامبرده بسته نشده دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان ازدولت ایران تقاضامینماید کلیه تسهیلات مربوط به پیك ورمزرا موقوف نموده ونگذارند سفارتخانه های مزبور از دستگاههای بی سیم و فرستنده خود استفاده کنندومورد اشخاصیکه باسفارتخانه ها ایاب وذهاب مینمایند وهمچنین درباب عملیات واقدامات این سفارتخانه ها که مورد سوء ظن است مراقبت وتفتیش کاملی بعمل آورند.

اکنون مشروحا به جواب نامه فوق الذکر جنابعالی مبادرت مینمایم.

بند اول

الف - گرچه دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان حاضر نیستند هیچیک از شهرهای مقرره ومصرحه را ازنواحی متصرفی که قبلا بدولت ایران ابلاغ گردیده مجزا نمایند اصولا ایرادی ندارند باینکه درمحل ترتیبی فیمابین مأمورین نظامی انگلیس ومأمورین وابسته ایران داده شود که برطبق آن عده‌ای ازارتش یاامنیه برای تأمین نظم وآرامش دردزفول وخرم آباد و کرمانشاهان بوده باشند معذالك درصورتی که احتیاجات نظامی انگلیس ایجاب نماید ترتیب نامبرده ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود.

ب - درنواحی متصرفی لازم خواهد بود مأمورین اداری ایران مشاغل و وظایف جاریه خودرا بامعاضدت کامل مأمورین انگلیس انجام دهند مأمورین نظامی نامبرده بسهم خودسعی خواهندنمود که بادرنظر گرفتن احتیاجات نظامی انگلیس موافقت نمایند تمایلات حقانی اولیای اموراداری ایران را انجام دهند.

ج - مأمورین نظامی انگلیس هیچ میل ندارند ازحیث آذوقه و مسکن و سایر احتیاجات تحمیلی بردولت ایران بوده باشند و با معاضدت مأمورین اداره ایران ترتیباتی داده خواهدشد که احتیاجات مأمورین نظامی انگلیس در این مورد بنحوی تأمین شود که مضیقه‌ای جهت آن کشور تولیدنگردد.

د - هرگونه اقدامات لازم بعمل خواهدآمد که از حوادث ناگوارفیمابین قوای متصرفی وساکنین محل جلوگیری شود.

بند ۲

٤- رویه‌ای را که درباب آلمانها اتخاذ نموده‌ایم درنامه دوستدار مورخه ۳۰ اوت ۸ شهریور ذکرشدودریادداشتی که روزبعدتسلیم نمودم تغییریافته امروزصبح محترماً نظریات پادشاه انگلستان رابرای جنابعالی تشریح نمودم باستثنای اشخاصی که ممکن است مورد تصویب میسیون های سیاسی انگلیس وسویت درتهران واقع

شوند هیئت آلمانی ها ، غیرازسفارت آلمان که در فوق اشعار گردید ، بایستی بمأمورین انگلیس یابمأمورین سویت تحویل گردد .

بند ۴

۵ ـ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان موافقت دارند کـه تضییق مربوط بورودآلمانیهابایران فقط محدود بطول مدت جنگ باآلمان بوده باشد .

بند ۴

۶ ـ تسهیلات راجع به ترانزیت کالاها ومهمات جنگی برطبق احتیاجات نظامی خواهد شد لکن دولت ایران میتواند اطمینان داشته باشد که اقداماتی برای اصلاح وتکمیل وسایل ومرابط ومخابره کهاکنون موجوداست بعمل خواهد آمدونیزسعی خواهد شدجهت دولت شاهنشاهی وملت ایران مضیقه‌ای تولید نشود.

بند ۵

۷ ـ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بالزوم حفظ داشتن حسن تفاهم ذات البین بمنظوراحترازهر گونه اشکالی موافقت دارند .

بند ۶

۸ ـ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان باتقاضای دولت ایران دائربراین که معاضدت اقتصادی شامل خرید صادرات ایران بوده باشد بانظرمساعد وممدردی ناظربوده وآنچه رامیتواند برای انجام این تقاضابعمل خواهد آورد اماددرباب تقاضای دیگرممکن است برای رها کردن کالاهای متعلق بایران کـه الحال در خاك انگلیس میباشدبعمل آیدلازم خواهد بود قضایای انفرادی بمناسبت خصوصیات هریك مورد مطالعه ورسیدگی واقع شود لکن سعی خواهد شد این قبیل کالاها درهرجاممکن باشدآزاد شود .

بند ۹

۹ ـ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضرخواهندبود موضوع ارجاع اسلحه جات ومهمات جنگی رادرموقع مناسب مورد مطالعه قراردهند ونیزحاضر

خواهند بود که وقتی قوای متصرفی انگلیس از ایران خارج شدند تقاضاهای عادلانه ای را که ممکن است دولت ایران بابت غرامت وخسارت وارد بـا تباع ایران درطی مدت اشغال بنماید مورد رسیدگی وملاحظه قراردهند .

موقع رامغتنم شمرده واحترامات فائقه خودرا تجدید مینمایم .

وزیر مختارانگلیس

ریدرز بولارد

نامه سفارت دولت شوروی بوزارت امورخارجه

آقای وزیر

درجواب یاداشت شماره ۳٦۱٤مورخه اول سپتامبرجاری افتخاردارم مطالب زیررا باطلاع جنابعالی برسانم :

در ظرف چند روزاخیروضعیت ایران درجهتی بکلی مخالف آنچه درموقعی که دولت این جانب شرائط مندرجه دریادداشت سی ام اوت ۱۹٤۱ را تشریح نموده ومبنای مذاکرات دولتین شوروی وبریتانیای کبیر بادولت شاهنشاهی بود سیرنموده است . برای اینکه حل قضیه برای دولت ایران سهل شود قشون شوروی وانگلیس ازاشغال تهران خودداری نمودند سفارتهای دول محوراین عمل نجیبانه رانشانه ضعف دانسته وازموقع استفاده نمودند که دولت ایران درمحظورقرارداده ودول شوروی وانگلستان رابی اعتبارنموده وبه تبلیغات خوددرایران چه درمحل وچه بوسیله رادیوهای آلمان وایتالیاتوسعه دهند . نظربراین قضیه دولت شوروی مجبوراست درمقابل دولت ایران راجع بلزوم خارج نمودن سفارت آلمان وسفارت هائیکه تحت نظارت آلمان هستند یعنی سفارتهای ایتالیاومجارستان اصرارورزد .

دولت ایران عهده داراست حتی قبل ازعزیمت این سفارتخانه ها ازایران آنهاراازارتباط بوسیله بیك ورمزواستعمال ایستگاه های فرستنده ممنوع سازد ونظارت جدی راجع باشخاصی که باین سفارتخانه ها میروند و رفتار آنها طرف سوء ظن است بعمل آورد .

راجع بتقاضای دولت ایران مندرج در یادداشت شماره ۳۶۱۴ مورخ اول سپتامبر دولت شوروی اینجانب را مامور نموده که پاسخ زیررا بشما ابلاغ نمایم :

۱ - در یادداشت حکومت شوروی مورخ ۳۰ اوت سال جاری خط مرزی نواحی ایران که ازطرف نیروی شوروی اشغال شده بطوردقت تشریح شده و دولت شوروی نمیتواند بهیچ تغییری دراین خط رضایت بدهد باین جهت تقاضای دولت ایران درخروج شهرهای قزوین وسمنان وشاهرود ازاینمنطقه نمیتواند صورت بگیرد.

۲ - درنواحی اشغال شده ازطرف نیروی شوروی ادارات محلی ایرانی شامل شهربانی وامنیه وظایف معمولی خودرا انجام خواهند داد درعین حال دولت شوروی انتظاردارد که اولیای امور محلی معاضدت کامل با فرماندهی نظامی ارتش سرخ راجع برفع حوائج آن مخصوصاً جادادن آن بعمل آورند.

اولیای نظامی شوروی حاضر خواهند بود تقاضاهای حقه اولیای امور ایرانی را تا حدیکه با نظریات فرماندهی ارتش سرخ وفق دهد مورد توجه قراردهند.

۳- فرماندهی نظامی شوروی هیچ درنظر ندارد که راجع باحتیاجات ارتش خود سربار دولت ایران بشود همکاری مابین فرماندهی قشون سرخ واولیای امور محلی ایران برای رفع احتیاجات ارتش سرخ برقرار خواهد شد بنحوی که این احتیاجات موجب مشکلات برای کشور ایران نشود.

٤ - اولیای امور نظامی شوروی رژیم مناسبی برای قشون خود برقرار خواهند نمود ونیز اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد که ازحوادث ناگوار جلوگیری شود و دولت شوروی نمیتواند رژیمی را قبول کند که بکلی قوای مارا ازمردم جدا سازد

٥ - اتباع آلمان درایران میبایستی تسلیم اولیای شوروی و انگلستان بشوند. باستثنای آنهائیکه مخصوصا ازطرف سفارتکبرای شوروی و سفارت انگلیس در تهران معین گردند.

٦ - دولت شوروی موافقت دارد که منع ورود آلمانیها درایران فقط محدود به مدت جنگ با آلمان خواهد بود

۷ - درموقع ترانزیت کالاها ومواد جنگی شوروی بایران لزوم جلوگیری از اختلال درحمل ونقل داخلی موردتوجه قرار خواهد گرفت.

معاضدتی که ازطرف دولت ایران راجع به ترانزیت کالاها ومواد جنگی شوروی که بوسیله راه‌های شوسه وراه آهن وهمچنین راههای هوائی فرستاده میشوند تقاضا شده برطبق احتیاجات نظامی تعیین خواهد شد.

۸ - دولت شوروی ازحاضربودن دولت ایران در انعقاد قرارداد جدیدی برای استخراج نفت کویرخوریان که پیشرفت آن درمدت چندین سال ازطرف دولت ایران مختل شده بود اتخاذ سند مینماید.

مهیابودن دولت ایران درمشارکت سهامی شیلات و از بین بردن موانعی که تابحال برای این شرکت ازطرف اولیای امورمحلی ومرکزی ایجاد میشد بسیار موردتقدیر است.

۹ - دولت شوروی هرچه ممکن باشد برای مساعدت اقتصادی با ایران من جمله خرید کالاهای ایران که درخاك شوروی هستند هرقسمت باید ازنظر کیفیت خاص آن مورد بررسی قرار گیرد ودرهرموردی که ممکن باشد پروانه عبور برای رساندن آن کالاها بایران داده خواهد شد.

۱۰ - دولت شوروی حاضرخواهدبود وقتیکه ضرورت توقف ارتش سرخ در خاك ایران مرتفع شود موضوع پس دادن تسلیحات ارتش ایران را مورد بررسی قراردهدوتا آن موقع این تسلیحات درتصرف ارتش شوروی واقع خواهدبود.

راجع بجبران خسارت وارده بواسطه جنگ وبمباران‌ها این تقاضای دولت ایران نمیتواند مورد قبول واقع شودزیرا این جنك مادامی دوام داشت که ارتش ایران درمقابل ارتش ما مقاومت میکردند.

پس ازوصول یادداشتهای مزبور باردیگر دولت ببررسی ومطالعهٔ آن‌ها پرداخت وآنگاه پاسخ دولتین انگلیس و شوروی را باین مضمون داد:

جناب آقای سر ریدر بولارد وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

آقای وزیر مختار

در پاسخ نامه مورخه ۱۵ شهریور ماه جاری ٦ سپتامبر ۱۹٤۱ جنابعالی ودر تعقیب نامهٔ شماره ۳٦۱۵ خود راجع بحل مسائلی که برخلاف انتظار براثر ورود قوای نظامی دولت انگلستان ودولت اتحاد جماهیر شوروی بخاك ایران پیش آمده و مطرح گردیده است این جانب اختیار دارد مطالب زیر را که منتهای حسن اراده دولت شاهنشاهی ایران براصلاح ذات البین می باشد باستحضار آن جناب برساند .

البته راجع ببرچیدن سفارت خانه‌های آلمان وایطالی ورومانی ومجارستان واقداماتی که درنامهٔ آن جناب خواسته بودید نسبت بسفارت خانه‌ها واتباع آلمان بعمل آید خاطر شمارا مستحضر میدارد که برای ابراز کمال حسن نیت ومساعدت نسبت برفع نگرانی دولت انگلستان ودولت اتحاد جماهیر شوروی دولت شاهنشاهی ایران نظر بوضعیت فعلی ناگزیر موافقت نمود واقدام فوری بعمل آورده که ترتیب انجام تقاضاهای آن دودولت در این قسمت برای مرتفع ساختن هر سوء تفاهمی زودتر داده شود ولی لازم میداند متذکر گردد علاوه بر پیش بینی‌های گذشته با اقداماتی که از طرف دولت همین چندروزه نیز برای جلوگیری از هرگونه سوء القاآتی بعمل آمده تغییری دراوضاع محلی رخ نداده ومشکلاتی هم براثر اقدامات آلمانی هاوایطالیائی های مقیم تهران برای دولت ایران ایجاد نشده است تاجای آن باشد که موضوع عدم ورود قوای دولتین انگلستان وشوروی رابتهران که هیچگونه سبب وبهانه‌ای هم برای آن نبودونیست تذکر دهید .

۲ - دولت شاهنشاهی ایران متأسف است که دولت انگلستان ودولت جماهیر شوروی نخواسته‌اند مختصر تقاضای ایران راحتی درخارج ساختن شهرهای سمنان و شاهرود و قزوین و خرم آباد ودزفول از خطی که در یادداشت اولی خود معین

کرده بودند بپذیرند گرچه بنظر دولت ایران موجبی برای رد این تقاضا نبوده است و باینکه موافقت نموده اند در نقاط خرم آباد و دزفول و کرمانشاهان ترتیبی بین مامورین نظامی انگلیس ومامورین وابسته ایران داده شود که برطبق آن عده ارتش یاامنیه ایران برای تامین نظم وآرامش دردزفول وخرم آباد و کرمانشاهان بوده باشند دولت شاهنشاهی ایران بااطمینان ازآنکه نظم وآرامش درهمه جا مورد توجه وعلاقه دولت انگلستان میباشد امیدوار است موافقت خواهد نمود که همین رویه درنقاط دیگرهم که طبق یادداشت اول آن دولت موقتاً در آنجا متوقف می گردند برقرار شود ضمناً باین نکته نیز جلب توجه مینماید که موضوع لزوم وجود امنیه درسایر نقاط محل توقف قوای دولتین هم همواره مورد موافقت بوده ومحرز میباشد .

۳ - راجع بمعاضدت متقابل ادارات کشوری دولتی از جمله امنیه و شهربانی با قوای نظامی دولتین در نقاطی که محل توقف آنها میباشد دولت ایران امیدوار است رویه حسن تفاهم بین آنها کاملا استقرار یابد که احتیاجات حقه قوای طرفین برآورده شود ومامورین ایرانی هم مطابق مقررات کشور بدون زحمت ازعهده وظائف خود برآیند.

بنابر مراتب بالا دولت شاهنشاهی ایران یقین دارد اکنون که از هر جهت وسایل اطمینان خاطر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی فراهم گردیده است اوامر فوری مؤثر بقوای آن دولت صادر خواهند نمود که درحدود موافقت های حاصله عمل نمایند مأمورین دولت ایران درآن نقاط برای اعاده وضعیت عادی وانجام وظائف خود منظماً اقدام نمایند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

جناب آقای اسمیرنوف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - تهران

آقای سفیر کبیر

در پاسخ نامه مورخه ۱۵ شهریورماه جاری، ۶۵ سامبر ۱۹۴۱، ودر تعقیب نامه مورخه ۱۰ شهریورماه جاری شماره « ۳۶۱۴ » اینجانب راجع بحل مسائلی که بر خلاف انتظار براثر ورود قوای نظامی دولت اتحاد جماهیر شوروی ودولت انگلستان بخاك ایران پیش آمده ومطرح گردیده است اختیار دارد مطالب زیررا که دلیل منتهای حسن اراده دولت شاهنشاهی ایران براصلاح ذات البین میباشد باستحضار آن جناب برساند :

۱ - راجع به برچیدن سفارتخانه‌های آلمان وایتالیاورومانی ومجارستان و اقداماتیکه درنامه آن جناب خواسته بودند نسبت بآن سفارتخانه‌ها واتباع آلمان بعمل آید خاطرشمارا مستحضر میدارد که برای ابراز کمال حسن نیت ومساعدت نسبت برفع نگرانی دولت اتحاد جماهیر شوروی ودولت انگلستان ودولت شاهنشاهی ایران نظر بوضعیت فعلی ناگزیر موافقت نمودواقدام فوری بعمل آورد که ترتیب انجام تقاضای آن دودولت دراین قسمت برای مرتفع ساختن هرسوء تفاهمی هرچه زودتر داده شود ولی لازم میداند متذکر گردد که علاوه برپیش بینی‌های گذشته بااقداماتیکه ازطرف دولت درهمین چندروزه نیز برای جلوگیری ازهرگونه سوء اتفاقات بعمل آمده تغییری دراوضاع محلی رخ نداده ومشکلاتی هم براثر اقدامات آلمانها وایتالیائی‌های مقیم تهران برای دولت ایران ایجاد نشده است تاجای آن باشد که موضوع عدم ورود قوای دولتین شوروی وانگلستان رابتهران که هیچگونه سبب و بهانه‌ای هم برای آن نبوده ونیست تذکر دهید .

۲ - دولت شاهنشاهی ایران متأسف است که دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان نخواسته اند مختصر تقاضاهای ایران راحتی درخارج ساختن شهرهای سمنان وشاهرود وقزوین وخرم آباد ودزفول ازخطی که دریادداشت اولی خود معین

کرده بودند بپذیرند هرچند بنظر دولت ایران موجبی برای رد این تقاضا نبوده است .

۳ - راجع بمعاضدت متقابل ادارات کشوری دولتی (از جمله امنیه و شهربانی) با قوای نظامی دولتین در نقاطی که محل توقف آنها میباشد دولت ایران امیدوار است رویه حسن تفاهم بین آنها کاملا استقرار یابد که احتیاجات حقه دولتین برآورده شود و مأمورین ایرانی هم مطابق مقررات کشور بدون مانع از عهده وظایف خود برآیند .

٤ - راجع بجبران غرامت خسارت وارده که باستناد مقاومت قوای ایران در مقابل قوای شوروی اشعار داشته اند نمیتوانند استرضای خاطر دولت ایران را ازاین حیث فراهم نمایند لازم میداند این نکته را تذکر دهد که چون آغاز مخاصمه از طرف قوای ایران بعمل نیامده و ورود قوای شوروی هم بدون اطلاع قبلی بوده مقاومت بدوی پادگانها هم برای دفاع خویش طبعاً صورت گرفته دولت ایران هم باقتضای حسن نیت خود در صلح طلبی و حفظ مناسبات دیرینه با آن دولت بلافاصله دستور ترك مقاومت داده است و قسمت مهم خسارت وارده پس از اعلان ترك مقاومت بود بنابراین دولت ایران حقاً انتظار دارد که موضوع غرامت مورد تجدید نظر و توجه خاص دولت شوروی واقع شود .

٥ - باحسن مناسبات موجوده و ترتیباتی که اینك برقرار میگردد دولت شاهنشاهی برای نگاهداری اسلحه و مهماتی که از قوای ایران گرفته شده است موجبی نمی بیند با این حال اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی اصرار در این نگاهداری موقت داشته باشند اقتضا دارد فهرستی از اسلحه و مهمات مزبور باحضور نمایندگان طرفین تنظیم گردد تا بعد از جنگ یا در موقع مناسب دیگری پیش از پایان جنگ بدولت ایران مسترد گردد.

بنابراین دولت شاهنشاهی یقین دارد اکنون که از هرجهت وسایل اطمینان خاطر دولت جماهیر شوروی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان فراهم گردیده است اوامر فوری مؤثر بقوای آن دولت صادر خواهند نمود که در حدود موافقتهای حاصله

عمل نمایند تامأمورین دولت ایران در آن نقاط برای اعاده وضعیت عادی و انجام وظایف خود منظما اقدام نمایند.

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه راتجدید می نماید.

آغاز سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی

حوادث تلخ ودردناك فوق برای اعلیحضرت رضاشاه پهلوی که یك عمردرراه ایران عزیز فداکاری وجانبازی کرده بود بحدی مؤثر واقع شد که تصمیم گرفت بااوضاع نامطلوب کشور ومخالفت شدید بیگانگان بااواز سلطنت کناره کند، وتاج وتخت کیان را بفرزند والا گهرخود بسپارد.

ازاینروروز ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ اعلیحضرت رضاشاه مؤسس و سرسلسله خاندان پهلوی پس از بیست سال فرمانروائی پرافتخاراز سلطنت کناره گرفت واستعفا نامه خود راباین شرح امضاء کرد:

نظر باینکه من همه قوای خود را دراین چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام حس میکنم که اینك وقت آن رسیده است که یك قوه و بنیه جوان تری بکار های کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد و اسباب سعادت ورفاه ملت را فراهم آورد.

بنابراین امور سلطنت رابولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم ازامروز که روز۲۶ شهریورماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری ولیعهد مرا باید بسلطنت بشناسند وآنچه ازپیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظوردارند.

کاخ مرمرتهران

۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ است- امضا

پس از آنکه اعلیحضرت محمد رضاشاه بر تخت سلطنت جلوس کرد، از نخستین روز بمشکلات بزرگی که درسرراه او وجود داشت پی برد و متوجه گردید که در یکی ازحساس ترین ودشوارترین لحظات تاریخ زمام امور ازهم گسیخته ایران بکف او سپرده شده است.

باوجود این تصمیم گرفت با کلیهٔ عوامل مخالف و مشکلات گوناگون مبارزه نموده و کشور باستانی ایران را که دوهزار و پانصد سال در برابر سخت‌ترین و هولناک‌ترین سوانح تاریخ مقاومت کرده بود واززیر بار آنهمه حوادث بزرگ باسرفرازی سرراست کرد، ازانقراض وتجزیه نجات دهد.

خبرهائی که در آن ایام ازشهرستانها میرسید همگی حاکی ازآشفتگی اوضاع وهرج ومرج بود. ازگوشه و کنار رؤسای ایلات وعشایر سرراست کردند و مردان بانفوذ وملاکین دراملاك واراضی متصرفی خویش حکومت خود مختارو مستقلی ایجاد نمودند.

ناامنی درراه ها شروع شد، قتل وآدم کشی وقحطی و گرسنگی و بیماری ودربدری باردیگر تجدید گردید. حکومت مرکزی قدرت خودرا ازدست دادو قوای بیگانه با همه‌مواعیدی که نمایندگان دول همسایه درباره‌عدم مداخله‌درامورداخلی ایران داده بودند، برهمه چیزمردم حکومت میکردند. گندم وبرنج وخواربار مردم ازمرزهابیرون برده میشد. مهاجرین وفراریان جنگ ازنقاط مختلف بایران روی‌آورده وقحطی و گرسنگی را تشدید کردند.

احزاب دست‌نشانده وجیره خوارشروع بفعالیت نمودند. نسبت بمقدسات ملی‌واستقلال‌وآزادی ایران‌بزرگترین توهین هارا کردند. انتقادازاوضاع گذشته ومنفی بافی وفحش ودشنام برجال وخدمتگذاران‌میهن و کسانی که‌یك عمردرراه ملت ومملکت فداکاری کرده بودند شروع شد. قوای‌مجریه وقضائیه ومقننه قوت وقدرت‌خودرا ازدست‌دادند. تشتت‌وتفرقه‌وهرج‌ومرج‌وجدائی‌وپراکندگی‌عجیبی درکلیهٔ شئون پدیدار گردید.

دربرابرهمهٔ این عوامل مخالف پادشاه جوان ایران میبایستی مانند یک دیپلمات جهاندیده وزبردست، چنان‌باسیاست وتدبیرعاقلانه با دشمنان خارجی وداخلی رفتار کند که این بنای نیمه‌ویران بکلی واژگون نشود وکاخ استقلال ایران سرنگون نگردد.

زمستان سال ۱۳۲۰ زمستان یخبندان و سختی بود . سرایت آتش جنگ بداخل مرزهای ایران و آشفتگی وضع مملکت سبب شد که عده زیادی از قحطی و سرما مردند ، وقسمت اعظم افراد کشور نیز درنهایت محرومیت و سختی بسر بردند .

شاه در تمام این احوال یگانه یاروغمخوار ملت خود بود ، باپای خود بهمه جامیرفت . اوضاع را از نزدیك میدید . ازمستمندان ودردمندان دلجوئی میکرد به بینوایان کمك مینمود . پی درپی برای آوارگان ومستمندان اعانات هنگفتی از جیب خود اعطا میکرد .

دراین موقع جنك درنهایت شدت در کشور شوروی جریان داشت . سیل اسلحه ومهمات ازخلیج فارس توسط راه آهن سراسری ایران وجاده های شوسه بطرف مرزهای شوروی جاری بود . اعلیحضرت محمد رضاشاه احساس کرد که برای حفظ استقلال ایران وجلب دوستی دول متفق که در آن ایام درمشکل ترین لحظات تاریخ بسر میبردند ایران باید قدری بآنها نزدیکتر شود . ازاین رو بامشورت رجال کاردیده و مجرب مملکت تصمیم گرفت پیمانی بادو دولت همسایه منعقد کند و در حلقهٔ اتحاد دول متفق درآید .

از این رو درتاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰ با دولتهای انگلیس و شوروی پیمان اتحادی منعقد کرد ، والحاق خودرا بمنشور آتلانتیك اعلام داشت اکنون متن پیمان اتحاد سه گانه .

پیمان اتحاد سه گانه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ازیك طرف ، واعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلند ومستملکات انگلیس ماوراء بحار وامپراطور هندوستان ، وهیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ازطرف دیگر ، نظر باصل منشور اتلانتیك که رئیس جمهوری دول متحده امریکا و نخست وزیر دولت انگلستان در چهاردهم اوت ۱۹۴۱ برآن توافق کرده و بجهان اعلام نموده اند ودولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز دربیست و چهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مزبور راتأیید نموده و

دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران هم توافق کامل خودرا باآن اصل ابراز مینمایند ومایلند که باملل دیگرجهان بطور یکسان از آن بهره مند شوند وچون آرزومندمیباشند که رشته دوستی وحسن تفاهم فیمابین استوارشودونظر باینکه این مقاصد بوسیله عقدپیمان اتخاذ بهتر حاصل میشود ، توافق نمودند که برای این منظور پیمانی منعقدسازند ونمایندگان مختار خودرا ازاین قرار تعیین نمودند :

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

جناب آقای علی سهیلی وزیرامورخارجه شاهنشاهی:

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلند ومستملکات انگلیس و ماوراء بحار و امپراطور هندوستان بنام مملکت متحده بریتانیای کبیر وایرلند شمالی:

جناب آقای سرریدرویلیام بولارد وزیرمختارونمایندهٔ فوق العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان درایران

هیئت رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی:

جناب آقای آندرویویچ اسمیرنوف سفیر کبیرفوق العاده اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی درایران .

ونمایندگان مزبور اختیارات تامهٔ خود را ارائه نمودند که صحیح ومعتبر بوده وبرمقررات ذیل موافقت کردند :

فصل اول

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلندومستملکات انگلیس ماوراءبحار وامپراطور هندوستان ، وهیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، که از این پس آنها را دول متحده خواهیم نامید ، مشترکاً و هر یك منفرد آتعهد میکنند که تمامیت خاك ایران وحاکمیت واستقلال سیاسی ایران را محترم بدارند .

فصل دوم

مابین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ازیکطرف ودول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود

فصل سوم

۱ - دول متحده مشترکا وهریك منفرداً متعهد میشوند که بجمیع وسائلی که دراختیاردارند ایران رادرمقابل هرتجاوزی ازجانب آلمان یاهردولت دیگر دفاع نمایند .

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران متعهد میشوند که :

الف - بجمیع وسائلی که دردست دارند وبهروجه ممکن شود بادول متحده همکاری کنند تعهد فوق انجام یابد ولیکن معاضدت قوای ایرانی محدود بحفظ امنیت داخلی درخاك ایران خواهد بود .

ب - برای عبورلشگریان یامهمات ازیك دولت متحد بدولت متحددیگریا برای مقاصد مشابه دیگر بدول متحده حق غیرمحدود بدهند که آنها جمیع وسائل ارتباطی رادرخاك ایران بکار ببرند ونگاهداری کنند وحفظ بنمایند ودرصورتیکه ضرورت نظامی ایجاب نماید بهرنحوی که مقتضی بدانند دردست بگیرند .راههای آهن وراههاورودخانه هاومیدانهای هواپیمائی وبنادرولوله های نفت وتأسیسات تلفنی وتلگرافی وبی سیم مشمول این فقره میباشند .

ج - هرنوع مساعدت وتسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور نگاهداری وبهبود وسائل ارتباطیهٔ مذکوردرفقرهٔ (ب) مصالح وکارگرفراهم شود .

د - باتفاق دول متحده هرگونه عملیات سانسوری که نسبت بوسائل ارتباطیهٔ مذکوردرفقرهٔ (ب) لازم بدانند برقرار کنند ونگاه بدارند .

۳ - واضح ومسلم است که دراجرای فقرات (ب - ج - د) ازبنددوم این فصل دول متحده حوائج ضروری ایران راکاملا منظورنظرخواهند داشت .

فصل چهارم

۱ - دول متحده میتوانند درخاك ایران قوای زمینی ودریائی وهوائی بعده ای که لازم بدانند نگاه دارندوتاجائیکه مقتضیات استراتژیك اجازه بدهد نقاطیکه

این قوا آنچنانکه اشته خواهند شد باموافقت دولت ایران تعیین خواهد شد .

جمیع مسائل مربوط بروابط بین قوای دول متحده وادارات دولت ایران حتی‌الامکان باهمکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد بنحویکه مأمونیت قوای مزبورمحفوظ باشد .

مسلم است که‌حضوراین قوادرخاك ایران اشغال نظامی‌نخواهد بودونسبت بادارات وقوای تأمینیه ایران وزندگانی‌اقتصادی کشورورفت وآمد عادی سکنه واجرای قوانین ومقررات ایران هرقدرممکن باشد کمترمزاحمت خواهند نمود .

۲ - هرچه زودترممکن‌شودبعد ازاعتباریافتن این پیمان یك‌یاچند قرارداد راجع بتعهدات مالی که دول متحده بسبب مقررات این فصل وفقره(ب -ج-د) ازبنددوم فصل سوم برعهده‌خواهند داشت دراموری ازقبیل‌خریدهای محلی واجارهٔ ابنیه وتأسیسات صنعتی وبکار گرفتن‌کارگران ومخارج حمل ونقل وامثال‌آن فیمابین منعقد خواهد شد .

قرارداد مخصوص منعقد خواهد شد مابین‌دول متحده ودولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد بعد از جنگ ابنیه واصلاحات دیگریکه دول متحده درخاك‌ایران انجام‌داده باشندبچه شرایط‌بدولت شاهنشاهی‌ایران‌واگذارمیشود .

درقرارداد های مزبورمصونیت هائی هم که‌قوای‌دول‌متحده درایران‌ازآن برخوردارخواهند بود مقررخواهد گردید .

فصل پنجم

پس‌ازآنکه کلیه‌مخاصمه مابین‌دول متحده بادولت آلمان‌وشرکای‌آن بموجب یك یاچندقراردادمتارکهٔ جنگ‌متوقف‌شد دول متحده درمدتیکه زیاده‌ازششماه نباشدقوای‌خودراازخاك‌ایران‌بیرون‌خواهند بردواگرپیمان صلح مابین‌آنها بسته شد ولواینکه‌قبل ازششماه بعدازمتارکه‌باشدبلافاصله‌قوای‌خودرابیرون‌خواهند برد . مقصودازشرکای دولت‌آلمان هردولت دیگری‌است که اکنون یادرآینده‌با یکی ازدول متحده بنای مخاصمه گذاشته یابگذارد .

فصل ششم

۱- دول متحده متعهد می شوند که درروابط خودبا کشورهای دیگرروشی اختیارنکنند که به‌تمامیت خاك وحاکمیت یااستقلال سیاسی ایران مضرباشد و پیمان‌هائی نبندند که با مقررات این پیمان منافات‌داشته باشدومتعهد می شوند که درهراموری مرتبط باشد بادولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند.

۲- اعلیحضرت همایون شاهنشاهی متعهد می‌شوند که‌در روابط خود با کشورهای دیگرروشی اختیارنکنند که با اتحاد منافی باشد یا پیمانهائی منعقد نکنند که‌با مقررات این پیمان منافات‌داشته باشد.

فصل هفتم

دول متحده مشترکا متعهد میشوند که بهترین مساعی خودرا بکاربرند که حیات اقتصادی ملت ایران را درمقابل تضییقات واشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند.

پس‌ازآنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین‌وجه عمل کردن باین تعهد مابین‌دولت ایران ودول متحده مذاکرات شروع خواهدشد.

فصل هشتم

مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه‌وهریك‌ازدوطرف‌معظم متعاهد دیگرمانند تعهدات دوطرفی یکسان‌الزام‌آوراست.

فصل نهم

این پیمان‌پس‌از امضاء معتبراست وتاتاریخی که برای بیرون بردن قوای دول متحده ازخاك‌ایران برطبق فصل پنجم مقررشده باعتبار باقی خواهدبود.

بنابراین نمایندگان مختارمذکور درفوق‌این پیمان‌را امضاء ومهر کرده‌اند درتهران به‌نسخه فارسی‌وانگلیسی وروسی تحریرشد وهرسه نسخه یکسان معتبر خواهدبود.

علی سهیلی
ر. دبلیو. بولارد
ا. اسمیرنوف

ضمیمه اول

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران تهران ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲.

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران - تهران باعطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخر آ از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بجنابعالی اطمینان میدهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس صلحی خواه یك کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود و همچنین بکنفرانس های بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنابراین متعهد می شوند که در کنفرانسهای مزبور هیچ امری را که به تمامیت خاك ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننماید و نیز در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکره ای نشوند که بمنافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه با دولت ایران مشاوره کنند.

علاوه براین دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش را بکار خواهد برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع او مرتبط باشد با دول دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

ا. اسمیرانوف

ضمیمه اول

سفارت انگلیس - تهران - ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران - تهران

باعطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخر آ از جانب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بجنابعالی اطمینان میدهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس خواه کنفرانسهای متعدد که در پایان جنگ حاضر منعقد شود و همچنین بکنفرانسهای بین المللی دیگر

تعلق خواهد گرفت وبنابراین متعهدمیشوند که در کنفرانسهای مزبورهیچ امری‌را که بتمامیت خاك ایران وحاکمیت یااستقلال سیاسی ایـران مضرباشد تصویب ننمایند ونیزدر کنفرانسهای مزبورو‌ارد هیچ مذاکره‌ای نشوند که بمنافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگراینکه بادولت ایران مشاوره کنند .

علاوه براین‌دولت‌اعلیحضرت پادشاه‌انگلستان نهایت کوشش‌را بکارخواهند برد که ایران‌درمذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع او مرتبط‌باشد بادول دیگر بطورتساوی‌نماینده‌داشته‌باشد .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه راتجدید مینماید .

ر• د بلیو• بولارد

ضمیمه دوم

وزارت امورخارجه - شماره ۴۹۵۲ - تاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای آندره آندریویچ اسمیرنوف سفیر کبیردولت اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی - تهران

باعطف به بند دوم از فصل ششم‌ازپیمان اتحادی که امروزامضاء شدمفتخراً ازجانب دولت ایران بجنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنابربند مـزبور خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دودولت‌هردو بادولت دیگری روابط سیاسی نداشته‌باشنددولت‌ایران‌باآندولت‌روابط سیاسی نگاه بدارد .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه راتجدید مینماید .

علی سهیلی

ضمیمه دوم

وزارت امورخارجه - شماره ۴۹۵۲ - تاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای سرریدرویلیام بولاردوزیرمختارونماینده فوق‌العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان - تهران

باعطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضاء شد مفتخراً ازجانب دولت ایران بجنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنابربند مزبور خلاف تعهدات خودمیداند که چنانچه این دودولت هردوبادولتی روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران باآندولت روابط سیاسی نگاه بدارد .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه راتجدید مینماید

علی سهیلی

ضمیمه سوم

سفارت کبرای اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی در ایران - تهران ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ .

جناب آقای علی سهیلی وزیرامورخارجهٔ دولت شاهنشاهی ایران - تهران

افتخاردارم ازطرف دولت (اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی) بجنابعالی اطمینانهای زیررا ابلاغ نمایم :

۱ - راجع بفقرهٔ (۲) فصل سوم ازپیمان اتحادی که امروزامضاء شده است دول متحده ازدولت ایران معاضدت قوای نظامی اورادرهیچ جنگ ویا عملیات نظامی برضد یك یاچند دولت خارجه تقاضانخواهد نمود .

۲ - راجع بفقره (۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحد برای مقاصد نظامی خودانجام داده باشند وبرای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شوند.

۳ - مسلم است درصورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل ازانعقاد صلح ازدرجهٔ اعتبارساقط شود ضمیمهٔ یك بازبقوت خود باقی خواهد ماند .

موقع رامغتنم شمرده احترمات فائقه راتجدید مینماید .

اسمیرنوف

ضمیمه سوم

سفارت انگلیس - تهران - ۹ بهمن ۱۳۲۰

جناب آقای علی سهیلی وزیرامورخارجه دولت شاهنشاهی ایران - تهران.

افتخاردارم ازطرف دولت (اعلیحضرت پادشاه انگلستان درممالك متحده) بجنابعالی اطمینانهای زیررا ابلاغ نمایم :

۱ - راجع بفقرهٔ (۲) فصل سوم ازپیمان اتحادی که امروزامضاء شده است دول متحده ازدولت ایران معاضدت قوای نظامی اورا درهیچ جنگ و یاعملیات نظامی برضد یك یاچند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود .

۲ - راجع بفقره (۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شود

۳ - مسلم است درصورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقاد صلح ازدرجهٔ اعتبارساقط شود ضمیمهٔ یك باز بقوت خود باقی خواهد ماند .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

ر. د بیلیو. بولارد

پس ازامضای پیمان سه گانه تلگرافهائی نیز باین شرح بین نخست وزیران سه کشور مخابره گردید :

جناب آقای استالین رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - مسکو.

اجازه میخواهم مراتب تقدیر کامل واحساسات قلبی خودرا بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین ایران واتحاد جماهیر شوروی وانگلستان بجنابعالی اظهار دارم. یقین دارم که این پیمان موجب تشیید مناسبات دوستی وحسن تفاهم بین دو کشور ما خواهد شد وایران واتحاد جماهیر شوروی ازمزایای همکاری که براساس احترام منافع متقابل استوار است بهره مند خواهد گردید .

م.ع. فروغی

۱۳۲۰/۱۱/۱۱ **نخست وزیر ایران**

جناب آقای فروغی نخست وزیر ایران

جناب آقای نخست وزیر ، بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی و بریتانیای کبیر و ایران بجنابعالی و بوسیله آنجناب بدولت ایران صمیمانه شادباش میگویم قویاً اطمینان دارم که مناسبات اتحاد نوین بین کشورهای ما دوستی بین مردم ایران و مردم اتحاد جماهیر شوروی را تحکیم مینماید و بنفع کشورهای ما با موفقیت توسعه خواهد یافت .

۱۳۲۰/۱۱/۱۲ ی - استالین
رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی

جناب آقای وینستون چرچیل - لندن

بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایران بدین وسیله استظهار خود را ابراز و امیدوارم که این پیمان منافع متقابله را دربرداشته و موجب تشیید مناسبات دوستانه و حسن تفاهم بین دو کشور خواهد بود. ضمناً اجازه میخواهم که مراتب تقدیر کامل و احساسات قلبی خود را بمناسبت تشریك مساعی آنجناب درحفظ منافع ایران تقدیم دارم .

۱۳۲۰/۱۱/۱۱ م.ع.فروغی
نخست وزیر ایران

جناب آقای محمد علی فروغی نخست وزیر ایران - تهران

از تلگراف شادباش جنابعالی بمناسبت امضای پیمان اتحاد نهایت متشکرم- این نخستین مرتبه ایست که ایران و بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی گرد هم جمع آمده و برای منظور مشترك و منافع متقابله معهد گشته اند مساعی جمیله ای که جنابعالی در ایجاد این حسن تفاهم بکار برده اید فال نیکی است برای آینده .

۱۳۲۰/۱۱/۱۲ وینستون چرچیل

قحطی و گرسنگی در ۱۷ آذر

پس از انعقاد پیمان سه گانه، طرز رفتار مقامات انگلیسی و شوروی نسبت بایران تغییر کرد ، و تسهیلاتی برای ملت ایران قائل شدند و رفتار دوستانه تری در پیش گرفتند .

ولی ورود عده زیادی از مهاجرین لهستانی از خاك شوروی بایران وخروج گندم از مرزهای ایران سبب گردید که قحطی و کمیابی بی نظیری در شهرهای ایران روی داد . وضع آذوقه وارزاق روز بروز بدتر میشد، بطوریکه در سال ۱۳۲۱ عموم طبقات دچار مضیقه گردیدند . عدهٔ زیادی از روستائیان ازدهات بشهرها روی آوردند و درنتیجه وضع فلاحت و کشاورزی بکلی مختل شد . عده‌ای دیگر از روستائیان چنان دچار قحطی و گرسنگی شدند که از ریشهٔ گیاهان و برگ درختان و آرد هستهٔ خرما تغذیه میکردند .

این اوضاع سبب شد که دولت درصدد برآمد آذوقهٔ وخوار بار اهالی را جیره بندی کند . درنتیجه در تهران معجون و مخلوطی از خاك وشن و کاه وارزن بنام نان بمردم میدادند .

تازه برای بدست آوردن همین معجون چه بسیار مردان وزنان که سپیده دم بجلو دکانهای نانوائی میرفتند و پشت سرهم صف میکشیدند تا نوبت آنها فرارسد، ولی پاسی ازظهر گذشته بآنها خبر میدادند که نان تمام شده . در اینموقع ناله‌ها و زاریها و تضرع‌ها شروع میگشت - چه بسا تجمع وازدحام گرسنگان در پشت دکان های نانوائی منجر بزدوخورد وقتل عده‌ای بینوا میگردید .

روزنامه های آن ایام روزی نبود که خبر سقط جنین زن حامله یا خفه شدن کودك، یا زخمی شدن ، یا کشته شدن مردی را منتشر نمیکردند .

این اوضاع سبب گردید که مأمورین انتظامی نیز در این هیاهو وهمهمه دخالت میکردند وچندین بار اتفاق افتاد کسانیکه برای بدست آوردن لقمه‌ای نان بدکانهای نانوائی مراجعه میکردند، بجای نان گلوله بخورد آنها داده میشد .

این اوضاع آشفته درزمان حکومت قوام السلطنه بمنتهای شدت خود رسید قوام السلطنه مردی مستبد وخودخواه بودو پس ازمدتها کناره گیری از سیاست میخواست قدرت و نفوذ خودرا نشان دهد ، باین جهت درصدد برآمد پاسخ نامه‌های مردم گرسنه و بی پناه را باسرنیزه و گلوله بدهد! این سیاست سخت وخشن سبب گردید

که مردم ناراضی وقحطی زده روز ۱۷ آذر برای دادخواهی بطرف مجلس شورایملی روی آورده وعده‌ای برضد دولت که قادر بتهیه نان مردم نبود ومرزهای ایران را چنان باز گذاشته بود که قوای خارجی وقاچاقچیان آذوقه مردم را بکشورهای بیگانه میبردند نطق هائی کردند .

دراینموقع قوای مسلح برای متفرق ساختن مردم دست باسلحه بردند. نخست چند تیر بهوا خالی کردند ولی مؤثر واقع نشد ومردم جری ترشدند . ازاینرو نظامیان درحالیکه چندین تانك وزره پوش بهمراه داشتند جمعیت را محاصره کرده و باسر نیزه بطرف آنها حمله ور گردیدند . مردم نیز باکمال جسارت بطرف آنان هجوم برده ودر نتیجه صدای شلیك تیر درفضای شهر طنین انداز شد .

دراین اثناء عده‌ای از سربازان بیگانه که باکامیون های خود برای تماشا به میدان بهارستان آمده بودند چون وضع را وخیم دیدند و تیراندازی شدید نظامیان آنها را متوحش کرده بود ، فوراً درصدد دفاع برآمده وچندنفر از آنان درپشت درختها ودرون جوی خیابان شاه آباد پنهان شده وبرای موعوب ساختن مردم چندتیر شلیك نمودند. این تیراندازی سبب قتل یکزن ویك مرد گردید. درهمین لحظه چند نظامی که برروی بالکون یکی ازعمارات شاه آباد ناظراین صحنه بودند بیدرنگ بطرف سربازان بیگانه تیراندازی کرده و در نتیجه چند سرباز استرالیائی و کانادائی کشته شدند .

ازطرف دیگر عده‌ای درحدود سی و پنج نفر براثر تیراندازی کشته و زخمی گردیدند .

این امر سبب شد که مردم خشمگین ظاهراً از میدان بهارستان پراکنده گشتند ولی درخیابان شاه آباد مجدداً بیکدیگر پیوستند عده‌ای از توده‌ایها و مهاجرین و رجالدها هم که منتظر یك چنین آشوب وهرج ومرج بودند ، ازموقعیت استفاده کرده وشروع بغارت وچپاول مغازه‌های خیابان شاه آباد واسلامبول ولاله‌زار و سپه و چهارراه حسن آباد کردند واین وضع تانیمه شب همچنان دوام داشت.

دراین اثناء گروهی ازمردم بطرف خانه قوام رفته ومنزل اورا آتش زده و قسمتی ازاثاثیهٔ خانه اورا بغارت بردند.

سیاست خشک وخشن ومستبدانه قوام السلطنه سبب گردید که علاوه بر قتل عده‌ای زن ومرد بیگناه واعتراض شدید مقامات خارجی برای قتل چند سرباز بیگانه وضع دولت نیز سخت متزلزل گردیدو بالاخره هم همین موضوع سبب سقوط کابینه قوام السلطنه شد.

اعلان جنگ ایران بآلمان

ازوقایع مهمی که درسال ۱۳۲۲ روی داد، اعلان جنگ ایران بآلمان بود.

روز ۱۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ یعنی درست دوسال وچهارده روز بعد ازحمله متفقین بخاك ایران آقای علی سهیلی نخست وزیر وقت باهیئت وزیران درمجلس شورای ملی حضور یافت ونطقی بشرح ذیل در باره صدور فرمان همایون راجع باعلان جنگ ایران بآلمان ایراد کرد:

بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی درآغاز جنگ کنونی بیطرفی خودرا بدول متخاصم اعلام ودرحفظ شرایط آن نهایت مراقبت را معمول داشت ولی درنتیجهٔ پیش آمدهائی که منتهی بوقایع شهریور ۱۳۲۰ گردید پیمانی بین دولت ایران ازیکطرف ودولتین انگلیس وشوروی ازطرف دیگر منعقد شد واز آن پس این قرارداد مبنای سیاست خارجی نسبت بمتخاصمین قرار گرفت ورویه دولت شاهنشاهی درمقابل دول محور روشن واعلام شدوانتظار میرفت دول محور با در نظر گرفتن وضع خاص ایران وتعهداتی که این کشوردرمقابل متفقین دارد مبادرت باقدامات وعملیاتی ننمایند کما بالنتیجه موجب انحراف دولت ایران از تعقیب رویه ایکه درپیمان سه گانه اتخاذ نموده گردد.

لیکن وقایعی که اخیراً بروز کرده وشواهد ومدارکی که دردست است منجمله تحریك جمعی ازعشایر برعلیه دولت که منجر بوقایع اسف آوری گردید و همچنین اعزام افرادمخصوص بوسیله هواپیماها بمنظور تخریب راه آهن وقطع وسایط ارتباطیه

وتشکیل سازمان های جاسوسی و سایر اقداماتی که نمایندگان محترم از چگونگی آنها آگاه میباشد آشکار ساخت که عمال آلمانی برخلاف انتظار دست بفعالیتهای وخیمی در ایران زده وسعی کرده اند با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم این کشور آتش فتنه و انقلاب داخلی را برپا ساخته وموجبات سلب آسایش عامه و اختلال امنیت مملکت را فراهم کنند.

دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت آلمان را درداخله ایران خصمانه تلقی کرده و تحریکات ودسائسی راهم که بمنظور ایجاد فتنه و آشوب در سراسر کشور بعمل آمده است مخاطره آمیز تشخیص و برای حفظ مصالح عالیه کشور خود حقاً موظف میباشد اقداماتی درخاتمه دادن باینوضعیت و اوضاع ناگوار که مورد انزجار قاطبهٔ ملت ایران است بعمل آورد.

بنابراین دولت بامداقه در جمیع جهات امر و تشخیص منافع مملکت در حال و استقبال خودرا ناگزیر دید بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حالت مخاصمه را بین ایران و آلمان اعلام داردو درهمین حال الحاق خودرا باعلامیه مشترك ملل متفق مورخ اول ژانویه ۱۹۴۳ اعلام میدارد. سپس متن فرمان همایونی را بشرح ذیل قرائت نمود:

«باتأییدات خداوند متعال - ما محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران بنابپیشنهاد دولت و برطبق اصل پنجاه و یکم قانون اساسی از تاریخ هفده شهریور ۱۳۲۲ حالت جنگ را بین کشور خودمان و آلمان مقرر واعلام میداریم.»

«۱۷۰ شهریور ۱۳۲۲ محل صحه همایونی»

پس از آنکه فرمان همایونی قرائت شد نمایندگان مجلس شورای ملی همگی کف زدند ومجلس سیاست دولت را درباره اعلان جنگ ایران بآلمان تصویب نمود

چون دولت سوئد از طرف دولت آلمان حافظ منافع آن کشور در ایران بود، واز سوی دیگر دولت سویس حافظ منافع ایران در آلمان بود، از اینرو نامه هائی بشرح

ذیل بنمایندگان دول سوئد وسویس درایران تسلیم گردید تااعلان جنك ایران را بآلمان باطلاع آندولت برسانند .

«آقای کاردارعزیزم - احتراماًرونوشت اعلامیه‌ای را که جناب آقای نخست وزیر امروز در مجلس شورایملی راجع باعلام وجود حالت مخاصمه بین ایران و آلمان و الحاق دولت شاهنشاهی باعلامیه دول متحده مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ ایراد نموده‌اند برای اطلاع و استحضار آن جناب به پیوست ارسال میدارد . خواهشمند است مراتب مندرج دراعلامیه را باطلاع دولت سوئد برسانند ، تا لطفاً مقامات وابسته‌آلمان را ازآن آگاه نمایند .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می نماید .»

محمد ساعد

پس ازآنکه اعلان جنك بآلمان باطلاع آن دولت رسید ، دولت ایران نمایندگان‌دول امضا کنندهٔ پیمان سعدآباد یعنی کشورهای ترکیه‌وعراق‌وافغانستان را بکاخ وزارت امورخارجادعوت نمودوعلل اعلام‌وجودمخاصمه‌بین‌ایران وآلمان را باطلاع آنان رسانیدومراتب دوستی ومودت‌ایران‌بادول امضاء کنندهٔ پیمان سعد آباد راتأیید کرد .

الحاق ایران باعلامیه ملل متحد

پس ازاعلان جنك‌بآلمان‌دولت ایران الحاق‌خود را باعلامیه‌ملل‌متحد که درتاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ مطابق ۱۱دی‌ماه ۱۳۲۰ در واشنگتن بین بیست و شش کشورمتحد علیه‌دول‌محورامضاء گردد ، اعلام داشت و درتاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۲۲ وزیرمختارایران‌درامریکانسخه اصلی‌آنرا ازطرف‌دولت‌ایران‌امضاء کرد .

اکنون متن اعلامیهٔ ملل متحده :

«نظر باینکه‌دول امضاء کننده‌ببرنامه‌مشترك اصول ومقاصدمندرجه‌دراعلامیه رئیس جمهوری کشورهای‌متحده‌امریکاونخست‌وزیربریتانیای کبیر وایرلند شمالی

مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۱ معروف بمنشور آتلانتیك ملحق شده اند و نظر باینکه یقین دارند دفاع از جان و آزادی و استقلال و حریت مذهبی و همچنین صیانت حقوق بشر و اجرای عدالت در کشورهای خود و کشورهای دیگر مستلزم اینست که بر دشمنان خود کاملا مظفر و پیروز گردند، و نظر باینکه هم اکنون مشترکا بمبارزه بر علیه قوای خشن و وحشی که درصدد است دنیا را تحت سلطه و انقیاد خود درآورد مشغول هستند علیهذا اعلام میدارند :

۱ ـ هر یك ازدول امضاء کننده متعهد میشود کلیه منابع اقتصادی و نظامی خودرا بر علیه آن عضو یا اعضای دول پیمان سه گانه و متحدینشان که با آنها در حال جنك است بکار برد .

۲ ـ هر یك ازدول امضاء کننده متعهد میشود با سایر دول امضاء کننده همکاری کرده بترك مخاصمه و صلح جداگانه با دشمنان مشترك مبادرت ننماید .

ملل دیگری که هم اکنون در این مبارزه بر علیه هیتلریسم کمك مادی و مساعدت های دیگری مینمایند، یا ممکنست بعداً باین اقدام مبادرت نمایند میتوانند باین اعلامیه ملحق شوند .

در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ در واشنگتن تحریر یافت .

محل امضاء نمایندگان دول متحد

پس از آنکه دولت ایران باعلامیه ملل متحد ملحق گردید دولتهای امریکا و انگلیس و شوروی نکات ذیل را بدولت ایران اطلاع دادند :

۱ ـ هرگاه ایران بایك یا بیشتر از ملل محور وارد مرحلهٔ جنك گردد با این اقدام میتواند باعلامیه ملل متحده ملحق شود .

۲ ـ ایران صرفاً با الحاق باعلامیه، تعهدات نظامی یا اقتصادی اضافه بعهده نخواهد گرفت لیکن امید میرود که از آن پس جدی ترین اقدامات ممکنه را در داخل حدود ایران برای همکاری مادی بعمل آورد و از مبارزه و تلاشی که برای پیروزی بر هیتلریسم میشود کمك نماید .

۳ ـ مزیائی که در الحاق نصیب ایران میگردد واضحست همان مزایائی خواهد بود که از شرکت رسمی و کامل باسی و دو دولت متحده در این جنگ ناشی خواهد گردید .

٤ ـ همینکه ایران باعلامیه ملحق گردد در شرکت کنفرانسهای مناسب مربوطهٔ صلح همان حقوقی را خواهد داشت که سایر ملل متحد دارا میباشند.

کنفرانس تهران

در پائیز سال ۱۳۲۲ ایران شاهد یکی از مهمترین وقایع سیاسی دوران جنگ بین المللی دوم بود.

این واقعه حضور پیشوایان سه کشور بزرگ، امریکا و شوروی و انگلیس، در تهران بود که منجر به صدور اعلامیه‌ای درباره ایران گردید.

برای آنکه جریان کنفرانس تاریخی عیناً در صفحات این کتاب درج گردد، عین مطالبی را که در این باب در نشریه وزارت امور خارجه چاپ شده ذیلا نقل میکنیم:

درحالیکه دنیای خارج کمترین اطلاعی نداشت که پایتخت کشور شاهنشاهی ناظر چه وقایع عظیم تاریخی است، سه مرد و سه پیشوای بزرگ که صلح آتیه جهان و رفاه آسایش بشر بسته بمساعی خستگی ناپذیر و احساسات و عواطف نوع پروری آنان است از راههای دور و دراز با تحمل رنج و تعب فراوان بتهران آمده و برای تأمین پیروزی ملل متحده و صلح آتیه دنیا دور یک میز گرد برای مشاوره جمع شده بودند.

مقدمات تشکیل این اجتماع که به انجمن تهران معروف شده در کنفرانس های سابق طرح ریزی و در کنفرانس مسکو اساس و پایه آن استوار گردیده بود .

مارشال استالین روز جمعه چهارم آذر ساعت چهار بعد از ظهر با همراهان بپایتخت ایران وارد شدند .

آقای روزولت رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا و آقای چرچیل نخست وزیر انگلستان باتفاق فرماندهان پس از برگزار شدن کنفرانس قاهره باهواپیما

رهسپار تهران وروز شنبه پنجم آذر ۱۳۲۲ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۳، در حدود ساعت سه بعداز ظهر بفرودگاه وارد شدند.

کنفرانس سه دولت در تهران چهارروزدوام داشت و پایتخت ایران ازداشتن چنین مهمانان عظیم الشان غرق شادی ومسرت بودو با بی صبری تمام میخواست احساسات سرشار ومراتب مهمان نوازی خودرا باتظاهرات دوستی ابراز دارد. لیکن باحترام



رؤسای سه کشور درموقع مذاکره در تهران
خبرنگاران داخلی و خارجی مشغول فیلم برداری هستند

تمایل خود مهمانان نمیخواستند اجتماع آنها درتهران آشکار شودمسرت و نشاط خود را مستور وتادقیقه آخراز ابراز ونمایاندن احساسات نسبت به سه پیشوای بزرگ دول متفق که این سرزمین باستانی رابرای تشکیل این کنفرانس بی نظیر برگزیده بودندخودداری کرد.

درمدت جریان کنفرانس بین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وآقای روزولت

رئیس جمهوری آمریکا و مارشال استالین وآقای وینستون چرچیل ملاقات‌هائی بعمل آمد .

آقای سهیلی نخست‌وزیر وآقای ساعد وزیر امورخارجه‌نیز با آقای مولوتف کمیسر امورخارجه‌اتحاد جماهیر شوروی‌وآقای ایدن وزیر امورخارجه انگلستان وژنرال هورلی نماینده مخصوص رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا ملاقات و دیدو بازدید نمودند.

درتمام این جلسات حسن تفاهم کامل بین ایران ومتفقین بزرگ خود موجود ومذاکراتی که بعمل آمد نهایت مودت آمیزودر محیط بسیار گرم و دوستانه انجام پذیرفت دراثر این دیدو بازدیدها وملاقاتها روابط دوستانه موجود بین ایران و کشور بزرگ اتحاد جماهیر شوروی وممالک متحده آمریکا وانگلستان روی پایهٔ محکم خلل ناپذیری استوار گردیده وموفقیتی نصیب ایران شد که جمیع طبقات مردم ایران را غرق شادی ومسرت ساخت وایرانیان را بیش از پیش بنظریات دوستانه ومساعدت سه دولت دربارهٔ ایران مطمئن واز تصمیم آنها وجبران سختی‌ها ومشقاتیکه در راه پیروزی ملل متحده تحمل کردند خرسند وامیدوار نمود .

تذکاریه

روز نهم آذرماه ۱۳۲۲ آقای ساعد وزیر امورخارجه ضمن نامه‌ای تذکاریه‌ای برای مولوتف کمیسر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی وایدن وزیر امور خارجه انگلستان فرستاد وچون کردل هول وزیر امورخارجه امریکا دراینموقع درتهران نبود نسخه‌ای از آنرا نیز برای دریفوس وزیر مختار امریکا ارسال داشت.

برای تنظیم اعلامیه راجع بایران که درجای خود متن آن درج شده است یك سلسله مذاکرات بین مولوتف وایدن و ژنرال هورلی بعمل آمد و بالاخره شب نهم آذر اعلامیه معروف راجع بایران بامضای روزولت ، مارشال استالین ، چرچیل رسید قبل از امضاهم ژنرال هورلی ودریفوس که درمذاکرات قبلی شرکت نموده بودند بدیدن آقای ساعد وزیر امور خارجه رفته موافقت اورا با آخرین طرح اعلامیه جلب نمودند.

اکنون متن تذکاریه وزیرامور خارجه ایران :

دراینموقع که بیاری خداوند متعال این سعادت وافتخار نصیب سرزمین ایران باستان میهن عزیز ماشده است که محل ملاقات پیشوایان معظم سه دولت بزرگ متفق ایران واقع گردد ویکی ازوقایع مهم تاریخی این عصر برای حل مشکلات بین المللی و استقرار صلح وصفای دائم وتأمین زندگانی آتیهٔ کلیهٔ ملل جهان بر پایهٔ عدالت ومساوات که کمال مطلوب ملل متحده است ومنشور اتلانتیك بر آن استوار گردیده درایران روی میدهد بهترین فرصت مناسبی است که آرزوهای ملت ایران را بآگاهی برساند.

وضعیت کنونی ایران که براثر مجاهدات وزحمات وازخودگذشتگیهای چندین ساله تمام طبقات این کشور ایجاد گردیده ومورد استفادهٔ کامل متفقین برای پیشرفت مقصود وتسریع پیروزی واقع شده ایجاب مینماید که دولت وملت ایران یقین داشته باشند که متفقین در کمك بایران درحال و آتیه از بذل هرگونه مساعدتی مضایقه نخواهندنمود.

ایران ازنظر تمایلات قلبی و قدمهای برجسته ومؤثری که در کمك بمتفقین برداشته عملا آرزوی خودرا نشان داده است که جنگ کنونی باپیروزی متفقین هرچه زودتر انجام یابد .

ایران که باابراز همکاری صمیمانه وخالصانه طبق پیمان سه گانه وتشریك مساعی کامل بامتفقین دراین ظفرو فیروزی سهیم میباشد قطع دارد که متفقین تمام زحمات و خساراتی را که از اوضاع جنگ بایران وارد آمد کاملا درنظر خواهند گرفت.

باامتحاناتیکه دولت وملت ایران در اینمدت از همکاری صمیمانه وتشریك مساعی خالصانه خود درتمام شئون ومراحل نشان داده وبرای تأمین پیروزی متفقین وبرافکندن ریشهٔ ظلم وستم از جهان مافوق قدرت وتوانائی خودو باتحمل مشکلات اقتصادی بیشمار بذل مساعی نموده وبالنتیجه بااعلان جنگ بآلمان اعتماد واطمینان کامل متفقین راجلب نموده انتظاردارد که متفقین درتحویل رشته های حیاتی مملکتی که فعلا دردست آنها است و واگذاری امنیت کشور بقواء نظامی و انتظامی خود

ایران وتأمین جمیع وسائل این کار اهتمام خاص معمول دارند تا بدین نحو اعتماد واطمینان موجوده صورت عمل بخود گیرد.

دولت وملت ایران رجاء واثق دارند که تعهدات کتبی واطمینان‌های شفاهی که ازطرف متفقین نسبت بتمامیت واستقلال کامل ایران داده شده است با کمك ومساعدتهای مادی ومعنوی درتمام رشته های سیاسی تقویت یافته وایران بتواند بدین وسیله نقش باافتخاری را که در گذشته بین کشورهای متمدن جهان بعهده داشته درآتیه نیز ادامه دهد.

دولت وملت ایران درقبال این ابراز صمیمیت ویگانگی اطمینان میدهند همانطور که درسخت‌ترین موقع جنگ درهمکاری صمیمانه ودوستی صادقانه برای پیروزی عاجل متفقین خودداری ننموده ازاین پس نیز این رویه دیرینه رادرمسائل مربوطه بین‌المللی ادامه داده وبا متفقین خود تشریك مساعی کامل بنمایند.

دولت وملت ایران انتظاردارند دراینموقع که پیشوایان معظم سه‌دولت بزرك درایران اقامت دارند برای تایید مراتب بالا اعلامیه‌ای صادر وبدینوسیله حسن نیتی را که کراراً کتباً وشفاها نسبت بایران ابراز داشته‌اند باردیگر تصریح نمایند.

تهران بتاریخ ۹ آذرماه ۱۳۲۲

شرح جریان دید وبازدیدها ومذاکرات که منتهی بصدور اعلامیه سه دولت راجع بایران گردید درنطقی که آقای نخست‌وزیر روز یکشنبه ۱۳ آذر ۱۳۲۲ پس از حرکت پیشوایان سه‌دولت در تالار سخنرانی وزارت امورخارجه درحضور هیئت دولت ونمایندگان مجلس وسران لشکر ورجال ایران ایراد نمود ذکر شده است که دراینجا درج میشود.

بیانات نخست وزیر راجع بکنفرانس تهران

«بطوریکه همه آقایان استحضار دارند بعداز کنفرانس مسکو مذاکراتی در تمام محافل سیاسی دراطراف تشکیل یك کنفرانس عالی بشرکت رؤسای سه‌دولت

دریکی ازنقاط دنیاجریان داشت ولی محل کنفرانس غیرمعلوم بود وشاید تاختم کنفرانس هم همینطوراین محل مجهول باقی ماند.

اکنون که کنفرانس تمام شده وهمه اشخاص عالیمقام که در آن کنفرانس شرکت داشته اند بکشورهای خود باز گشت نموده اند اینجانب در کمال خوشوقتی رسماً اظهار میدارم که کنفرانس عالی سه دولت درتهران تشکیل شد وتهران پایتخت شاهنشاهی این مزیت و امتیازرا حاصل نمود که رؤسای کشورهای بزرگ دوست و متحد ما دراینجا ومرکزاین حکومت اساس وپایه های محکم آزادی وآسایش مللرا طرح ریزی نموده اند.

شرح مختصرازترتیب تشکیل وجریان این کنفرانس درآن حد که می توانم باطلاع آقایان برسانم بقرارزیراست:

در۲۹آبانماه ۱۳۲۲ آقای کاردار شوروی ملاقاتی ازاینجانب نموده موضوع تشکیل کنفرانس سه دولت رااطلاع داد.

اینجانب مسرت وخوشوقتی دولت ایران راازاین حسن نظر که نسبت بکشور شاهنشاهی ابراز نموده اند اظهارداشتم.

روزچهارم آذرماه سفارت کبرای شوروی خبرورود مارشال استالین وموتولف کمیسرخارجه وهمراهان رااطلاع داد ونامه زیررا به آقای ساعدوزیرامورخارجه رسانید:

آقای وزیر.

افتخاردارم باطلاع شما برسانم که امروز۲٦ نوامبرمارشال اتحاد شوروی یوسف ویساریانویچ استالین رئیس کمیسرهای ملی اتحاد جماهیرسوسیالیستی و کمیسرملی امورخارجه آقای ویلچسلاو میخائیلویچ مولوتف با نمایندگان هیئت اعزامی شوروی وارد تهران شدند.

بنابدستور و.م مولوتف کمیسرملی امورخارجه اتحاد جماهیرشوروی افتخار

دارم بنام مارشال اتحاد شوروی یوسف ویساریا نویچ استالین و شخص ایشان نیات حسنه مارشال را بحضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران تقدیم و مراتب را بآقای نخست‌وزیر و شخص شما ابلاغ نمایم

موقع را مغتنم شمرده خواهشمندم احترامات فائقه را نسبت بخودتان قبول فرمائید .»

همانروز اطلاع دیگری رسید که آقای روزولت رئیس جمهور دول متحده امریکا و آقای چرچیل نخست‌وزیر انگلستان هم روز پنجم وارد خواهند شد و روز پنجم هم وارد شدند.

روز هشتم آذر ماه مذاکراتی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با آقای روزولت رئیس جمهوری آمریکا باحضور اینجانب و آقای وزیر دربار شاهنشاهی و وزیر امور خارجه و وزیر مختار امریکا در تهران بعمل آوردند کاملا درمحیط دوستانه انجام یافت.

درهمانروز مذاکراتی هم با آقای چرچیل باحضور وزیر مختار انگلیس راجع بایران بعمل آمد که حسن تفاهم کامل حاصل بود.

روز نهم آذرماه که مارشال استالین رئیس کمیسرهای اتحاد جماهیر شوروی باحضور آقایان مولوتف کمیسر ملی امور خارجه شوروی و ماکسیموف کاردار سفارت کبرای شوروی از اعلیحضرت همایونی دیدن نمودند نیز مذاکرات دوستانه و صمیمانه بین طرفین بعمل آمد و حسن مناسبات و روابط وداد بین دو کشور تأیید شد.

روز نهم آذر ساعت ۱۲ ملاقاتی هم اینجانب و وزیر امور خارجه از آقای مارشال استالین با حضور آقایان مولوتف کمیسر ملی امور خارجه شوروی و ماکسیموف کاردار سفارت کبرای شوروی بعمل آورده مجدداً پیام دوستانه اعلیحضرت همایونی را بمارشال استالین ابلاغ و راجع بامور مربوط بایران تبادل نظرهائی در زمینه حسن مناسبات بین دو کشور بعمل آمد.

درملاقاتهای دیگری هم که آقای مولوتف کمیسر ملی امور خارجه ازاینجانب ووزیر امور خارجه نمودند وهمچنین ملاقاتیکه آقای ایدن وزیر امور خارجه انگلستان بعمل آوردند در باب روابط ومناسبات ایران ومتفقین درحال وبعدازجنگ مذاکرات لازم بعمل آمدو نمایندگان آن دو دولت حسن نیت خودرا نسبت بامور مربوطه بایران کاملا آشکار ساختند.



درکنفرانس تهران چرچیل درشب تولدخود رئیس جمهور امریکا ومارشال استالین را بهشام دعوت نمود

درتعقیب تمام این ملاقاتها ومذاکرات وتذکاریه‌ایکه ازطرف وزیر امور خارجه ایران ضمن نامه‌دوستانه‌بعنوان‌وزراء امورخارجه شوروی وانگلیس و وزیر

مختار امریکا در تهران (چون وزیر امور خارجه امریکا در تهران نبود) فرستاده شده بود، بامضای رؤسای کشورهای متفق مانظریات ایران باحسن قبول تلقی و اعلامیه مبنی بر تصدیق همکاری ایران و کمکهای آتیه دول مزبور بایران و استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران صادر گردید.

دراینموقع نخست وزیر اعلامیه سه دولت را بشرح ذیل قرائت کرد:

اعلامیه سه دولت راجع بایران

مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳ - نهم آذرماه ۱۳۲۲

رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا، نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی ونخست وزیر ممالك متحده انگلستان پس ازمشورت بین خود وبانخست وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت راراجع بمناسبات خود باایران اعلام دارند.

دولتهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحده انگلستان کمك هائی را که ایران درتعقیب جنگ برعلیه دشمن مشترك ومخصوصاً در قسمت تسهیل وسائل حمل ونقل مهمات ازممالك ماوراء بحار باتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند.

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده وموافقت دارند که بادر نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی برآنها تحمیل میکند و کمی وسائل حمل ونقل دردنیا وهمچنین کمی مواد خام وسایر حوائج کشوری کمك های اقتصادی خودرا تاحدامکان بدولت ایران ادامه دهند.

راجع بدورهٔ بعدازجنگ دول کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی وممالك متحده انگلستان بادولت ایران موافقت دارند که هرنوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات ایران باآن مواجه باشد ازطرف کنفرانسها یا مجامع بین المللی که برای مطالعهٔ مسائل اقتصادی بین المللی تشکیل یا ایجاد شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد.

دولتهای کشور متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحدهٔ انگلستان درحفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظر دارند و بمشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست در برقراری صلح بین المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ برطبق اصول منشور آتلانتیک که مورد قبول هرچهار دولت است استظهار دارند.

وینستون چرچیل
ژ. و. استالین
فرانکلین د. روزولت

پس از آن ، نخست وزیر به بیانات خود ادامه داده گفت:

«صبح روز دهم آذرماه رؤسای کشورهای متفق ما و همراهان آنها باهواپیما بمقصد کشورهای خود عزیمت نمودند.

دولت ایران خوشوقت است که محل وقوع این کنفرانس تاریخی نصیب کشور ما و در تهران بعمل آمد و نهایت مسرت دارد که توافق نظر سه دولت بزرگ در منویات خود بمنظور نیل به پیروزی و برقراری صلح جهانی در اینجا منظور گردیده است و باز خوشوقت است که منافع عالیه ایران را متفقین ما همیشه منظور نظر داشته و مساعدتها و زحمات ما مورد تصدیق رؤسای معظم سه دولت بزرگ قرار گرفته است.

دولت آتیهٔ خوشی را برای سعادت ملت ایران نوید میدهد و امیدواری کامل دارد که این ملت از زحمات خود نتایج ذیقیمت و رضایت بخش بگیرد.

اگر مجلس شورای ملی مفتوح بود جا داشت این مطالب و اظهارات مسرت انگیز رسماً بمجلس شورایملی گزارش شود و چون مجلس چهاردهم هنوز افتتاح نیافته بآقایان زحمت داد که از جریان امر مستحضر گردند. باین وسیله بدیهی است مراتب باطلاع عموم هم خواهد رسید.»

نطق نخست وزیر با کف زدن ممتد حضار پایان یافت.

☆☆☆

پس از بیانات نخست وزیر آقای دکتر طاهری نماینده دورهٔ چهاردهم تقنینیه بیانات زیررا ایراد نمود:

«دراینموقع که درپایان کنفرانس عالی سه دولت ومذاکرات راجع بایران آقای نخست وزیراین بشارت مسرت بخش راازطرف پیشوایان کشورهای دوست وهم عهد ما رئیس جمهور کشورهای متحده امریکا ونخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی ونخست وزیرممالك متحده انگلستان نسبت بصدور اعلامیهٔ رسمی درزمینهٔ ابراز دوستی وصمیمیت وعلاقمندی مخصوص بشئون ومصالح عالیه کشور شاهنشاهی میدهند چقدرخوب وبجاوباعث کمال خوشوقتی بوداگرمجلس شورایملی دائرونمایندگان ملت میتوانستنداز فراز کرسیهای مجلس پاسخ شادمانی باین حسن نظرهاواطمینانات روح بخش ازطرف قاطبهٔ ملت داده دست وداد وصمیمیت خودرابسمت رؤساء عالی مقام کشورهای بزرگ ودوست ومتحددراز کرده سپاسگزاری کنند. ایران این کشور کهن وملت ایران باآنهمه صفحات تاریخ پرافتخارچندهزارساله درکشاکش روزگار خیلی فرازونشیب دیده خیلی هم باحوادث دست بگریبان شده است.

ولی خداوند بالاوپستی همیشه این کشور ومردم آنرا درپرتوهدایت صراط مستقیم وباپیروی راستی وراست کرداری ازنیستی وپرتگاههای بس خطرناك حفاظت واین ملت راپیوسته دردامن امن وامان خود پناه داده است. ایرانی بدوستیها و همراهیهای تاریخی قدرومنزلت مخصوصی داده ودست برادری را که ازدور ونزدیك بسوی او درازشده وصمیمیتهائی را که پیوسته ابرازوادامه داردرحال وآینده وبرای همیشه فراموش نمیکند.

ایرانی بشئون کشورخودعلاقه دارد، استقلال وتمامیت ایران ازمقدسات غیر قابل انکار وجزء روح وایمان خود قرارداده است بنابراین دراینموقع که مقامات عالیه وپیشوایان کشورهای دوست وهم عهدمادر اثرموافقتها ومساعدتهای قبلی و با ایمان ملت ودولت ایران که ازبذل هرنوع وسیله واسباب درراه تسهیل وسایل پیروزی متفقین خودمضایقه نکردیم بموجب اعلامیه مخصوص حفاظت و صیانت و مقدسات ایران را وجههٔ همت و مشی ورویه خود قرارداده اند البته این حسن نظرمورداحترام تمام طبقات این کشور واقع شده وتا ابددوستی و همکاری وصمیمیت دولت و ملت ایران ضامن این افکارعالیه خواهد بود.

اینجانب در مقابل این ابلاغیه که بامضای عالی پیشوایان سه دولت بزرگ رسیده مراتب سپاسگذاری خود و نمایندگان محترم را تقدیم و از هیئت دولت مخصوصاً آقای نخست وزیر و آقای وزیر امور خارجه که قدر و اهمیت ساعات تاریخی ایران را شناخته و با مراقبت و همت خستگی ناپذیر در تحت هدایت و تشویق اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بموفقیتهائی در مصالح عالیهٔ کشور نائل میشوند قدردانی میکنم.

قبل از خاتمه اظهارات خود هم این مطلب را باطلاع آقایان حضار محترم میرسانم که در موقع ورود میهمان های عالیمقام که پیشوایان سه دولت دوست و همعهد ما هستند و همچنین در مدت اقامت آنها با همه استتاری که موضوع داشته و همه هم مقید بودیم بنا بمیل مهمانهای عزیز و عالیمقام خودمان مطلب بمصلحت کار پیوسته مستور بماند بسیاری از اشخاص در ایران بمقامات دولتی مراجعه و درخواست نمودند اجازه داده شود یك سلسله تظاهرات دوستی عمومی و ملی با فتخار مهمانان و با فتخار تشکیل این کنفرانس عالی در تهران پایتخت شاهنشاهی بجا آید ولی همیشه تا دقیقه آخر از طرف اولیای دولت بهمان علت که مستور ماندن موضوع را تا خاتمه کنفرانس و بازگشت مهمانها صلاح و مقتضی میدانستند اجازهٔ تظاهرات داده نشد.

☆ ☆ ☆

اجتماع سه پیشوای بزرگ در تهران و صدور اعلامیهٔ راجع بایران در کلیهٔ طبقات ایرانیان اثر فوق العاده نیکی بخشید و مندرجات اعلامیه که موجب خرسندی و رضایت قلبی عموم ایرانیان شده بود در هر مجلس و محفل مورد مذاکره واقع گشته و تمام روزنامه‌های کشور در پایتخت و استانها و شهرستانها تصمیمات متخذه رهبران ملل بزرگ جهان را که با شور و موافقت اولیای دولت شاهنشاهی اتخاذ شده بود مورد بحث و مداقه قرار داده و مقالاتی مبنی بر تقدیر و رضامندی ملت ایران انتشار دادند.

☆ ☆ ☆

در کشورهای دوست و متفق هم اعلامیه راجع بایران موجب خوشوقتی و رضای

خاطرواقع شده وروزنامه ها ومطبوعات آنها تصمیمات متخذه را حسن استقبال و بآینده جهان بیش از پیش امیدوار گردیدند .

☆ ☆ ☆

موقع حرکت از طهران روزولت رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا درطی نامه‌ای باعلیحضرت همایون شاهنشاهی نگاشت:

«نمیتوانم تشریح کنم تاچه اندازه اینهمه ابراز دوستی حقیقی از طرف اعلیحضرت مایه مسرت قلبی شده است. عزیمتم ازایران آمیخته بتأسف خواهد بود که نتوانستم بیش از این بااعلیحضرت آشنائی پیدا کنم و کشور وملت شمارا ازنزدیکتر به بینم سالهاست که مردم آمریکا ازنیات واحساسات دوستی ملت ایران آگاه میباشند.

مهمان نوازی اعلیحضرت همایونی بنام ایرانیان این احساسات را برای سالهای متمادی درخاطر ملت آمریکا زنده وجاوید نگاه خواهد داشت.

ایران در قلوب آمریکائیها همیشه محبوبیت داشته وامروز که درجنگ کنونی مقام برادری احراز نموده ایم این محبوبیت تشییدو تحکیم گردیده است. ما ازسهمی که ایران دراین کارزار مشترك دارد مستحضر میباشیم وامیدواریم که پس ازبرقراری صلح روح همکاری کنونی بدون عایق ومانع در عملیات وایام صلح نیز بین دو ملت ادامه داشته باشد. موقع راغنیمت شمرده تشکرات خودرا ازابرازمودت ومهمان نوازیهائی که ازطرف اعلیحضرت نصیب من شده است اظهار و بزرگترین سعادت را برای اعلیحضرت واهالی این سرزمین باستانی مسئلت دارم. خیلی امیدوارم که مسافرتی بواشنگتن فرموده وازاین محبت مارا مسرور فرمائید»

☆ ☆ ☆

آقای چرچیل نخست وزیر انگلستان ضمن نامه گرم وصمیمانه‌ای به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نگاشت :

«همیشه خاطره روز های درخشانی را که در کشوراعلیحضرت همایون شاهنشاهی بسر برده‌ام درنظر داشته ورجاء واثق دارم که این روزهای درخشان در

شکست سریع دشمن مشترک خودمان و طلوع دوره صلح و سعادت گیتی عامل مؤثری خواهد بود ،

در قسمت آخر نامه نیز اظهار امیدواری نموده اند که اعلامیه سه کشور در خصوص تمامیت ارضی و مصالح و منافع ایران موجب رضایت خاطر اعلیحضرت همایونی و ملت ایران بوده باشد .

☆☆☆

تلگراف استالین

جناب آقای سهیلی رئیس هیئت وزیران ایران

هنگامیکه خاک ایران متحدو دوست را که در آنجا پیشوایان دولت سه گانه کارهای کنفرانسی خودرا باموفقیت بپایان رسانیده اند ترک میکنم جناب آقای نخست وزیر مایلم سپاسگذاری خودرا از مهمان نوازی که نسبت بمن و همراهانم در پایتخت شما بعمل آمده است ابراز دارم و خواهشمندم همین مراتب را باستحضار اعلیحضرت شاهنشاه برسانید .

بهترین آرزوها، نیکبختی و سعادت را برای ملت ایران خواستارم.

۲ دسامبر ۱۹۴۳

ای ۰ استالین

☆☆☆

تلگراف مولوتف

جناب آقای ساعد وزیر امور خارجه ایران

آقای وزیر از جنابعالی خواهشمندم مراتب سپاسگذاری مرا از مهمان نوازی گرمی که در ایران نسبت بنمایندگان اتحاد جماهیر شوروی شرکت کنندگان در کنفرانس پیشوایان دولتهای سه گانه بعمل آمده است قبول فرمائید .

یقین دارم که حضور نمایندگان دولت شوروی در تهران و ملاقاتهای شخصی آنان با شاهنشاه ایران و هیئت دولت ایران برای توسعه و تحکیم رشته دوستی و

همکاری بین ایران واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مبارزه برعلیه دشمن مشترك یعنی آلمان هیتلری وبمنظور نیکبختی ملتهای ما کمك خواهد نمود.

۲د سامبر ۱۹۴۳

و. مولوتف

☆ ☆ ☆

ضیافت در وزارت امور خارجه

پس از آنکه زمامداران سه متفق بزرگ ایران پایتخت راترك گفتند و لزوم استتاراقامت ایشان در طهران رفع گردید آقای نخست وزیر محض ابرازمسرت دولت ایران ازمقدم مهمانان معظم چهارروز بعدازحرکت ایشان شب نشینی بسیار مجللی درکاخ وزارت امورخارجه داد که هیئت دولت ونمایندگان سیاسی خارجه درطهران ونمایندگان مجلس وسران لشگرورجال درآن شرکت داشتند وقبل ازآنکه مدعوین بسرمیز دعوت شوند نخست وزیر نطق زیر راخطاب به سرریدر بولارد وزیرمختار انگلستان ودریفوس وزیرمختار آمریکا وماکسیموف کارداراتحاد جماهیر شوروی ایراد نمودند :

خانمها وآقایان

درضیافت امشب که بافتخار تشکیل کنفرانس سه دولت وبیاداجتماع پیشوایان عالیمقام کشورهای دوست ومتحد مادرتهران داده میشود بابیانات دیروز که البته همه استحضارفرموده اند وجرائد هم باطلاع عامه رسانیده اند شاید دیگرایراد نطقی ضرورنبودولی بااهمیت این موضوع اینطوربنظر آمد که حیف است موقع راازدست داده سعی نکنیم هرچه بیشترازاین واقعه نیك ومهم تاریخی که نصیب عظمت تهران شده اثروآثارنگذاریم .

چه این قبیل گفتارهادراین مواقع وبرای این قبیل حوادث عظیم تاریخی که ازامروزتاصدها سال دیگرماواولادهای مابشت درپشت وتمامی بشرعلاقمند هستند ازجزئیات آن آگاه شوند یك کمکهای تاریخی است واغلب متن این سخنرانی

هااگربعد هابدست آید باعث راهنمائی وهدایت مورخین میشودوچه بسا اوقات که آنهاراازخیلی گمراهی هاهم نجات میدهد .

جناب آقای سرریدر بولارد وزیرمختاراعلیحضرت پادشاه انگلستان

جناب آقای دریفوس وزیرمختار کشورهای متحده آمریکا

جناب آقای ماکسیموف کاردار سفارت کبرای اتحاد جماهیرشوروی

خطاب من بیشتر بشما آقایان بنمایندگی از کشورهای بزرگ خودتان است.

حق این بود تهران پایتخت ایران بافتخار ورودواقامت پیشوایان عالیمقام کشورهای شماوتشکیل این کنفرانس بزرگ ضیافتهاومجالس شادمانی برپا کرده تظاهرات عمومی وملی دردوستی وهمکاری واحترام افکارعالیه که رؤسای سه کشور عظیم وهم عهدنسبت بایران باستان واین ملت ابرازداشته اندبنماید واجرای آنرا هم ساکنین این شهردرنظرداشتند ولی چنانکه خود میدانید به مصلحت کاروبرای حسن پیشرفت مقاصدمشترکی که داریم ازاولین دقیقه این بشارت تاموقع ورودودر تمام مدت اقامت وحتی برای هنگام عزیمت پیوسته تصمیم ماوشمابه مستورماندن موضوع بود که بهتروخوبتروبافراغت خاطربرسیدگی وحل مسائل منظوره برسند این بود که دیگرموقع ومجالی بدست نیامد که تجلیل مقام ازمهمانهای عزیزشده و مجالس بزرگ برای ضیافت بافتخارآنهاوتشکیل این کنفرانس ترتیب داده شود.

اینست امشت مادراینجاازموفقیت های عظیم کشورهای متحد خودوبشکرانه بازگشت اولیای عالیمقام کشورهای سه گانه که بخوشی وخرمی بمراکزخودرسیده اند وبرای سعادت وپیشرفت ملل متحده ومقاصد مشترکی که داریم باراده اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مجلس سروروضیافت برپا کرده ایم وازدورهم احساسات صمیمانه خودرا برای سلامت سه پیشوای عظیم الشأن که هفته گذشته تهران بوده اندبدرقه میفرستیم وموفقیت آنهارادرمقاصد مشترکی که داریم خواستارهستیم (کف زدن ممتد حضار)روابط معنوی وسیاسی دوستی ونزدیکی ملت ودولت ایران باکشور های اتحاد جماهیرشوروی وانگلستان وممالك متحده امریکاازقدیم وعلاقمندی

بادامه آن وقدرومنزلتی که ملتهای ماوشمابرای تمدن وادبیات وفرهنك یکدیگر حقاً وبجا وبموقع قائل هستیم صفحات تاریخ وکتب علمی وادبی دنیارا پر کرده وزحمات وجدیت های نویسندگاه ومستشرقین هم اهمیت وعظمت آنرا بخوبی درنظر جهانیان آشکار ساخته است . اما عهد وپیمان های امروزما وشما و نزدیکی ها که مارا با دولتهای شما و متحدین دیگر خودمان مربوط و درراه مقاصد مشترك برای سعادت ورفاه و آزادی بشر رهسپار یك منظور نموده خیلی مهم وعظیم میباشد.

حالا دیگر تاریخ معاصرما باشما مخلوط شده وهمه هم درموفقیتها وافتخاراتی که حاصل نموده وخواهیم نمود شریك وسهیم هستیم.

عزم راسخ وتغییر ناپذیر همه ما هم به پیروزی و موفقیت در پیشرفت مقاصد عالیه است که بصلاح بشر وبرای خلاصی از گرفتاریها واشکالات ملل درراه ترقی و تعالی خواهد بود.

خیلی هم بدیهیست که در پایان این جنگ عظیم ودر نتیجه این فداکاریها و محرومیتها وسختیها همه دول وملل متحده باید بهم کمك ومساعدت کرده اشکالات اقتصادی دنیا را مرتفع ووسائل آسایش عمومی را فراهم نمایند .

امیدوارهم هستیم بیاری قادرمتعال ودراثر مساعی همگانی هرچه زودتر با پیروزی بمنظور مقدس ومشترکی که داریم برسیم (کف زدن ممتد حضار)

نطق نمایندگان سیاسی خارجی

بعد از بیانات نخست وزیر سرریدربولارد دریفوس و ماکسیموف به ترتیب بیاناتی نمودند که ذیلا درج میشود :

بیانات سرریدربولارد وزیرمختار انگلستان :

جناب آقای نخست وزیر

درغیاب سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی اینجانب خودرا موظف میدانم درپاسخ بیانات فصیح جنابعالی وبرای تشکرازانعقاد این ضیافت بمناسبت انتشاراعلامیه مربوط بایران که چندروز قبل درتهران امضا شده است مطالبی اظهاردارم :

در بدو امر میل دارم از مهمان نوازیهای گرم دولت شاهنشاهی ایران که از خصایص دیرین ایرانیان است و نسبت بنمایندگان کنفرانس ابراز گردید اظهار تشکر کنم . بجنابعالی اطمینان میدهم که آقای چرچیل و آقای ایدن از دعوتهای صمیمانه که نسبت بایشان بعمل آمد بی اندازه ممنون بوده اند و نهایت تأسف داشتند بجهاتیکه خود جنابعالی هم بآن اشاره فرمودید نتوانسته اند از این دعوتها استفاده کنند مثلا نهایت خوشوقت میشدند که در چنین شب نشینی مجللی شرکت داشته و در شادمانی ایرانیان بمناسبت انعقاد این کنفرانس تاریخی در این کشور باستانی سهیم باشند از اعلامیه ای که جنابعالی دیروز منتشر فرمودید کاملا آشکار است که ایران نیز در این کنفرانس فراموش نشده بود من خود را خوشوقت میدانم که در پیش آمد سه واقعه مهمی که در دو سال اخیر نشانه پیشرفتهای ایران بوده است شخصاً حاضر بوده ام .

این سه واقعه از این قرار است اول پیمان سه گانه ژانویه ۱۹۴۲ دوم اعلان جنگ ایران بآلمان در ماه اوت ۱۹۴۳ که بموجب آن ایران در صف ملل متفق قرار گرفت سوم این اعلامیه که بموجب آن ایران در همکاری اقتصادی که امیدواریم بعداز جنگ برقرار شود شرکت خواهد کرد .

در نتیجه امضای اعلامیه مربوط بایران بوسیله دولت معظم جمهوری کشورهای متحده آمریکا امضاء کنندگان سه گانه پیمان دو سال قبل پشتیبانی نیرومندی بدست آورند و سایر ملل متفق با این گروه همراه میباشند امیدواریم که همکاری که در این اعلامیه پیش بینی شده است آنقدر بسط پیدا کند که نه تنها ملل متفق بلکه تمام کشورها و ملل روی زمین را شامل گردد .

☆ ☆ ☆

بعداز نطق وزیر مختار انگلیس در یفوس وزیر مختار آمریکا بیاناتی باین مضمون ایراد نمود :

جناب آقای نخست وزیر

خانمها و آقایان محترم

بینهایت خوشوقتم که در مجلس جشنی که امشب بمناسبت اعلامیه دول سه گانه راجع بایران تشکیل یافته است شرکت دارم .

یکماه قبل درچنین موقع در مراکش وعازم مسافرت بامریکا بودم ولی بدلائلی که امروز روشن گردیده است فراخوانده شدم . مایه مسرت و خوشوقتی من است که در موقع امضاء چنین اعلامیه مهمی در ایران حضور داشتم این دفعه اول است که کشور من با دو متفق بزرگ خویش در ابراز دوستی نسبت بملت ایران در یک اعلامیه برجسته شرکت داشته است .

تقریباً درهفته قبل بار دیگر ایران مرکز ثقل سیاست دنیا قرار گرفت و وقایع تاریخی باسرعت خیره کننده‌ای جریان یافت .

دراین چهارراه تاریخ خاور و باختر باهم تلاقی نمودند تاآنکه اساس صلح وآزادی جهان را طرح ریزی نمایند .

باید تصدیق کنیم که ایران جاویدان دراین جنگ مقدس که برعلیه جنگ وبرای تامین صلح است سهم بزرگی داشته است ، کشور زیبای شما با گذشته پر افتخاری که داشته وخدماتیکه بفرهنگ جهان و فضیلت بشر نموده مجدداً مقامی را که شایسته آنست بدست آورده است درسرزمین مهمان نواز ودلربای شما بود که پیشوایان بزرگ ماخوشبختانه موفق شدند افکار و نیات خودرا متحدساخته ومقاصد عالی خودرا که افتخار حفظ دفاع آنرادارند تا پیروزی نهائی پیش ببرند .

احساسات صمیمی و تمنیات قلبی خودرا برای جنابعالی و سلامتی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اظهارمیدارد .

☆ ☆ ☆

پس از بیانات دریفوس ، ماکسیموف کاردار سفارت کبرای شوروی بیانات زیررا ایراد نمود :

بسیار سعادتمندم که دراین ضیافت مجللی که از طرف جناب آقای سهیلی نخست وزیرواعضاء هیئت دولت ایران بمناسبت انجمن پیشوایان سه کشور متفق درطهران برپا شده شرکت نمایم .

رؤسای سه کشور معظم متفق کشورهای متحد آمریکا واتحاد جماهیر شوروی وبریتانیای کبیر بمنظور مشترک مبارزه برعلیه فاشیسم منفور آلمان در تهران پایتخت

کشوردوست ومتفق گرد آمدند تامسائل راجع باداره جنگ برعلیه آلمان فاشیست وهمچنین مسائل سیاسی دیگری را مورد بحث قراردهند .

این واقعه تاریخی یکدفعه دیگر نیات اتحاد ملل شیفته آزادی وسرشار ازیك تصمیم جدی برای مبارزه بجهت شرافت وآزادی و استقلال وبرای سعادت تمام ملل جهان وبرعلیه فاشیسم را که وحشیگری ورقیت وویرانی رابرای عالم بشریت یارمغان میآورند بثبوت میرساند .

اینکه کنفرانس پیشوایان سه کشورمعظم دموکرات درپایتخت ایران دوست ومتفق که مدت دوسال درمبارزه برعلیه بیدادگری هیتلری بامتفقین کمك نموده در تهران تشکیل یافت نشانه بارز دوستی وقدردانی متفقین نسبت بملت باستانی ایران می باشد .

آقای نخست وزیر ، اجازه بدهید از تمنیات دوستانه شما تشکر نمایم و بنوبه خود برای زمامداران دوست ایران سلامتی وموفقیت درتحقق منظورهای مشترك تمنی نمایم .

اجازه فرمائید که موفقیت وسعادت وکامیابی ملت دوست ایران را که درمبارزه برای آزادی ونیکبختی عالم بشریت سهیم میباشد وهمچنین توسعه بعدی روابط سیاسی واقتصادی کشورهای خودرا آرزو نمایم .

☆☆☆

سرور ونشاط خاصی دراین مجلس حکمفرما بود ونخست وزیر ووزیر امور خارجه تا ساعت دوبعدازنصف شب ازمهمانان پذیرائی مینمودند .

☆☆☆

اعلامیه انجمن تهران

درتاریخ دهم آذرماه ۱۳۱۲ موقعیکه زمامداران سه کشور بپایتخت های خود مراجعت یا هنوزدرراه بودند اعلامیه عمومی انجمن تهران که دنیا درانتظارش بود از طرف خبرگزاری های انگلیس وامریکا وشوروی بشرح زیر در سراسر جهان منتشر گردید :

مارئیس جمهوری امریکا ونخست وزیر انگلیس ونخست وزیر اتحاد جماهیر

شوروی دراین چهارروز اخیردر پایتخت ایران متفق خودمان گرد آمده و سیاست مشترك خودرا تنظیم وتأئید نمودیم. ماتصمیم گرفتیم که ملت های ما دردوره جنك وسپس دردوران صلح باتفاق و همراهی یکدیگر کار کنند راجع بمسائل جنك افسران ستاد درمذاکرات شرکت نموده وبمنظور انهدام نیروهای آلمانی نقشه‌های لازم راطرح وتنظیم کردیم. درخصوص کیفیت وموقع اجرای عملیات ازجهات خاور وباختر وجنوب موافقت نظر کامل حاصل گردید .

این حسن تفاهم مشترك تضمین میکند که پیروزی ازآن ما خواهدبود. راجع بصلح هم ما اطمینان داریم که‌در پرتو اتفاق مایك صلح پایداری برقرار خواهد گردید.

راجع باستقراریك صلحی که‌ناشی ازحسن نیت توده ملل جهان بوده وتاچندین نسل خطر وبیم جنك رامرتفع دارد ماکاملا بمسئولیت قطعی خودوتمام ملتهای متفق معترف وواقف میباشیم .

مامسائل آینده رابا کمك رایزنان سیاسی خود تحت مطالعه درآوردیم ما ازکلیه کشورهای بزرگ و کوچك که‌اهالی آنها نیزمانند اهالی کشور های ما قلباً وروحاً تصمیم گرفته‌اند اصول ظلم وستمگری وبردگی وآزار واذیت را از صفحه‌جهان برچینند متوقع همکاری ومشارکت عملی بوده وخواهیم بود و ابراز موافقت والحاق آنها را بحلقه ملت‌های دموکرات جهان باکمال مسرت استقبال خواهیم کرد درخصوص اضمحلال ونابودی ارتشهای آلمان وزیردریائی‌ها وصنایع جنگی هوائی آن هیچ دولتی درروی‌زمین قادربه جلوگیری‌از تصمیم مانخواهد بود. حملات ما بی‌رحمانه وروزافزون خواهدبود مابا کمال اعتماد منتظر روزی هستیم که‌در پرتواین انجمن‌های دوستانه کلیه ملت‌های جهان بتوانند به آزادی زندگی‌نموده ودستخوش ظلم وستم واقع نگردیده و در آمال و آرزوهای خود کامیاب گردند . ما باتصمیم وامید بطهران وارد شده واینك در حالی که حقیقتاً در روح وقصدرفیق یکدیگریم اینجاراترك میگوئیم .

امضاء : چرچیل- استالین-روزولت

تاریخ اول دسامبر ۱۹۴۳

مراسم تقدیم شمشیر استالین گراد

هنگامیکه کنفرانس تهران جریان داشت وقایعی در کنفرانس مزبور روی داد که در اینجا بطور اختصار بشرح آن میپردازیم:

سپاسگذاری وستایش انگلستان نسبت به بزرگترین پیروزی نظامی جنگ بامراسمی ساده در اطاق کنفرانس سفارت کبرای شوروی در تهران در موقع ملاقات سران ملل متفق در موقعیکه مستر وینستون چرچیل ازطرف اعلیحضرت ژرژ شمشیر استالین گراد را بآقای مارشال استالین تقدیم داشت بعمل آمد .



مراسم تقدیم شمشیر استالینگراد در سفارت شوروی بوسیلهٔ چرچیل

غیرممکن است مراسم تسلیم شمشیر را شرح داد بدون آنکه بغض حاکی از شعف گلوی شخص را نگیرد . برای مدت بیست دقیقه در اطاقیکه بزرگترین تصمیمهای تاریخی جهان در آن گرفته شده بود قسمت سیاسی جنگ فراموش شده و اطاق محل ملاقات دو ملت بزرگ جنگجو گردید که بوسیله معدودی از سربازان خود بایکدیگر روبرو شده بودند .

حق شناسی بریتانیای کبیر نسبت بمردم باشهامت استالینگراد بشکل شمشیر قهرمانیکه بوسیله دوستوان و دو پیشوای سیاسی و قهرمانی استالینگراد مبادله گردید بعمل آمد .

شمشیر درحضور سران هیئت نمایندگان سه دولت دراطاقیکه بزحمت در آن جا گرفته بودند تسلیم گردید.

این محل سالون کنفرانس بود که در وسط آن میز بزرگ مدوری قرارداشت

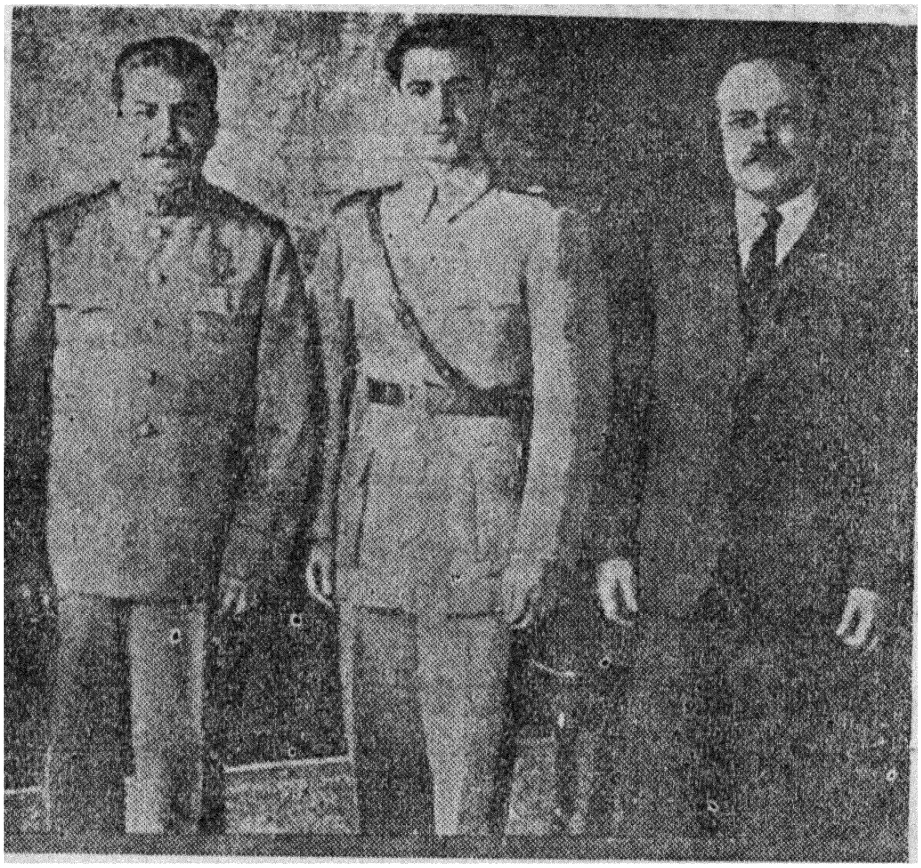

پس از خاتمه کنفرانس تهران مارشال استالین و مولوتف اعلیحضرت همایونی راملاقات کردند

دردوطرف میز بیست سرباز انگلیسی وبیست سربازروسی صف کشیده بودند در انتهای صف سربازان انگلیسی که بلباس جنگی خود ملبس بودند وتفنك داشتند افسری

بود که شمشیر استالینگراد را بدست داشت. درمقابل سربازان انگلیسی سربازان روسی در دو صف ایستاده بودند و پیراهن خاکی و شلوار سورمه در بر و چکمه مشکی بپا داشتند. ناگهان مارشال استالین که موی خاکستری دارد بدون کلاه وارد اطاق شد.

چند لحظه ایستاد و سررا بطرف راست خم کرد سپس بطرف راست میز درمقابل صف سربازان روسی قرار گرفت بعدازاو مارشال وروشیلوف و آقای مولوتف وارد شدند که درسمت راست وچپ او قرار گرفتند.

استالین اونیفورم مارشال اتحاد جماهیر شوروی را پوشیده بود که عبارت بود از فرنج کرم رنگ و شلوار کرم که دو نوار پهن قرمز داشت تنها علامت و نشانی که همراه داشت عبارت از نوار قرمز و ستاره طلائی نشان لنین بود.

درست درهمان لحظه مستر چرچیل ازدرمقابل وارد شد. لباس فرمانده نیروی هوائی سلطنتی انگلیس رادر برداشت و کلاه نداشت. مستر ایدن پشت سراو بود. از میان جمع عبور کرده ودر آنطرف میز بفاصله کمتر از دو متر از آقای استالین ایستاد. دو پیشوا یك لحظه درمقابل هم ایستادند وسپس دسته موزیك ارتش سرخ که در اطاق مجاور بود سرود انترناسیونال و سرود ملی انگلیس را نواخت در موقعیکه موزیك نواخته میشد مستر چرچیل بحالت سلام ایستاد و استالین دست راست خودرا بلند کرده وانگشتان خودرا بعلامت سلام نیمه خم کرده بود. سپس مستر چرچیل اظهار داشت:

«مارشال استالین من از طرف اعلیحضرت ژرژ ششم مأموریت دارم این شمشیر افتخاررا که خود اعلیحضرت طرح و نقشه آنرا پسندیده اند بشما تقدیم دارم که بشهر استالینگراد بدهید. روی تیغه آن نوشته شده است: «هدیه ژرژ ششم باهالی باشهامت ودلیر شهر استالینگراد بعلامت احترام وسپاسگذاری ملت انگلیس».

مارشال استالین باصدای ملایم و بوسیله مترجم جواب داد و مراتب تقدیر و سپاسگذاری مردم اتحاد جماهیر شوروی را از این عمل ملت انگلیس اظهار داشت.

سپس افسرانگلیسی حامل شمشیر بجلوآمده وشمشیر رابدست مسترچرچیل داد . مستر چرچیل شمشیر رابدودست گرفته وبمارشال استالین تسلیم کرد .

مارشال استالین شمشیررا بلند کرده بوسیدوآنرا بمارشال وروشیلوف داداو نیزآنرا بافسرروسی که ازجلوی صف سربازان خودبجلوآمده بود داد .

وقتی این مراسم تمام شد یك لحظه سکوت اطاق را فراگرفت مثل اینکه پیشوایان دوملت متأثرتر ازآن بودند که بتوانند صحبت کنند ، سپس مارشال استالین ومسترچرچیل بگوشهٔ اطاق ، جائیکه مسترروزولت نشسته ومراسم راتماشامی کرد رفتند . مارشال استالین شمشیر را ازافسرروسی گرفته برای تماشابه مسترروزولت داد رئیس جمهور بادقت آنرا نگریسته گفت ،واقعاً که دلی ازپولاد داشتند ، بعد شمشیر بافسر روسی داده شد واو بااسکورتی مرکب از چهارسرباز روسی باتشریفات لازم ازاطاق کنفرانس خارج شد .

جشن شصت و نهمین سال تولد چرچیل

روزسه شنبه ۸ آذرماه شصت ونهمین سال تولد مستر چرچیل بود وپیامهای شادباش بسیاری ازدوستان وهمکارانش ازانگلستان برای اورسیده بود . اولین پیامی راکه باز کرد ازطرف خانم خود میسیزچرچیل بود . پیامی نیز اززنان کارمند کمك نیروی دریائی که دردایرهٔ رمز هیئت نمایندگی کارمیکردند رسیده بود .

در بین هدایای بسیاری که برای مستر چرچیل رسیده بود هدایای زیر جالب توجه بود .

۱- یك قطعه قالی خراسان خیلی عالی ازطرف اعلیحضرت پادشاه ایران .

۲ - یك سکه نقره اسکندری متعلق به ۳۰۰ سال قبل ازمیلادمسیح وچهاردرهم عتیقه کاملی که درمحل خریداری شده بود بوسیله میسیزالیور .

۳ - یك کاسه سفید آبی رنگ متعلق به قرن ۱۳ یا ۱٤ از طرف مسترروزولت با پیامی بدین مضمون ، برای مستر وینستون چرچیل در روز شصت و نهمین سال

تولد او درطهران ایران ۳۰ نوامبر ۱۹٤۳ با تقدیم احترامات دوستانه امید است که سالیان دراز باهم باشیم . »

٤ـ قسمتی ازیك قطعه قلمکار قدیمی اصفهان متعلق بسال ۱۸۷٤ از طرف مستر هاریمن باپیامی بدین مضمون « ازطرف اوریل »

٥ ـ یك کلاه سیاه قفقازی که مخصوص نخست وزیر درتهران ساخته شده بود ازطرف هیئت نمایندگی مطبوعات .

همان شب مستر چرچیل مهمانی شامی درسفارت انگلیس داد که قریب سی نفر درآن حضورداشتند .

سه هنیه ـ شب

ساعت هشت وچهل دقیقه نخست وزیر پائین آمده و باتفاق افسر قسمت میز های شام رابازدید کرد زیرپنجره درسمت چپ هفت صندلی قرار داشت پس از آن صندلی نخست وزیر وبعد صندلی روزولت وچهار صندلی دیگر در سمت راست او قرار داشت . طرف مقابل ۱٥ صندلی بود ودرانتهای میز هر یك سه صندلی. مستر چرچیل نقش میزبان کامل را بخوبی انجام میداد . تمام صندلی ها راباز دید کرد و متوجه بود که مهمانان اوهمه راحت باشند. درقسمت تعیین جاازمیسیز الیور مشورت میکرد . پس از بازدید اطاق ناهارخوری باطاق پذیرائی رفت وهمه چیز راسر کشی کرد . اسموکینك پوشیده بود .

درساعت هشت وچهل وسه دقیقه اولین مهمان یعنی مستر روزولت وارد شد وسایر مهمانها نیز آمدند . مستر ایدن ، مستر هاری هاپکینز ، ادمیرال اندرو کانیکهام وادمیرال لهی باهم آمدند . مستر چرچیل ازاطاق پذیرائی خارج شدتادرباره ورود مستر استالین تحقیق کند . همینکه مهمانها دراطاق پذیرائی جمع میشدند مارشال استالین واردشد . گارد احترام پیش فنك کردومراسم احترام را بجای آوردومارشال ازهفت پلکان بالا آمد . پالتوی خودرا درآورد وزیرنشان و علامت سفارت انگلیس برای عکس توقف کرد .

مهمانان دراطاق باگرمی ودوستانه صحبت میکردند . مترجم اظهارشادباش مارشال استالین رابهمه حضارابلاغ کرد .

سپس چند لحظه مهم تاریخی واقع شد . مارشال جام خودرا برداشت وبسلامتی مسترچرچیل که بعداً اورا بنام دوست جنگجوی خود خطاب کرد نوشید.

درساعت هشت وپنجاه دقیقه میهمانان بسرمیز شام رفتند . روی میز فقط دو هدیه قرارداشت اولی یك کاسه چینی کار ایران بود که بارنگ سیاه تزئین شده بود ودرداخل کاسه کاغذی بود که روی آن نوشته بود : « باتقدیم احترامات دوستانه امیداست سالهای دراز باهم باشیم . امضا : فرانکلن د. روزولت»

هدیه دیگرازطرف اوریل بود وعبارت بودازیك قطعه قلمکاری متعلق بسال ۱۲۱۳ هجری ۱۷۸٤ میلادی این قطعه قلمکار عالی کارایران در مقابل صندلی مسترچرچیل تا شده بود .

تنها خانمی که دراین جشن روزتولد مسترچرچیل حضورداشت میسیز الیور بود . کیك روزتولد درمقابل مسترچرچیل قرارداشت . این کیك که بوسیله آشپز سفارت پخته شده بود بقطر ۱۵ اینچ وبلندی آن ۲۱ اینچ بود علامت پیروزی یعنی (V) روی آن بود ۹٦ شمع دور تادور آن قرارداشت وشمع هارا روشن کردند ومهمانی شروع شد .

نخست وزیرانگلستان ومارشال استالین باهم وارد اطاق شدند .

مارشال استالین که فوق العاده سرنشاط بود سمت چپ مسترچرچیل نشست مدعوین عبارت بودند ازآقای مولوتف - ژنرال وروشیلوف - مستر ایدن - مستر هاریمن - ژنرال آرنولد - ادمیرال کنینگهام - ژنرال مارشال هورلی - سرچارلز پورتال - سرالکساندر کاردوگان - سرریدر بولارد - مسترهاری هاپکینز - سر کلارك کار - ژنرال سامرول - مستر واینات - ژنرال ایسمی - فیلدمارشال سرجان دیل - سرالن بروك .

پس ازنوشیدن بسلامتی اعلیحضرت ژرژ ششم - رئیس جمهور کالینین - رئیس

جمهور روزولت جامهائی بسلامتی مهمانان عمده نوشیده شد دوبار بسلامتی روزولت جام برداشته شد یکدفعه بسلامتی روزولت رئیس جمهور ویکبار بسلامتی روزولت خودش . نخست وزیر بسلامتی استالین نوشیدواورا استالین کبیر خواند، روزولت واستالین بسلامتی چرچیل نوشیدند . قبل از شروع بصرف شام مستر چرچیل گفته بود که میل دارد مطابق قواعد وآداب روس مشروب بنوشند ومستر استالین که بنشاط آمده بود هربار برمیخواست و گیلاسهارا بسلامتی یکدیگر بهم میزدند .

مارشال در کمال نشاط ومسرت بودودرمدت شام چندین بارمستر چرچیل را « دوست جنگجوی من» خطاب کرد درصمیمیت روابط بین سه نفراز پیشوایان هیچ جای شك وشبهه نبود ، بیش ازشش بار مستر استالین دوستی خودرا باچرچیل وروزولت خاطرنشان کردو مسترچرچیل حضار را متذکرشد که آنها در حضور استالین بزرگ هستند.

شام ساده وعبارت بود ازیك سوپ ایرانی ،ماهی که ازدریای خزر گرفته شده بود، کیك درموقع دسر صرف شد ومهمانی بعدازنیمه شب پایان یافت .

☆ ☆ ☆

خیابان های روزولت وچرچیل و استالین در تهران

بمناسبت اقامت چندروزه سران سه دولت درتهران ومحض یادبود وقدردانی ازاین افتخار که درپایتخت ایران سه مردبزرگ جهان سرنوشت جنگ را تعیین کردند انجمن تهران براین شد که سه خیابان پایتخت را باسم سه مرد بزرگ نامگذاری کند ودرجلسه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ ازطرف رئیس انجمن شهرموضوع پیشنهاد وازطرف انجمن شهر تصویب و بشهرداری تهران ابلاغ گردید که مقدمات مراسم نامگذاری راتهیه نماید . شهرداری تهران پس ازانجام مقدمات وتهیهٔ وسائل اجرای مراسم روزاول تیرماه ۱۳۲۳ جشن باشکوهی درعمارت شهرداری ترتیب داد و شهردارتهران نطقی باین شرح ایراد نمود :

« پایتخت ما دریکموقع مرکز تنظیم بزرگترین نقشه‌های جاوید جهان گردید

که نتیجه آن اضمحلال ابدی روح پلید فاشیست میباشد.

تهران افتخار آنرا دارد سه تن از بزرگترین رادمردان جهان که دنیای مدنیت مرهون اقدام آنان میباشد وامیدوسعادت بشر بهمت وجسارت وجرأت آنان است درآن بایکدیگر ملاقات نمودند واز اندیشه‌ها ونقشه‌های مشترك آنان درآنروز های ملاقات در تهران است که امروز تهران بحیرت آمده وباگشایش جبهه دوم مقدمات عملی شدن حسن ختام جنگ که کمال مطلوب عالم بشریت است آشکار وهویدا گردیده است... بافتخار آنروزهای تاریخی انجمن شهر تهران تصمیم گرفت سه خیابان بزرگ پایتخت که مجاور سفارتخانه‌های دولت های جمهوری امریکا و دولت امپراطوری انگلستان باشد بنام این سه تن پیشوای حریت و آزادی نامیده شود.

این تصمیم باحسن قبول ایرانیان تلقی ومقدمات آن فراهم وپلاك‌های آن تهیه‌وامروز اینجانب افتخاردارم بنام شهر تهران باطلاع نمایندگان سیاسی دولت های دوست ومتفق خودمان برسانم که از این تاریخ مقدمات این افتتاح رسمی فراهم شده خیابانهای هفدهم دی وقاآنی ورفائیل بنام خیابان پرزیدنت روزولت و مارشال استالین وچرچیل نامیده خواهد شد.

دراینوقت شهردار با اشاره بپلاکهائی که برای این خیابانها تهیه شده توجه حضار را که سفیر کبیر انگلیس وسفیر کبیر شوروی وکاردار امریکا نیز درمیان آنها دیده میشدند بسوی این سه پلاك جلب کرده وسپس بنطق خود ادامه داده وگفت:

«البته شهر ما ازاین افتخار که نصیب آن گردیده ودرمحیط آن شالوده طرح آزادی دنیا ریخته شده است تجلیلات بیشتر وبهتری درموقع خود باید بجامیآورد ولی چنانکه آقایان اطلاع دارند چون وضعیت جنگ اقتضاداشت که کنفرانس تهران و آن مجالس مشورتی مخفی بماند درآنموقع آنطور که آرزوی ما وانجمن شهر بوده وهست تشریفاتی که مناسب اینموقعیت بود انجام نشد لیکن تصور میرود بانصب پلاکها نام این پیشوایان بزرگ برای همیشه در قلب ما ایرانیان ومخصوصاً اهل تهران نقش بسته وبارث نیز باخلاف ما برسد چه آنکه فرزندان ما ازروزیکه بدبستان

میروند تاموقعیکه از جهان رخت بربندند هرروز چندبار چشمشان باسامی این بزرگان برمیخورد بنظرمیآورند کادراثرهمت وفداکاری این رادمردان ومجاهدین آزادی بوده که بامشارکت یکدیگرو ازخودگذشتگی ملتهای نجیب خودوهمدستی باملل متحده دنیائی را ازقیداسارت وبربریت رهائی داده وتا ابد پرچم آزادی را برفراز اقیانوسها ودشتها وطلال برافراشته وماایرانیان رانیز ازاین نعمت برخوردار نموده اند.»

☆☆☆

پس ازپایان بیانات شهردار تهران سفیر کبیر انگلیس وسفیر کبیر شوروی وکاردارسفارت امریکا هریك نطق هائی ایراد کردند وازاین اقدام شهرداری تهران تشکروقدردانی کردند.

«این بود شرحی که درنشریه وزارت امورخارجه راجع بکنفرانس تهران منتشرشده بود».

درخواست امتیازنفت ازطرف دولت شوروی

پس ازامضای اعلامیه سه دولت دربارهٔ ایران وپایان کنفرانس تهران امیدواری های ملت ایران روز بروز بیشتر گردید.

زیرا تاآنهنگام معلوم نبود که متفقین چه تصمیمی در باره ایران اتخاذ خواهند کردوچه نقشه هائی درپشت پرده سیاست درجریان است. درخلال این احوال حمل اسلحه ومهمات ازخلیج فارس بمرزهای شمالی ایران شب وروز بلاانقطاع جریان داشت وبدون آنکه کوچکترین اختلالی دراین امرروی دهد سلاحهای جنگ ازخاك ایران گذشته وبجبهه های جنگ شوروی ارسال میشد.

کابینه سهیلی تا ۲۵ اسفند ۱۳۲۲ مشغول بکاربود ولی در این تاریخ مجبور بکناره گیری شد ودرنتیجه روز ۲۷ اسفند ۲۲ ساعدوزیر امورخارجهٔ کابینهٔ قبلی مأمورتشکیل کابینهٔ جدیدی گردید.

از وقایع مهمی که درزمان کابینه اول ساعد رویداد مسافرت هیئتی ازرجال سیاسی واقتصادی شوروی بایران بود.

هیئت مزبور بریاست «کافتارادزه» پس از آنکه وارد تهران شدند پیشنهادهائی راجع باعطاء امتیاز نفت شمال بدولت ایران دادند.

در پیشنهاد فوق متذکر شده بودند که دولت شوروی حاضر است پنجاه ویك درصد سود حاصله را بدولت ایران بدهد وبعلاوه عده زیادی از مهندسین ایرانی را برای استخراج معادن نفت استخدام کند وقریب یك ملیون نفراز کارگران ایرانی را نیز درنقاط مختلف بکار بگمارد.

اگرچه این پیشنهاد بهترازامتیازاتی بود که شرکت نفت انگلیس بدولت ایران میداد، ولی رجال سیاسی چنین تشخیص دادند که در پشت پردهٔ نفت نقشه‌هائی برای توسعهٔ نفوذ شوروی درایالات شمالی ایران واستعمار قسمتی ازاین کشور وجوددارد، ازاینرو با پیشنهادهای دولت شوروی مخالفت کردند.

نمایندگان اقلیت وطرفداران سیاست شوروی درمجلس برعکس موافق اعطاء امتیاز نفت بودند ومیگفتند همانگونه که نفت جنوب بدولت انگلیس داده شده، نفت شمال نیز باید بهمسایهٔ شمالی داده شود تابدین ترتیب رفع دلتنگی‌های گذشته دولت شوروی ازایران بشود.

روزنامه‌های دست چپ مخصوصاً نشریات حزب توده بیش ازهمه درباره اعطاء امتیاز نفت شمال پافشاری میکردندومخالفین را بباد فحش ودشنام وافترا گرفته و ملت ایران را از عواقب وخیم عدم اعطاء امتیاز نفت تهدید مینمودند.

ازطرف دیگر حزب توده واتحادیه کارگران درخیابانهای تهران دست بتظاهرات بزرگی زده وباشعارهای «مرده باد ساعد» و «ایران طرفدار دوستی بااتحاد جماهیر شوروی است» و «امتیاز نفت شمال باید بدولت شوروی داده شود» میکوشیدند که هرچه زودتر این امر جامهٔ عمل پوشد.

ولی عده‌ای از نمایندگان مجلس جداً بادادن این امتیاز مخالفت ورزیدند وبالاخره باتصویب پیشنهاد دکتر مصدق در باره منع مذاکره راجع به امتیاز و انحصار نفت ، آرزوی حزب توده وروسها دربارهٔ نفت نقش برآب گردید .

ازاین تاریخ مبارزه شدیدی بین روسها بادولت ایران آغاز گردیدوهرچند روز یکبار ببهانه‌ای درصدد فشاروآزار ملت ودولت ایران برآمدند.

عامل نقشه های دولت شوروی عده‌ای از سرجنبانان حزب توده بودند که برای حفظ منافع همسایه شمالی واستعمار و برباددادن استقلال ایران از هیچگونه تلاش و فعالیت خودداری نمیکردند.

اگرچه حزب توده ظاهراً یك حزب افراطی دست چپ بود ، ولی کسانیکه این حزب را در ایران ایجاد کردند همگی از ملاکین وسرمایه‌داران وعاملین سیاست بودند که دستورهای خودرا مرتباً ازسفارت انگلیس ومامورین زبردست انگلیسی میگرفتند اینان با تشکیل حزب توده چنین وانمود کردند که از رژیم سوسیالیسم پیروی میکنند وطرفدار جدی سیاست دولت شوروی هستند .روسها نیز که ازدیرباز علاقمند بودند نفوذ خودرا درایران توسعه داده ویك حزب کمونیست دراینکشور تشکیل دهند ، چون ملاحظه کردند که حزب توده ظاهراً مجری منویات آنها است شروع به تقویت حزب مزبور کردند تا بدانجا که درزمان کابینهٔ ساعد علناً کامیون های حامل سربازمسلح ارتش سرخ در خیابانها از اعضاء حزب توده که درخیابانها متینك میدادند پشتیبانی میکردند .

بدین ترتیب پس از مدت کوتاهی حزب توده در سراسر ایران یك حزب چپ وطرفدار دولت شوروی شناخته شد، وحال آنکه عاملین وسر جنبانان این حزب همگی آنگلوفیل بودند ودر پشت پرده باکمال مهارت دستورهای سفارت انگلیس را برای ضربت زدن بسیاست شوروی ولجن مال کردن آندولت درایران اجرا میکردند.

کابینه ساعد بالاخره در ۱۸ آبان ۱۳۲۳ از کار بر کنار رفت وبیات مأمور تشکیل کابینه جدید گردید.

کابینهٔ بیات نیز بیش از پنج ماه عمر نکرد و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲٤ حکیم الملك کابینهٔ تازه را تشکیل داد. حکیم الملك در برابر مشکلات اوضاع نتوانست مقاومت نماید باینجهت پس از یکماه او نیز از کار کناره گرفت و صدرالاشراف بمقام نخست وزیری رسید.

وقایع آذربایجان

هنگامیکه کابینهٔ صدر تشکیل گردید اوضاع آذربایجان روز بروز رو بوخامت میرفت و آشفتگی و هرج و مرج عجیبی در آن سامان برقرار میگردید.

چندین ماه بود که این استان بزرگ و حساس کشور استاندار نداشت و مامورین شوروی و حزب توده موقع را برای اختلال اوضاع آن منطقه کاملا مناسب دیدند. روسها که پس از قضیهٔ نفت سخت عصبانی شده بودند و هردم انتظار آنرا داشتند که ضربتی بر پیکر ایران زده و انتقام خودرا بگیرند نقشه وسیعی برای گرفتن انتقام طرح کردند.

حزب توده و وکلای اقلیت آذربایجان رعایارا علیه مالکین و کارگران را برضد صاحبان کارخانه‌ها برمیانگیختند.

کشاورزان و کارگران ساده لوح نیز که گرفتار محرومیتهای دوران جنگ شده بودند فریب تبلیغات سوء آنانرا خورده و علم عصیان را برافراشتند.

در این میانه نخستین کسیکه قربانی این نقشه شوم گردید حاجی احتشام لیقوانی بود.

از طرف دیگر پیشه‌وری مدیر روزنامه آژیر و یکی از نمایندگان آذربایجان که مخالفین اعتبارنامه او را در مجلس چهاردهم رد کرده و روزنامه‌اش را نیز توقیف نموده بودند از تهران بطرف تبریز عزیمت کرد و در آنجا با میرزا علی شبستری که از مدتها پیش با یکدیگر دوستی داشتند و صادق پادگان یکی دیگر از هواخواهان و جیره خواران شوروی نقشهٔ طغیان آذربایجان را طرح کرده و روز ۱۲ شهریور ۱۳۲٤ بیانیه‌ای

دربارهٔ تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان انتشار دادند.

مواد اول وچهارم این بیانیه که راجع به محو زبان فارسی وتجزیه آذربایجان بود بزرگترین ضربت را بروحدت واستقلال ایران وایرانی میزد.

پس از انتشار بیانیه مزبور روز ۲۲ شهریورماه هیئت مؤسسان تشکیل گردید و پس از اخذ آراء پیشه‌وری بعنوان صدر فرقه دموکرات آذربایجان انتخاب شد.

درهمین موقع حزب توده آذربایجان نیز الحاق خودرا بفرقه دموکرات اعلام کرد وبدین ترتیب روز بروز قدرت وقوت این فرقه نوظهور باپشتیبانی سرنیزه قوای بیگانه بیشتر میشد.

تاروز ۲۰ آبانماه سران فرقه دموکرات درخفا مشغول اقدامات محرمانه و وسیعی بودند ولی کسی از جزئیات آن اطلاعی نداشت ـ ولی درروز مزبور قوای نظامی فرقه بنام «فدائیان» باحمله بمیانه وتصرف اینشهر مردم را متوجه این نکته ساخت که فرقهٔ دموکرات تنها یك حزب وجمعیت عادی نیست بلکه هدف بزرگی درپیش دارد وآن قیام مسلحانه وتجزیه آذربایجان ازایرانست .

خبرهائیکه ازشهرهای مختلف آذربایجان به تبریز میرسید حاکی بود که کامیونهای ناشناسی بین اهالی اغلب شهرهای این استان اسلحه ومهمات توزیع میکنند.

نخستین گزارش تلگرافی که ازطرف لشکر سه تبریز دراین باره به ستاد ارتش مخابره شد تااندازه‌ای فعالیت فرقهٔ دموکرات را روشن می کند ـ گزارش مزبور چنین حاکی بود:

ستاد ارتش

گزارشات رسیده بژاندارمری وگزارش فرمانده پادگان مراغه حاکیست:

۱ـ ازقریه قلی کندی بین میاندوآب ومراغه عده‌ای مسلح شده اند ژاندارمری برای تحقیق مأمور بمحل اعزام میدارد . بمحض نزدیك شدن ،مامورین ژاندارم مورد شلیك واقع میشوند ،درنتیجه دونفر مسلح بتفنك برنو جلب وبمراغه می آورند مقامات شوروی اصرار دارند دستگیر شدگان مرخص شوند .

۲ - درمحل دیزپار، دوکامیون اسلحه تقسیم شده ، رعایا بدسته ژاندرمری، عجب شیر حمله و فعلا درمحاصره، زدوخورد ادامه دارد . شوروی ها ازخروج ژاندارم ها برای تقویت پاسگاههای خود ازمراغه جداً مخالفت مینمایند .

۳ - دره اونیق بین ترکمانچای و میانه عده ای ازرعایا مسلح وراه را مسدود واز عبور و مرور جلوگیری و یکنفر استوار را که بمرخصی میرفته ازاتوبوس پائین کشیده وشدیداً کتك زده اند . چون سیم تلگراف میانه قطع شده ، لذا این اطلاع بوسیله تلفن داده شده است .

رئیس ناحیهٔ ژاندارمری و کفیل استانداری امروزصبح بفرماندهی آمده پس از مذاکره درباب اطلاعات بالا ، رئیس ناحیه اظهارمیکرددو روزاست ازخروج حتی یکنفر ژاندارم ازتبریز جلوگیری نموده و محتاج به پروانه عبور ازمقامات شوروی میباشدومقامات شوروی بعناوین مختلف ازدادن جواز دفع الوقت مینمایند.

قرارشدازطرف کفیل استانداری مراتب بژنرال کنسولگری شوروی نوشته شود ، نتیجه اقدامات واطلاع بعداً بعرض خواهدرسید .

ضمناً بعرض میرساند ممکن است در نقاط دیگرنیز اتفاقاتی افتاده باشد و بواسطه خرابی سیم تلگراف اطلاعی دردست نیست.

سرتیپ درخشانی

روزبیست وپنجم آبان که هنوز میانه بتصرف افراد فرقه درنیامده بود ستاد ارتش دستور ذیل را بفرمانده لشکرآذربایجان داد :

« ساعت ۱۸ روزه ۲۴/۸/۲ لازم است طبق دستورات قبلی باتحت امر گرفتن ژاندارمری وشهربانی درشهرهای اردبیل - تبریز - رضائیه وسایرنقاط ، مسلحانه تاآخرین قطره خون افسران وافراد، ازاماکن دولتی مخصوصاً عمارت استانداری شهربانی-ژاندارمری وسربازخانه ها وتلگرافخانه بدون رعایت اخطارهای مقامات غیر مسئول وغیرازستادارتش دفاع نموده و آرامش را درشهر برقرار واز هرگونه انقلاب جلوگیری کنید .

لازم است خود شما و افسران مربوطه تا دستور ثانوی شبها نیز در سربازخانه‌ها حاضر و آماده باشید و ارتباط کامل بین اماکن دولتی که تحت اشغال قوای انتظامی است برقرار و حفظ نمائید.

ضمناً نظر باینکه ممکن است وضعیت ناامنی مشکل و طوری ایجاد شود که واحدها و پادگانها در حال محاصره قرار گیرند که چند روز هم بطول انجامد، فوراً خوار بار لازم و همچنین احتیاجات دیگر را پیش بینی و در سربازخانه ذخیره کنید.

سرلشگر ارفع

با آنکه از طرف ستاد ارتش و اداره کل شهربانی و ژاندارمری دستورهائی برای حفظ نظم و امنیت شهرهای مختلف آذربایجان صادر گردید، معهذا بر اثر دخالت های مستقیم ژنرال «کلینسکی» فرمانده نیروهای شوروی در تبریز اوضاع روز بروز وخیمتر میشد.

باینجهت روز ۲۶ آبان دولت تصمیم گرفت که رسماً با مأمورین فوق العاده شوروی در ایران راجع باینموضوع وارد مذاکره شود و زیر جنگ و رئیس ستاد ارتش وقت با وابسته نظامی سفارت کبرای شوروی وارد مذاکره شدند و بلافاصله در روز ۲۷ آبان یك ستون مأمور حرکت بطرف تبریز گردید.

ولی روز ۲۹ آبان ستون مزبور در شریف آباد بوسیله نیروی شوروی متوقف ماند و فرمانده قوای شوروی بفرمانده ستون اعزامی اعلام کرد که حرکت آنها از این نقطه بطرف قزوین جداً ممنوع است و در صورتیکه بخواهند به پیشروی خود ادامه دهند سربازان ارتش سرخ مجبور باستعمال اسلحه بر ضد سربازان ایرانی خواهند شد و بنابراین برای جلوگیری از هرگونه پیش آمد ناگواری باید تا دو ساعت بعد از این نقطه بطرف تهران مراجعت کنند!...

ولی ستون مزبور از بازگشت بپایتخت تا وصول دستور از مرکز خودداری کرد و منتظر وصول دستور از ستاد ارتش گردید.

از طرف دیگر زد و خورد های دسته های مختلف فرقه دموکرات با قوای دولتی

اثرات ناگواری درازدهان بخشیدودخالتهای علنی ارتش سرخ دراین زدوخوردها در محافل داخلی و خارجی مورد بحث و تفسیر قرار گرفت .

دولتین آمریکا و انگلستان که ازدور ناظراوضاع بودنددرصدد برآمدند که دولت شوروی رامتوجه عواقب وخیم دخالتهای ناهنجار خود در امور داخلی ایران کنندودولت ایران نیز روز ۲۶ آبانماه یادداشتی بشرح ذیل به سفارت شوروی تسلیم کرد :

یادداشت وزارت امور خارجه

بسفارت کبرای شوروی

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خودرا بسفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار داشته و پیرو یادداشتهای عدیده ومذاکرات حضوری راجع بآزادی عمل ارتش و قوای تأمینیه ایران دراستانهای شمالی کشور که عدم توافق نظر مقامات شوروی نسبت به آن سبب شده است که قوای مزبور نتوانسته اند در یك مدت طولانی بکوچك ترین عملی برای حفظ امنیت واستقرار نظم وجلوگیری ازعناصر مفسده جو مبادرت نمایندبا کمال احترام زحمت افزامیشود .

اطلاعاتی که ازوزارت کشوروزات جنگ و وزارت دادگستری رسیده حاکی است :

۱ـ عده ای ازرؤسای کردمقیمین دراستان ٤ومهاباد بتحریك دستجات محدودی که مقاصدی مخالف تمامیت خاك ایران درسر دارند بفعالیتهائی شروع نموده و بوسایل مختلف تهیه اسلحه و مهمات مینمایند کـه خود را برای انجام منظور آماده سازند .

۲ـ رؤسای اکراد مزبوربرای پیشرفت مقاصد خود و ایجاد بی نظمی وفتنه انگیزی درصدد برآمده اند ازراه مطبوعات افکار کردهای صلح جورا مشوب نموده ودامنه اغتشاش رادر کردستان ایران توسعه دهندو برای این منظور یکدستگاه ماشین

-چاپ ومقادیر زیادی کاغذ روزنامه‌از خاك شوروی بدست آورده‌اند .

۳ - چندنفرازرؤسای کردهای مهابادوساکنین قسمتهای باختری آذربایجان بدون رعایت مقررات گذرنامه‌ورواديد، برای پیشرفت‌عملیات‌خود بباد کوبه‌رفته‌و مراجعت نموده‌اند .

٤- ملامصطفی بارزانی که‌ازخاك‌عراق باکسان‌خود فراراختیارو بایران‌آمده است‌درنقاط کردنشین ایران‌سکنی نموده وچون مسلح هستندظن‌قوی‌میرودداهنه بی‌نظمی راتوسعه داده وباعناصرمفسده جوامنیت‌وانتظامات‌قسمت‌باختری استان ٤ وحدود مهابادرا مختل سازند .

افرادمسلح بعنوان دادن میتینگ می‌خواهند به‌سراب رفته ادارات دولتی راا شغال نمایند.

در قریه «اونیك» بین ترکمان ، و میانه عده‌ای مسلح تلگراف را قطع و اتومبیل هاراکاوش ویکنفراستوار را که‌بمرخصی‌میرفته شدیداً کتك زده‌اند و سیمبانی که برای درست کردن سیم‌رفته،مورد‌تهاجم‌عده‌ای مسلح قرارگرفته فرار نموده است .

٥ - از تبریز اطلاع میدهندمأمورین‌شوروی ازپاسبانانی که‌برای مراقبت ساختمان زندان میروندجلوگیری مینمایند. درصورتیکه‌حزب‌نامبرده بالاآزادانه مشغول اقدام‌است،عده‌ای‌رامسلح کرده‌به‌بی‌نظمی‌تحریک‌میکنند، مامورین‌دولتی‌را ازاقدامات‌متقابله‌مانع میشوندودرمذاکراتی‌هم که بامقامات‌شوروی‌برای‌جلوگیری ازاین‌اقدامات‌می‌شود‌نتیجه‌مثبتی‌بدست نمی‌آید،درشهرهای‌خوی وماکوورضائیه نیز حال بدینمنوال است، بنا بمراتب‌مسطوره که‌حتی‌دراخبارجهانی‌منعکس‌شده است‌وباعث نگرانی‌دولت‌شاهنشاهی گردیده وبوزارتخانه‌های‌مربوطه‌دستور صادر شده‌است که‌دراسراع‌اوقات‌استاندارو فرمانداروسایرمأمورینی که‌لازم میدانندبه

پست‌هائیکه چندی‌است بعلل مذکور بلامتصدی‌مانده اعزام‌و قوای تأمینیه‌وارتش رادرحدود احتیاجاتیکه‌برای‌حفظ امنیت‌واستقرار نظم‌دراستانهای مزبورضرورت دارد تکمیل نمایند .

لذاوزارت امورخارجه شاهنشاهی باستظهاراینکه‌دولت اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی باامضای‌پیمان سه گانه تعهدنموده‌است تمامیت خاك ایرانرا محترم بدارد ونسبت بادارات وقوای‌تأمینیه ایران‌وزندگانی اقتصادی کشور مزاحمتی ننماید. دراین‌موقع که اوضاع‌واحوال‌دراستان های شمالی طوریست که هرگاه توجه عاجلی‌درجلوگیری ازبی‌نظمی ها بوسیله اعزام قوای تأمینیه کشور بآن نقاط نشود، ممکن‌است‌مفاسدی پیش‌آید که البته مخالف میل‌دولتین‌است‌وچون دولت‌اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی همواره‌درتحسین روابط خودبا ایران ساعی‌ومقید بوده ودولت‌شاهنشاهی نیزبحسن‌نیت‌دولت‌همجواروموفق‌ودوست‌خود معتقدومستظهراست، ازسفارت کبرای‌اتحادجماهیرشوروی‌سوسیالیستی‌خواهشمند است‌دستورات لازمه بمقامات نظامی‌شوروی‌صادرفرمایند که باآزادی‌عمل‌ارتش وقوای‌تأمینیه ایران‌دراستان های‌شمالی موافقت‌نموده وتوافق نظرخود را زودتر اعلام دارندولطفاً ازنتیجه اقدامات حسنه که دراین‌باره مبذول خواهند داشت وزارت‌امورخارجه‌را مستحضرفرمایندتاباقداماتی که‌برای‌حفظ آرامش‌وجلوگیری ازتوسعه بی‌نظمی‌ها لازمست‌مبادرت‌شود .

چه هرگاه دولت‌شاهنشاهی نتواند بجلوگیری ازپیش‌آمد های نامطلوب مزبور بعلت نداشتن آزادی‌عمل‌ارتش وقوای تأمینیه ایران موفق گردد ، بدیهی است‌آثار ناشیه ازآنرا حقاً میتواند متوجه مأمورین نظامی‌شوروی‌بداند.

درخاتمه باستحضار میرساند که فعلادولت‌شاهنشاهی‌ایران برای‌جلوگیری ازتوسعه عملیات متجاسرین که نتوانند با دستجات مأمورین تأمینیه مواجهه و قسمت‌های کوچك‌رامنفرداً خلع سلاح کنندتصمیم گرفته‌دوگردان پیاده‌ویکدسته

تانك سبك ویك گروهان ژاندارم بالوازم ومهمات ازتهران و قزوین وزنجان بسمت میانه و تبریز اعزام نماید که قوای تأمینیه استان‌های ۳و٤ تقویت شوند .

بطوریکه آقای وزیرجنگ با آقای وابسته نظامی سفارت کبرای دراین خصوص مذاکره نموده‌اند خواهشمند است هرچه زودتر مراتب را بمقامات مربوطه شوروی آگهی دهید که ازمطلب قبلا استحضار داشته باشند .

تهران بتاریخ بیست وهشتم آبانماه ۱۳۲٤

یادداشت جوابیه دولت شوروی

روز پنجم آذر ۱۳۲٤ سفارت کبرای شوروی پاسخ یادداشت دولت ایران را بشرح ذیل بوزارت امورخارجه تسلیم کرد .

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی بااظهار تعارفات خود بوزارت امور خارجه ایران در پاسخ یادداشت شماره ۵۳۷ مورخ نوامبره ۱۹٤ افتخار دارد مطالب زیررا اطلاع بدهد .

اظهار وزارت امور خارجه دراینکه مأمورین شوروی درامور داخلی ایران دخالت مینمایندصورت عمل پیدانکرده وباحقیقت امروفق نمیدهد .

همچنین موضوع مساعدت مقامات شوروی بکردها نسبت بفعالیتهای سیاسی کردها درآن نواحی بکلی بی‌اساس است و مخصوصاً مقامات شوروی هیچگونه رابطهٔ بافعالیت‌های رؤسای کرد های مقیمین آستان ٤ (مهاباد) نداشته‌اندو نیزدر امرعبور ملامصطفی بارزانی ازخاك عراق بایران که دریادداشت وزارت امورخارجه بآن اشاره شده هیچگونه دخالتی ننموده‌اند .

بسفارت کبرای شوروی بدون تردیدمعلوم است که نمایندگان شوروی تقاضای آزادنمودن احدی را که ازطرف ژاندارم‌هادرقلی کندی بازداشت شده ودریادداشت وزارت امورخارجه اشاره شده است ، ننموده‌اندوهمچنین موضوع بازداشت مستحفظین نظامی ایرانی که درتبریز بطرف بنای زندان میرفتندازطرف مقامات شوروی وقوع نیافته است .

تأیید باینکه مقامات شوروی از رفت و آمد اتباع ایران در استانهای شمالی ممانعت مینمایند باحقیقت امر وفق نمیکند. بدیهی است که ترتیب صدور جواز موقع رفت و آمد بنقاط شمالی ایران که نیروی شوروی در آن نقاط توقف دارند، مربوط بافراد کشورهای ثالثی میباشد.

تأیید یادداشت وزارت امور خارجه راجع باینکه مأمورین شوروی در زندگی اقتصادی استانهای شمالی مداخله مینمایند بی اساس میباشد.

ازطرف دیگر واضح است که دولت شوروی طبق وظیفه دوستی خود در ماه مه ۱۹۴۳ در سختترین مواقع، حتی برای دولت شوروی، ۲۵ هزار تن گندم برای اهالی پایتخت ایران - تهران - بایران مساعدت کرد.

تشکیلات بازرگانی شوروی باوارد نمودن کالاهای دیگر خود وضعیت پخش کالا را برای اهالی ایران در موقع جنگ بهبودی بخشید.

بدیهی است که از تبعودن استاندار و سایر کارمندان دولتی در استانهای شمالی مسئولیتی متوجه دولت شوروی نمیشود.

اما آنچه مربوط بعزیمت این کارمندان بمحل است، در این خصوص تشکیلات حمل و نقل شوروی همواره بادولت ایران مساعدت نموده است. حتی چند روز پیش سفارت شوروی در تهیه هواپیما برای عزیمت آقای بیات استاندار تبریز، مساعدت خود را ابراز داشته است.

وزارت امور خارجه بدون نظر عمیقانه موضوع حفاظت مرزهای ایران و ترکیه را مطرح مینماید.

مقامات مربوط ایران کراراً باطلاع مأمورین شوروی رسانده اند که استقرار پاسگاههای مرزی در مرز ایران و ترکیه برای مقامات مزبور اشکال فوق العاده دارد و در موقع خود از حفاظت این مرز باوجود اصرار و پیشنهاد مکرر مأمورین شوروی در اینخصوص استنکاف ورزیده اند.

با این وضعیت اعتراضات وزارت امور خارجه را راجع بنبودن پاسگاههای ژاندار

درمرز ایران وترکیه نمیتوان صحیح تلقی نمود.

اظهارمبنی براینکه گویا مقامات شوروی در امور قضائی ایران دخالت نموده ومانع ازاجرای کیفرقانونی نسبت باتباع ایران بوده اندنظر به بی اساس ومخالف بودن آن باحقیقت امر باعث تعجب میگردد واز طرفی هم نمیتوان ازنظر دورداشت که مأمورین محلی ایرانی کراراً درموضوع پیدا کردن عناصرتبه کارموانعی بوجود آورده وقضات محلی نیزمکرر آنان را تبرئه کرده وبااینکه علیه افراد مخالف نظم وآسایش درنواحی محل اقامت نیروی شوروی ومرتکبین سرقت اموال نظامی شوروی وحتی قاتلین افراد مأمورین نظامی شوروی عمداً احکام خفیفی صادر می نمودند ،باوجود این مأمورین نظامی شوروی روش دخالت درجریان قضائی ایران راپیش نگرفته ومنافع اتباع ومؤسسات شوروی راطبق قوانین جاریه ایران پیش نگرفته ومنافع اتباع ومؤسسات شوروی راطبق قوانین جاریه ایران خواستار بودند ومسلم است که مأمورین شوروی نمی توانستند ازجریان بازجوئی وطرزدادرسی که بوسیله مأمورین ایرانی نسبت بایرانیانی که مرتکب تبهکاریهای مهم برعلیه پارهٔ ازمأمورین شوروی ونظامیان آن شده بودند صرف نظر نمایند ، معذلك این امر رابهیچوجه نمیتوان دخالت درامور دادرسی (قضائی) ایران تلقی نمود.

دریادداشت وزارت امورخارجه راجع بفعالیت پارهٔ از دستجات سیاسی ایرانی دراستانهای شمالی ایران ،ازجمله راجع بحوادثی که درمیانه ومراغه رخ داده اشعارشده است ویادداشت مزبور آنهارا بحزب دموکرات آذربایجان ایران نسبت میدهد ،اطلاعاتی که سفارت شوروی دردست دارد مسائل مزبوره را که دریادداشت بالا درج شده تأیید نمینماید.

درهرحال حوادث استانهای شمالی ایران که با فعالیت احزاب سیاسی بستگی دارد ،محققاً ازمسائل داخلی ایران است. مأمورین شوروی ومقامات نظامی آن درزندگی سیاسی داخلی استانهای شمالی دخالت ننموده ونمی نمایند.

لذا سفارت شوروی اهتمامی را که درانتقال مسئولیت وقوع این حوادث از

مقامات ایرانی ، بمأمورین شوروی که بهیچوجه در این حوادث دخالت ندارند بعمل می آید ، جداً رد میکنند .

چون وزارت امور خارجه برای تأیید اظهارات خود لازم دانسته بپیمان سه گانه متکی شود ، سفارت ناگزیراست اشعار دارد که پیمان نامبرده مورخ ۱۹٤۲ کاملا ودقیقاً ازطرف شوروی رعایت می شودودرعین حال سفارت ناگزیر است خاطر نشان نماید که پیمان مزبوردر آنقسمت که مربوط بتأمین امنیت داخلی خاك ایران میباشد ، غالباً ازطرف مأمورین ایران رعایت نمیشود ورفتار پاره ای ازمأمورین دستجات نظامی وژاندارم باوضعیت برقراری امنیت درحوزه مأموریتی که اعزام میشوند ، مناسب نبوده واین موضوع بموقع خوددریادداشت شماره ۳٦۲ مورخ ۲۰ اوت ۱۹٤٤ وسپس درمکاتبات بعدی سفارت شوروی اشعار شده است . اطلاعاتی که سفارت دردست دارد شاهد آنست که اخیراً پارهٔ ازمأمورین ژاندامری ایران نه فقط برای برقراری امنیت ونظم استانهای شمالی ایران کمکی نکرده اند بلکه بیشتر ازاوقات درنتیجه رفتارخود باعث وقوع حوادث نامطلوبی بین سکنه محلی شده اند .

راجع باظهارات آنوزارت مبنی برورودنیروی نظامی تکمیلی باستانهای شمالی ایران سفارت شوروی آن وزارت رابنکات زیرمتوجه میسازد .

بادرنظر گرفتن اینکه ازهرگونه حوادث نامطلوب برای دولت ایران و همچنین برای دولت شوروی باید احتراز کردواین موضوع باورود نیروی نظامی تازه ایرانی باستانهای شمالی ایران بستگی دارد .

دولت شوروی دراینموقع انجام این امرراصلاح نمیداند وبایددرنظر گرفت که چنانچه نیروی تازه علاوه برارتش منظم ایرانی وژاندارم که درنواحی مزبور میباشند وارد شود . آنگاه این عمل باعث اغتشاشات و خونریزی دراستان های شمالی ایران خواهد گردید وباین مناسبت دولت شوروی هم ناگزیرخواهد بود که بمنظورحفاظت نظم وتأمین امنیت برای پادگان شوروی نیروی تکمیلی خود

رابایران وارد نمایدوچون‌دولت شوروی‌بورود نیروی تکمیلی خود بایران مایل نیست باین لحاظ ورودنیروی تکمیلی‌ایرانرا باستانهای‌شمالی ایران دراینموقع صلاح نمیداند .

مهر سفارت شوروی

پس ازآنکه‌یادداشت سفارت کبرای شوروی‌واصل گردیدولحن‌تندوزننده آن مورد مطالعه ومداقه قرار گرفت ،این نکته‌مسلم‌شد که‌دولت شوروی‌جداً در صدداست‌دراموردا خلی‌آذربایجان دخالت کند،وحتی‌دولت ایران‌راتهدیدنموده است که‌درصورت اعزام‌نیروی‌تکمیلی‌ازتهران بآذربایجان‌دولت‌شوروی‌نیزنیروی تکمیلی‌خودراازکشورشوروی بآذربایجان وارد خواهد کرد .

ازاینرودولت ایران یادداشت مفصلی‌بعنوان دولنین انگلیس وامریکا که امضاء کننده اعلامیه سه دولت بودندتهیه کردوضمن‌آن توجه دودولت فوق‌الذکر رابمفاداعلامیه کنفرانس تهران‌راجع بحفظ تمامیت‌ارضی واستقلال ایران جلب کرد .

دولتهای امریکاوانگلیس‌نیزپس ازدریافت یادداشت مزبورهریك‌یادداشت هائی‌درروز۲۶نوامبربکمیسرامورخارجه‌شوروی درمسکوتسلیم نمودند که‌اکنون بدرج عین‌آنهامبادرت میشود .

یادداشت دولت امریکا

به کمیسارهای امور خارجه شوروی درباره ایران

دولت ایران بدولت کشورهای‌متحدامریکااطلاع‌داده‌است درنواحی‌شمالی ایران که‌نیروی‌شوروی‌قرار گرفته‌قیام های‌مسلحانه‌ای بوقوع پیوسته‌است‌ودولت ایران دستورداده است قسمتی ازنیروهای‌مسلح‌وی بمنظورتجدید استقرارامنیت داخلی‌وقدرت دولت واردآن نواحی‌شودوفرماندهان نظامی‌اجازه‌نداده‌اندقوای مزبوربحرکت خودادامه دهد ودرنتیجه دولت ایران قادرنبوده است مسئولیتی راکه برای نگهداری صلح وآرامش درخاك ایران برعهده دارد انجام دهد .

بایستی بخاطرآورد که‌دراول ماه دسامبر۱۹۴۳مارشال استالین، نخست‌وزیر

چرچیل و پرزیدنت روزولت اعلامیه‌ای در تهران امضاء نموده ودر آن اظهار داشتند که دولتهای آنها با دولت ایران درتمایل حفظ استقلال وحاکمیت وتمامیت ارضی ایران اتفاق نظردارند.

این دولت کاملا اطمینان دارد که دولتهای شوروی و بریتانیای کبیر باندازه دولت کشورهای متحده امریکا شور و علاقه دارند که باکمال دقت طبق قوانین مندرج دراین اعلامیه رفتارنمایند.

بعقیده دولت امریکا انجام این قول وتعهد مستلزم اینست که دولت ایران بتواند برای حفظ اقتدار خود وبرای استقرارامنیت داخلی باکمال آزادی بدون مداخله مقامات نظامی یا کشوری شوروی وانگلستان ویاامریکا نیروهای مسلح خودرا بطوری که لازم میداند درایران بحرکت آورد.

دولت کشورهای متحده امریکا چنین استنباط می کند که هریك از فرماندهان شوروی که ازحرکت آزادانه نیروهای ایران جلوگیری نموده باشند ممکن است بدون تصویب دولت شوروی اقدام کرده باشند.

چنانچه فرماندهان شوروی دراین خصوص بدون دستورعمل نموده اند چنین تصورمیشود که دولت شوروی تعلیماتی بروفق اعلامیه مذکور برای آنها صادر نماید. بهرصورت وضعیتی که فعلا ایجاد شده است دولت امریکا را متقاعد ساخته است که منافع مشترك همه دراینست که نیروهای شوروی وانگلیسی وامریکائی بیدرنك ایران را تخلیه نمایند.

تا وقتیکه یکی ازاین نیروها درخاك یکدولت دوست باقی باشد حوادث و سوء تفاهمات ممکن است واقع شود.

دولت کشورهای متحده امریکا تاکنون نیروهای خودرا درایران درطی سال جاری ازحداکثر ۲۸ هزارتن بکمتر از ٦ هزارنفر تقلیل داده وفعلا درایران نیروی جنگی امریکائی موجود نیست.

آنهائیکه درایران مانده‌اند بکارهای تصفیه و فروش لوازم جنگی و بعضی نقل وانتقالات مهمی مربوط بانحلال تجهیزات قشونی اشتغال دارند .

بااینکه تخلیه فوری این نیروها باعث نار احتی قابل ملاحظه‌ای برای این دولت خواهد بود ، معهذا تعلیماتی بمقامات نظامی امریکائی مقیم ایران صادر می گردد که اقدامات فوری بعمل آورند که کلیه نیروهای امریکائی تااول ژانویه ۱۹٤٦ کاملا ایران راتخلیه نمایند.

دولت امریکا پیشنهاد مینماید که دولتین انگلیس وشوروی تعلیمات مشابهی برای فرماندهان خود صادرو ترتیب فوری برای تخلیه کامل ایران از کلیه نیروهای خارجی تااول ژانویه ۱۹٤٦ داده شود.

اقدامات فوری برای تخلیه ایران هر گونه تردیدی را راجع بمقاصد سه دولت درباره انجام تعهدات خود برطرف خواهد نمود ، بادادن این پیشنهاد دولت امریکا آگاه است که هیچگونه علتی که نیروهای مزبور رامجبور کند که تاتاریخ مذکور درایران بماند نمی بیند .

دولت امریکا معتقداست که اقدامات فوری برای تخلیه ایران ازاین نیروها تا تاریخ اول ژانویه نه تنهاسوء تفاهمات احتمالی رامرتفع خواهد ساخت ، بلکه این حقشناسی بپاس خدمات و کمکهای قابل ملاحظه‌ای خواهد بود که ایران باحسن شهرت ومقامی که بسمت یکی ازاعضای ملل متفق دارامی باشد ، درراه جنگ مشترك بعمل آورده است .

ملتهائی مانند ایران در کنفرانس ملل متفق سان فرانسیسکو تشویق شدند که نسبت بمقاصد دوستانه وحسن نیت اعضای دائمی شورای امنیت اعتماد کامل داشته باشند.

دولت کشورهای متحد امریکا اطمینان دارد که اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر نیز کمتر از کشورهای متحده امریکا ذیعلاقه نیستند که دررفتارشان باملل مانند ایران رویه‌ای پیش گیرند و ثابت نمایند که اعتماد این ملل درباره اعضاء دائمی شورای امنیت بیجا نبوده است.

یادداشت دولت انگلیس

بکمیسر امورخارجه شوروی راجع بآذربایجان

درهمانحال که دولت امریکا یادداشت اعتراضیه‌ای بدولت شوروی تسلیم کرد سفیر کبیر بریتانیا در مسکو «سرارچیبالد کلارك کر» نیز یادداشتی باین شرح راجع بآذربایجان بمولوتف کمیسر امورخارجه شوروی تسلیم نمود :

«من ازطرف دولت متبوعه خود مأمور شده‌ام بشما اطلاع دهم که دولت انگلستان ازاینکه مطلع شده‌اند، نیروهائی که دولت ایران میخواسته ازتهران بآذربایجان بفرستند، دربین‌راه ازطرف مقامات نظامی شوروی متوقف شده‌اند.

بنظردولت متبوعه من کاملا بجاست که دولت ایران درخاك خود خواهان استقرار نظم باشند و کاملا مشروع استکه نیروهای تأمینی خود را باینمنظور در سراسر کشور حرکت دهند.

طبق مادهٔ یك عهدنامه بین‌دولت شوروی وانگلستان وایران مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ دولت شوروی وانگلستان متعهد بمحترم داشتن تمامیت ارضی وحق حاکمیت واستقلال سیاسی ایران شده‌اندوماده چهارمین پیمان مشعر است براینکه «حضور نیروهای متفقین درخاك ایران جنبه اشغال نظامی نداردو تامیتوان ازمداخله در اداره امور ونیز امورنیروهای تأمینی ایران حذر خواهد شد.»

بعلاوه دراعلامیهٔ سه‌دولت بزرگ درباره ایران که درتهران در اول دسامبر ۱۹۴۳ صادرشده است، اتحادجماهیر شوروی وانگلستان وامریکاعلاقهٔ خودرا در استقلال وحق حاکمیت وتمامیت ارضی ایران ابرازداشتند، لذا دولت متبوعهٔ من احساس میکند که عمل مقامات نظامی شوروی درمتوقف ساختن نیروهای ایرانی هنگامیکه بسوی آذربایجان میرفته‌اند، براثر سوءتفاهمی درمحل بوده است.

دولت متبوعهٔ من اعتماد دارد که دولت شوروی خودرا قادر خواهد دانست که بفرماندهی خود در ایران دستوردهد آزادی عمل نیروهای ایران را سلب نکنند و مداخلهٔ در اعمال حق حاکمیت دراستقرار نظم درخاك ایران ننمایند.»

یادداشت مجدد دولت ایران

بدولت اتحاد جماهیر شوروی

پس ازآنکه یادداشتهای دولتین بریتانیا و امریکا بدولت شوروی واصل گردید دولت ایران نیز مجدداً یادداشتی بشرح ذیل برای دولت شوروی ارسال داشت:

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خودرا بسفرای کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار ودر پاسخ یادداشت ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ برابر پنجم آذرماه ۱۳۲۴ شماره (۵۲۶) محترماً مراتب زیر را باستحضار میرساند:

ازمندرجات یادداشت جوابیه که مرقوم فرموده‌اند، دخالت مأمورین شوروی دراموردا خلی ایران دراستانهای شمالی حقیقت ندارد، نظر باینکه وزارت امور خارجه فعلا نمیخواهد توضیحات بیشتری دراینباره بدهد و سوابق امر را کاملا روشن نماید وازآنچه اشعار داشته‌اند معلوم میشود من بعد اقدامات مزبور تکرار نخواهدشد، اظهارخوشوقتی مینماید، وازینکه اشعارداشته‌اند که مأمورین شوروی مقررات پیمان سه گانه واعلامیهٔ سران سه کشور بزرگ ومتحد ایرانرا که درتهران امضاء وانتشاریافته کاملا محترم میدارند، اظهار مسرت مینماید.

وزارت امورخارجه امیدوار است بامساعدت آن سفارت کبری درضمن تخلیه سریع و کامل خاك ایران ازنظامیان شوروی که همین انتظاررا ازدودولت دوست ومتحد دیگرنیزداریم، دیگر ازاینگونه اقدامات ازطرف مأمورین نظامی شوروی دراستانهای شمالی صورت وقوع نیابد، تادوستی خلل ناپذیر ایران واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روزبروزافزون شود واینکه اشعارداشته‌اند دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسئول عواقب وخیم نبودن مأمورین ایران درنقاط لازمه استانهای شمالی نیست، لزوماً باستحضار آن سفارت کبری میرساند: وجود مأمور درصورتی مفیدومؤثر است که قوای تأمینه دراختیار استانها و شهرستانها بوده ونقل و انتقال قوای مزبورهم ازمحلی که مورداحتیاج نیست، بنقطه مورد احتیاج میسر

باشد اگر مأمورین رسمی دولت دست بسته ومحصور وآنها که درصدد ایجاد ناامنی هستند آزاد باشند و قوای تأمینیه کشور هم آزادی عمل وارتباط بامرکز نداشته باشند، طبعا سلب امنیت ازمردم شده ومأمورین دولت مانند سایر اهالی استان های شمالی درمعرض خطر تجاوز و تعدی وجرح وقتل خواهند بود . چنانکه بارها وقایع قابل تأسف در اثر همین وضعیات اتفاق افتاده است .

وزارت امورخارجهٔ شاهنشاهی امیدوار است چنانکه سفارت کبری مرقوم داشته‌اند، مداخله دراموراستانهای شمالی خاتمه یافته باشد و قوای تأمینیه کشور درنقل وانتقال آزاد باشند ، تا امنیت وانتظام درآن نواحی استقرار یابد .ضمناً به استحضار سفارت کبری میرساند که تقویت قوای تأمینیه کشور در استانها چنانکه اظهار نموده‌اند مورد نگرانی نیست و بهیچوجه نباید وسیلهٔ آمدن قوای تازه از کشور اتحاد جماهیر شوروی بایران شود . زیرا مورد درخواست دولت شاهنشاهی اینست که قوای موجود شوروی که درایران هنوزمانده‌اند ، همچنین قوای سایر کشور های متحدما هرچه زودتر ایران را تخلیه و بکشور های خود برگردند تادولت ایران بتواند موجبات آسایش وراحتی عموم ایرانیان را فراهم آورد .منظور قوای تأمینیه یا ارتش دولت شاهنشاهی ستیزه بامردم نبوده ونیست بلکه مقصود ازتقویت قوای تأمینیه دراستانها فقط جلوگیری از بی‌نظمی وتعدی و تجاوز و مراقبت در تأمین آسایش مردم است وبااین ترتیب بزودی موجبات آرامش نواحی شمالی کشور فراهم ومأمورین دولت نیز خواهند توانست باظهارات حقه هر کس برطبق قانون اساسی وسایر قوانین موضوعه کشور رسیدگی نمایند. بنابراین خواهشمند است، آن سفارت کبری ازاقدامات سریع خودشان برای آزادی عمل مأمورین لشکری و کشوری ایران دراستانهای شمالی ونقل وانتقال قوای تأمینیه وارتش کشور شاهنشاهی عموماً و بخصوص عده ایکه فعلا درشریف آباد معطل وعازم استانهای سه وچهار هستند هرچه زودتر وزارت امورخارجه را مستحضر فرمایند، اسباب مزید امتنان خواهد شد».

مسئله آذربایجان در مجامع بین‌المللی

پس از آنکه یادداشت فوق برای دولت شوروی ارسال شد ، تا مدتی دولت و ملت ایران در انتظار عکس‌العمل مساعد کشور همسایه شمالی بودند ، ولی چون هیچگونه اثری در این باره مشاهده نشد، در محافل سیاسی و مجامع ملی اغلب چنین اظهار عقیده میشد که اینموضوع باید بسازمان ملل متحد و شورای امنیت که ضامن و حافظ صلح جهان و استقلال و آزادی کشورهاست ارجاع شود.

درخلال این اوضاع رادیوها و مطبوعات بیگانه مرتباً اخبار و حوادث مربوط بایران را منتشر میساختند.

درمحافل و مجامع سیاسی بین‌المللی نیز وقایع ایران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

ازجمله در پارلمان انگلستان عده‌ای از نمایندگان از دولت خواستار شدند که اطلاعاتی راجع باوضاع ایران بدهد و «بوین» وزیر امور خارجه آنکشور نیز شرح مبسوطی درباره حوادث ایران بیان کرد و خاطرنشان نمود که حفظ نظم و استقرار امنیت در آذربایجان از امور داخلی ایرانست و هیچ دولت دیگر حق دخالت در این قضیه را ندارد و تصمیم دولت ایران دائر بر تأمین نظم در آن سامان که قسمتی از خاک ایرانست با مفاد پیمان سه گانه توافق و بستگی کامل دارد و مخصوصاً برای اجرای این امر دولت انگلیس بمأمورین نظامی خود دستور داده است که مفاد پیمان سه دولت را نصب‌العین خویش قرار دهند و بنابراین امید میرود که دولت ایران در انجام این منظور توفیق یابد .

بغیر از وزیر امور خارجه انگلیس «ایدن» نماینده پارلمان و وزیر امور خارجه پیشین بریتانیا نیز بیاناتی باین شرح درباره اوضاع ایران در پارلمان ایراد کرد.

«بنظر اینجانب این دفعه اولین بار نیست که مقامات شوروی از حرکت نیرو و ژاندارمری دولت ایران بنواحی تحت اشغال خود جلوگیری نموده و اجازه حرکت

بآن سامان رانداده اند، بالنتیجه هرآینه اختلافی بظهور رسیده باشد چندان شگفت انگیز نمیباشد.

دولتهای متفق برای آن بخاك ایران قدم نهادند که مسئله ارسال خواربارو مهمات بخاك اتحاد جماهیر شوروی تأمین گردد وهرگز مایل نیستند که دوباره در ایران بسیاست منفور گذشته که بنام مناطق نفوذ سیاسی نامیده میشد باز گشت نمایند.

دراینموقع ایدن اضافه کرد که، دولت اتحاد جماهیر شوروی برای رفع سوءظن. وبدگمانی میتواند تصمیم زیررا اتخاذ واظهار کند که با حرکت آزادانه قوای ایران. درنواحی مورد بحث مخالفتی ندارد واضافه نماید که حاضراست میدان عمل را برای. فعالیتهای این نیروها درمناطق مزبورباز گذارد وبدانها کمك ومساعدت نماید . من. میتوانم بگویم که دولت اتحاد جماهیر شوروی خبرنگاران جراید دنیارا دعوت کند. که بآن سامان رفته واز نزدیك اوضاع آن سامانرا مشاهده نمایند وبدانها اجازه. دهد که مشاهدات خودرا آزادانه منتشرسازند تابدین ترتیب ازخودرفع سوء ظن. نموده وموقع خودرا بیش از پیش مستحکم سازد. »

از سوی دیگر دولت امریکا نیز یادداشتهائی برای دولتین بریتانیاوشوروی. ارسال داشت و ضمن آن تأکید کرد که قوای نظامی دولت باید تا آغاز ژانویه. ۱۹٤٦ خاك ایرانرا تخلیه کنند ، ضمناً قوای نظامی خود درایران نیزدستورداد. که هرچه زودتر خاك ایران را ترك نمایند.

وخامت اوضاع آذربایجان

درخلال این احوال روز بروز اوضاع آذربایجان بدترمیشد وافرادمسلح فرقه. دموکرات اقدام باشغال نقاط مختلف آذربایجان میکردند . چنانکه اکنون بعنوان. نمونه عین گزارش فرمانده تیپ اردبیل را که برای فرمانده لشکر۳ آذربایجان. ارسال داشته ذکر میکنیم :

ازاردبیل به تبریز

فرماندهی لشگر۳ آذربایجان

ازصبح جمعه ۲۵ ماه جاری اطلاعات متعاقب یکدیگر رسیده حاکیست که در

ظرف ٤٨ ساعت اخیر در تمام دهات اردبیل و سراب و نمین و مشکین شهر و فولادلو بعناصر حزب توده از طرف روسها اسلحه داده شده که تعداد تقریبی اسلحه پخش شده طبق اطلاع درحدود هشت هزار تفنگ برنو و بهر نفر دویست تیر فشنگ داده شده که از دیروز در محل بتمرین تیراندازی شروع نمودند .

هدف این اقدام بطوریکه اطلاع واصله تأیید مینماید این بوده که دفعتا حمله نموده قبلا زندان شهربانی و بانک ملی و تلگرافخانه را اشغال نمایند .

دیروز فرماندار با کنسول شوروی ملاقات و در اطراف اطلاعات رسیده مذاکره نمود ، کنسول شوروی اظهار داشته منهم خبرهائی شنیده ام و بدژبانی شوروی دستور میدهم که بتعداد گشتی ها اضافه و مراقب اوضاع باشد.

طبق اطلاع رسیده شب گذشته درحدود پانصد نفر مسلح پادگان ژاندارمری سراب را محاصره ، پس از سه ساعت زدوخورد خلع سلاح و فرمانده پادگان ستوان یکم ضیائی مهر ، و فرمانده دسته ژاندارمری ستوان یکم فاطمی دستگیر ، درساعت چهار بعداز نصف شب از سراب خارج شده اند .

دستهٔ ژندارمری نمین درمحاصره است ، چون عامل اصلی شورویها هستند تعیین تکلیف سریع مورد استدعاست.

سرهنگ زریو

در تعقیب این گزارش ، خبرهای واصلهٔ دیگر همگی از وخامت اوضاع حکایت میکرد ، تا آنکه رسماً اطلاع رسید شهرهای سراب ، عجب شیر ، اهر ، میانه یکی پس از دیگری سقوط کرده و بدست متجاسرین افتاده اند.

روز ٤ آذرماه نیز خبر رسید که عده ای متجاوز بردویست نفر از افراد مسلح فرقه دموکرات ناگهان وارد شهر زنجان شده و افراد ژاندارمری و پاسبانان شهربانی و سربازان نظام وظیفه را خلع سلاح کرده و شهر را اشغال کردند .

تنها کسانیکه زیر بار افراد فرقه دموکرات نرفتند عده ای از میهن پرستان زنجان

وخمسه و گروس ونواحی پیرامون همدان بودند که تاآخرین لحظه با فدائیان فرقه بجنگ وستیز پرداختند .

شب ۲ آذرماه خبر رسید که متجاسرین یحیی سالاری فرماندار مراغه را درخانه‌اش بقتل رسانده‌اند، وسرهنگ معین آزاد را درحین عبورازخیابان‌هدف گلوله قرار دادند .

شب ۵ آذرماه پانصد نفر ازفدائیان بشهرآستارا حمله‌ور گردیده عده‌ای از پاسبان شهرو سپس سرهنگ ظهیرنیا وده‌نفرژاندارم و جمعی از وطن پرستان و معاریف محل را درخانه‌هایشان کشتند و آنگاه از آستارا بطرف گیلان سرازیر گردیدند .

دخالت سربازان ارتش سرخ ومأمورین شوروی درآذربایجان و کمک‌های علنی آنان بفرقه دمکرات سبب شد که عموم‌اهالی متوجه گردیدند که‌آذربایجان دستخوش مطالع یکی ازدول بیگانه شده و موجودیت‌آن جداً درمعرض خطر قرار گرفته است.

این موضوع‌از گزارشی که فرمانده تیپ اردبیل بستادارتش ارسال داشته روشن میشود :

از اردبیل - خیلی‌خیلی‌فوری
ریاست ستاد ارتش

محترماً معروض میدارد - چند روزقبل کنسولگری شوروی بوسیله محمد جلیلی‌ساریخان بیگلو جمعی ازرؤسای طوایف شاهسون رابه‌بهانهٔ پرداخت‌بهای گوسفندی که‌بشوروی فروخته‌اند باردبیل احضار، دیروزحاضرین که عبارت‌ازحاتم رئیس طایفه گیگلو ، فضل‌الله طالش میکائیل لو- رستم‌عیسی لو- مراد خلیفه لو- بیوك سفانلو- محمدقلی ساریخانلو بوده‌اند، به کنسولگری دعوت وبطورمحرمانه بانهاتکلیف‌نموده‌اند که‌جهت‌اخذ دستورات‌ازمیرباقراف‌رئیس‌جمهوری‌آذربایجان شوروی‌درخصوص‌استقلال داخلی‌آذربایجان ببا کو بروند .

نامبردگان‌درپاسخ دستورات کنسولگری، رفتن‌باکورا باجازه دولت‌ایران،

حمو کول نموده و کنسولگری جواب تحقیرآمیزی بشمارا لهیم داده دولت ایران رادولت پوشالی بآنان معرفی، وباتهدید گوشزد نموده اند که این امرحتماً باید بطور محرمانه عملی شود ازقرارمعلوم منظوراصلی کنسولگری روانه کردن حاتم گیکلو وفضل الله طالش میکائیل لو- رستم عیسی لومیباشد که بدین وسیله روحیه طوایف اهالی میهن پرست را متزلزل وبرای اجرای منظور حزب توده که اخیراً ماسك دمکرات را بصورت زده اند، زمینه را مساعد نمایند.

بمحض اینکه ازاین جریان اطلاع حاصل نمودم ابلاغیه ای بشرح زیر پیوست بفرد فرد رؤسای طوائف نامبرده که در شهرحضوردارند صادر و بسروان ادیب امینی نیز دستورداده شد، حضورنامبردگان را درأس ایل مربوطه مراقبت نمایند.

باعرض مراتب بالا، بطوریکه خاطر مبارك مستحضر است ، روز بروز دامنه اقدامات وتحریکات مقامات شوروی زیاد میشودویقیناً چنانچه بزودی باقدامات و تحریکات آنها خاتمه داده نشود، عواقب وخیمی برای این منطقه وتمامی آذربایجان دربرخواهد داشت لذا مستدعی است مقررفرمائید که اقدامات سیاسی در این مورد ازطرف مقامات سیاسی ایران معمول ورفع بحران کنونی بشود .

سرهنگ زریو

گزارش بعدی چنین حاکیست :

تیمسارریاست ستادارتش - محترماً معروض میدارد:

۱ - فرقه دموکرات آذربایجان مصمم است باتشکیل انجمن ایالتی وولایتی شروع بانتخابات نموده ومنتخبین (مثلا ازاردبیل بازرگانی رئیس کشاورزی استان ۳ واز مشکین شهر حسن جودت) رابمرکز اعزام، چنانکه مورد قبول واقع نگردید، با کمك بیگانه منظور خودرا بحکومت مرکزی تحمیل نمایند.

۲- روز گذشته آقای داودسلیمانی (امیرالممالك یمین) رابکنسولگری احضار پس ازبدگوئی ازفرماندار وفرمانده تیپ، مشارالیه را بقبول عضویت فرقه دمکرات دعوت، چون مرام فرقه معروضه خودبخود پیشرفت نمیکند، مقامات شوروی باقسام

مختلفه مشغول فعالیت هستند.

از جمله ساعت ۱۷ر۵ روز ۱ر۷ر۲٤ سرهنگ فرمانفرمائیان رئیس منطقه نظام‌وظیفه استان ۳موقع ورود باردبیل و پیاده‌شدن ازماشین درچهارراه‌خیابان پهلوی دونفرسربازمسلح شوروی بنامبرده مصادف‌واورا به کماندانی جلب‌مینمایند، دونفر ازمأمورین‌انتظامی‌تیپ که سرهنگ مزبور راشناخته بودند عقب مشارالیه به کماندانی میروند که دخالت نمایند ، یکی‌ازسربازان شوروی یکی‌ازمأمورین انتظامی‌تیپ‌را باقنداق تفنگ‌تهدیدو بروی‌ستون فقراتش میزند وبلافاصله‌سرهنگ مزبوررامرخص مینمایند.

ضمن مذاکرات حضوری روز۲ر۸ر۲٤ عطفاً بگزارش رمزمورخه ۲ر۸ر۲٤ این‌تیپ مراتب مطرح ، دژبان شوروی اظهار نموده چون سرهنگ مورد بحث روی لباسش پالتوبارانی پوشیده بود، سربازان اورا نشناختندوجلب کرده بودندوهمینطور درمواردا‌حضار سربازان کمك شهربانی (موضوع گزارشات رمز۲ر۸ر۲٤و۶ر۸ر۲٤) دلیل باتخاذ روش بالا بوده ، بطوریکه‌مفهوم میشودمقامات شوروی‌ازمحبوبیت‌تیپ بین‌مردم‌متأثروبعناوین‌مختلفه‌سعی مینمایند که‌نسبت بافسران‌وافراددرانظارعمومی اهانت وآنهارا تحقیرنمایند وبدین‌وسیله اهالی شاهدوست‌ومیهن‌پرست‌را مغلوب نفوذ وقدرت خودنموده ، دامنه عملیات خائنین‌داخلی‌را توسعه دهند.

۳ ـ چندروزاست عده گشتی‌های سوار وپیاده‌شوروی‌افزایش یافته و شب وروز در فعالیت بوده، درخیابانهاو کوچه های‌شهر گردش می‌نمایند.

فرمانده تیپ اردبیل

بیانیه فرقه دموکرات

درآنروزهای سخت‌وآشفته‌ای که هرروزخبرهای بدی‌ازآذربایجان میرسید وقوای‌مسلح فرقه‌دموکرات باپشتیبانی نیروی بیگانه‌یك‌یك‌شهرهای آزادو بلادفاع آذربایجان رااشغال میکردند، فرقه‌دموکرات باردیگرمبادرت بانتشاربیانیه‌ای‌نمود که‌منظورهای‌شوم این‌جمعیت‌درخلال آن بخوبی‌خوانده‌میشود، اکنون متن‌بیانیه:

«درروزهای ۲۹و۳۰ آبانماه سال جاری هفتصد نفر که طبق امضای یکصد و پنجاه هزار نفر شرکت کنندگان در متینگ های عمومی شهرها و حومه های آذربایجان بنمایندگی انتخاب شده بودند کنگرهٔ ملی بزرگ خلق را تشکیل دادند و در چهارمین اجلاس خود بااتفاق آراء تصمیم گرفت که نکات عمده تقاضای خود را بوسیله اعلامیه حاوی مواد زیر بحکومت مرکزی ایران اعلام دارد :

۱- مردم آذربایجان بنابعلل وحوادث بیشمار تاریخی که دراینجا فرصت ذکر آنها نیست، دارای ملیت، زبان، آداب ورسوم وخصوصیات مربوط بخوداست واین خصوصیات بوی حق میدهد که بامراعات استقلال و تمامیت ایران مانند تمام ملتهای جهان بموجب منشور اتلانتیك در تعیین مقدرات خویش آزاد و مختار خود باشد .

۲- کنگره با در نظر گرفتن روابط سیاسی اقتصادی ومدنی مردم آذربایجان با ایالات وولایات دیگر ایران ، فداکاریهای مردم آذربایجان را در تأسیس دولت کنونی ایران (حقیقتاً دولت فعلی ایران بوسیلهٔ آذربایجان تأسیس شده) در نظر گرفته و بهیچوجه نمیخواهد که انجام تقاضاهای قانونی و مشروعش که عبارت از خودمختاری ملی است، بمرزهای ایران لطمه بزند و براساس تجزیه آن قرار گیرد.

۳- مردم آذربایجان باتمام قوا طرفدار دموکراسی بشکل مشروطه است. مردم آذربایجان مانند ایالات وولایات ایران ، بمجلس شورایملی ایران نماینده خواهد فرستاد ودرپرداخت مالیات های عادلانه شرکت خواهد کرد.

٤ - مردم آذربایجان رسماً وعلناً اعلام میکنند که مانند تمام ملل دیگر (با مراعات تمامیت واستقلال ایران) برای اداره اموردا خلی خود، حق ایجاد یك حکومت ملی دارد وچنین حکومتی میتواند بامراعات استقلال وتمامیت ایران آذربایجان را باروش دموکراسی وحاکمیت ملی اداره کند.

٥ - مردم آذربایجان بعلت زحمت فراوانی که در راه آزادی، دمکراسی متحمل شده وبعلت قربانی های زیادی که دراین راه داده ، میخواهد حکومت خودمختاری براساس دموکراسی تشکیل دهد.

بنابراین طبق نظامنامه داخلی خود که ازطرف کنگره تصویب شده است، مجلس ملی خودرا انتخاب کرده، لازم میداند که حکومت ملی وداخلی را ازمیان نمایندگان این مجلس انتخاب ودر برابر آن مجلس مسئول باشد .

٦- مردم آذربایجان بزبان ملی ومادری خود علاقه خاصی دارند، تحمیل زبان دیگران آنهارا ازکاروان ترقی وتمدن عقب گذاشته وراه فرهنگ ومعارف ملی را بروی آنها بسته است .

برای ممانعت ازاین تحمیلات ناروا وایجاد وسائل ترقی آذربایجان کنگره ملی بهیئت ملی دستور میدهد که در کوتاه ترین مدت زبان آذربایجان را در ادارات دولتی مرسوم وتدریس آنرا درتمام مدارس (دولتی وملی) عملی سازد .

۷- کنگره ملی که باعتبار صدو پنجاه هزار امضا وباشتراك هفتصد نماینده تشکیل یافت ، بنا باراده ملت آذربایجان خود رابعنوان مجلس مؤسسان اعلام کرده وبرای اداره امور داخلی آذربایجان یك هیئت ملی ، مرکب از سی ونه نفر انتخاب کرده ، بآنها اختیار میدهد که درراه اجرای تقاضاهای ملی تدابیر لازم اتخاذ نموده ، بامقامات صلاحیتدار وارد مذاکره شوند ودرعین حال انتخابات مجلس ملی آذربایجان وهمچنین انتخابات مجلس شورایملی را عملی کنند .

در پایان ، کنگره نظردولت ایران وتمام دول دموکراتیك رابمطالب مذکور در فوق جلب میکند واعلام میدارد برای اجرای این مقاصدفقط بوسیله تبلیغ و تشکیلات اقدام خواهد کرد وجنگ داخلی و برادر کشی رااجازه نخواهدداد ، ولی اگر دولت مرکزی بخواهد حق قانونی مردم رابزور اسلحه وقهر وغلبه ازبین ببرد ، دراین صورت بهرقیمتی باشد ، از حقوق خود دفاع خواهد کرد و تایکنفرد آذربایجانی زنده است ، در راه خود مختاری ملی مبارزه خواهد نمود .

مجلس مؤسسان (کنگره ملی) بهیئت ملی اختیار میدهد که برای تامین خود مختاری آذربایجان ، بامقامات صلاحیتدار تماس بگیرد ومسئله را ازطریق صلح ومسالمت حل کند ، ولی هیئت ملی اختیار ندارد که ازخود مختاری وحق

حکومت ملی آذر بایجان صرفنظر کند وتمامیت استقلال ایران رابرهم بزند .

آرزو مندیم - جهان دمکرات بداند که در دنیا ملتی هست که حاضر شده است باتمام قوا ازحقوق خود دفاع کند و در یك گوشه آسیا پرچم دمکراسی و آزادی برافرازد وفقط بانیروی خود ،آزادی خویش راتامین کند .

امیدواریم مقامات صلاحیتدارایران ودول بزرگ دموکراتیك برای اجرای مقصد ملی ما ، از کمك های نوعپرورانه متکی بمنشور آتلانتیك مضایقه نکنند.

هیئت رئیسه مجلس مؤسسان «کنگره ملی»

مخالفت با تقاضاهای فرقه دموکرات

هنگامیکه وقایع فوق روی میداد کابینه صدرالاشراف ازکاربرکنار گردید وبجای آن حکیم الملك مامور تشکیل کابینه شد .

دراین اوان ازطرف دولت ،آقای بیات بعنوان نماینده فوق العاده واستاندار آذربایجان باهیئتی بطرف تبریزعزیمت کرد وروز ۷ آذر ۱۳۲٤ وارد تبریز گردید.

چند روز پس از ورود بیات ، امیرمالك رئیس رمز شهربانی آذربایجان در خیابان بدست ناشناسی کشته شد .

دراینموقع بیات برای حل قضیه آذربایجان باسران فرقهٔ دموکرات مشغول مذاکره بودوباآنکه هیئت اعزامی نهایت کوشش رابرای حل قضیه بکار بردمعهذا هیچگونه موفقیتی درکار خودبدست نیاورد ، زیراسران فرقه جداً تقاضا داشتند که اولا بجای زبان فارسی زبان ترکی درآذربایجان معمول شود . ثانیاً خود مختاری عملی گردد ،بدیهی است که باانجام این دومنظورآذر بایجان رسماً وعملا از ایران جدا میشد .

ولی هیئت اعزامی جداً باتقاضاهای فرقه مخالفت میورزید وآنرا مخالف با اصول ومواد قانون اساسی میدانست .

درخلال این احوال درشهرهای آذربایجان ترور وقتل باوضع وحشتناکی همچنان ادامه داشت.

قرقه دموکرات چون هیئت اعزامی را جداً با تقاضاهای خود مخالف دید در صدد برآمد که با تهدید آنها را وادار بموافقت با درخواستهای خود کند. ازاین رو روز ۱۷ آذر قبل ازهمه سلطان علی اکبر وکیلی قربانی نقشهٔ شوم فرقه واقع گردید و موقعیکه ازمنزل خود بطرف اداره شهربانی میرفت در بین راه مورد حمله ۵ نفر قرار گرفت وبضرب دوازده گلوله کشته شد.

پس از قتل فوق جنایات دیگری در نقاط مختلف تبریز وسایر شهر های آذربایجان رویداد که ترس ووحشت عجیبی درهمه جابر قرار گردید.

دراین موقع خبر ناگوار دیگری رسید دائربراینکه شهربانی وژاندارمری اردبیل بدست متجاسرین تسلیم گردید.

این وقایع تأثرانگیز وترورهای پی در پی و عملیات ناهنجارافراد فدائی نسبت بافسران وسربازان ومحترمین ومیهن پرستان سبب گردید که عده‌ای ازمعاریف شهر تبریز اجتماع کرده و سوگند یاد کردند که دوش بدوش سربازان برضد فرقه دموکرات وارد زدوخورد شوند.

درتعقیب این تصمیم عده‌ای متجاوز برپانزده هزار نفرازاهالی تبریز چلوار های بزرگی را امضاء کردند که بمحض اعلام جهاد همگی برای جانبازی ومبارزه بر ضدمتجاسرین آماده شوند.

جنایات فرقه دموکرات

یکی ازوقایع تأثرانگیزی که همواره قلوب افراد آذربایجان وهرایرانی وطن پرستی را جریحه‌دار میسازد، واقعه تأثرانگیز کشتارفجیع دسته جمعی افسران و سربازان درمشکین شهراست.

شب ۱۸ آذر بود که قوای فدائی برای نابود کردن قوای نظامی وتصرف مشکین شهربجانب اینشهر حمله‌ور گردید.

قوای مسلح فدائی نخست با ۲۷ واگون مشکین شهررا محاصره نموده آنگاه با مسلسل وبمب دستی بجانب شهرحمله‌ور گردیدندو قبل ازهمه بجانب اداره ژاندارمری

هجوم برده و پس اززدو خورد خونین و کشته شدن عده زیادی ازافراد متجاسرین ستوان یکم اردبیلی را بایازده نفر ژاندارم دستگیر کردند، آنگاه دوساعت آنها رازجر و شکنجه داده وچندین بار بانهایت شدت مضروب ساختند بطوریکه همه تقاضا میکردند که آنها را بکشند واینقدر شکنجه وعذابشان ندهند.

بالاخره آنهارا پس ازدشنام زیادو کتك زدن بامسلسل چنان تیرباران کردند که بدنهایشان قطعه قطعه شدوانجام مراسم مذهبی وغسل دربارهٔ آنهاغیرممکن گردید.

فدائیان پس از تصرف ژاندارمری بطرف سربازخانه حمله ور گردیدندولی با مقاومت شدید سربازان مواجه شدند وتلفات سنگینی دادند.

فرماندهی پادگان مشگین شهررا ستوان یکم صدوقی بعهده داشت که با نود سربازخود بانهایت شجاعت دربرابر گروه انبوهی ازقوای مسلح فدائیان مقاومت کرد ودرنتیجهٔ چون افرادفرقه ازطرف سربازخانه نا امیدشدند متوسل به نیرنگ گردیده وقرآنی مهر کردند وسوگندخوردند که چون وضع پادگان مشگین شهر خوب نیست وازهمه طرف محاصره شده وازهیچ طرف قوای کمکی بآنهانخواهدرسید لهذادرصورتی که تسلیم شوندبهیچ یك ازافراد وافسران کوچکترین صدمه ای وارد نخواهند آورد.

فرمانده پادگان هم سوگندآنهارا قبول کرد وباچند نفرازدرجه داران از سربازخانه خارج شد ولی ناگهان ازپشت سرآنهارا آماج گلوله قرارداده ودر دم همگی جان سپردند. آنگاه فدائیان چند افسرودرجه دار دیگررا دستگیر کرده و بخارج شهربرده وآنهارانیز باوضع فجیعی کشتند واجسادشان راطوری درخاك کردند که پاهای آنها ازخاك بیرون آمده ودرهوا نمایان بود.

این جنایت فجیع وناجوانمردانه وکشتن سربازان وافسران درمیانه وسراب وسایرنقاط آذربایجان حس نفرت وانزجار عجیبی درقلوب عموم افرادایجاد کرد بطوریکه همه مترصدبدست آوردن فرصت مناسبی بودندتاانتقام این شهدای راه میهن را ازمشتی اجنبی پرست بیابانگرد بگیرند.

شاه و آذربایجان

در آن لحظات حساس و دقیقی که اوضاع آذربایجان مورد توجه دنیا قرار گرفته و آژانسها و رادیوها و مطبوعات کشورهای مختلف مرتباً اخبار مربوط بایران را پخش میکردند ، درهمان اوقات درداخل کاخ سلطنتی شاهنشاه ایران بیش ازهر کس مواظب ومراقب اوضاع این استان زرخیز بود وبانهایت دقت میکوشید قضیه آذربایجان را که ازصورت محلی خارج شده ویك مسئله بین المللی شده بود با سیاست وتدبیر خاصی حل نماید .

عدم موفقیت دولتها ورجال ایران وهمچنین بی اعتنائی روسها بیاداشتهای دولتین انگلیس وامریکا هیچیك نتوانست کوچکترین تزلزلی درارادهٔ شاهنشاه برای حل قضیه آذربایجان ایجاد کند .

اعلیحضرت همایونی همه روزه بوسیله ستادارتش ازجزئیات وقایع آذربایجان آگاه میشدودرهر قسمت دستورهای لازم صادرمیکرد .

دراینموقع خبرناگواری بتهران رسید و آن تسلیم لشگرسه تبریز بود که بواسطهٔ قطع ارتباط بامرکزومحاصره شدن بوسیله قوای فرقه دموکرات وارتش سرخ مجبور گردید اسلحه را بزمین گذارد .

پس ازاین واقعه مجدداً خبررسید که تیپ اردبیل و پس از آن پادگان اهر وپادگان میاندوآب ومراغه نیز سقوط کردو فرماندارمراغه (یحیی سالاری) وسرهنك معین آزاد نیز با وضع فجیعی بقتل رسیدند .

درخلال این احوال موضوعی که ناگهان مورد توجه محافل خودی وبیگانه قرار گرفت وحتی رادیوها وخبرگزاریهای خارجی باشرح وبسط دراطراف آن شروع به بحث وتبلیغ کردند ، موضوع پیکار ومقاومت دلیرانه تیپ رضائیه بود که بانهایت از جان گذشتگی تاآخرین لحظه باقوائی بمراتب بیشتروقوی تراز خود به نبرد ادامه داده است .

جنگهای رضائیه ازروزه۱آذر چه‌درداخل و چه در خارج این شهر آغاز گردید و سرهنك زنگنه فرمانده تیپ بانهایت سرسختی وازجان گذشتگی در مقابل قوای دشمن مقاومت کردوباوجودتسلیم لشگرسه تبریزوتیپ اردبیل وسایرپادگان ها ، همچنان بپایداری رشیدانه خود ادامه میداد .

مقاومت تیپ رضائیه ازروزه۱آذرتا روز۲۷آذربا نهایت شدت ادامه داشت تاآنکه‌ازطرف پادگان شوروی‌دررضائیه‌علناً سربازان مورد تهدید قرارگرفتندو چون بیش‌ازاین مقاومت فایده نداشت وراه ارتباط از همه‌طرف مسدود شده بود زاینروسربازان مشغول ازبین بردن‌اسلحه ومهمات‌خودگردیده‌وقسمت‌اعظم‌آنها پس ازآنکه لباسهای خود راازتن‌بیرون‌آوردند شبانه‌ازشهرخارج گردیدند.

ولی سرهنگ زنگنه‌فرمانده تیپ وسرهنك‌نوربخش فرمانده ژاندارمری وسرگردبهاروندرئیس‌ستادتیپ‌بوسیله‌سربازان‌شوروی‌دستگیروزندانی گردیدند وبعدآنهارابه تبریزمنتقل ساختند ودر آنجا درداد گاه صحرائی همگی محکوم باعدام شدند .

ولی براثروقایع‌سیاسی که‌بعداً رویداد حکم‌مزبوراجرانشد وپس ازچندی همگی ازچنگ دژخیم مرگ نجات یافتند .

درپیکاررضائیه‌تلفات‌فدائیان نوق‌العاده زیادبودوطبق آماریکه‌بدست‌آمده ریب دوهزاروسیصد نفرازافراد فرقه دراین نبرد کشته شدند وازنظامیان‌دویست وپنجاه نفربقتل رسیدند .

قوای مسلح فرقه دموکرات

نیروی نظامی فرقه دموکرات آذربایجان که ازدوقسمت فدائی وقزلباش تشکیل شده بود،تحت نظرمستقیم‌عده‌ای ازافسران ارتش‌سرخ ومهاجرین‌شوروی تعلیم یافته ومجهزبسلاحهای نوین بودند .

اسلحه افراد فرقه ازچندین هزارتفنك برنوواتومات های روسی وچندین هزارنارنجك دستی‌ومسلسل آلمانی‌وچندین میلیون فشنك ودوهزاراسلحه کمری

کات وششصدبطری محتوی مایع مخصوص احتراق تانك ویك آتشبار کامل توپخانه وهشتصد گلوله توپ وشش ارابه جنگی وچهارخمپاره انداز وسلاحهای انفرادی مخصوصاً تفنك ونارنجك واتومات که برای مسلح ساختن قریب هشتادهزارنفر کفایت میکرد تشکیل شده بود .

تعداد افراد قوای دموکرات هیجده هزارنفر مسلح بود که هشت هزارآن فدائی وده هزارنفردیگرقزلباش بشمارمیرفت .

تشکیلات قوای فرقه دموکرات عبارت بودازشش گردان مستقل ودوتیپ و یك گردان سوار ویك هنگ واحدهای متفرقه ویك گردان باربری ویك گروهان مخابرات که بوسیله هفتصد وپنجاه ودونفرافسراداره میشد .

روحیه این افراد ظاهراً خوب بودوتعلیمات ومقررات وتشکیلات ولباس آنهاباتعلیمات وتشکیلات ارتش سرخ هماهنگی وبستگی کامل داشت .

اعمال ورفتارفدائیان بحدی خشن ودوراز اصول انسانیت ومردانگی و مقررات وقوانین بین المللی بود که حس نفرت وانزجارعموم را جلب کرد .

کشتارهای دسته جمعی وقتل عام سربازان وافسران وژاندارم ها وترورهای وحشتناك آنها کاررابجائی کشاند که علاوه برتنفراهالی آذربایجان صدای اعتراض مطبوعات خارجی رانیزبلند کرد وهمگی اینگونه اعمال وحشیانه راکه یادگار دوران قرون وسطی وعهد توحش بود تقبیح نمودند .

اوضاع کردستان

درهمان ایامی که قتل وجنایت وخونریزی درآذربایجان جریان داشت واین استان زرخیزعملاازخاك ایران تجزیه گردید دریك قسمت دیگرازاین کشوریعنی کردستان که مهدایرانیت ومحل نشوونمای گروهی ازنجیب ترین ودلیرترین اقوام ایرانی بود ، جمعی ازدست نشاندگان بیگانه ضربت دیگری بروحدت واستقلال ایران واردآورده ودرصددایجادحکومت خودمختاری در کردستان برآمدند .

دراواخرپائیزسال ۱۳۲٤ وخامت اوضاع کردستان بمنتها درجه رسید .

حزبی بنام حزب کومله مرکب ازمعاریف محل تشکیل گردید وروزنامه‌ای موسوم به «کردستان» انتشارداد ند .

پس ازآنکه لشگرسه آذربایجان اسلحه برزمین نهاد ، روز۲۱ آذرهیئتی به ریاست محمد حسین سیف قاضی ازطرف قاضی محمد به تبریزرفت وتشکیل فرقه دموکرات آذربایجان رابه پیشه وری وسران فرقه تبریك گفتند :

روز۲۶ آذربنابامرقاضی‌محمد پرچم سه رنگ قرمزوسفید وسبز که تصویر خوشه گندم وخورشید وقلم برآن نقش شده بود ، بجای پرچم ایران برفرازادارات دولتی مهاباد باهتزازدرآمد .

روز۲ بهمن ۱۳۲٤ نیزدریك اجتماع بزرگ مرکب ازمعاریف ومحترمین ورؤسای عشایر کردستان حکومت مستقل جمهوری کردستان رسماً اعلام گردید وقاضی محمد بعنوان پیشواورئیس جمهوری کردستان مستقل معرفی شد .

کشمکشهای سیاسی در شورای امنیت

فجایع وکشتارهای خونین حکومت های‌دست نشانده بیگانگان درخلال سال ۱۳۲٤ و۱۳۲۵ بحدی بود که‌صدای شکوه وناله ونارضایتی عموم ازهمه‌طرف بلند شد .

روزنامه‌هاورادیوهای کشورهای‌خارجی بلاانقطاع دراطراف حوادث‌خونین آذربایجان وکردستان سخن میگفتند، ونمایندگان ایران درسازمان‌ملل‌متحد وکنفرانسهای سیاسی درلندن وواشنگتن ونیویورك علیه سیاست استعمارطلبانه همسایه شمالی ودخالت دراوضاع آذربایجان نطق های شدیدی ایراد کردند .

چون دولت ایران مشاهده‌کرد که بهیچوجه و بهیچ قیمت نمیتواند دولت شوروی‌راوادار بکناره گیری‌ازدخالت درامورداخلی‌این کشورنماید بناچار نمایندهٔ خودرادرشورای امنیت مأمور کرد که ازدخالتهای‌بیجای مقامات‌شوروی درامور داخلی ایران شکایت کند .

مدتی نیز بدینمنوال سپری‌شد واز کشمکشهای‌سیاسی وجنگهای سرد بین

نمایندگان ایران وشوروی درشورای امنیت نیز کاری ساخته نشد.

درخلال این اوضاع زدوخوردهای محلی شدیدی بین عده‌ای از ایلات وعشایر رشید ومیهن پرست ایران بافرقه دموکرات درنواحی خمسه، میانه، زنجان، تبریز رضائیه، میاندوآب، مراغه جریان داشت وتلفات شدیدی بفدائیان وارد آمد بطوری که قوای نظامی فرقه دموکرات را مستأصل ساخت.

این اوقات مصادف باروی کارآمدن قوام گردید وروز ۲۸ بهمن مشارالیه کابینه خودرا بمجلس معرفی کرد.

قوام السلطنه که مردی خودپرست وخودخواه بود وطرفداران او ویرامردی دیپلمات ومجرب میدانستند بتصور آنکه قضیه آذربایجان را میتواند با مذاکرات حضوری درمسکو حل کند روز دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۲۴ باهیئتی از ایران بپایتخت کشورهای اتحاد جماهیر شوروی پرواز کرد.

مذاکرات رجال سیاسی دو کشور درمسکو برخلاف انتظار قوام بجائی نرسید ومنتج به نتیجه‌ای نشد باینجهت هیئت مزبور مجبور بباز گشت گردید.

پس ازمراجعت بایران بار دیگر قوام درصدد برآمد بامذاکره مستقیم با سران فرقه دموکرات قضیه آذربایجان را فیصل دهد، ازاینرو هیئتی بریاست پیشه‌وری از آذربایجان بتهران وارد شد ومدتی بامقامات دولتی مشغول مذاکره گردید.

ولی دعاوی و تقاضای هیئت مزبور طوری بود که موافقت با آن درحکم تجزیه آذربایجان ازایران بود باین جهت هیئت مزبور بدون اخذ نتیجه به تبریز مراجعت کرد.

حاضرم از سلطنت کناره گیری کنم ولی اقدامی بضرر کشور ننمایم

پس ازمدتی مجدداً مذاکره بین طرفین آغازشد واین بار هیئتی از تهران به تبریز عزیمت نموده وبعدازپاره‌ای مذاکرات موافقتنامه‌ای بین طرفین امضاء گردید که مخالف باشئون دولت مرکزی واستقلال وتمامیت ارضی ایران بود. ازینرو پس ازبازگشت هیئت فوق الذکر بتهران درجلسه‌ای مرکب ازنمایندگان فرقه ودولت

مرکزی که در حضور نخست وزیر تشکیل گردید سرلشگر رزم آراء رئیس ستاد ارتش مطالبی باین شرح ایراد کرد:

این پیشنهادها بنابر آنچه توجه میشود متضمن حکم قطعی انحلال ارتش ایران است. زیرا افسرانیکه اسم برده شده جز پناهیان که حاضر میباشد عموماً افسرانی هستند که از ارتش ایران فرار و برضد حکومت مرکزی قیام کرده اند و تمام افسران از سوء اعمال و رفتار آنها با خبر میباشند.

پذیرفتن چنین عناصری باسم افسر بزرگترین لطمه را بارتش وارد خواهد ساخت. از طرف دیگر درجه دادن ببعضی اشخاص از لحاظ احتیاج و فنی بودن برخلاف مقررات ارتش است و بهیچوجه نمیتوان آنها را باآن درجات پذیرفت.

راجع بگروهبانانیکه افسر شده یا دانشکده افسری را دیده اند، بایستی دید. اولا حائز شرایط هستند یا خیر و بعداً هم باید امتحانات لازمه از آنها بشود و در غیر اینصورت بهیچوجه پذیرفتن این پیشنهادها برای ارتش ایران قبول نیست و قبول چنین پیشنهادهائی بمنزله خیانت رسمی بکشور و تاریخ ایران خواهد بود.»

اینمطالب برای هیئت اعزامی بسیار نامطلوب بود و گفتند درصورتیکه نهضت از طرف نخست وزیر و قت بر سمیت شناخته شده پس آنها عموماً حائز رسمیت میباشند مظفر فیروز در این جلسات طرفداری زیادی از نمایندگان آذربایجان کرد و هر روز فشار شدیدی برای قبول این پیشنهادها وارد مینمود.

با آنکه بیش از ۱۰ جلسه در منزل نخست وزیر و در وزارت کار تشکیل گردید مقامات ارتش جداً بااین پیشنهادهای مزبور مخالفت نمودند و حتی در یکی دو جلسه مذاکره بمباحثه سخت و شدید خاتمه یافت.

چون از اینمذاکرات نتیجه ای حاصل نشد هیئت اعزامی باقوام و مظفر فیروز بحضور شاهنشاه رفته و تقاضاهای تصویب پیشنهادهای فرقه را کردند.

درمقابل این تقاضا اعلیحضرت شاهنشاه اظهار داشت: بهیچ قدرت من بادادن چنین اجازه ای که برخلاف مقررات ارتش میباشد نمیتوانم موافقت نمایم و بلافاصله

اعلیحضرت بوزیر جنگ ورئیس ستاد ارتش گفت :

«بماچنین پیشنهادهائی داده شده ولی باید بدانید که این پیشنهادها متضمن خیانت‌های مسلم به کشور و میهن است و من بهیچوجه آنهارا نمی‌پذیرم و با تمام قوا ردخواهم کرد چه بمیهن وارتش علاقمندم وحتی حاضرم از سلطنت درصورت اجبار کناره گیری کنم ولی اقدامی که بضرر کشور وارتش باشد مرتکب نشوم.»

هیئت مزبور چند ماه در تهران متوقف ماند و در اینمدت نخست وزیر و مظفر فیروز آنچه در قدرت داشتند برای عملی کردن تقاضای مذکور سعی وجدیت نمودند وحتی نخست وزیر التماس وتضرع کرد تا درخواستهای پیشنهادی پذیرفته شود، ولی شاهنشاه گفت:

«دست من بریده میشود ،ولی چنین فرمان خیانت آمیزی را امضاء نمیکنم.»

نخست وزیر اجازه خواست بمسئولیت خود این کاررا انجام دهد، ولی اعلیحضرت با تشدد و تعصب با این امر نیز مخالفت کرد.

غائله جنوب

در خلال این احوال در جنوب کشور نیز آتش فتنه و طغیان برضد استقلال ایران شعله‌ور گردید و ایلات وعشایر جنوب دست اتحاد بیکدیگر داده و تقاضاهائی نظیر آنچه فرقه دموکرات کرده بود ازدولت مرکزی نمودند.

ضمناً قوای مسلح عشایر چندین شهر و بندررا تصرف کرده و شیرازرا محاصره نموده وجداً این شهررا درمعرض خطر قرارداد.

ازطرف دولت سرلشگرزاهدی که ازافسران قدیمی ایران بود ودرزمان رضا شاه کبیر ودوران سردارسپهی او درنقاط مختلف مخصوصاً درجنگهای خوزستان شجاعتهای زیادی ابرازداشت مأمور دفاع ازشیراز گردید.

سرلشگرزاهدی باتدبیر وسیاست خاصی درشیرازمشغول اداره امور گردید و باسران ایلات وعشایر وارد مذاکره شدو کاری کرد که احتیاج بهیچ گونه قوای کمکی ازمرکز نباشد.

زیرا درصورت اعزام قوا از تهران بشیراز بدون شك پادگان تهران ضعیف میشدو با تهدیدهای شبانه روزی قوای مسلح فرقه دموکرات وچندین هزار عناصر مشکوك و مسلح که درپایتخت پراکنده شده بودند ، تهران جداً درمعرض خطر قرار میگرفت وممکن بود اوضاع بصورت وخیم وجبران ناپذیری درآید.

سرلشگر زاهدی درعین حال که روزها با سران ایلات مشغول مذاکره بود با کمال دقت ومهارت شبها مشغول مستحکم ساختن سربازخانه ها ونقاط دفاعی شهر بود که درصورت حمله وهجوم عشایر بتواند بخوبی از شیراز دفاع کند.

چون مذاکرات بین طرفین بجائی نرسید ازاینرو ستونی مأمور سرکوبی قوای عشایر گردید وستون مزبور پس اززدوخوردهائی که دربین راه نمود با پشتیبانی نیروی هوائی تلفات سنگینی بعشایر وارد آورد ورابطه تهران وشیراز را که بکلی قطع شده بود مجدداً برقرار کرد.

سران ایلات وعشایر چون موقعیت خودرا بسیار وخیم دیدند ناچار تقاضای متارکه جنك کردند ودرنتیجه مذاکرات بین طرفین آغاز شد وباشرائط مساعدی غائله جنوب باموفقیت پایان یافت.

جاسوسی

در روزهای سخت ودشواری که عموم محافل ومقامات داخلی وخارجی از حل قضیه آذربایجان مأیوس شده وشکایت ایران بشورای امنیت نیز بجائی نرسید تنها مرجعی که شب و روز بفکر حل این معمای بغرنج وبازگشت آذربایجان بایران بود اعلیحضرت همایونی بشمار میرفت.

شاهنشاه تصمیم خودرا درباره آذربایجان گرفت وازاینرو فرمانداد که اطلاعات دقیقی دربارهٔ وضع فرقهٔ دموکرات وقوای مسلح آنها تهیه وباطلاع شاهنشاه رسانده شود.

ستادارتش نیز اطلاعات لازم را تهیه نمودو گزارشی بشرح ذیل به پیشگاه شاهانه تقدیم کرد:

« درتشکیلات کنونی آذربایجان جزوحشت واضطراب چیزی نیست، آنچه درطهران نقل میشود ، عموماً دروغ وبی اساس وتنها منظور ازآن تولید ترس و وحشت است .

این تاریخ هنوزمتجاسرین درآذربایجان و کردستان عمل خاصی ننموده اند چه ، باآنکه ۷۰۰ افسرتهیه کرده وکادری بوجود آورده اند ، ولی چون این افسران ومتصدیان امر در آذربایجان از ناصالح ترین عناصر کشورهستند خاصه افسران فراری که عهده دار مشاغل عمده اند اغلب افراد ناصالح واستفاده طلب میباشند ، لذا سازمانی که بدست آنها ایجاد شده کوچکترین ارزشی ندارد .

این سازمان فعلادرحدود ده هزارنفرافراد دراختیاردارد که ترتیب استقرار آنها بشرح زیرمیباشد .

ولی علائم وآثارزیادی دردست است که پس ازمدتی ممکن است این سازمان وضع بهتری پیدا کند وخطرات عظیمی را بشرح زیربرای کشورایجاد نماید :

۱ - ورود مهاجرین که روزبروزوبتکثیرمیرود قطعاً بااین روش درآینده همه اموربدست آنها خواهد افتاد وکلیه شئون حیاتی وسیاسی این منطقه را در دست خواهند گرفت .

۲- تهیه کادرافسران ودرجه داران بسرعت ادامه دارد وتاکنون ۶۰۰ نفرنیز برای تحصیل در رشته های نظامی، خاصه هواپیمائی بخارج فرستاده شده اند.

۳ - حمل سلاح ولوازم مختلف بآذربایجان روبفزونیست وطبق گزارش های واصله ۵ هزارمسلسل وسلاح های خودکاروصد هزارتفنگ ومهمات بسیاربآن منطقه وارد شده است .

باتوجه بمقتضیات مذکورقطعی است که اگرافراد مدبروفعال تری دراین منطقه گردآیند وکادرقابل اعتمادی ایجاد نمایند ووسائل وسلاحهای مذکور را بکاراندازند، مشکلات بزرگ ومخاطرات عظیمی بوجودخواهدآمد، چه صراحتاً باید گفت منظورازاقدامات متجاسرین تنها تحصیل خود مختاری آذربایجان نیست

بلکه مراد آنان اشغال کلیه ایران و رسوخ درسراسر کشور میباشد و مسلماً این نهضت ساختگی درحال کنونی خود متوقف نمیماند وبمحض آنکه موفق بتهیه سازمان کامل وپیش بردن نقشه خود شود ، شروع بتهدیدایران خواهد کرد .

امروزازبین بردن این سازمان آسان است وبسرعت میتوان دراین باب اقدام کرد ، ولی درسال آتیه این عمل غیرمقدوروباهزاران اشکال مصادف خواهدبود . لذا ارتش وظیفه خود میداندبعرض رساند که موقع عمل فرارسیده است وهر لحظه قصوروسستی ویاعدم توجه وسهل انگاری لطمه شدید بکشورواستقلال میهن وارد خواهد ساخت وبزرگترین مسئولیت رابرای زمامداران عالی مقام کشوردرتاریخ ایجاد خواهد کرد .»

پس ازمطالعه گزارش فوق شاهنشاه فرمان داد که جلسه سری دردفترسلطنتی مرکب ازنخست وزیر، وزیرجنگ ورئیس ستاد ارتش تشکیل گردد واعلیحضرت همایونی اظهارداشت :

« بنابرآنچه برمن مسلم است ، دسته ای ازماجراجویان باایجاد وحشت واضطراب میخواهند یکی ازنواحی حاصلخیز وثروتمندایران راتصاحب کنند و باتهدید وفشاربرحکومت مرکزی تمام متصدیان اموررابقبول درخواستهای خود وادارنمایند واگراین روش ادامه یابد وازآن جلوگیری نشود ،قطعاً مسبب آثار سوئی درسراسر کشورخواهد گشت ورشته نظم راازهم خواهد گسیخت واستقلال کشوررامتزلزل خواهد ساخت .

لذابنابروظیفهٔ مهمی که برعهده من است، باتصویب وتصدیق گزارش ستادارتش دستورمیدهم که بلافاصله اقدامات اساسی وفوری برای نجات آذربایجان وسراسر مناطق شمالی شروع وریشهٔ فساد برکنده شود .»

پس ازپایان جلسه سری درکاخ سلطنتی ، ستادارتش بانهایت دقت مشغول تهیه مقدمات امر گردید .

درتاریخ ۲مهرماه سرهنگ هاشمی بفرماندهی لشگرسه پادگان قزوین منصوب شد وبلافاصله ستونی بطرف قزوین عزیمت کرد وازآنجابسوی زنجان حرکت نمود

طوری وارد شهر شد که متجاسرین غافلگیر گردیده عده زیادی ازافراد فدائی و فرقه دمکرات دستگیر شدند.

استقبال اهالی ستمکشیده زنجان از سربازان بحدی گرم وصمیمانه بود که بوصف نمیگنجد .

قوای فدائی که منتظر یك چنین حمله ناگهانی نبود، چون خود را در مقابل عمل انجام یافته دید درصدد دفاع برآمد.

باین جهت غلام یحیی فرمانده قوای مسلح متجاسرین بی‌درنگ در دامنهٔ قافلانکوه مشغول ساختن سنگر ومراکز دفاعی گردیدو کلیه پلهای بین راه را مین گذاری نموده وارتفاعات قافلانکوه را اشغال کرده آماده دفاع شد.

فرمان شاهنشاه

حرکت قوا بسوی آذربایجان

پس از نجات زنجان اعلیحضرت همایونی برای رهائی آذربایجان نیز دستور لازم را صادر کرد . آنگاه درروز ۱۵ آذرماه برای آنکه شخصا اوضاع و احوال زنجان ووضع نظامی واستراتژیکی آذربایجان را بررسی کند باهواپیما ازتهران بزنجان پرواز کرد واز آنجا نیز بخط اول جبهه عزیمت نمود و خطوط دفاعی متجاسرین را بازدید کرد و پس از صدور دستورهای لازم ، فرمانی باین شرح صادر کرد ،

افسران ، درجه‌داران ارتش

«شما که امروز در کردستان ـ زنجان ونواحی گیلان برای آزادی میهن گرامی وعزیز گرد آمده و گوش بفرمان منتظر اطلاع ازساعت عمل میباشید، باید بدانید ایران عزیز قرون متمادی است که باعظمت وسربلندی در دنیای قدیم وجدید شناخته شده است و باآنکه ملل و کشورهای بسیار درطول این مدت براثر سیر اوضاع جهان از بین رفته واز صحنه تاریخ حذف شده اند ، ولی نام ایران عزیز ما که کهن ترین کشورهای جهان است همیشه پابرجا وهمیشه باقدرت واهمیت باقیمانده است. تصور نکنید که این کشور دچار حملات و تجاوزات نشده، سراسر تاریخ پرافتخار ما از تجاوزات

اقوام خارجی یاعناصری که تحت فریب خارجی برای نقض استقلال آن عمل کرده اند حکایت میکند. ولی تصور میکنم در تمام طول تاریخ ، هیچگاه چنین پیش آمد شومی که در ۲۱ آذر ۱۳۲٤ دامنگیر میهن عزیز شده و در نتیجه مشتی ماجراجوی بی وطن منطقه مهم و سرسبزی چون آذربایجان یعنی روح ایران را ازمام میهن جدا ساخته اند، رخ نداده است وروی افکار پلید و نظریات شومی که جز ازبین رفتن استقلال وعظمت باستانی چیز دیگری نیست، بآن عمل واقدام مبادرت نموده اند. وظیفه جوانان کشور وفرد فرد ملت وخاصه قوای تأمینیه کشور است که این لکه بدنامی را ازدامان کشور بزدایند واین بدبختی را باطرزی مطلوب واسلوبی پسندیده از تاریخ پرافتخار کشور خود پاك نمایند. شماوهمه افراد ملت ایران باید بدانید که اگر ما فوراً وباتمام قوا برای نجات کشور اقدام نکنیم واین لکه بدنامی را ازدامان میهن نزدائیم، باکارهائیکه در جریان است وباطرح ونقشه ایکه مشتی وطن فروش برای ایران عزیز تهیه و آماده کرده اند ، درآتیه ، عمل بسیار دشوار وتقریباً غیرممکن خواهد بود. پس برما است که بدون اتلاف وقت و پیش از آنکه نقشه های شوم درآن منطقه کاملا صورت عمل بخود گیرد ، این منطقه زرخیز را ازچنك اهریمنان ماجراجو نجات داده ووظیفه میهنی خودرا انجام دهیم .

برای همین منظور مقرر میداریم که قوای تأمینیه بطرف آذربایجان عزیز حرکت وهرنوع مقاومت وایستادگی را بکلی درهم شکنند وهم میهنان عزیز را اززیریوغ استبداد خلاصی بخشند وماجراجویان را محو ونابود سازند وپرچم شیرو خورشید را درتمام نقاط این سرزمین باهتزاز در آورند وگردغم و بیچارگی را از ناصیه هم میهنان عزیز که درمدت یکسال اخیر منتهای بدبختی ومذلت را دارا بوده اند پاك نمایند.

نیل باین مقصود واجرای این وظیفه مهم جز بافداکاری شما امکان پذیر نیست. ونام کسانی که دراین اردو کشی وبرای نجات میهن عمل خواهند کرد همیشه درتاریخ پرافتخار کشور باقی خواهد ماند.

من دائماً مراقب اعمال شما هستم واز نزدیك شجاعت وشهامت شما وافراد تحت امر شمارا ملاحظه خواهم کرد و اشخاص فداکار مورد توجه‌خاص و نوازش مخصوص خواهند بود.

پس از صدور فرمان شاهانه ، عملیات برضد قوای متجاسرین ازروز ۱۸ آذر ۱۳۲۵ آغاز شد واعلیحضرت همایونی چندین بار باهوا پیماوضع عملیات راملاحظه نمود و پس ازبازگشت بتهران روزها وشبها تاساعت سه‌بعداز نیمه شب اطلاعات و گزارشهای واصله ازآذربایجان رامطالعه مینمود ودستورهای لازم راصادرمیکرد

حرکت قوای نظامی بدین ترتیب انجام گرفت :

یك ستون از زنجان بطرف تبریز

یك ستون از کردستان

یك ستون از رشت به آستارا

ازطرف دیگرقوای رشید ومیهن پرست عشایرنیزازهمه طرف دست بحمله بر ضد فرقه دموکرات زده وازپست سرآنها رامورد حمله‌قرار میدادند .

شماره قوای مسلح فرقه دموکرات جمعاً هیجده هزار نفر بود ، و نیروی نظامی که مبادرت بحمله بآذربایجان کرد جمعاً هشت هزار نفر میشد وبااینحال درظرف دوازده روزمقاومت کلیه افرادفدائی را درهم شکست وبساط حکومت یکساله فرقه‌دموکرات رابکلی متلاشی ساخت. قوای‌نظامی پس‌از زدوخوردهائی که درنزدیکی پل‌دختررودامنه های قافلانکوه باقوای فدائی نمود ، روز ۲۰ آذر ماه وارد شهر میانه گردید .

وضع روحی دموکراتها ازحمله قوای نظامی بهیچوجه خوب نبود واین موضوع از گزارش ذیل بخوبی مستفاد میشود :

« گزارش غلام یحیی ازمیانه ، خیلی‌خیلی فوری .

آقای پیشه وری ،درنتیجه زدوخورد شدیدی که ازساعت ۳۰-۶ امروزصبح تا غروب ادامه داشته، عدهٔ‌ازنوروزآباد کلیجه وآبادی‌افشار که‌دردامنه‌قافلانکوه

هست عقب نشسته ، فدائیان ازطیاره وتانك وتوپ میترسند وروحیه خود را باخته سنگرهایشان راترك میکنند . دشمن نیزازجناحین تجاوز میکند، برای اجتناب ازمحاصره مجبور شدیم اطراف قزل اوزن راتخلیه نموده وپل های شوسه وراه آهن واقعه روی قزل اوزن راخراب وجبهه خودرا کوتاه کنیم.

در پاسخ گزارش فوق ، پیشه وری و پناهیان ارتبریز پاسخی باین شرح صادر کردند :

۱- همین امشب باید بوسیله افرادزبده بدشمن درنقاط مختلف حمله شود که دشمن شب راکاملا ناراحت وفردا صبح ازحمله عاجز باشد .

۲- عملیات امروز جبهه میانه رضایت بخش نیست ، جداً بافراد اجازه ندهید عقب بنشینند. هر درجه دار یا سرباز فدائی که عقب نشینی کند بدون اجازه تیرباران گردد .

۳- استفاده افراد ازبطریهای ضدتانك ضروری است ، آنهارا بطور قطع وادار کنید تانکها را ازکاربیندازند .

٤- تخریبات باید همین امشب عملی شود ونتیجه راگزارش دهید .

۵- نتیجه عملیات امروز وتلفات وضایعات را گزارش دهید . پیشه وری - پناهیان .

روز ۲۲ آذر ماه قوای نظامی واردشهر تبریز گردید .

درتبریز پیش ازآنکه نیروی نظامی برسد اهالی غیور ومیهن پرست جنگ رابرصدمتجاسرین آغازکرده وتلفات شدیدی بآنهاوارد ساختند .

پس از ورود قوای نظامی باقیمانده نیروی متجاسرین نیزبکلی متلاشی شدو تبریز پس ازیکسال اسارت وزجرومصیبت ازچنگ بیگانه پرستان آزاد گردید شهرهای اردبیل ، مراغه ، مرند ، جلفا، ماکو، خوی، شاهپور، سراب، رضائیه نیز یکی پس ازدیگری آزادشدند وپس ازآن سایرشهرها از چنگ متجاسرین بدر آمدند .

در بعضی از نقاط مانند آستارا زدوخورد هائی بین اهالی شهر و متجاسرین رویداد که موجب قتل عده‌ای از مردم بیگناه شد، مخصوصاً در آستارا فدائیان چون از همه جا ناامید شدند مبادرت بآتش زدن شهر کرده، و بدین ترتیب آتش خشم و کینه‌توزی خود را خاموش ساختند.

حکومت یکساله فرقه دموکرات در آذربایجان تنها نتیجه‌ای که ببار آورد قتل وغارت عده‌ای از اهالی بیگناه بود، چنانکه در عرض این یکسال در حدود ۱۵۰۰ نفر از مردم آذربایجان بدست جنایتکار فرقه دموکرات قربانی شدند و هزاران خانواده ماتم‌زده و داغدار گردیدند.

پس از نجات آذربایجان که تنها مسبب آن شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاه جوانبخت ایران بود، بنابفرمان شاهانه روز ۲۱ آذر بنام «روز ارتش» نامیده شد و مقرر گردید هرساله در این روز در کلیه نقاط کشور ایران مراسم سان و رژه ارتش صورت گیرد.

مسافرت شاهنشاه بآذربایجان

پس از نجات آذربایجان، بقیهٔ نیروهای بیگانه طبق پیمان سه‌گانه ایران را تخلیه کردند و اوضاع عادی تا حدی در کشور برقرار گردید.

در این موقع اعلیحضرت شاهنشاه برای بهبود اوضاع دستورهای مؤکدی صادر نموده وضمناً برای بازدید وضع آذربایجان وتسکین آلام اهالی آن استان که در عرض یکسال متحمل شدیدترین محرومیت هاشده بودند، در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ بطرف آذربایجان عزیمت کرد.

استقبال اهالی شاهدوست ومیهن پرست آذربایجان ازاعلیحضرت همایونی بحدی گرم وصمیمانه و بی‌شائبه بود که هیچکس نظیر آنرا ندیده بود.

در سراسر خط سیر شاهنشاه گوسفندها قربانی کرده ودر شهرهای بزرگ و کوچک، حتی دهستانها وقصبات طاق نصرتها برپا کردند.

حتی در برخی نقاط پیرزنان وپیرمردان که دارائی وهستی شان در عرض یکسال

حکومت متجاسرین بربادرفته بود وچیزی نداشتند نثار مقدم شاهنشاه کنند دست کودکان خودرا گرفته و میخواستند آنهارا در راه ناجی خود قربانی نمایند .



یك نمونه از احساسات اهالی شاهپرست آذربایجان نسبت به پهلوی دوم

شدت احساسات وعلاقه مردم نسبت بشهریارجوان خود بحدی بود که چندین بار از چشمان شاهنشاه اشك سرازیرشد و آنوقت متوجه گردید که زحمات شبانه‌روزی و بیخوابیها وتلاشهای وی در راه نجات آذربایجان بیهوده نبوده ، ومردم حقشناس مهد زردشت نجات دهنده خود را ازجان ودل دوست میدارند و حتی میخواهند فرزندان خود را در راه او قربانی کنند .

مسافرت شاهنشاه با نگلستان

روز ۲۲ تیر برحسب وقتیکه قبلا تعیین شده بود عموم آقایان نمایندگان مجلس درکاخ سعدآباد بحضور اعلیحضرت همایونی رسیده و شاهنشاه خطاب به نمایندگان چنین اظهار داشت :

«منظور از ملاقات من امروز بیان مطلبی بود که خواستم باطلاع آقایان نمایندگان برسانم و آن تصمیمی است که برای مسافرت گرفته‌ام و در حقیقت اگر تصور میکردم این مسافرت ممکن است برای مملکت مفید نباشد هرگز باین خیال نمیافتادم.

علاقه من اینست که در غیبت من در کارها بیشتر سعی و مراقبت شود و مایلم که در غیاب من در حسن تشخیص و وطن پرستی که در آقایان سراغ دارم در تصویب لوایح مفید که بحال ملت و طبقات زحمتکش کشور مفید باشد توجه بخصوص خواهند کرد شاید من در اینمدت هفت سال سلطنت امتحان خود را داده باشم که در مقابل مسائل مهم مملکت آنی قرار نداشته و ندارم و بپیوسته وظایف خویش را در مقابل ملت وميهن انجام داده ام وهمانطور که گفتم حالا اطمینان میدهم که اگر تصور آنرا نمیکردم که این مسافرت بنفع ایران نیست هرگز بدان مبادرت نمیشد وضمناً خواستم باطلاع آقایان برسانم که این مسافرت جنبه سیاسی ورسمی را ندارد بلکه مسافرتی است خصوصی»

روز ۲٤ تیر ماه از طرف اعلیحضرت همایونی فرمانی در خصوص تشکیل شورای سلطنتی خطاب به آقای هژیر نخست وزیر صادر گردید و در این فرمان متذکر شد:

«برای اینکه درمدت مسافرت ودوری ما از کشور رئوس مسائل و معضلات امور مورد توجه ومطالعه مخصوص واقع گردد مقرر میداریم در اینمدت یك شورای عالی تشکیل شود که مرکب باشد اولا از برادران کامکار ما والاحضرتان شاهپور علیرضا و شاهپور غلامرضا و شاهپور عبدالرضا و ثانیاً از خود آن جناب و جناب حکمت رئیس مجلس شورایملی وجناب ابراهیم حکیمی وجناب محمد ساعد وجناب سید محمد صادق طباطبائی وتیمسار سپهبد امیر احمدی وزیر جنگ و جناب سمیعی رئیس کل تشریفات دربار شاهنشاهی»

ساعت ٥ بعدازنیمه‌شب ۲۷ تیر اعلیحضرت همایونی از فرودگاه مهرآباد با هواپیمای (دوك آف گلوستر) برادر پادشاه انگلستان که برای مسافرت شاه بتهران آمده بود بجانب لندن پرواز کرد.

ملتزمین رکاب عبارت بودند از آقایان محمود جم وزیر دربار ، هرمز پیر نیا رئیس تشریفات ، حسینعلی قراگوزلو آجودان سویل ، سرتیپ دکتر ایادی طبیب مخصوص ، سرتیپ حجازی و سرهنگ انصاری آجودان های مخصوص و دکتر مصباح زاده مدیر روزنامه کیهان و محمد علی مسعودی سردبیر روزنامه اطلاعات .

هواپیمای اعلیحضرت و ملتزمین غروب این روز وارد جزیره مالت شد.

شاهنشاه شب را در آن جزیره بسر برده و فردا ببازدید مؤسسات شهر پرداخت و ساعت ۱۱ و نیم صبح ۲۹ تیر بسوی لندن پرواز کردند .

هواپیما پس از عبور از کشورهای بین راه ساعت ۳/۲۵ دقیقه بعد از ظهر بوقت لندن وارد فرودگاه (بررتهلت) لندن شد .

در فرودگاه والاحضرت (دوك اف کلوستر) برادر پادشاه انگلستان و معاون وزارت خارجه و فرماندهان نیروهای زمینی و هوائی و دریائی و سفیر کبیر و اعضاء سفارتخانه ایران حضور داشتند و مراسم استقبال بعمل آمد .

اعلیحضرت پس از عبور از جلو گارد احترام باتفاق والاحضرت دوك کلوستر بطرف کاخ سلطنتی بوکینگهام حرکت کرد .

در مدخل کاخ اعلیحضرت ژرژ خیر مقدم گفته و در معیت پادشاه انگلیس از جلو گارد احترام گذشت .

در سرسرای قصر ملکه و شاهزاده خانم الیزابت و سایر خانواده های سلطنتی با اعلیحضرت آشنا شده و پس از صرف چای پادشاه بقصر مخصوصی که برای اقامت اعلیحضرت آماده شده بود راهنمائی شد.

ساعت ۸ و ربع باتفاق پادشاه و ملکه و شاهزاده خانمها بتآتر رفت و بعد از پایان نمایش شام را مهمان پادشاه و ملکه بود .

صبح ۳۰ تیرماه برای بازدید هواپیماهای «وامپایرجت» رفته و پس از بازدید کلیهٔ قسمت های این ایستگاه و صرف ناهار بلندن باز گشته و شب را در مهمانی پادشاه انگلستان شرکت نمود در این مهمانی بغیر از اعضاء سلطنتی ملکه ماری مادر پادشاه



درضیافتیکه پادشاه انگلستان بافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ترتیب داد

انگلیس ، مستر اتلی نخست‌وزیر ، مستر بوین وزیر امورخارجه و مستر چرچیل حضورداشتند.

نهار ۳۱ تیر نیز مهمان شاهنشاه و ملکه بود بعد از ظهر از مجلس عوام دیدن کرده وعصر در گاردن پارتی پارتی کاخ بوکینگهام که باحضور خانواده سلطنتی و هیئت دولت و رجال و نمایندگان سیاسی برپا بود شرکت نمود.

پس از پایان مراسم گاردن پارتی بکاخ مخصوص رفته ودر این وقت پادشاه و ملکه در کاخ حضور یافته و مراسم خداحافظی بعمل آمد و اعلیحضرت همایونی در قبال اهداء نشان وحمایل ویکتوریا از طرف پادشاه انگلیس نشان پهلوی را به پادشاه انگلیس داد.

اعلیحضرت پس از سه روز اقامت در کاخ بوکینگهام بسفارت کبرای ایران رفته ودر آنجا اقامت گزید.

صبح اول مرداد بمرکز فرماندهی نیروی هوائی انگلستان رفته و پس از بازدید قسمت‌های مختلف برای حضور در ضیافتی که بافتخار ایشان از طرف شهردار لندن برپا شده بود بشهرداری لندن رفت.

شب نیز در عمارت داونینگ استریت شماره ده مهمان نخست وزیر انگلستان بود

روز دوم مرداد آزمایشگاههای معروف نفت در «سن برى» را بازدید کرده و ناهار را در بریتینگ هوز، اداره مرکزی شرکت نفت ایران و انگلیس صرف نمود.

روز سوم مرداد دانشگاه «اکسفورد» و دانشکده «ایتن» را دیدن نموده و فردای آن روز بندر تاریخی «پرتسموت» و تأسیسات نظامی و دریائی انگلستان را تماشا و نهار را با دریاسالار ویلسن در کشتی معروف ویکتوری صرف کرد.

روز پنجم مرداد در مراسم اسب دوانی که در نزدیکی لندن ترتیب داده شده بود شرکت جسته و شام را مهمان لرد لوئی مونت باتن نایب السلطنه سابق هندوستان بود.

روز ششم مرداد به «لل ورت» مرکز نیروی توپخانه انگلستان رفته و نمونه‌های تانک‌هائیکه در زمان جنگ ساخته شده بود دیدن کرد.

روز هفتم مرداد درمراسم گشایش مسابقه‌های المپیك شرکت نموده و شب را آقای سفیر کبیر ایران ضیافتی در مهمانخانه «کلاریج» داد که در آن جمعی ازاعضاء خانواده سلطنتی ورجال انگلستان دعوت داشتند.

فردای این روز پادشاه برای دیدن کارخانه‌های معروف هواپیماسازی بریستول به آنشهر رفته و شب ازطرف «هربرت موریسن» یکی ازاعضاء کابینه انگلستان ضیافتی بشام بافتخار اعلیحضرت همایونی داده که پادشاه مدتی با بوین وزیر خارجه انگلستان دراین مجلس ضیافت صحبت نمود.

عزیمت بفرانسه

روز یکشنبه دهم مرداد اعلیحضرت بکاخ بکینگهام رفته و برای خداحافظی دفتر پادشاه وملکه انگلستان را امضاء نمود و پس ازبازدید موزه «بریتیش موزیم» بفرودگاه «نورتهلت» عزیمت ودرحالیکه لرد مونتباتن در فرودگاه حضور داشت مراسم خداحافظی بعمل آمد.

اعلیحضرت باهواپیمای برادر پادشاه انگلستان که باآن واردلندن شده بود بسوی پاریس پرواز کرد وساعت ۱۲/۵ وارد فرودگاه پاریس شد.

درفرودگاه «لوبورژه» پاریس مسیو آندره ماری نخست وزیر وسایر وزیران فرانسه وسفیر کبیرایران واعضاء سفارت حضورداشتند.

شاهنشاه ازفرودگاه بسوی هتل «گرین بون» محل اقامت حرکت کردوعصر این روز دسته گلی برسرقبرسرباز گمنام گذاشته ودرساعت ۵ بعدازظهر در ضیافت نخست وزیر فرانسه شرکت نمود.

صبح یازدهم مرداد ازنمایشگاه آثارایران درپاریس دیدن کردوظهر نخستین ملاقات را بامسیو ونسان اوریل رئیس جمهور فرانسه نموده وناهاررا با رئیس جمهور صرف کرد وچای را مهمان مسیودوگل شهردارپاریس وشام را دروزارت امورخارجه صرف نمود.

صبح روز سه‌شنبه دوازدهم مرداد پادشاه بمقبره ناپلئون که در بنای یاد بود «انوالید» است رفته وپس ازاینکه درسرقبرپیشوای فقید فرانسویان چند ثانیه بحال

احترام ایستاد بعد موزه ناپلئون را بازدید نمود در این موزه لباسها و اسباب و اثاثیه شخصی و یك تختخواب سفری و یك میز کوچك و دو صندلی وجود داشت.

آنگاه موزه (لوور) را که حافظ گنجینه‌های گرانبها از آثار یونان - ایران - رم - مصر و آسور میباشد دیدن نموده و پس از اینکه در سفارت ایران با ایرانیان مقیم پاریس را ملاقات کرد بسوی ورسای حرکت نمود.

ورسای که یکی از نقاط زیبای حومه پاریس است شاهد حوادث مهم تاریخ فرانسه میباشد.

سلاطین فرانسه در این شهر قصور و پارك‌های مفصلی برپا نموده و این نقطه از زمان سلطنت لوئی چهاردهم تا شروع انقلاب کبیر فرانسه مقر سلاطین بود. شاهکار های هنری عالم از تابلوهای نقاشی، ظروف چینی و مبل و میز و اثاثیه و قالی‌های نفیس ایرانی موزه‌ای در این قصور تشکیل داده است این شهر هنگام محاصره پاریس از طرف پروسها اشغال شد و در اطاق آئینه زیبای آن پروسها امپراطور خود را بر تخت نشاندند در همین اطاق آئینه، عهدنامه صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ امضاء شد.

اعلیحضرت همایونی پس از بازگشت از ورسای آموزشگاه هوا پیمائی فرانسه را بازدید و شب را آقای سهیلی سفیر کبیر ایران در فرانسه مجلس ضیافتی برپا کرد که در آن رئیس جمهوری فرانسه و نخست وزیر و سایر شخصیتها حضور داشتند.

روز چهارشنبه ۱۳ مرداد ضیافت رسمی باحضور رئیس جمهور فرانسه برپا بود که اعلیحضرت در خصوص مناسبات دوستی بین دو کشور شعری از حافظ خواند.

درخت دوستی بنشان که کام دل ببار آرد

درخت دشمنی بر کن که رنج بیشمار آرد

رئیس جمهوری فرانسه در پاسخ اظهار داشت:

(درخت دوستی ما از قدیم کاشته شده و روابط فرهنگی که ما بین دو کشور داریم مؤید این دوستی قدیم است).

در این ضیافت رئیس جمهوری فرانسه نشان پهلوی از شاهنشاه ایران گرفته و شاهنشاه ایران نشان عالی صلیب جنگ بانخل را از رئیس جمهوری دریافت داشت.

شاهنشاه درهمین روز مدرسه نظام فرانسه درسمور را بازدید کرد وروز پنج‌شنبه ۱۴ مرداد بسوی «دوویل» محل پیاده شدن نیروهای متفقین رفته و پس از یکروز اقامت در آنجا روز شنبه بپاریس باز گشت و بعد از اینکه از مسجد مسلمانان ایران در پاریس بازدید کرد بمناسبت عید فطر پیامی وسیله رادیو بمسلمانان جهان فرستاد.

ناهار این روز مهمان مسیو ادوارد هریو بود و عصر به «نیس» جنوب فرانسه عزیمت کرد و پس از سه روز اقامت در این شهر روز ۱۹ مرداد بسوی کشور سوئیس پرواز نمود.

حرکت به سوئیس

اعلیحضرت ساعت ۱ بعد از ظهر ۱۹ مرداد وارد فرودگاه برن شده و بکاخ «لون» محل اقامت رهسپار شد و در ساعت ۱۶ در مهمانی مراسم آشنائی که از طرف رئیس شورای کشورهای متحده سوئیس در عمارت ریاست جمهوری داده شده بود حضور یافت.

کشور سوئیس مملکتی است فدرایتو که از عده‌ای از کشورهای کوچک تشکیل شده و رئیس شورای کشورهای متحده سمت ریاست جمهوری را دارد.

هنگام ورود بکاخ شیپورچی‌های کاخ ریاست جمهور آهنگ مخصوصی را نواختند و چند تن آتشبار توپخانه شلیک کردند نظامی مراسم احترام را بجای آورد و پس از اینکه کلیه وزیران سوئیس از طرف مسیو ایکوسلو رئیس شورای متحده معرفی شدند بیاناتی بین اعلیحضرت و رئیس شورا مبادله گردید.

شب نیز از طرف رئیس شورای متحده شام مجللی بافتخار شاهنشاه ایران در کاخ (وایت ویل) داده شد

اعلیحضرت همایونی در مدت اقامت در سوئیس آزمایشگاه هواپیماهای جنگی سوئیس در اوسرن و کارخانه‌های مسلسل سازی شهر «تون» را بازدید کرد و چند روز در شهر «رول» در کنار دریاچه ژنو که سابق دوران تحصیل را در این شهر میگذراند اقامت نموده و روز ۲۷ مرداد از فرودگاه ژنو بسوی ایتالیا پرواز کرد.



پهلوی دوم محمد رضا شاه در ایتالیا

عزیمت بایتالیا

در فرودگاه رم سنیور لویژی اینودی رئیس جمهوری ایتالیا و آلسیدو دوگاسپری نخست وزیر و هیئت دولت و نمایندگان سیاسی خارجی و نمایندگان مجلس و سناتورها حضور داشتند .

پس از آنکه گارد نظامی مراسم احترام را بجای آورد اعلیحضرت همایونی باتفاق رئیس جمهور ایتالیا سوار اتومبیل رو باز شده و از خیابانهای معروف رم که دو طرف آن نیروی پلیس و جمعیت کثیری گرد آمده بودند گذشته و وارد عمارت معروف «کرنیال» شد . شب در ضیافت شام رئیس جمهوری شرکت کرده و ناهار ۲۸ مرداد مهمان دوگاسپری نخست وزیر بود .

روز ۲۹ مرداد بسمت «کاستل کاندولفو» حرکت و پاپ پی دوازدهم را در کاخ ییلاقی ملاقات نمود، و آنگاه بشهر رم باز گشت :

روز ۳۰ مرداد بسمت فلورانس عزیمت و روز جمعه پنجم شهریور مستقیماً بطرف ایران پرواز و وارد فرودگاه مهرآباد شد .

رئیس جمهوری ایتالیا در موقع اقامت در رم نشان صلیب جنگی ایتالیا و نشان عالی خلبانی را بشاهنشاه داد .

واقعه پانزدهم بهمن

سوء قصد نسبت باعلیحضرت همایونی

پس از بازگشت اعلیحضرت همایونی از مسافرت اروپا دستورهائی در بارهٔ اصلاح امور کشور دادند . ولیکن بدبختانه حکومت وقت در گوش خود پنبه گذاشته و قادر به اجرای اوامر شاهانه نبود .

یك چند از بازگشت اعلیحضرت سپری شد تا آنکه روز ۱۵ بهمن فرا رسید . روزهای پانزده بهمن همه ساله در دانشگاه جشن فرهنگی باشکوهی در حضور شاهنشاه برپا میگردید و دانشجویان فارغ التحصیل از دست شاهنشاه گواهینامه ها و جوائز خود را دریافت میکردند .

روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ نیز مانند سالهای گذشته اعلیحضرت برای شرکت در جشن دانشگاه از کاخ سلطنتی حرکت نمود .

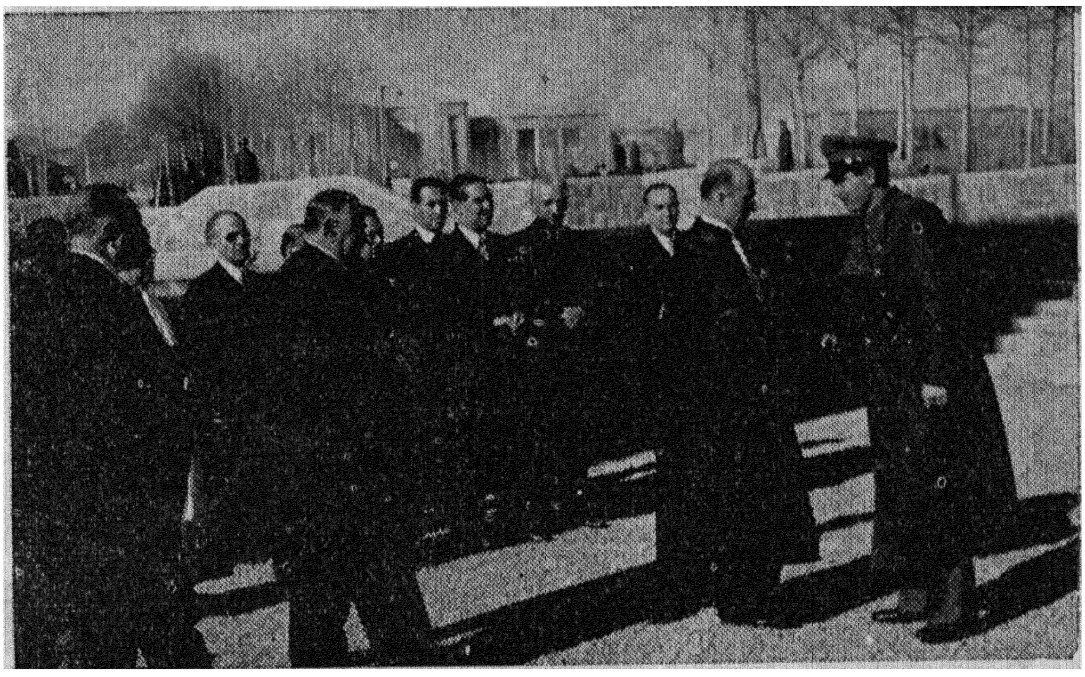

والاحضرت شاهپور غلامرضا با رجال در انتظار موکب همایونی در دانشگاه

هنگامیکه اعلیحضرت بطرف پله های در ورودی دانشکده حقوق متوجه شد ناگهان صدای تیری بلند شد . بلب بالای شاهنشاه خورد اعلیحضرت سرخود راپائین آورد ازلب وبینی شاه خون بیرون میزد دراینموقع تیرهای دیگری بطرف شاهنشاه شلیك شد اعلیحضرت دست خودراجلوی صورت گرفت .

شاه باوجود جراحتی که بایشان وارد شده بود خونسرد بنظر میرسید ، ضارب قیافه یك مرد سبع ودیوانه راداشت اسلحه بدست ایستاده بود آدم متوسط القامه‌ای بود وکت قهوه‌ای بتن داشت شاهنشاه بقیافه وحشت انگیز ضارب نگاه میکرد .

پنج تیر از طرف او شلیك شد ودراین وقت سرهنگ دفتری اعلیحضرت همایونی رابطرف اتومبیل هدایت نمود ولی شاهنشاه هنوز مایل نبود وارد اتومبیل شود ، مأمورین پلیس مانع ازخروج اتومبیلهای رؤسای دربار و وزیران بودند .

اعلیحضرت همایونی به بیمارستان ارتش در یوسف آباد رفت . در بیمارستان

عده ای جمع بودند . دکتر اقبال ویك پزشك نظامی مژده سلامتی شاه شاه را دادند .

وقتی تیراندازی چون صاعقه‌ای صدا کرد هیچکس انتظار چنین عمل را نسبت به شاهنشاهی که ملت پروراست ودر قلب مردم‌جای دارد نداشت ،همه‌مات ومبهوت بودند .



پس‌ازاصابت تیراعلیحضرت شاهنشاه‌بادستمال نالع خونریزی میشوند

وقتی تیرهای‌اول‌صدا کرد اعلیحضرت ساکت‌بودوقتی تیرچهارم دررفت‌و به‌لبشان‌خورد شاهنشاه فقط آهسته گفت: (آه) اعلیحضرت دراین وقت دورخود پیچ خورد که ناگاه تیرپنجم‌بپشت‌ایشان‌خالی‌شد هنگامی که‌شاهنشاه بطرف‌اتومبیل میرفت‌سرخود را برگردانیده بطرف صحنه وسوء قصد نگاه میکرد مثل این بود که نمیخواست داخل‌اتومبیل‌شود پس‌ازآنکه‌ضارب پنج‌تیرازطپانچه خود خالی کرد اسلحه را بطرف‌سرشاه پرتاب کرد دراین‌حال‌دو دستش‌قدری بالا بود شاید میخواست‌تسلیم‌شود هنوزهیچکس بطرف‌او نرفته‌بود دراین‌وقت فریادی‌از گوشه‌ای شنیده شد دکتربرسانید معطل‌چه هستید اورا بگیرید اطراف اورا مواظب باشید

دراین موقع بود که چندتیر بطرف ضارب خالی شد مثل این بود که از چند طرف بضارب تیراندازی میکنند سربازهای گارد جلودویدند دراین لحظه ضارب روی زمین افتاده بود اثاثیه جیبش راجستجو کردند بعد یکی هم باونزدیك شد دست ضارب را بلند کرد وقتی دست اورا ول کرد دست اوسست و بیحال افتاد .

در بیمارستان معلوم شد تیری که بپشت خورده یك خراش سطحی ایجاد کرده است در عرض راه به بیمارستان اعلیحضرت خیلی خونسرد بودو قتی اتومبیل از خیابان هامیگذشت مردم که صدای تیرها را شنیده اتومبیل شاهنشاه را میدیدند تعجب میکردند سرعت سیر اتومبیل مانع از این بود که مردم سرراه داخل اتومبیل وچهره خون آلود شاهنشاه را به بینند .

در بیمارستان اعلیحضرت صورت خودرا دراختیار دکتر نجف زاده گذاشت دکتر لب را شست وشو داد و بعد درحدود ده بخیه بلب زد یکی از گلوله ها خراشی در پشت شاهنشاه در حدود کتف چپ ایجاد کرده بود این خراش ده سانتیمتر طول داشت .

اعلیحضرت هنگامی که بخیه ها زده میشد هیچگونه احساس دردی نمیکرد .

درهمین موقع بود که علیاحضرت ملکه مادر باطاق عمل رفت . تأثر ایشان بحدی بود که درنخستین نظر باعلیحضرت همایونی حالتی نظیر ضعف بایشان دست داد . علیا حضرت را باطاق دیگری بردند . والاحضرت شمس ووالاحضرت اشرف ووالاحضرت علیرضا وحمید رضا پهلوی نیز به بیمارستان رسیدند .

پس از آنکه عمل باتمام رسید اعلیحضرت همایونی پرسید علیا حضرت کجا تشریف دارند ؟

هنگامی که شاهنشاه خودرا برای خروج از بیمارستان آماده میکرد موقا یشان را مرتب نمودند و کلاهی را که از کاغ برایشان آورده بودند بسر گذاشتند . معالجه لب شاهنشاه درحدود ده روز و پشت ایشان شش روز طول کشید .

براثر وقوع این حادثه غیرمترقبه همان روز حکومت نظامی اعلام گردید و عده ای ازمظنونین دستگیر شدند . درخلال این احوال تحقیقات مبسوطی دراطراف



شاه رئوف ومهربان وطن پرست وملت نواز ایران در بستر ، پیامی بملت فرستاده و اهالی را
بمیهن دوستی و فعالیت دعوت میفرمایند

هویت ضارب بعمل آمد و معلوم شد که مشارالیه یکی از اعضاء فعال حزب توده بوده و از مدتی پیش اندیشه سوء قصد را در سر داشت ولی فرصت مناسب برای انجام این منظور بدست نیاورده بود .

وقتی تحقیقات مأمورین بمرحلهٔ نهائی رسید و فعالیت تجزیه‌طلبانه حزب توده از بدو تشکیل تا آن تاریخ مورد مطالعه قرار گرفت معلوم شد که حزب توده با انجام این نقشهٔ شوم و خانمان برباد ده میخواست نقشهٔ استعمار ایران را عملی سازد و یک قوم تاریخی را ببردگی به بیگانگان بفروشد .

از اینرو پس از آنکه جریان باستحضار مجلس شورای ملی رسید و عموم نمایندگان از این حادثه ناگوار اظهار تأسف و تأثر کردند تصویب نمودند که حزب توده در سراسر کشور منحل شود .

بدین ترتیب حزب توده که در هفت سال فعالیت و کوشش عجیبی در تجزیه کشور و تیرگی روابط ایران با همسایگان شمالی و جنوبی بخرج داد منحل گردید وعده ای از سران آن خود را مخفی کرده و گروهی بکنج زندان افتادند در این موقع اعلیحضرت همایونی تصمیم گرفتند تحولی در کشور ایجاد نمایند لذا :

مجلس مؤسسان

در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۲۷ ساعت ۷ عصر بنا بدعوت از طرف دربار نمایندگان منتخب فراکسیون های مجلس بحضور ملوکانه شرفیاب شدند . اعلیحضرت همایونی اظهار فرمودند :

«مقصود از ملاقات امشب آقایان برای اطلاع از مطلب لازمی بود که خواستم استحضار حاصل نمایند .»

«البته آقان بخوبی استحضار دارند که وضع فعلی کشور متاسفانه فوق العاده درهم ریخته و شیرازه امور از هم گسیخته شده است فقر و فلاکت و بدبختی و بیماری مملکت را فرا گرفته و هیچ کار مفیدی در دستگاه های مؤثر کشور انجام نمیشود . مثلا پنج سال است که بودجه مملکت از تصویب مجلس نگذشته و هیچ

کونه تعدیلی هم در زندگی اجتماعی طبقات حاصل نشده و تمام این جریانات بکلی برخلاف میل وعقیده و سلیقهٔ من میباشد وتا کنون هم درموارد عدیده این مطالب رامتذکر شده ام .»

«علت واقعی این آشفتگی هم این است که مشروطیت و دمکراسی ایران شباهت بهیچکدام ازمشروطیت‌های دنیاندارد و بتصدیق مجاهدین صدر مشروطیت که عده‌ئی ازآنان دراین جلسه شرکت دارند وقانون اساسی هم بقلم آنها تدوین یافته این نقص مشروطیت ما در آن موقع جنبهٔ عمد داشته والا تردید نیست که تاتوازن بین قوای عاملهٔ مشروطیت نباشد غیراز فساد چیزی عاید کشور نخواهد شد .»

« همانطور که من ولا بد همه مخالف اختیارات مطلق قوهٔ مجریه هستیم ومعترفیم که قوهٔ مجریه را باید قوهٔ مقننه نظارت و کنترل نماید ، وبخصوص این قوه بودجه مملکتی را بادقت رسیدگی وتصویب کند، همانطور هم رئیس مملکت باید بتواند اگر خدای ناکرده قوهٔ مقننه در راه اشتباه باشد وبن بستی ایجاد شود ، باتجدید انتخابات اشکال رارفع نموده وبهرصورت عقیدهٔ جدید مردم را درك نماید .»

« پس مثل تمام ممالك دموکراتیك ومترقی دنیا که الزاماً توازن بین قواهست ماهم باید طریقی رااتخاذ کنیم که آنها پس ازسالیان دراز تجربه اتخاذ نموده‌اند .»

« بازتکرارمیکنم که در کشور مامتأسفانه مشروطیت حقیقی بمفهوم واقعی آن آنطوریکه در تمام ممالك متمدن راقیه موجود است وجود ندارد ، و عموم افراد کشور بتساوی ازمفاهیم واقعی آزادی ومشروطیت بهره‌مند نمیباشند .»

« باحق تجدید انتخابات درصورت تشخیص رئیس مملکت ، ملت بهتر میتواند درسرنوشت خود نظارت نماید وهم اینکه انتخابات خیلی صحیح تروآزادتر انجام خواهد گرفت .»

« من که حاضر هستم در هرموقعی جان خود را فدای مملکت نمایم بهیچ روی قبول نمیکنم که نام من ملعبهٔ عده‌ای ازاشخاص غافل بشود که ازنقص مشروطیت

فعلی سوء استفاده نموده و اوضاع را آشفته کرده و آیندهٔ کشور را بتباهی سوق دهند . »

« باتوجه بمراتب فوق ومشورت بارجال صدرمشروطیت مصمم شده ام که تشکیل مجلس مؤسسان بدهم واز این دعوت دومقصود دارم . یکی اینکه چون هرقانونی بتناسب پیشرفت زمان وبوجود آمدن وضعیت های تازه احتیاج بپاره ای اصلاحات پیدا میکند تابامقتضیات زمان تطبیق نماید وراه این اصلاح متأسفانه در قانون اساسی ما پیش بینی نشده است . »

« بنابراین مقصوداول یافتن راهی است که بتوان بوسیلهٔ آن اصلاحات لازمه رابنفع کشورواجتماع درموقع خوددرقانون اساسی بعمل آورد . »

« ثانیاً اصلاح اصل چهل وهشت متمم قانون اساسی. ضمناً گرمجلس شورای ملی تاموقع تشکیل مجلس مؤسسان موفق نشود که نظامنامهٔ مجلس سنا و قانون جدید انتخابات که باتوجه باصول آزادی ودمکراسی تنظیم یافته ومدت انتخابات رادرسراسر کشور بیك ماه محدود می نماید تصویب کند ایندوموضوع نیزازطرف مجلس مؤسسان مورد مطالعه قرارخواهد گرفت .

« این بود مطالبی که میخواستم بآقایان اطلاع دهم »

پس ازآن آقایان حکیمی (حکیم الملك) ومستشارالدوله صادق نیزدرتأیید فرمایشات ملوکانه بیاناتی اظهارداشته وجلسه خاتمه یافت که اوامر شاهانه راباطلاع سایر اعضاء فراکسیونها برسانند .

روز یکشنبه هفتم اسفند جلسهٔ فراکسیونها درمجلس تشکیل ونمایندگان موافقت خودرا اظهارنمودند وآقای ساعد نخست وزیر باتفاق چند نفرازوزراء در مجلس حضوریافته موافقت دولت راتیزاعلام داشت .

ساعت شش عصرآقای سردار فاخرحکمت رئیس مجلس شورایملی بحضور ملوکانه شرفیاب وموافقت مجلس رابعرض رسانید .

سه شنبه دوازدهم اسفندآقای نخست وزیردرمجلس حضور یافته وچنین اظهارداشت :

آقایان نمایندگان محترم :

اطر آقایان محترم مستحضر است که قانون اساسی ومتمم آن مصوب ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ هجری قمری متجاوز از چهل سال است که درمعرض آزمایش میباشد . تجدید نظر و تکمیل آن همیشه درمدنظر دولتهای وقت بوده است .

بطوریکه آقایان استحضار کامل دارند این موضوع مهم، مورد توجه خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی واقع ودرانجام منویات ملوکانه اوامر مؤکدی شرف صدور یافته است .

دولت این جانب جریان مذاکرات جلساتی را که راجع باین موضوع تشکیل یافته بود ضمن عریضه‌ئی به پیشگاه مبارک تقدیم داشته که عین آن برای اطلاع آقایان نمایندگان محترم قرائت میشود .

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

نظر باینکه درجلسهٔ چهارم اسفند ماه ۱۳۲۷ درموقع شرفیابی رئیس مجلس شورایملی وچاکر وهیئت وزیران وعده‌ئی ازرجال معتمد کشور تصمیم مبارک ملوکانه رامشعر بردعوت وتشکیل مجلس مؤسسان برای تکمیل قانون اساسی ومتمم آن اظهار فرمودند ، وآقایان ودولت نیزاینموضوع رامطابق مصالح کشور تشخیص دادند .

درجلسه پنجم اسفندماه ۱۳۲۷ همین تصمیم مبارک رارئیس مجلس شورایملی وچاکروعده‌ئی ازرجال معتمد کشورونمایندگان فراکسیونهای مجلس شورایملی، اتحادملی ،آزادی ، دموکرات ایران ، اتفاق ملی وترقی وعده‌ئی ازمنفردین این موضوع رالازم دانسته وموافقت نمودند ، لذاصدورفرمان مبارک ملوکانه را در موارد ذیل برای دعوت مجلس مؤسسان استدعا مینماید :

۱ ـ تجدید نظر وتکمیل اصل ٤٧ قانون اساسی .

۲ ـ تنظیم وتصویب اصل جدیدی بمنظور تعیین طرحی برای تجدید نظر در اصول قانون اساسی ومتمم آن .

۳ ـ تجدید نظردر اصل ٤٤ قانون اساسی در صورتیکه تاموقع تشکیل مجلس مؤسسان نظامنامه مجلس سنا ازتصویب مجلس نگذشته باشد .

نظامنامهٔ انتخابات مجلس مؤسسان بضمیمه ازلحاظ مبارك میگذرد

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس ازملاحظهٔ عریضهٔ دولت ضمن دستخط مبارك دولت رامأمورتشکیل مجلس مؤسسان فرموده‌اند .

عین فرمان مبارك برای استحضارآقایان قرائت میشود

جناب محمد ساعد نخست وزیر

شرحی که درتاریخ نهم اسفند ماه۱۳۲۷ راجع بتشکیل مجلس مؤسسان معروض داشته بودید بضمیمهٔ نظامنامهٔ مربوطهٔ بآن ملاحظه شد .

بموجب این دستخط امرومقررمیداریم که دولت درتشکیل مجلس‌مؤسسان اقدام نماید .

کاخ مرمر ۹ اسفند ماه ۱۳۲۷

نطق افتتاحیه

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

درمجلس مؤسسان

بنام خداوند متعال مجلس مؤسسان راافتتاح می‌نمائیم .

دراین هنگام که‌ملت ایران به‌نیت اصلاح وتکمیل قانون‌اساسی نمایندگان برگزیده خودرابراین مجمع گسیل داشته است لازم‌میدانیم آقایان نمایندگان راباهمیت وسنگینی وظیفه‌ای که‌بردوش آنهااست وعظمت مسئولیتی که دربرابر خداوخلق دارند متوجه سازیم وخدمت خطیری راکه برعهدهٔ ایشان محول‌شده است خاطرنشان کنیم تابااستحضاربه‌تأییدات خداوندی واصول مقدس ولایتغیر دین مبین اسلام‌وشریعت مطهرحضرت‌خیرالانام بانجام‌این‌خدمت ملی قیام‌نمایند.

اگرچه آقایان نمایندگان بعلل و موجباتی که باعث انعقاد این مجلس گردیده‌کاملا واقف هستند وهمچنین معایب ومفاسدی راکه‌بزامور کشورمستولی

شده است برای العین می بینند معهذا بر سبیل تذکار که خود موجب انتباه و اصلاح است لازم میدانیم خاطرنشان نمائیم که اگر اوضاع کشور را مخصوصا در سالهای اخیر مورد بررسی قرار دهیم با کمال تأسف باید اذعان کنیم که این توجه بر خاطرات



اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی در موقع افتتاح مجلس مؤسسان

گذشته جز تأثر و آزردگی خاطر از آشفتگی اوضاع و اختلال عجیب امور که گاهی رنگ افراط و زمانی جنبهٔ تفریط داشته نتیجهٔ دیگری نخواهد داشت .

مقامات مسئول کشور که علت غائی وجود آنها تمهید رفاه و سعادت ملت است بواسطهٔ نواقص موجود متأسفانه در این مدت نتوانسته اند درک این مقصود را بنمایند و در طریق این منظور مقدس گام مؤثری بردارند .

علت العلل بروز این معایب همان عدم رعایت اصل تعادل قوای ثلاثهٔ کشور است که برخلاف اصول معمول درتمام دمکراسی های جهان در قانون اساسی ما که تحت تأثیر اوضاع زمان ونگرانیهای موجوددرآن موقع تدوین یافته ، این اصل مسلم بطوریکه شاید مورد رعایت قرار نگرفته وعدم توازن وهماهنگی در قوای سه گانهٔ کشوربوجود آمده است .

درنتیجهٔ این عدم توازن هیچوقت قوهٔ مجریه نتوانسته است که با اتکاء بقوهٔ مقننه عمرودوامی داشته واوقات گرانبهای کشوررا صرف اصلاح امورجامعه نماید چنانکه قوهٔ مقننه هم نتوانسته است که بر وظیفهٔ اصلی خود قیام کرده بودجهٔ کشور را درمواقعی که طبق قانون اساسی مقرر است تصویب ونظارت کامل خودرادردخل و خرج مملکت اعمال ،ولوایح مفیدی را که از طرف دولت پیشنهادمیگرددتصویب نماید . .

متأسفانه قوهٔ قضائیه نیز ازتأثیر سوءاین جریان نامطلوب بر کنار نبوده وباکمال ملال باید اذعان کنیم که اساس عدالت وبنیان قضاوت صحیح که باعث ایجاد اعتماد واطمینان درجامعه است هنوز بکیفیت مطلوب موجود نیست .

ادامهٔ چنین وضعیت نامطلوب البته اساس هستی واستقلال کشور کهنسال و پرافتخار مارا دچار خطر مینمود وبرای افراد مملکت وبالاخص برای شخص ما که افتخار ریاست آنرا داریم دغدغهٔ خاطرونگرانی بسیار ایجاد میکرد .

تمام این وضعیت مارا وادار برآن نمود که برای چاره اندیشی ونجات مملکت وتأمین سعادت ملت دراین موقع که جهان دقایق حساس تاریخ خودرا طی مینماید ملت را به تشکیل مجلس مؤسسان دعوت نمائیم .

اکنون انجام این وظیفه مهم را که ضامن سعادت واستقلال کشوراست بدست شما برگزیدگان ملت میسپاریم .

امیدواریم که درانجام این وظیفهٔ خطیرخدای متعال راشاهد وناظراعمال و افکار خود قرارداده وتکلیف اجتماعی خویش راباحسن وجه انجام دهید .

آقایان نمایندگان باید اوضاع حساس جهان رادرنظربگیرید وبیادآورید

که مملکتی پایدار وسعادتمندخواهدبود که بامقتضیات زمان وتمدن مترقی هم آهنگ باشدوتحول دنیاپسند ومطلوب را در کلیه کشورساری وجاری سازد .

بنیان اساس کشور رابرروی قوانین متین استوار وبرقرارنمائید که ضامن اصول ترقی وعدالت اجتماعی باشد وازاین پس هم قوهٔ مقننه وهم قوهٔ مجریه بتوانند بافراغت خاطر درضمن مبارزهٔ خستگی ناپذیر باعوامل فساد ونادرستی در راه تأمین سعادت ایران وایرانیان بوسیلهٔ ایجادکارهای مولد ثروت وبکارانداختن منابع طبیعی وخداداد کشور که برطبق قوانین جدید اجتماعی بطورعادلانه تری بین افرادتوزیع شده وموجب ترقی سطح زندگی عموم گردد قدمهای سریع بردارند واصول مسلم سعادت اجتماعی را که عدالت صحیح ومعیشت کافی از قبیل خوراك و لباس ومسکن برای همه وفرهنك عمومی وبهداشت میباشدجهت عموم افراد کشور تأمین نمایند تابادرك مفاهیم حقیقی و واقعی دمکراسی ، کشوری آباد وآزاد بوجودآورند که بتوانند مانند گذشته پرافتخار خود دعوی همسری با سایرملل مترقی جهان نماید .

رجاء واثق داریم که باتأییدات خداوندمتعال وتوجهات ملل خواهیدتوانست وظیفهٔ ملی خودرا باسربلندی وافتخارانجام داده درمقابل تاریخ نامی نیك وذکری جاوید باقی گذارید .

در خاتمه توفیق شمارا درحسن انجام وظیفهٔ محوله ازدرگاه باری تعالی مسئلت می نمایم .

☆☆☆

پس ازبازگشت موکب ملوکانه مجلس مؤسسان بریاست سنی آقای حکیمی ومنشیگری آقایان اسدالله علم، امیدسالار ، اعظمی وشمس صدری تشکیل گردید .

آقای حکیمی ابتدا نطقی ایراد ودرضمن آن پس ازشکرگذاری ازخداوند که بایشان وچندنفردیگر توفیق عنایت فرموده که درتصویب قانون اساسی چهل وسه سال قبل وهم درتکمیل کنونی آن شرکت نمایند وطلب مغفرت برای بانیان اظهار داشت :

« آرزومندم همانطور که این مجلس نشانه وحدت ملی ایرانیان است عموم هموطنان از این پس جز جادهٔ اتحاد و اتفاق و همکاری واقعی راهی اختیار نکنند که سعادت در این رویه است .

پس از آن اقدام بانتخابات شعب ششگانه شد (برای هر شعبه ٥ نفر) و آقایان امام جمعه و حکیمی و یمین اسفندیاری و اکبر مسعود و منصور و رفیع بریاست شعب ششگانه انتخاب شدند .

بعد از تنفس طبق پیشنهاد آقای منصور آقای سید محمد صادق طباطبائی با کثریت ۲۰٤ رأی از ۲۳٤ نفر عدهٔ حاضر بریاست مجلس مؤسسان انتخاب گردید و بمقام ریاست قرار گرفته ابتدا از آقای حکیمی و حضار تشکر نموده و بعد ختم جلسه را اعلام داشت

جلسهٔ دوم

ساعت پنج و نیم روز شنبه سوم اردیبهشت جلسه رسمی مجلس مؤسسان تشکیل و صورت جلسه پس از تذکر اصلاحی دو نفر از نمایندگان (ابوالقاسم امینی و رضوی) تصویب گردید

آقای طباطبائی رئیس مجلس نطقی بیان داشته از آقایان حکیمی و سایر نمایندگان اظهار تشکر نمودند و بیان داشتند « کوشش در تعظیم قیام و حراست قانون اساسی که میثاق ملی است نیز ضروری و الزامی میباشد و توجه و احساسات عمومی نیز در هر مجاهده ایکه در راه حفظ و احترام قانون اساسی باشد هواخواه و طرفدار ما خواهد بود و در چنین موقع که جهان با سرعت بی نظیری در راه ترقی و تکامل پیش میرود هر گونه تحیر و تردید و توقف برای یک ملت خطرناک ترین حالتی است که بتصور آید .

بر ما لازم است که از جریانات نامطلوب گذشته پند گرفته و در مقابل خدا و میهن وظایف وجدانی خویش را دقیقاً انجام دهیم و استفاده از آثار عظیمهٔ این قانون را امری جدی ساخته حرمت حریم و حفظ مقام آن را برای همیشه بر بلندترین پایه استحکام و عظمت قرار دهیم .

بدون توجه وتمایل بهر نظر خصوصی وظیفهٔ عمومی وبزرگی که برعهدهٔما موکول شده بافکرعمیق ومآل اندیشی ومساعی جدی تنها با استفاده وعلاقه به مصلحت مملکت وملت بپایان رسانیده و دراثر حسن عمل وظیفهٔ خدمتگذاری را ادا ورضا وخشنودی خداوند متعال وتوجه اولیای اطهار خدارا اجر و مزدخویش سازیم وبا وجدانی آسوده وآرام ازدنیا برویم

پس ازنطق آقای رئیس نظامنامهٔ مجلس مؤسسان باقیام وقعود بتصویب رسید و بعدشروع بانتخاب دونفرنواب شد که بالنتیجه آقایان بیات با ۱٤٦ رأی وحسن علی کمال هدایت با ۱۲۹ رأی بنیابت انتخاب گردیدند

پس ازآن اقدام بانتخاب چهارنفرمنشی شد که بالنتیجه آقایان فولادوند با ۱۳۵ رأی واحمد دهقان با۱۲٦ رأی بمنشیگری انتخاب شدند وچون دونفر دیگر اکثریت نداشتند انتخاب بقیهٔ هیئت بجلسهٔ بعد موکول گردید

جلسهٔ سوم

روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ساعت پنج وچهل وپنج دقیقه‌عصر تشکیل وآقایان پالیزی وافخمی وپناه ایزدی بکارپردازی وآقایان دکترمجتهدی وصدر زاده بمنشیگری انتخاب شدند

جلسهٔ چهارم

در ۸ اردیبهشت تشکیل ، پس ازآنکه گزارش کمیسونها راجع بصحت انتخابات اغلب شهرستانها قرائت شد ، آقای نخست وزیر توصیه کردند که حق انحلال مجلس شورا باعلیحضرت داده شود .

جلسهٔ پنجم

روز شنبه ۱۰اردیبهشت تشکیل وشعب کمیسیون ها برای مطالعه‌انتخاب وپس‌از اجتماع ، آقایان‌امام جمعه رابریاست وسید عبدالمهدی طباطبائی‌رابنیابت ریاست برگزیدند

جلسهٔ ششم

در ۱۵ اردیبهشت تشکیل آقای‌عماد تربتی بعنوان مخالف باگزارش کمیسیونها صحبت بسیارمنطقی‌ومفصلی کردند . بعدآقای کشاورز صدر بعنوان موافق‌نطقی

ایراد وپس ازآن آقای نراقی بعنوان مخالف اظهارداشتند ، گزارش کمیسیون حقوق مجلس شورای ملی را تضییع کرده است ،

جلسهٔ هفتم

روز شنبه۱۷اردیبهشت تشکیل واصل الحاقی بمتمم قانون اساسی با اکثر ۲۳۰ رأی تصویب شد .



اعضای کمیسیون مطالعهٔ مجلس مؤسسان

اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی

«درهرموقعی که مجلس شورای ملی ومجلس سناهریك جداگانه خواه مستقلا وخواه نظر بپیشنهاددولت لزوم تجدید نظردریك یاچند اصل معین ازقانون اساسی یامتمم آنرا باکثریت دوثلث کلیهٔ اعضاء خود تصویب نمایند واعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز نظرمجلسین راتأیید فرمایند ، فرمان همایونی برای تشکیل مجلس مؤسسان وانتخاب اعضاء آن صادرمیشود ».

«مجلس مؤسسان مرکب خواهد بود از عده‌ئی که مساوی باشد با مجموع عدهٔ قانونی اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا ـ انتخابات مجلس مؤسسان طبق قانونی که بتصویب مجلسین خواهد رسید بعمل خواهد آمد. اختیارات مجلسین مزبور محدود خواهد بود بتجدید نظر در همان اصل یا اصول بخصوصی که مورد رأی مجلسین و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده است. تصمیمات مجلس مؤسسان با کثریت دو ثلث آراء کلیهٔ اعضاء اتخاذ و پس از موافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معتبر و مجری خواهد بود.»

«این اصل شامل هیچیك از اصول قانون اساسی و متمم آن که مربوط بدین مقدس اسلام و مذهب رسمی کشور که طریقهٔ حقهٔ جعفریهٔ اثنی عشریه میباشد و احکام آن و یا مربوط بسلطنت مشروطهٔ ایران است نمیگردد و اصول مزبور الی الابد غیر قابل تغییر و تفسیر است.»

«درمورد اصول ٤ و ٥ و ٦ و ٧ قانون اساسی و تفسیر مربوط باصل هفتم و همچنین اصل هشتم قانون اساسی و اصل ٩٤ متمم آن باتوجه بسابقه و قوانینی که نسبت بعضی از اصول وضع شده است، یکبار مجلس شورای ملی و مجلس سنا که پس از تصویب این اصل منعقد خواهند شد بلا فاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین در اصول مزبور تجدید نظر خواهند نمود و برای این منظور مجلس واحدی تحت ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل داده و اصلاحات لازم را با کثریت دو ثلث آراء کلیهٔ اعضاء مجلسین بعمل خواهند آورد تا پس از آنکه از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تأئید گردید، بصحهٔ ملوکانه موشح شده معتبر و مجری خواهد بود

☆ ☆ ☆

جلسه هشتم روز یکشنبه ۱۸ اردیبهشت تشکیل و اصل چهل و هشتم قانون اساسی را بوضع زیر تغییر داد. در واقع مهمترین جلسات مجلس مؤسسان همین جلسه بود زیرا منظور و مقصود از تشکیل این مجلس تغییر اصل چهل و هشتم قانون اساسی بود که در این جلسه عملی شد

اصل چهل و هشتم

«اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هریك از مجلسین شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هردو مجلس را در آن واحد منحل نماید».

«در هر مورد که مجلسین یا یکی از آنها بموجب فرمان همایونی منحل میگردد باید در همان فرمان انحلال، علت انحلال ذکر شده و امر بتجدید انتخاب نیز بشود».

«انتخابات جدید در ظرف یکماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور باید منعقد گردد».

«مجلس جدید که پس از انحلال تشکیل میشود برای یکدورهٔ جدید خواهد بود نه برای بقیهٔ دورهٔ مجلس منحل شده، مجلس یا مجلسین جدید را نمیتوان مجدداً برای همان علت منحل نمود».

«هر گاه در مورد طرح یا لایحهٔ قانونی که دو دفعه از مجلسی به مجلس دیگر رجوع شده است، بین مجلس سنا و مجلس شورای ملی توافق نظر حاصل نشود، کمیسیون مختلطی مرکب از اعضای مجلسین که بعدهٔ مساوی از طرف هریك از مجلسین انتخاب میشود تشکیل و در مورد اختلاف رسیدگی کرده گزارش خود را به مجلسین تقدیم مینماید. هر گاه مجلس سنا و مجلس شورای ملی گزارشی را که کمیسیون مختلط داده است تصویب نمودند، قانون مزبور برای توشیح صحهٔ ملوکانه ارسال میشود».

«در صورتیکه مجلسین در گزارش کمیسیون مختلط نیز توافق نظر حاصل نکردند مورد اختلاف بعرض ملوکانه میرسد هر گاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نظر مجلس شورای ملی را تصویب فرمودند امر باجرا میدهند والا موضوع تا شش ماه مسکوت مانده و عندالاقتضا ممکن است بعد از انقضای این مدت بعنوان طرح یا لایحهٔ جدیدی در یکی از مجلسین مطرح شود».

«اصل ۴۸ و هریك از اصول دیگر قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعدة الحرام ۱۳۲۴ قمری و متمم آن که مخالف مقررات این اصل است نسخ میشود».

آخرین جلسهٔ مؤسسان

مجلس مؤسسان آخرین جلسهٔ خودرادرساعت شش‌ودوازده دقیقهٔ عصر ۲۰ اردیبهشت تشکیل داد .

آقای نخست وزیرپس ازتقدیرازخدمات نمایندگان وتصویب اصل ۴۸ قانون اساسی آنهارابآینده امیدوارساخت .

پس ازآن آقای سید محمد صادق طباطبائی ازاینکه خدمات نمایندگان مورد توجه‌ملت واعلیحضرت‌واقع شده،ابرازامیدواری وخوشوقتی نمودودرساعت شش وسه ربع مجلس مؤسسان پایان یافت .

ساعت ۵ ونیم بعدازظهرروز ۲۱ اردیبهشت آقایان نمایندگان مجلس مؤسسان درکاخ مرمر بحضورملوکانه شرفیاب،آقای سید محمد صادق طباطبائی متن اصل الحاقی واصل ۴۸ قانون اساسی راکه باخط زیبائی نوشته شده وتزئین گردیده بود ، تقدیم داشت .

پس ازآن اعلیحضرت همایونی بیاناتی ایراد نمودند ودرخاتمه سوگند یادکردند نسبت بحفظ قانون‌اساسی واجرای آن وفادارباشند .

هنگامیکه برای صرف چائی بتالارتشریف فرماشدند بآقای وزیرداد گستری دستورداد ند که بمیمنت این روز، پیشنهاد عفومدیران جراید غیرتوده ئی‌رانهیه و تقدیم دارد .

مجلس ساعت هفت ونیم خاتمه یافت .

مسافرت شاهنشاه بامریکا

روز یکشنبه ۲۲ آبان ۱۳۲۸ اعلامیه ای ازطرف وزارت دربارشاهنشاهی انتشاریافت دائر براینکه روزه۲آبانماه شاهنشاه ایران‌وارد واشنگتن‌خواهدشد اعلامیه‌مزبورچنین حاکی‌بود :

موکب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی برحسب دعوت رسمی حضرت رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکاچنانکه باطلاع عموم اهالی رسیده‌است

روز ۱۶ نوامبر مطابق با ۲۵ آبانماه ۱۳۲۸ بواشنگتن ورود خواهند فرمود و حدا کثر مدت مسافرت شاهانه چهل روز خواهد بود .

روز سه شنبه ۲۴ آبان ۱۳۲۸ اعلیحضرت همایونی با هواپیمای مخصوص پرزیدنت ترومن تهران را ترك نمود و پیش از پرواز پیام ذیل را خطاب بملت ایران ایراد کرد .

ملت عزیزم

درراه انجام وظایفی که مسئولیت خطیر سلطنت برعهده‌ام محول داشته بار دیگر خاك میهن عزیز را ترك میکنم برای من که شبانه‌روز افکار و مجاهدتم متوجه سعادت وخیر شماست این مفارقت سخت خواهد گذشت ولی امیدوارم در پرتو لطف پروردگار بخوبی بر گذار شود و بتوانم در آینده نزد یکی بازازهمین جا درود بآن ملت عزیز بفرستم .

میدانم که دراین سفرهم مانند سایراوقات افکارخبر شما بامن خواهد بود احساسات بی ریاوصادقانه شما همواره مورد تقدیرمن بوده است وامیدوارم بتوانم درآینده هم گامهای مؤثربرای رفاه وسعادت شما بردارم

خدای بزرك حافظ ایران ویاروپاور شما باشد

بعد از ظهر روز ۲۵ آبان اعلیحضرت همایونی وارد فرودگاه واشنگتن گردید و مورد استقبال بی نظیر قرار گرفت .

پرزیدنت ترومن رئیس جمهوری کشورهای متحده باین قرار بشاهنشاه ایران خیرمقدم گفت :

اعلیحضرتا :

با کمال مسرت اولین مسافرت آن شاهنشاه رابامریکا خیرمقدم میگویم . من درنهایت اشتیاق منتظر ملاقات اعلیحضرت بودم وامیدوارم که درمدت اقامت خوداز نزدیك باوضاع کشورما آشنا گردید .

همچنین امیدوارم که مانیز ازحضور آن اعلیحضرت استفاده واطلاعات بیشتری

درباره عظمت و فرهنگ موروثی ایرانیان و شجاعت و دوراندیشی ایران کنونی که برهبری آن وجود معظم بامسائل و مشکلات دنیای جدید مبارزه مینماید کسب نمائیم.

دو کشور ما هنگام جنگ برعلیه فاشیسم متحد بودند. دوستی باسابقه‌ای که در آن روزهای پرآشوب مارا بهم نزدیك ساخت در این سالهای بعد از جنگ بمراتب افزونتر گردیده است.

مسافرت آن اعلیحضرت بکشور ما عالیترین نشانهٔ آنست و من اطمینان دارم که در سالهای آتیه این نزدیکی بیشتر و این رشته مودت محکمتر خواهد گردید. از اینکه شاهنشاه این راه دور و دراز را برای بودن باما طی کرده‌اند سپاسگزارم و من از جانب ملت امریکا بآن اعلیحضرت خیر مقدم میگویم.

اعلیحضرت همایونی در پاسخ پرزیدنت ترومن اظهار داشت:

آقای رئیس جمهوری

از اینکه نخستین بار در خاك امریکا و در پایتخت کشورهای متحده در حضور رئیس آن دولت ملی قدم گذاشته‌ام دستخوش احساسات عمیقه‌ای گشتم. یکی از آرزوهای دیرین من دیدن کشورهای متحده امریکا بود، هنگامیکه جنابعالی لطفاً دعوت کردید که بعنوان میهمان جنابعالی و دولت امریکا باین کشور بیایم اجابت آن دعوت را با کمال مسرت پذیرفتم.

من در این کشور نقاط مختلف را باید از نزدیك ببینم و چیزهای مختلف بیاموزم اما حتی پیش از ورود من باین کشور دوستی ممالك متحده امریکا را نسبت بایران دیده و از آن اطلاع داشتم. دولت و ملت ایران این مودت را نسبت بامریکا بحد کمال دارد و امیدوارم مسافرت من وسیله استحکام و تشیید رشته های الفت و مودت بین دو کشور خواهد برد. از خیر مقدم بسیار ملاطفت آمیزی که اظهار فرمودید سپاسگزاری میکنم و بانهایت اشتیاق منتظرم آنچه را که در این بزرگترین کشور های دموکراسی جهان آزاد آرزومند دیدن آنها هستم مشاهده نمایم.

تقدیم کلید شهر واشنگتن بشهریار ایران

پس از اینکه شاهنشاه ایران درمیان ابراز احساسات شدید صدها هزار نفر اهالی واشنگتن از فرودگاه بطرف کاخ «بلرهوس» حرکت نمود در برابر شهرداری واشنگتن از طرف مقامات شهرداری خیرمقدم عرض شد و «راسل یانك» کلید شهر واشنگتن را بشاهنشاه تقدیم کرد. اعلیحضرت در اینموقع اظهار داشت:

آقای شهردار

ازخیرمقدمی که ازجانب اعضاء انجمن شهر و اهالی ناحیهٔ کلمبیا ایراد گردید نهایت امتنان رادارم. ورود بایالات متحدهٔ امریکا ازراه پایتخت تاریخی آن که مملو ازآثار مهمان نوازی است حقیقتاً توفیقی است.

خیابانهای عریض، مناظرزیبا وبناهای باشکوه، واشنگتن رادرمیان پایتخت های ممالك جهان ممتاز ساخته است. شنیده بودم که واشنگتن یکی ازدلپذیرترین شهرهای امریکا برای کاروزندگی است پس ازدیدن آن من نیزباین حقیقت پی بردم مشاهدات اولیه من گواهی میدهد که آنچه درباره واشنگتن ادعامیکنند اغراق نیست.

آقای شهردار ازکلید این شهر که بمن تفویض گردید متشکرم وامیدوارم که درروزهای آینده ازاین امتیاز استفاده نمایم وواشنگتن و شهرهای آنرا بهتر بشناسم بودن در این شهر اسباب مسرت خاطر من است.

دراین موقع غریو شادی وفریادهای زنده باد شاه ازده ها هزار نفر اهالی بآسمان بلند شد.

درشب اول ورود اعلیحضرت همایونی بواشنگتن، رئیس جمهوری امریکا درمهمانخانه مجلل «کارلتون» ضیافتی برپا نمود. پس ازپایان شام پرزیدنت ترومن نطق مختصری بشرح زیر ایراد کرد:

اعلیحضرت شاهنشاه جوان وکاردان ایران عقیده دارند که دول جهان بایستی تعهدات وقرارداد های خود رامحترم شمرده وطبق مقررات و موادآن رفتار کنند،

بهمین علت دولت ایران و امریکا همواره تعهدات بین‌المللی خودرا کاملا رعایت کرده‌اند . درصورتیکه دولت بسیار بزرگی هم هست که قراردادهای بین‌المللی را محترم نشمرده و تعهدات خودرا انجام نمیدهد .

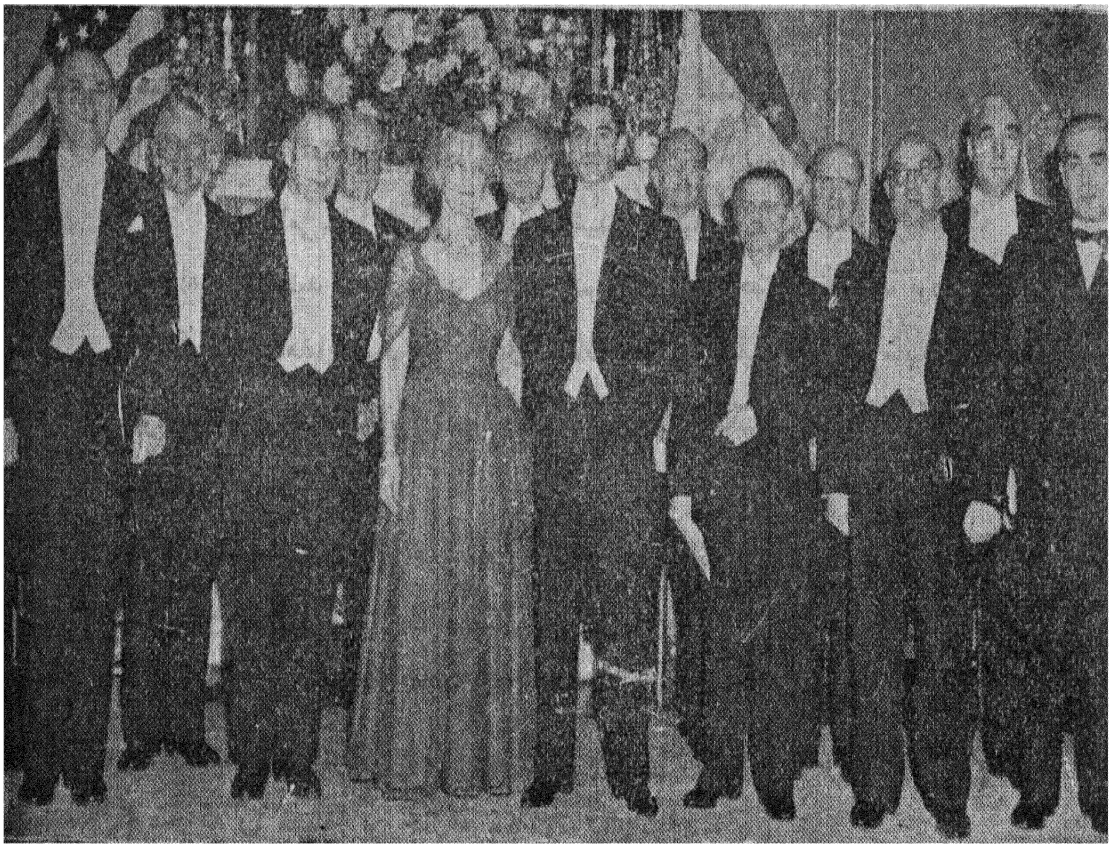

اعلیحضرت شاه : ریك مهمانی مجلل و رسمی که بنگاه خاور میانه ترتیب داده بود

ایران کشور باستانی بزرگی است که تاریخ پرافتخاری داشته و امروز نیز این کشور از لحاظ تجدد ، مدارج ترقی را پیموده و آینده درخشانی در پیش دارد .

اگر ایران دروازه‌های خودرا بروی ما باز نمیکرد و اجازه نمیداد که ما بروسها کمك کنیم جای شکی نیست که بار سنگین جنگ بالاخره تنها بدوش امریکا می‌افتاد .

سپس رئیس جمهوری امریکا روی خودرا باعلیحضرت همایون شاهنشاهی کرده اظهار داشتند:

کلیه اولیاء امور دولت امریکا امشب در این محل حضور دارند. اعضای کابینه، کارمندان کمیته‌های روابط خارجی و قوه مقننه کشور همه اینجا هستند.

اعلیحضرت در حضور خود کسانی را مشاهده میکنند که ماشین‌های حاکمه آمریکا را میچرخانند.

من امیدوارم که در مدت اقامت اعلیحضرت در آمریکا بر شما خوش بگذرد و همه ما از صمیم دل میخواهیم موجبات راحتی و خوشی شما را فراهم آوریم و هر گونه اطلاعی که خواسته باشید با کمال میل در اختیارتان بگذاریم.

شما در امریکا با هر کس که مایل باشید میتوانید ملاقات کنید و هر کجا که بخواهید میتوانید تشریف ببرید، افراد پلیس مزاحم اعلیحضرت نخواهند بود مگر اینکه خود شما مایل باشید. اگر مایل بحفاظت مأمورین پلیس باشید بفرمائید فوراً برایتان فراهم خواهد شد ولی بدون دستور و میل شما هیچکس برای این کار گماشته نخواهد شد.

ما با کلیه توانائی خود سعی خواهیم کرد وسائل خوشی و راحتی و آسایش شما را در کلیه شهرهای بزرگ امریکا فراهم آوریم و من امیدوارم که فرصت خواهد بود اعلیحضرت هر نقطه‌ای از امریکا را که مایل باشند مشاهده کنند.

شاهنشاه ایران در پاسخ ترومن نطق پرمغزی ایراد کرد که مورد ستایش عموم حضار که از برجسته‌ترین رجال امریکا بودند قرار گرفت.

شهریار ایران چنین گفت:

آقای رئیس جمهوری

آمدن از کهنسال‌ترین کشورهای جهان به یکی از جوانترین ممالک گیتی یک نمو انتقالی است که ناگزیر در دل مرد مسافر تأثیر سنگین خواهد نمود و وقتی این انتقال با سرعت پرواز امروزی انجام گردد حقیقت این نکته آشکار میگردد. میگویند زمان بسرعت میگذرد و وقتیکه من در طیاره مخصوص جنابعالی باین کشور آمدم با زمان و حرکت سریع آن پرواز میکردم اندکی بیش از شصت ساعت از آن زمان نمیگذرد که من در پایتخت کشور خود که در فلات مرتفعی قرار گرفته

و کوههای بلند وعظیمی که اینك دراثراولین برف زمستانی سرسپید کرده اند آنرا احاطه کرده است ، بودم وامشب بدعوت ملاطفت آمیز جنابعالی درواشنگتن در کناررود پتوماك که غالباً شرح آنرا خوانده وپوشیده نمیدارم که قلباً آرزومند مشاهده آن بودم ، بسرمیبرم .

اینك این آرزو صورت وقوع یافته است . من برای شرح مسرت عظیمی که ازآمدن باین کشوردرمن ایجاد شده کلمات وافی دراختیار ندارم وهمچنین نمی توانم دربرابراظهارات کریمانه ای که نسبت بمن و کشورعزیزمن فرمودید پاسخ کافی داده باشم .

آقای رئیس جمهوری

مصالح جمیله جنابعالی درراه صلح وآزادی در تمام کشورهای دموکراسی جهان اثرعمیق بخشیده وتأثیرآن درایران که بزرگترین آرزویش این است که بتواند بدون ترس ازیك جنگ دیگر بمسائل داخلی خود توجه نماید ازهمه جا بیشتر بوده است . پس بطوریقین اززبان قاطبهٔ ملت ایران است که من از کوشش های خستگی ناپذیرجنابعالی درراه صلح جهانی سپاسگزاری مینمایم .

من دریکی ازدشوارترین ادوارتاریخ کشورایران بارمسئولیت کشور را بدوش گرفتم وباعلم واطلاع کامل بروظیفه ای که داشتم تعهد چنین مسئولیت خطیری راپذیرفتم این وظیفه دوگانه آن بود که درمناسبات خارجی ایران برای استقرار صلح وامنیت کوشش کنم وباهمان شدت وحرارت بهبود اوضاع اجتماعی واقتصادی داخلی کشورسعی ومجاهدت نمایم .

درمناسبات خارجی کمال مطلوب من وجود مناسبات وفادارانه خالی از تجاوزیعنی مناسبات فرهنگی واقتصادی باهمسایگان وتمام ملل گیتی درپرتومنشور ملل متحد است .

من صمیمانه آرزومنداز دیاد مناسبات دوستانه ای که بین ایران و کشورهای متحد امریکاموجوداست می باشم ، ایران نیازمند دوستی امریکاست .

برای من موجب رضایت بسیاراست که می بینم ارزش دوستی ایران نسبت

بکشور بزرگ شما که هیچوقت کاهش نگرفته برمردم آن پوشیده و نهفته نیست. ماازآنچه که در گذشته انجام پذیر گشته امتنان داریم وهمین طورازآنچه برای آینده درنظراست وامیدی که برای تشریك مساعی بیشترموجوداست سپاسگزار میباشم. اگرایران ازمساعدت فنی ومادی کشورهای متحد امریکابرخوردارشود ایران نیزهمانطور که در گذشته کرده است، درتزئین بنای سعادت ورفاه جهان وافزایش بهای فرهنك وتمدن باخترسهم خویش راانجام خواهد داد.

امروزبعدازظهر که همراه جنابعالی بااتومبیل ازخیابانهای واشنگتن عبور می کردم احساس کردم که روح پیشوایان بزرگی مانند واشنگتن - جفرسون - لینکلن - ویلسن وروزولت باهن نزدیك ومحشورند. امشب که مهمان جنابعالی هستم میدانم که در کمال آسایش خواهم خفت زیرا که درخانه دوستان هستم وخانهٔ دوست جای آسایش است.

مصاحبه روزنامه نگاران آمریکائی

باشاهنشاه ایران

روز ۲۶ آبان ۱۳۲۸ اعلیحضرت همایونی از کاخ «بلرهاوس» بکاخ «پراسکیت هاوس» رفت و در آنجا خبرنگاران جراید امریکا را برای اولین بار بحضور پذیرفت.

مذاکراتی که بین شاهنشاه ایران وروزنامه نگاران امریکائی صورت گرفت بسیار جالب بود. قسمتی از مصاحبه مزبور بقرارذیل انجام یافت:

یکی ازمخبرین تقاضا کرد که اعلیحضرت همایونی صراحتاً عقیدهٔ خود را دربارهٔ چیزهائی که تاکنون درامریکامشاهده کرده اندچه خوب وچه بدابرازبدارند.

شاهنشاه اظهارداشت: «تاکنون دراین کشورچیزهای بدی مشاهده نکرده ام چیزیکه درمن تأثیرفراوانی بخشیده است رفاه وآسایش ملت امریکا است. مردم این کشورصورت بشاش وخندانی دارندولباسهای آبرومندی میپوشند. ازسیمای

آنها آثار خوشحالی ورضایت ومهمان نوازی ودوستی هویدا است من اطمینان دارم که مردم امریکا فوق العاده سعادتمند بوده واز زندگی خود راضی هستند .

یکی دیگر از خبرنگاران سئوال کرد که آیا بعقیدهٔ شاهنشاه لازم است که قرار دادی مشابه پیمان آتلانتیک شمالی با کشور های خاورمیانه منعقد شود ؟ اعلیحضرت همایونی گفت :

« من تصور میکنم که فعلا زود است دربارهٔ انعقاد یک چنین پیمانی فکر بکنیم چیزیکه مورد علاقهٔ شدید من است اصلاح امور اقتصادی و بهبود اوضاع ایران میباشد » سئوال شد که آیا درروابط ومناسبات ایران باشوروی بهبود حاصل شده است . اعلیحضرت اظهار داشت :

« اخیراً درروابط بین دو کشور بهبود نسبتاً محسوسی حاصل شده است و ما همواره مایلیم که باهمسایگان خودروابط حسنه داشته باشیم ولی این روابط باید همیشه براساس احترام متقابل ومحترم شمردن استقلال یکدیگر استوار باشد.

اگر ملل جهان حقیقتاً طبق مقررات منشور ملل متحد رفتار میکردند روابط بین کلیهٔ کشورهای جهان بپایه های صمیمانه ترودوستانه تری مستقر می شد سئوال شد که آیا بعقیدهٔ شاهنشاه ایران خطر احتمالی حملهٔ شوروی بخاك ایران مرتفع شده است یانه ؟ اعلیحضرت گفت :

« من تصور نمیکنم که دلیلی برای خطر حمله بایران وجود داشته باشد. »

سپس شاهنشاه ایران دربارهٔ برنامه هفت ساله بیاناتی کرد ومتذکر شد که « این برنامهٔ مفصل ازهم اکنون شروع شده ومهندسین شرکت (مشاورین ماوراء بحار) که ازشرکت های بسیار بزرگ ومشهور امریکا میباشد دراین راه بما کمك میکنند وتاکنون کارهای بسیار مهم ومؤثری انجام داده اند . »

اینك طرح ریزی پایان یافته وجزئیات کار مهیا میباشد واکنون دویا سه ماده ازمواد این برنامه بموقع اجرا گذاشته شده است.

اعلیحضرت همایونی ضمناً اضافه کرد . « من بسیار مایل هستم که شرکت های

بزرگ امریکائی سرمایه‌های خودرا درایران بکار بیاندازند ودراجرای برنامهٔ هفت ساله وبهره برداری ازمنابع طبیعی وثروت دست نخوردهٔ ایران شرکت جویند. من بشما اطمینان میدهم که این کار بنفع طرفین تمام خواهدشد . من امیدوارم که هیچ چیز مانع ادامهٔ اجرای برنامهٔ هفت ساله ایران نشود .»

خبرنگاران سئوال کردند که آیا شاهنشاه ایران ضمن مسافرت بامریکا هواپیمای «ایندیپندنس» را شخصاً رانده اند؟

اعلیحضرت همایونی باین سئوال جواب منفی دادو لی خاطرنشان ساخت که رانندگی این نوع هواپیما رابخوبی میدانند .

شاهنشاه ضمناً اظهار داشت :«من امیدوارم که فرصت شود درامریکا قدری تنیس بازی کنم.»

اعلیحضرت همایونی درجواب سئوال یکی دیگر ازخبرنگاران گفت:« من اشتیاق دارم باطرق آبیاری امریکا آشناشوم واگروقت باشدسد «پالدور» وسدهای بزرگ «تنسی ولی» راازنزدیك ببینم .»

سئوال شد که آیا اعلیحضرت همایونی میل دارند راجع بازدیاد کمك نظامی امریکا بایران با رئیس جمهوری مذاکره کنند؟ شاهنشاه اظهار داشت :البته من این کمك رافقط برای کشور خودم نمیخواهم ولی ایران برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ومخصوصاً رفاه وآسایش وامنیت بین‌المللی ومخصوصاً رفاه وآسایش وامنیت خاور میانه اهمیت زیادی دارد .

باید بگویم که مادر طی جنگ اخیر با کمال میل ورغبت بخاطر صلح وآزادی مبالغ هنگفتی پول صرف کرده‌ایم وملت ایران هم دراین راه فداکاری وسعی و کوشش زیادی بخرج داده است .

مانمیخواهیم که امریکا کمکی را که ما با کمال میل وافتخار بمتفقین کرده‌ایم جبران کندولی همینقدر بخاطر داشته باشید که امنیت ورفاه وآسایش کشورما برای استقرار آزادی وحفظ اصول دمکراسی که اینقدر برای ملل صلح دوست وآزادیخواه عزیز وگرامی است فوق‌العاده اهمیت دارد.

بعقیدهٔ من دفاع ازایران برای کلیهٔ ملل جهان و بخصوص برای امنیت کشور های خاورمیانه دارای اهمیت فراوان است.

من با کمال اشتیاق منتظر ملاقات باسران ارتش شما میباشم زیرا همانطوریکه میدانید دولت کشورهای متحدامریکا تصمیم گرفته است مستقیماً بایران کمک نظامی بدهد.»

مخبرین سؤال کردند که عقیدهٔ اعلیحضرت همایونی در بارهٔ روزنامه نگاران امریکائی چیست.

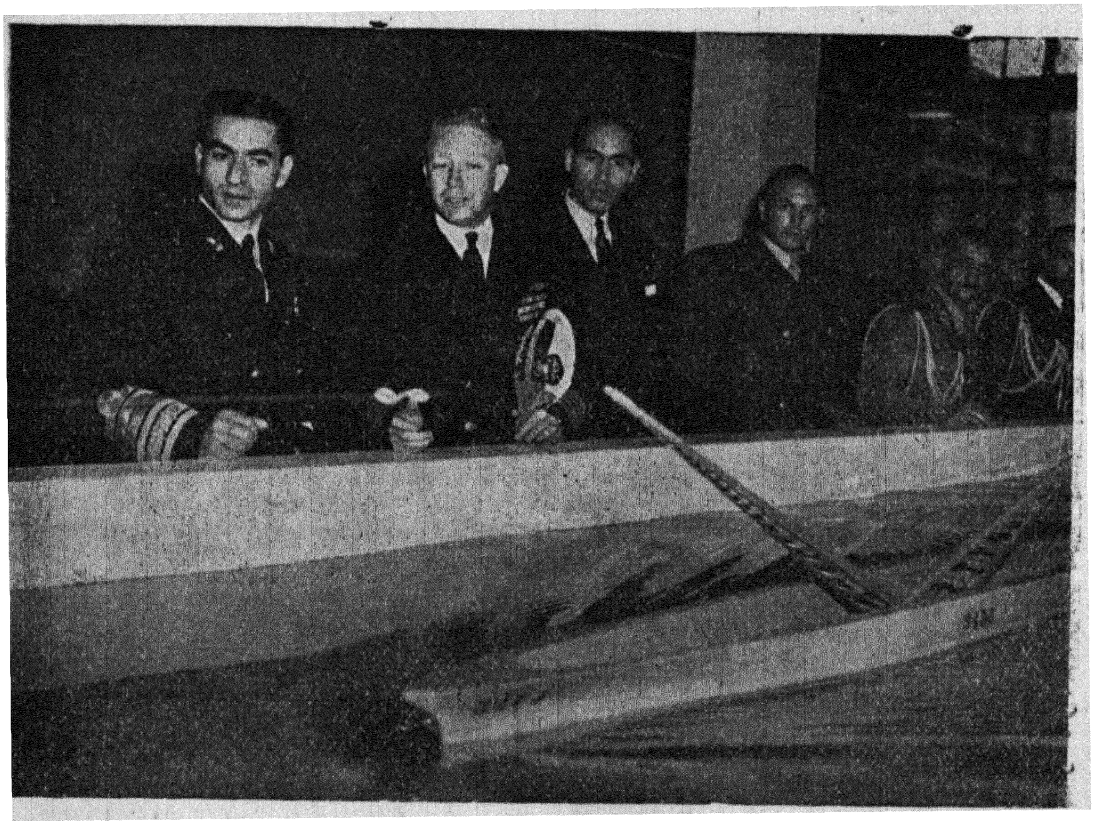

پهلوی دوم در موقع بازدید مؤسسات نیروی دریائی امریکا

شاهنشاه اظهارداشت: «آقایان نمایندگان تأثیر عمیق و خوبی در من بخشیده اند.»

مصاحبه اعلیحضرت همایونی باروزنامه نگاران امریکائی حسن اثرعجیبی درمحافل مطبوعاتی امریکا بخشید.

زیرا هیچکس انتظار نداشت که شاهنشاه جوان سی ساله ایران تا این حد دارای صفات وسجایای عالی بوده وواقف بامور بین المللی وسیاسی باشد.

ولی وقتی ملت امریکا سیاست وتدبیر وصفات برجسته شهریار ایران را مشاهده کرد همگی اورا ستایش نموده وملت ایران را بداشتن یك چنین پادشاهی یك ملت خوشبخت دانستند.

در مجلس ضیافت وزیر خارجه امریکا

اعلیحضرت همایونی بلافاصله پس از پایان جلسه مطبوعاتی باهمراهان بطرف «آناپولیس» حرکت فرمودند تادرضیافت ناهاری که «دانشکاه نیروی دریائی امریکا ترتیب داده بود حضور یابند دراین ضیافت «دریاسالار استرلینك هالووی» نطقی ایراد کرد واعلیحضرت همایون شاهنشاهی ضمن بیانات مختصری اظهار داشت:

«شما شغل شریفی دارید و دانشکده نیروی دریائی عالیترین فضائل بشری یعنی وظیفه شرافت ووفاداری را بافراد می آموزد.»

شب آن روز اعلیحضرت در مجلس ضیافتی که از طرف آچس وزیر امورخارجه کشورهای متحده امریکا برپا بود بیانات زیررا ایراد نمود:

آقای وزیر. جنابعالی هم درآنچه اکنون باکمال محبت راجع بکشورمن اظهار کردید وهم برای فراهم کردن وسایل این محفل عالی برای من موجب کمال مسرت را فراهم ساخته اید.

مهمان نوازی جنابعالی وبانواچسن مورد قدرشناسی قلبی من میباشد و بر مراتب این قدرشناسی ازاین نظر میافزاید که ازهمان روز که مقام مهم وزارت امور خارجه راتکفل کرده اید وحتی قبل ازآن اطلاعات سیاسی شمانسبت بمسائل گیتی مورد توجه کشورمن وشخص من بوده است.

آقای وزیر. نطق جامع وروشنی که درهنگام افتتاح دورهٔ فعلی سازمان ملل

متحد در لیك ساکس ایراد کردید مخصوصاً در من مؤثر گشت. اطمینان داشته باشید که ملت ایران میداند چطور از لیاقت مردانی مانند شما که بحل مسائل مربوط به دورهٔ جنگ و زمان بعد از جنگ که هر یك با صلح جهانی ارتباط داشته اقدام کرده اند تقدیر نماید.

چند هفته بعد روز آغاز سال ششم اعلامیهٔ تهران که اول دسامبر ۱۹۴۳ امضاء شد خواهد رسید.

هیچ ایرانی نمیتواند فراموش کند که در ۱۹۴۳ که سال جنگ و خونریزی و هرج و مرج بود پرزیدنت روزولت بایران آمد و پیشوائی نیرومندانه او در جنگ و علاقه تزلزل ناپذیر او باستقرار صلح پایداریکه برمبنای آزادی و دمکراسی مستقر باشد مورد بزرگترین تحسین و احترام قرار گرفت.

آقای روزولت یکی از سه نفر امضاء کنندهٔ اعلامیه تهران بوده که در آن تصدیق شده است که جنگ اشکالات مخصوصی برای کشور ایران تولید کرده و نیز در همان اعلامیه وعدهٔ مساعدت اقتصادی مؤکداً تصریح گردیده است.

در اعلامیه مزبور که مستر چرچیل و ژنرالیسم استالین نیز آنرا امضاء کردند ذکر شده است که سه دولت امضاء کننده در میل به نگاهداری استقلال و خودمختاری و تمامیت ارضی ایران موافقت کامل دارند.

گذشته از آن اعلامیه مزبور از ایران انتظار داشت که با سایر ملل صلحدوست جهان در برقرار ساختن صلح بین المللی و امنیت و رفاه بعد از جنگ موافق اصول منشور اتلانتیك و منشور فعلی سازمان ملل متحد شرکت نماید.

با توجه بنکات فوق نظر امریکا روشن میشود ما ایرانیها هم آنروزو هم امروز میدانستیم و میدانیم که دولت امریکا دوست بزرگ و نیرومند ماست و مایه مسرت من است که اطلاع یافته ایم که روش ایران در میان امریکائیها بدون قدر نگریسته نمی شود. سهمی که ایران در تمدن مغرب زمین در چندین هزار سال داشت مایه سرافرازی من است.

ایرانیها در مسائل مربوط به‌تشکیلات مملکت، بنای راههای بزرگ سراسری پرورش اسب وتکمیل‌وسائل ارتباط ،درمیان سایر کشورهای جهان پیشقدم بوده‌و در این امورخدمت ایران بتمدن‌جهان با خدمتی که قوه وبخار واتومبیل بدنیای امروز کرده هم سنگ‌و قابل مقایسه است .

آقای‌وزیر دستگاه‌چاپاریکه پیشقدمان آبادی غرب امریکافراهم ساختند ازیکدستگاه کهنسال ایرانی اقتباس شده است .

یونانی ها وسیله ارتباط پستی خویش را بوسیله بریدهائی فراهم میکردند که اول میدویدند ووقتی خسته میشدندراه منزل مقصود را باندم طی مینمودند و این ایران بود که روش چاپار را عوض کرده استفاده از اسب را در مسافات متعدد بدنیا آموخت .

در فواصل ۱۵و۲۲میلی اسبهای تازه نفس‌درنقاط معین‌حاضر بوده‌اند که‌پیك راازنقطه‌ای بنقطه دیگر میرساند و درمدت کمی بمحل مقصود میرسیدواین امر چندین هزارسال پیش درایران معمول ومتداول بود .

اینجا هنگام آن نیست که دربارهٔ خدمات ایران بمذاهب و فلسفه و علوم‌و ریاضیات وادبیات وطب و صنایع ظریفه بتفصیل گفتگو شود .

یکی از بزرگترین خدمات ایران همان توجه‌مردم آن بصلح‌است‌وعلاقه و تاکید بصلح از سطور منظومه های‌پهلوانی‌سیچکدوادبیات ازآن‌لبریزاست‌این فکر که دنیایکی‌است وحیات هر فردجزو ارجمندی‌از هستی مطلق جهان بزرگ است ازفکرهای ویژه سرزمین ماست .

مدت سه هزار سال حیات ملی‌ایران با همه خطراتی که دراوقات مختلف با آن روبرو بوده‌محفوظ‌مانده وعزم‌ماایننست که امروزباکمال سربلندی‌استقلال خود را در مقابل هرتهدیدی که از هر سرچشمه‌ای تراوش کندبا هر قیمتی که شده نگاه داریم.

ایران سهم‌خویش‌رادرسازمان ملل متحدبرای‌پیشرفت‌امنیت‌بین‌المللی که

برای ما آنقدر ضرور است انجام داده است .

جهان وقتی در رفاه و آسایش خواهد بود که صلح وصفا در آن مستقر باشد. روزیکه با اجرای نقشهٔ هفت ساله ومساعدت امریکا میزان تولید بیشتر شود و سطح زندگی ایران بالاتر رود آن روز ما خدمت دیگری بصلح جهانی انجام داده ایم

آقای وزیر. دیوان شعرای ایران در کشورهای متحد امریکا مشهور و مورد احترام است امشب من بیانات خودرا بادو بیت از اشعار یکنفر امریکائی «لانك فلو» پایان میدهم که گفت:

آغاز کردن کار، هنری است بزرگ اما پایان دادن آن هنری بزرگتر است.

چه بسا قصیده غرا که سخنان زائد لطف وزیبائی آنرا ازمیان برده است.

ازاین نظر است که وقتی میگویم ایران وامریکا دوستند حق کلام موجز را ادا کرده ایم .»

اچسن وزیر خارجه امریکا در پاسخ بیانات شاهنشاه نطقی ایراد کرد و ضمن آن چنین گفت :

«تاکنون هیچ کشوری مانند ایران یك چنین برنامه اصلاحی جالب وخوبی تنظیم نکرده وبموقع اجرا نگذاشته است .

دولت ایران برنامه هفت ساله خودرا بدون مساعدت خارجی طرح کرده ودر این برنامه درمرحله اول ببالا بردن سطح زندگی افراد ملت توجه نموده است.»

شاهنشاه ایران درسومین روز اقامت خود در واشنگتن ۱۸ نوامبر دسته گل بزرگی بر مزار جرج واشنگتن اولین رئیس جمهوری امریکا که بنام «پدر» امریکا مشهور است گذاشت و پس از آن آرامگاه ملی «آرلنگتن» را بازدید نمود و دسته گل بزرك دیگری برآرامگاه سرباز گمنام نهاد .

سپس شاهنشاه بکاخ سفید حضور یافت و با رئیس جمهوری ملاقات کرد . پس از آن اعلیحضرت ناهار را در ضیافت باشگاه نویسندگان ماوراء بحار صرف نمود و بیاناتی درآنجا بشرح زیر ایراد کرد :

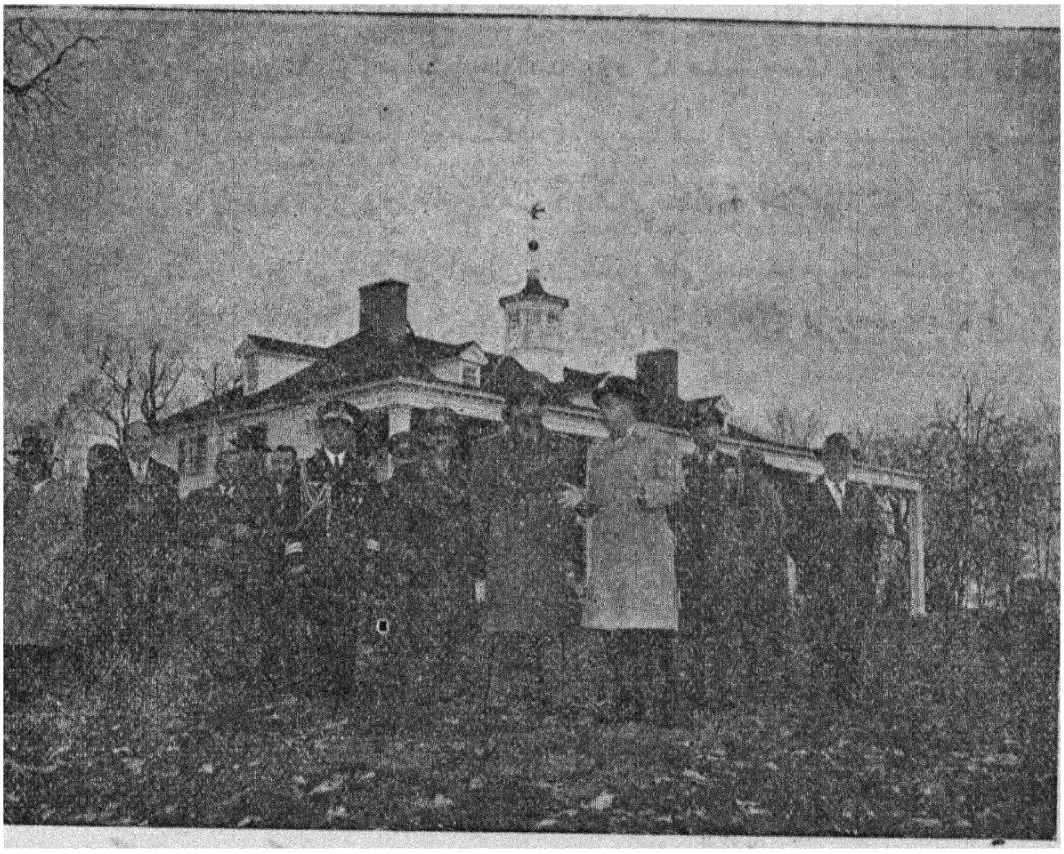

اعلیحضرت همایونی دسته گل بزرگی از آرامگاه جرج واشنگتن گذاشت

آقای رئیس:

موجب نهایت مسرت و افتخار من است که پس از ورود بامریکا باین زودی برای صرف ناهار با چنین گروهی از نمایندگان و روزنامه نویسان امریکائی دعوت شده‌ام.

شنیده‌ام که شمارا روزنامه نویسان پرکاری مینامند، این صفت کاملا بجاو مناسب است زیرا با قضاوت از مقدار کاریکه درباره امور داخلی و ملی انجام میدهید و من دراین دوروز ودوشب ازموقع ورود بواشنگتن فرصت مطالعه آنرا از نزدیك داشته‌ام شما باید تمام روز وقسمت عمده از شب را کار کنید.

منهم کار میکنم وامیدوارم مرا یك پادشاه کاری بدانند. از قرار معلوم قبل از ورود من بعضی از نویسندگان، بی‌شك بعلت عدم اطلاع نه بعمد، مرا یك سلطان مقتدر شرقی توصیف کرده‌اند.

من درست نمیدانم که این عبارت بچه نحو تفسیر میشود ولی خیال میکنم تصویری که در مخیله اشخاص بوجود میآید عبارت از عمامه ای که با یاقوت وزمرد زینت یافته وجقه‌ای بر آن قرارداده شده باشد ولی خانمها و آقایان یاقوت و زمردیکه ایران دارد بعنوان گنجینه‌های ملی درصندوقهای بانك محفوظ است .

شما مرا در لباس عادی و لباس کار می بینید که برای پادشاهی که با مسائل امروزه دنیا روبرواست مناسب است .

درایران این مسائل همان مسائلی است که بایك حکومت مشروطه آزادیخواه امروزی درپیش دارد .

قانون اساسی ما ازروی قوانین اساسی مغرب زمین تنظیم گشته واز بسیاری جهات بی شباهت بقانون اساسی شما نیست .

درایران مانند این مملکت اصلاحات بوسیله عملیات قانونی انجام میبابد.

مقام سلطنت دارای اختیارات دیکتاتوری واستبدادی نیست واگرهم دارای چنین اختیاری بود کسیکه فعلا عهده‌دار این مقام است ازآن استفاده نمیکرد.

شما مارا مردم یك کشور کوچك وسرزمین دورافتاده‌ای میدانید که ازحیث مسافت وعقاید ازبسیاری ازافکار و مؤسسات مغرب زمین دوراست من اذعان دارم مسافت میان ما زیاداست ولی ازحیث مساحت کشور فعلی ایران ازمجموع مساحت فرانسه واسپانی و پرتقال وایتالیا وسویس وباژیك بزرگتراست وامارا جع بعقاید ومؤسسات کشورما، حتی استادانی هستند که باید بهتر ازاین مطلع باشند که وقتی در باره ایران مطلبی می نویسند می گویند اگر جنك ماراتون بشکست منتهی شده بود تمدن دچار سرنوشت پریشانی میگردید .

من سعی نمیکنم امروز بعد ازظهر وقایع جنگی که ۴۳۱ سال قبل ازمیلاد واقعشده دوباره تکرار کنم . برای ما این تاریخ زیاددور نیست .

قسمت عمده‌ای ازتاریخ اولیه مارا در کتاب مقدس میتوان یافت وهمچنین قصد ندارم درباره خدمات ایران بتمدن مغرب زمین کنفرانس بدهم ولی در هر حال یکی از خدمات ایران ممکنست اینجا درواشنگتن شایان توجه باشدواین خدمت درتشکیلات دولتی است .

ایران اولین کشوری بود که یك امپراطوری بزرك ایجاد کرد از چین تا لیبی و از دانوب تا رود سند بسط داشت پس از ایجاد این امپراطوری ایرانیان مجبور به اداره آن بودند ، در آن موقع ایران به (۳۰) ایالت که هر کدام تحت نظر یك فرماندار اداره میشد تقسیم شده بود .

این تشکیلات که در آن موقع بوجود آمد، برای کشور های مغرب مانند امپراطوری رم و بوسیله رومی‌ها برای ملل دیگر مورد سرمشق قرار گرفت.

تعادلی که میان حکومت مرکزی و حکومت ایالات برقرار بود از بعضی جهات شباهت زیادی به تشکیلات حکومتی امریکا دارد.

برای اداره این امپراطوری ایران بدستگاه مواصلات نیازمند بود و بدین منظور شاهراه‌ها و جاده‌ها احداث گردید که نقاط سوق الجیشی و حکومت نشین ایالات را بیکدیگر متصل میکرد.

البته همه این اقدامات دوهزار و پانصد سال پیش صورت گفت ولی از زندگی و علاقه شما امریکائیان ، آنقدر که فاصله زمان عظیم بنظر میآید دور نیست و نیز از زندگی و علاقمندی ایران جدید هم دور نیست و باوجود گذشت زمان و حوادث و اتفاقات بیشمار ایران پس از هزارها سال هنوز یك ملت مستقل باقیمانده است .

ما این استقلال را عزیز و گرانبها میدانیم و قصد داریم آنرا حفظ کنیم . بستگی خدمات ما بمغرب زمین از قرنها پیش شروع میشود ولی کلمه استقلال معنی و مفهوم جدید دارد .

روابط ما با مغرب زمین که هنوز در مرحله جدید و پر توسعه میباشد براساس احساسات و ملاحظات عملی منافع متقابل قرار دارد .

برای ایران استقلال چه معنی دارد ؟ البته همان معنی را دارد که همه ملل دیگر آنرا درك میکنند .

مللی که بمیراث فرهنگی خود مباهات میکنند و آرزوی ارتقاء سطح زندگی مردم خود را دارند و همچنین بایجاد جامعه صلح طلب بین المللی خدمت مینمایند.

ولی ایران تاراج مهاجمین و کبروغرور آنهائیکه امید تسلط برمارا داشته اند داده است .

کسانیکه قصد استهلاك مارا داشتند خود درفرهنگ وتمدن ایران مستهلك شدند .

ایرانی قبل از همه چیز فردی است که دارای حس استقلال شخصی شدید می باشد .

تحت پیشوائی رهبران دلیر ایرانیان سه مرتبه اثر تسلط خارجی را ازمیان برداشته و کشور خودرا آزاد و باافتخار ساختند .

آن روحیه‌ای که میدانست چگونه با تهاجم یونان وعرب ومغول روبرو شود هنوزمانند یك عامل قوی وجود دارد .

من تکرارمیکنم که ما قصد داریم استقلال خودرا حفظ کنیم برای انجام اینکار احتیاج بوسائل دفاعی کامل داریم ولی نه برای تهدید همسایگان که همه عضو سازمان ملل متحد هستند وآرزو داریم باآنها درصلح وصفا بسر بریم بلکه برای تضمین نظم ثابت بین المللی درخاورمیانه اهمیت سوق الجیشی ایران برای حضاری مانند شمادر این مجلس محتاج بتأکید ازطرف من نیست .

برای ایران استقلال یعنی صلح . حکومت وملتی که من نماینده آن هستم چیزی نمیخواهند بجزآنکه باموردا خلی خود بپردازند واین امور برای ما توسعه و استفاده ازمنابع ملی وایجادوسائل جدید وتوسعه وسائل موجود درتولید صنعتی و حمل ونقل ومواصلات وآبیاری وتعلیم وتربیت وبهداشت وامور بیشمار دیگری ازاین قبیل می باشد .

همهٔ اینها دربرنامه هفت ساله عمران وآبادی مابکمك مهندسین وشرکتهای امریکائی که برای اینکار استخدام شده بودند گنجانیده شده است .

این برنامه امری است که انتظار داریم درمراحل اولیه خود ماخرج وهزینه آن را تامین کنیم ماانتظار کمك فنی ومالی ازامریکا داریم و امیدواریم باایجاد تضمین های لازم جلب علاقه سرمایه داران امریکائی را بایران بکنیم وعقیده دارم که ایران

محیط مساعدی برای انجام فکر عالی ماده چهارم برنامه پرزیدنت ترومن می باشد.

من وارد جزئیات نمیشوم. اساس پیشرفت ایران مانند همه ممالک دیگر باید صلح باشد سراسر ادبیات بزرگ ووسیع مملو از اشاره باهمیت است.

فوائد آن در آثار صنعتی مانشان داده شده ودر اصول فلسفی که قسمتی از اصول اخلاقی ملی ما را تشکیل میدهد مجسم گشته. عشق بصلح از احساسات زنده در قلوب همه ایرانیان است.

خانمها و آقایان. روابط دوستانه ما با امریکا از دیر زمان وجود داشته و امیدوارم که اکنون از هر موقع دیگر این روابط نزدیکتر ودوستانه تر شود فوق العاده خوشوقت می شوم که اعضاء این سازمان روزنامه نگاری که امروز در این مجلس حضور دارند از کشور من دیدن کنند.

من پیشنهاد نمیکنم که کلیه اعضاء باشگاه نویسندگان ماوراء بحار و باشگاه مطبوعات مالی و باشگاه مطبوعات زنان همه باهم بملاقات و دیدن ما بیایند تا وقتی مهمانخانه های جدید در تهران ساخته نشده برای این کار آماده نیستیم ولی بهیچوجه حاضر نیستیم مطبوعات امریکا را از خدمات مشترک شما در آن واحد محروم کنیم.

هروقت میتوانید بدیدن ما بیائید مسافرت از طریق هوا در ۴۸ ساعت انجام میگیرد شما خودرا درمیان دوستان خود خواهید یافت. هرچه میکنیم بشما نشان میدهیم وآنچه لازم است انجام شود بشما خواهیم گفت.

ایرانی بجز فرش وقالی وباغاتش وبقول ترجمه ادوارد فیتزجرالد کتاب در زیر سایه درخت، چیزهای زیاد تری دارد.

ما مانند شما مردم زحمتکشی هستیم ومانند شما خواستار چیزی نیستیم بجز آنکه از وحشت ودهشت جنگ دیگری مصون ودر امان باشیم.

ضیافت با افتخار رئیس جمهور امریکا

در ساعت پانزده آن روز اچسن وزیر خارجه وعده ای از مقامات عالیرتبه وزارت امور خارجه در کاخ اختصاصی بحضور شاهنشاه بار یافتند.

سپس اعلیحضرت از موزه هنرهای زیبا دیدن نمود و بعد بمقر وزارت دفاع امریکا رفت و با فرماندهان ارتش امریکا ملاقات ومذاکره نمود .

شب آنروز اعلیحضرت در هتل «شورهم» با افتخار پرزیدنت ترومن وخانم اوضیافتی داد که هفتصد نفر از رجال و بزرگان امریکا و ایران با بانوان خود حضور داشتند . در سر میز شام اعلیحضرت چنین فرمود :

امشب اگر قدرتی که افسانه ها وشعرا بسلاطین مشرق نسبت میدهند در من بود باین خیال می‌افتادم که‌لااقل برای چند لحظه شما را بسیر و سیاحت بایران ببرم .

ولی‌من یك‌پادشاه امروزه‌هستم که قدرت سحرواعجاز ندارم اگر چه گاهی داشتن‌آنرا آرزو میکنم .

تصورات‌راجع بایران که‌ازتخیلات‌شاعرانه سرچشمه گرفته‌ومتأسفانه‌فیلم‌های امریکائی درتقویت‌آن سهیم بوده‌اند متکی بحقیقت‌نیست‌زیرا ایران سرزمین کارو کوشش است که‌زندگی مردم‌آن اززمین‌وصنایع آن تأمین‌میشودوازاینجهت باممالك‌متحده امریکا بهیچوجه فرقی‌ندارد.

امشب‌شما درواشنگتن‌مهمان ایران‌هستیدوحضورشما برای کشور باستانی ایران که من‌نماینده‌آن‌هستم موجب بسی‌افتخاراست.

آقای‌رئیس‌جمهور مطمئن‌هستم که‌خصائل حمیده‌وصمیمیت وشجاعت شمادر هیچ کجا مانندایران اثرعمیقی نگذارده‌است. درایران برای‌فرداحترام مخصوصی قائل‌هستند.

وقتی رئیس کشوری‌قابلیت‌رهبری‌در راه‌صلح را که سرنوشت عالم بآن بستگی‌دارد ازخودنشان میدهد بعزت‌و احترام درقلوب مردم ایران جای‌میگیرد. واین‌درست مقامی‌است که شما احرازکرده‌اید. ازینرو مقدم شمادرسر این سفره ایرانی گرامی‌است وحضورخانم محترم ودختر نازنین‌شما آن‌را سه‌چندان گرامی میسازد

امروزصبح افتخارداشتم که‌تاج گلی برسر مزار واشنگتن‌نثار کنم برای‌من ایستادن درمقابل‌آرامگاه یکی‌ازبرجسته‌ترین سیاستمداران وسربازان دنیاکه ثبات اودرمقابل ناملایمات و ایمان او بپیروزی نهائی برای استقلال، در دنیای پرآشوب‌شایان اهمیت بسیاراست فیض بزرگی‌بود.

ماهم درایران برای‌شخصیت‌های گذشته‌احترام قائل‌هستیم. ایران‌درتاریخ خودسه‌بار بزانودرآمدوهرسه‌باربرهبری پیشوایان بزرگی که‌درتاریخ ازآنان‌یاد شده‌برخاست واستقلال خودرا بدست‌آورد.

هردفعه ایران‌با این‌حوادث مقابله کردوخون ونفوذخارجی را در تمدن و وفرهنگ‌عمیق‌خود مستهلك‌نمود وهرمرتبه ملت ایران با روح قوی‌و نیرومندی، میراث فرهنگی وتاریخی‌خود، دعوت پیشوایش‌را اجابت‌کرد و آزادی ملت خود را بدست آورد.

عقل‌ودرایت وبردباری‌وشکیبائی‌آنان‌سرمشقی است که‌مارا دراینروزگار سخت‌هدایت‌میکند.

ایران‌همچنین بحمایت‌وپشتیبانی‌دوستان‌خود اتکادارد. درمدت کوتاهی که‌دراین‌کشوربوده‌ام ازدوستی امریکا برای ایران‌شواهدجدید وفراوانی بدست آورده‌ام.

ایران‌نیز درطی۲۵قرن تاریخ خودخدمات برجستدای‌بفرهنگ‌وتمدن مغرب زمین انجام داده استوبجرئت میتوان گفت که مودت‌ودوستی‌خودرا برای‌امریکا بمنصه‌ظهور رسانیده استودرآتیه‌هم در راه‌مشترك‌صلح وآسایش‌دوکشور،همین دوستی‌را نشان‌خواهد داد.

ازاین‌نظر افتخارومسرت دارم که‌بنام ملت‌ایران‌سلامتی‌رئیس‌جمهورممالك متحده امریکارا آرزومندباشم.

پرزیدنت ترومن درجواب‌شاهنشاه چنین گفت :

اعلیحضرتا، حضارمحترم، ازاظهارلطف آن اعلیحضرت بی‌اندازه مشعوفم و

ازصمیم قلب امیدوارم که من شایسته این همه مهر و مرحمت باشم. همچنین امیدوارم که دوستی دیرین ما در آتیه نیز ادامه داشته و استوارتر ازهمیشه باشدمن بتاریخ علاقمندم و کاملا مسبوقم که ایران بزرگ شما مهد تمدن باختر بوده و قوانین امپراتوری عظیم ایران شالودهٔ قوانین کتاب مقدس یعنی قوانین کنونی ما بوده است .

ازهمان دقیقه اول که شاهنشاه را در فرودگاه واشنگتن ملاقات کردم اشتیاق آن اعلیحضرت برای آسایش ملت خود شان بی اندازه درمن مؤثر واقع شد.

اعلیحضرت واجد صفاتی هستند که زمانی اجداد شان را فرمانفرمای خاور میانه ساخته بود.

امروز هنگامی که باشاهنشاه راجع بتاریخ صحبت میکردیم ازتاریخ کشور عالیقدر ایران نیز سخن بمیان آمد ومیتوانم بجرأت بگویم که اعلیحضرت شاه از اطلاعاتی که چندنفرمادربارهٔ تاریخ کشورشان داشتیم تعجب فرمودند. من از صمیم قلب امید وارم که مسافرت اعلیحضرت دراین کشور که جوان ترین دموکراسی های بزرگ است مطابق میلشان باشد. همچنین امیدوارم که مامیتوانیم ازاین ببعد بیشتر بیکدیگر کمك کنیم .

ماحتی المقدور سعی خواهیم کرد که شاهنشاه ایران از این مسافرت کاملا محظوظ گردند و یقین دارم که هیچیك ازما درموقع لزوم ازهمکاری باایشان دریغ نخواهدداشت.

اعلیحضرت در آخرین روز اقامت خود درواشنگتن ازیکی ازبیمارستان های ارتش امریکا دیدن کرد . آنگاه درسفارت کبرای ایران درواشنگتن حضور یافت و در آنجا ایرانیان مقیم امریکا بحضور پادشاه کامکار خود بار یافتند .

بعداز ظهر آنروز اعلیحضرت در مسابقه فوتبالی که بین دانشگاه « جرج واشنگتن» و«جرج تان» روی داد حضوریافت وریاست افتخاری تیم جرج واشنگتن را قبول کرد .

این مسابقه با پیروزی تیمی که شاهنشاه ریاست افتخاری آنرا داشت پایان

بیافت و بازیکنان مجسمه برنزی بسیار زیبائی که یك فوتبالیست امریکائی را در حال زدن توپ نشان میداد باعلیحضرت هدیه نمودند .

ورود به نیویورك

مصاحبه مطبوعاتی

روز یکشنبه ۲۹ آبان اعلیحضرت با قطار مخصوص از واشنگتن بنیویورك عزیمت کرد اهالی نیویورك از شاهنشاه ایران استقبال بی نظیری کردند. خیابان های نیویورك پر از تماشاچی بود مقامات رسمی امریکا در حفظ نظم و استقبال از شاهنشاه نهایت کوشش را بعمل آوردند .

اعلیحضرت پس از ورود بنیویورك اولین جلسهٔ مطبوعاتی را در مهمانخانه والدرف آستوریا تشکیل داد .

دراین جلسه شاهنشاه ایران پرزیدنت ترومن را مورد تحسین و تمجید قرار داد و برنامه هائی که ترومن برای رفاه و آسایش ملت خود تنظیم کرده و بموقع اجرا گذاشته اند فوق العاده جالب توجه و مستوجب قدردانی است .

دربارهٔ اوضاع ایران شاهنشاه اظهار داشت که در وهلهٔ اول باید بموضوع آبیاری و بامور کشاورزی عطف توجه شود .

اعلیحضرت خاطر نشان ساخت که در ایران اصول ملوك الطوایفی اجرا نمیشود و کشاورزان ایران غلام مالکین نیستند بلکه قسمتی از محصول زمین بآن ها تعلق دارد .

سعی من این است که با تاسیس شرکت های تعاونی فلاحتی و با استفاده از ماشین آلات جدید کشاورزی، برمیزان محصولات و نتیجهٔ کار کشاورزان بیفزائیم تا باشرایطی که هم اکنون بین کشاورزان و مالکین در مورد تقسیم محصول مرسوم است عایدات

کشاورزان افزایش یافته رفاه و آسایش بزرگران تضمین وتأمین گردد ودهقانان ایران بتوانند زندگی راحت وآبرومندی داشته باشند.

شاهنشاه ضمناً گفت برنامه‌ای درنظر دارند بموقع اجراء بگذارند که طبق آن مالکین بزرگ و کسانی که علاقهٔ زیادی باملاك خود ندارند آبادیها واراضی خودرا بدولت بفروشند تا اینکه کشاورزان ایران بتوانند دراملاك شخصی خود مشغول کشاورزی شوند.

اعلیحضرت همایونی اظهارداشت که طبق این برنامه هریك از کشاورزان پس از خریداری زمین میتوانند قرض خودرا درمدت ۲۰ تا ۲۵ سال مستهلك سازند.

یکی ازخبرنگاران سئوال کرد که آیا این برنامه باصول کمونیستی شباهت دارد.

شاهنشاه پاسخ داد بعقیدهٔ من این نوع معامله، خیلی محافظه کارانه است.

اعلیحضرت ضمناً اعلام داشت که درایران برنامهٔ مفصل وبزرگی بنام برنامهٔ هفت ساله شروع شده است که بمنظور بالا بردن سطح زندگی اهالی وبهبود وضع بهداشت وامورتعلیم وتربیت کشور بموقع اجراء گذاشته شده است ولی برای اینکه این برنامه بنحورضایت بخشی اجراء شود ملت ایران به ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ دولار احتیاج دارد.

شاهنشاه گفت من اطمینان دارم که ایران قادرخواهد بود برای اجرای این برنامه ازخارج کمك دریافت داردزیرا همین دیروز یکی از سرمایه‌داران امریکا پیشنهاد خوبی بمن داد.

تاکنون کشورایران مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰ دولار ازبانك صادرات و واردات امریکا درمقابل عایدات نفت ایران وام دریافت کرده که بمصرف اجرای بعضی از مواد برنامهٔ هفت ساله خواهدرسید.

اعلیحضرت همچنین متذکرشد: ایران احتیاج مبرمی بماشینهای سنگین و کارخانه‌های ذوب آهن ولوکوموتیو وتوسعهٔ کارخانه‌های فعلی ومصالح کافی برای

ساختمان سدهای بزرگ ولوازم وماشینهای کشاورزی منجمله تراکتور دارد.

مهمترین شرکت امریکائی «مشاورین ماوراء بحار» در طی دوسال گذشته خدمات شایان تقدیری درمورد برنامه هفت سالهٔ ایران انجام دادند.

درباره روابط ایران بااتحاد جماهیر شوروی شاهنشاه خاطرنشان ساخت که لااقل ازلحاظ امور بازرگانی درروابط میان دو کشور بهبود محسوس حاصل شده است بطوریکه دولت شوروی موافقت کرده است مقدار ۱۰۰۰۰۰ تن گندم در مقابل دریافت پول بایران بفروشد.

اعلیحضرت ضمناً گفت که ایران علاوه برشوروی ،ازکشورهای دیگر نیز گندم خریداری کرده است .

سؤال شد که آیا ازلحاظ دیگرنیز تغییراتی درروابط بین ایران وشوروی حاصل شده است؟

اعلیحضرت درجواب اظهارداشت بعقیدهٔ من وقتیکه اوضاع سیاسی بین المللی اصلاح شود درروابط سیاسی ایران و شوروی نیز بهبودی حاصل خواهد شد ولی مثلا مذاکراتی که دربارهٔ انعقاد یك قرارداد بازرگانی بین دو کشور شروع شده بود اکنون درحال رکود مانده است.

بعد شاهنشاه بشوخی اظهارداشت که این مذاکرات گوئی تحت تأثیر دوای خواب آوری واقع شده است .

دربارهٔ سازمان ملل متحد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی متذکرشد : این مؤسسه بین المللی تنها مایهٔ امید بشر باستقرارصلح وامنیت بین المللی است واگر اوضاع اقتصادی ایران تثبیت و اصلاح شود کشور ایران نیز بنوبهٔ خود بصلح و امنیت بین المللی خدمات مهمی انجام خواهدداد.

دربارهٔ مستر ترومن اعلیحضرت اظهارداشت : رئیس جمهوری امریکا شخص دلباز وصمیمی ومهربانی است . ما ایرانیان بمستر ترومن بنظر تحسین و تکریم مینگریم زیرا بعقیدهٔ من رئیس جمهوری امریکابمنظور استقرار وحفظ صلح وامنیت

بین‌المللی خدمت میکند وهمهٔما بصلح بیش‌ازچیزهای‌دیگراحتیاج داریم.

پس از پایان جلسهٔ مطبوعاتی اعلیحضرت در مجلس ضیافتی که آقای انتظام رئیس هیئت نمایندگی ایران درسازمان ملل متحد تشکیل داده بود وعده زیادی از رجال سیاسی در آن شرکت داشتند حضور یافت وپس‌ازپایان ضیافت اعلیحضرت و همراهان در تئاتر «رادیوسیتی» حضور بهمرسانیدند.

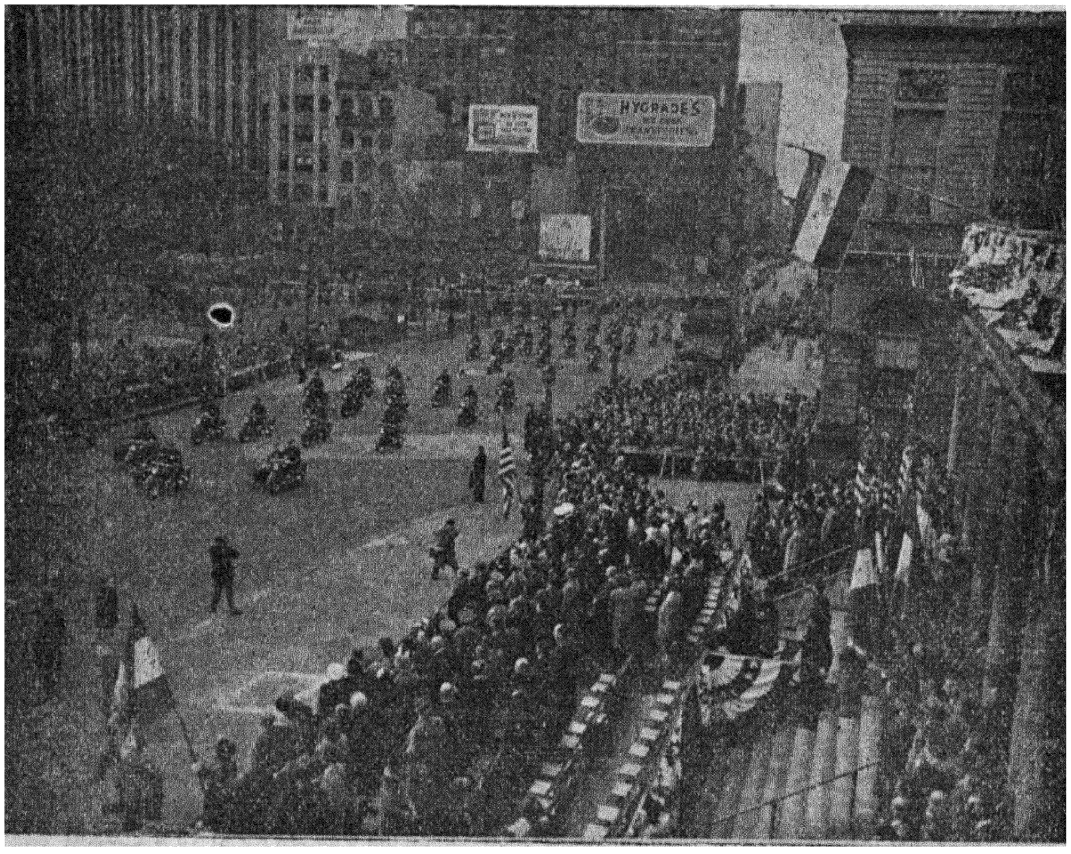

پادشاه ایران در میدان شهرداری نیویورک

درود مردم نیویورک بشاهنشاه ایران

روز دوشنبه مراسم باشکوهی در شهرداری نیویورک برپا گردید وطی آن «ویلیام اودوایر» شهردار نیویورک بپاس خدمات اعلیحضرت همایونی بصلح

جهان و بهبود اوضاع کشور ایران از طرف اهالی
نیویورک تصدیق نامه‌ای بشاهنشاه ایران تقدیم
کرد که بربالای سطور آن اینجمله دیده میشد:
«بپاس خدمات برجسته و بی نظیر»
ابتدا «ویلیام ادوایر» شهردار نطقی بشرح زیر
ایراد کرد:

مردم نیویورک واولیای امور این ایالت نهایت افتخار رادارند که بپادشاه جوان یک کشور کهنسال درود وتهنیت عرض کنند.

شاهنشاه عظیم الشأن ایران وارث تخت وتاجی است که ازدوران باستانی به یادگار مانده است.

کشوریکه این شاهنشاه عظیم الشان درآن سلطنت میفرمایند ششهزار سال سابقه تمدن دارد و امروز جمعیت این کشور هیجده ملیون تن است. ایران هرچند کشور کهنسالی است ولی بامسائل ومشکلات نوینی مواجه شده است.

ایران درجنگ جهانی دوم دوشادوش ما جنگیدو پس از پایان جنگ نیز طرفدار کشورهای دموکراتیک باختری بوده است. هنگامی که جنگ بپایان رسید شاهنشاه ایران دربرابر خود مشکلات عظیمی یافتند زیرا شیرازه اقتصادیات مملکت براثر اشغال قوای خارجی وهجوم ده هزار تن از آوارگان گرسنه و بیمار خارجی، ازهم گسیخته شده وشاهنشاه ازهرطرف باهرج ومرج سیاسی مواجه بود ولی صبرو استقامت و شهامت عالی وبی نظیر شاهنشاه برای بدست آوردن اختیارات قانونی جهت اصلاحات اساسی در کشورموجب جلب محبت ووفاداری ملت ایران گردید.

امنیت وآزادی ایران برای ماحائزاهمیت است. شاهنشاه ایران بنابدعوت مسترترومن رئیس جمهوری که بخوبی همکاری ایران را بامتفقین برعلیه دول محور بخاطر دارد واز سجایای عالی شاهنشاه که کلیه ثروت شخصی خویش را برای رهائی ملت خود ازقحطی و گرسنگی ازدست داده اند (کف زدن شدید حضار) نیک آگاه است، باینجا تشریف فرما شده اند. کشور این شاهنشاه عظیم الشأن ازلحاظ اینکه محل انعقاد بزرگترین کنفرانسهای تاریخی بود درخاطر دولت ما

نقش بسته وخود شاهنشاه در سراسر جهان بدوستی وطرفداری ملل آزاد اشتهار دارند وذات مبارکشان مظهر تجدد در آسیا است وواسطهٔ دوران باستانی باآینده میباشند.

نثار دسته گل بآرامگاه روزولت

روز سه شنبه اول آذر اعلیحضرت ازروزنامه معروف « ایونینگ نیوارك دیدن کرد. بعد در دانشگاه پرینستون حضوریافت ودرآنجا نطق‌های دوستانه‌ای ایراد شد . پس از آن خبرنگاران روز نامه « دیلی پرینستونیان » را بحضور پذیرفت .

شب آنروز شاهنشاه درمجلس ضیافت باشکوهیکه از طرف انجمن ایران در نیویورك بافتخار شهریار ایران برپاشده بود حضور یافت .

روز چهارشنبه ۲ آذر اعلیحضرت ازدانشگاه نظامی « وست پوئینت » بازدید کرد ، پس از آن درمجلس ضیافت بنگاه خاور نزدیك حضور بهمرسانید سپس به « انجمن آسیا » رفت ودرآنجا نطق هائی ایراد شد .

روز پنجشنبه ، روز شکر گزاری ملت امریکا و تعطیل عمومی بود. دراینروز اعلیحضرت بمنزل مرحوم فرانکلین روزولت درهاید پارك رفت و دسته گل بسیار بزرك وزیبائی بر آرامگاه آن فقید نهاد. سپس شاهنشاه ناهار را با خانم روزولت و پسرش الیوت روزولت صرف نمود .

شاهنشاه پس ازبازدید باغ زیبای هاید پارك شام را دریك مجلس غیر رسمی که درآن عده ای از مشاهیر ادبی و نویسندگان ومؤلفین وهنرپیشگان نامی امریکا حضور داشتند صرف کرد وبلا فاصله بضیافت مجللی که ازطرف ایرانیان مقیم نیویورك بافتخار شاهنشاه در مهمانخانه والدورف آستوریا برپاشده بود حضور یافت .

دراین مجلس که متجاوز از ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند
بحضور شاهنشاه خیر مقدم گفته شد.

اهداء دکترای افتخاری دانشگاه میشیگان بشاهنشاه ایران

روز ۵ آذر اعلیحضرت دانشگاه میشیگان را بازدید کرد
دراین بازدید ابتدا استادان بحضور شاهنشاه معرفی
شدند و سپس اعلیحضرت در حالیکه لباس استادی
دانشگاه را برتن داشت در تالار کنفرانس دانشگاه
حضور یافت
دراینجا رئیس دانشگاه و پس از آن پروفسور کامرون
مستشرق معروف امریکائی نطقهائی ایراد کردند ،
پروفسور کامرون درضمن نطق خود گفت:

اعلیحضرتا از طرف استادان و دانشجویان دانشگاه میشیگان بشما خیر مقدم عرض نموده و ازشما که دیدن این دانشگاه را جزو برنامه مسافرت خود قرارداده‌اید تشکرمیکنم .

این دانشگاه که ازطرف مردم تأسیس شده واداره میشود قدمهای بزرگی در راه بسط فرهنك وروشن نمودن سوابق فرهنگی کشورهای جهان برداشته است و مخصوصاً بفرهنك کشور شما خدمات شایانی نموده است. مااهمیت مسافرت شما رابامریکا تشخیص میدهیم .شما دراینجا تعلیم وتربیت در امریکا را ازنزدیك می بینید.

این دانشگاه وارث معلوماتی است که بشر ازقرون گذشته ازخود باقی گذاشته است واین ارث را حفظ خواهد کرد.

علاقه ما تنها منحصر بایران باستان نیست بلکه بایران کنونی هم علاقمند هستیم من ورود اعلیحضرت را که نماینده یك کشور باستانی هستند خوش آمد می گویم.

پس از آنکه یکی دیگر از استادان دانشگاه از خدمات درخشان ایران بفرهنك و تمدن جهان سخن راند رئیس دانشگاه دانشنامه دکترای افتخاری در حقوق مدنی را باعلیحضرت همایونی تقدیم کرد آنگاه شاهنشاه چنین اظهار داشت :

آقایان اعضای هیئت‌مدیره دانشگاه .

با اعطای‌درجه دکترای حقوق‌افتخار بزرگی‌نصیب من کرده‌اید. من از مدتها پیش واقف بعظمت و اشتهار دانشگاه میشیگان بوده‌ام .اصل و منشاء این دانشگاه تقریباً ازاوایل‌تأسیس جمهوری‌امریکا آغازمیگردد.

ما درایران اصل‌ومنشاء راخوب قدرمیشناسیم زیرا فرهنك خودما یکی از فرهنگهای باستانی‌است.

مامعتقدیم اصل ومنشاء عالی‌واصل‌وگوهری که تمدن‌را بوجودآورده‌مفهوم حیاتی وبسیارمهم‌دارد . زیرادردنیای‌پرآشوب کنونی که‌براساس‌احترام‌به‌ارزش ومنزلت مقام‌بشری واصول‌ومعتقدات عالی‌اخلاقی‌است ،سنن باستانی‌مارا حیات ونیرو می‌بخشد وسرچشمه‌الهامات برای‌ما میشود .اصول وسنن‌عالی درآنموقع که‌مسیرما ازهرطرف باهرج‌ومرج‌وآشوب وبی‌نظمی‌احاطه شده‌تکیه گاه‌استوار وخوبی‌برای‌ما خواهدبود .

سنن‌شما دراین دانشگاه ازهمان‌اصول وسنن‌عالی‌است بنابراین من این درجه‌دکتری را باافتخار مخصوصی می‌پذیرم وازاینکه این درجه بعنوان اینکه نمایندهٔ‌ایران می‌باشم بمن‌اعطاء شده‌است، مفتخرم.

بی‌شك‌همه میدانید ایران تااین اواخردراقتباس ازاصول‌وروش فرهنگی باختر کند وبطئی‌بوده‌است‌ولی‌باختر هیچگاه‌چنین نبوده‌وچنین تردیدی‌رابخود راه‌نداده‌است زیرا ازهمان قرون اولیه باختریهاازفرهنك ایران‌وسایر کشورهای خاورمیانه آنچه‌را که‌منطبق‌بااحتیاجات‌خود می‌یافتنداقتباس کرده‌اند البته در این دانشگاه گستاخی خواهد بود که‌دراین موضوع بیش از این شرح و بسط داده شود.

مسافرت شاهنشاه بشهر های مختلف امریکا

روز ٦ آذر اعلیحضرت باهواپیما بطرف شهردیتون پرواز کردواز پایگاه هوائی عظیم اینشهر دیدن نمود، ازطرف افسران نیروی هوائی ضیافتی بافتخارشاهنشاه داده شد ونطقهائی ایراد گردید.

روز دوشنبه ۷ آذر اعلیحضرت بفورت ناکس رفت.

در فورت ناکس که یکی از بزرگترین پایگاههای نظامی امریکا محسوب میشود از شاهنشاه ایران پذیرائی رسمی و درعین حال بسیار گرمی به عمل آمد.

بمجرد ورود موکب همایونی باین پایگاه با ۲۱ شلیك آتش بار مراسم احترام نظامی بعمل آمد و سپس از طرف ژنرال ویلیام لیوسی ضیافت ناهار باشکوهی بافتخار مقدم ملوکانه برپا شد وپس از آن اعلیحضرت عملیات نظامی واحد های موتوریزه این پایگاه را که با جدید-ترین اسلحه ومهمات مجهز میباشند مشاهده کرد.

روز سه شنبه ۸ آذر اعلیحضرت با هواپیما از فورت ناکس بفرودگاه «وینسلو» واز آنجا بااتومبیل بگراند کانیون عزیمت کرد.

در روز چهارشنبه ۹ آذر اعلیحضرت از سد هوور و سایر مؤسسات آبیاری «کلرادو» واز شهر «لاس وگاس» که نمونه ای از شهر های باختری امریکاست دیدن کرد و بعد به فینیکس مرکز ایالت آریزونا رفت.

در فینیکس گروهی از پاکستانیها واعراب کشاووز بحضور شاهنشاه باریافتند.

روز ۱۲ آذر شاهنشاه از پایگاه دریائی «سان دیه گو» وناو هواپیما بر «ولی فورج» بازدید کرد، عصر آنروز شاهنشاه بطرف لوس آنجلس عزیمت نمود.

روز یکشنبه ۱۳ آذر اعلیحضرت نقاط مختلف شهر لوس آنجلس را دیدن نمود.

روز دوشنبه ۱۴ آذر کارخانه هواپیما سازی «لاکهید» ضیافت ناهاری با فتخار اعلیحضرت برپا کرد. شاهنشاه سپس قسمت های مختلف کارخانه را بازدید نمود.

اعلیحضرت در طی اقامت خود در شهر لوس آنجلس به باشگاه ایران و امریکا رفت و دکترجردن مؤسس ورئیس سابق کالج البرز را بحضور پذیرفت.

باین ترتیب برنامهٔ رسمی مسافرت اعلیحضرت همایونی بامریکا پایان یافت.

پس از پایان برنامه رسمی ،اعلیحضرت درحدود چهارهفته بطورغیررسمی درکشورهای متحده امریکا اقامت نمود وپس از چندروز استراحت در «سان والی» بشهر «سانفرانسیسکو» عزیمت نمود ، در این شهر هفتاد نفر از ایرانیان مقیم سانفرانسیسکو به پیشگاه شاهنشاه باریافتند .

روز یکشنبه ۲۷ آذر اعلیحضرت از سانفرانسیسکو مجدداً بسوی نیویورک عزیمت نمود .

شاهنشاه در دانشگاه کلمبیا

خیر مقدم ژنرال آیزنهاور به شهریار ایران

اعلیحضرت عصر روز دوشنبه ۲۸ آذر در مجلس ضیافت باشکوهی که از طرف «ژنرال آیزنهاور» رئیس دانشگاه کلمبیا با فتخار شاهنشاه در باشگاه استادان دانشگاه برپا شده بود حضور یافت.

دراین مجلس متجاوز از ۱۵۰ نفر از مشاهیر واشخاص برجسته نیویورک که در رشته های مختلف از قبیل تعلیم وتربیت ، صنعت ، فرهنگ وهنر از استادان بزرگ امریکا محسوب میشوند حضور داشتند.

ژنرال آیزن‌هاور پس‌از عرض خیر مقدم حضار را به پیشگاه ملوکانه معرفی کرده اظهار داشت:

اعلیحضرتا ، اشخاصیکه دراین مجلس شرف‌حضوردارنداز برجسته‌ترین و مشهورترین افراداینکشورهستند که‌ازطبقات‌مختلف‌ازقبیل‌صاحبان‌صنایع بزرك ، مهندسین، ناشرین کتب وجراید، وکلای‌دادگستری، پزشکان‌واستادان‌برجسته دعوت‌شده اندودراین‌محل حضوریافته‌اند که مراتب احترام‌وتکریم‌خودرا بیك شخصیت بسیاربرجسته‌وبیك‌مهمان‌عزیزوبزرگوارکه وظایف‌و مسئولیتهای طاقت فرسائی بردوش‌داردابراز بدارند .

اعلیحضرتا همه ما که‌دراینجاشرف‌حضورداریم باتاریخ پرافتخار ایران‌آشنا هستیم‌وازمساعی‌و عزم‌خستگی‌ناپذیرآن اعلیحضرت کاملا با اطلاعیم .

اخیراً دانشگاه کلمبیاعلاقه‌شدیدی‌نسبت بکشورهای‌خاورنزدیك‌پیدا کرده ودر این‌خصوص دانشمندان این‌دانشکده مشغول‌تحقیقات عمیقی‌شده ومؤسسه جدیدی افتتاح نموده‌اند .

☆ ☆ ☆

اعلیحضرت طی‌اقامت‌خود درنیویورك خانه ایران را که مقررسمی بعضی‌از مؤسسات‌وانجمنهای‌ایرانی‌شهرنیویورك‌خواهدبودافتتاح کرد. همچنین بضیافت با شکومی که‌شرکت‌مشاورین‌ماوراء بحار برپا کرده بودحضوریافت‌ودربارهٔ پیشرفت کاربرنامه‌هفت‌سالهٔ بامهندسین‌شرکت‌مزبور وارد مشورت گردیدودستورهای‌لازم برای‌تسریع کاربرنامه‌هفت‌ساله‌صادر نمود .

آنگاه‌عده‌ای‌ازپزشکان‌عالیمقام‌امریکا ازشاهنشاه معاینه‌پزشکی کردند و صحت‌وسلامت کامل شاهنشاه‌راتأیید نمودند .

پیام شاهنشاه از امریکا بملت ایران

اعلیحضرت قبل از ترك کشور امریکا پیامی خطاب بملت ایران بوسیله صدای امریکا ایراد نمود که متن آن از اینقرار است :

ملت عزیزم اگرچه شش هفته است که ازمیهن عزیزدور بوده‌ام ولی در تمام مدت مسافرت خوددرامریکاهیچگاه‌از فکرایران وسعادت شما دور نبوده‌ام ودرهر حال همه وقت با شما بوده‌ام .

مشاهده پیشرفت‌ها وترقیات شگرف امریکا که در نتیجه پشتکار و سعی و جدیت مردم این کشور بوجود آمده درمن تأثیر زیادی نموده ایمان مرا به پیشرفت مردم کشور خود بیشتر ومحکمتر ساخت ومطمئنم که ماهم باسعی و کوشش بتوانیم در کلیه شئون اجتماعی پیشرفت کرده وبااستفاده‌ازاصول علمی موفق شویم سطح زندگی افرادملت رابطورمحسوسی بالا بریم.

هدف ما همانطوریکه قبلا بارها تذکرداده‌ام تأمین امنیت و بهداشت و فرهنگ وحداقل مایحتاج زندگی برای کلیه افراد ملت است

امیدوارم خداوند متعال که همیشه حافظ ایران عزیز بوده ما رادرراه فراهم آوردن رفاه ملت موفق سازد .

اعلامیه مشترک شاهنشاه ایران ورئیس جمهوری امریکا

روز نهم دی هنگامیکه اعلیحضرت کشور امریکا را ترک مینمود درتهران وواشنگتن دریك موقع اعلامیه مشترك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و حضرت رئیس جمهوری کشور های متحدهٔ امریکا انتشار یافت اینك متن اعلامیه :

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران پس‌از شش‌هفته اقامت درممالك متحدهٔ امریکا امروز نیویورك را بقصد عزیمت بکشور ایران ترك فرمودند.

درضمن مراسم تودیع اعلیحضرت همایونی اعلام فرموده‌اند که مسافرتشان موجب تحکیم مناسبات دوستی دیرین ایران وامریکا گردیده است واظهارخوشوقتی فرموده‌اند ازاینکه ازطرف حضرت رئیس جمهوری بمسافرت بآن کشوردعوت شده ومهمان معظم له بوده‌اندوفرصت یافته‌اند که بارئیس مملکت و مأمورین عالیرتبهٔ

کشور های متحدهٔ امریکا آشنائی پیدا کنند همچنان اعلیحضرت همایونی از مهمان نوازی شایانی که بعمل آمده است قدردانی فرموده و از محبت و علاقه ای که ملت امریکا نسبت بذات ملوکانه ابراز داشته است ابراز مسرت فرموده اند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بطوری که حضرت رئیس جمهوری نیز در یکی از نطق های خود اظهار فرمودند بهرجا که اراده فرمودند مسافرت و با هر کس در هر موضوعی که مقتضی دانستند مذاکره و بحث نموده اند و این رویه وسیله شد که نسبت براه و رسم زندگی و کارهای بزرگی که در این کشور صورت گرفته است از نزدیك شناسائی حاصل فرمایند.

بعد از اقامت کوتاه در واشنگتن ذات مبارك ملوکانه مسافرتی نیز به نیویورك، دیترویت، فورت نکس، گراند کانیون، سدموور، فونینکس (اریزونا)، لس آنجلس، سان دیگو، سن والی و سانفرانسیسکو فرمودند.

در جریان این سیاحت که متضمن مسافرت های فرعی عدیده ای نیز بود عده ای از بنگاههای فرهنگی، کشاورزی و صنعتی و همچنین مؤسسات نظامی و نیروی دریائی و هوائی را بازدید و بسیاری از رؤسای مؤسسات کشوری و فرهنگی و صنعتی و نمایندگان کلیهٔ شعب زندگی امریکائی افتخار ملاقات ذات ملوکانه را حاصل کردند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در واشنگتن با حضرت رئیس جمهور و آقای وزیر امور خارجه و مأمورین عالیرتبهٔ کشور های متحدهٔ امریکا در محیط بسیار صمیمانه و صادقانه مذاکراتی بعمل آوردند و تبادل نظری که صورت گرفت برای ایجاد تفاهم متقابل در مسائل مورد علاقهٔ دو کشور فوق العاده مفید واقع شد.

در تعقیب این مذاکرات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و حضرت رئیس جمهوری مصمم گردیدند که اعلامیه مشترك ذیل را درباره روابط بین دو کشور صادر فرمایند.

متن اعلامیه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران و حضرت رئیس جمهور و کشورهای متحدهٔ امریکا روابط بین دو کشور و مسائلی که هر دو مشترکا با آن مواجه هستند مورد بررسی قرارداده و در خلال این مذاکرات بنتایج زیر رسیدند:

۱ ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران وحضرت رئیس جمهور کشورهای متحدهٔ امریکا معتقدند که سازمان ملل متحد بهترین وسیله برای تأمین جهانی توأم باصلح وصفامی باشد و بنابراین هردو کشور عزم تزلزل ناپذیر خودرادر پشتیبانی ازسازمان مزبوروهمکاری نزدیك خودرا باآن ومؤسسات وابستهٔ بآن کماکان ادامه خواهند داد.

۲ـ از آنجاکه تهدید صلح وامنیت بین‌المللی درجهان مستقیماً به کشور های متحدهٔ امریکا متوجه میباشد وبهمین جهت دراول دسامبر۱۹۴۳ هنگامیکه پرزیدنت روزولت فقیدومسترچرچیل نخست وزیروقت انگستان ومارشال استالین اعلامیهٔ سه گانه رادرتهران امضاء کردنددولت امریکاتمایل خودرا برای حفظ استقلال وتمامیت ایران صریحاً بیان نمودوعلاقهٔ شدید کشورهای متحدهٔ امریکا نسبت باین امربعد آدراعلامیه های مربوط به سیاست خارجی امریکا کرار آتأئید گردیدابنك نیزدولت امریکا مصمم است که این سیاست را کماکان ادامه دهد .

۳ ـ ازآنجاکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران معتقدند وحضرت رئیس جمهورنیز بانظرملوکانه موافقت دارند که توانائی هر کشوری برای حفظ استقلال خویش بستگی باوضع اقتصادی سالم ومقرون برفاه دارد بهمین علت دولت ایران برطبق تعلیمات اعلیحضرت همایون شاهنشاه درسال ۱۹۴۶ اقداماتی بمنظورتهیه برنامهٔ هفت ساله برای پیشرفت اوضاع اقتصادی واجتماعی کشوربعمل آوردواینك برنامه مزبور که بصورت قانون درآمده باتمام وسایلی که دولت در دست دارد بمورد اجرا گذارده شده است .

حضرت رئیس جمهورامریکابه‌اهمیت این برنامه درپیشرفت اوضاع اقتصادی ایران توجه دارند وعلیهذادولت امریکا درخواست های دولت ایران راازبانك بین المللی ترمیم وتوسعه برای اخذ وام‌های موجه اقتصادی تأیید وپشتیبانی خواهد نمود .

بعلاوه بشرط اقدام مساعد کنگره درمـورد اصل چهارترومن دولت امریکا حاضراست که بموجب مقررات اصل مزبور توسعهٔ اقتصادیات ایران راتسهیل نمودم

هر گونه کمك فنی و مشورتی که دراصل چهار مقرر است مبذول دارد ونیز دولت امریکامخصوصاً متوجه است باینکه بکارافتادن دائم التزاید سرمایه‌های خصوصی امریکائی درایران مطلوب می‌باشدودولت ایران تدابیری را که برای تشویق به کارانداختن این گونه سرمایه ها اتخاذ شودمورد مطالعه قرارخواهدداد .

٤- ازآنجا که سیاست کشورهای متحدهٔ امریکااین است که درهرموردی که کمك وی ممکن است مؤثرواقع شود ملل آزادجهان را درهر کجا که هستند در حفظ آزادی خود مساعدت نماید درنتیجهٔ اجازه اخیر کنگره وبرای اجابت تقاضای دولت ایران دولت امریکاهمواره حاضراست که بعضی کمك‌های نظامی را که برای ایران ضروری باشد مبذول دارد تابدان وسیله ملت ایران که هم خودرا وقف اجرای مقاصدواصول منشورملل متحدنموده بتواندتدابیرمؤثری برای دفاع ازخود وبمنظور پشتیبانی ازاصول ومقاصدمزبوراتخاذ نمایدونیز کشورهای متحده امریکااحتیاجات دفاعی ایران را که مربوط بمساعدتهای خارجی بیشتری میشود وممکن است مورد توجه دولت امریکا قرار گیرد کماکان درنظر خواهد داشت .

بزرگترین مردان سیاسی ونظامی دنیا در ایران

از شهریور ۱۳۲۰ که آتش جنگ بین المللی دوم بایران نیزسرایت کرد، و دروازه‌های این کشور بروی کشورهای متحد گشوده شد، جمعی از برجسته‌ترین رجال سیاسی ونظامی دنیا بایران آمدند واز کشور مادیدن کردند وپس ازچندی ایران را ترك گفتند .

درآن ایام تیره وتار که سرنوشت ایران بدست حوادث سپرده شده بود ، اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی بانهایت دقت ومراقبت اوضاع ایران ودنیا راازنظر میگذراندند وهرچند گاه یکبار که مردان بزرگ سیاسی دنیابه پیشگاه شاهانه میرفتند ازموقعیت استفاده نموده ودرمورد لزوم دربارهٔ حفظ استقلال وتمامیت ارضی ایران باآنهاصحبت میکردند .

اکنون مختصری درباره این مردان عالیقدر مطالبی ذکر میکنم :

نخستین مسافر بزرگ خارجی که بایران آمد

دوك اوف گلوستر برادر پادشاه انگلستان بود

دوك گلوستر روز یکشنبه بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ باهواپیما وارد تهران شد وچهار روز در تهران ماند وفردای روز ورود خود پیامی بمطبوعات ایران که قسمتی از آن چنین بود « زیبائی و عظمت وسابقه تاریخی ایران درتمام دنیای متمدن مورد احترام عموم قرار گرفته و اغراق نیست اگر بگوئیم که مخصوصاً انگلستان بدین حقیقت توجه کامل دارد . درحال حاضرخط آهن وخطوط ارتباطی کمك بسیار گرانبهائی در حصول پیروزی نهائی از طرف ملتهای آزاد جهان که ایران نیزمقام پرافتخاری را درمیان آنها احراز کرده است بشمار میرود » .

شب همانروز والاحضرت دوك اوف گلوستر درمجلس ضیافتی که از طرف اعلیحضرت همایونی بافتخار ایشان داده شده درپاسخ شاهنشاه چنین گفت :

« کشورتاریخی وزیبای ایران همیشه توجه دانشمندان وسیاحان بریتانیارا بخود معطوف داشته حتی بعضی ازآنها حیات خودرا وقف خدمت به آثار بزرك ادبیات وهنر های زیبای ایران کرده اند .

اکنون مات ایران باهمسایگان بزرگ خود شوروی وانگلستان دارای حقوق متساوی است ومن باینجا آمده ام که بدوستان ومتفقین ایرانی خودمان درود بگویم ودر پایان نطق پس ازخواندن شعرمعروف حافظ :

صبروظفر هردودوستان قدیمند　　بر اثر صبر نوبت ظفر آید

چنین گفت : مهمان نوازی ایرانیان حتی ازآغاز تاریخ معروف عموم بوده ومن ازکشور زیبای شما و دوستانیکه دراینجا پیدا کرده ام خاطرات فراموش نشدنی همراه خواهم برد »

دومین مسافر بزرگ خارجی

دومین مسافر بزرگ خارجی که بایران آمد یك انگلیسی یعنی وینستون چرچیل نخست وزیرانگلستان بود . وی که ازمدتی پیش فعالیت عجیب خودرا درسرتاسر جهان برای (پیروزی) آغاز کرده بودودر تمام مدت جنگ (روح پیروزی) بشمارمیرفت همراه ژنرال ویول وهریمن نماینده روزولت وکادوکان ورئیس ستاد نیروهای انگلیس وبسیاری از مردان سیاسی ونظامی انگلستان بایران آمد روز چهارشنبه بیست ویکم مرداد ۱۳۲۱ وارد تهران شد وشب را نیز در پایتخت ایران بسر برد روز بعد بحضور اعلیحضرت پادشاه ایران باریافت وبا ایشان نهار خورد وسپس بمسکو رفت .

این نخستین ملاقاتی بود که بین مستر چرچیل واستالین صورت میگرفت ولی آخرین آنها نبود زیرا بعدها خود چرچیل گفت که من مثل آوازه خوان دوره گردی دائماً اینطرف وآنطرف رفتم ولی همیشه فقط یك آواز خواندم . چرچیل این سفررا از راه قاهره وبغداد وتهران بوسیله هواپیما انجام داده بودو خبر مسافرت اووقتی انتشاریافت که وی پس ازمراجعت ازراه تهران وقاهره وراه افریقا به لندن رسیده بود.

دراین مسافرت برای اینکه نقل وانتقال آقای نخست وزیرانگلستان مخفی بماند چرچیل (حقه) های عجیبی ازخود ابداع میکرد مثلادر تهران مسافت بین فرودگاه وعمارت ییلاقی سفارت انگلیس رادر قلهك بایك اتومبیل کرایه ای وبطور ناشناس طی کرده وقطعاً راننده اتومبیل که بادیدن او وسیگاربرگ معروفش فقط فکر کرده بود که (مسافرقاچاق پولداری) بتورش خورده است هنوزهم نمیداند که آن روزبرای چند دقیقه سرنوشت بزرگترین مردجنگ، وشایدسرنوشت خود جنگ دردست او بود .

سومین مرد بزرگ دنیا در ایران ویلکی قاصد دموکراسی

کمتر سفری باندازه سفر (ویندل ویلکی) نماینده مخصوص روزولت درتهران مورد توجه قرار گرفت . ویلکی که نخستین سیاستمدار بزرگ امریکائی بود که

بایران میآمدهم ازلحاظ مقاموهم ازلحاظ شخصیت خویش اهمیت فوق العاده داشت وی چنانکه همه میدانند رقیب انتخاباتی مستر روزولت درسال ۱۹٤۰ بود وپس از شکست اودر شخصیت نیرومندش رخنه‌ای وارد نکرد وشاید اگر تاسال ۱۹٤٤ زنده مانده بود شانس بزرگی برای احراز موفقیت درانتخابات ریاست جمهوری امریکا داشت .

ویندل ویلکی که سیاستمداری آزادمنش و صریح اللهجه وفعال و بسیار اجتماعی وبی تکلف بود درپائیز ۱۳۲۱ حاضر شد بعنوان نماینده مخصوص روزولت بدورجهان مسافرت کند وهمه جا را ازنزدیك ببیند ونتیجه مطالعات خود را در کشورهای متفق به روزولت گزارش دهد .

دراین سفرویلکی انگلستان ، شوروی ، چین وممالك عرض راه منجمله ایران را دید واز نزدیك همه جارا رسیدگی کرد وسپس گزارش بسیارمفصل به روزولت داد که از بسیاری جهات پایه کار روزولت قرار گرفت . ویلکی روز بیست وسوم شهریور ۱۳۲۱ باهواپیما وارد تهران شدو همان شب بوسیله رادیو تهران بملت ایران چنین پیام داد :

من برای اعلیحضرت پادشاه وملت ایران درود ملت ورئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا را همراه آورده‌ام.

یکبار دیگر ویلکی درراديو تهران چنین گفت :

کشورایران که بیش از پنجاه قرن تمدن جهان را مرهون عالیترین آثار هنری خود ساخته یعنی بیش از یونان تمدن عالی داشته وبعدازسقوط یونان وروم شرقی وغربی نیز همچنان بسیر تکاملی خود وایجادسبك‌های بدیع ادامه داده آن قدرت اخلاقی ونیروی اراده را دارد که پس ازحصول پیروزی بدون دخالت دول بزرگ آزادانه بحیات خود ادامه دهد .

ویندل ویلکی قبل از عزیمت خوداز تهران بااعلیحضرت شاهنشاه درهواپیمای چهارموتوره خود (گولیور) نشست ومدتی هواپیمابرفراز تهران گردش کرد، این

نخستین پرواز شاهنشاه بربالای تهران بود اعلیحضرت هنگام فرود آمدن ازهواپیما

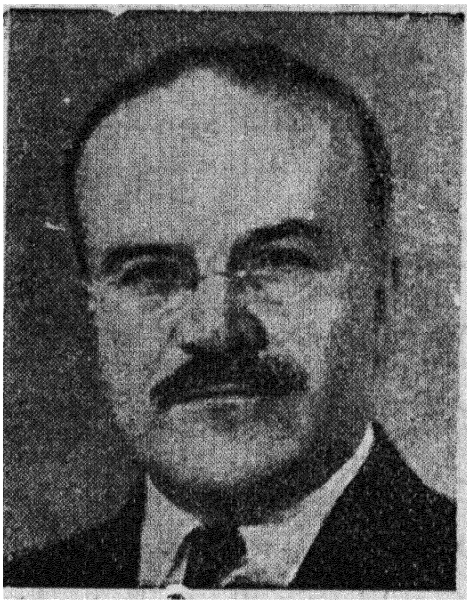

مولوتف

بویلکی اظهار داشتند (اولین کمکی که از طرف کشور های متحد امریکا میشود باید از راهی صورت گیرد که آقای ویلکی آمده اند یعنی از هوا) روز بعد ویلکی از تهران بسوی مسکو پرواز کردو بعد ازبازگشت بامریکا کتاب بسیار معروفی بنام (یکدنیا) نوشت که درآن ایرانیان رامردمی هوشمند ومستعد نامیده ولی از وضع بهداشت ایران وبطور کلی کشورهای خاورمیانه ونزدیك جداً انتقاد کرده بود .

چهارمین مرد بزرك دنیا در ایران



ایدن

ازچهارم آبان تا پانزدهم آذر ۱۳۲۲ روزولت ، استالین ، چرچیل وچهار وزرای خارجه دولتهای شوروی امریکا انگلستان فرانسه به تهران وارد شدند که جریان مذاکرات را قبلا در کنفرانس تهران شرح داده‌ایم .

پنجمین مرد بزرك دنیا در ایران

روز یکشنبه پنجم آذر۱۳۲۳ ژنرال دوگل رئیس‌حکومت موقتی فرانسه

همراه ژرژبیدو وزیر خارجه این دولت وعده‌ای ازهمراهانش به‌تهران آمدتا ازاین‌راه بمسکوبرود .

دوگل هنگام‌ورود از طرف نمایندگان ایران و فرانسه آزاد و شوروی و انگلستان مورد استقبال قرار گرفت‌وبا احترامات نظامی بسفارت فرانسه رفت وطی نطقی که‌برای فرانسویان ایراد کردازورودخود بایران‌ازاظهار خوشوقتی نمود ساعت شش‌همان‌روز بااعلیحضرت شاهنشاه ایران درکاخ مرمر ملاقات کردوشاهنشاه مدتی با اوبمذاکره پرداختندروز بعددوگل وهمراهانش‌ازتهران بسوی‌مسکو پرواز کردند و ۱۷روزبعد هنگام بازگشت یك شب درتهران بازماندند .

ششمین مرد بزرگ دنیا در ایران دکتر ادوارد بنش

یکی‌از بزرگترین میهمانان خارجی ایران که مورد علاقه و استقبال کلیهٔ محافل پایتخت قرار گرفت دکترادوارد بنش رئیس‌جمهور فقید چکوسلواکی‌بود این مرد بزرگ دوبار بایران آمد وهردوبارمورد استقبال‌رسمی قرار گرفت یکی درششم دیماه۱۳۲۲ یکماه پس‌از کنفرانس‌تهران وباردیگردر۲۴اسفند ۱۳۲۳ که ازراه‌مسکوبرای‌عقد پیمان با کمیته‌نجات ملی چکوسلواکی‌ازتهران گذشت‌هنگام ورودواوبایران‌اعلیحضرت‌شاهنشاه وزیرامورخارجه ایران ورؤسای‌نظامی‌وکشوری درفرودگاه‌ازاواستقبال کردند فردای‌آنروزبنش‌بااعلیحضرت همایونی‌ناهارصرف کرد وعصرباتفاق‌ایشان بدانشگاه تهران رفت‌ودرآنجاازطرف‌دانشگاه‌تهران‌سمت دکترای‌افتخاری‌دانشگاه‌بدو داده شدشب‌درمراسم‌شام‌رسمی که‌ازطرف شاهنشاه بافتخاراوداده شدضمن‌نطق‌مهیجی‌چنین گفت : «من قبلا بوسیله کتابها باوضاع ایران آشنائی‌داشتم وهمیشه تمدن باستانی‌این‌سرزمین مورد علاقه و تحسین من بوده اکنون مشاهده میکنم که کشورشما درحال‌حاضرنیزبرای‌ترقیات بیشتری کاملا مستعد است ومیتواند بیش‌ازاینها ترقیات‌وتمدن خودرا ادامه دهد،سفردوم دکتر

بنش در اسفند ۱۳۲۳ صورت گرفت در این سفر بنش هنگام بازگشت از مسکو با خانمش و ۲۸ تن وزراء اعضاء دولت چکوسلواکی همراه بود



دکتر ادوارد بنش رئیس جمهور چکوسلواکی در حضور اعلیحضرت شاه و ملکه فوزیه

هفتمین مرد بزرگ دنیا در ایران

در آن هنگام که خبر پایان جنگ در تهران انتشار می یافت و جشنهای پیروزی در پایتخت ایران برقرار میشد یك میهمان عالیقدر که در همه جای دنیا به (یك فرانسوی بزرگ) مشهور بود وارد ایران شد. این شخص ادوارد هریو سیاستمدار ونویسنده وخطیب معروف فرانسوی بود که پس از چندین سال اسارت در دست آلمانها بدست روسها آزاد شده بود وازراه تهران بفرانسه بازمی گشت. هریو در تهران مورد پرهیجان ترین استقبال هائی قرار گرفت که در چندین سال نسبت به میهمانان بزرگ خارجی بعمل آمده بود . هریو شش روز در تهران ماند ودراینمدت بامطبوعات ومجلس وهیئت دولت ومردم تماس گرفت .

دوسرداربزرگ دنیا درایران

دراین هنگام نیزدونفرازسرداران بزرگ دنیاژنرالویول وژنرال کانرو نیزبتهران آمدند وپس ازانجام کارهای نظامی مراجعت نمودند .

لیاقت علیخان نخست وزیرپاکستان درایران

روزبیست وچهاردیبهشت ۱۳۲۸ لیاقت علیخان نخست وزیرپاکستان با جانوبتهران وارد شدند . اکرم‌الله خان معاون وزارتخارجه وغضنفر علیخان سفیر کبیرپاکستان درتهران وچندنفردیگرهمراه ایشان بودند .

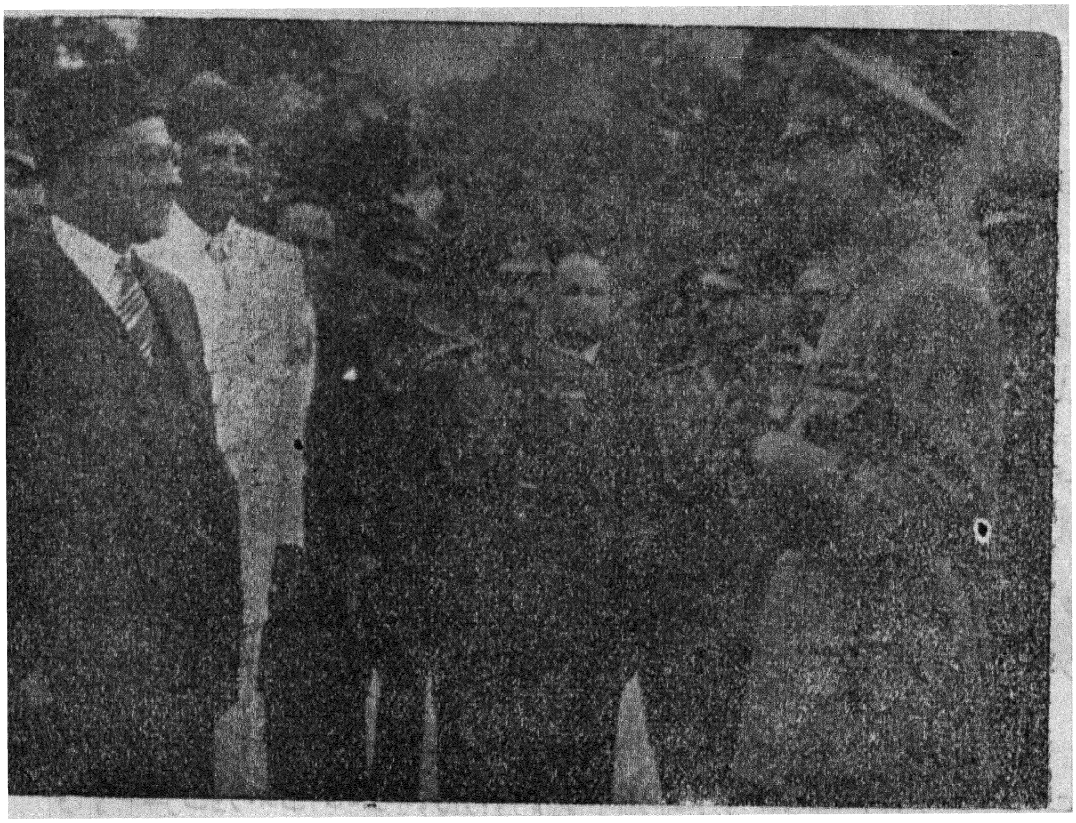

لیاقت علیخان باتفاق شاهنشاه ایران ازدانشکده افسری بازدید مینمایند

لیاقت علیخان نخست وزیرپاکستان روزاول اکتبره۱۸۹۵درشهر کرنال واقع درایالت پنجاب متولد گردیدوی تحصیلات خودرا دردانشکده علوم اکسفرد در رشته حقوق گذرانیده ودر ۱۹۲۶ عضوشورای مقننه ایالات هندشد وپس ازآن معاون

همان شورا و در ۱۹٤۰ بنمایندگی مجلس مقننه مرکزی انتخاب گردید در ماه اوت ۱۹٤۷ که دولت پاکستان تأسیس گردید او بسمت نخست‌وزیری پاکستان برگزیده شده .

لیاقت‌علیخان پس‌ازورود بتهران درمیان ابراز احساسات اهالی درکاخ ییلاقی وزارت‌امورخارجه اقامت نمود آنگاه درکاخ سلطنتی بحضور شاهنشاه باریافت‌روز بعدهنگام بازدید اعلیحضرت همایونی‌ازدانشکده افسری لیاقت‌علیخان نیزهمراه شاهنشاه بود درتمام مدت‌اقامت لیاقت‌علیخان درپایتخت‌ایران پذیرائی گرمی‌از ایشان بعمل‌آمد وبدین ترتیب دوستی ایران وپاکستان بیش از پیش تحکیم و تقویت یافت .

والاحضرت نایب‌السلطنه‌عراق

روزبیست‌وچهارم خرداد ۱۳۲۸ ساعت ده‌صبح والاحضرت امیر عبدالاله نایب‌السلطنه‌و ولیعهد کشورعراق باهواپیما وارد تهران گردید.

نظر باینکه اعلیحضرت‌همایونی ازمشارالیه رسماً دعوت کرده بودتشریفات کاملی‌درطول‌مسیر والاحضرت بعمل‌آمد اعلیحضرت همایونی‌شخصاً بفرودگاه مهرآباد برای‌استقبال‌حضوریافته فرودگاه وجاده‌فرودگاه بشهر باپرچمهای‌ملی ایران‌وعراق تزیین گردیده‌بود عراقیهای مقیم تهران‌نیز طاق‌نصرتی در چهارراه پهلوی برپا ساخته بودند درطول مسیر جمع کثیری از اهالی‌تهران بتماشا و ابراز احساسات ایستاده‌بودندرمدت اقامت والاحضرت برنامهٔ‌مخصوصی که‌قبلا ازطرف دربار تنظیم ومنتشر گردیده بود اجراشد.

والاحضرت درمدت‌اقامت خوداز‌موزه‌ایران باستان و گنجینه قرآن و جواهرات بانك ملی‌و کارخانه های تسلیحات ارتش‌ومجلس‌شورای‌ملی ومدرسهٔ‌عالی‌سپهسالار وپادگان لشکردوم‌بازدید بعمل‌آوردومانور مفصلی‌بوسیله‌افراد لشکراول درحضور مشارالیه داده شد.

درمدت‌اقامت مشارالیه درایران تلگراف مشترکی‌ازطرف وزرای‌خارجه دو



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت ملک عبدالاله
در میهمانی صاحبقرانیه

کشور بدو لتین افغانستان و پاکستان مخابره گردیدو از تیرگی روابط بین آندو کشور اظهار نگرانی نمودند و نیز اعلامیه مشترکی بامضای وزرای خارجه مبنی بر حسن تفاهم کامل راجع بامور مورد علاقه دو کشور ایران و عراق و لزوم همکاری در مسائل بین المللی

وتحکیم روابط بین خود انتشار داده وموافقت نمودند که نمایندگیهای خود را بدرجه سفارت کبری ترقی دهند از طرف والاحضرت نشانها و هدایائی بافسران ارتش و شهربانی ومیزبانان اعطا گردید.

اعلامیه مشترك وزرای امور خارجه ایران و عراق

تشریف فرمائی والاحضرت ولیعهد ونایب السلطنه معظم عراق بایران فرصت بنمایندگان دولتین ایران وعراق داد که مسائل مشترك مورد علاقه بین دو مملکت دوست وهمسایه را مورد تبادل نظر قرار دهند این تبادل نظر در محیط حسن تفاهم کامل وتمایل صمیمانه درهمکاری صورت گرفت واتفاق کامل در طرق حل کلیه قضایای معوقه حاصل گردید وتصمیمات قطعی در لزوم همکاری دو کشور در مسائل بین المللی برای تأمین صلح در این قسمت از عالم برطبق مبادی واصول عدالت وآزادی براساس نص و روح منشور ملل متفق موافقت حاصل شد ودر تأیید تمایل مشترك در تقویت وتحکیم روابط بین دو کشور اتفاق حاصل شد که نمایندگیهای خود را در بغداد و تهران بدرجه سفارت کبری ترقی دهند.

دکتر فاضل جمالی وزیر امور خارجه عراق
علی اصغر حکمت وزیر امور خارجه ایران

ملك عبدالله پادشاه کشور هاشمی اردن

روز پنجشنبه ششم مرداد ۱۳۲۸ چندین هواپیما باستقبال ملك عبدالله پادشاه ماوراء اردن پرواز نموده واعلیحضرت همایونی نیز بفرودگاه تشریف بردند مراسم استقبال باشکوه تمام و بیست ویك تیر توپ شلیك بعمل آمد طول خط سیر و فرودگاه تزیین گردیده وشهرداری تهران دوطاق نصرت یکی در میدان بیست وچهار اسفند و دیگری در سرپل تجریش برپا کرده بود وازطرف دربار کاخ صاحبقرانیه برای محل پذیرائی ازمشارالیه اختصاص داده شده بود.

درسرشام رسمی که بافتخار وی ازطرف اعلیحضرت همایونی در کاخ سعدآباد

داده شد نطقهای مودت آمیزی از طرف دو پادشاه ایراد گردید و اعلیحضرت ملک عبدالله از مهمان نوازی شاهنشاه ابراز تشکر نمود.



اعلیحضرت ملک عبدالله و اعلیحضرت شاهنشاهی در ضیافت صاحبقرانیه

اعلیحضرت ملک عبدالله در مدت اقامت خود در تهران از موزه ایران باستان و گنجینه قرآن دیدن نموده و در مسجد شاه نماز جماعت ادا کرد و همچنین از مجلس شورایملی و مسجد سپهسالار و دانشگاه تهران و جواهرات سلطنتی در بانک ملی و آموزشگاه پرستاری و اعلیحضرت اشرف پهلوی و مؤسسات کشاورزی کرج دیدن نموده و با خبرنگاران جرائد در کاخ صاحبقرانیه مصاحبه بعمل آورد و در طی آن پس از اظهار تشکر از دعوت شاهانه و تمجید از خدمات اعلیحضرت شهید اظهار داشت (ترس از وقوع ظلم و تجاوز است که ما را بهم دیگر نزدیک خواهد کرد).

در روز ۱۲ مرداد اعلیحضرت ملک عبدالله بمازندران عزیمت کرد و در هتل

را مسرصرف شام نموده و باقطار سلطنتی مراجعت کرد و همچنین با هواپیما بزیارت مشهد مقدس مشرف گردیده و پس اززیارت حرم مطهر ازمقبره شیخ بهائی و موزه آستانه و کتابخانه وغیره بازدید بعمل آورد ساعت پنج و نیم صبح هفدهم تیرماه پس ازمراسم تودیع با والاحضرت شاهپورعلیرضا و دیگر مشایعین با هواپیما بکشور خود مراجعت نمود وبلافاصله پس از ورود تلگراف تشکرآمیزی بحضورملوکانه مخابره نمود در مدت اقامت مشارالیه اعلامیه مشترکی از طرف وزرای خارجه مبنی بر مراتب مودت و تحکیم علاقه بین دو کشور وهمکاری صمیمانه فرهنگی و سیاسی منتشر گردید .

ونیزاعلیحضرت ملك عبدالله در ۲۶ تیرماه چهاررأس مادیان ویك اسب عربی اصیل با نماینده مخصوصی اعزام وبحضورملوکانه تقدیم داشتند .

اعلیحضرت پادشاه افغانستان

صبح هفدهم مهر ۱۳۲۸ اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان که برای معالجهٔ چشم عازم فرانسه بودند وارد ایران شدند .

فرودگاه مهرآباد با پرچمهای ایران و افغانستان تزیین گردیده بود و والاحضرت شاهپور علیرضا و آقایان نخست وزیر، وزیردربار، وزیرامورخارجه، وزیرراه وجمعی ازرجال برای استقبال حاضرشده بودند .

ملتزمین اعلیحضرت محمدظاهرشاه عبارت بودند ازوالاحضرت محمدنادرجان فرزندایشان آقایان محمدنعیم‌خان سفیرآن دولت درواشنگتن، نجیب‌الله‌خان سفیر دهلی محمدعمرخان وزیرجنك ویك پزشك فرانسوی وچندنفردیگر. ضمناً آقای انصاری سفیرکبیرایران درافغانستان نیزهمراهی کرده بودند درطول خط سیر موکب ایشان گارداحترام گذاشته شده بود وازطرف اهالی تهران ابرازاحساسات محبت آمیزشد، پس ازورود بکاخ صاحبقرانیه و قدری استراحت اعلیحضرت محمدظاهرشاه بدیدار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بکاخ مرمرتشریف برده ونهاررا نیزدوپادشاه باهم صرف کردند . شب ذات شاهانه بکاخ صاحبقرانیه برای بازدید اعلیحضرت

پادشاه افغانستان تشریف‌فرما وشام صرف فرمودند. جمعی ازرجال و وزیران نیز افتخارشرکت درشام را داشتند .



اعلیحضرت محمد ظاهرشاه واعلیحضرت همایون شاهنشاهی

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه صبح روز ۲۸/۷/۱۸ با احترامات شایسته بمرودگاه مهرآباد تشریف‌فرما وپس ازمراسم تودیع صمیمانه با والاحضرت شاهپورعلیرضا و آقایان نخست‌وزیر، وزیرامورخارجه،وزیردربار، وزیرراه و سایرمشایعین ساعت شش وربع با هواپیما تهران را ترك گفتند .

تشکیل مجلس سنا

قانون اساسی ایران در بدو مشروطیت وجود مجلس سنا را لازم شمرد ولی طی چهل وچند سال که از عمر مشروطیت میگذرد این قسمت از قانون اساسی بمورد اجرا در نیامد ولی از طرف اعلیحضرت همایونی اینموضوع مورد توجه قرار گرفت و آئین نامه انتخابات مجلس سنا در ۱۴ اردیبهشت ۲۸ تصویب و در تاریخ ۲۵ خرداد فرمان همایونی بشرح زیر انتشار یافت :

باتائیدات خداوند متعال

ما

محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

محل صحه مبارك

نظر باصل چهل وسوم واصل چهل وپنجم قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس سنا مورخ چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ بنابر پیشنهاد جناب محمد ساعد نخست وزیر مقرر میفرمائیم که وزارت کشور در تهیه مقدمات دورهٔ اول مجلس سنا اقدام نمایند.

بتاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۲۸

پس از صدور فرمان شاهانه انتخابات مجلس سنا و مجلس شورایملی بعمل آمد و پس از پایان انتخابات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در تاریخ بیستم بهمن ۱۳۲۸ دورهٔ اول مجلس سنا و دورهٔ شانزدهم مجلس شورایملی را افتتاح نموده و ضمن نطق خود چنین فرمودند:

بیانات شاهنشاه

هنگام افتتاح مجلسین

بیاری خداوند متعال و با کمال مسرت خاطر برای اولین بار در تاریخ مشروطیت ایران دوره اول سنا و شانزدهمین دوره مجلس شورایملی را افتتاح مینمائیم.

چنانکه آقایان نمایندگان بخوبی واقف هستند جنگ جهانی و عوامل ناشیه از آن در این هشت سال اخیر مارا بمصائب بیشماری مواجه نمود که هریك از آنها ممکن بود کشورمارا بسخت ترین مهالك سوق دهد ودر سنوات مذکور تمام مساعی

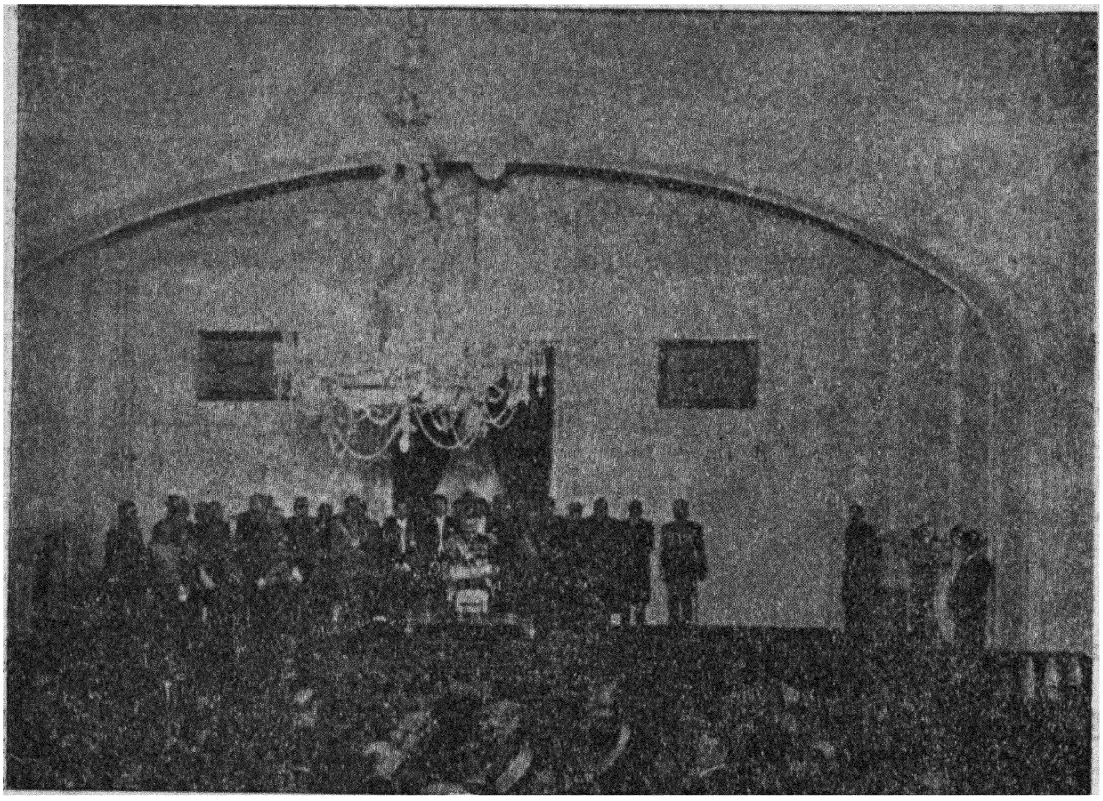

اعلیحضرت همایونی هنگام نطق افتتاحیه مجلسین سنا و شورایملی

ما بمبارزه با این مشکلات ورفع ودفع مخاطرات مصروف بوده است. اضافه بر مصائب نامبرده مشکل مهم دیگری که چرخهای مملکت را از گردش بازمیداشت ومانع از این میشد که در سایه حکومت مشروطه راه ترقی وتعالی را بپیمایند نواقص موجوده در قانون اساسی ایران بود که بهیچ روی شباهتی باقوانین مشابه مشروطیت های سلطنتی دنیانداشت که خوشبختانه مطابق مصلحت وبطریقی که در تمام ممالك مشروطه دنیا معمول ومتداول است نواقص عمده آن نیز مرتفع گردید وچند اصل دیگر که محتاج بتجدید نظر میباشد رفع نواقص آنهارا مجلس مؤسسان بعهده مجلسین مقرر داشته

که انتظار میرود بهترین وجه انجام پذیرد بتحقیق میتوان گفت این اقدامات بنیان مشروطیت ایران را مستحکم نموده و کشور را از خطر هرج و مرج داخلی و فرمانروائی طبقات ممتازه که عکس العمل طبیعی آن سوق کشور بسوی حکومت مطلقه بوده نجات بخشیده است و همچنین با تجدید نظر و تکمیل قانون انتخابات و تطبیق آن با اصول متداوله در سایر ممالک راقیه که مورد کمال توجه میباشد یقین داریم زمینهٔ پیشرفت امور از هر حیث مهیا خواهد گردید. حال که بیاری حضرت باریتعالی این موانع برطرف شده و تازه فرصت بدست آمده است که بکارهای اساسی کشور و دردهای اجتماعی خود بپردازیم باید با صرف همت و بذل مجاهدت در تمهید موجبات سعادت و رفاه ملت کوشید.

روش ما در سیاست خارجی تشیید و تحکیم روابط دوستانه براساس احترام متقابل با همسایگان و کلیه کشورهای جهان میباشد و کما فی السابق کشور ما باصول و مقررات منشور سازمان ملل متحد که آنرا تنها حافظ و ضامن صلح جهانی میدانیم پابند و علاقمند است.

در سیاست داخلی هرچند کرارا بیان کرده ایم ولی باز بطور اجمال و اختصار تذکر میدهیم که دولت ما ساعی خواهد بود در مرحله اول اقدام مؤثر در استخراج منابع ثروت مملکت و توزیع آن بنحو عادلانه تری با رعایت اصول عدالت اجتماعی فیمابین عموم مردم بعمل آورد و نسبت برفاه طبقه کارگر و کشاورز توجه مخصوص مبذول گردد تا بدین ترتیب کشور ما در ردیف سایر ممالک مترقی قرار گیرد و منظور اساسی و نهائی ما که بکرات گوشزد کرده ایم و عبارت از تأمین پنج اصل خوراک - پوشاک - مسکن - بهداشت و فرهنگ است برای همه تحقق پذیرد. البته در اجرای این مرام و همچنین در پائین آوردن هزینه زندگی دولت ما بموقع لوایح لازم را بمجلس پیشنهاد خواهد نمود.

خوشبختانه فعلا بهترین وسیله ایکه برای درک این هدف در دسترس ما قرار گرفته همان اجرای برنامه هفت ساله میباشد که با مطالعه وقت بسیار بوسیله متخصصین

تدوین و تنظیم یافته و ناگزیر این برنامه که شالوده اصلاحات کشور در کلیهٔ شئون اجتماعی است باید حتماً عملی گردد.

کشور ما دارای تاریخی بس کهن میباشد که در آن دوره های سختی و محنت فراوان دیده میشود که از جمله آن دورهٔ ۸ ساله اخیر از شهریور ۱۳۲۰ تا این زمان است ولی حال میتوانیم عنوان کنیم که با تفضلات الهی و با شروع باجرای این برنامه و اندکی صبر و بردباری دوران رنج و محنت سپری خواهد شد و بالاخره تمدن باستانی و حس وطن پرستی و شهامت ملت ما که همیشه بر مشکلات زمان فائق و غالب آمده در این راه نیز پیروز و سربلند خواهد گردید و ثمرات نجات بخش و آثار نیکوی آن حتی قبل از پایان هفت سال که در برابر تاریخ چندین هزار سالهٔ ما در حکم قطره در مقابل دریاست بمنصه ظهور و بروز خواهد رسید.

قسمت دیگر توجه دقیق ما معطوف بجهاد با اهریمن فساد و تأمین و استقرار عدالت اجتماعی در کلیهٔ شئون کشور خواهد بود و در این مبارزه خستگی ناپذیر دقیقه ئی از پای نخواهیم نشست تا اینکه بحول و قوهٔ الهی ریشهٔ فساد را از بیخ و بن بر کنده و نهال صلاح و رفاه را بجای آن در جامعه غرس نمائیم.

قسمت دیگر از هدفهای دولت ما رعایت این اصل خواهد بود که کار مردم تا حدی که اساس مرکزیت را در کشور رخنه دار ننماید بخود آنها بیشتر سپرده شود تا موجبات عمران و آبادی استانها بهتر فراهم گردد.

در قسمت قوای تأمینیه خوشبختانه باید بگوئیم ارتش صلح خواه ما بنحو مرتب و مطمئن رو به پیشرفت و تکامل میرود و امنیت کشور بهتر استقرار می یابد و یقین داریم ملت عزیز ما برای قدرت و عظمت روزافزون این ارتش که حافظ استقلال و تمامیت کشور است از بذل هیچگونه کمک مضایقت نخواهد داشت.

راجع بسازمانهای خیریه هم بر شالوده استوار گامهای مؤثری برداشته شده که موجب خوشنودی خاطر ماست و البته سعی خواهد شد این تشکیلات روز بروز وسیع تر و مفیدتر و دارای وضعیت ممتازتری گردد.

در کلیه مراحل مذکور دولت ما قدمهای مثبت ومفید وجسورانه برخواهد داشت ودرراه پیشرفت این مرام که یقین داریم مورد تصدیق وتایید آقایان نمایندگان نیز میباشد بدیهی است مجلسین ازتوحید مساعی بادولت مضایقت نخواهند نمود. درخاتمه لازم میدانیم اوقات دقیق تاریخ جهان و کشورعزیزمان را بآقایان گوشزد نمائیم وخاطرنشان کنیم که جز بااتفاق ووحدت کلمه و سعی و عمل طریقه دیگری برای نیل بترقی وتعالی نخواهد بود.

ازخداوند متعال مسئلت داریم که کشورمارا پیوسته در کنف حمایت خود مصون وآقایان نمایندگان را درانجام وظایف قانونی قرین موفقیت فرماید.

مسافرت شاهنشاه بپاکستان

ساعت هفت و هفت دقیقه روز چهارشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۲۸ اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی، بنابدعوت دولت پاکستان با هواپیما از تهران بطرف کراچی پرواز نمود.

شاهنشاه دراین مسافرت تاریخی که به پرجمعیت ترین کشوراسلامی نمود سعی بسیار برای تحکیم روابط دوستانه دو کشور بعمل آورد ومخصوصاً شخصیت بارز شهریارایران اثرعمیقی درقلوب کلیه افراد کشورپاکستانی نمود.

هواپیمای اعلیحضرت همایونی درحالیکه شخصاً آنراهدایت میکرد، سه ساعت وبیست دقیقه بعدازظهر بوقت کراچی درفرودگاه پایتخت پاکستان برزمین نشست.

دراین موقع بیست و یك تیرتوپ باحترام ورود اعلیحضرت همایونی شلیك گردید.

مردمیکه درفرودگاه کراچی درانتظار شاهنشاه ایران بودند نخست نمیدانستند که شهریار ایران خودهواپیمای خویش راازایران تاپاکستان هدایت کرده است.

دراینموقع خواجه ناظم الدین فرمانروای کل پاکستان ولیاقت علیخان نخست وزیروجمعی ازرجال عالیقدرآن کشورباستقبال شاهنشاه رفتند وخواجه ناظم الدین باعلیحضرت همایونی خیرمقدم گفت ومطالبی باین شرح ایراد نمود:

اعلیحضرتا افتخار دارم که‌ورود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی‌رادر نخستین مسافرت بسرزمین پاکستان تبریك بگویم پاکستان مظهرعلاقمندی مسلمین این قاره‌به آزادی‌است وعلامت پیروزی مشترك‌ملل اسلامی نیز میباشد .

پاکستان از بدوپیدایش خود سعی داشته است که بهترین روابط‌دوستانه را میان کشورهای اسلامی‌ایجاد نماید تادراثر تشریك‌مساعی‌نه تنهاموفق گردند که‌رفاه ملت های خویش راتأمین نمایندبلکه در مجامع بین‌الملل‌نیز کلام‌نافذی داشته‌باشند ایران که قرنها باملت‌آن نزدیکترین‌روابط‌اجتماعی‌فرهنگی‌و کیشی راداشته‌ایم زودتر ازهر کشور دیگر این نظر مارامساعد تلقی نمود .

مردم پاکستان نسبت به برادران ایرانی خودعلاقه ومحبت بسیار دارند و برای‌احساسات‌دوستانه‌وحسن تفاهم مشترك که ملت ایران درهرموقع نسبت به‌آنها ابرازداشته‌اند ارزش زیادی قائل میباشند .

خبرمسافرت اعلیحضرت‌همایون شاهنشاهی بپاکستان قلب تمام‌پاکستانی‌ها را مسرورساخته‌یقین داشته‌باشید درهرنقطه که موکب‌ملوکانه‌بآنجا مطابق برنامه تشریف‌فرما خواهند گردیدبهترین احساسات همکاری‌نثارمقدم‌مبارك خواهدبود امیدوارم که اقامت‌اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درپاکستان همه جاباخوشی و مسرت توأم بوده واین مسافرت ملوکانه‌موجب تقویت‌و تشییدروابط دوستانه که بین‌دو کشور موجود است بوده باشد .

در پاسخ خواجه ناظم‌الدین اعلیحضرت همایونی بیاناتی باین شرح ایراد فرمودند :جناب‌آقای‌حکمران کل، ازهمان‌تاریخی که پاکستان آزاد ومستقل قدم در جرگه کشورهای جهان گذارد آرزوی قلبی من این بود که‌این کشور بزرگ را که علاوه بر هم کیشی وهمجواری‌علائق بیشماری‌آنرااختصاصاً بکشور باستانی من مربوط ساخته‌از نزدیك مشاهده‌ودست قائدین توانا وبانیان‌استقلال آنرا بفشارم .

خوشوقتم که امروز باورود به پایتخت زیبای کشور شما آرزوی دیرینم بمرحله عمل میرسد .

من دعوت دولت پاکستان را از صمیم قلب قبول کرده و باینجا آمده‌ام تا به حضور خود درمیان شما ترجمان بهترین احساسات صمیمانه ملت ایران نسبت ببرادران پاکستانی خود بوده باشم .

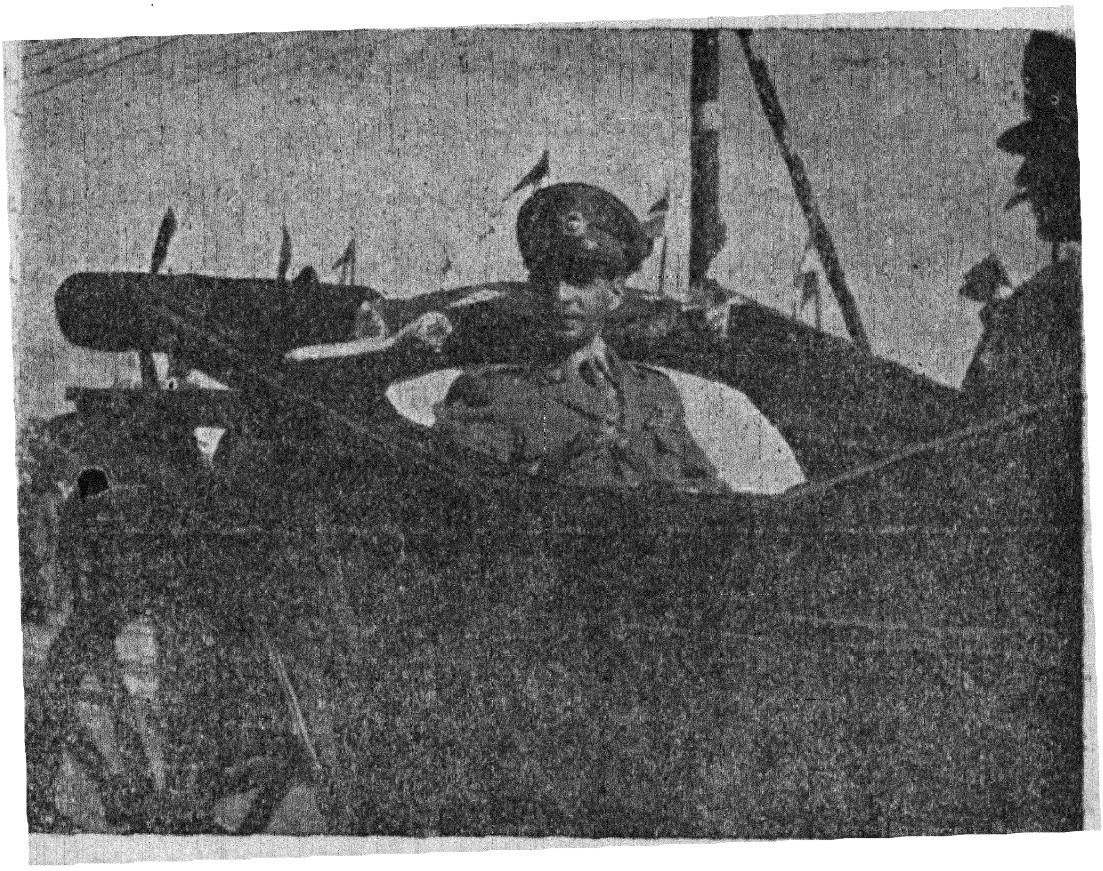

پهلوی دوم محمدرضاشاه بوسیله کالسکهٔ مخصوص وارد پایتخت پاکستان میشوند

جناب آقای حکمران کل اجازه بدهید از تبریکاتی که بمناسبت ورودمن به پاکستان فرمودید تشکرات خودرا بیان نمایم.

آنگاه اعلیحضرت همایونی باخواجه ناظم‌الدین دراتومبیلی قرار گرفته و بطرف مقر فرمانروای کل رهسپار شدند.

جمعیتی که درانتظار ورود شاهنشاه ایران بودند کمترازصد هزار نبود.

استقبال پاکستانیها بحدی گرم وصمیمانه بود که تا آنوقت نظیر چنین احساساتی در کشور پاکستان نظیر نداشت.

در فاصله فرودگاه تاشهر که ۱۳ میل بود درهمه‌جا اهالی مقدم شاهنشاه‌را با نهایت گرمی استقبال نمودند.

اعلیحضرت درمقر فرمانروای کل پاکستان اقامت گزیدند. روز بعد رژه قوای زمینی ودریائی وهوائی پاکستان باشکوه خاصی دربرابر شاهنشاه انجام گردید.

اعلیحضرت همایونی دسته گلی بر سرمزار محمدعلی جناح گذارد. دربین راه اهالی کراچی دسته‌های گل نثار مقدم شاهنشاه نمودند.

شاهنشاه ایران پس ازچندروز اقامت در کراچی باهواپیما بپاکستان شرقی

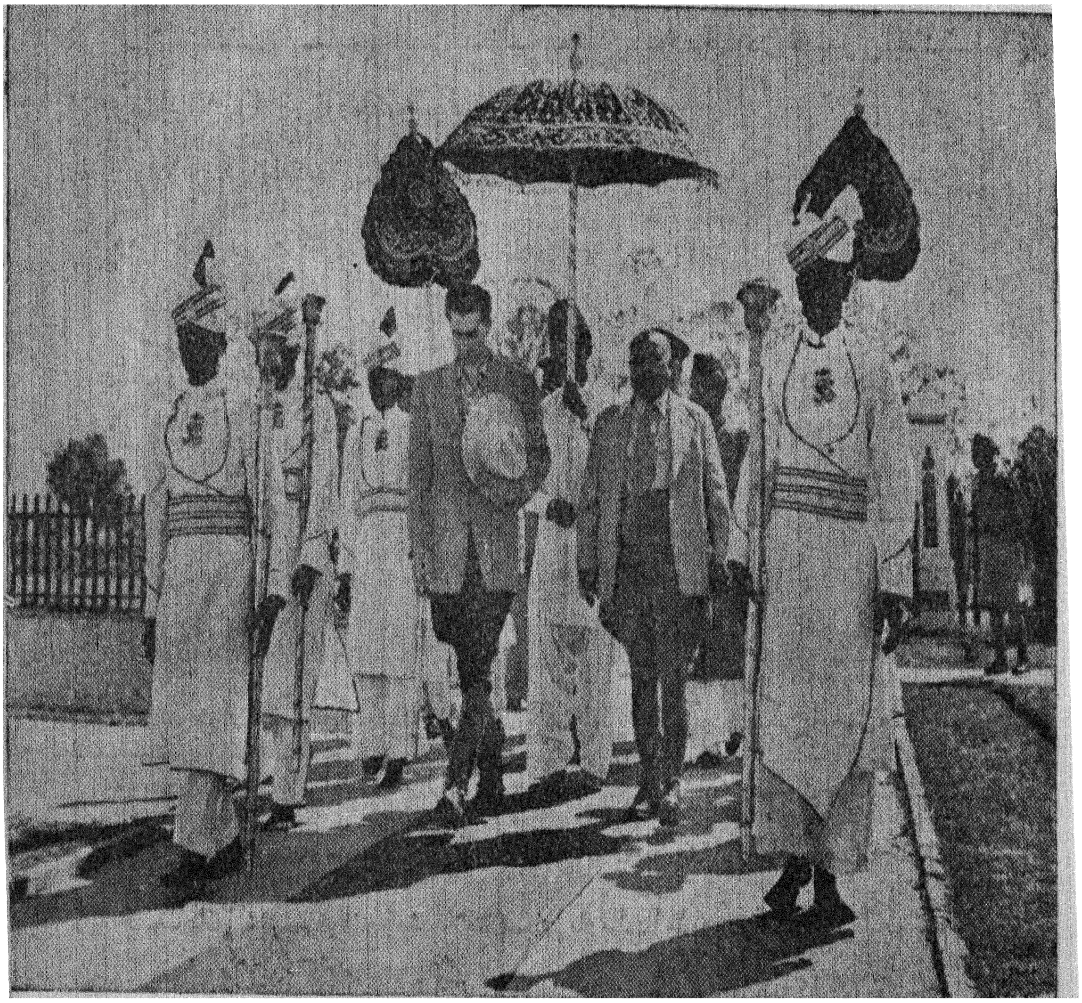

شاه موقع عزیمت بمنزل حاکم

پرواز کرده و در ایالت بنگال از شهرهای بزرگ آن استان دیدن نموده و ضمنا یکروز برای شکار ببر بجنگلهای انبوه بنگال رفت.

پس از آن از پاکستان شرقی باهواپیما بشهر تاریخی لاهور عزیمت کرده و در آنجا نیز مورد استقبال بی نظیر اهالی قرار گرفت.

روز بعد اعلیحضرت همایونی بناها و آثار تاریخی این شهر را تماشا کرد و در مجالس ضیافتی که بافتخار شاهنشاه برپا شده بود حضور یافت.

همچنین نیروهای متمرکز در شهر لاهور نیز رژه باشکوهی در حضور اعلیحضرت دادند.

شاهنشاه پس از آن بایالت شمال غربی و شهر پیشاور رفته و در آنجا سران ایلات و عشایر مناطق مرزی را بحضور پذیرفتند.

آنگاه اعلیحضرت از شهرهای دیگر پاکستان در ایالت بلوچستان و ایالت سند و مراکز صنعتی و کشاورزی آن نقاط دیدن نمود و پس از آن بکراچی مراجعت کرد

در کراچی بار دیگر مجالس باشکوهی بافتخار شاهنشاه ترتیب داده شد و در آخرین روز اقامت در پاکستان در مجلس مؤسسان پاکستان حضور یافته و نطقی باین شرح ایراد کردند:

همانطور که پایه‌های حکومت پاکستان برروی آمال و آرزوی ملت پاکستان مستقر شده است ملت ایران نیز با تحمل مشقات و زحمات جنگ گذشته در راه تعالی و ترقی خود گام برمیدارد.

حوادث جنگ بکشور ایران ضربات بسیار شدید وارد آورد لیکن با تحمل مشقات وزحمات جنگ گذشته در راه تعالی و ترقی خود گام برمیدارد حوادث جنگ بکشور ایران ضربات بسیار شدیدی وارد آورد لیکن با تحمل مشقات این پنجساله پس از جنگ ما توانستیم برموانع و مشکلات بسیار زیاد غالب آمده و در رفع نواقص بکوشیم

ایران صمیمانه کوشیده است در این جهان پرآشوب با همه اقوام و خصوصا همسایگان روابط صمیمانه‌ئی برقرار نماید و از این شیوه پسندیده بسیار مفتخر است

اگر اختلافاتی ما با دیگران پیدا کرده‌ایم بهترین راه مذاکرات را مستقیم و با توسل به سازمان ملل متفق تشخیص داده ایم.

احترام بسازمان ملل متحد پایه سیاست ما است و کمال امیدواری داریم که



شاهنشاه ایران نیروی دریائی پاکستان را بازدید میکنند

این یگانه مرکز صلح جهانی میتواند به بقاء صلح جهان کمک کند حفظ صلح در خاور میانه یگانه وظیفهٔ رؤسای کشورهای آن است و سزاوار است منتهای کوشش را در این راه ابراز دارند.

آقایان اعضای مجلس مؤسسان بخوبی میدانند که مردم جهان دچار شدائد بسیار شده‌اند و اختلافات موجود میان ملل نیز ظاهراً بعلت انحطاط اوضاع اقتصادی و فقر

مادی است. مخصوصاً دول بزرگ باید دست مساعدت بسوی دول کوچک دراز کنند وازطرف دیگرهم دولت‌هاسعی نمایند عدالت اجتماعی رامستقرسازندوبااستثمار یك طبقهٔ خاص ازطبقات دیگرمبارزه نمایندمساواتی‌را که دین‌مبین اسلام پیش‌بینی



پهلوی دوم موقع صرف غذا در ترن مخصوص

نموده واحکام دین‌اسلام را که روی اصل تساوی قرارگرفته وهیچ مزیتی را جز فضیلت وتقوی برای کسی قائل نیست تعمیم‌دهند وبا این‌ترتیب مسلماً قدرت ملی آنها زیاد خواهد شد وروزگاری پیش خواهد آمد که ملل مسلمان روزگار را بخوشی سرآورده نقش تاریخی خود را ایفاء نمایند.

من بملت پاکستان تبریك میگویم ومساعی جمیله‌ای را که برای تنظیم امور اداری وبسط ارتش ورفاه عمومی نموده است صمیمانه تبریك می گویم وعقیده دارم که درنتیجه استقامت توفیق کامل درراه اجرای نقشه‌های اصلاحی حاصل خواهد نمود.

بامداد روز بعد اعلیحضرت همایونی درحالیکه خواجه ناظم الدین فرمانروای کل ولیاقت علیخان نخست وزیر وهیئت دولت ورجال سیاسی ونظامی و گروه انبوهی ازاهالی کراچی ازشاهنشاه بدرقه کرده بودند از فرودگاه کراچی بطرف طهران عزیمت کردند.

ملکه ثریا

وقایع غم‌انگیزی که درخلال سالهای ۱۳۲٤ ببعددرایران رویداد، ومنجر به تجزیه آذربایجان و کردستان ، وانقلاب درصفحات جنوب ، وتحریکات مداوم درصفحات غرب‌وخوزستان شد، وحتی‌نسبت بجان شاهنشاه سوء قصد بعمل‌آمد، اگرچه همهٔ آنها براثر فداکاری و از خود گذشتگی اعلیحضرت همایونی و وطن پرستان ایرانی نقش برآب گردید ، اما اثرات خود را در وجود شاهنشاه باقی گذارد .

پادشاه جوانبخت ما ، در حالیکه بیش ازسی بهار ازعمر او نمیگذشت ، براثر تحمل اینهمه رنج‌ومرارت و ناکامی خیلی زود شکسته شد ـ موهای سپید یکی‌پس‌از دیگری برسرشاه نمودار گشت وچین‌های متعددی‌برپیشانی و گوشهٔ چشم‌اعلیحضرت پدیدار شد .

یك‌افسردگی واندوه نامرئی‌برقلب شاه سایه‌افکنده ، وغالباً اعلیحضرت را بافکار دورودرازی میبرد ـ این تغییرحالت شاه برای کسانیکه به رهبر ملت و مملکت علاقمند بودند سخت‌ناگوار مینمود ، ونمیتوانستند شاهنشاه‌را اینگونه مغموم‌وافسرده خاطر به‌بینند .

غالب اوقات اعضاء خاندان سلطنتی متوجه این ملالت خاطرشده ، و از کسالت و خستگی شاه ناراحت ونگران میشدند ، بطوریکه بارها علیاحضرت ملکه پهلوی و والاحضرت شاهدخت شمس و اشرف پهلوی خواهران نیکوکار اعلیحضرت دربارهٔ ایجاد سرگرمی‌برای شاهنشاه بایکدیگر مشورت میکردند و ازاعلیحضرت میخواستندهمسری‌برای‌خود انتخاب کنندتا شریك غم ها ومرارتهای شاه شده و کسالت خاطراعلیحضرت را بامهربانیهای خویش‌دورسازد .

درخارج نیزمردم باحالتی آمیخته باانتظارپیوسته ازیکدیگر میپرسیدند

«شاه کی ازدواج خواهد کرد؟» و «ولیعهد ایران چه کسی خواهد بود؟»

این سئوالها روز بروز بیشتر میشد، ودر محافل ومجامع همه در اطراف این موضوع بحث میکردند وقتی خواهران مهربان شاه ملاحظه کردند که این امر در اجتماعات ومطبوعات ومیان تودهٔ مردم نیز مورد بحث قرار دارد بیش از پیش علاقمندی خودرا نسبت باینموضوع نشانداده وبرای یافتن همسری که شایستهٔ برادر تاجدارشان باشد مشغول تکاپو شدند.

دامنه این قضیه ازمحافل ومجامع داخلی بخارج کشور سرایت کردو روزنامه‌ها ومجلات خارجی نیزدربارهٔ ازدواج شاهنشاه ایران داستانها وسرگذشت های عجیب وغریب نقل کردند - بطوریکه هریك ازآنها دختریکی ازپادشاهان و رؤسای جمهوری ورجال عالیقدر کشورهای مختلفرا برای شهریار ایران نامزد مینمودند.

هنگامیکه اعلیحضرت همایونی بسفر تاریخی خود بامریکا رفت، در آنجا نمایندگان مطبوعات ضمن مصاحبه‌هائی که باشاهنشاه میکردند درباره ازدواج اعلیحضرت نیز ازمعظم له سئوالاتی مینمودند وذات همایونی نیز پاسخ مقتضی بآنها میدادند - پس ازچندی این نکته فاش شد که برخلاف کلیهٔ شایعات دربارهٔ ازدواج شاهنشاه بادختریکی ازپادشاهان یازمامداران کشورهای خارجی معظم له تصمیم دارند با یکدختر پاکنهاد که خون پاك ایرانی درعروق اوجریان داشته باشد پیوند زناشوئی به‌بندند.

موضوع ازدواج شاهنشاه پس ازمدتی جزو مسائل روز شدو روزنامه‌ها و مجلات داخلی باکنجکاوی بسیار در اطراف اینموضوع به‌بحث پرداخته وهریك بتصورخود حدسیاتی دربارهٔ نامزدشاهنشاه‌زده وباآب وتاب بسیار پیشگوئیهای عجیب وغریبی دراین باب میکردند.

کم کم کاربجائی کشید که دختران بسیاری ازطبقات مختلف، ازخانواده‌های درجه‌اول وهمچنین طبقات متوسط داوطلبی خودرا برای ازدواج باشاهنشاه در

مجلات اعلام نموده ومراتب آرزومندی خودرا برای خدمتگذاری در آستان چنین شهریارمحبوبی ابراز داشتند.

درخلال این احوال یکروز والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی که بیش از دیگران برای انتخاب همسر برازنده‌ای جهت برادر تاجدارخویش تلاش میکرد، دریك مهمانی خانوادگی، عکس دوشیزهٔ زیبائی را در آلبوم بانوفروغ ظفر، خواهر ایلخان بختیاری سناتور مشاهده کردند.

این عکس باآنکه سالها پیش برداشته شده بود معهذا چنان توجه شاهدخت شمس را جلب کرد که مدتی دربارهٔ آن با بانوفروغ ظفر بگفتگو پرداخت وسرانجام والاحضرت پی برد که این دوشیزه زیبا «ثریا» نام دارد، و اکنون برای تکمیل تحصیلات خود دراروپا مشغول دانش اندوزی میباشد.

مدتی ازین ماجرا گذشت تاآنکه یکروز اعلیحضرت همایونی تصمیم خودرا دربارهٔ انتخاب همسری باعضاء خاندان سلطنتی ابرازداشتند. درآن لحظه خاطرات گذشته درذهن والاحضرت شمس بیدارشد وهماندم تصویر زیبای دختری که چندی پیش عکس اورا دیده بودند دربرابر دیدگان اومجسم گردید- والاحضرت ماجرا را بابرادرتاجدارخود درمیان نهاد وآنگاه یك قطعه عکس آن دختر زیبارا نیزاز نظرشاه گذراند. - بعدوالاحضرت بخانم فروغ ظفر دستور دادند که یك قطعه عکس تازهٔ ثریارا نیزفوراً ازاروپا باهواپیما بخواهند. یك هفته بعد آخرین عکس اونیز بتهران رسید وپس ازآنکه آنرا برای ملاحظه شاه تقدیم کردند اعلیحضرت صاحب عکس را پسندید.

پس ازآن تحقیقات دربارهٔ خصوصیات صاحب عکس وخانوادهٔ اوآغاز شد ودر این مورد نیز تحقیقات ازهرجهت رضایتبخش بود - در اینموقع والاحضرت شمس تصمیم گرفت که از نزدیك دوشیزه ثریا را به بیند واطلاعات خودرا دربارهٔ وی تکمیل کند - ازین رو چندروزبعد هواپیمائی که حامل خواهر پادشاه ایران بود آسمان زیبای کشور را ترك گفت وبسوی دیارغرب بپرواز درآمد.

دراین هنگام دوشیزه ثریا دوراز پدرومادرخود که درزوریخ بسرمیبردند، درلندن مشغول تحصیل بوده اودریك محیط آرام بکسب علم ودانش اشتغال داشت وبهیچوجه نمیدانست گردش گردون وقلم تقدیرچه سرنوشتی برای اوتعیین کرده وستارهٔ اقبالش چگونه لحظه بلحظه بزرگتروتابانتر میشود.

درخلال این احوال جریان قضایا ازتهران بطوراختصارباطلاع پدرومادر دوشیزه ثریا که در زوریخ اقامت داشتند رسانده شد، و آنان نیزطی نامه‌ای دخترشان راازاین امرآگاه ساختند وضمناً باو گفتند که منتظروالاحضرت شمس خواهرشاهنشاه ایران باشد.

درآن لحظات حساس وهیجان انگیز، قلب پاك و بی‌آلایش آن دوشیزه نیك‌نهاد دچارچه شوروشعف ومواجه باهیجانی گردید، اینموضوعیست که نمیتوان آنطور که شایسته است درپیرامون آن قلمفرسائی کرد. اما همینقدر میتوانگفت که اوبخوبی چهرهٔ زیبای سعادت ونیکبختی را میدید که بسوی وی نزدیکشده وسراسر وجودش را درهاله‌ای ازنور قرارداده ووی را باخود بآسمانها میبرد.

چند روزبعد والاحضرت شاهدخت شمس درکناردوشیزه ثریا درلندن بسر میبرد درحالیکه بانگاهی آمیخته به تحسین وی را مینگریست، واورا ازهرجهت شایستهٔ تصاحب مقام ملکه ایران میدید.

یك هفته بعد والاحضرت شمس ودوشیزه ثریا ازروی دریای مانش گذشته ووارد شهرزیبای پاریس شدند - در پاریس آقای خلیل اسفندیاری بختیاری پدر دوشیزه ثریا بآنها ملحق گشت وضمناً آگاه شد که دخترزیبای او مورد پسند خاطرخواهرشاهنشاه قرار گرفته است.

چیزی طول نکشید که والاحضرت شمس وعروس آینده ایران باتفاق پدرش با هواپیما، جبال پربرف آلپ، و دریای نیلگون مدیترانه را زیرپا گذاشته و بسوی سرزمین باستانی ایران رهسپار گردیدند.

باآنکه درتمام این احوال نهایت دقت دربارهٔ اختفاء این امر بعمل آمده بود، باوجوداین چشمان کنجکاوی که هرروز وهرقدم خواهر پادشاه ایران را در

نقاط مختلف اروپا تعقیب میکردند از این ماجرای دلچسب وجذاب آگاه شدند این چشمها متعلق بخبرنگاران مطبوعات اروپائی بودند که بانهایت صبر وحوصله وهوشیاری آنقدر این جریان را مثل سایه دنبال کردند تا سرانجام ازاین راز مهم آگاه شده وجسته وگریخته مطالبی درباره ملکهٔ آیندهٔ ایران در صفحات روزنامه ها ومجلات منعکس کردند.



دوشیزه ثریا در انگلستان بی خبر از آینده خود مشغول تحصیل بود

عروس ایران

دوروز بعد دوشیزه ثریاباسیمائی محبوب که گاهگاه از شدت آزرم سرخ میشد ،دربرابر شاهنشاهی بزرگ که وارث تاج وتخت سلاطین اعصار کهن بود قرار داشت وبا یکدیگر سخن میگفتند ـ همانروز اعضاء خاندان سلطنتی و بعد در باریان وسپس ملت ایران آگاه شد که دوشیزه ثریا اسفندیاری عروس آینده ایران وهمسرآینده شهریار محبوب اوخواهندبود.

مراسم نامزدی اعلیحضرت همایونی بادوشیزه ثریا . در محیطی بسیارساده

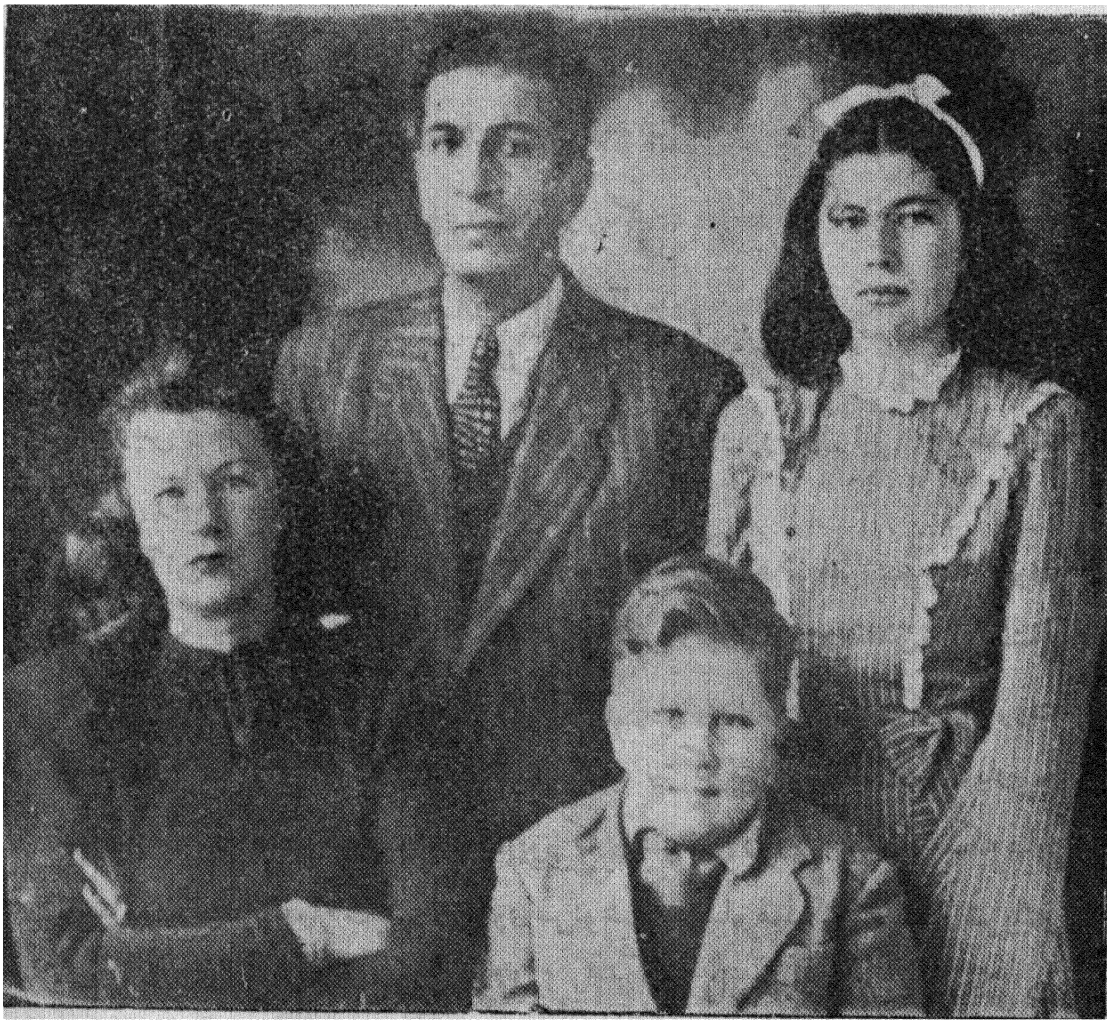

پدر و مادر و برادر ثریا در یك عکس خانوادگی

ولی آمیخته بامحبت وصفا در میان افراد خاندان جلیل سلطنتی انجام یافت، روز بعد مردم ایران که بااشتیاقی زائدالوصف در انتظار دیدار ملکه آیندهٔ خود بودند تصویر زیبای اورا که مظهر پاکی و صفا ومتانت و زیبائی بشمار میرفت در کنار نامزد تاجدارخود درصفحات جراید ومجلات تماشا کردند بدین ترتیب درروزهای پائیز که گرد زرین خزان کوه ودشت را در زیر صفحه‌ای ازطلا پوشانده بود شاهنشاه باانتخاب ملکه‌ای زیبا، بهاررا برای مردم ایران ارمغان آورد.

هنگامیکه مراسم نامزدی اعلیحضرت همایونی با دوشیزه ثریا انجام میگرفت، مادر و برادر کوچك ملکهٔ آیندهٔ ایران در تهران حضور نداشته و هنوز از خوشبختی بزرگی که نصیب ثریا شده بود آگاه نبودند.

اما چند روز بعد آنها نیز این خبر مسرت بخش را شنیدند و هماندم بانو «اوا» مادر و «بیژن» برادر عروس ایران ازسویس بسوی ایران رهسپار گردیدند.

دوران کودکی

بیست وپنج سال پیش ازآنکه این وقایع رویدهد، دریکی ازشهر های آلمان یکجوان محصل ایرانی بادختریکی ازبازرگانان مشهور آلمانی ازدواج کردوپس از چندسال میوهٔ این عشق ومحبت ظاهر شد، و روزاول تیر ۱۳۱۱ خداوند دختری زیبا بآنان عنایت فرمود.

آنروز این زن وشوهرمهربان، که هردوازخانواده‌هائی معروف وبنام بودند تصور نمیکردند که روزی دخترآنان ملکه یکی ازبزرگترین ومتمدن ترین کشور های تاریخی جهان شود. اماقلم تقدیر گوئی برپیشانی او بزرگی وجلال وجبروت وسعادت وافتخار را رقم زده. وفرشتهٔ عالم غیب نیز گوئی به «خلیل اسفندیاری» و بانو «اوا» پدر ومادر طفل الهام کرده بود که دخترشان روزی جایگاه ملکه های باستانی ایران را تصاحب کرده، ودر سرنوشت پادشاه مملکتی کهنسال شریك و سهیم خواهد بود - ازاین رونام اورا «ثریا» نهادند واز همانروزهای کودکی در پرورش وتعلیم وتربیتش همت گماشتند.

دوشیزه ثریا درداماں پرمهر ومحبت پدرومادر ، و سپس دردبستان بهشت آئین اصفهان تحت تعلیم قرار گرفت - دوران کودکی ثریا آمیخته باتحصیل در



ثریا در طفولیت

خانه ودبستان وبازی باهمبازیهای خردسال خود بود - با آنکه وی طفلی خرد سال بیش نبود معهذا متانت وسنگینی ووقار او همه را دچار بهت و حیرت ساخت . زیرا ازدختر کوچکی که نخستین سالهای عمرخودرا میگذراند هیچ انتظار نمی رفت که تااین درجه رئوف ومهربان ومتین وسنگین وبلند نظر باشد . گوئی از

همان اوان پنجهٔ تقدیرویرا برای روزهای پرافتخار آینده ، آنطور ترتیب میکرد تامورد اعجاب وتحسین وتمجیدآیندگان شود .

اما دوران اقامت پدرومادرثریا درایران چندان بطول نیانجامید وپس ازچند



ثریا درسن پنج سالگی موقعیکه درکودکستان مشغول تحصیل بود

سال باردیگررخت سفر بربستند و بسوی دیار باخترهسپارشدند درسویس ثریای کوچك دریك مدرسه شبانه‌روزی بتحصیل مشغول شدودرآنجاجز کتاب وپاکی و صفا باچیزی سروکار نداشت درمواقع فراغت وروزهای تعطیل بدامنه های جبال آلپ

میشتافت و در آنجا ببازی اسکی که مورد علاقه فراوان او بود میپرداخت.

پس از آنکه تحصیلات خود را درسویس بپایان رساند وعلاوه بر زبان فارسی بزبانهای فرانسه و آلمانی نیز کاملا آشنا شد، برای ادامه تحصیلات کشور زیبای سویس را پشت سر گذاشت وازآنجا بلندن رفت.



آخرین عکس ثریا در سویس با مادر و برادر خود

درلندن نیزاو فارغ ازهمهٔ همهمه‌ها وجوش وخروشها بدانش اندوزی اشتغال داشت ومشغول آموختن زبان انگلیسی بود که ناگهان از کرانه های دوردست

خاور زمین، پیك خجسته خصالی نمودارشد وخواهر شاهنشاه ایران ازدامنه‌های جبال البرز بکرانه‌های اقیانوس اطلس شتافت، واورا که سرگرم تحصیل بود بسوی



ثریا در انگلستان با همکلاسان خود نفر دوم از راست

سرنوشت سعادت وپرافتخاری که درانتظارش بود هدایت کرد .

دودمان ملکه

درمیان اقوام دلیرورشید ومیهن پرست ایرانی که قرنها‌ی سعادتی در راه

استقلال وعظمت ایران فداکاریها کرده و گروهی از بهترین جوانان خود را طی سالیان دراز بقربانی دادند ایل بختیاری ارزش واهمیت خاصی دارد .

سوابق تاریخی ایل بختیاری بحدی درخشان و شایان توجه است که تا ابد افراد این قوم دلیر میتوانند برخویشتن ببالند .

درآنروزهائیکه شاه اسمعیل صفوی پادشاه دلیر ونامدار صفویه بادشمنان ایران سرگرم پیکار بود ، جنگجویان بختیاری درکلیهٔ نبردها و زدوخورد های خونین آن پادشاه سلحشور شرکت داشته ،ومخصوصاً درجنگهائیکه بین قوای ایران باارتش عثمانی صورت گرفت رشادتهای بی نظیری ازخود نشان دادند.

هنگامیکه شاه عباس کبیر بر اورنگ شاهنشاهی نشست ، بار دیگر جنگاوران بختیاری درپیکار باعثمانیها و ازبکها شرکت جسته و سخت ترین و مهلك ترین ضربات را برپیکر قشون عثمانی وهمچنین قوای فیمه وحشی ازبکها وارد ساختند.

پس ازآنکه نوبت سلطنت به نادرشاه افشار رسیدواین فاتح بزرگ مشرق زمین که مورخین غرب باو «ناپلئون شرق» لقب داده اند باردیگر ایران را بعظمت دیرین رساند ، جوانان شمشیرزن ایرانی ازیکسو تاسواحل رود «گنگ» و از سوی دیگر تادریای سیاه باحریفان قوی پنجهٔ خود مصاف میدادند وآنانرا از پای درمیآوردند ، درهمه احوال سپاهیان بختیاری از مؤثرترین و مهمترین ارکان موفقیت اودر پیکارها بشمارمیرفتند، بطوریکه جانبازی جوانان بختیاری درنبرد «قندهار» وسایردژهای تاریخی افغانستان که تحت فرماندهی «صید مراد» بختیاری صورت گرفت و منجر بفتح قندهار گردید هیچگاه در تاریخ ایران فراموش نمیشود .

درنبرد تاریخی «کرنال» در هندوستان نیز جوانان سلحشوربختیاری با بزرگترین قوای جنگجوی آنعهد چنان دست و پنجه نرم کردند که سرانجام دروازهٔ هند رابروی سپاه ایران گشودند وآنانرا تادهلی و کرانه های رود گنگ هدایت نمودند .

سالها بعدموقعیکه کریمخان زندبسلطنت رسید «علیمراد خان بختیاری» یکی‌از دلیران ورادمردان ایرانی نبردهای‌خونینی درخاور وباختر ایران کرد،و بسیاری ازدشمنان ایران‌را درخاك وخون‌غوطه‌ورساخت .

بازپس‌ازچندی هنگامیکه نبرد برای تصرف شهر هرات آغازشد ، ونزدیك بوداین شهرتاریخی بدست سربازان ایرانی فتح شود . وانگلیسها برای‌عقیم گذاردن نقشهٔ ایرانیها قوای‌خودرا دربندر بوشهر ومحمره پیاده کردند ازطرف ناصرالدین شاه «حسینقلی‌خان ایلخانی بختیاری» مأمور شدکه بانیرو های انگلیسی بجنگ و ستیز بپردازد ودرنتیجه درپیکار خونینی که درمحمره رویدادضربت‌های مدحشی بقوای‌دشمن واردساخت وخود درحالیکه مشغول بزدوخورد بود ،بر اثر انفجار یك‌خمپاره بشدت‌زخمی گردید .

در اغتشاشات بزرگی که‌مدتی بعد درکردستان رویداد،و«شیخ‌عبیدالله کرد» علیه حکومت مرکزی قیام کرد ازطرف ناصرالدین‌شاه بار دیگر یکی از فرزندان رشید بختیاری‌بنام «اسفندیارخان سردار اسعد» مأمور شدکه باجمعی ازجنگجویان‌رشید خودغائله‌را دفع کند.

اسفندیارخان نیزبطرف کردستان‌عزیمت کرد ودرآنجاباشجاعت‌وکیاست وتدبیر خاصی طاغیان را سرکوب‌نمود وآتش هرج‌و مرج و شورش‌را خاموش ساخت .

در دوران انقلاب مشروطیت ایران که جمعی از رشیدترین ومیهن‌پرست‌ترین فرزندان این مرزو بوم در راه آزادی ایران قیام کردند ، مردانی مانند «حاج‌علیقلیخان سرداراسعد» و«امیرمجاهد» وسایرخوانین بختیاری نیزخدمات درخشانی درراه مشروطیت ایران انجام‌دادند که شرح فداکاریهاوجانبازیهای آنان در راه استقلال و آزادی این مرزو بوم در تاریخ قرن اخیر بطور مشروح مسطور است.

براثرفداکاری وجانفشانی‌همین‌افرادبود که‌شهرتهران پس‌ازنبردی‌خونین بدست مجاهدین بختیاری فتح‌شد وقوای استبداد درآذربایجان وفیروزکوه و

ساوه ورامین شکست‌خورد وبنای مشروطیت وآزادی ایران استوار گردید.

بابیان مطالب فوق‌مراتب میهن‌پرستی وشاه‌دوستی وازخودگذشتگی‌ایل شجاع بختیاری که همواره درراه استقلال ایران‌جانفشانی کرده‌اندمعلوم‌میشود.

آقای خلیل‌اسفندیاری پدر دوشیزه ثریا نیز از اعضاء همین دودمان و فرزند اسفندیارخان سردار اسعد همانکسیکه بساط یاغیگریهای‌شیخ‌عبیدالله کرد،را نابود ساخت، ونوهٔ‌حسینقلی‌خان ایلخانی بختیاری‌همانمردیکه چشم‌زخم‌شدیدی بقوای انگلیس در محمره وارد نمود وخود براثر انفجار یك‌خمپاره بشدت‌زخمی گردید میباشد.

بیماری ملکه

دوشیزه ثریا اسفندیاری نامزد اعلیحضرت‌همایونی در میان افراد خاندان سلطنتی ازهمان‌روزهای‌نخست‌مورد‌توجه کلیهٔ‌اعضاء خانوادهٔ شاهی‌قرار گرفت. زیرا وی دارای صفات و سجایائی بود که بی‌اختیار عموم را مجذوب اخلاق و صفات‌عالی خود مینمود.

عروس آیندهٔ ایران محبت‌وعلاقهٔ فوق‌العاده‌ای‌نسبت بشاهزاده‌خانم‌شهناز داشت - این‌مهر وعلاقهٔ‌زائدالوصف ازدوران کودکی، از همان روزهائی که در مدرسهٔ بهشت‌آئین وسپس‌درمدرسهٔ‌شبانه‌روزی زوریخ بسرمیبرد آغازشدوهمیشه قطعه عکس‌زیبائی ازشهناز کوچك که یك‌خندهٔ فناناپذیر ودائمی چهرهٔ محبوب و کودکانهٔ اورا نشاط وطراوت‌می‌بخشید درمیان کتابهاودفترهای‌دختریکه بعدها ملکه‌ایران‌میشد مشاهده‌میگردید.

وقتی خبرنامزدی اعلیحضرت همایونی بادوشیزه ثریا اسفندیاری منتشر گردید، این‌مهر ومحبت بمنتها درجه‌شدت رسید وعروس‌آینده‌ایران خودرا برای درآغوش گرفتن دختر خردسالی که ازدوران کودکی مهر اورا دردل میپروراند آماده کرد.

روزه آبان، دوشیزه ثریا اسفندیاری برای زیارت آرامگاه پدر همسر

تاجدارخود، وکسیکه ایجادکنندهٔ ایران نوین وسردودمان خاندان پهلوی بود بآرامگاه رضاشاه کبیررفت.

دریك محیط آرام وپرهیجان که گوئی روح شاهنشاه فقید شاهد و ناظر ضربانات قلب والتهابات درونی نوعروس زیبای خود بود ، دوشیزه ثریاتاج گلی نثار تربت پاك آن شاهنشاه ورادمرد بزرگ کرد.

دوروزبعد یعنی روز۷ آبان آثاربیماری درملکه آیندهٔ ایران نمودار گردید. پس ازآنکه دوشیزه ثریا مورد معاینه دقیق قرار گرفت معلوم شد که بیماری «پاراتیفوئید» وجود عروس آینده ایران را سخت رنجه ساخته واورا بشدت از پای درآورده است .

اما معالجات دقیق ومراقبت هائی که از طرف پزشکان دربار بعمل آمد این بیماری خیلی زود مرتفع شد ومقدمات مراسم عقد ازطرف دربار شاهنشاهی فراهم گردید .اما پیش ازآنکه این امر صورت گیرد بار دیگر دوشیزه ثریا بر اثر ضعف مزاج ونقاهتی که براثر بیماری قبلی باو دست داده بود مبتلا بسرما خورد گی گردید .

مقارن این احوال نخستین سفیرامپراطور، هیلاسلاسی، پادشاه حبشه بدربار ایران بار یافت، وروز۲۵ دیماه شیری را که امپراطور حبشه بشاهنشاه ایران هدیه کرده بود بآستان اعلیحضرت تقدیم نمود.

دراین اثنا بیماری ثریا مرتفع گردید وچند بار باتفاق شاهنشاه باهواپیما درآسمان ایران بپرواز درآمد.

اعلیحضرت همایونی بهوانوردی علاقه ای بسیاردارد - روزنامه‌ها ومجلات خارجی هنگامیکه شاهنشاه ایران بسفر تاریخی خود باروپا وامریکا رفت مقالات مبسوطی دربارهٔ علاقه ومهارت اعلیحضرت همایونی بهوا نوردی انتشار دادند . مجلهٔ «پاری ماچ» چاپ پاریس مقارن همین ایام طی مقاله‌ای که دراین باره نوشت چنین متذکرشد:

« شاهنشاه ایران دلباخته هوا نوردی است . بزرگترین تفریح و تفرج»

«پادشاه جوان و شجاع و ورزش دوست ایران آنستکه با هواپیمای خود ، باسرعت
«بسیار از سینه ابرها و از فراز کوههای بلند و شامخ و پرجبروت ایران پرواز کند و
«تا میتواند بیشتر در آسمان نیلگون و فرح انگیز ایران اوج بگیرد.

«ولی هروقت پادشاه ایران باهواپیما به پرواز درمیآید ملکه پهلوی مادر
«شاه بیش ازهمه نگران ومضطرب میشود تا موقعیکه شاه ازسفر بازنگردد و از
«هواپیما فرود نیاید قلبش آرام نمیگیرد . این نگرانی ملکهٔ پهلوی بیجهت نیست
«زیرا دوسال قبل هنگامیکه شاهنشاه برای زدن نخستین کلنگ ساختمان
«یك تونل در اصفهان بپروزدرآمد ، هواپیمای او که یك طیارهٔ مشقی کوچك نظامی
«بود وچندان اوج نگرفته بود برزمین افتاد . دراین هواپیما علاوه برشاه، یك
«افسرارشد ارتش ایران نیز سوار بود .

«وقتی هواپیمای شاه بزمین افتاد بدون آنکه هیچگونه آسیبی بسرنشینان
«آن وارد آید ، اعلیحضرت باچالاکی خاصی ازهواپیما بیرون جست و نزد آن
«افسرارشد رفت- اگرچه اوهم آسیبی ندیده بود اما براثرترس رنك ازچهره اش
«پریده وسخت متوحش شده بود . اما پس ازآنکه شاه را سلامت دید ازاضطراب
«خاطرش کاسته شد.

« شاهنشاه ایران در سفری که بانگلستان کرد . در آنجا نیز سوار یك
«هواپیمای جدید ازنوع «جت» گردید وخودش هواپیما را بپروازدرآورد وبانهایت
«مهارت وزبردستی آنرا هدایت کرد .

«پس ازآنکه خواست فرودآید بخلبان هواپیما گفت : پس از سوارشدن
«دراین هواپیما، سایرهواپیماها بنظر انسان مانند اتومبیل میآید . .

«شاهنشاه ایران هنوز مانند گذشته بهوانوردی ذوق وعلاقهٔ وافردارد چنانکه
«پس ازمراسم نامزدی با ملکه ثریا، چندبار با همسرخود در آسمان تهران بپرواز
«درآمد وازفرازابرها تهران وسایر مناظر زیبای کشورخویش را به ملکهٔ ایران
«نشانداد .

ملکه هزار و یکشب

پس از آنکه بیماری دوشیزه ثریا اسفندیاری مرتفع شد از طرف وزارت دربار شاهنشاهی مقدمات عقد و عروسی اعلیحضرت همایونی با نامزدش فراهم گردید.

بعد ازظهر روز شنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۹ بود که مراسم عقد کنان در یکی از اطاقهای کاخ مرمر که مظهر نموداری از هنرهای ظریفه و یادگاری از ذوق و سلیقه ایرانیان عهد کهن است انجام یافت.

دراین مراسم کلیه آداب و رسوم باستانی ایران رعایت شد و در محیطی بسیار ساده و درعین حال باشکوه و پر عظمت مراسم عقد صورت گرفت.

قبل از موعد مقرر در سراسر خط سیر ملکه ایران از اقامتگاه موقت تا کاخ مرمر، مأمورین شهربانی در دو طرف خیابانها صف کشیده و دهها هزار نفر از اهالی تهران و شهرستانها که برای تماشای این جشن فرخنده اجتماع کرده بودند، با نظم و ترتیب خاصی در پیاده روها ابراز احساسات میکردند.

ساعت چهار بعد ازظهر هیئت دولت، رؤسای مجلس سنا و شورای ملی، و دادستان کل کشور، و سفرای کبار و وزرای مختار، و وزیر دربار شاهنشاهی، و خانواده عروس بالباس تمام رسمی باتفاق بانوان خود در کاخ مرمر حضور یافتند.

یکربع بعد وزیر دربار و رئیس تشریفات سلطنتی و رئیس کل شهربانی، و شهردار و استاندار تهران، با بانوان خود باقامتگاه موقتی ملکه ایران رفتند.

دو دقیقه بعد والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی که همسری چنین برازنده برای برادر تاجدار خود انتخاب کرده بود، با اتومبیل مخصوص سلطنتی در حالی که یك اسواران نیزه دار در جلو، و یك اسواران نیزه دار در عقب آن قرار داشتند به محل مزبور رفت، و پس از چند دقیقه باتفاق نو عروس ایران در اتومبیل سلطنتی جایگرفته و بطرف کاخ مرمر حرکت نمودند

در دو طرف خیابانها غریو خوشحالی مردم و صدای کف زدنهای پی در پی و



ملکه پهلوی ملکه‌ایران ثریا را درآغوش گرفته می‌بوسد

فریاد،زنده باد شاهنشاه ،و،زنده باد ملکه ایران،در آسمان تهران موج میزد و قلبها را لبریز ازسرور و شادی میکرد.

هنگامیکه ملکه ایران بکاخ مرمر وارد شد،هیئت دولت درمدخل کاخ از اواستقبال کردند و عروس دربار باطاقی که وسائل اجرای عقددر آن مهیا شده بود، راهنمائی گردید.

دراین اطاق اعلیحضرت همایون شاهنشاهی،وملکه پهلوی انتظار ورود عروس راداشتند وپس ازآنکه ملکهٔ ایران وارد اطاق مخصوص گردید ملکهٔ پهلوی عروس خود را درآغوش گرفت و او را بوسید . آنگاه مراسم اجرای عقد در حضور افراد خاندان سلطنتی وخویشان نزدیك ملکه و شهود بعمل آمد،و گواهان عقد یعنی نخست وزیرورئیس مجلس سنا از طرف شاهنشاه و رئیس مجلس شورای ملی ووزیردربار از طرف ملکه، با قلمهای طلائی دفتر مخصوص ازدواج را امضاء کردند وآنگاه قلمهای زرین برسم یادگار بایشان اعطا گردید .

درحین اجرای مراسم عقد ازطرف ملکهٔ پهلوی نقلهای مروارید وسکه‌های طلا برسروروی عروس وداماد نثار گردید.

پس‌از اجرای عقد شاهنشاه باتفاق ملکه وارد تالار آینه شدند ودر آنجا مدعوین را که درانتظار دیدارعروس وداماد بودند وباکف‌زدنهای شدید مقدم شاه وملکه‌را استقبال کردند مورد عنایت وتفقدخویش قراردادند ، دراینموقع دوشیزهٔ خردسالی ازطرف شهرتهران دسته گلی به‌علیاحضرت ملکه ایران تقدیم کرد.

آنگاه جعبه‌های شیرینی مخصوص، که‌تاج زرینی برروی آنها نصب شده بود، بعنوان یادگار بهریك ازمدعوین داده شد.

بدین‌ترتیب مراسم عقد کنان باشکوهی فراوان پایان‌یافت وجشن‌عروسی درکاخ تاریخی گلستان آغاز گشت.

باآنکه‌هوای‌تهران درآنروزبسیار سرد بود، وبرف شدیدی سراسر تهران‌را درزیر پرده سفیدی مستور کرده‌بود، باوجود این دهها هزارتن ازمردم شاهدوست ایران درطول‌خط سیر شاه وملکه اجتماع نموده بودند.

درسراسرخیابانهای خط سیر اعلیحضرت همایونی وملکه ایران افراد نظامی وپلیس صف کشیده، واتومبیلهای مدعوین ازوسط خط زنجیر مأمورین انتظامی گذشته و طرف کاخ گلستان رهسپار بودند.



اعلیحضرت شاه با ملکه ثریا پس ازجریان عقد

کاخ گلستان نیز که شاهد وقایع وحوادث مهم تاریخی بود، آنشب شکوه و عظمت خاصی یافت وسراسرآن غرق در نور وروشنائی بود.

تالار آینه، وتالار موزه، وتالار عاج، وتالار برلیان که بهترین وجهی تزئین یافته بود افسانه‌های هزار ویکشب را بخاطر میآورد.

پس از آنکه کلیه مدعوین در کاخ گلستان حضور یافتند: مقارن ساعت هشت بعداز ظهر خاندان سلطنتی وارد کاخ سلطنتی شدند وبکربع بعد شاهنشاه باملکه درحالیکه اسکورت مخصوص سلطنتی در التزام رکاب بود از کاخ مرمر بطرف کاخ گلستان حرکت کردند.

ابراز احساسات وشوروشعفی که ازطرف اهالی شاهدوست ومیهن پرست ابراز شد، بی‌نظیر وبی‌سابقه بود- حتی یك لحظه فریادهای زنده باد شاه، وزنده باد ملکه قطع نمیگردید.

بدین ترتیب شاهنشاه وملکه ایران درحالیکه برقلوب افراد مملکت حکومت میکردند، وارد کاخ گلستان شدند ویکسر بطرف تالار آئینه رهسپار گشتند.

هماندم مراسم آتشبازی باشکوهی انجام شدوباغ گلستان درمیان دریائی از نور غرق گردید.

پس از آن شاه وملکه از تالار آئینه، به تالار موزه که درآنجا مدعوین اجتماع کرده بودند وهرآن درانتظار بسرمیبردند نزول اجلال فرمودند.

هنگامیکه شاه وملکه وارد تالار موزه شدند، هماندم فریادها وغریوها وکف زدنهای مدعوین بآسمان بلند گردید. دراین لحظه تالار موزه عظمت خاصی داشت. زیرا در اینجا یادگارهای بسیار گرانبهائی از سلاطین بزرگ ایران مانند شاه اسمعیل صفوی، وشاه عباس کبیر، وشاه صفی، و نادرشاه افشار، وکریمخان زند، و آغامحمدخان قاجار، وفتحعلیشاه، ومحمدشاه، وناصرالدین شاه، ومظفرالدین شاه. وهمچنین آثار نفیسی که ازطرف ناپلئون بناپارت، وپطر کبیر، وسایر امپراطوران وپادشاهان غرب بسلاطین ایران اهدا شده بود دیده میشد.

گوئی روح این پادشاهان و امپراطوران بزرگ در آن لحظه تاریخی در آنجا اجتماع کرده، وناظر این فروشکوه بودند.

پس از آن مراسم پذیرائی وصرف شام درتالار عاج، که بردیوارهای آن تابلوها وآثار نفیس هنرمندان واستادان بزرگ نصب شده بود در پیشگاه شاهنشاه و ملکه ایران وافراد خاندان سلطنتی بعمل آمد.

مشهورترین خوانندگان ونوازندگان ایرانی، جذاب ترین و شورانگیز ترین آهنگها را که درآن بشاه وملکه شادباش میگفتند خوانده ونواختند.

بدین ترتیب جشن عروسی شاهنشاه درکاخ گلستان تا پاسی از نیمه شب گذشته، درمیان شوروهیجان زائدالوصف مدعوین دوام داشت وخاطرات آنشب باشکوه تاریخی برقلوب افراد شاهدوست ومیهن پرست نقش بست.

هدایای سلاطین و دولتهای خارجی

پس از ازدواج شاهنشاه یك سری تمبرهای زیبا، بالوان مختلف بافتخار عروسی شاهنشاه باملکه ثریا درسراسر ایران منتشر گردید.

درخلال این احوال ازطرف پادشاهان، و رؤسای جمهوری، و زمامداران کشورهای مختلف، وهمچنین ازطرف مردم شاهدوست ایران هدایای نفیس و گرانبها به پیشگاه شاهنشاه وملکه ثریا تقدیم شد.

ازطرف پرزیدنت ترومن رئیس جمهوری کشورهای متحد امریکا، یك گلدان بزرك کریستال، که ازشاهکارهای صنعت وهنربشمارمیرود، وتصاویرزیبائی که از یك سلسله داستانها وافسانه‌های قدیمی امریکا حکایت میکند برروی آن نقش شده و بهمین جهت به «جام افسانه ای» معروف گردیده به پیشگاه شهریار ایران تقدیم گردید.

ازجانب اعلیحضرت ژرژ ششم پادشاه انگلستان، یك جفت گلدان نفیس بزرك که ازاشیاء بسیار گرانبهای کاخ بوکینگهام، ویادگار دوران سلطنت ملکه الیزابت محسوب میشد باعلیحضرت همایونی تقدیم شد.

ملکه هلندیك گلدان بزرگ چینی بارتفاع یکمتر که تصویر تاج سلطنتی برنگ طلا دریك سمت ،وتصویر شیروخورشید ایران درسمت دیگرآن نقش گردیده وتهیه آن ماههای متمادی بطول انجامیده بهشاهنشاه ایران اهداشد .

ازطرف دولت فرانسه سه مجسمه زیباو بی نظیر، متعلق به ۲۵۰ سال پیش که یکی از افسانه های یونان کهن را نمودار میساخت ، وبانهایت ظرافت ودقت ساخته شده بهپیشگاه شهریارایران تقدیم گردید .

دولت شوروی یك جفت گلدان بسیارنفیس که ازقطعات سنگهای رنگارنگ ساخته شده ، و ببهرین وجهی صیقلی گردیده و جلا یافته به پیشگاه شاهنشاه اهداشد .

دولت اطریش یك پیانوی عالی و فوق العاده گرانبها و یکدوره کامل از سمفونیهای بتهون آهنگ سازنامی آلمانی، ویك تفنك شکاری بی نظیر باعلیحضرت همایونی تقدیم نمود .

دولت پاکستان دو گلدان بزرگ ، ویك آباژور کاربزرگترین هنرمندان پاکستان ، ویکجفت شمعدان نفیس ، ویك گردن بند گوهرنشان الماس ، و یك جعبه زرین که برروی آن قطعات زمرد و یاقوت نصب گردیده بشاه و ملکه ایران اهدا نمود .

رئیس جمهوری اندونزی یکدست سرویس چای خوری نقره ، که بوسیله مشهورترین هنرمندان آن کشور ساخته شده ، وباوضع بدیعی روی آن سیاه قلم کار شده ، بدربار ایران ارسال کرد .

اعلیحضرت پادشاه افغانستان یك جعبه توالت که کلیه اشیاء آن ازنقره است وبادقت ومهارت بسیارتوسط هنرمندان افغانی ساخته شده بمناسبت ازدواج اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بهملکه ثریا تقدیم شد .

ازطرف حضرت والا آقاخان محلاتی وبیگم آقاخان یك جعبه بزرگ طلا که برروی آن یك شیروخورشید باتاج سلطنتی نصب گردیده ، وهمچنین یك

کیف دستی زنانهٔ زرین، که‌روی آن‌دانه های درشت‌الماس وزمردچشم راخیره میکند به‌پیشگاه شاهنشاه وملکه ایران اهدا گشت .

شهرداری تهران نیز جعبه‌ای زرین ، که برروی آن عکس اعلیحضرت و ملکه بامینانقش گردیده ، واطراف‌آت قطعات‌جواهر نصب‌شده ، وبالای‌سرشاه وملکه تاجی ازطلا ونیمتاجی ازالماس‌تعبیه گردیده به‌پیشگاه شاهانه‌تقدیم‌شد.

از طرف بانك‌ملی ایران یکدست سرویس کامل غذا خوری از طلا ، ویك جفت شمعدان پنج‌شاخه گرانبها ویك‌سینی‌زرین ، ودوظرف بزرگ ازمینای‌سبز رنگ بافتخارعروسی شاهنشاه تهیه وتقدیم گشت .

خاندان بختیاری یك قاب‌بزرگ طلا ، که عکس شاه وملکه برروی‌آن نصب شده، وبالای سرآن تاج شاهی و پرچم ایران از الماس و زمرد و یاقوت دیده میشود به پیشگاه اعلیحضرت همایونی اهدا نمودند.

دکتر گریدی سفیر کبیر امریکا درایران یك شمشیر قدیمی که روی جلد آن با قطعات‌طلا نقش‌ونگارشده تقدیم کرد .

اهالی‌اصفهان برای تهیه هدیه‌ای گرانبها ابتکاربدیع وجالبی بکاربرده ، و وخوابی‌را که‌ملکه‌ثریا دیده‌ومشاهده کرده بود که خورشید ازآسمان فرودآمدو هردم باو نزدیك میشود ، تا آنکه دست ویرا گرفته و باخود بآسمان‌برد موضوع تهیه هدیه‌ای‌برای شاهنشاه‌نمودند ، ودرنتیجه یك‌هنرمندزبردست اصفهانی قابی از طلا ومینا بوجودآورد که دورنمائی ازشهراصفهان رانشان میدهد ،وملکه‌ثریا با جامهٔ سپید ازمیان دختران‌وهمشاگردیهای‌دوران‌مدرسه‌خود برخاسته، وقرص خورشید در حالیکه تصویر شاهنشاه در وسط‌آن نقش گردیده ، برچهره واندام ملکه ثریا نورمیپاشد.

یکی‌دیگر ازهدایای جالب‌و بینظیر که‌نمایندهٔ‌روح شاهدوست ومیهن‌پرست گروهی از اهالی این‌آب وخاك‌است هدیه‌ایست که ازطرف مسلولین آسایشگاه بوعلی به پیشگاه شاهنشاه‌تقدیم گردید.

این هدیه عبارت از گلاب پاشی است بشکل قلب ، که در وسط آن تصویر شاه و ملکه ایران نصب شده ، وبالای سر شاه وملکه تاج شاهی و پرچم ایران دیده میشود .

وقتیکه شاهنشاه هدیه مسلولین آسایشگاه بوعلی را آنهم بشکل قلب که نموداری از قلوب دردمند ولی پر عاطفه ساکنین این مرزوبوم است ملاحظه کردند غبار اندوه و ملال خاطر بر پیشانیشان نقش بست و در حالیکه از احساسات پاك آنان تمجید مینمودند فرمودند ، من هیچگاه از فکر آنان بر کنار نبوده و نخواهم بود .

چراغ خاندان سلطنتی

پس از آنکه مراسم عقد وعروسی اعلیحضرت همایونی باملکهٔ ثریا پایان یافت ، نوعروس ایران بکاخ اختصاصی رفت ودر آنجا زندگی تازهٔ خودرا در کنار شاهنشاه جوانبخت ایران آغاز کرد .

ازاین پس دیگر اوضاع بکلی عوض شد . آن غم واندوه وآن چنین های کوچکی که غالب اوقات در چهرهٔ اعلیحضرت دیده میشد ، جای خودرا به نشاط وخوشحالی داد ، ملکه ثریا ازهمان نخستین روزهای نامزدی ، جای خودرا در قلوب افراد خاندان سلطنتی باز کرده بود ، اکنون وجود علیاحضرت ملکه ثریا همواره مایهٔ تسلی شاه میباشد - درهمه جا آثار نشاط وشادمانی نمودار است ، هنگامیکه اعلیحضرت همایونی براثر مشکلات اوضاع وانجام وظایف خطیر سلطنت از کارهای روزانه خسته میشوند ، وجود علیاحضرت ملکه ثریا غم واندوه را ازوجود شاه میزداید ومحیط کاخ سلطنتی را حرارت وروشنی میبخشد .

علیاحضرت ملکهٔ پهلوی ووالاحضرت شاهدخت هانیز نهایت محبت وعلاقه را نسبت بملکه ثریا دارند - این امر هنگامی خوب نمودار شد که ازطرف علیا حضرت ملکه پهلوی وهمچنین والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ، ووالاحضرت

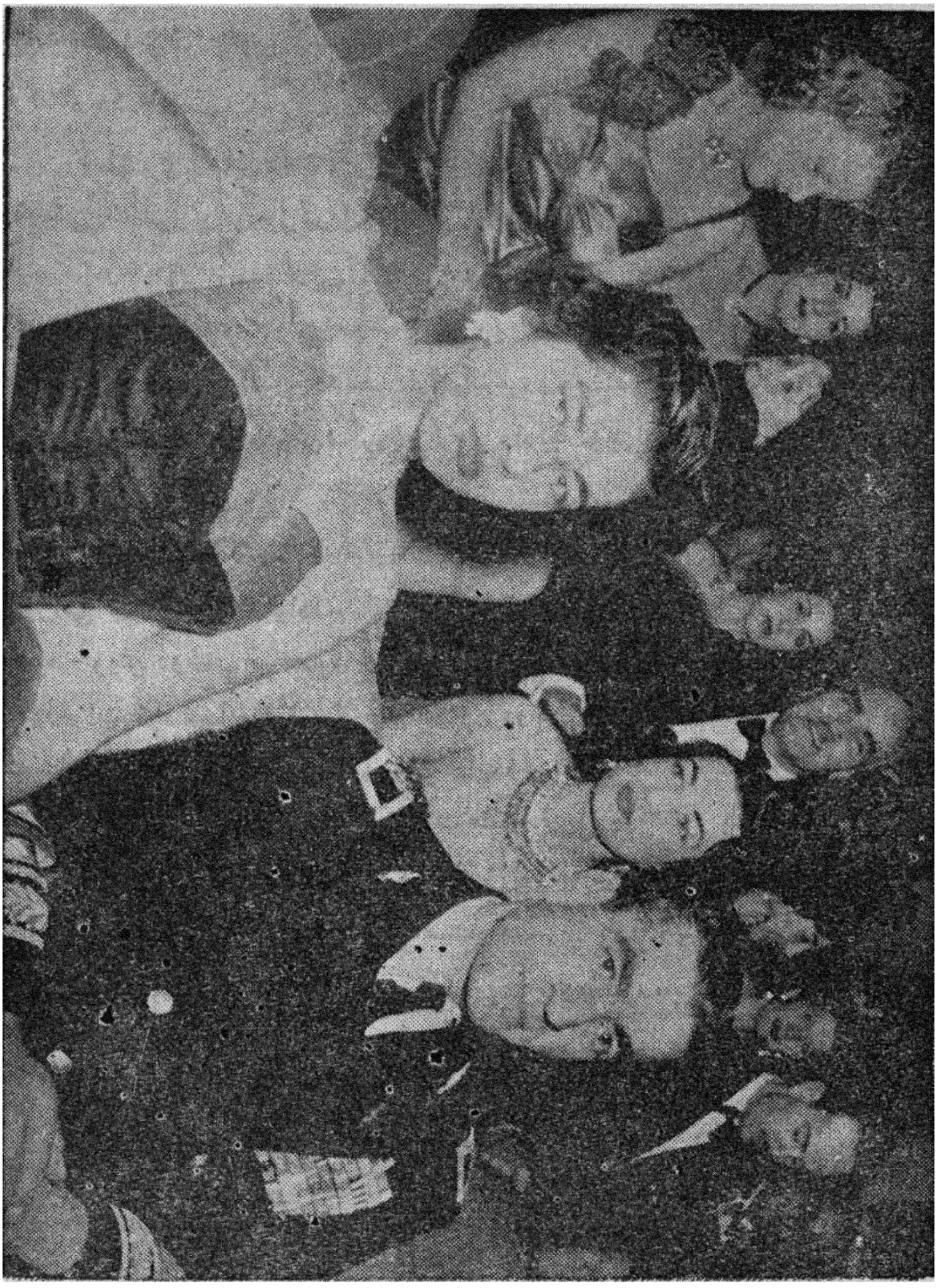

پهلوی دوم و علیاحضرت ملکه ثریا درضیافتیکه والاحضرت
اشرف ترتیب داده بود

شاهدخت اشرف پهلوی ، پس ازمراسم عقد وعروسی مهمانیهای باشکوهی بعنوان، پاگشاداده شد .

دراین مهمانیها آثارمحبت وصمیمیت زائدالوصفی در کلیه افراد خاندان جلیل سلطنتی نسبت بنوعروس دربارمشاهده میشد . دراین جشن های با شکوه تنها، قلوب شاه وملکه وسایرمدعوین آمیخته باخوشی وشادی نبود، بلکه فقراومستمندان نیزدراین سروروخوشحالیها سهیم بودند .

شاهنشاه ملت نواز که همیشه بفکرمردم هستند، دراین روزهای شادمانی مردم بینوا ومستمندرا فراموش نکرده و فرمان دادند که هزاران نفرازمردم تنگدست وبینوارا اطعام کنند .

بدین ترتیب ورود ملکه ثریادرمیان خاندان سلطنتی ایران درحکم چراغ فروزانی که علاوه برخانواده سلطنتی ، محیط اطراف واجتماع ایران رانیزازبرکت وجود خویش روشنی میبخشید علیاحضرت ملکه پهلوی ثریارامانند یك فرزند ، وخواهران شاه نیزاورامثل یك خواهرعزیزدوست میدارند ـ ملکه ثریانیزآنچنان که شایسته وسزاواراست آنهارادوست داردو بآنان احترام میگذارد .

روح مهربان ورئوف علیاحضرت ملکه ثریا، درمدتی کوتاه قلب همه را تسخیر کرده وهمه راوادارباحترام وعلاقهٔ زائدالوصفی نسبت باونموده است .

علیاحضرت ملکه ثریا، برای شاهنشاه همسری باوفا، وبرای والاحضرت شهناز مادری مهربان ، وبرای ملت ایران ملکه‌ای عزیزومحبوب بشمارمیرود .

ماجرای نفت

اکنونکه ماجرای زندگی علیاحضرت ملکه ثریا ، وجریان عقد وعروسی علیاحضرت با شاهنشاه شرح داده شد ، برای آنکه حوادث سیاسی ایران از اواخر سال ۱۳۲۹ ببعد که منجر بملی شدن صنعت نفت گردید تشریح شود بار دیگر بعقب برمیگردیم وبطور اختصار در اطراف اینموضوع سخن میگوئیم .

در مهرماه سال ۱۳۲۶ ، پس از آنکه غائله آذربایجان خاموش شد وقوام السلطنه نخست وزیر وقت موافقتنامه‌ئی برای واگذاری امتیاز نفت شمال بشوروی با سادچیکف سفیر کبیر شوروی بامضاء رساند ، مجلس شورای ملی چون این موافقت نامه را برخلاف مصلحت مملکت میدانست باآن مخالفت کرده و درضمن برای استیفای حقوق ملت ایران از منابع نفت کشور از جمله نفت جنوب قانونی گذراند که طبق آن دولت ایران مکلف گردید دراین باره اقدام نماید .

دولت بریتانیا وهمچنین رؤسای شرکت نفت ایران و انگلیس در لندن برای آنکه درمقابل کار انجام یافته‌ئی قرار نگیرند ، پیشدستی کرده وخود لایحه‌ای دراین باره تهیهٔ نمودند که در زمان نخست وزیری ساعد بدولت ایران تسلیم کردند .

این لایحه پس از آنکه مدتی تحت مطالعه قرارداشت ، بالاخره بامضاء ساعد و «گس» نماینده کمپانی سابق رسید و بقرارداد الحاقی «گس ـ ساعد» یا «گس گلشائیان» وزیردارائی وقت معروف شد .

هنگامیکه قرارداد الحاقی مزبور برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم گردید ، زمزمه هائی ازطرف بعضی ازنمایندگان در اطراف این لایحه بلند شد ، زیرا این لایحه را بنفع ملت ایران تشخیص نمیدادند وقتی منصورالملك مأمور تشکیل کابینه گردید ، زمزمه هائی که دربارهٔ قرارداد الحاقی بلند شده بود ، بیشتر گشت بطوریکه مطبوعات وبرخی ازاحزاب بانتقاد ازاین قرارداد پرداختند

وعده‌ئی از نمایندگان نیز در مجلس شورایملی و مجلس سنا ، مخالفت خودرا با آن ابراز داشتند.

درنتیجه هنگامیکه برخی از نمایندگان نظر رئیس دولت را درباره این

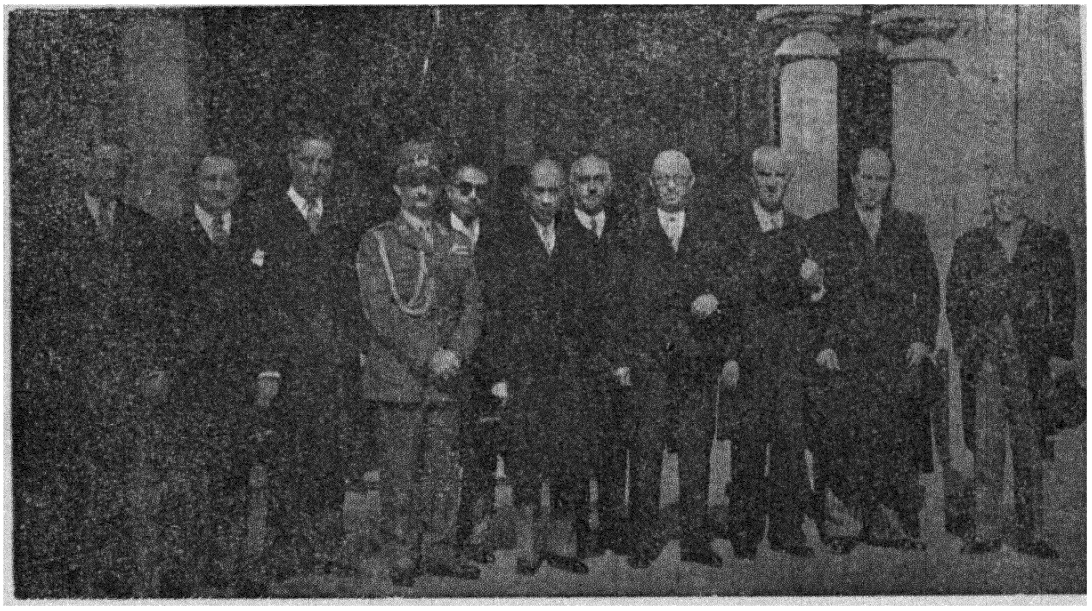

جناب آقای منصور نخست وزیر با اعضای کابینه

لایحه خواستند منصورالملك عقیده شخصی خودرا دراین باب اظهار نداشت ، و معلوم بود که قلباً با مواد این لایحه موافقت ندارد .

نزدیکی با شوروی

درتیرماه سال ۱۳۲۹ پس از آنکه کابینه منصور سقوط کرد و سپهبد رزم‌آرا درمیان جنجال وهیاهوی بی‌نظیری مامور تشکیل کابینه گردید ، نغمه‌های مخالف درباره قرارداد الحاقی ، ساعد ـ گس ، رو بافزایش نهاد .

درخلال این احوال رزم‌آرا برای آنکه همسایه شمالی را ازجنك اعصاب باایران بازدارد خودرا بآن دولت نزدیك کرد ، وپس ازمذاکراتی که در تهران و مسکو بین نمایندگان دو کشور صورت گرفت ، درمهر ماه سال ۱۳۲۹ یك قرارداد تجارتی بین ایران و شوروی بوسیله رزم‌آرا نخست‌وزیر و سادچیکف سفیر کبیر

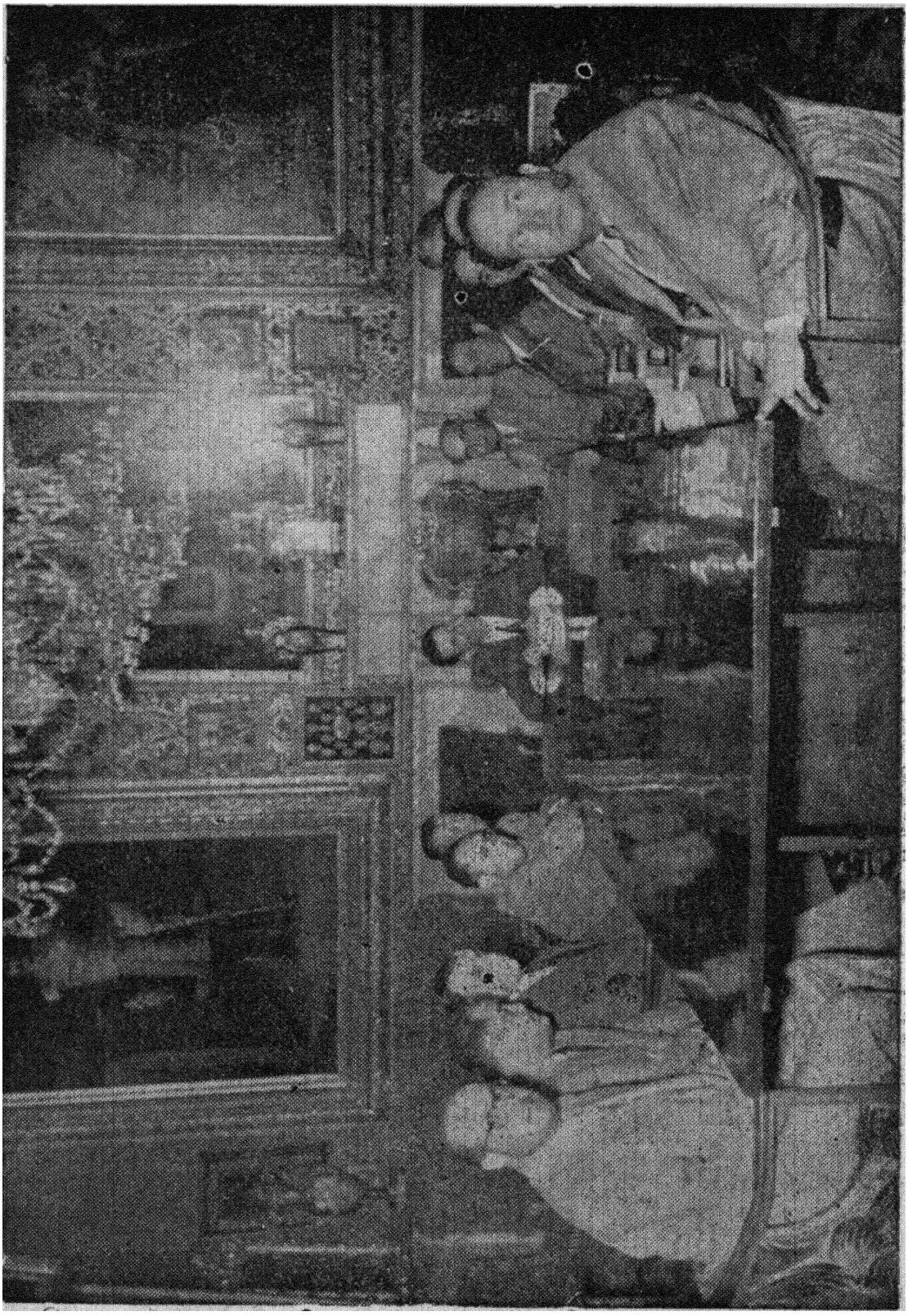

سپهبد ارزم آرا با هیئت دولت

شوروی بامضاء رسید ، وضمناً مقرر گردید که اختلافات مالی ومرزی دو کشور نیز بوسیله کمیسیونهای دوجانبه مرکب از نمایندگان دو دولت حل و فصل شود.

استرداد لایحه

دراین گیرودار که موضوع قرارداد الحاقی نیز درمجلس شورایملی مورد بحث بود، بار دیگر ازطرف نمایندگان اقلیت که رهبر آنها دکتر محمد مصدق بود این قرار داد مورد حمله قرار گرفت وضمناً ازدولت خواسته شد که توضیحاتی در اطراف آن بدهد .

در نتیجه روز سه شنبه ۵ دی ماه ۱۳۲۹ فروهر وزیر دارائی وقت، نطق مبسوطی دراطراف قرارداد الحاقی، ساعد مکس، ایراد کرد وتوضیحات مفصلی دراین باره داد. بیانات وزیردارائی درمیان جنجال وهیاهوی شدید نمایندگان مخالف بپایان رسید، ولی اعتراضات نمایندگان درباب این لایحه همچنان ادامه یافت بطوریکه جلسه بشدت متشنج شدو ناچار وزیر دارائی لایحه نفت را ازمجلس مسترد داشت.

با اینحال نمایندگان مخالف وزیر دارائی را مورد استیضاح قراردادند و مخالفت شدید خودرا نیز باقرار دادالحاقی ابرازداشتند .

علت استرداد لایحه نفت ازطرف وزیردارائی این بود که دولت اظهار میداشت اکنون که مجلس شورای ملی و نمایندگان ملت قرارداد الحاقی را کافی برای استیفای حقوق ملت ایران نمیدانند ، دولت لایحه مزبور رامسترد میدارد تاطبق قانون مهرماه ۱۳۲٦ درصدد استیفای حقوق ملت ازنفت جنوب برآید .

تظاهرات مردم

ازاین پس اختلاف نظریکه بین مجلس و دولت ایجاد شده بود روز بروز شدت مییافت تاآنجا که وزیردارائی مجبوربکناره گیری ازکار گردید . جلسات مجلس نیزوضع عادی خودرا ازدست داد وپس از آنکه نمایندگان مجلس چند جلسه خصوصی و سری تشکیل دادند قرار شد کمیسیونی مرکب ازاعضاء فراکسیون

هاى پارلمانى ، ومنفردين ، وچندتن ازاعضاء ، كميسيون نفت تشكيل گردد تاطرح جديدى براى حل مسئله نفت تهيه وتنظيم نمايند .



كميسيون مختلط نفت

جلسات بعد مجلس شورايملى نيزهمچنان با تشنج همراه بود . درخارج از مجلس نيزدانشجويان واصناف بتظاهرات پرداخته ومخالفت شديد خود راباقرارداد

الحاقی ابراز میداشتند دراین اثناء در کمیسیون نفت و فراکسیونهای مجلس و مخصوصاً بین نمایندگان اقلیت روز بروز فکر ملی شدن صنعت نفت تقویت میشد. بطوریکه پس ازچندی این فکر بمطبوعات ومردم نیز سرایت کرد ، و احزاب و دسته های سیاسی واصناف ودانشآموزان ضمن تظاهراتی که درخیابانها ومیدانهای پایتخت مینمودند، تقاضای لغو قرارداد۱۹۳۳ وملی شدن صنعت نفت رادرسراسر کشور میکردند

اشتباه دیپلماسی انگلستان

چون جریان این جنبش و نهضت جدید در ایران بخارج کشور ازجمله انگلستان رسید ، اولیای امورآن کشورمخصوصاً روسای کمپانی سابق متوجه گردیدند که اگراین وضع ادامه یابد ، بعید نیست که بزودی دست آنها ازمنابع گرانبهای نفت ایران کوتاه شود ، ازاین رومعاون وزارت امورخارجه انگلیس ضمن بیاناتی که درپارلمان آن کشورایراد کرد اظهار داشت که دولت انگلیس با هر گونه تغییری درقرارداد ۱۹۳۳ مخالفت، ولایحه الحاقی ۱۹٤۹ که بین دولت ساعد و گس بامضاء رسیده قراردادعادلانه ئی میباشدپس ازآن سفیر کبیرانگلیس نیزضمن ملاقاتی که با رزم آرا کرد متن اظهارات معاون وزارت خارجه انگلیس را باطلاع اورساندوضمناً متذکر شد که،دولت بریتانیا زیربارلغو قرارداد ۱۹۳۳ وملی شدن صنعت نفت نمیرود !. »

این بیانات دورازحزم واحتیاط، بیش ازپیش آتش خشم نمایندگان ملت ومردم رابرافروخت، بطوریکه درهمه مجامع نسبت باین اظهارات ابرازتنفر کردند وضمناً متذکر شدند،شرکت نفت، یك شرکت سادهٔ تجارتی نیست، بلکه یک دستگاه جاسوسی است که در کلیه امور وشئون کشور دخالت میکند و مجری منویات وسیاست استعمارطلبانه دولت انگلیس است،وحمایت معاون وزارت خارجه بریتانیا از کمپانی سابق نیزدلیل گویا وبارزی براین مدعاست.

تقسیم املاك موقوفه پهلوی

دراین هنگام چون روز بروز، فضای سیاسی ایران بیشتر مه آلود و تیره میگردید، دامنهٔ اختلافات ومناقشات وسعت مییافت ، اعلیحضرت همایونی هیئت دولت، وسپس هیئت رئیسه مجلس را احضار کردند، ودستورهای اکید در بارهٔ رفع اختلافات. واصلاح وضع مملکت، وپایان دودستگی و نفاق دادند، وضمنا تأکید کردند که برای بهبود زندگی مردم، باید قدمهای اساسی برداشته شود و یك تحول اساسی درحیات اجتماعی ملت ایجاد گردد که در سایه آن همه افراد بتوانند براحتی معاش روزانه خودرا تأمین کنند .

شاهنشاه همچنین برای بالا رفتن سطح زندگی مردم وپائین آمدن هزینه زندگی ، و تأمین رفاه آسایش طبقات کشاورز و کارگر مطالب جامع و مفیدی اظهارداشتند ، بعلاوه درباره لزوم تعدیل ثروت نیز بیاناتی ایراد کردند که مورد توجه عموم قرار گرفت . آنگاه اعلیحضرت همایونی برای آنکه خود دراین راه پیشقدم شوند ، مقررداشتند کلیه املاك موقوفه پهلوی که تعدادآن به چهارهزار قریه وآبادی میرسید بین کشاورزان وروستائیان هردهکده تقسیم گردد .

شاهنشاه برای اجرای این منظور فرمانی بشرح زیر صادر کردند :

فرمان تقسیم املاك

جناب جلال شادمان

نظر بعلاقه خاص و عقیده راسخی که همواره بتأمین آسایش و رفاه حال زارعین ورعایا داشته وداریم ،ومیل قلبی ما این بوده است که املاك مزروعی اعلیحضرت شاهنشاه فقید پدر بزرگوارمان که بر طبق قانون بما منتقل شده است به تملك خودزارعین هرحوزه درآید،وهرچندعوایداملاك مزبور تااین تاریخ مطابق فرمان مورخ۳ اسفند ماه ۱۳۲۸- بمصرف امورخیریه میرسید وازاین حیث رضایت خاطر مانیز فراهم بوده است،لیکن چون واگذاری این املاك باقساط طویل المدة و مالك بودن زارعین بیشتر بخیروصلاح کشور تشخیص داده میشود ، بموجب این

دستخط مقرر میداریم که املاك مزروعی که بما انتقال یافته ، باقساط طویل المدت بزارعین واگذار شود ،وبرای اجرای اینمنظور هیئتی از اشخاص بصیر و مطلع دعوت نمائید که وسایل اجرای این امررا فراهم سازند وجوه حاصل از فروش این املاك بایجاد منابع تولیدی و تأسیس شرکت های مفید بحال کشاورزان اختصاص خواهد یافت . این منابع تولیدی وقف ، ودرآمدآن طبق فرمان مورخ ۳ اسفند ۱۳۲۸ بمصرف خواهد رسید .

کاخ مرمر۷ بهمن ماه ۱۳۲۹

محمد رضا پهلوی

انتشاراین فرمان ،در کلیه محافل داخلی و خارجی با اهمیت بسیار تلقی گردید زیرا این اقدام شاهانه در تاریخ ایران بیسابقه بود از این رو مطبوعات داخلی و خارجی بتفصیل در پیرامون آن قلمرسائی کردند و اقدام شهریار ایران را ستودند .

پس ازآن روز۲۳ بهمن ۱۳۲۹ ، جشن ازدواج شاهنشاه و علیا حضرت ملکه ثریا ، درمحیط بسیار گرم وصمیمانه ئی انجام یافت ، که جریان آن بتفصیل گذشت ، واینموضوع تاحدی موجب آرامش اوضاع گردید ، ولی بعدازچند روز باردیگر مسئله نفت در رأس کلیه مسائل سیاسی قرارگرفت ، و اجتماعات واحزاب و نمایندگان پارلمان ببحث دراطراف لغو قرارداد ۱۹۳۳ وملی کردن صنعت نفت پرداختند

ترور رزم آرا

تظاهرات و ابرازاحساساتی که از طرف کلیه طبقات در پیرامون قطع ید بیگانگان درتهران وشهرستانها صورت میگرفت ،بحدی شدیدبود که تا آنزمان سابقه ونظیرنداشت این ابراز احساسات در بعضی مواقع چنان با تعصب شدید ملی ومذهبی توأم بود که موجب بهت وحیرت گردید وهمین تعصب شدیدملی بود که موجب قتل رزم آرا شد

جریان قتل رزم آرا که درآخرین روزهای سال ۱۳۲۹ انجام یافت ، و در کلیه محافل داخلی وخارجی باحیرت وتعجب زائدالوصفی مواجه گردید، بطور خلاصه ازاینقرار بود:

روز چهارشنبه ۱۶ اسفندماه بمناسبت وفات آیت الله فیض مجلس ختمی برپا بود . مقارن ساعت ۱۱ بامداد درحالیکه امیراسدالله علم وزیر کار نیز همراه او بود، برای حضور درمجلس ختم بمسجد شاه رفت .

هنگامیکه رزم آرا وارد صحن مسجد شاه گردید ، با اینکه همیشه چند نفر کارآگاه درپیرامون او قرارداشتند واز جان وی محافظت میکردند ، معهذا جوان ناشناسی ازپشت سر اورامورد حمله قرارداده وباشلیك سه گلوله پی در پی رزم آرا را ازپای درآورد.

گلوله ها یکی بمغز ،ودوتای دیگر به پشت وریه او اصابت کردند ،از این رو رزم آرا پس از چند ثانیه جان داد. بلافاصله مأمورین ضارب اورا دستگیر کردند. پس از تحقیقاتی که ازوی بعمل آمد معلوم شد نام او خلیل طهماسبیان و حرفه اش نجاری واز اعضاء فدائیان اسلام است خلیل طهماسبیان دربارهٔ علت مبادرت باین عمل اظهارداشت که چون بنظروی سپهبد رزم آرا ازراهی که ملت انتخاب کرده بود منحرف گردید ،وبرای استیفای حقوق ملت ایران هیچگونه اقدامی ننمود ،وبنفع بیگانگان وعلیه مصالح ایران ودین اسلام اقداماتی میکرد ،ازاین رواز سه ماه پیش تصمیم بقتل او گرفتم ،وپیوسته درتعقیب او بودم تا بالاخره ازحضور وی در مسجد شاه اطلاع یافتم ودرنتیجه او را درآنجا بقتل رساندم .

تصویب ملی شدن صنعت نفت ودروی کارآمدن علاء

پس از ترور رزم آرا آرامش وسکوت آمیخته باضطراب درمحافل سیاسی راه یافت ، ومخصوصاً این حادثه درمحافل خارجی بااعجاب و شگفتی بسیارتلقی گردید، بطوریکه واقعه مزبوررا بعنوان زنگ خطری برای دولتهای استعمارطلب غرب ،وپیش درآمدی برای حوادث آینده محسوب داشتند.

پس از قتل رزم آرا کمیسیون نفت مجلس شورایملی که تلاش خود را



جناب آقای حسین علاء نخست وزیر
برای حل مسئله نفت بکاربرده وطرح، ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، را تنظیم

نموده بود بمجلس داد ،وسرانجام روز پنجشنبه ۲٤ اسفندمجلس شورایملی باتفاق آراء ملی شدن صنعت نفت را دریك محیط پرهیجان وشورانگیز تصویب کرد.

پس از آن درروز سه شنبه ۲۹ اسفندماه نیز مجلس سنا باتفاق آرا بملی شدن صنعت نفت رأی داد.

انعکاس ملی شدن نفت ایران

پس از آنکه خبرملی شدن نفت ایران ، در کشورهای جهان منعکس گردید کلیه محافل بین المللی متوجه حوادث ایران شدند ، بعلاوه این موضوع در کشور های خاور میانه نیز انعکاس عمیق بخشید ، بطوریکه در عراق تظاهراتی علیه شرکتهای انگلیسی بظهور پیوست و حتی طرح ملی شدن نفت آن کشور تنظیم شد جریانات و حوادثی که درایران وسایرممالك خاور میانه درشرف وقوع بود دولت انگلیس را وادار کرد که دست بعملیات تهدید آمیزی بزند تامانع بروز این حوادث شود ازاین رو مبادرت باعزام چند کشتی جنگی بآبهای خلیج فارس نمود .

با اینحال درایران تظاهرات مردم علیه انگلستان روز بروز شدت مییافت ، و قدرت جبهه ملی هر دم بیشتر میگشت ، بطوریکه دامنه تظاهرات ضد استعماری حتی بدورترین شهرستانهای ایران هم سرایت کرد .

تهران بصورت یك مرکز مهم بین المللی مطبوعات درآمد ،وخبرنگاران ازهمه کشورها حتی ازجبههٔ جنگ کره بتهران روی آوردند ، وپس ازمشاهده اوضاع این سامان ایران را « منطقهٔ گرم » نام نهادند.

یك مانور تازه

دراینموقع شرکت سابق نفت ، برای متشنج ساختن اوضاع ایران ودر نتیجه دگرگون کردن حوادث این کشور دست بحیلهٔ جدیدی زد، بدین معنی که بدون مقدمه مزایا واضافات کارگران مؤسسات نفت جنوب را قطع کرد .

این امر موجب گردید که ظرف دو سه روز دوازده هزار تن از کارگران اعتصاب

کرده ودست از کار کشیدند . بدنبال این عده دسته دسته کارگران سایر مناطق نفت خیز نیز بآنها پیوستند ، بطوریکه روز بروز اوضاع ، سرزمین طلای سیاه ، یا خوزستان بیشتر رو بوخامت مینهاد .

در تعقیب این جریانات دولت بریتانیا برای آنکه دولت وملت ایران را از ادامهٔ نهضت ضد انگلیسی بازدارد ، طی یادداشتی نگرانی شدید خود را از اوضاع مناطق نفت خیز و همچنین تصمیمات مجلسین ایران دائر بملی کردن صنعت نفت ابراز داشت .

دم شیر را لگد نکنید

روز ۱۱ فروردین ماه (امانوئل شینول) وزیر دفاع انگلستان ضمن نطقی که در لندن ایراد کرد ، بطور کنایه آمیز ملت ایران را مخاطب قرار داده اظهار داشت « دم شیر را لگد نکنید ، زیرا ممکنست روزی مواجه با عکس العمل شدیدی شوید ! . . . »

براثر وخامت حوادث ایران ، عده ئی از فراطیون انگلیس از جمله گروهی از محافظه کاران پیشنهاد کردند که با اعزام نیروی نظامی و آغاز عملیات جنگی مانع وسعت یافتن نهضت ضد انگلیسی وضد استعماری در ایران شوند . این بار موجب گردید که (مك کی) معاون وزارت امور خارجه امریکا از واشنگتن بلندن عزیمت کرد تا درباره جریاناتی که در ایران روی میداد بمذاکره وتبادل نظر پردازد . ولی چون وخامت اوضاع همچنان ادامه داشت ، درسازمان ملل متحد نیز جریانات سیاسی ایران مورد مذاکره قرار گرفت ، وپیشنهاد شد که اگر نمایندگان امریکا و انگلیس نتوانستند از ادامه این وضع جلوگیری کنند ، بلافاصله ، تریگوه لی ، دبیر کل سازمان ملل متحد بایران مسافرت نماید وترتیبی برای پایان دادن تشنج در این کشور بدهد .

پاسخ ایران بیادداشت انگلیس

چون در اواخر اسفندماه دولت بریتانیا یادداشتی برای دولت ایران فرستاده وضمن آن از تصمیمات مجلسین ایران دائر بر ملی کردن صنعت نفت ابراز نگرانی

کرده بود ازاین رو دولت علاء روز ۱۸ فروردین پاسخ یادداشت دولت انگلیس را برای آن کشور ارسال داشت وضمن آن متذکر شد که: «طرف معامله باایران شرکت نفت است وتاکنون ازطرف شرکت راجع باین موضوع سئوالی نشده ، ولی چون دولت انگلیس خواسته است اطلاعی ازاینموضوع بدست آورد ازاین رو متذکر میشود که چون شرکت نفت بدعاوی ایران توجهی نکرد ،وطرح قرارداد الحاقی را حداکثر گذشت خود قلمداد نمود ، بدین جهت ملت ومجلسین ایران صنعت نفت را در سراسر کشور ملی کردند،واکنون کمیسیون نفت طریق عملی ساختن اینموضوع رامطالعه میکند وبااین وضع عجالتاً دولت هیچ وظیفه ئی ندارد جز آنکه منتظر نتیجه مطالعه وتصمیم کمیسیون نفت باشد.

درهمین موقع متن مصاحبه علاء نخست وزیر با(کینگز بوری اسمیت) مدیر خبرگزاری (اینترنشنال نیوز سرویس درار وپا) در کلیه مطبوعات غربی منتشر گردید علاء ضمن این مصاحبه پیامی بملت امریکا فرستاد ودر آن باین نکته اشاره کرد که مسئله ایران ممکنست برای دنیا گران تمام شود،ازاین رو خوبست بتقاضاهای یك ملت محروم که حق مسلم خودرا میخواهد توجه بعمل آید .

کنفرانس واشنگتن

روز ۲۰ فروردین در واشنگتن، کنفرانسی مرکب از نمایندگان امریکا و انگلیس تشکیل گردید وشروع بمذاکره وتبادل نظردر باره نفت ایران کردند.

چون این کنفرانس، بدون اطلاع دولت ایران ، وبدون شرکت نماینده این کشور تشکیل شده بود ازاین رو دولت ایران رسماً بتشکیل این کنفرانس اعتراض کرد، وتصمیمات آن را کان لم یکن اعلام نمود.

زدو خورد خونین

اعتصابی که براثر تحریکات شرکت نفت درمناطق نفت خیز روی داده بود روز پنجشنبه ۲۲ فروردین ماه درآبادان ، بندرمعشور روبشدت نهاد ، وتظاهرات دامنه داری دراین روز از طرف کارگران علیه کارگردانان شرکت نفت صورت

گرفت بطوریکه مأمورین انتظامی مجبور بمداخله شدند وچون آرام ساختن آنان ممکن نگردید از این روتماسی بین مأمورین وکارگران رویدادوبالنتیجه کاربزدو خوردوتیراندازی کشید. دراین جریانات عده ئی ازکارگران وچند ملاح انگلیسی وایتالیائی بقتل رسیدند وعده ئی نیز زخمی وبازداشت شدند.

درتحقیقاتی که ازطرف مقامات انتظامی بعمل آمد گفته شد که این جریانات براثرزمینه سازیهای شرکت نفت صورت گرفت تاپس ازآنکه کار بزدوخورد کشید وعده ئی ازاتباع خارجی دراین ماجرابقتل رسیدند، قوای مسلح انگلیسی ببهانهٔ قتل اتباع آن کشوربتواند درامورداخلی ایران مداخله کند، ومانع تسلط ملیون برمناطق نفت خیزشود.

بهرحال این حادثه موجب رعب ووحشت کارشناسان وکارمندان انگلیس درخوزستان گردید، بطوریکه بلافاصله عده زیادی ازخانواده های انگلیسی براثر وخامت اوضاع ایران از این کشور خارج شدند - روز ۲۵ فروردین نیزدراصفهان براثرابراز همدردی کارگران آنشهر نسبت بکارگران آبادان وبندر معشور تظاهراتی صورت گرفت وبراثرمداخله مأمورین انتظامی یك کارگرویک پاسبان بقتل رسیدند.



سپهبد شاه بختی مأمور فوق العاده و استاندار خوزستان

۳۰۰۰۰ کارگردرحال اعتصاب

در اینموقع قریب سی هزار کارگردرمناطق نفت خیزدرحال اعتصاب بودند

این جریانات موجب گردید که خبرنگاران خارجی خبرهای

هیجان انگیزی راجع بحوادث ایران بمراکزخود مخابره کنند وضمناً باین نکته اشاره نمایند که « اصل ملی شدن نفت درایران امری اجتناب ناپذیراست »



سرتیپ کمال فرماندار نظامی آبادان

بالاخره برای خاتمه دادن باین اوضاع و تشنجات از طرف دولت سپهبد شاه بختی باستانداری خوزستان و فرماندهی کل نیروهای جنوب منصوب گردید وهیئتی نیز از تهران برای رسیدگی موضوع بآبادان رفت .

استاندار جدید و هیئت اعزامی پس از مذاکراتی که با رؤسای کمپانی نفت در خرمشهر کردند شرکت بناچار اعتصاب کارگران را قانونی دانست و با قسمتی از تقاضاهای آنان موافقت کرد .

دراینموقع در تهران نیز دمونستراسیونهائی ازطرف دانشجویان و دانش آموزان مدارس داده شد وبراثر مداخله مأمورین زدوخوردی رویداد که طی آن عده ئی زخمی شدند.

بلافاصله روز ٤ اردیبهشت در رشت نیز تظاهرات خونینی صورت گرفت و شیشه و پنجره بسیاری ازمغازه ها وعمارات واتومبیل ها شکسته شد وقریب شصت نفر بشدت زخمی گردیدند.

یکروز بعد یعنی روز ٥ اردیبهشت ماه انبارومخزن بزرك مهمات در محمدیه شیراز بطرزعجیب واسرارآمیزی منفجر گردید وموجب رعب ووحشت شدید اهالی شد وباآنکه تحقیقات زیادی دراین مورد صورت گرفت معهذا معلوم نشد که چگونه این انبارمهمات منفجر شده است؛

نخست وزیری دکتر مصدق

بالاخره براثر تشنج وضع کشور و نامساعد بودن اوضاع روز ٦ اردیبهشت علاء نخست وزیر استعفا داد وروز شنبه ۷ اردیبهشت مجلس شورایملی بزمامداری

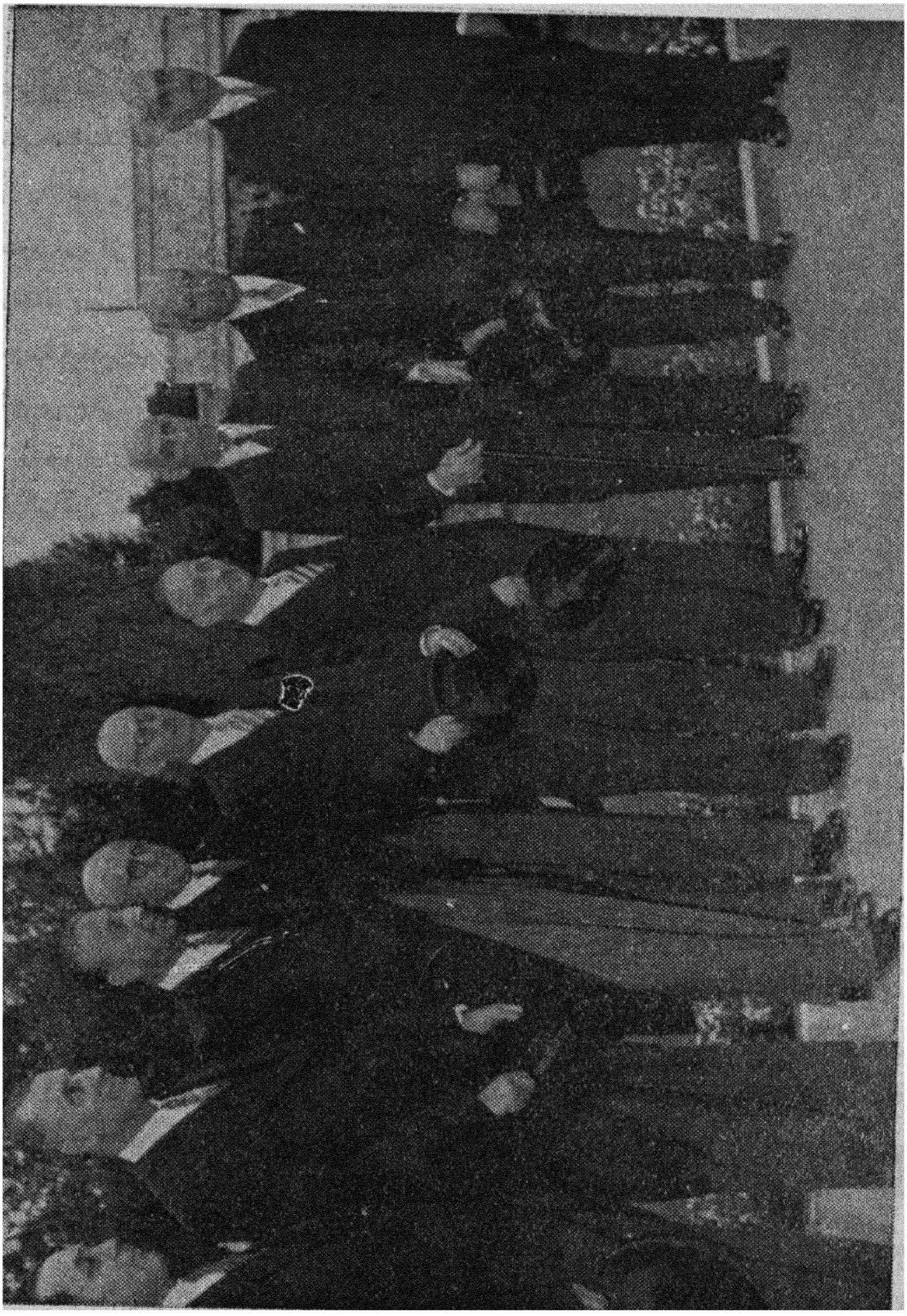

دکتر محمد مصدق نخست وزیر با هیئت دولت

دکتر مصدق رهبر جبهه ملی اظهار تمایل کرد، و بالاخره روز ۸ اردیبهشت پس از آنکه دکتر مصدق بحضور شاهنشاه شرفیاب شد، فرمان نخست وزیری او توشیح گردید

بلافاصله ملاقاتهائی از طرف سفرای انگلیس و امریکا در تهران با دکتر مصدق صورت گرفت روز ۹ اردیبهشت ماه نیز قانون طرز اجرای اصل ملی شدن نفت بتصویب مجلسین شورا و سنا رسید، و یکروز بعد اعلیحضرت همایونی قانون ملی شدن صنعت نفت، و قانون طرز اجرای ملی شدن نفت را توشیح کردند.

توشیح این دو قانون از طرف شاهنشاه، کلیه امید های دولت بریتانیا را نقش بر آب کرد و مسلم گردید که اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران امری اجتناب ناپذیر است.

رد اعتراضات انگلستان

در اینهنگام شرکت نفت نامه اعتراض آمیزی درباره تصمیم مجلسین ایران فرستاد که بآن جواب رد داده شد. پس از آن (هربرت موریسن) وزیر خارجه انگلیس پیامی برای دولت ایران ارسال داشت که بازبآن نیز پاسخ داده شده ضمن آن علل ملی شدن صنعت نفت ذکر گردید.

در جلسه روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه مجلس پنج نفر بعنوان اعضای کمیسیون مختلط نفت انتخاب شدند و برای خلع ید از کمپانی نفت مشغول شور و تبادل نظر گردیدند در اینهنگام روابط ایران و بریتانیا وارد بحرانی ترین مراحل خود گردید.

بطوریکه دستگاه تبلیغاتی انگلستان در صدد برآمد جنگ سرد شدیدی را علیه ایران آغاز کند.

چهارهزار چتر باز

بدنبال خبرهای تند و تحریک آمیز و مطالب زننده ئی که در مطبوعات و رادیو های انگلستان علیه ایران منتشر گردید، روز ۲۴ اردیبهشت رادیوها و خبر گزاری های خارجی اطلاع دادند که چهارهزار چتر باز برای عملیات نظامی علیه ایران بحال آماده باش درآمده اند.

دوروزبعد خبردیگری منتشرشد دائربراینکه هنگ چتربازانگلیسی برای عملیات نظامی احتمالی باکلیه وسائل وتجهیزات از انگلستان بسوی جزیرهٔ قبرس عزیمت کرد .

خبرهای بعدی نیزحکایت ازتقویت نیروهای زمینی بریتانیادرعراق میکرد بعلاوه چند واحد ازنیروی دریائی بریتانیادرمدیترانه واقیانوس هندبسوی آبهای ایران حرکت نمودند .

چون این عملیات تهدیدآمیزنیز به نتیجه نرسید ، ازاین روروز ۲۷ اردیبهشت ماه دولت انگلیس تذکاریه‌ئی منتشرساخت وضمن آن اعلام کرد که حاضر است هیئتی رابرای مذاکره وانعقاد یك قرارداد جدیدکه منافع ایران رادربرداشته باشد بتهران اعزام دارد .

دولت امریکانیزبیانیه‌ئی منتشرساخت ومتذکرگردید که چون دولت امریکا تشخیص داده است دولتین ایران و انگلیس در مورد مسئله نفت دارای اشتراك منافع هستند ،ازاین روباید بطریق دوستانه و مذاکرات دوجانبه اینموضوع را حل کنند . مقارن این احوال وزارت دارائی ، پیشنهادی را که ازطرف شرکت نفت دائربارجارع قضیه بحکمیت رسیده بود رد کرد واعلام نمود که ملی کردن صنعت نفت قابل ارجاع بحکمیت نیست .

جنگ سرد

چون انگلستان ازاین اقدامات هم نتیجه مطلوب بدست نیاورد باردیگر جنگ سردوجنگ تبلیغاتی شدیدی راعلیه ایران آغازنمود .

ازجمله کشورهای مشترك المنافع بریتانیاطی اعلامیه‌ئی که منتشر کردند پشتیبانی خودرا ازانگلستان ابرازداشتوآمادگی خویش را برای هرگونه عملیاتی اعلام نمودند .

جلسات فوق العاده هیئت وزیران بریتانیانیز پی درپی درلندن تشکیل میشد ودرباره اتخاذ روش جدیدی برای حل قضیه نفت ایران بمذاکره میپرداختند

دراینموقع مطبوعات انگلیسی ورادیولندن برای آنکه محافل ایرانی را دچاررعب و وحشت سازند متفقاً دست بمانور جدیدی زده ومتذکر شدند که چون



خطر کمونیسم وتسلط شوروی برایران روزبروز این کشور را بیشترتهدید میکند ازاین رولازمست ازطرف انگلستان که درایران دارای منافع زیاد میباشد برای

جلوگیری ازاین پیش آمد اقدام لازم وفوری بعمل آید وقوای نظامی دراین کشور پیاده شود تاتأسیسات نفت را ازخطرات احمالی حفظ کنند .

اعلام جهاد

این امرموجب گردید که تظاهرات زیادی درتهران علیه این تبلیغات صورت گرفت وآیت اله کاشانی درمصاحبه مطبوعاتی که باحضور کلیه خبرنگاران خارجی درایران تشکیل داد متذکر شد که «اگر انگلستان بخواهد باقوای نظامی بایران حمله ورشود ، وی اعلام جهاد خواهد کرد .

بااینحال تهدیدات دستگاههای تبلیغاتی انگلستان همچنان ادامه داشت و دولتهای غربی نیز هماهنگی خود را با آندولت ابراز داشتند . ازجمله سفارت امریکا درتهران طی بیانیه ئی که روز ۳۰ اردیبهشت منتشر ساخت متذکر گردید که « دولت امریکا بالغو یك جانبه قرار داد ، واقداماتی که جنبه ضبط وتوقیف اموال شرکتی راداشته باشد مخالف است .

شکایت بدیوان لاهه

چون هیچیك ازاین اقدامات نتیجه ئی نبخشید ودولت ایران دست ازملی شدن صنعت نفت برنداشت ، روز ۶ خرداد شرکت سابق وهمچنین دولت بریتانیا متفقاً عرضحالی علیه ایران بدیوان بین المللی دادگستری لاهه دادند و طی آن تقاضا کردند که دیوان حکمی برای حکمیت درقضیه ایران تعیین نماید .

بااینحال دولت بریتانیا آرام ننشست وباردیگر بدست وپاافتاد که دولتهای غربی راوادار بمحاصره اقتصادی ایران کند

میسیون جکسن

دراواسط خردادماه ، درحینی که شکایت انگلستان وشرکت سابق در دیوان لاهه جریان خودرا طی میکرد ، یك هیئت انگلیسی تحت ریاست «جکسن» بایران آمد وبامقامات ایرانی واردمذاکره گردید .

این هیئت پس ازفعالیتهائی که درتهران کرد ، بدون آنکه هیچگونه نتیجه ئی

از اقدامات خود بگیرد تصمیم بباز گشت گرفت و درنتیجه دراواخر خردادماه میسیوزدوازده نفره جکسن بلندن باز گشت دراینموقع ازطرف دولت یك هیئت مدیره موقت برای سرپرستی تأسیسات نفت جنوب تعیین گردید ، ویك هیئت نظارت نیز انتخاب شد ، وبلا فاصله این هردوهیئت بطرف آبادان عزیمت کردند ومقدمات عملیات اجرائی را برای کوتاه کردن دست شرکت سابق از تأسیسات نفت آغاز نمودند .

«مهمان» یا «صاحبخانه»

مدیران شرکت سابق در خوزستان ، بعنوان اینکه این دوهیئت مهمان ما هستند از آنان پذیرائی کردند ، وحال آنکه نمایندگان اعزامی ایران بعنوان صاحبخانه بآنجا وارد شدندوتأسیسات نفت را زیرنظر گرفتند .



دریک

چون کنسول انگلیس درخرمشهر در اقدامات وعملیات هیئت اعزامی کار شکنی میکرداز این رو دولت ایران تقاضای احضار وتغییر اورا نمودو (دریك) رئیس شرکت نفت در آبادان نیز که تلا شهایش برای جلوگیری از اقدامات هیئت مدیره موقت به نتیجه نرسید، وازطرفی یك کوران بسیار شدید از طرف اهالی آبادان و خرمشهر علیه او ایجاد گردید ، از بیم جان به بصره فرار کرد .

این جریانات موجب شد که بدستور مقامات انگلیسی یك رزمناو بنام ماریتپوس در دویست متری آبادان لنگر انداخت،وهواپیماهای شکاری وجنگی انگلیسی برفراز آبادان ومناطق مرزی بپرواز درآمدند .

در اینموقع پیامی ازطرف دکترمصدق برای رئیس جمهوری امریکا ارسال

گردید وبار دیگرازملت امریکا تقاضای کمك ومساعدت شد

تقویت نیروهای انگلیس درعراق

درخلال این احوال چون از طرف عده‌ئی ازنمایندگان حزب محافظه‌کار وهمچنین چند تن ازاعضاء مجلس لرد ها اعزام نیرو بایران وشروع عملیات نظامی علیه این کشور پیشنهاد شده بود ، قوای انگلیس در بصره و کرکوك و اربیل تقویت یافت و پرواز هواپیما های جنگی بریتانیا برفراز خاك ایران بیشترشد .

از این روودولت ایران یادداشت اعتراضیه‌ئی برای دولت عراق فرستادوضمن آن از اینکه آن دولت پایگاهها و فرودگاههای خودرا برای استفاده نیروهای نظامی انگلیس و تهدید استقلال وحاکمیت ایران ، در اختیار انگلستان گذارده گله کرد .

پاسخ بدیوان لاهه

دراین هنگام عملیات خلع ید درآبادان شروع شد وکارمندان انگلیسی شرکت نفت شروع بتخلیه اینشهر نمودند .

روز ۸ تیرنیزوزارت امورخارجه ایران پاسخ خود رادررد شکایت انگلیس برای دیوان لاهه ارسال داشت ومتذکرشد که اولا شکایت شرکت سابق ودولت بریتانیا ازایران اساساً بی‌اساس است . ثانیاً دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی باینموضوع را ندارد .

با اینحال دیوان لاهه روز ۱۴ تیر رأی خود راصادر کرد وتوصیه نمود عملیات اجرائی ایران متوقف شود واقداماتی بعمل نیاید که گردش صناعت نفت ایران را متوقف سازد .

نامه ترومن

روز ۱۷ تیرماه ترومن رئیس جمهوری امریکا پیامی برای نخست وزیرایران فرستاد و پس‌ازتوصیه درباره تجدید مذاکره برای حل مسئله نفت آورل هاریمن

نماینده شخصی خود را برای مشاوره جهت یافتن راه حلی برای اینموضوع بدولت ایران معرفی کرد.

دوروز بعد یعنی روز ۱۹ تیرنخست وزیر پاسخ ترومن را ارسال داشت وطی آن متذکر شد که دولت وملت ایران بشرطیکه حق مسلم ملی ما طبق قوانین ملی شدن نفت مورد موافقت قرار گیرد حاضر است بلافاصله برای حل اختلافات وارد مذاکره شود وضمن آن موافقت خود را با آمدن هاریمن بایران اعلام داشت.

روز ۲۳ تیر ماه هاریمن وارد فرودگاه مهرآباد گردید وروز ۲۵ تیر بحضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شد و نامهٔ ترومن را بشاهنشاه که در آن بحل مسئله نفت اظهار امید شده بود باعلیحضرت تقدیم کرد.



هاریمن

شرایط تجدید مذاکره.

درخلال این احوال هاریمن مذاکرات خود رابا دولت ایران آغاز نمود و شرایط تجدید مذاکره راخواستار شد. دولت ایران اعلام نمود درصورتی باتجدید مذاکره حاضراست که اولا دولت بریتانیا ملی شدن صنعت نفت ایران را برسمیت بشناسد ثانیاً دولت ایران فقط بانمایندگان شرکت سابق (نه دولت بریتانیا) بمذاکره پردازد.

درنتیجه عصرجمعه ٤ مرداد هاریمن وشپرد سفیر کبیرانگلیس بلندن رفتند وشرایط تجدید مذاکره رابآن دولت اعلام داشتند. پس ازمذاکراتی که درکابینه بریتانیا صورت گرفت وچندین جلسه بطول انجامید، دولت انگلیس روز ۷ مرداد ملی شدن صنعت نفت را برسمیت شناخت و(استوکس) مهردارسلطنتی رابعنوان رئیس هیئت نمایندگی شرکت سابق برای تجدید مذاکرات بدولت ایراز معرفی نمود روز ۸ مرداد هاریمن از مسافرت چهار روزه خود بازگشت و روز ۱۲ مرداد نیز استوکس باهیئتی وارد تهران گردید.

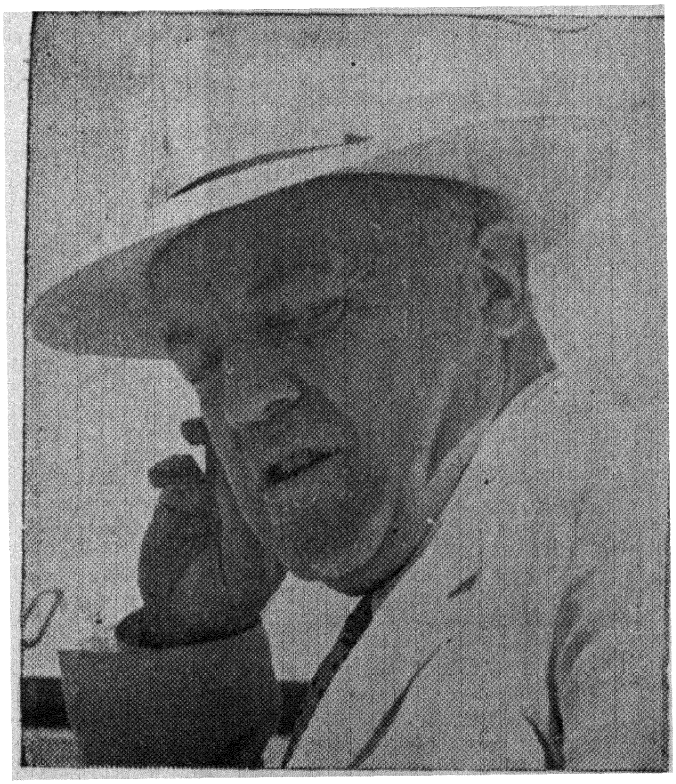

استوکس

پیشنهاد های استوکس

استوکس به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد وچندین بارنیزبا نخست وزیر ملاقات کرد و پیشنهاد های خود را داده سپس باتفاق هاریمن بآبادان رفتندواز نزدیک سیسات نفت جنوب بازدید کردندوبارد یگربتهران مراجعت نمودند.

دراین موقع چون پیشنهاد های استوکس مخالف قانون ملی شدن صنعت

نفت بود از طرف ایران رد گردید، با اینحال استوکس و هاریمن بفعالیت خود برای یافتن راه حل ادامه دادند و چون کلیهٔ تلاشهای آنها بنتیجهٔ میرسید که شرکت سابق مجدداً فعالیت خود را در آبادان تجدید کند، از این رو مورد موافقت ایران قرار نگرفت و با النتیجه روز ۳۱ مرداد استوکس با همراهان تهران را بعزم لندن ترك گفت.

اعزام کشتی های جنگی

بلافاصله جلسه فوق العاده کابینه انگلیس تشکیل گردید و باز چندین کشتی جنگی بریتانیا در برابر آبادان لنگر انداخته، و جنگ اعصاب بوسیله رادیوها و مطبوعات انگلستان علیه ایران شروع شد.

مقارن نیمه شهریور ماه دولت ایران اولین اولتیماتومی برای پایان کار کارشناسان انگلیسی تهیه کرد و آنرا برای هاریمن بواشنگتن فرستاد تا بدولت انگلیس تسلیم نماید ولی هاریمن از انجام این مأموریت خود داری کرد. دولت بریتانیا برای آنکه دولت ایران را در فشار و مضیقه اقتصادی قرار دهد قرارداد پولی خود را با ایران لغو کرد و این امر بلافاصله مورد اعتراض ایران قرار گرفت.

در اینموقع هیئت مدیره موقت درخرمشهر آبادان و بندر معشور همچنان بکار خود ادامه میداد، ولی بقیه کارشناسان انگلیسی با وجود موافقت دولت ایران برای ادامهٔ کار آنها، معهذا هنوز روش خود را روشن نکرده بودند.

اولتیماتوم ایران

باینجهت روز ۲ مهرماه از طرف نخست وزیر ابلاغیه ئی خطاب بهیئت مدیره موقت درخرمشهر صادر شد و ضمن آن متذکر گردید که چون کارشناسان انگلیسی حاضر بادامه خدمت درشرکت ملی نفت نشدند باید از روز ۷ مهرماه ظرف هفت روز خاك ایران را تخلیه کنند. وقتی این خبر باطلاع دولت بریتانیا رسید، بلافاصله وزرای خارجه ودفاع انگلستان که بواشنگتن رفته بودند تلگرافی بلندن احضار شدند، و جلسه فوق العاده کابینه انگلیس تشکیل گردید.

چون وخامت اوضاع دراین لحظه بمنتها درجه شدت رسیده بود، رادیوها

وآژانسهای خارجی پی‌درپی ازاعزام نیروی انگلیس بطرف مرزغربی وسواحل جنوبی ایران سخن میگفتند ، از اینروازطرف دولت نیروهای موتوریزه وقوای پیاده وهواپیما وچندین آتشبار ضد هوائی بجنوب فرستاده شد و نیروی مزبور درمرزعراق وساحل آبادان وخرمشهر بحال آماده باش درآمد .

خروج آخرین دسته کارشناسان

روز ۶ مهرماه خبرگزاریهای خارجی اطلاع دادند که دولت انگلیس در نظردارد ازایران بشورای امنیت شکایت کند ، وازفروش نفت ایران نیز درسراسر گیتی جلوگیری نماید . دراینموقع چشم کلیه محافل بین‌المللی متوجه ایران و حوادث شگرفی بود که دراین کشورجریان داشت . درنیویورك اعلام شد که (ایران خطرناکترین و قابل انفجارترین نقطه دنیاست)



سرلشگر زاهدی

درتهران نیز برای شرکت ایران درشورای امنیت اقداماتی صورت گرفت و سپس اعلام شد که دکتر مصدق شخصاً برای رد عرضحال انگلستان باتفاق هیئتی به‌نیویورك خواهد رفت چون به ضرب‌الاجل و پایان اتمام حجت دولت ایران بیش ازدو روز باقی نمانده بود، روز چهارشنبه ۱۰ مهرو پنجشنبه ۱۱ مهرماه آخرین دسته کار شناسان انگلیسی خاك ایران را ترك گفته و بوسیله کشتی جنگی موریشس آبهای ساحلی ایران راترك گفتند.

پایان موفقیت‌آمیز امرخلع ید ، صرفنظر ازبیداری وهشیاری نیروهای انتظامی وهیئت مدیره موقت ، مرهون زحمات و کوششهای سرلشگرزاهدی وزیر کشور بود که در آنروزهای حساس وخطرناك وباوجود آنهمه تحریکات خارجی نگذاشت زحمات ملت ایران بر بادرود ، وسرانجام براثر کاردانی یکمرد سیاسی یعنی دکتر مصدق

وشهامت وازخود گذشتگی یکمرد نظامی یعنی سرلشگر زاهدی اینکار با موفقیت بی‌نظیری پایان یافت .

بسوی شورای امنیت

عصرروز ۱۰ مهرماه دکتر مصدق به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ومدت



دکتر مصدق پس ازاخذ تعلیمات لازم ازشاه بسوی امریکا حرکت میکند

سه ساعت جریان مسافرت خودرا بشورای امنیت برای اعلیحضرت همایونی تشریح

کرد ، و ازطرف شاهنشاه نیز دستور ها و تعالیم لازم بدکتر مصدق داده شد .

بامداد روز یکشنبه ۱۴ مهرماه نخست‌وزیر باتفاق همراهان بسوی نیویورك پرواز کرد و پس‌از دوروز وارد نیویورك شد ودربیمارستان آنشهر بستری گردید. سپس درجلسات شورای امنیت حضوریافت ودرروزهای ۲۲و۲۳ و۲۴مهرماه‌دربرابر نمایندگان ملل ، محرومیت‌های ملت‌ایران وتجاوزات شرکت‌سابق‌را برای آنان تشریح نمود وازحقانیت ملت‌ایران‌دفاع کرد .

بالاخره شورای امنیت پس‌ازاظهارات نمایندگان دو کشور، درجلسه روز ۲۶مهرماه بنابه پیشنهاد نماینده فرانسه،اعلام نمود که عرضحال دولت انگلستان را تااعلام‌رأی دادگاه لاهه مسکوت‌خواهد گذاشت.

دراینهنگام شاهنشاه که بانهایت‌دقت مراقب‌اوضاع بود وجریانات سیاسی کشورومبارزه ملت‌ایران‌را بایك کمپانی استعماری بزرگ‌اززیرنظر میگذراند ، وقتی از نتیجه رأی شورای امنیت اطلاع یافت بلافاصله تلگرافی برای دکترمصدق مخابره کرد و طی آن موفقیت نخست وزیر خودرا در شورای‌امنیت تبریك گفت.

فعالیت در واشنگتن

دکترمصدق پس‌ازخاتمه کارشورای امنیت ، ازنیویورك به فیلادلفی رفت ودرتالارا‌ستقلال آنشهر‌نطقی‌ایراد کرد، سپس‌بواشنگتن عزیمت نمود وبا ترومن ملاقات کرد .

آنگاه طی‌چندین هفته اقامت خود درواشنگتن با آچسن وزیرخارجه و مك کی معاون وزارت خارجه امریکا وسایر شخصیت های‌آن کشور برای بجریان افتادن‌نفت ایران بمذاکره پرداخت. ولی بدون آنکه هیچگونه نتیجه‌ئی ازاین مذاکرات عایدشود ، عازم‌بازگشت‌بایران گردید.

دراین‌موقع خبررسیدپالایشگاههای نفت آبادان که اززمان اخراج کارشناسان انگلیسی‌ازکارافتاده بود براثرسعی‌و کوشش مهندسین‌و کارگران ایرانی

مجدداً بکار افتاد و (مشعل آبادان باردیگر روشن گردید) این موفقیت مهندسین ایرانی درامریکا و انگلستان با شگفتی بسیار تلقی گردید ، زیرا دستگاههای تبلیغاتی شرکت سابق تا آنوقت چنین شایع کرده بودند که اگر کارشناسان انگلیس خاك ایران را ترك کنند، دیگر کسی نیست که تأسیسات عظیم نفت را بکار اندازد و حال آنکه با بکار افتادن دستگاه شماره ۷۰ بیهوده و یاوه بودن این تبلیغات بخوبی ثابت گردید.

مراجعت بمصر و ایران

دکتر مصدق در آخرین روزهای اقامت خود در واشنگتن از دولت امریکا تقاضای وام کرد ، ولی این تقاضا بر اثر کارشکنی و مداخلات انگلستان از طرف دولت امریکا مورد موافقت قرار نگرفت و در نتیجه روز ۲۶ آبان هیئت اعزامی ایران امریکا را ترك گفتند .

چون قبل از عزیمت هیئت نمایندگی ایران نحاس پاشا نخست وزیر مصر از دکتر مصدق دعوت کرده بود که هنگام بازگشت از امریکا مسافرتی هم بمصر نماید ، از این رو نخست وزیر روز ۲۸ آبان وارد قاهره شد و سه روز در آن کشور اقامت نمود و مورد پذیرائی شایان توجهی قرار گرفت .

آنگاه روز جمعه اول آذر از مصر بسوی ایران پرواز کرد و دو روز بعد گزارش مسافرت خود را بشورای امنیت ، بمجلس شورای ملی داد . از این پس تا مدتی موضوع نفت چه در ایران و چه در محافل بین المللی تقریباً مسکوت ماند ، و دولت وقت خود را صرف تهیه مقدمات انتخابات دوره هفدهم قانون گذاری کرد .

روز شنبه ۱۰ دیماه ۱۳۲۰ ، هیئتی از طرف بانك بین المللی وارد ایران شدند ، و پس از اینکه مدت چند روز با اولیای امور دولت ایران درباره مسئله نفت وارد مذاکره گردیدند ، بخوزستان مسافرت کرده و از تأسیسات نفت جنوب بازدید نمودند .

مذاکرات هیئت نمایندگی بانك بین المللی تا روز ۲۲ دیماه بطول انجامید و چون اعضاء هیئت دارای اختیارات کافی نبودند قرار شد بامریکا باز گردند و پس از مدت کوتاهی معاون بانك بین المللی برای ادامه مذاکرات بایران بیاید .

تعطیل کنسولگریها

در روزهائیکه هیئت مزبور در ایران اقامت داشتند ، باردیگر مناسبات ایران و انگلیس تیره شد و از طرف وزارت امور خارجه روز ۱۸ دیماه یادداشت

اعتراضیه‌ای برای سفارت انگلیس فرستاده شد وضمن آن نسبت بمداخلات مامورین انگلیسی در امور داخلی ایران اعتراض بعمل آمد .

بدنبال این نامه ، سه روز بعد یك نامه و یك یادداشت دیگر برای سفارت کبرای انگلیس ارسال شد ، واعلام گردید که کلیه کنسولگریهای بریتانیا در شهرستانهای ایران باید تا روز ۳۰ دیماه منحل شود .

این امر سروصدای زیادی درمحافل سیاسی خارجی برپا کرد ، ومطبوعات گیتی این موضوع را باحروف درشت در نخستین صفحات خود منتشر نمودند .

درخلال این احوال سفارت انگلیس در نامه جوابیه خود منکر مداخلات مأمورین کنسولگریهادر امور داخلی ایران گردید .وزارت امورخارجه برای اثبات این مدعا اسنادی دائربرمداخله مأمورین انگلیس بسفارت بریتانیا فرستادو نسخه‌هائی از آنرا نیز در مطبوعات منتشر ساخت .

هیئت نمایندگی بانک بین المللی

روز ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۰ گارنر معاون بانك بین المللی باعده‌ئی ازاعضاء بانك برای ادامهٔ مذاکرات درباب نفت بایران آمدند و با اولیای دولت وارد مذاکره شدند . پس از آن دوتن از اعضاء بانك مأموریت یافتند که پیشنهاد ها و شرایط دولت ایران رابرای حل مسئله نفت باخود بلندن ببرند و پس از تبادل نظربا مقامات مسئول انگلستان مجدداً بایران باز گردند .

اینکارانجام شد و نمایندگان مزبور پس‌ازشورومذاکره با مقامات شرکت سابق درلندن ، بتهران مراجعت کردند ، ولی مذاکرات هیئت پس ازآنکه مدت پنج هفته بطول انجامید ، بدون اخذ هیچگونه نتیجه تهران را ترك گفتند .

گارنر.

مسافرت شاه و ملکه بشیراز

ازاین پس تا اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ هیچگونه اتفاق فوق العاده ئی روی نداد جز آنکه روز ۷ اردیبهشت دوره ۱۷ قانونگزاری بوسیله اعلیحضرت همایونی افتتاح شد.



اعلیحضرت شاه و علیا حضرت ملکه ثریا موقع رژه در تخت جمشید
آقایان علاء سرلشکر عمیدی انصاری استاندار حضور دارند

پس‌ازافتتاح مجلس شورایملی .اعلیحضرت همایونی وعلیاحضرت ملکه‌ثریا برای گشایش آرامگاه سعدی ولوله کشی شیراز، وهمچنین مشاهده آثارتاریخی ایران درتخت جمشید وپازارگاد بسوی‌شیرازعزیمت کردند . مسافرت شاهنشاه وملکه ثریا بصفحات جنوب بااستقبال بی نظیراهالی شاهدوست ومیهن پرست فارس مواجه گردید .

شاه وملکه‌آرامگاه سعدی شاعرشیرین‌سخن راافتتاح کردند ، وبعد لوله کشی شهرشیرازرا که بهمت نمازی یکی‌ازبازرگانان مشهورونیك سرشت ایرانی انجام یافته بود افتتاح نمودند، وآنگاه ازآثارتاریخی تخت جمشید وپازارگاد بازدید کرده سپس بتهران بازگشتند

« بایرود » درتهران

دراین هنگام مجلس هفدهم شروع بکار کرد، ولی‌درهمان نخستین جلسات مجلس صحنه کارزاروجدال بین نمایندگان مخالف وموافق دولت گردید .



چون مسئله نفت هنوز همچنان لاینحل مانده بودقرارشد بایرود معاون وزارت امور خارجه ورئیس‌اداره‌خاورمیانه امریکابایران مسافرت کند وازنزدیك بااولیای‌امور دولت ایران دراین‌باره مذاکره‌نماید. اینکارانجام شدوروز۲٤ اردیبهشت‌ماه بایرودوارد تهران گردیدوبلافاصله‌بحضوراعلیحضرت همایونی شرفیاب گردید وبعد با نخست وزیرملاقات کردوپس ازدو روزاقامت ، تهران رابمقصد بغداد ترك گفت .

بایرود معاون وزارت‌امورخارجه

یادداشت اعتراض شوروی

موضوعی که‌درنخستین‌روزهای‌خرداد ماه، باردیگرتوجه محافل بین‌المللی

رابجانب ایران معطوف داشت، یادداشت اعتراض دولت شوروی بایران بود.

روز۳خرداد ۱۳۳۱، ویشینسکی، وزیرامورخارجه شوروی یادداشت اعتراضی

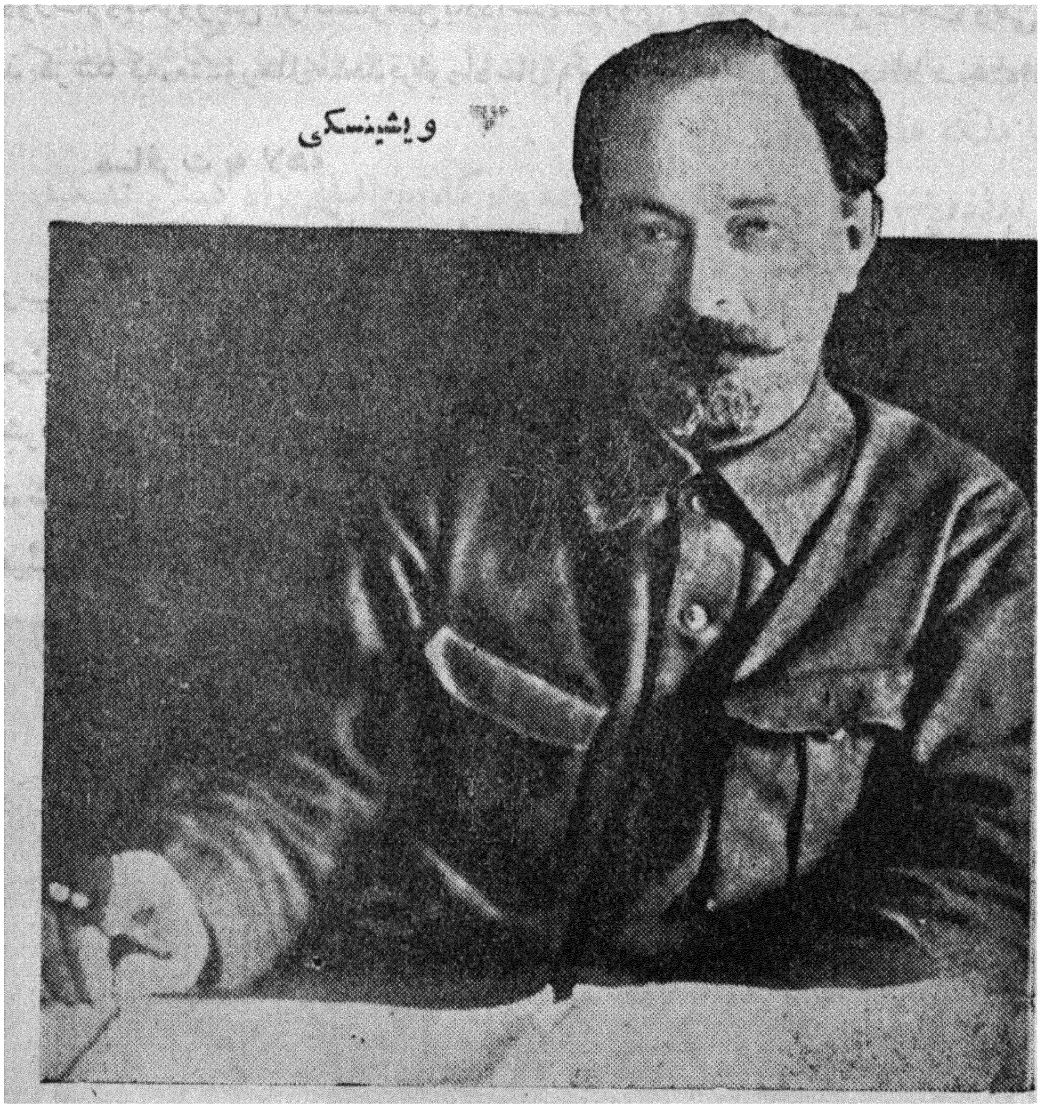

بسفارت ایران درمسکوفرستاد، ودرآن نسبت بکمك نظامی امریکا بایران اعتراض نمود، ومتذکرشد که «قبول کمك نظامی امریکا ازطرف دولت ایران، مخالف قرارداد سال ۱۹۲۱ است وایران باقبول این کمك نظامی، علناًدر اجرای نقشه تجاوزکارانه امریکا علیه شوروی کمك کرده است» وپس ازآن باردیگربمواد قرارداد ۱۹۲۱ اشاره نمود. این یادداشت اعتراض آمیز که ازآن بوی خطراستشمام میشد ومخصوصاً استناد بقرارداد سال ۱۹۲۱ موجب گردید که محافل سیاسی غرب با

دقت فوق العاده‌ئی این جریانات راازنظر بگذرانند . ضمناً وزارت امورخارجه امریکا برای آنکه فکرهر گونه تجاوزراازمخیله‌اولیای امورشوروی نسبت به‌ایران دورسازد یکروزپس ازانتشارمتن یادداشت شوروی ، بیانه‌ئی منتشر ساخت وطی آن متذکر شد که، منشورملل متحد قرارداد سال ۱۹۲۱ راازدرجه‌اعتبار ساقط ساخته‌است،

مسافرت به لاهه

چون در این هنگام دیـوان بین‌المللی دادگستری لاهه ، خود را برای رسیدگی بشکایت انگلیس علیه ایران آماده میکرد ، از این‌رو دکـتر مصدق هیئتی را برای‌عزیمت به لاهـه انتخاب نمود وروز ٦ خرداد به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ، ومدت‌دوساعت در باره مطالبی که باید در دیوان لاهه گفته شود توضیحاتی باعلیحضرت همایونی‌داد . سپس‌روز چهارشنبه ۷ خرداد باتفاق اعضاء هیئت‌نمایندگی ایران‌بسوی‌لاهه عزیمت کرد .

در این هنگام اطلاع رسید که نخستین کشتی‌ایتالیائی بنام «روزماری» از

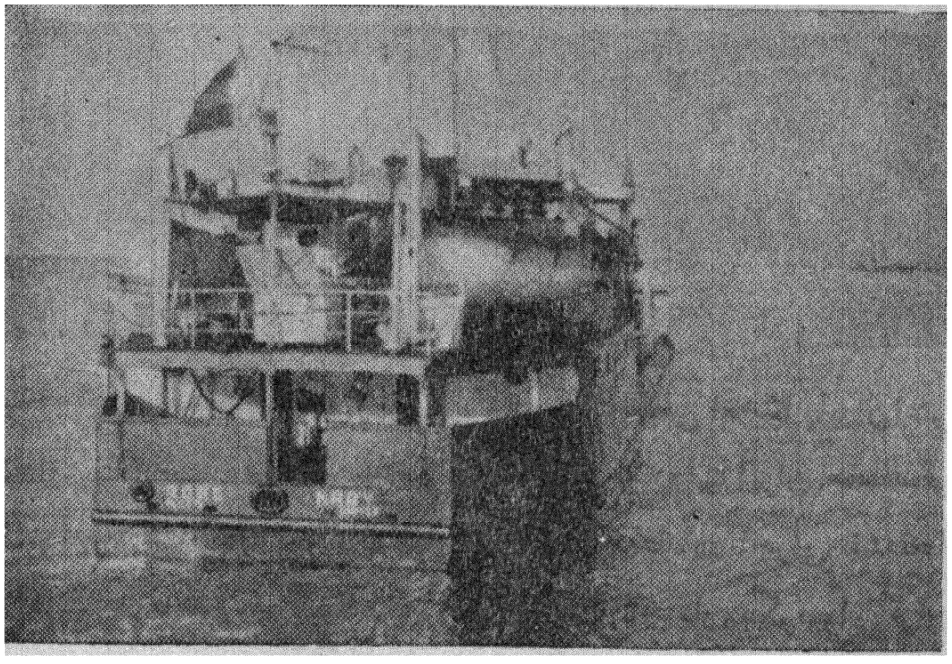

کشتی روزماری

طرف شرکت «اپیم» که نخستین شرکت خریدار نفت ایران بود ، در کرانه بندر معشور لنگر انداخت ومشغول بارگیری نفت شد . بهرحال روزجمعه ۹ خردادماه دکترمصدق بانخست‌وزیر هلندملاقات کرد وروز ۱۴ خرداد نیز بکاخ سلطنتی ژولیانا ملکه هلندبار یافت .

روزدوشنبه ۱۹ خرداد نخستین جلسه دادگاه بین‌المللی دادگستری تشکیل یافت ، ودکترمصدق ضمن دفاعیکه ازحقانیت ایران کرد ، شکایت دولت انگلیس را ردنمود وسپس خطاب بقضات دادگاه گفت «شمانباید ملت کوچکی را که برای احقاق حق خودقیام کرده ، ازحق خودمحروم کنید»

بعدپروفسور «هانری رولن» حقوقدان مشهورووکیل مدافع ایران آغازبسخن کرد ودریك بحث جامع حقوقی ، با ۹ دلیل عدم صلاحیت دادگاه را برای رسیدگی باختلاف ایران وانگلیس اعلام کرد ، ومتذکر شد که «ادعای دولت انگلیس مخالف کلیه قوانین بین المللیست ، و در این ماجرا حق مسلم باملت ایران است»

سپس دادستان کل انگلستان بنمایندگی ازطرف آن کشور بیانات مبسوطی ایراد کرد و باظهارات نماینده ایران پاسخ داد ، وسعی کرد اقدام دولت ایران را درملی کردن صنعت نفت ، بعنوان مصادره اعلام نماید.

پروفسور رولن

جنجال روزماری

درروزهائیکه دیوان لاهه باختلافات ایران وانگلیس رسیدگی میکرد ، کشتی نفتکش روزماری ، پس ازبارگیری قریب هفتصد تن نفت بسوی ایتالیا باز گشت ولی ازهمان روز نخست اعلام شد که روزماری دردریا مفقود گردید، وهیچگونه خبری ازاودردست نیست.

بیسیم‌ها وکشتیها و هواپیماها پی درپی سعی میکردند که اطلاعی از این کشتی کوچك نفتکش بدست آورند ، ولی هیچگونه خبری ازآن بدست نیامد. اینموضوع جنجال بزرگی در مطبوعات غربی برپا کرد ، بطوریکه اکثر روزنامه های جهان ماجرای گمشدن اسرار آمیز نفتکش روزماری را درآبهای بین خلیج فارس ودریای عمان واقیانوس هند مورد بحث وتفسیر های گوناگون قرارداد ند.

سرانجام روز ۲۸ خرداد خبر رسید که نفتکش روزماری براثر تبانی بامقامات انگلیسی درساحل بندرعدن لنگر انداخته ، ومحموله آن بدستور دادگاه مستمراتی عدن توقیف شده است.

مراجعت از لاهه بایران

دراین موقع دادگاه لاهه اعلام کرد که رأی خود را در باره صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه برای رسیدگی بشکایت بریتانیاعلیه ایران تاچندهفته دیگر اعلام خواهد کرد ، و با این وضع چون اقامت هیئت نمایندگی ایران بیش از این درآنجا لازم بنظرنمیرسید ، لذا نخست وزیر با همراهان خود ازهلند بسوی ایران مراجعت کرده وروز سه شنبه‌سوم تیر وارد تهران گردیدند .

بلافاصله نخست وزیر به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ودر یك جلسه طولانی جزئیات جریان دادگاه ومذاکرات طرفین را باطلاع اعلیحضرت همایونی رساند.

درخلال این احوال چون اوضاع اقتصادی ایران روز بروز وخیم ترمیشد و از حل مسئله‌نفت نیز ، با وجودمسافرت‌هیئت‌های نمایندگی متعدد هیچگونه خبری نبود ، زمزمه های مخالفت آمیز علیه دکتر مصدق وروش شدید او درحل مسئله نفت آغاز گردید ، و این زمزمه های مخالف از مجلس بمطبوعات ، و از مطبوعات باجتماعات ومردم نیز سرایت کرد .

تهدید باستعفا

دکتر مصدق که میخواست باقدرت و اختیارات تام بکار خودادامه دهد، پس از تشکیل مجلس هفدهم چون طبق قانون میبایستی استعفای دولت را بمجلس

تقدیم کند تامجلس نظرخویش رادرباره دولت جدید ابرازدارد، ازنمایندگان خواست که زودترمجلس راتشکیل دهند و درصورتیکه بادامه نخست وزیری او علاقمند هستندبه‌دولت وی رأی تمایل دهند. ولی چون مجلس تشکیل نگردید، روز ۱۲ تیرماه نامه‌ئی به پیشگاه شاهنشاه تقدیم کرد ودرآن متذکرشد که اگر مجلس شورایملی تا روز ۱۷ تیر آماده بکار نشود استعفاخواهد داد.

روز ۱۴ تیر نیز بحضور شاهنشاه شرفیاب شد وخواست استعفای خودرا تقدیم کندولی اعلیحضرت همایونی بااستعفای مشارالیه موافقت نکردومجلسین هم بلا فاصله بتجدید زمامداری دکترمصدق اظهارتمایل کردند ودرنتیجه روز ۱۹ تیر باردیگر فرمان نخست‌وزیری دکترمصدق ازطرف اعلیحضرت همایونی موشح گردید.

حوادث سی ام تیر

دراین هنگام ضمن ملاقاتهائی که عده‌ئی از نمایندگان عضوجبهه ملی با دکترمصدق کردند، نخست وزیر بآنها اظهارداشت که برای ادامه زمامداری باید با قدرت بیشتری بکارخودادامه‌دهدازاین رومایلست ازطرف مجلس شورایملی اختیاراتی برای‌مدت شش‌ماه باوداده شود، و بعلاوه فرماندهی کل قوانیزبعهده او واگذار گردد.

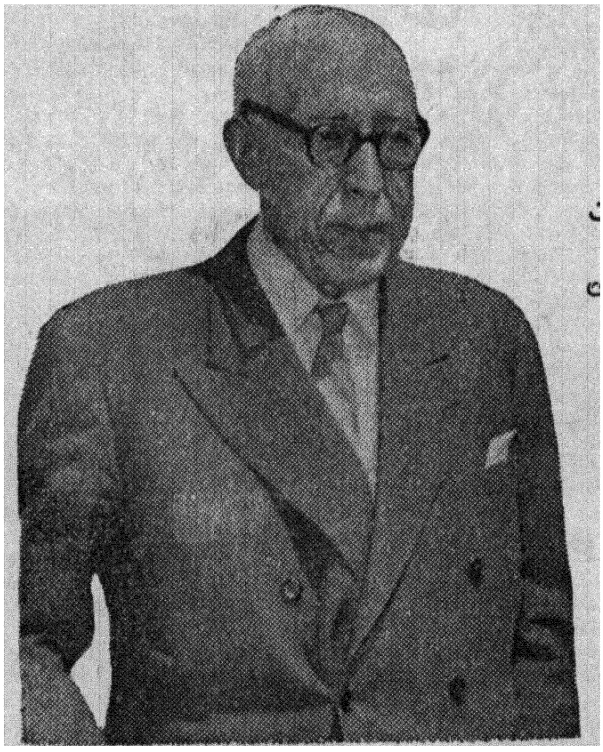

قوام السلطنه پس ازدریافت فرمان نخست وزیری

این دو موضوع از نظر عده‌ئی از نمایندگان مخالف قانون اساسی بود لذا عدم موافقت خودرا با این امر اعلام داشتند. ازاین‌روروزه ۲ تیردکتر مصدق به پیشگاه شاه شرفیاب شد و استعفاء خودرااز مقام نخست وزیری تقدیم کرد.

روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه مجلس شورایملی برای تعیین نخست وزیرآینده تشکیل جلسه داد وبنخست وزیری قوام‌السلطنه اظهارتمایل کرد ، ودر نتیجه روز ۲۷ تیر فرمان نخست وزیری اوازطرف اعلیحضرت همایونی صادر گردید.

طرفداران دکترمصدق ازروزشنبه۲۸ تیرماه شروع بتظاهراتی علیه دولت جدید کردند ودر نتیجه درخیابانهای پایتخت زدوخوردهائی بین آنان ومأمورین انتظامی رویداد که عده زخمی و گروهی بازداشت شدند .

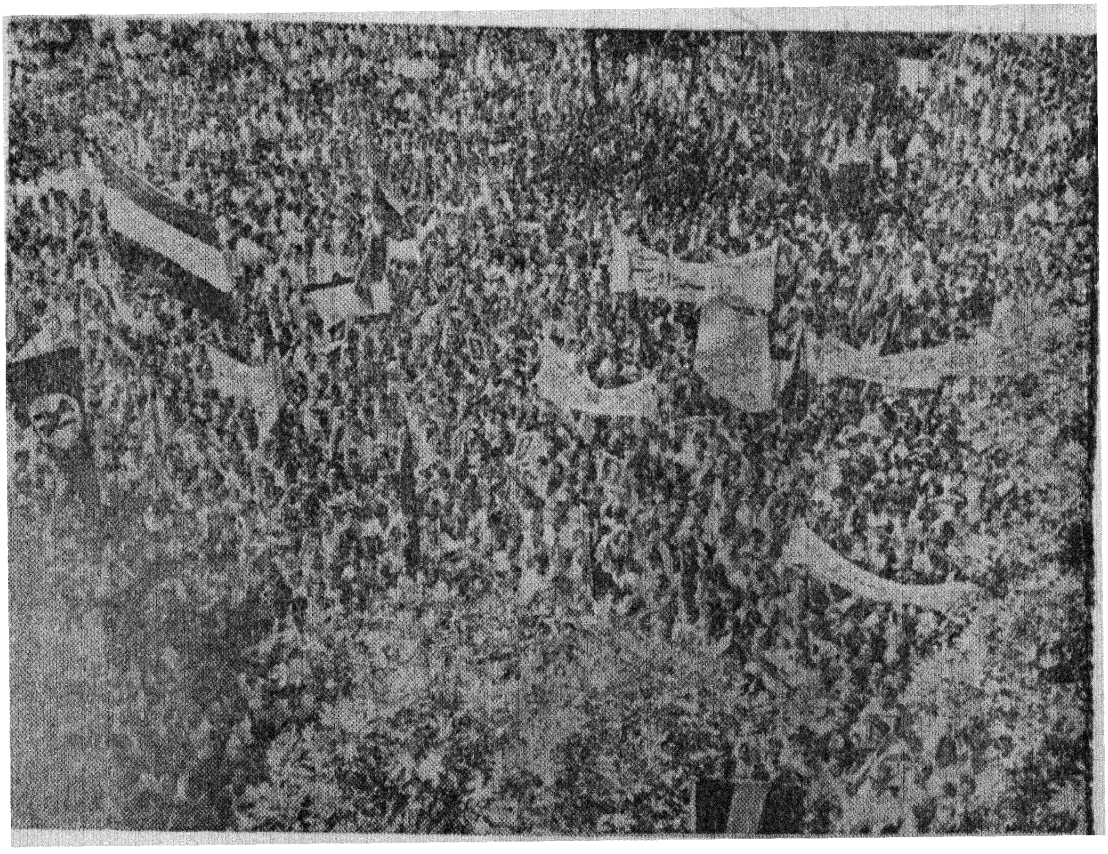

توده ایها مشغول متینگ برعلیه قوام السلطنه هستند

درآبادان واهواز نیزکارگران مؤسسات نفت علیه دولت جدید تظاهراتی کردند ودراین اثناء نمایندگان جبهه ملی مردم پایتخت را برای دادن میتینگ در روز دوشنبه ۳۰ تیر دعوت نمودند ضمناً این روز را تعطیل عمومی اعلام کردند. قیافه پایتخت ازبامداد روز ۳۰ تیر بکلی تغییر یافت ، ودر کلیه خیابانهای مرکزی شهر زد و خورد های شدیدی بین تظاهرکنندگان مخصوصاً تودهٔ ها و مامورین

انتظامی رویداد وصدای شلیك گلوله از ساعت ۸ بامداد تا دو ساعت بعد ازظهر بلا انقطاع بگوش میرسید . سر انجام شدت تشنج اوضاع موجب گردید که ساعت پنج بعد ازظهر قوام السلطنه استعفاء داد .

درحوادث ۳۰تیر نقش‌اساسی راافراد حزب‌توده بعهده داشتند که هر دم آتش انقلاب رابیشتردامن‌میزدند .



سرلشگر گرزن

پس‌از استعفاء قوام دکترمصدق مجدداً مأمور تشکیل کابینه گردید ،وچون جمعی‌از فرماندهان ورؤسای قسمتهای انتظامی‌مانند سرلشگر کوپال رئیس‌شهربانی وسرلشگر علوی‌مقدم فرماندار نظامی سرلشگر گرزن رئیس ستادارتش مورداتهام‌قرار گرفته بودند ازکاربرکنارشدند ،وحال‌آنکه این‌اشخاص جزانجام وظیفه وجلوگیری ازانقلاب‌وغارت شهر وقتل زنان ومردان وکودکان بیگناه هیچگونه گناهی نداشتند .



سرلشگرعلوی مقدم



سرلشگر کوپال

رأی دیوان لاهه

روز سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۳۱ دادگاه لاهه رأی خودرا صادر کرد و اعلام داشت که صلاحیت رسیدگی بشکایت انگلیس و اختلاف دو کشور را ندارد .

جریان دادگاه لاهه که به پیروزی ملت ایران و شکست انگلستان تمام شد غوغای بزرگی درمحافل داخلی وخارجی برپا کرد وموجب گردید که تظاهرات زیادی در تهران و شهرستانها بعمل آمد .

روز ۲ مرداد دکتر مصدق به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شد ومدت سه ساعت مشغول مذاکره بود . دراین مذاکرات بار دیگر دکتر مصدق ازاختیارات بیشتری برای اداره امور مملکت سخن گفت و تقاضا کرد که پست وزارت جنگ نیز باو واگذار شود .

اعلیحضرت همایونی برای آنکه این امر موجب اختلاف و تشنج دیگری نشود باتقاضای او موافقت کرد ودر نتیجه روز ۴ مرداد دکتر مصدق کابینه خود را به پیشگاه شاه معرفی کرد .

مقارن این احوال قهرمانان ایرانی که در مسابقات المپیاد فنلاند شرکت کرده بودند به پیروزیهای بزرگی نائل آمدند . ازجمله تیمهای کشتی ووزنه برداری موفقیتهای درخشانی بدست آوردند که موجب تمجید جهانیان گردید .

اختیارات شش ماهه

روز یکشنبه ۱۲ مرداد ، مجلس شورای ملی که ظاهراً قوام السلطنه را مسبب حوادث ۳۰ تیر شناخته بود رأی بضبط اموال قوام داد وموافقت کرد که وی تحت تعقیب قرار گرفته ومحاکمه شود .

درجلسه روز ۲۰ مرداد نیز مجلس با اعطاء اختیارات شش ماهه بدکتر مصدق موافقت کرد وبدین ترتیب وی دارای چنان قدرتی شد که تا آنوقت هیچ دولتی موفق بکسب اینهمه امتیاز نائل نشده بود ، وباینجهت هم انتظار داشتند که وی بتواند علاوه برحل مسئله نفت قدمهای بلندی درراه اصلاح مملکت بردارد . ولی متأسفانه بطوریکه بعداً شرح خواهیم داد اشتباهاتی که دکتر مصدق درادارهٔ امور مملکت

مرتکب شد ، مخصوصاً عملیات اطرافیان بدو مشکوك وی را براهی کشاند که نزدیك بود استقلال وآزادی ایران بیکباره محو ونابود گردد ، و ایران نیز در شمار یکی ازجمهوریهای پشت پرده آهنین قرار گیرد .

این باغ خانه شماست

روز سه شنبه ۲۱ خرداد ، اعلیحضرت همایونی بدنبال تقسیم املاك سلطنتی بکشاورزان ودهاقین ، اسناد مالکیت ۱۱ قریه دیگر ازدهات ورامین را بین روستائیان آن سامان تقسیم کردند .

دراین روز کشاورزان که بکاخ سلطنتی سعدآباد رفته بودند ، مورد تفقد و عنایت فوق العاده شاهنشاه قرار گرفتند بطوریکه اشك شوق از چشمان همه آنها جاری شد . شاهنشاه پس از تقسیم اسناد مالکیت بین روستائیان با مهربانی خاصی بآنان گفت (این باغ هم خانه شماست)

تفقد وعنایات شاهانه چنان در روستائیان اثر کرد که جمعی بدست و پای شاه افتادند و بدان بوسه زدند و آمادگی خود را برای هر گونه فداکاری اعلام داشتند و بدین ترتیب اعلیحضرت روز بروز محبوبیت بیشتری در بین مردم کسب کرده و توانستند قلوب افراد ملت خود را تسخیر نمایند .

روز ۲۲ مرداد نیز اسناد مالکیت هفتصد کشاورز دیگر از قراء ورامین بین آنان تقسیم گردید .

بازنشسته کردن افسران

دراینموقع دکتر مصدق که علاوه برنخست وزیری مقام وزارت دفاع ملی را نیز عهده دار بود ، براثر عدم آشنائی بوضع ارتش و گزارشهای خلاف واقع مغرضین دست بیك سلسله عملیاتی زد که موجب متلاشی شدن ارتش گردید . از جمله روز اول شهریور ماه یك سپهبد و چهار سرلشگر و ده سرتیپ را که سالیان دراز تجربه اندوخته ، ودر میدانهای جنگ فداکاریها کرده ، ومبالغ گزافی از بودجه مملکت صرف تربیت آنها شده بود تا در چنین روزی بوطن خود خدمت کنند ، از کار بر کنار و بازنشسته کرد .

این امر انعکاس نامطلوبی در محافل مختلف مخصوصاً درمیان افسران ارتش بخشید، بطوریکه یك عدم رضایت عمومی در بین آنان نسبت باین جریانات پدیدار گردید بطوریکه روز بروز از محبوبیت دکتر مصدق در بین افسران کاسته میشد.

پیام مشترك ترومن و چرچیل

مقارن این احوال (آلتون جونز) رئیس کمپانی نفت (سیتیز سرویس) امریکا برای معامله نفت با ایران و بازدید تأسیسات نفت این کشور بایران آمد و مشغول فعالیت شد، ولی فعالیتهای او بدون آنکه هیچگونه نتیجه مثبتی را ببار آورد خاتمه یافت و وی بامریکا مراجعت کرد



مستر جونز

روز شنبه ۸ شهریور ۱۳۳۱، پیام مشترکی از طرف ترومن رئیس جمهوری امریکا و چرچیل نخست وزیر انگلستان برای دولت ایران رسید. نخست وزیر به حضور شاهنشاه رفت و مدتی در پیرامون پیام مشترك توضیحاتی داد و سپس کمیسیونی برای رسیدگی باین پیشنهاد تشکیل گردید، و چون چنین تشخیص داده شد که انگلیس و امریکا با این پیشنهاد درصدد احیای قرارداد ۱۹۳۳ و تجدید فعالیت شرکت سابق در ایران هستند از این رو پیشنهاد فوق از طرف دولت ایران رد گردید

چون ازاین امرهم نتیجه‌ئی حاصل نشد، دولت ایران درصدد برآمد برای بهبود وضع اقتصادیات خود که روز بروز وخیم‌تر میشد، از دکتر شاخت عالم اقتصادی معروف آلمان استفاده کند، ازاین رو طبق دعوتیکه ازوی بعمل آمد دکتر شاخت

روز۱۸ شهریور بایران آمد وپس‌ازآنکه نظریات خود را بدولت تسلیم کرد روز ۲۳ شهریورماه خاك ایران‌را ترك گفت .

تهدید بقطع رابطه سیاسی

پس‌ازآن دولت‌ایران برای آنکه مذاکرات نفت‌را مسدود نکرده باشد پیشنهادهای متقابلی‌درجواب پیام‌مشترك چرچیل وترومن تهیه کرد وروز ۲۰ شهریور تسلیم‌انگلیس وامریکانمود .

دراین پیشنهاد باین‌نکته اشاره شده‌بود که اگردولت انگلیس به فشارها وتضیقات خود ادامه‌داده وایران راهمچنان درمحاصره اقتصادی نگهدارد ومانع فروش نفت‌این کشورشود ، دولت‌ایران ناچاربا انگلستان قطع رابطه سیاسی خواهد کرد

موضوع قطع رابطه سیاسی‌باانگلستان درلندن وواشنگتن، همچنین‌در سایر کشورها انعکاس عمیقی بخشید ودولت‌امریکاراوادار کرد که‌برای‌جلوگیری ازوقوع این‌حادثه بتلاش افتد ، تامبادا خللی درارکان جبهه دفاعی‌خاورمیانه رویدهد ومشکلاتی ازاین حیث برای بلوك غربی‌ایجادشود .

ازاین پس‌یادداشتهای متعددی بین‌ایران ازیکطرف و انگلیس و امریکا ازطرف دیگرمبادله‌شد که‌درآن‌هریك‌ازطرفین درباره‌پیشنهادهای‌خود توضیحاتی دادند، ولی‌هیچیك ازآنها نظر طرف مقابل را نپذیرفت وبا آنکه دولت ایران پیشنهادنمود که شرکت‌سابق نمایندگان‌تام‌الاختیار خودرا برای‌تجدیدمذاکره بایران اعزام‌دارد ، معهذا این‌پیشنهاد هم‌موردموافقت دولت‌انگلیس قرارنگرفت.

شایعه کودتا

حادثه غیر منتظره‌ئی که دراین‌هنگام‌رویداد موضوع‌دستگیری سرلشگر حجازی وچندنفردیگر باتهام شرکت‌دریك‌نقشه کودتابود .

طبق اعلامیه‌ئی که دولت‌روز۲۱ مهرماه منتشر کرد، متذکرشد که‌سرلشگر حجازی وچندنفردیگر بمعیت‌سرلشگر زاهدی‌بنفع‌یك سفارتخانه‌خارجی فعالیت

نموده ودرصدد کودتا بوده‌اند ازاین‌رو سرلشگرحجازی و سایر افراد بازداشت شدند ولی سرلشگر زاهدی چون سناتور بوده از مصونیت سیاسی استفاده میکرد نتوانستند وی را بازداشت نمایند .

روز بعد سرلشگر زاهدی که درآغاز نخست‌وزیری دکترمصدق در نخستین کابینه او وزیر کشور بود اعلامیه‌ئی درردا تهامات دولت منتشر کرد و مطالبی درهمین باب در مجلس سنا ایراد کرد که انعکاس فوق‌العاده‌ئی در کلیه محافل بخشید .

سرلشگر زاهدی ضمن اظهارات خود درجلسه روز ۲۳ مهرمجلس سنا بخدمات خود دردورهٔ ریاست شهربانی اشاره کردوتوضیح داد که چگونه درمحیط نامساعد توانست آزادی انتخابات راتأمین کندودکترمصدق ویارانش را در انتخابات دوره شانزدهم بمجلس شورای ملی بفرستد .

سپس دردورهٔ نخست وزیری رزم آرا تاپای‌جان ازجبهه ملی تقویت کند ودر دورهٔ وزارت کشورخود برای تأمین استقلال و حاکمیت ایران وقطع نفوذ بیگانگان فداکاری نماید ، تاخلع یداز شرکت سابق بدون‌وقوع هیچگونه عواقب وخیم انجام‌یابد . سرلشگر زاهدی سپس متذکرشد که براثراختلاف نظری که باد کترمصدق دراداره امور کشوروتامین امنیت عمومی پیدا کرده‌بود از عضویت کابینه استعفاداد .



سرلشگر حجازی

سپس بخدمات گذشته خوداز چهل سال پیش ببعد اشاره کردوازجنگهائی، که‌درآذربایجان علیه‌سمیتقو، ودرترکمن‌صحراعلیه ترکمانان ودرخوزستان‌علیه خزعل سلطان بی‌تاج‌وتخت آنسامان کرده‌بود، وهمچنین به‌سه‌سال اسارت خود درچنگ انگلیس‌ها دردوران‌جنگ بین‌المللی‌دوم یاد نمود و متذکر شد پس از اینهمه‌فداکاریها، اکنون دکترمصدق چون‌خودرا دراداره‌مملکت عاجز می‌بیند، وازطرفی کاندیدای نخست‌وزیری هستم، میخواهد باتهام‌فعالیت‌بنفع بیگانگان وشرکت‌درکودتا مرا ازمیدان‌مبارزه‌وصحنه‌سیاست‌خارج‌سازد.

این‌اظهارات لطمهٔ دیگری‌بود که‌بمحبوبیت‌و وجاهت دکترمصدق‌واردساخت، واین‌نکته‌را آشکارنمود که‌روزبروزازشماره‌طرفداران‌و یاران‌مصدق کم‌میگردد.

قطع رابطه سیاسی با انگلیس

روز ٢٤مهرماه دکترمصدق ضمن گزارشی که برای‌تقدیم بمجلس‌شورایملی تهیه کرد، ولی‌بعلت‌عدم تشکیل‌مجلس‌آنرا بوسیله‌رادیومنتشرساخت، قطع‌رابطه سیاسی‌باانگلستان‌را اعلام نمود، وضمناً ازملت‌ایران دعوت کرد که بیش‌ازپیش مراقب اوضاع باشند. وقتی این خبر در محافل بین المللی منتشر گردید سرو صدای‌زیادی ایجادنمودوباردیگرحوادث ایران‌موردتوجه جهانیان‌قرار گرفت. در اینموقع‌دولت‌ایران‌ازدولت‌سوئدخواستارشد که‌حافظ‌منافع‌ایران درانگلستان شود، ودولت‌بریتانیانیزازدولت‌سویس‌خواست که منافع‌آنکشوررادرایران‌حفظ کند، وبدین‌ترتیب‌روابط‌سیاسی‌ایران‌وانگلیس پس‌از٩٣سال بکلی قطع گردید.

کنگره پزشکی ایران

مقارن این‌احوال اقدامی که تاکنون درایران سابقه نداشت برای تامین بهداشت عمومی کشور بعمل‌آمد این‌اقدام‌تشکیل کنگره پزشکی در رامسر بود که‌باشرکت ١٥٠پزشک عالیمقام انجام یافت ونخستین جلسه‌آن بوسیله‌علیا- حضرت ملکه‌ثریا افتتاح شد.

کنگره‌پزشکی ایران فقط دو روزبطول انجامید، وپزشکان واستادان عالیمقام تصمیم گرفتندبرای‌مذاکره در اطراف‌مطالعات‌وتجربیات‌پزشکی وتأمین

بهداشت کشور هرچند گاه یکبار دورهم جمع شوند ودراینباره باهم تبادل نظر نمایند.

انحلال موقت مجلس سنا

روزاول آبان نمایندگان مجلس شورایملی ماده واحده‌ئی تصویب کردند

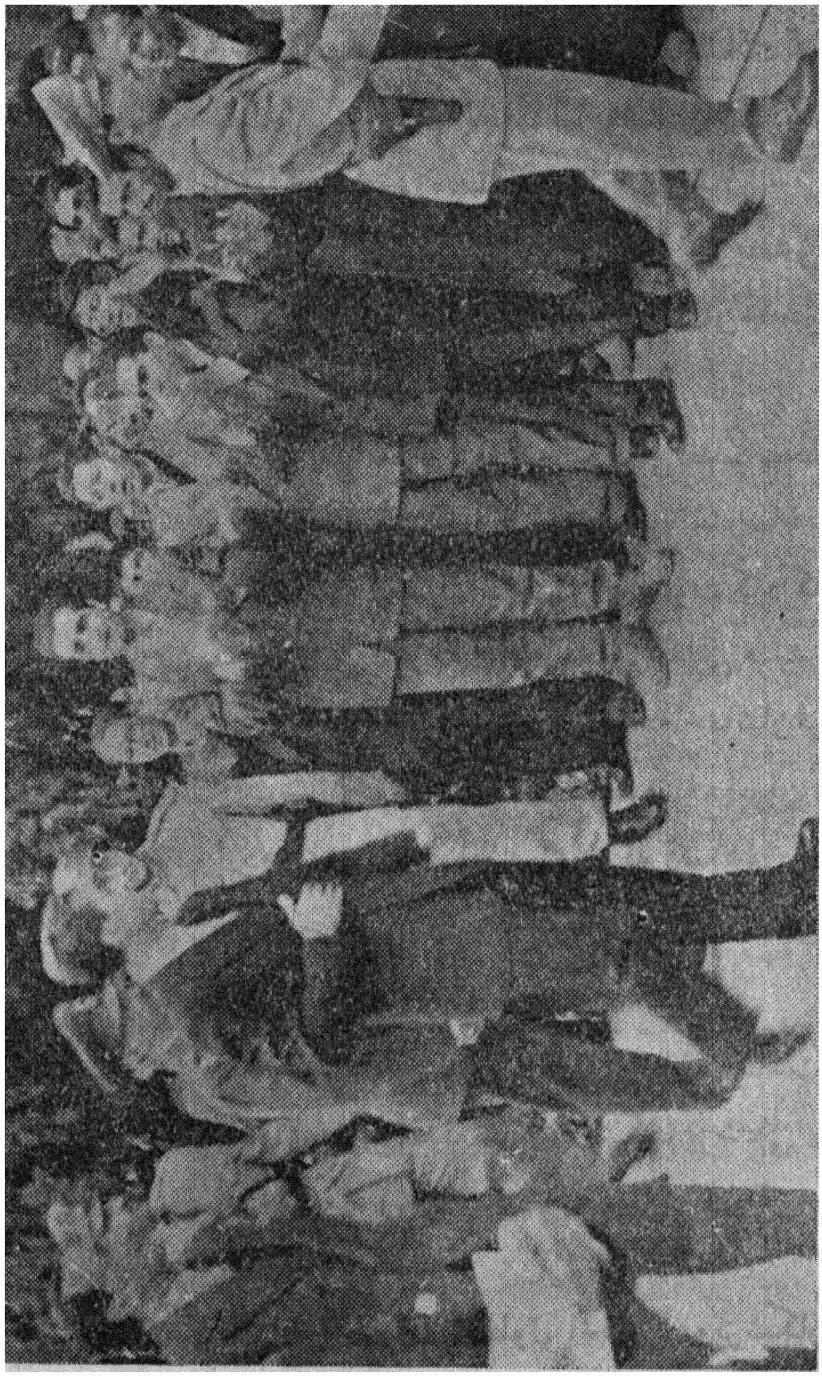

زارعین در موقع دریافت اسناد مالکیت خود ازدست شاهنشاه ابراز احساسات نموده و بدینوسیله از مراحم پدر تاجدار خود اظهار قدردانی میکنند

که‌طبق‌آن دورهٔ نمایندگی مجلس‌سنا ازشش‌سال بدوسال تقلیل یافت، و بدنبال آن‌درهای مجلس بروی عموم سنانورها بسته شده دولت نیز که منتظر یکچنین اقدامی بود تابمخالفت عده‌ئی از سناتورها خاتمه‌دهدوسایل اینکار رافراهم‌نمودوبدین‌ترتیب بفعالیت مجلس‌سناموقتاً خاتمه‌داده شد.



گوت

روز۳ آبانماه باردیگر اسناد مالکیت ۱۰۷ قطعه زمین‌ازاراضی رودهن ومحمدآباد کرج توسط شاهنشاه بین کشاورزان این دو ناحیه تقسیم گردید.

مقارن‌این‌احوال چون‌اوضاع اقتصادی کشور روز بروز بیشتر روبوخامت‌مینهادازاینرو بنابدعوت دولت ایران (کامیل گوت) کار شناس مشهورا قتصادی باتفاق دو تن‌ازهمکاران خودبرای‌سروصورت دادن باوضاع اقتصادی ایران وارد تهران گردید.

مسافرت بخوزستان

ازحوادث مهم آذر ماه ۱۳۳۱ مسافرت اعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه بخوزستان‌بود که باردیگر محبوبیت شاهنشاه را بین عموم طبقات کشور و ساکنین شهرستانهای‌ایران نشانداد.

روزه آذرماه اعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه باعده‌ای‌از وزیران برای بازدیدشهرهای خوزستان ومخصوصاً مناطق‌نفت‌خیز باقطار سلطنتی‌بطرف جنوب عزیمت کردند.

دربین‌راه ساکنین دهات‌وقراء وقصبات‌وهمچنین اهالی‌شهرستانها با وضع

بیسابقه‌ئی ازشاه وملکه استقبال کردند .در آبادان و خرمشهر و اهواز کارگران مناطق نفت‌خیز باچنان گرمی بیسابقه‌ئی از شاهنشاه استقبال نمودند که‌تا آنوقت نظیرآن مشاهده نشده بود.

مسافرت شاه‌وملکه مدت‌هفت‌روز بطول انجامید و روز ۱۲ آذرماه بتهران مراجعت کردند.

درخلال این احوال اختلافاتی که بین‌دولت وعده‌ئی‌ازنمایندگان‌مجلس رویداده بود روزبروز شدت‌می‌یافت ، بعلاوه‌دودستگی تازه‌ئی نیز بین‌اعضاء‌جبهه ملی پدیدار گردید.

اختیارات یکساله

دریك چنین اوضاع نامساعدی بود که دکترمصدق طی‌نامه‌ئی که بمجلس شورایملی‌نوشت‌و توسط وزیردارائی کابینه‌قرائت گردید،ازمجلس‌تقاضای‌یکساله اختیارات کرد .

اینموضوع موجب‌شد که‌مکی دبیروعضوفعال جبهه‌ملی‌ازنمایندگی‌مجلس استعفا دادوجمعی‌دیگرازاعضاء جبهه‌ملی‌ونمایندگان‌مبرزمجلس‌مانندحائری‌زاده ودکتربقائی شدیداً باآن مخالفت کردند و حتی آیت‌الله کاشانی رئیس مجلس شورایملی‌نیز طی‌نامه‌ئی که‌بمجلس نوشت‌اختیارات‌رامخالف‌قانون‌اساسی‌دانست واعطاءآنرابدولت شدیداً منع کرد .

بااینحال براثرزمینه سازیهائی که طرفداران دولت‌درمجلس‌نمودند،واعطاء اختیارات را برای‌حل‌مسئله نفت‌لازم شمردند،ودرجلسه‌روز۲۹دیماه‌مجلس،لایحه اختیارات یکساله‌را تصویب کرد،تصویب‌اختیارات‌یکساله‌شکافی‌را که‌بین‌دولت ومجلس‌ایجادشده‌بود بیشتر کرد وروز بروز بردامنه‌اختلافات افزود و چون ادامه این وضع بحال مملکت زیانبخش بود، ازاین رو بر اثر میانجیگری عده‌ئی از نمایندگان وملاقاتهای پی‌درپی ،سرانجام روز۷ بهمن‌ماه‌رئیس‌دولت‌ورئیس‌مجلس که‌مدتها ازملاقات باهم‌امتناع‌داشتند بایکدیگر ملاقات کردندوسپس‌اعلامیه‌ئی

منتشر ساخته وطی آن متذکر شدند که اختلافات رفع شده است ولی بر خلاف مفاد اعلامیه ریشهٔ اختلافات همچنان باقی بود، وچنانکه خواهیم دید پس از چندی بار دیگر بنهایت شدت رسید.

بطوریکه سابقاً گفتیم پس از آنکه کشتی نفتکش روزماری ،درساحل عدن توقیف شد تا مدتی دیگر هیچیك از کشتیهای نفتکش موفق نشدند برای حمل نفت ایران بکرانه‌های آبادان بیایند، ولی بالاخره یکی ازنفتکش های شرکت (سوپر) ایتالیا بنام (میریلا) باین وضع خاتمه داد وخود را بساحل ایران رساند وپس ازبارگیری نفت، روز ۳۰ دیماه ساحل آبادان را ترك گفت .

خاتمه قرارداد شیلات

مقارن این احوال چون مدت امتیازشیلات خاتمه مییافت، روز۷ بهمن ماه سادچیکف سفیر کبیر شوروی نامه‌ئی از طرف دولت متبوع خود بدولت ایران تسلیم کردوضمن آن درخواست نمود که یا قرارداد شیلات برای مدتی دیگر تجدید شود ویا انحصارفروش محصول شیلات برای مدت ده سال بشوروی داده شود.

این پیشنهـاد درجلسه سری مجلس شورایملی که روز ۹ بهمن ماه تشکیل گردید رد شد ودر نتیجه عصرهمانروزدولت ایران طی نامه‌ئی که درپاسخ پیشنهاد شوروی تنظیم نمود متذکر شد که چون قرارداد ۱۹۲۷ شیلات خاتمه یافته است ازاین رو درصورتیکه دولت شوروی پیشنهادی راجع بخرید محصولات شیلات دارد پیشنهاد مزبوربمجلس فرستاده خواهد شد .

بدین ترتیب دولت ایران عدم موافقت خود را باتجدید قرارداد، وهمچنین فروش انحصاری شیلات بشوروی اعلام داشت و روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ مدت امتیازشیلات شمال بکلی پایان یافت، واداره امورشیلات بدست مأمورین ایرانی افتاد .

زلزله طرود

روز ۲۳ بهمن ماه خبر وحشت انگیزی راجع بوقوع زلزله هولناکی در

قریه(طرود) وچندین دهکده‌ازقراء شاهرود رسید که موجب بهت وحیرت‌وتاثر عموم گردید .

این‌خبرحاکی بود که‌براثرزلزله شدیدی که دراین نواحی رویداده کلیه خانه های دهاقین‌وروستائیان ویران گردیده‌و گروه انبوهی ازساکنین این‌نقاط تلف شده‌اند .

سه روز بعد یعنی روز۲٦ بهمن ماه اعلیحضرت همایونی با هواپیما برای بازدید مناطق زلزله زده به طرود عزیمت کردند ومعلوم شد که دراین قریه‌حتی یك خانه سالم باقی نمانده است ومجموع تلفات در این دهکده وقراء اطراف بیش ازپانصد نفراست اعلیحضرت همایونی برای کمك بزلزله‌زدگان وتهیه جا و مسکن ونگهداری ازاطفال بیخانمان که پدران ومادران خود را براثرزلزله از دست داده بودند،دستورهای اکید دادندو سپس بتهران مراجعت کردند .

وقایع بختیاری

یکی ازحوادث‌مهمی که درزمستان سال ۱۳۳۱ رویداد ومورد توجه عموم گردید زد وخورد در کوههای بختیاری بین عده‌ئی ازافراد ایل بختیاری بریاست (ابوالقاسم بختیار) وجمعی‌ازنظامیان بود که منجربکشته شدن گروهی ازافراد طرفین گردید .

ابوالقاسم بختیار که از مأمورین دولت شکایتهائی داشت هنگامیکه با افراد مسلح خود بطرف املاك موروثی خویش میرفت با عده‌ئی ازافراد نظامی برخورد کردودرنتیجه زدوخوردی بین‌آنان وقوع یافت که منجربکشته شدن یك افسروهشت سرباز گردید .

پس‌ازآن نیز زدو خورد های دیگری بین طرفین رویداد که موجب عقب نشینی‌افراد ابوالقاسم‌شد. ولی‌چون هوای سرد زمستان و کوههای پربرف‌ومناطق صعب‌العبورمانع عملیات نظامی گردید، باینجهت حوادث بختیاری تامدت‌مدیدی بطول انجامید، وباآنکه هیئتی‌ازتهران برای ختم غائله‌بختیاری بآنسامان‌عزیمت

کردند چون بین طرفین توافق نشد، ازاین روچهارستون نظامی ازچهار طرف



افراد مسلح ابـوالقاسم را محـاصره کردند و سرانجام براثروخامت اوضاع افرادابوالقاسم بختیاری یك‌یك تسلیم گردیدند وخود اونیز حاضربه تسلیم شد واورا برای محاکمه بتهران آوردند وپس ازچندماه که رسیدگی باین امر بطول انجامید سرانجام وی به سه ماه حبس محکوم گردید .

روز ۲۵ بهمن مـاه نفتکش میریلا در حالیکه حلقه محاصره انگلستان را شکسته بود به بندرونیزرسید، ودرمیان هلهله شادی وشوروشعف اهالی وایرانیان محل درساحل بندرلنگرانداخت .

فرمانده ستون اعزامی ومأمور دستگیری سران غائله بختیاری

بلافاصله از طرف نمایندگان شرکت سابق بدادگاه و نیز شکایت شد و تقاضای توقیف محموله نفتکش میریلارانمودند. دادگاه ونیز برای رسیدگی باین دعوا مشغول رسیدگی شد وطرفین دعوا نیزخود را برای روزمحاکمه آماده کردند .

مقدمات حادثه ۹ اسفند

دراین هنگام علاوه برتیرگی روابط دولت ومجلس، بین دولت و دربار نیز اختلافاتی پدیدار گردید که دامنه آن روز بروز وسعت می‌یافت . اینموضوع موجب شد که دکترمصدق روزه اسفند ماه به‌پیشگاه اعلیحضرت باریافت ومدت چهارساعت درحضورشاهنشاه مطالب خود را بیان نمود و ازکارشکنی عده‌ئی از افراد که چگونگی عملیات آنها برهیچکس معلوم‌نبود شکایتهائی کرد.

یکروز بعدیعنی روز۶ اسفند دولت که‌هرآن منتظر فرصت بود، سرلشکرزاهدی

را که پس از انحلال مجلس سنا دیگر از مصونیت بر خوردار نبود ، باتهام طرح نقشه کودتا دستگیر و زندانی ساخت .

سه روز بعد یعنی بامداد روز شنبه ۹ اسفند ماه ناگهان خبری در تهران شایع شد که موجب بهت وحیرت عموم گردید. این خبر حاکی بود که اعلیحضرت همایونی بساتفاق علیا حضرت ملکه بدون مقدمه تصمیم بمسافرت بخارج کشور گرفته اند ....

حوادث ۹ اسفند

نیمه شب روز ۸ اسفند در کانون افسران بازنشسته ، جوش و خروش فوق-العاده ئی برپا بود .

زیرا طبق اطلاعی که بافسران مزبور رسیده بود ، شاهنشاه تصمیم داشت باتفاق ملکه برای مدتی خاك ایران را ترك نموده ، و بخارج کشور مسافرت نماید. افسران بازنشسته تصمیم گرفتند با کمك مردم شاهدوست و وطن پرست بهر قیمت شده ازخروج شاهنشاه جلوگیری بعمل آورند.

ازاین رو بلمداد روز بعد ، افسران مزبور شروع بفعالیت نموده ودرحالیکه بچند دسته تقسیم شده بودند ،ماجرای تصمیم ناگهانی شاه را دائر بمسافرت بخارج کشور ،باطلاع نمایندگان مجلس شورای ملی، بازرگان و اصناف ،آیت الله کاشانی رئیس مجلس ، آیت الله بهبهانی ،احزاب شاهدوست رساندند .

ساعت ۱۱ بامداد روز ۹ اسفند دسته های متعددی ازبازار ونقاط مختلف شهر درحالیکه شعارهائی برله شاه میدادند ، درخیابانها براه افتاده وبسوی کاخ سلطنتی عزیمت کردند آیت الله بهبهانی وعده ئی از نمایندگان مجلس وجمع کثیری ازافراد ارتش نیز بکاخ اختصاصی رفتند تا شاهنشاه را از مسافرت بازدارند .آیت الله کاشانی نیز ضمن نامه ئی که بحضور شاهنشاه تقدیم کرد تقاضا نمود که اعلیحضرت در اینموقع حساس ازمسافرت منصرف شوند

شاه ازمسافرت منصرف گردید

ولی اعلیحضرت همایونی در تصمیم خود راسخ بود . با اینحال مقارن ساعت

سه بعدازظهر جمعیت در پیرامون کاخ سلطنتی اجتماع نمودند و چنان تظاهرات پرشوری کردند که اعلیحضرت نتوانستند تصمیم‌خودرا بمورداجرا بگذارند ، و سرانجام براثر پافشاری و اصرار بیسابقهٔ مردم وابراز احساسات آنان اعلیحضرت بوسیله میکروفونی که درداخل کاخ سلطنتی بود خطاب بمردم اعلام‌داشتند که ازمسافرت بخارج کشورچشم پوشیده اند .



شاه با فرستادن پیام مخصوص انصراف‌خود را ازمسافرت اعلام نمود

بشنیدن این‌خبر فریادهای شور انگیز جمعیت بآسمان بلند شد وفریاد «زنده باد شاه» درفضای‌خیابانهای کاخ و پهلوی‌وسپه وپاستور وحشمت‌الدوله طنین انداز گردید .

حمله بخانه دکتر مصدق

دراینموقع جمعیتی که دربرابر کاخ سلطنتی ازدحام کرده بودند، بطرف

خانه دکتر مصدق براه افتادند ، وچون وی را مسبب تصمیم عزیمت اعلیحضرت به خارج کشور میدانستند شروع بتظاهرات شدیدی علیه او کردند.

ازدحام مردم درنزدیکی خانه نخست وزیر لحظه بلحظه بیشتر میشد ، دراین اثنا رئیس شهربانی و فرماندار نظامی تهران بجای آنکه مردم عصبانی را باملاطفت آرام کنند ، باسلحه متوسل شده و باشلیك گلوله بآنها پاسخ دادند .

اینموضوع موجب خشم وعصبانیت بیشتر مردم گردید بطوریکه بار دیگر بسوی خانه دکتر مصدق حمله ور شدند و باوجود خطر عظیمی که آنها را تهدید میکرد بخانه شماره ۱۰۹ حمله ور گردیده و بایك اتومبیل جیپ در آهن خانه نخست وزیر را ازبن کندند و شیشه ها و پنجره های آن را شکستند .

دراین گیرودار براثر شلیك سربازان و محافظین خانه نخست وزیر چند تن از مردم بیگناه کشته وزخمی شدند و چون وضع هر لحظه بیشتر رو بوخامت مینهاد و جان دکتر مصدق جداً در معرض خطر بود ، بناچار بوسیله نردبان خانه خود را ترك گفت و با پیژاما بستادارتش رفت . و پس از آن از آنجا بمجلس شورای ملی رفت و ضمن بیان توضیحاتی در اطراف مسافرت شاهنشاه اظهار داشت که «من نه نخست وزیر مردم هستم نه نخست وزیر مجلس»

این بیان موجب خشم و غضب نمایندگان شد ، ازجمله حائری زاده در حالیکه دکتر مصدق را «نخست وزیر یاغی» لقب داده بود گفت «شما که خود را نخست وزیر مجلس نمیدانید پس چرا از ترس مردم بمجلس پناه آورده اید»

گزارش هیئت هشت نفری

پس از خاتمه حوادث ۹ اسفند مأمورین دولت ۲۲ نفر از امراء و افسران ارشد ارتش و رجال را بازداشت کردند ، و بدینطریق بار دیگر زمینه را برای حکومت مطلقه فراهم ساختند.

روز ۱۴ اسفند خبر رسید که استالین پیشوای شوروی پس از یك سکته چند روزه درگذشت و (گئورگی مالنکف) بجای او نخست وزیر شوروی شده است این خبر در محافل داخلی مورد توجه فوق العاده قرار گرفت ، زیرا بروز

یك‌چنین حادثه وتغییرمهمی در کشور همسایه شمالی بدون شك‌در سیاست‌خارجی ایران تأثیرزیادی داشت. در خلال این احوال تیرگی روابط دولت و دربار همچنان باقی‌بود وچون‌دولت میخواست دست دربار رابکلی از سیاست مملکت کوتاه سازد ، بوسیله‌طرفداران‌خود کوشید که‌اختیارات بیشتری بدست‌آورد و نقشه خویش‌را جامه‌عمل پوشاند.

درنتیجه یك‌هیئت هشت‌نفری ازنمایندگان مجلس شورایملی تعیین شدند که برای‌التیام روابط دولت‌ودربار شروع باقدامات نمایند .هیئت مزبور پس از آنکه‌باشاهنشاه‌ونخست‌وزیر ملاقاتهائی کردند، گزارشی‌تهیه‌نمودند که‌بگزارش هیئت‌هشت‌نفری معروف‌شد

دراین گزارش باستناداین ماده ازقانون‌اساسی که‌مقام سلطنت‌ازمسئولیت مبراست اختیارات مقام سلطنت را درامورسیاسی مملکتی‌محدودساختندودکتر مصدق‌هم باستنادهمین گزارش درصددبرآمد که‌فرماندهی کل قوارا ازشاهنشاه سلب‌نموده و اینمقام‌را خود بعهده گیرد تابدینوسیله ارتش را که همواره آمادهٔ فداکاری وجانبازی درراه شاه‌بود، درزیر سیطره ونفوذخود در آورد.

رأی‌دادگاه و نیز

روز ۲۰اسفندماه ۱۳۳۱ دادگاه‌ونیز شکایت شرکت سابق را علیه ایران رد کرد وبنفع‌ایران‌رأی داد. این‌خبر که پیروزی بزرگ‌دیگری برای‌ملت‌ایران بودموجب‌سروصدای تازه‌ای‌شد ودولت که هردم مترصد یکچنین حوادثی‌بود تا ازآن استفاده نماید، شروع بیك‌سلسله تبلیغات دامنه‌دار بنفع خویش کرد.

روز۲۶اسفندماه نیز سرلشگرزاهدی که‌قبل‌ازوقایع ۹اسفندماه بازداشت شده‌بودآزادگردید.

شدت اختلافات دولت ودربار

اختلافات‌دولت‌ودربار درآغازسال ۱۳۳۲ باردیگر روبشدت‌نهادبطوریکه سخنگوی دولت درمصاحبه‌ئی که باخبرنگاران داخلی وخارجی نمود مطالبی

علیه دربار اظهارداشت .وزیر دربار نیز درمصاحبه ایکه خبرنگاران خارجی روز ۱۹ فروردین ماه بااو کردند توضیحاتی دادومطالب خلاف واقعی را که سخنگوی دولت درباره علت اختلافات ذکر کرده بود رسماً تکذیب نمود. اینموضوع باردیگر جنجال بزرگی برپاساخت ،ودولت راوادارنمود که بحملات تازه ئی علیه دربار بپردازد

ادامه این مناقشات موجب گردید که دولت باوجود وخامت اوضاع اقتصادی نتواند کوچکترین قدمی درراه رفاه وآسایش مردم بردارد ، بعلاوه موجب شد که افراد حزب منحله توده وستون پنجم اجنبی که هرآن مترصد چنین فرصتی بودند بانهایت گستاخی بمقدسات ملی توهین نموده ، ودست بعملیاتی زدند که قدم بقدم ایران را بسراشیب سقوط نزدیك میساخت وعموم افراد وطن پرست را نسبت باین اوضاع تأثرانگیز خشمگین مینمود.

شکایت بدادگاه توکیو

روزجمعه ۲۱ فروردین اولین نفتکش ژاپنی بنام (نیسیومارو) از طرف شرکت (ایده میستو) ژاپن درآبادان لنگر انداخت و پس از بارگیری نفت بطرف ژاپن حرکت کرد .

هنوز نفتکش مزبور بآبهای ژاپن نرسیده بود که نماینده شرکت سابق ، همانگونه که ازشرکت ایتالیائی (سوپور) ونفتکش (میریلا) بدادگاه ونیز شکایت کرده بودهمانطورهم ازشرکت (ایده میستو) ونفتکش (نیسیومارو) بهدادگاه توکیو شکایت نمود وتقاضای توقیف محمولهٔ نفتکش نیسیومارو را کرد ولی دادگاه توکیو پس از رسیدگی باین امر شکایت شرکت سابق را واردندانست وروز ۲۷ اردیبهشت ماه بنفع ایران وشرکت ایده میستو رأی داد.

رأی دادگاه ژاپن ، پس ازحکم دیوان بین المللی لاهه ، و دادگاه ونیز ، سومین پیروزی ایران در محاکم بین المللی بود که موجب شادمانی ملت ایران گردید

اغتشاش و نا امنی

دراینموقع دولت وطرفداران اودر مجلس بار دیگر بتلاش افتادند تا گزارش هیئت هشت نفری رادائر بر محدود ساختن اختیارات مقام سلطنت در مجلس بتصویب

برسانند، ولی این تلاشها به نتیجه نرسید و مجلس زیر بار تصویب این گزارش نرفت.

روز ٢٤ فروردین اعلیحضرت همایونی باهواپیما بمشهد مقدس عزیمت کرده و پس از زیارت مرقد مطهر حضرت رضا (ع) مجدداً بتهران مراجعت نمود.

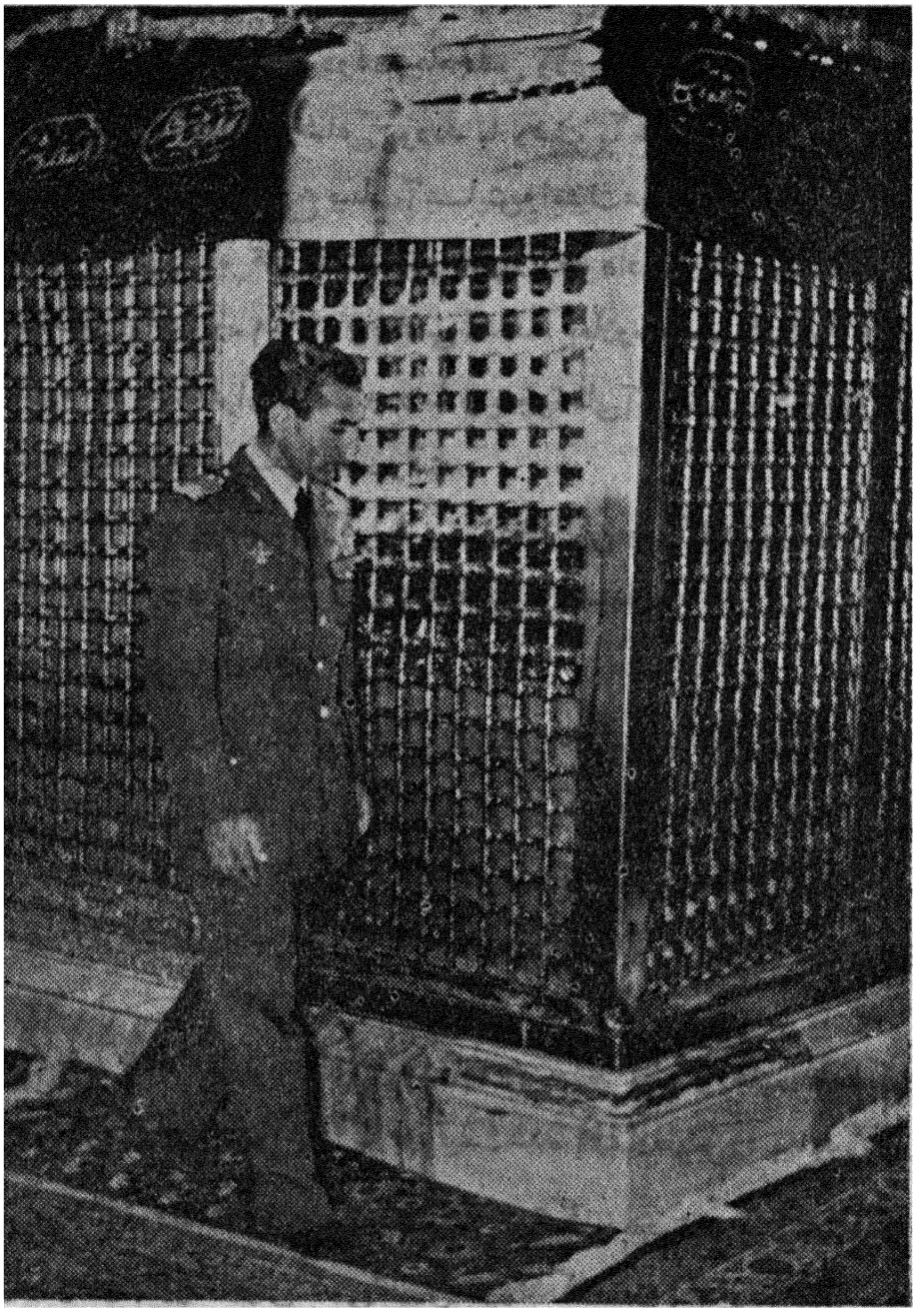

شاهنشاه در موقع زیارت مرقد مطهر حضرت رضا (ع)

دراین هنگام فراکسیون نهضت ملی که اعضاء آن ازنمایندگان طرفداردولت بودند ،مجلس راتهدید کردند که اگر گزارش هیئت هشت نفری بتصویب نرسد دسته جمعی استعفا خواهندداد ولی مجلس بازهم زیر بار این تهدیدنرفت . بناچار طرفداران دولت بتکاپوافتاده وبه ترتیب دادن متینگی در میدان بهارستان پرداختند.

دراینموقع که اختلاف دولت بامجلس ودربار لحظه بلحظه بیشتر میشد ، کسانیکه مترصد یکچنین اوضاعی بودند تا دست بآشوب وهرج ومرج بزنند، از موقعیت استفاده کرده وشروع بسلب آسایش وامنیت عمومی نمودند . از جمله در روزهای ٢٦و٢٧ فروردین ماه اغتشاش در شیراز روی داد که طی آن عده کثیری از مردم وهمچنین ٥ افسرو ١٠ پاسبان زخمی شدند . بعلاوه محل اداره اصل چهارترومن دراین شهرمورد حمله قرار گرفت ودرها و پنجره های آن خورد گردیدو کلیه اثاثیه این مؤسسه وچندمؤسسه دیگر بغارت رفت.

روز ٢٧ فروردین ماه دردزفول نیز بین مخالفین وموافقین دولت زدوخوردی رویداد که طی آن چهارنفرمقتول و٤ نفرمجروح شدند .

قتل افشارطوس

درحینی که درشهرستانها تشنج شدیدی حکمفرما بود، در تهران هم وضع کاملا غیرعادی بود ودر بیشترمحافل جسته وگریخته صحبت از (کودتا) میشد .

دراین اثنا ناگهان خبرهیجان انگیزی منتشر گردید دائر براینکه ساعت ٩ بعدازظهر روز ٣١ فروردین ماه سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی مفقود شده است .

اینواقعه که ضعف وناتوانی دولت را در حفظ نظم و امنیت مملکت کاملا نشان میداد دولت را برآن داشت که بهرقیمت شده افشارطوس را بیابد.

برای انجام اینمنظور پانصد پلیس وکارآگاه بجستجو پرداختند، وبعلاوه پنجاه هزارتومان جایزه برای کسی تعیین کردند که محل افشارطوس را بمامورین دولت نشان دهد. ولی کلیه این تدابیر بنتیجه نرسید ومأمورین همچنان درتعقیب

این قضیه بودند وضمناً عده‌ئی از امرای بازنشسته ارتش و چند تن غیر نظامی را باتهام شرکت‌در ربودن افشارطوس بازداشت وزندانی کردند.

سرانجام روز ٦ اردیبهشت‌ماه جسدبیجان افشارطوس درحالیکه اورا خفه نموده بودند، درتپه‌های (تلو) واقع درنزدیکی لشگرك تهران کشف شد.

ماجرای مفقودشدن وسپس بقتل رسیدن افشارطوس برای مردم بصورت معمای‌بزرگی درآمد. زیرا ازیکطرف مأمورین‌دولت‌مصدق اظهار میداشتند که چندتن افرادغیر نظامی وعده‌ئی ازافسران بازنشسته ارتش که دستگیر گردیدند اورا بقتل‌رسانده‌اند، ازطرف‌دیگر جریانات پشت‌پرده، واوراق و اسنادی که از جیب افشارطوس بدست‌آمد، وسپس قتل‌اسرارآمیز ذبیح پورکارآگاه مخصوص اودرنزدیکی کرج خلاف این‌امررا ثابت‌میکرد، وشایعهٔ کودتای افشارطوس‌را بیشتر برسرزبانها میانداخت بدینترتیب بالاخره معلوم نشد که در پشت‌پرده قتل افشارطوس چه‌جریانات سیاسی‌وجود داشته‌است.

تحصن سرلشگرزاهدی درمجلس

چون امنیت‌عمومی دراین‌هنگام بکلی سلب‌شده بودومخصوصاً مخالفین دولت بهیچوجه تأمین‌نداشتند، ازاین‌رو روز ١٤ اردیبهشت‌ماه سرلشگرزاهدی‌در مجلس‌شورایملی متحصن گردید واظهارداشت تا از طرف دولت رسماً باو تأمین داده نشود، بتحصن‌خود درمجلس ادامه خواهد داد.

دراینموقع براثرفشار واصرار دولت که تقاضای واگذاری املاك پهلوی و نظارت برسازمان‌شاهنشاهی‌را داشت اعلیحضرت‌همایونی برای‌جلوگیری ازتشنج بیشتری درمملکت بااین درخواست‌موافقت کرد.

بااینحال بهانه‌جوئیهای دولت برسرمسائل مختلف همچنان ادامه داشت.

اقلیت مجلس‌شورایملی دراینهنگام شدیداً علیه‌دولت مبارزه میکرد وپی درپی اعلامیه‌هائی درمخالفت بادولت صادرمینمود. اعلیحضرت همایونی برای اینکه دولت‌وظایف خودرا بخوبی انجام دهد وهر روزدرپی بهانه‌تازه‌ئی نگردد، مدت‌چندهفته‌برامسر عزیمت کردندتا ازجریانات‌سیاسی بدور باشند.

مقدمات رفراندوم

دکترمصدق چون دراجرای نقشهٔ خود دائر به تصویب گزارش هیئت‌هیئت نفری موفق نگردید ، واقلیت مجلس ومنفردین را مخالف این نقشه دید، اعلام کرد که چون گزارش هیئت هشت نفری ازطرف مجلس تصویب نشده ومخالفین دولت پیوسته کارشکنی میکنند ازاین رو دولت برای ابقاء یا انحلال مجلس هفدهم رفراندوم خواهد کرد .

اینکارهم باآنکه کاملا بیسابقه بود، معهذا اقلیت مجلس رامرعوب نساخت و زیربار تصویب گزارش مذکور نرفتند .

درخلال این احوال جلسات مجلس شورای ملی پیوسته باتشنجات بسیار شدید همراه بود، بطوریکه صحنه مجلس بصورت میدان مناقشه ومشاجره بین طرفداران ومخالفین دولت درآمد، ودرهمین موقع یعنی اواسط تیرماه بود که دولت مورد استیضاح قرار گرفت .

استعفاء نمایندگان مجلس

روز۲۳تیرماه اعلام شد که دولت بهیچوجه حاضر نیست از رفراندوم صرفنظر کند درنتیجه عصر همانروز نمایندگان فراکسیون نهضت ملی (فراکسیون طرفدار دولت) بطوردسته جمعی استعفا دادند، و پس ازآنها بتدریج عده‌ئی دیگر از نمایندگان نیزاستعفاء خودرا نوشتند .

بدین ترتیب مجلس هفدهم عملا ازکارافتاد .

دراینموقع چون اعلام شد که بمناسبت تصادف با نخستین سال انقلاب ۳۰ تیر، طرفداران دولت درنظردارند دربرابرعمارت بهارستان میتینگی بدهند وبیم آن میرفت که علیه سرلشگرزاهدی توطئه صورت گیرد ازاین روبنا پرخواهش واصرارو کلا خصوصاً رئیس مجلس دکترمعظمی روز۲۹ تیرسرلشگرزاهدی عمارت بهارستان راترك گفت .

روزه مرداد دکترمصدق پیامی خطاب بملت ایران صادر کرد، وطی آن

پس ازاشاره بخدمات خود متذکرشد که برای ابقاء یاانحلال مجلس ،وهمچنین ادامه زمامداری یابرکناری خودمراجعه بآراء عمومی مینماید دراین هنگام حزب توده فعالیت خودرا بمنتهادرجه شدت رساند تاازدولتی که علناً ازآنها پشتیبانی میکرد حمایت نماید ومجلس ۱۷ منحل شود ودرانتخابات دوره ۱۸ آنهابتوانند نمایندگان خودرابمرکزقانون گزاری بفرستند .

نمایندگان اقلیت مجلس علیه نخست وزیروهیئت دولت بمناسبت تهیه مقدمات رفراندوم اعلام جرم کردندوطی اعلامیه ایکه صادرنمودند رفراندوم راتحریم کردند

رفراندوم در تهران و شهرستانها

بالاخره روز دوشنبه ۱۲ مرداد ماه در حالیکه این روز از طرف دولت تعطیل عمومی اعلام شده بود ،رفراندوم درتهران انجام یافت .

درشهرستانها نیزروز۱۹ مرداد ماه رفراندوم صورت گرفت ونتیجهٔ آنهم بالطبع انحلال مجلس هفدهم وادامه زمامداری دکترمصدق بود .

روز۲۳ مرداد ماه دکترمصدق نتیجه رفراندوم رابعرض شاهنشاه رساند و تقاضا کرد که فرمان انتخابات دوره ۱۸ راصادرنمایند .

ولی اعلیحضرت که مملکت رادرآستانه سقوط واضمحلال میدیدندبیش از این صبروتحمل راجائزندانسته ویکروزقبل ،یعنی روز۲۲ مرداد ماه فرمان عزل دکترمصدق ونخست وزیری سرلشگرزاهدی راصادره کردند .

شایعه کودتا

اعلیحضرت همایونی وعلیاحضرت ملکه ثریادراین هنگام درزامسر بسرمیبردند نیمه شب شنبه ۲٤ مردادماه سرهنگ نصیری فرمانده گاردسلطنتی فرمان عزل دکتر مصدق رادرخانه شماره ۱۰۹ باو ابلاغ کرد .

ولی دکترمصدق که نمیخواست باین آسانیهاازکار کناره گیری کند ،فرمان رانادیده انگاشت وبلافاصله دستورداد سرهنگ نصیری وچندتن دیگرازافسران رابازداشت نمودند .

بامدادروز یکشنبه ۲۵ مرداد طی اعلامیه‌ای که ازطرف دولت صادر شد خبر یك کودتای نظامی درنیمه‌شب گذشته باطلاع عموم رسید، وسپس دستورانحلال گارد سلطنتی داده شد و افراد گارد سلطنتی خلع سلاح شدند ، بعلاوه هیئتی نیز برای ضبط کاخ‌های سلطنتی مأمور گردیدند همچنین عده‌ئی از رؤسای دربار شاهنشاهی و فرماندهان ارتش بازداشت شدند ، درهمین روز فرمان انحلال مجلس هفدهم بوسیله خود دکتر مصدق صادر گردید .



سرهنگ نصیری پس از ابلاغ عزل دکتر مصدق بوسیلهٔ ستاد ارتش دستگیر و زندانی شد

عزیمت شاه بخارج کشور

روز یکشنبه ۲۵ مرداد ماه وقتی باعلیحضرت همایونی در رامسر اطلاع رسید که دکتر مصدق فرمان عزل را بصورت کودتای نظامی جلوه گر ساخته و بدین ترتیب در صدد است که افکار عمومی را تهییج ساخته و طرفداران خود را وادار بانقلاب نماید ، و بدون شك شاهدوستان وعلاقمندان بمقام سلطنت هم که شماره آنان بمراتب بیش از دسته مخالف بود آرام ننشسته وعلیه دولتی ها قیام کرده و کار بخونریزی مدهشی کشیده میشد از این رو برای جلوگیری از یك چنین حوادث وحشتناك تصمیم گرفتند موقتاً بخارج کشور عزیمت نمایند ودر نتیجه روز ۲۵ مرداد باتفاق علیاحضرت ملکه با هواپیما بسوی بغداد عزیمت کردند و ساعت دو بعد از ظهر در فرودگاه بغداد فرود آمدند و سپس برم عزیمت کردند .

عصر همانروز از طرف نمایندگان سابق فراکسیون نهضت ملی وطرفداران دولت میتینگی در میدان بهارستان داده شد ، وضمن آن شدیدترین حملات برژیم

سلطنتی و خاندان سلطنت بعمل آمد و ناطقین از هیچگونه حمله و نا سزا نسبت بمقدسات مملکت خودداری نکردند.

مقدمات تغییر رژیم

روز دوشنبه ٢٦ و سه شنبه ٢٧ مرداد تاریك ترین و پرآشوب ترین روزهای تاریخ ایران بود.

چه در این ایام اخلالگران و آشوب طلبان تحت هدایت افراد حزب توده بر کلیه امور و شئون اجتماعی مسلط شده و شروع بغارت و چپاول اموال مردم، و ضرب و جرح، و دست درازی بنوامیس افراد کشور کردند.

بعلاوه دسته های متعددی از افراد حزب توده در خیابانهای پایتخت براه افتاده و شروع بکندن و خرد کردن مجسمه های اعلیحضرت فقید و اعلیحضرت شاهنشاه نمودند، و در این راه از هیچگونه هتك احترام خودداری نکردند.

در رشت و شیراز نیز نظیر همین وضع ناهنجار بوسیله افراد حزب توده صورت گرفت.

از طرف دیگر چون مقامات دولتی از سرلشگر زاهدی که فرمان نخست وزیری بنام او صادر شده بود، بسیار وحشت داشتند، یکصد هزار ریال جایزه برای دستگیری او تعیین کردند.... در اینموقع چون شاهنشاه بخارج کشور رفته بودند، اینموضوع بهانه ای بدست عناصر ضد ملی داد و مقامات مؤثر دولتی را برآنداشت که مقدمات تغییر رژیم را فراهم کنند و یك شورای سلطنتی تشکیل دهند و نیز بایك رفراندوم ثانوی رژیم سلطنتی را برژیم جمهوری تبدیل نمایند تأثر و تاسف عناصر وطن پرست نسبت باین اوضاع ناهنجار باندازه ئی بود که تاآنوقت نظیر نداشت. همه ازاین رجاله بازی و هرج و مرج و آشوب خسته شدند. سه سال وعده و وعید دکتر مصدق باآنهمه تحمل محرومیت و سختی و مشقت سرانجام بدانجا کشید که نسبت بهیچ چیز مردم حتی جان و مال و نوامیسشان ابقاء نشده بود، و جمعی از بدنام ترین اشخاص برمقدرات آنان حکومت میکردند و مصدق را هم که خیال خدمتگزاری داشت ازراه راست منحرف ساختند.

ازاینرو مردم با غیرت وحمیت تصمیم گرفتند که برای گسیختن زنجیرهای بدنامی وحلقه های اسارت وبدبختی آماده فداکاری وجانبازی شوند .

انقلاب ۲۸ مرداد

بامداد روزچهارشنبه ۲۸مرداد ، تهران قیافه منقلب وغیرعادی بخود گرفته بود . مردم جنوب شهر ، که حمیت و مردانگی ، شاهدوستی و وطنپرستی را از پدران خود درصدرمشروطیت بارث برده بودند ، درحالیکه هریك‌چوبی دردست داشته و درخیابانهای تهران حرکت میکردند بـا چهره های خشمگین مخالفت خود را با حکومت مصدق اعلام میداشتند . از میدان امین‌السلطان ، از بازار، ازخیابانهای جنوبی وغربی شهر نیز دسته های دیگری براه افتاده و پی در پی علیه حکومت دکترمصدق شعارمیدادند .

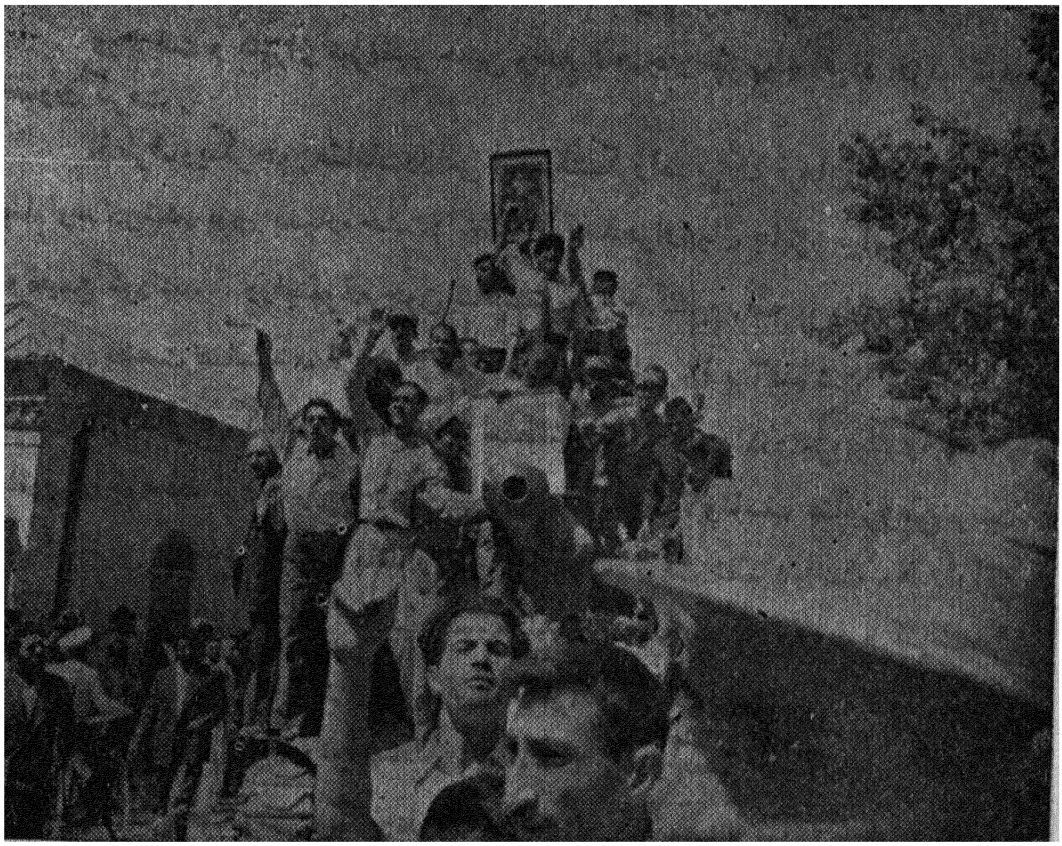

اجتماع افراد نظامی وشهربانی وملیون روز ۲۸ مرداد

سربازان گارد سلطنتی که از چهار روز قبل خلع سلاح شده بودند سایر همقطاران و سربازان را با خود همراه کرده و در کامیونهای نظامی و غیرنظامی علیه دکتر مصدق تظاهرات مینمودند . عده زیادی از پاسبانان نیز بآنها پیوسته ودر این تظاهرات وطن پرستانه شرکت میجستند . در اینموقع عده زیادی از افسران شاهدوست و میهن پرست نیز با افراد خود بانقلابیون پیوسته و درهای سربازخانه ها را بروی قوای انقلابی گشودند وخود با افراد مسلح برای اشغال مراکز حساس پایتخت وادارات دولتی از جمله ستاد ارتش و شهربانی براه افتادند.

زاهدی درمیان انقلابیون

انقلاب تهران لحظه بلحظه شدیدتر ودامنه دارتر میشد ، تا آنجا که ده‌ها هزار نفر ازمردم پایتخت، کسبه ، اصناف ،سرباز ، پاسبان ، افسر، کارمند و پیشه‌ور دراین قیام ملی شرکت جستند وهرجا بافسران و سربازان و پاسبانانی که برای دولت مصدق خدمت میکردند میرسیدند ، آنها رانیز باخود همراه نموده وبسایر مراکز حساس میرفتند .

مقارن دوساعت بعداز ظهر رادیوتهران توسط نیروی انقلابی اشغال شد و صدای آنان بوسیله دستگاههای فرستنده باقصی نقاط کشور پخش شد. این نیروی عظیم درهمه‌جا بوسیله سرلشگرزاهدی که ازچندروز قبل مقدمات این انقلاب بزرگ ملی را تهیه دیده بودهدایت میشد وخود اونیزدرحالیکه سواریکی از تانکهای نظامی شده بود با انقلابیون بطرف مرکز شهرپیش میرفت.

مردم نیزاین سربازرشیدووطن پرست را که درتاریکترین ادوارتاریخ ایران برای حفظ استقلال وتمامیت ارضی وحق حاکمیت ملی قیام کرده بود برسردست بلند کرده واورا بعمارت شهربانی بردند .

سرلشگر زاهدی که ازروز ۲۲ مرداد بفرمان شاه نخست‌وزیر واقعی کشور بود عمارت شهربانی را مرکز ستادخویش قرارداد ، واز آنجا نیروهای انقلابی را که درسراسر شهر پراکنده شده بودند، هدایت مینمود .

انقلابیون پیروز شدند

دراینموقع تقریباً کلیه قوای تحت اختیار مامورین دکترمصدق قلع وقمع



سرلشگر زاهدی نخست‌وزیر درعمارت‌شهربانی امورات کشوررا اداره می‌نماید

شدند . جزعدهٔ معدودی ازمحافظین‌خانه اووخیابان کاخ که باتوپ‌ومسلسل بسوی مردم‌شلیك میکردند .

انقلابیون برای خاتمه دادن باین قتل و کشتار بخانه دکترمصدق حمله‌ور گردیده، وآنجارا باگلوله‌های‌توپ‌ویران کردند . در این گیرودار دکترمصدق وچندتن از یارانش که جان‌خویش‌را بشدت درمعرض خطر میدیدند بانردبان‌از

خانهٔ شماره ۱۰۹ فرار کرده ودرزیرزمین یکی ازخانه‌های مجاورمخفی گردیدند، ولی سرانجام روز بعدتوسط مأمورین انتظامی دستگیرشده به باشگاه افسران منتقل گردیدند. ساعت هشت بعداز ظهرروز ۲۸ مرداد ، آتش انقلاب ببهای خون عده‌ئی ازنهاد مردان کشور ،وفداکاری وجانبازی گروهی ازافسران وسربازان وپاسبانان ومردم باغیرت وحمیت مملکت خاموش گشت ،وکابوس عظیمی که استقلال وآزادی مملکت رابشدت تهدید میکرد ازپای درآمد. براثراین انقلاب خونین ٤٦ نفر از سربازان ومردم رشید بایتخت بشهادت رسیدند و٥٨ نفربشدت مجروح گردیدند .

بازگشت شاهنشاه وملکه بایران

پس‌ازآنکه سرلشگرزاهدی نخست وزیر برکلیه دستگاههای دولتی مسلط گردید ، محل کارخودرا ازشهربانی بوزارت امورخارجه تغییرداد . در اینموقع ازکلیهٔ شهرستانها فرماندهان لشگرها ورجال ومعاریف محل ضمن تلگرافهائیکه بنخست وزیرمخابره کردند وفاداری خودرا نسبت بشاهنشاه و حکومت انقلابی زاهدی اعلام داشتند .



شاهنشاه موقع ورود به فرودگاه تهران

روزشنبه ۳۱ مرداد ماه اعلیحضرت همایونی که از رم ببغداد آمده بودند ، ازاینشهربسوی خاك میهن‌عزیمت کرده ووارد تهران شدند . در فرودگاه مهرآباد سرلشگرزاهدی بداخل هواپیمای شاه شد ودست شاهنشاه رابوسید .

اعلیحضرت همایونی نیزروی‌نخست وزیررشید خویش رابوسید ، وآنگاه درحالیکه‌مستقبلین‌ومردم‌پایتخت فریادشادی برمیکشیدند بسوی‌شهرعزیمت کردند

روزاول شهریورماه سرلشگرزاهدی اعضاء کابینه خودرا در کاخ سعد آباد بحضورشاهنشاه معرفی نمود . چند روزبعد اعلیحضرت همایونی بپاس خدمات و فداکاریهائیکه سرلشگرزاهدی کرده بود ، اورابدرجه سپهبدی مفتخر کردند .

روز۱۰ شهریورماه علیاحضرت ملکه‌ثریانیز که تا آنوقت دررم اقامت‌داشتند

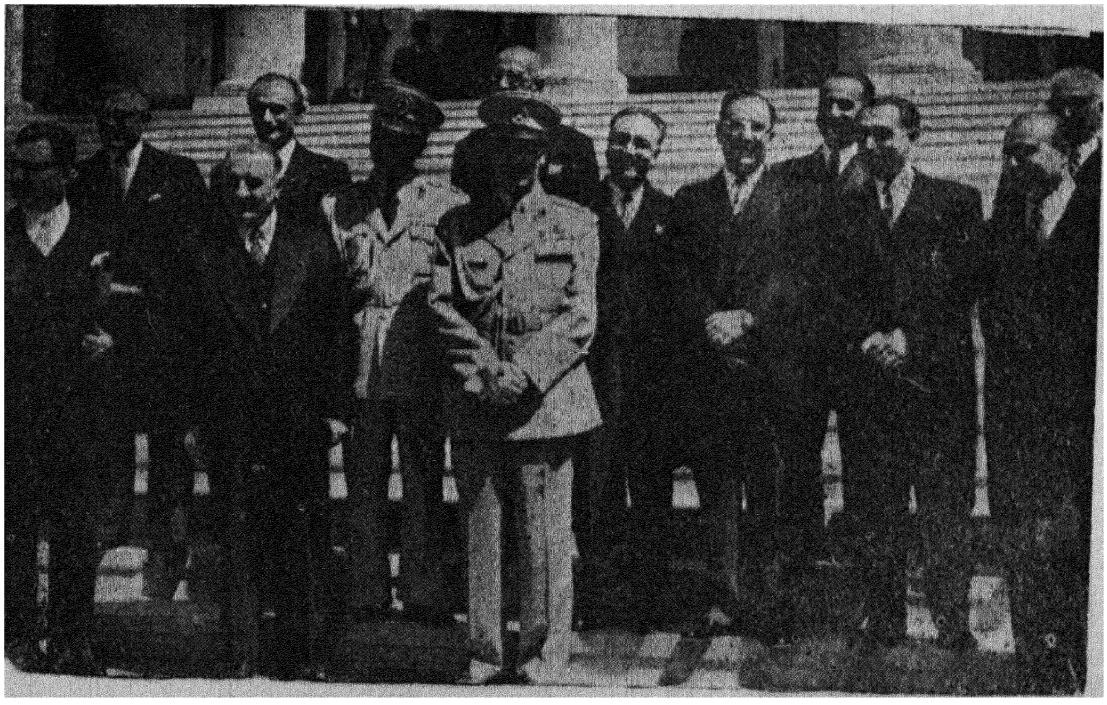

اعضای کابینه سپهبد زاهدی نخست وزیر

باهواپیمابخاك میهن بازگشتند ، وازکلیه شهرستانهای کشورتلگرافهای تبریك ازطرف قاطبهٔ اهالی بمناسبت مراجعت شاه وملکه‌بدربارشاهنشاهی مخابره گردید.

تأمین امنیت کشور

درخلال این احوال دولت بالاترین کوشش خودرا صرف تامین امنیت کشور که درآخرین روزهای مرداد ماه بمنتهادرجهٔ وخامت رسیده بود، کرد. مامورین انتظامی بانهایت قدرت سران حزب توده ، وعناصراخلالگررا که موجب هرج و مرج وآشفتگی ورعب ووحشت مردم شده ، وازهیچگونه اعمال ناروا خودداری نمیکردند دستگیر نموده ،ودرزندانها وبازداشت گاههای پایتخت و قلعه فلك الافلاك وجزیره خارك زندانی ساختند .

بدین ترتیب درمدت کوتاهی ،دست آشوبگران درتهران و کلیه شهرستانها ازکاربرکنار گردید ، و مردم توانستند از امنیت وآزادی که بزرگترین اساس مشروطیت است برخوردارشوند .

بلافاصله ازطرف مردم شاهدوست ومیهن پرست ، اقدام بجبران خرابیها و ویرانیهای این عناصر خائن ومزدوربعمل آمد ، ومجسمه های اعلیحضرت فقید و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی راکه خیانتکاران درمیدانهای شهرخورد کرده یا بزیرانداخته بودند ، مجدداً درمیان شوروشعف عمومی نصب کردند .

۴۵ ملیون دلار

چون دراینموقع وضع اقتصادی کشوربمنتهادرجهٔ وخامت رسیده ، وامور تجاری واقتصادی مملکت بکلی فلج شده بود ، ازاین رودولت بلافاصله بامقامات دولت امریکا وارد مذاکره شد ، ودرنتیجه کاری راکه دولت سابق طی دوسال ونیم نتوانسته بود انجام دهد ، دولت جدید توانست عرض چند روزانجام دهد و مبلغ ٤٥ ملیون دلاربرای اصلاح وضع اقتصادی وهزینه های ضروری کشورازدولت امریکا بگیرد .

بعلاوه یك شورایعالی اقتصادی مرکب ازرجال برجسته اقتصادی کشور تشکیل گردید وشروع باصلاح خرابیهای گذشته،وسرصورت دادن بامور بازرگانی واقتصادی کشور نمودند .

درحینی که دولت مشغول اصلاحات داخلی بود ، نمایندگان غیرمستعفی مجلس شورایملی نیزمجدداً درعمارت بهارستان اجتماع کرده وجلساتی تشکیل دادند ، ولی چون انتخابات دورهٔ هفدهم درزمان دکترمصدق ناقص بود و فقط درنیمی ازشهرستانهای کشورانتخابات صورت گرفت ، وبعلاوه پیش ازرفراندوم عده‌ئی ازنمایندگان نیزاستعفاداده بودند ،ازاین روباچند نفربقیه تشکیل جلسات علنی ورسمی مجلس شورایملی امکان پذیرنگردید

وفاداری ایلات وعشایر

روش دولت سابق درتضعیف حس شاهـد وستی ومیهن پرستی ، وتوسعه هرج ومرج موجب شد که عشایروطن پرست مملکت که همواره پشتیبان استقلال وحق‌حاکمیت مملکت بوده‌وطی قرون متمادی حافظ مرزهای کشوربشمارمیرفتند

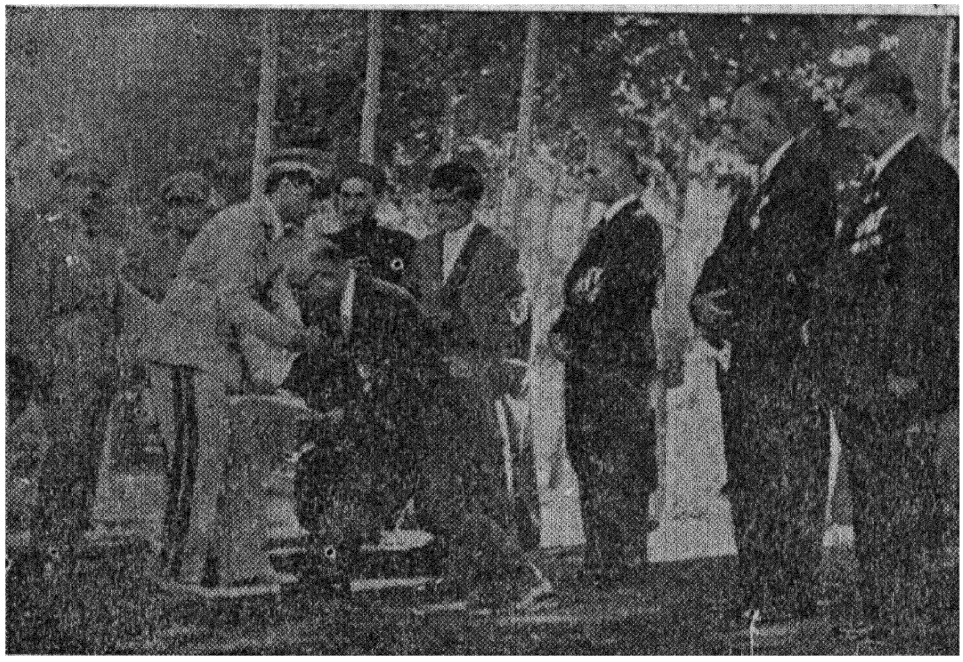

روسای ایلات وعشایردرحضور شاهنشاه

روی ازدولت سابق برگردانده وحتی درصدد برآمدند که بصورت دسته های مسلح برای واژگون ساختن دولت مرکزی بتهران عزیمت کنند .

ولی پس‌ازانقلاب ۲۸ مرداد وروی کارآمدن دولت سپهبد زاهدی ، رؤسای

ایلات وعشایر کشور دسته دسته ازشهرستانها ومناطق مرزی ونواحی ایل نشین بسوی تهران عزیمت کرده وبه پیشگاه شاهنشاه و بعد بحضور نخست وزیر رفته ومراتب وفاداری خودرانسبت بشاه ودولت ابرازداشتند .

اعلیحضرت همایونی نیزعموم آنهارا باعطاء نشان ومدال لیاقت وافتخارمفتخر نمودند ، وبدین ترتیب احساسات وعواطف صدها هزارافرادفداکارایلات وعشایر که درزمان دولت مصدق، براثرمیدان یافتن توده ئیهاوعمال بیگانه سخت جریحه دارشده بود ، براثرتفقد وعنایت شاهنشاه ترمیم گردید وعموم آنان آمادگی خود رابرای جانبازی درراه شاه ومیهن اعلام داشتند .

تجدید روابطه سیاسی باانگلیس

براثر قطع روابط سیاسی ایران وانگلیس دردوران حکومت دکترمصدق، وضع وخیم اقتصادی مملکت بیش ازپیش روبوخامت نهاد ، بعلاوه چون دیگر هیچگونه ارتباطی بین دولت ایران ودولت انگلیس وجـود نداشت ازاین رو مذاکرات نفت نیزبرای مدت غیرمعلومی در بوته اجمال ماند .

دولت سپهبد زاهدی برای آنکه هرچه زودتربمسئله نفت سروصورت داده واین موضوع را که بصورت یك مسئله بغرنج بین المللی در آمده بود بنفع ملت ایران حل وفصل کند ، درصـدد برآمد نخست برای تجدید رابطه سیاسی بـا انگلستان ،بنحوی که به پرستیژملت ایران کوچکترین لطمه ئی وارد نیایداقدام کند ، ازاین روپس ازمذاکراتی که دراطراف این مسئله صورت گـرفت طرفین علاقمندی خودرا باتجدید روابط سیاسی بایکدیگراعلام داشتند.

این اقدام دولت ایران درمحافل بین المللی نیزانعکاس نیکوئی بخشید بطوریکه مفسرین سیاسی پیش بینی کردند که باروش سیاسی دولت جدید ،امید بسیارمیرود که مسئله نفت نیزبنحودلخواه حل گردد .

تونل کوهرنك ازسه قرن پیش

ساختمان سد کوهرنك اززمان شاه عباس کبیرمورد توجه ساکنین کشور

بود ،زیرامسئله کمی آب وخشکسالی درمرکزایران یکی ازمشکلات بزرگی بود که جلگه اصفهان راهمواره تهدید میکرد .

ازاین روسه قرن پیش بنابفرمان شاه عباس درارتفاع ۲۱۵۰ متری ،عده‌ئی ازکارگران شروع به بریدن کوه نمودند ودرحدود ۵۰۰متراز کوه راحفر کردند، ولی براثرمرگ شاه عباس اینکارناتمام ماند وسالیان درازهیچکس آنرادنبال ننمود .

تااینکه‌دردوران سلطنت اعلیحضرت فقیدچندبار تصمیم بالحاق آب کوهرنك به زاینده رود گرفته‌شد ، ولی براثرمشکلات مالی‌این نقشه بمرحله‌عمل‌درنیامد پس ازآن درسال ۱۳۲۶ برای ساختمان تونل وسد کوهرنك مطالعاتی ازطرف مهندسین شرکت آلکساندرگیب صورت گرفت. نخستین اقدام برای انجام‌این منظورایجادساختمانی بطول ۹۲ کیلومتربود که شهراصفهان رابه کوهرنك متصل میساخت .

درروز۷ مهر۱۳۲۷ شاهنشاه برای مشاهده سد کوهرنك بآن‌محل عزیمت نمودند وپس ازآنکه مدخل تونل ومحل سدهارابازدید کردند بااسب بقله کوه رفته ودرآنجاجریان کوه بری زمان شاه عباس رامشاهده نمودند . سپس بمخرج کوهرنك رفته وبوسیله دینامیت نخستین‌قسمت مخرج تونل رامنفجرساختند .

بعدازپنجسال

عملیات حفرتونل وسد سازی‌مدت پنج سال یعنی از۱۳۲۸ تا۱۳۳۲ بطول انجامید تااینکه سرانجام‌در۲۶مهرماه تونل وسد کوهرنك‌بدست‌شاهنشاه افتتاح شد تونل کوهرنك ۲۸۰۰ مترطول دارد .آب کارون پس ازعبورازتونل مزبور وارد(سرسره سقوط‌آب) که ۶۵ مترارتفاع دارد میشود وازآنجابپائین میریزد ، وپس ازآنکه به‌آب(چهل گرد) پیوست ۹۲ کیلومتر راه راطی نموده وبسزاینده رود میریزد .

تونل کوهرنك در فصل بهارحداکثرسی مترمکعب درثانیه (معادل ۲۱۷۵ سنگ)آب داخل زاینده رود مینماید

براثرحفرتونل کوهرنك طبق اظهارکارشناسان ، سالی سیصدوشصت میلیون مترمکعب آب بدره زاینده رود میریزد وبااین مقدارآب کشاورزان اصفهان می توانند کلیه غلات وخواربارمورد احتیاج سکنه مرکزی ایران را تأمین نموده و بعلاوه درحدود بیست هزارتن مازادمحصولات کشاورزی راصادر نمایند بهرحال باافتتاح سدوتونل کوهرنك در ۲۶ مهرماه بدست اعلیحضرت همایونی ، یك قدم بسیار بزرگ برای اصلاح امور کشاورزی وعمران و آبادی کشور برداشته شد که بدون شك تأثیر مهمی درزندگی صدهاهزار نفراز ساکنین نواحی مرکزی ایران خواهدداشت .



دینس رایت

انحلال مجلسین و تجدید انتخابات

روز ۳۰ آذرماه چهارده تن کارمند سفارت انگلیس تحت سرپرستی (دنیس رایت) کاردار آن سفارت وارد تهران شدند و روز پنجشنبه ۲۹ بهمن ماه نیز (سرراجر اسیتونس) واردتهران گردیدوروز ۱۶ اسفند ماه استوارنامه های خودرابه پیشگاه شاهنشاه تقدیم کرد .



سرراجرا-تیونس

بطوریکه گفته شدچون تعدادنمایندگان مجلس شورایملی برای تشکیل جلسات رسمی مجلس کافی نبود، ازاین دوروز ۲۸ آذرماه اعلیحضرت همایونی فرمان انحلال مجلسین سنا و شورا را صادر کردند و برای تشکیل مجددمجلسین نیزاوامرلازم صادرنموده بالنتیجه روزپنجشنبه ۲۴ دیماه دستورشروع انتخابات سناوروز ۱۸ اسفندماه انتخابات مجلس شورایملی در تهران صادر گردید . در شهرستانها نیز

انتخابات باسرعت و نظم وترتیب خاصی انجام یافت و در نتیجه روز پنجشنبه ٢٧ اسفند ماه دومین دورهٔ مجلس سناوهجدهمین دورهٔ مجلس شورایملی از طرف اعلیحضرت همایونی افتتاح گردید ، وبدین ترتیب این رکن بزرگ مشروطیت ومرکز قانونگزاری که درزمان دولت مصدق بکلی فلج شده واختیارات مجلسین راخود قبضه کرده بود ، مجدداً مشغول کاروفعالیت گردید

محاکمه دکتر مصدق

دکترمصدق که براثرتبلیغات وسیع ودامنه داروتحریك احساسات مردم

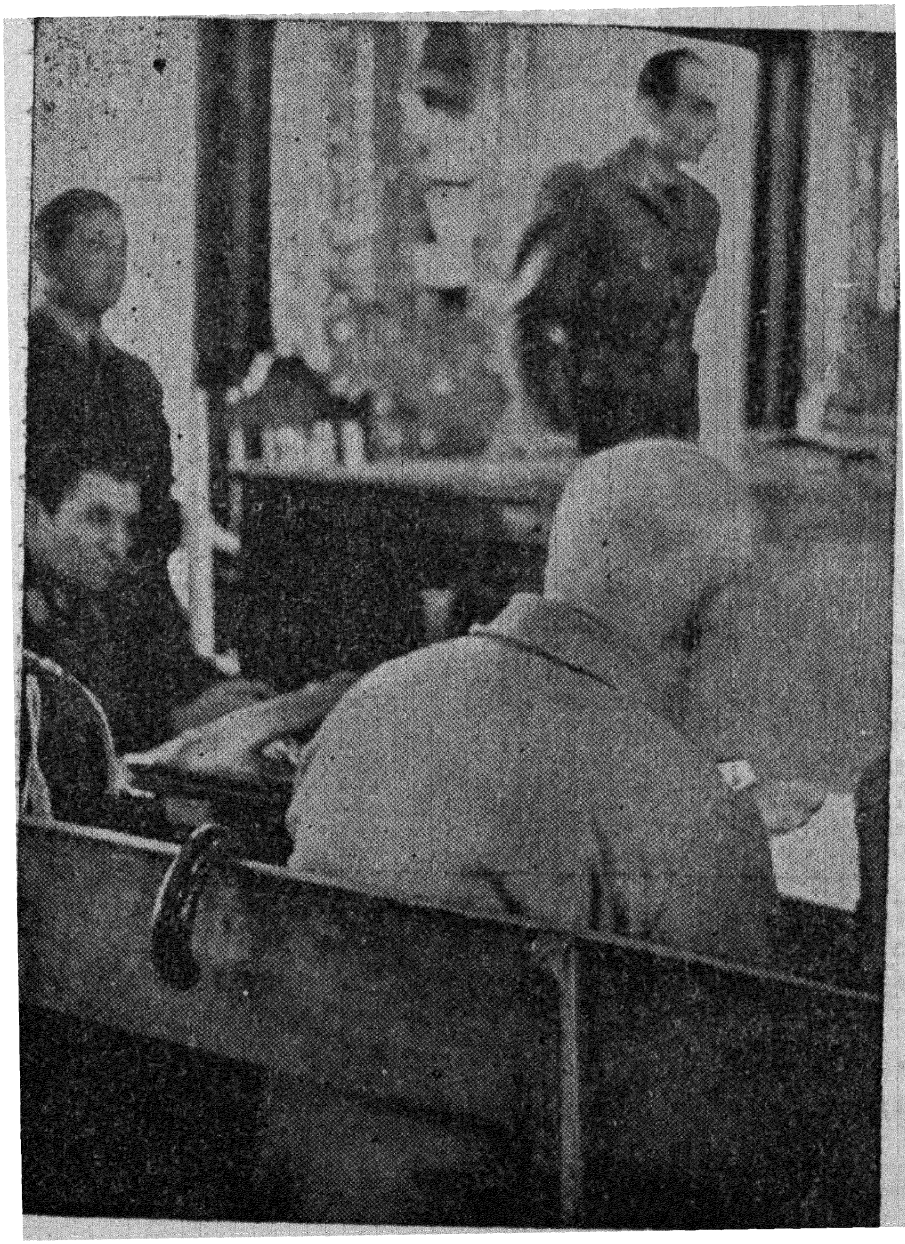

موقعیکه دادستان ارتش نوارضبط صدای فاطمی رابخش میکند دکتر مصدق فریاد میزند که بخدا من ازاین مطالب بیخبرم

توانسته بود محیط بسیار مساعدی برای انجام خدمات بزرگی در راه مملکت بوجود آورد ، ولی نتوانسته بود از این فرصت بسیار مناسب بنفع ملت استفاده کند و ایران را بسرعت بسراشیب سقوط و پشت پرده آهنین هدایت میکرد ، خشم و غضب فوق العادهٔ مردم را نسبت بخود جلب کرد ازهمین رو روز ۲۸ مرداد ، ملت ایران با یك قیام دلیرانه حکومت او را واژگون ساختند و دولت ملی سپهبد زاهدی را روی کار آوردند . پس از آن حکومت انقلابی زاهدی برای آنکه باعمال دولت سابق و خیانت های عناصر مشکوك و تبهکار رسیدگی کند مقدمات محاکمه دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش او را که مجری دستورات او بود فراهم نمود ، و اوایل آذر ماه محاکمه دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی در تالار آینه کاخ سلطنت آباد فراهم گردید.

محاکمه دکتر مصدق تا روز ۳۰ آذر ماه در دادگاه نظامی همچنان ادامه داشت و سرانجام پس از رسیدگی باعمال او و سرتیپ ریاحی چون اعلیحضرت همایونی نسبت بآنچه که مربوط بخود معظم له بود صرفنظر کرد ، از این رو دادگاه دکتر مصدق را بسه سال حبس مجرد و سرتیپ ریاحی را بدو سال حبس تأدیبی محکوم ساخت .

بلافاصله دکتر مصدق از دادگاه فرجام خواست ، و مقرر شد که مجدداً در دادگاه تجدید نظر به پرونده او رسیدگی شود .

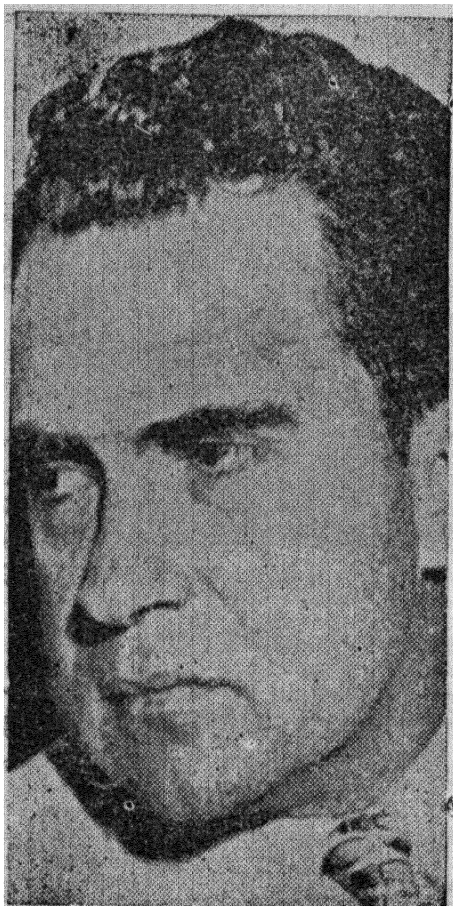

نیکسون معاون رئیس جمهوری امریکا

شخصیت های خارجی در ایران

پس از رویکار آمدن دولت انقلابی سپهبد زاهدی ، جمعی از شخصیت های برجسته بین المللی مسافرت هائی بایران کردند و برای استقرار روابط دوستانه و توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی و حل مسئله نفت مذاکراتی با اولیای امور دولت ایران نمودند .

که اکنون بطور اختصار از آنان یاد میشود

روز ۱۸ آذرماه (نیکسون) معاون رئیس جمهوری امریکا و رئیس مجلس سنای آنکشور وارد تهران گردیده با اعلیحضرت همایونی و نخست وزیر ملاقاتهائی نمود.

نیکسون هنگام ملاقات با سپهبد زاهدی پیامی را که ژنرال آیزنهاور رئیس جمهوری امریکا برای نخست وزیر فرستاده وطی آن بتحکیم روابط دوستی بین دو کشور اشاره نموده بود باو تسلیم نمود و سپهبد زاهدی نیز پیام متقابلی در همین زمینه



هوور کارشناس مشهور نفت در حضور نخست وزیر

برای رئیس جمهوری امریکا فرستاد.

روز ۲۹ آذر ماه نیز سر ظفرالله خان وزیر خارجه پاکستان وارد تهران شد و به پیشگاه شاهنشاه و سپس بحضور نخست وزیر رفت و راجع بتحکیم روابط دوستی دو کشور مذاکراتی نمود و روز ۱۸ دیماه از ایران عزیمت کرد

دراین هنگام ازطرف دولت امریکا(هوور) کارشناس مشهور نفت ومشاور وزارت امورخارجه آن کشور، برای تجدید مذاکرات نفت بین ایران و انگلیس، مسافرتهائی بتهران ولندن کرد وزمینه رابرای آغازمذاکرات فراهم ساخت.

همچنین(ریبر) کارشناس نفتی دیگرامریکانیزبرای مشاوره در امرنفت از طرف دولت ایران دعوت شدتابانمایندگان کمیسیون نفت‌ایران در مذاکرات آینده همکاری کند.



مستر ریبر

بر اثرمذاکرات هوور با اولیای شرکت سابق ودولت انگلیس، مقرر گردید که نفت ایران بوسیله هشت شرکت بزرگ نفت انگلیسی وامریکائی وهلندی و فرانسوی ببازار های جهان ارسال شود برای انجام این منظور بیست نفر از نمایندگان کنسرسیوم نفت بنمایندگی از طرف هشت کمپانی با هوا پیما وارد آبادان شدند وازپالایشگاه و سایر تأسیسات نفت جنوب بازدید کردندودرحالیکه اعتراف نمودند مهندسین ایرانی بخوبی توانسته‌اند تأسیسات نفت رانگهداری کنند، بلندن مراجعت کردند تاگزارش مشاهدات خود را بهمراکزخودتسلیم نمایندتاهیئت دیگری برای مذاکره نهائی جهت حل مسئله نفت در فروردین ماه ۱۳۳۳ بسوی ایران عزیمت کند.

روز ۲۶ بهمن‌ماه نیزدکتر شاخت کارشناس مشهور بانکی واقتصادی آلمان وارد تهران گردید وپس‌ازتماس با کار شناسان اقتصادی ایران، طرح ها و پر وژه هائی برای بهبود وضع مالی و ارزواصلاح امور بانکی واقتصادی کشور تهیه و بدولت ایران تسلیم کرد.

درخلال این احوال چون مقرر شده بود که جشن هزارمین سال تولد ابن‌سینا فیلسوف وطبیب مشهورایرانی در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۳ درتهران و

همدان انجام یابد ، از این رو از هشتاد ویك تن ازدانشمندان ومستشرقین معروف



بین المللی دعوت بعمل آمد که برای شرکت در جشن هـزارهٔ ابن سینابـایران عزیمت نمایند .

اقدامات اصلاحی

خرابیهائی که درزمان دولت سابق رویداده بود ، بحدی بود که مدتهاوقت

لازم داشت تااین ویرانیهاوآشفتگی ومرج ومرج اصلاح گردد ، ولی بنابفرمان اعلیحضرت همایونی ، دولت باسرعت بی نظیری درصدد ترمیم خرابیهای گذشته برآمد ، وقدمهائی درباه تأمین رفاه وآسایش عمومی و استفاده ازعناصرخدمت گزارمملکت برآمد که ایك بطوراختصارازآنهاسخن گفته میشود :

درنیمه آذرماه دولت برای بهبودزندگی طبقات مستمند دستورداد که هرچه زودترشروع بساختمان پانصد دستگاه خانه های ارزان قیمت نمایند ، وبلافاصله مقدمات کاربرای انجام این منظورفراهم شد وساختمان خانه هـای ارزان قیمت آغاز گردید.

انجمن خیریه ثریاپهلوی نیزکه تحت ریاست عالیه علیاحضرت ملکه بتازگی شروع باقدامات خیرخواهانه وملی بنفع طبقات مستمند کرده بود روز ۲۳ بهمن ماه شروع بکار نمودوعلیاحضرت ملکه ثریاطی پیامی که دراین روزخطاب بکلیه بانوان کشورایراد نمود،آنانرادعوت بشرکت درکارهای نیك وعام المنفعه کردند وضمناً دستورداد ند که ازطرف انجمن ده هزار دست لباس بین دانش آموزان بی بضاعت تقسیم شوددرخلال این احوال چون عده زیادی از لایق ترین وشایسته ترین افسران ارتش ازطرف دولت سابق ازکاربرکنارشده یا بازنشسته بودند ، دولت سپهبد زاهدی درصدد برآمد ازوجودآنان دردستگاههای مختلف استفاده کند ، ازاین رواحکام صادره ازطرف دولت سابق رالغونمود ومجدداً این افراد رابخدمت دعوت کرد .

همچنین چون اغلب قوانین صادره ازطرف دکترمصدق که طبق قـانون اختیارات مبادرت بوضع آنها نموده بود ، بهیچوجه با عدالت وفق نمیداد ویـا بنفع مملکت نبود لغوگردید وقوانین سابق بجای آنهامورداستفاده قرار گرفت برای بهبودوضع کارمندان دولت نیز که اغلب آنها درنهایت عسرت وتنگدستی بسرمیبردند ودولت سابق بواسطه ضعف بودجه وخرابـی وضع اقتصادی مملکت نتوانسته بود حقوق حقهٔ آنهارابپردازد، ازطرف دولت جدید مقرر گردید که کلیه اضافات و ترفیعات آنان درآغاز سال۱۳۳۳ پرداخته شود ، چون برای اصلاح

کارگران تاآن تاریخ هیچگونه اقدام مؤثری بعمل نیامده بود ، برای تأمین رفاه وآسایش این طبقه نیزمقرر گردید که یك ملیون وهفتصد هزارمترازاراضی فرح آباد وونك بین کارگران تقسیم شود ، وکلیه رانندگان وکارکنان اتوبوسها وکافه رستورانها وگرمابه هابیمه شوند ، بعلاوه برای خاتمه‌دادن بوضع اتوبوس رانی شهری مقرر گردید که اتوبوسهابصورت شرکت اداره شوند ووسایل رفاه و آسایش کارگران آنهاازهرجهت تامین شود .

درخلال این احوال ازطرف اعلیحضرت همایونی مجدداً دستورهای لازم برای تقسیم املاك سلطنتی بین کشاورزان وروستائیان صادر گردید ، و بالنتیجه هیئتی ازتهران بمشهدعزیمت کردند ویازده‌هزارهکتاراراضی قریه (فریمان) بین ٦٣٠ خانوار ازروستائیان آنمحل تقسیم گردید .

روز١٤ بهمن ماه نیزاسناد مالکیت ١٢٠ نفر ازرعایای قریه (خانلق) از دهات شهریاردرکاخ مرمربدست شاهنشاه بین روستائیان قریه مزبورتوزیع شد.

ازاینها گذشته ازطرف دولت اقداماتی نیزبرای آبادانی دشت مغان وایجاد دهات نمونه درآن سامان صورت گرفت ، همچنین طرح ایجاد یك شهر صنعتی در کرج تهیه وتنظیم شد تاپس ازتهیه مقدمات آن هرچه زودترشروع شود .

نتیجه دو سال ونیم تلاش و فداکاری

قیامی که ملت ایران در آخرین روز های سال ١٣٢٩ برای ملی کردن صنعت نفت واحقاق حقوق از دست‌رفته خود کرد ، در تاریخ میهن ما کمتر نظیر دارد . زیرا هموطنان ما در شرایط بسیارسخت ودشواری بدین کارمبادرت ورزیدند که شاید برای ملل دیگر یك‌چنین جنبش دلیرانه‌ئی امکان پذیرنبود .

متأسفانه این قیام ملی که موجب ایجاب و شگفتی ملتهای زنده دنیا گردید، پس‌از چندی براثر سوء نیت وخیانت عده‌ای از اطرافیان دکترمصدق و اشتباه خوداو از جهت اصلی ، ومسیر اولیه منحرف گردیدودرنتیجه اثرات‌زیان بخشی از خویش بجای نهاد که‌جبران آن باین آسانیها ممکن نیست وقتی بکارنامه

عملیات این دوسال ونیم نگاه میکنیم ، تنها دوچیز نظر مارا جلب میکند .

یکی جنبش مردانه احساسات پاك وبی شائبه هموطنان ما که قدرت معنوی ملت ایران را درصحنهٔ مبارزات بین المللی نشانداد و اکنون از آن جز یأس و بدبینی چیزی باقی نمانده ، دیگر زیان عظیم مالی که بنیهٔ اقتصادی کشور را بکلی ضعیف ساخت ، وچرخهای فعاله کشوررا از گردش باز داشت ،وموجب شد که شکاف عمیقی در خزانه مملکت بوجود آید ، و کشور را بآستانه افلاس وورشکستگی سرنگون سازد .

طبق آمار دقیق که از طرف متخصصین بیطرف منتشر گردیده وبهیچوجه درصحت آن تردیدی نیست ، دراین دوسال قریب ششصد میلیون دلار بخزانه مملکت زیان وارد آمد، بعلاوه دوسال ونیم وقت مملکت تلف گردید ، وخونهای بسیار درراه هیچ وپوچ برزمین ریخته شد ، وفقروبی چیزی روزبروز بیشتر گردید و دودستگی ونفاق واختلاف بین افراد مملکت ریشه دوانید ، وگروه بسیاری از مردم شرافتمند از هستی ساقط گردیدند ، ودرعرض عده ئی ازعناصر گمراه وخائن وبی شخصیت صاحب ثروتهای فراوان شدند ، وافراد ماجراجو وآشوب طلب ورجاله جانشین رجال نیکنام مملکت گردیدند وبرمقدرات مردم حکومت کردند ،وریشه ایمان ودین ومعتقدات مذهبی راسست ساخته ونسبت بمقدسات ملی همه گونه اهانت را روا داشتند .

بدین ترتیب دوسال ونیم حکومت دکتر مصدق علاوه برآنکه بنفع مملکت تمام نشد ، موجب گردید مردم نسبت باوضاع چنان بدبین شدند که دیگر کسی حاضر نیست باین آسانی وقت وعمروهستی خودرا در راه وعده ووعید این و آن فدا ساخته ، ودست بعمل مثبت بزرگی بزنند .

باآنکه دراین مدت اعلیحضرت همایونی ، برای بارور شدن درخت نهضت ملی ایران همه گونه گذشت وفداکاری را نموده ، وصبروبردباری عجیبی ازخود نشانداده اند ،دولت سابق کار را بجائی کشاند که نزدیك بود رژیم مشروطهٔ سلطنتی

بکلی ازاین کشوررخت بربندد ، ومملکتی که‌مدت ۲۵۰۰ سال بااصول سلطنتی وپادشاهی اداره‌میشد ، بصورت یك‌مستعمرهٔ سرخ درآید .

بنابراین‌اگر دکتر مصدق سوء نیت نداشته‌لااقل مردی‌منحرف وخطاکار است که براثر اشتباهاتی که مرتکب گردید ، زیان‌بزرگی بملت و مملکت وارد آورد که‌سالها وقت‌لازمست‌تازیانهای حاصله ازدوران حکومت اوجبران گردد.

علیاحضرت ملکه پهلوی

روزششم اردی‌بهشت ماه‌سال ۱۲۷۸ درخانوادهٔ مرحوم تیمورخان میرپنج دختری‌پابعرصه‌وجود نهاد که‌نام‌اورا تاج‌الملوك نهادند .

تاج‌الملوك دوران کودکی رادردامان‌پراز مهرومحبت‌پدرو مادر گذراند وچون مادرو پدرعلاقه بسیاربشعائر دینی ومذهبی‌داشتند دخترخودرانیز تشویق بفراگرفتن اصول‌دینی ومذهبی‌نمودند .

دردوران کودکی همانطورکه درآنزمان مرسوم بود معلم خصوصی برای تعلیم‌تاج‌الملوك تعیین گردید ومشارالیها بآموختن کلام‌الله مجید و شرعیات و ادبیات فارسی پرداخت .

صفات وسجایای‌عالی تاج‌الملوك وحس‌رحم وشفقت وزیردست نوازی و نوع پروری‌او ازهمان‌اوان توجه‌عموم اطرافیان راجلب کرد وهمه‌راوادار بتکریم و تمجیدنموده بود.

چندی‌بعد درتاریخ ۱۵رجب سال ۱۲۹٤ شمسی رضاخان پهلوی یکی از صاحبمنصبان جوان‌ورشید که‌اغلب‌اوقات عمرخودرا در جنگها گذرانده بود از تاج‌الملوك خواستگاری کرد و تیمور خان میرپنج که مراتب شجاعت و ازخود گذشتگی‌این‌صاحبمنصب جوان‌ودلیر را شنیده بود باکمال میل ورغبت دختر گرانمایهٔ خود را بعقد ازدواج او آورد .

تاج‌الملوك‌درتمام‌ایامی که رضاخان پهلوی‌درراه‌خدمت‌بمیهن‌مشغول بودو درصحراهاو کوهها درراه‌حفظ استقلال‌ایران‌جانبازی‌میکرد،صمیمانه‌ترین یار و یاور همسر شجاع وفداکارخودبود . درعین‌حال به‌پرورش وتعلیم فرزندان خود



علیاحضرت ملکه ایران (پهلوی)

اشتغال داشت . اطفال رضاخان پهلوی و بانو تاج الملوك تاقبل از سلطنت به ترتیب عبارت بودند از:

شمس پهلوی، محمدرضا پهلوی ، اشرف پهلوی ، علیرضا پهلوی.

پس از آنکه رضا خان پهلوی بمقام سردار سپهی و وزارت جنگ و بعد بریاست وزراء و بالاخره بسلطنت ایران رسید و بانو تاج الملوك ملکه ایران گردید، همواره صفات و سجایای عالی گذشته را حفظ نمود و حتی بواسطه مقام و موقعیت خاص خود بیش از پیش بکمك و مساعدت مردم بینوا و مستمند میپرداخت و ورزید.

علیاحضرت ملکه هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در نخستین سال های سلطنت ، سخت گرفتار مهام امور مملکت بود ، او با نهایت صمیمیت و دلسوزی بشاهنشاه بزرگ ایران کمك میکرد و فرزندان او را در دامن پرمهر و محبت خود ببهترین وجهی تربیت می نمود و روح ایمان و خداپرستی و دل های پاك و بی آلایش آنان می دمید.

در سال ۱۳۱٤ که اعلیحضرت رضاشاه نهضت بانوان را در ایران عملی ساخت، نخستین زنی که چادر از سر برداشت و سرمشق طبقهٔ زنان این کشور گردید، علیا حضرت ملکه پهلوی بود.

هنگامیکه والاحضرت محمدرضا شاه پهلوی ولیعهد ایران در سویس بکسب علم و دانش مشغول بود ، بطور غیر رسمی مسافرتی بآن کشور کرد و از فرزند والا گهر خود دیدن نمود.

پس از آن نیز چند بار دیگر مسافرتهائی بکشورهای اروپا کرد. علیا حضرت ملکه ایران همواره از دور و نزدیك مراقب اعمال فرزندان خود بود، و همیشه در کارها آنها را راهنمائی می نمود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ که اعلیحضرت رضاشاه پهلوی مجبور بجلای وطن گردید علیاحضرت ملکه شاهنشاه را تامرز بدرقه نمود و از آنجا بنابدستور اعلیحضرت رضا شاه، چون شاهنشاه جوانبخت ایران تنها بود، ملکهٔ ایران مجدداً بتهران باز گشت.

درآنروزهای سخت ودشوار ومحنت‌زا که غم‌واندوه ازهمه طرف برای ملت می‌بارید و پادشاه بیست‌ودوساله ایران یکه وتنها مواجه بابزرگ ترین حوادث ووقایع مهم‌تاریخ شده‌بود ، علیاحضرت ملکه تنها یار و غمخوار فرزند تاجدار خود بود.

درسالهای قحطی و گرسنگی که طبقه بی چیز کشور غرق در بدبختی و بیچارگی بودند و قوای بیگانه خوار بار و آذوقه آنهارا بخارج کشور حمل مینمودند ،علیاحضرت ملکه مادر بارأفت و مهربانی‌ودلسوزی خاصی بآنها کمك میکردندوغالباً بطور ناشناس بخانه‌های مستمندان وبینوایان رفته‌واز آلام آنها آگاه‌می شدند ودررفع بدبختیشان میکوشیدند.

نورخداپرستی‌وایمان بمبدأوعلاقه بمبانی دینی‌چنان قلب‌وروح علیاحضرت را روشن کرده‌بود که گوئی خداونداورا برای‌تسکین غم‌ورنج دردمندان فرستاده بود.هنوزهم صفات وسجایای‌عالی وبرجسته علیاحضرت ملکه مادر مورد تکریم‌و احترام‌عموم می‌باشد.

همین‌صفات‌وخصائل‌عالی‌بود که‌سبب گردید شاهنشاه‌ایران فرزندوالاتبار ایشان یکی‌از مهربان‌ترین وباعاطفه‌ترین پادشاهان تاریخ کشورایران شوندوباز همین روحیهٔعالی‌بود که‌سبب شدوالاحضرت شاهدخت شمس‌پهلوی و والاحضرت شاهدخت اشرف‌پهلوی بزرگترین زنان نیکوکار تاریخ جهان‌بشمارروند و هریك ریاست عالیه بزرگترین ومهمترین سازمانهای خیریه‌ایران‌رابعهده گیرند.

علیاحضرت‌ملکه بغیرازمسافرتهائی که‌باروپا کرده‌اند،غالب اوقات بعتبات عالیات وهمچنین بزیارت حضرت‌امام‌رضا(ع) وحضرت‌معصومه‌علیهاسلام میروندو روح‌وقلب‌خودرا اززیارت بقاع‌ائمهٔ اطهارتسکین‌می‌بخشند.

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

روز ٦آبان سال١٢٩٦ شمسی‌بود که در خانوادهٔ رضاخان پهلوی دختری دیده‌بجهان گشود.

این کودك نوزاد که بعدها یکی از بزرگترین و مهربانترین و نوع دوست ترین شاهزاده خانمهای ایران گردید دوران طفولیت را در دامان پرازمهر و محبت مادر خود گذراند ودرعین حال که درخانه پدری ، نزد معلمین بتعلیم وآموختن دروس مقدماتی مشغول بود ، زبانهای فرانسه و انگلیسی رانیز آموخت پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را بپایان رساند، مشغول مطالعه کتب تاریخی و ادبی ایران گردیدواز خرمن دانش خوشه ها جمع کرد . ضمناً درمواقع بیکاری به آموختن موسیقی پرداخت ودر مدت کوتاهی نواختن هارپ و پیانو را فرا گرفت .



شاهدخت شمس در طفولیت

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی دارای روحی حساس وطبعی مهربان میباشد قلب حساس وباعاطفهٔ اوممتلی ازحس بشر دوستی ونوع پروری است .

والاحضرت شاهدخت پس از آنکه زبانهای خارجی را بخوبی فرا گرفت ، آثار نویسندگان ودانشمندان مغرب زمین رامورد مطالعه قرارداد وبا فکارمردان علم ودانش باختر آشنا گردید .

اولین ازدواج

یکروزهنگامیکه اعلیحضرت فقید در کاخ مرمر باعلیاحضرت ملکه پهلوی مشغول صحبت بودند ، رشته کلام بوالاحضرت شاهدخت شمس و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی کشیده شد .

اعلیحضرت اظهارداشتند اکنونکه بچها بسن رشد رسیده اند بی مناسبت نیست که برای ازدواج آنها ، دربین جوانان باشخصیت و لایق مملکت دونفر برای آنان درنظر گرفته شود .

اینموضوع چندروز بعددر دربار شاهنشاهی باطلاع درباریان رسید ، و پس از مدت کوتاهی عکس عده ئی ازجوانان تحصیل کرده و فرزندان رجال کشور تهیه شدوازنظر اعلیحضرت همایونی وعلیاحضرت ملکه گذشت ، ودر نتیجه بین آنهافریدون جم وعلی قوام بیش از سایرین موردتوجه شاهنشاه قرار گرفت درآن موقع این دونفردرانگلستان و فرانسه مشغول تحصیل بودند . بلافاصله تلگرافی بآنان اطلاع داده شد که بایران عزیمت نمایند و پس ازآن مراسم عقد دراسفندماه ۱۳۱۵ بعمل آمد .

آنگاه آقایان فریدون جم وعلی قوام وارد دانشکده افسری شدند و پس از خاتمه خدمت در دانشکده افسری در مهر ماه ۱۳۱۶ مراسم عروسی والاحضرت شمس باآقای فریدون جم و والاحضرت اشرف باآقای علی قوام درپیشگاه رضاشاه کبیر انجام یافت .

فریدون جم درسال ۱۲۹۳ درتهران متولد گردید . تحصیلات مقدماتی رادر تهران وتحصیلات متوسطه رادرپاریس بپایان رساند . ضمنا دانشکده (سن سیر) فرانسه ودانشکده افسری ایران ودانشگاه جنگ انگلستان راطی نمود .

فریدون جم فرزند آقای محمودجم (مدیرالملك) است که چندین باربمقام وزارت وسفارت ونخست وزیری رسید مادراونیز بانوملك الزمان نواب از خانواده نواب هندی (حسینقلیخان نواب) وزیرخارجه وسفیر ایران درآلمان پس ازجنگ بین المللی اول میباشد .

این وصلت تامهرماه سال ۱۳۲۳ دوام داشت



والاحضرت شاهدخت شمس فریدون جم علی قوام
درروزعروسی

پس از از فوت شاه فقید با اجازه اعلیحضرت همایونی والاحضرت شمس و آقای فریدون جم بعلت عدم توافق اخلاقی با موافقت هم بطور دوستانه با یکدیگر متارکه نمودند .

والاحضرت شاهدخت مورد توجه خاص اعلیحضرت رضاشاه کبیر وعلیاحضرت ملکه بود، وپس از آنکه حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ رویداد ، اوباپدر تاجدار خود سوار کشتی شدودردل اقیانوس ودرمیان امواج کوه پیکر همواره یگانه مونس وهمدم اعلیحضرت رضاشاه بود .

درروزهای سخت و دشواری که سردودمان خاندان پهلوی درجزیرهٔ دورافتادهٔ
آتش زای موریس بسرمیبرد ، والاحضرت شاهدخت بامهربانیهای خود قلب دردمند



والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

شاهنشارا تسلی میبخشید ... یادداشتهای والاحضرت دربارهٔ اعلیحضرت رضاشاه هنگام جلای وطن ،و اقامت در جزیرهٔ موریس و جنوب افریقا و تشریح آلام شاهنشاه بزرگ ایران که در مطبوعات ایران بطبع رسیده ،ومادر ضمن سرگذشت رضاشاه از آنها استفاده کرده ایم نمایندهٔ روح حساس و باعاطفه این شاهزاده خانم عالیقدر ایرانیست .

در آن روزهائی که والاحضرت شاهدخت بطور موقت بنابامر پدر تاجدار خود بایران مراجعت کرد ، اثرات تنهائی وغم واندوه اعلیحضرت رضاشاه بحدی گردید که مایهٔ وحشت واضطراب همراهیان شاهنشاه شد ،واین خودنشانه شدت علاقه واس اعلیحضرت نسبت به نخستین فرزند دلبند خود میباشد .

پس از آنکه اعلیحضرت رضاشاه ،دردیار غربت چشم از جهان پوشید والاحضرت مسافرتی باروپا وامریکا کرد ومطالعات عمیقی دراوضاع بزرگترین و مترقی ترین کشور های جهان بعمل آورد ، وضمناً درآنجا معلومات واطلاعات خود را تکمیل کرد وزبان ایتالیائی رانیز فرا گرفت ، ومطالعات بیشتری در موسیقی علمی بین المللی که مورد علاقهٔ خاص والاحضرت بود بعمل آورد .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی درسال ١٣٢٤ باآقای مهرداد پهلبد ازدواج کرد واکنون صاحب دو فرزند است بنام نواب والا شهباز ونواب والا شهیار .

آقای پهلبد یکی ازجوانان تحصیل کرده وازخانواده های نجیب وقدیمی ایران میباشد که درسال ١٢٩٦ درتهران متولد گردیده وتحصیلات دورهٔ ابتدائی ومتوسطه رادر تهران بپایان رسانید وآنگاه واردد انشکده فنی شد وپس ازخاتمه دورهٔ دانشکده برای تکمیل تحصیلات باروپا و امریکا مسافرت نمود ویکی از مهندسین رشته ساختمان گردید .

آقای پهلبد بزبانهای فرانسه وانگلیسی آشنائی کامل دارد وازطرف والاحضرت شاهدخت درجمعیت شیروخورشید سرخ ایران سمت نماینده مخصوص ریاست عالیه را دارد. والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی تمام لحظات زندگی عمر خود را بیش ازهرچیز بدوچیز مصروف میدارد . یکی امورخیریه ومساعدت به بینوایان ومستمندان

و دیگری مطالعه ، والاحضرت شاهدخت از زمانیکه ریاست عالیه جمعیت شیروخورشید سرخ ایران را بعهده گرفت تشکیلات این سازمان خیریه را بمراتب وسیع‌تر از سابق کرد و دامنهٔ فعالیت آنرا بیشتر نمود .



آقای پهلبد با دو فرزند خود شهریار و شهباز

بطوریکه اغلب اوقات هنگام بروز حوادث ناگوار جمعیت شیروخورشید سرخ بیاری آسیب‌دیدگان میشتابد، چنانکه تا کنون بهنگام بروز زلزله وجریان سیل وحریق وحوادث ناگوار دیگر درشهرهای مختلف ، جمعیت شیروخورشید سرخ کمك های بسیار گرانبهائی بمردم آسیب دیده نموده .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی علاوه برریاست جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران ، ریاست افتخاری موسیقی کشور ، وریاست افتخاری انجمن هنرمندان

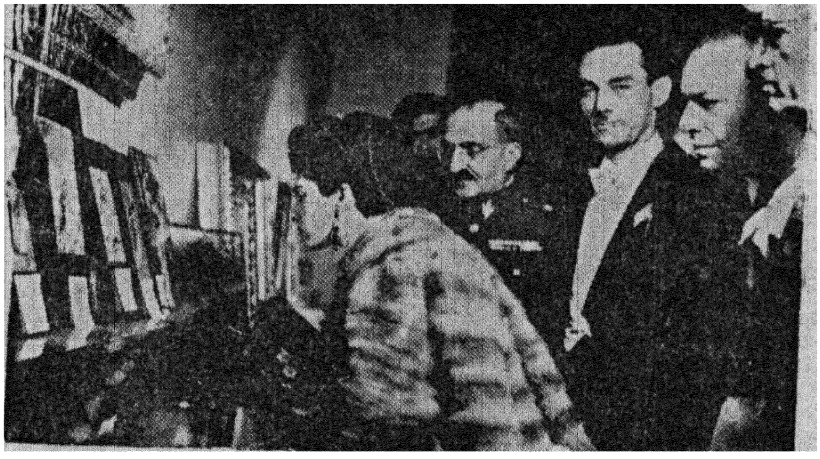

والاحضرت شاهدخت ازتاباوهای نئیس بازدید و تیمسار سرتیپ معیری توضیحات لازم بعرض میرساند

ایران را بعهده دارد، ودراثر زحمات وخدماتی که در راه کمك بآسیب دیدگان وتوسعه تشکیلات شیروخورشیدسرخ انجام داد بدریافت نشان عالی صلیب سرخ سوئد موفق گردید .

همچنین بنگاه نیکوکاری تحت ریاست والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی دراسفند ماه ۱۳۲۱ تشکیل گردید ، والاحضرت برای تأمین مخارج اولیه این بنگاه مبلغ یك میلیون ریال ازدارائی شخصی اهداء نمود ودرنتیجه اولین قدمی که این بنگاه بمنظورفوق برداشت . تأسیس بیمارستان کودکان بود که تاآن تاریخ در ایران سابقه نداشت . بتدریج بر اثر مساعدتهای اعلیحضرت همایونی تشکیلات بیمارستان مزبور وسعت یافت ودرنتیجه گروه انبوهی از کودکان بینوا

که‌همه ساله براثرابتلاء به بیماریهای گوناگون تلف‌می‌شدند ، ازچنگال مرگ، نجات یافته وجوانان برومندی برای کشور بار میآیند .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی چندی پیش مسافرتی باروپا وامریکا کرد، وازمؤسسات خیریه وصلیب سرخ کشورهای‌خارجی دیدن نمودودرمراجعت ملاقاتی باژنرال فرانکو رئیس دولت وزمامدارا سپانیاودخترا و کرد .



آقای پهلبدوالاحضرت شمس‌همسرژنرال فرانکو رئیس‌تشریفات‌فرانکو
ژنرال فرانکو دختر فرانکو

والاحضرت شاهدخت‌امروزه مورداحترام قاطبهٔ اهالی کشور میباشند . و عموم ایرانیان ایشان را بواسطه صفات و سجایای عالی و احساسات بشر دوستی میستایند و از صمیم قلب بایشان احترام میگذارند .



جناب آقای پهلبد همسر والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سپیده دم روز ٤ آبان سال ۱۲۹۸، هنگامیکه خورشید ازافق خاور طلوع



میکرد، درخانوادهٔ پهلوی نیز دوستارهٔ درخشان طلوع نمودند ودیدگان پدر ومادروافراد خانوادهٔ خود را روشنی بخشیدند.

گوئی پنجهٔ تقدیر برای این دو کودك نوزاد که توأمان پابجهان نهاده بودند سرنوشت مشابهی تعیین کرده و آنها را برای تغییرات شگرفی در زندگی یك



والاحضرت اشرف با برادر تاجدارش پهلوی دوم و شاهدخت شمس پهلوی و شاهپور علیرضا

والاحضرت اشرف در طفولیت

ملت کهنسال مأمور کرده بود.

درآنموقع هیچکس تصور نمیکرد که این پسرو دختر روزی نقش مهمی درتاریخ ایران ایفا کرده وتحولات عظیمی دراوضاع زندگی پانزده میلیون ایرانی ایجاد خواهند نمود و ازخدمات خود نام خویشتن را در جهان بلند آوازه خواهند ساخت.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از دوران کودکی آثار هوش و فراست در چهره‌اش نمودار بود و بیش ازسایر کودکان

تلاش میکرد و بازیهای گوناگون می پرداخت والاحضرت تحصیلات مقدماتی خود را در خانه فرا گرفت و به زبانهای خارجی و ادبیات و تاریخ ایران و جهان آشنا شد.

ازدواج

بطوریکه قبلا گفته شد ، پس از آنکه اعلیحضرت فقید و علیاحضرت ملکه پهلوی تصمیم گرفتند که والاحضرت شاهدخت ها ازدواج نمایند ، در بین عکسهائی که از فرزندان رجال کشور به پیشگاه شاهنشاه آورده شد آقای علی قوام را

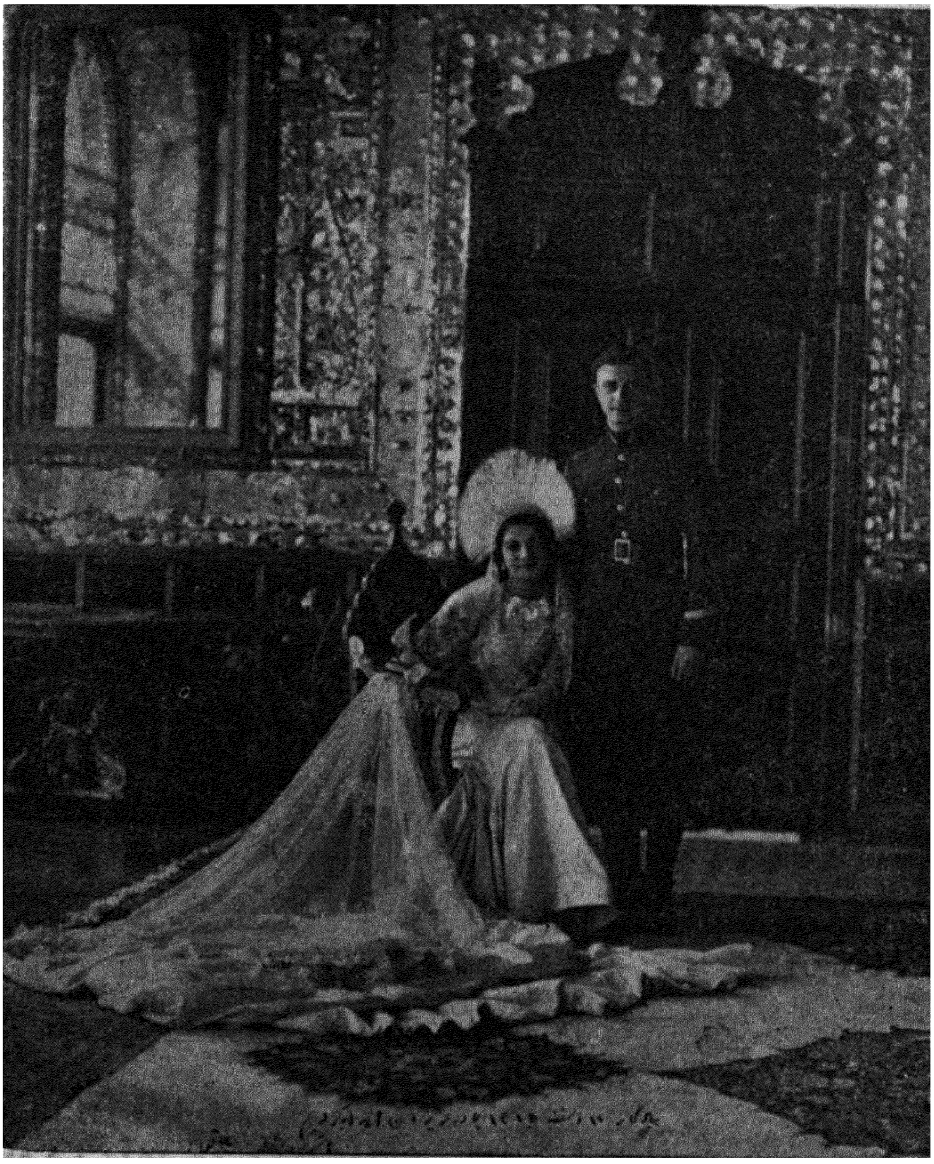

والاحضرت شاهدخت اشرف درجشن همسری با علی قوام

برای ازدواج باوالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی هترازدیگران تشخیص دادند.

ازاین روپس ازآنکه تلگرافی آقای علی قوام بتهران دعوت شد ، مراسم عقدایشان باوالاحضرت اشرف دراسفند ماه ۱۳۱۵ ومراسم عروسی پس ازخاتمه خدمت دردانشکده افسری درمهر۱۳۱٦ انجام یافت .

زندگی زناشوئی والاحضرت اشرف باآقای قوام نیزدیری نیافید ،وچون اختلاف سلیقه درزندگی یکدیگرمشاهده کردندازاین رودرسال ۱۳۲۲ ،هنگامیکه اعلیحضرت فقید دورازخاك وطن درژهانسبورگ بسرمیبردند ، والاحضرت اشرف مسافرتی بمصروازآنجابه ژهانسبورگ کردند وپس ازجلب موافقت اعلیحضرت فقید درباره جدائی از آقای علی قوام بتهران مراجعت کرد ، وسپس بایکدیگر متارکه نمودند.

آقای علی قوام فرزند قوام الملك شیرازی ازرجال مشهورومتنفذایرانست که درسال ۱۲۹٤ درشیرازمتولد گردید . تحصیلات ابتدائی ومتوسطه اونیزدر شیرازانجام یافت . بعد برای ادامهٔ تحصیل بانگلستان عزیمت نمودودردانشکده اکسفوردلندن بتحصیل پرداخت . سپس بتهران آمد وپس از انجام مراسم عقد باوالاحضرت اشرف دوره دانشکده افسری ودانشگاه جنگ رانیز با موفقیت بپایان رساند .

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیزازاوان طفولیت علاقه خاصی بامور خیریه وتأمین رفاه وآسایش مردم داشت . اعلیحضرت رضاشاه کبیربهمین جهت علاقهٔ خاصی نسبت بوالاحضرت داشت ودرعکسهائیکه چه درزمان سلطنت وچه قبل ازآن برداشته شده ،همواره آثارمحبت شاهنشاه نسبت بوالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نموداراست .

هنگامیکه اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی زمام امور کشوررابدست گرفت والاحضرت برای کمك به برادرتاجدارخود قدم پیش نهاد وازطرف اعلیحضرت همایونی به نیابت ریاست عالیه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی منصوب گردید.

انجمن خیریه وآموزشگاه پرستاری بهمت شاهدخت اشرف پهلوی تأسیس شد. والاحضرت در پیشرفت کار و توسعه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مجاهدت بخرج داد بطوریکه این سازمان امروزه بزرگترین خدمت را به بینوایان وطبقهٔ بی چیز کشور مینماید .



والاحضرت همیشه اوقات با رأفت و مهربانی اطفال یتیم ومستمند را خشنود و خرسند می نماید

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در فروردین ماه سال ۱۳۲٦ شمسی بفرمان اعلیحضرت همایونی تشکیل یافت وهدفهای عمده آن بشرح ذیل تعیین گردید:

۱ ـ تأمین بهداشت عمومی .

۲ ـ مبارزه باتکدی وولگردی .

۳ ـ تعمیم آموزش وپرورش .

٤ ـ اقدام بسایر امور اجتماعی

سازمان شاهنشاهی اکنون تقریبا درسراسر نقاط کشور درمانگاههای متعدد

ایجاد نموده و بمعالجه بیماران می پردازد . یکی ازمؤسسات بسیار سودمند سازمان کانون کارو آموزش است که در دوسال اول تأسیس خود بیش از شش هزار نفر گدا و ولگرد را در پایتخت جمع آوری نموده و پس از معالجه اغلب آنها بتعلیم و تربیت این گروه بدبخت و بینوا پرداخت.

ازصدر مشروطیت تا کنون این نخستین بار بود که چنین مؤسسه بزرگ خیریه اجتماعی تشکیل گردید و بجمع آوری گدایان که در کوچه‌ها و خیابانها پراکنده بودند و مایهٔ ننگ ملی بشمار میرفتند مبادرت ورزید .

برنامه کار کانون آموزش علاوه برخواندن و نوشتن آموختن یك یا دو صنعت از قبیل نجاری، آهنگری ،حلبی ساری ، توربافی ، نقاشی ، کفش‌دوزی، نساجی زیلو بافی و قالیبافی و صنعتهای دیگر میباشد .

اقداماتی که تا کنون سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بعمل آورده عبارت است از :

۱ - ازمحل درآمد روز سازمان در سال ۱۳۲۷ سالانه بیکهزار تن نوآموز دبستان و ماهانه بسیصدوده تن دانش آموز دبیرستان و یکصدو بیست و پنج تن دانشجوی پزشکی و دانش‌سرای عالی در سراسر کشور از آغاز مهرماه ۱۳۲۸ کمك هزینه تحصیلی پرداخته شده است .

۲ سه‌هزار و پانصدتن زن و مرد و کودك مستمند و عاجز و ولگرد تهران در کانون کارو آموزش سازمان نگهداری می شود ودرآموزشگاه و کارگاههای آنجا درس میخوانند و کار میکنند .

۳ - آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی ، بزرگترین آموزشگاه نوع خوددر خاورمیانه میباشد با بیمارستان مجهز یکصد تختخوابی و وسائلی که دارد ، هرسال درحدود شصت پرستار کارآزموده و زبردست بجامعه تحویل میدهد .

٤- هرماه درحدود یکصدهزار تن از مستمندان بیمار به ۱۵ درمانگاه سازمان در تمام نقاط کشور ، از کرانه رودارس تا ساحل خلیج فارس مراجعه میکنند و برایگان معاینه ومعالجه میشوند .

٥ - پنج شعبه کمك بمادران و کودکان در پنج نقطه تهران هر ماه بامور معیشت بالغ بر یکهزار خانواده بینوا رسیدگی و آنهارا یاوری میکنند.

٦- دوهزار و پانصد تن دانش آموز دختر و پسر بی بضاعت هرسال لباس عید خودرا از سازمان شاهنشاهی دریافت میدارند.

٧-همه ماهه کمکهای مؤثر و مستمر بعدهٔ از بنگاههای خیریه و در مواقع ضروری مساعدتهای مالی مؤثر بآسیب دیدگان حوادث و سوانح ، نقاط مختلف کشور بعمل می آید.

٨- همه ساله درزمستان کمکهائی بخانواده های مستمند می شود .

٩ -مبارزه باماالاریا در بلوچستان بوسیله گرد پاشی با د-د - تا انجام گرفت ومؤثر واقع شد.

١٠- مبارزه باتراخم در دزفول از لحاظ اصلاحات شهری و درمان مبتلایان بوسیله هیئتهای اعزامی ادامه دارد.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی درسال ١٣٢٥ مسافرتی بکشور اتحاد جماهیر شوروی نمود ودر آنجا سازمانهای بهداشتی آنکشور را دید.

در سال ١٣٢٦ در کنفرانس زنان که در شهر فیلادلفی امریکا منعقد گردید حضور یافت و درباره ایران ،مخصوصاً پیشرفتهائی که نصیب زنان ایرانی شده است سخنرانی مؤثری ایراد کرد ضمناً باپرزیدنت ترومن رئیس جمهوری امریکا ملاقات نمود.

والاحضرت شاهدخت اشرف باتفاق خواهر خود والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی مسافرتی بهندوستان کردند و نمونهٔ بارزی از پیشرفت بانوان در ایران بودند.

والاحضرت اشرف پهلوی درمسافرتی که برای بازدید مؤسسات خیریه و امور اجتماعی وصلیب سرخ امریکا به آنکشور نمود ،دربین راه بترکیه رفت و در آنجا باجمعی از رجال برجسته کشور همسایه ملاقات نمود.

پس از آنکه وارد امریکا شد و با رئیس جمهوری و سایر رجال عالیقدر اتازونی ملاقات کرد روزنامه های امریکا مطالب مبسوطی دربارهٔ روحیات و خصائص

این شاهزاده خانم زیبای ایرانی انتشار دادند و از صفات و اخلاق و شجایای برجسته او ستایش نمودند.

والاحضرت پس از پایان مسافرت خود در امریکا بسوی انگلستان عزیمت کرد و در آنجا یکروز مهمان پادشاه وملکه انگلستان ووالاحضرت الیزابت بود

والا حضرت شاهدخت مدتی با خانوادهٔ سلطنتی انگلیس بسر بردند و شاه وملکه انگلیس از وطن پرستی و برد باری شاهنشاه ایران ستایش کردند ومخصوصاً جرج پادشاه انگلیس گفت، والاحضرت برادر رشیدی دارید، شما را بداشتن چنین برادر و پادشاهی تبریك میگویم».

والاحضرت پس از بازدید آثار تاریخی انگلستان بسوی فرانسه عزیمت کرد ودر آنکشور با رئیس جمهوری ووزیر امور خارجه فرانسه ملاقات نمود ومهمانیهای مجللی بافتخار ایشان داده شد. آنگاه ازراه ایتالیا وترکیه بسوی ایران عزیمت کرد.



والا حضرت اشرف در انگلستان

والاحضرت هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی درجنوب افریقا اقامت داشت

مسافرتی نیز بآن سامان کرد واعلیحضرت پدرخودرا درآندیار دیدونیزاز کشور فراعنه وسرزمین اهرام دیدن کرد.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی باغلب نقاط ایران نیز مسافرت کرده واز نزدیك وضع زندگی طبقه مستمند و بینوارا دیده و ازآنها دلجوئی نموده ولی بزرگترین مسافرت مشارالیها در داخلهٔ کشور، مسافرتی بود که والاحضرت پس ازنجات آذربایجان بزنجان واز آنجا بگیلان کردومورداستقبال باشکوه وبی نظیراهالی قرار گرفت.

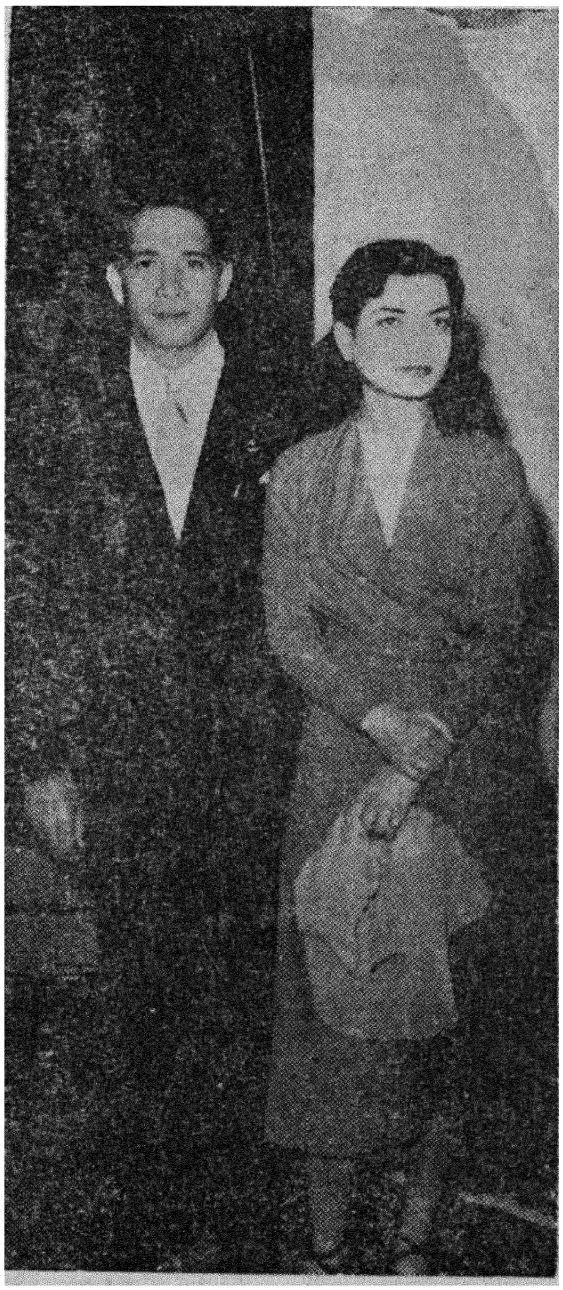

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی چون تمام اوقات خود راصرف رسیدگی بامورخیریه و امور اجتماعی مینماید، باینجهت کمترفرصت ومجال آنرادارد که بامور شخصی خود پردازد وبدین ترتیب تمام عمر وحیات او صرف خدمت بمردم گردیده است.

والاحضرت شاهدخت درسال ۱۳۲۲ بآقای احمدشفیق که یکی از جوانان لایق و کاردان و تحصیل کرده است ازدواج نمود.

آقای احمد شفیق اکنون بازرس عالی وزارت راه را بعهده داردو بزبان های انگلیسی، فرانسه، عربی، فارسی آشنائی داردو لیاقت و کاردانی مشارالیه مورد تکریم و تمجید نزدیکان ایشان میباشد.

والاحضرت شاهدخت اشرف با آقای احمد شفیق

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی اکنون دارای دو فرزند است که اولی نواب والا شهرام فعلا درسویس مشغول تحصیل وبیش از ١٤ سال ندارد و دومی نواب والا شهریار نه ساله که درتهران نزد شاهدخت بسرمیبرد. خدمت بزرگ و

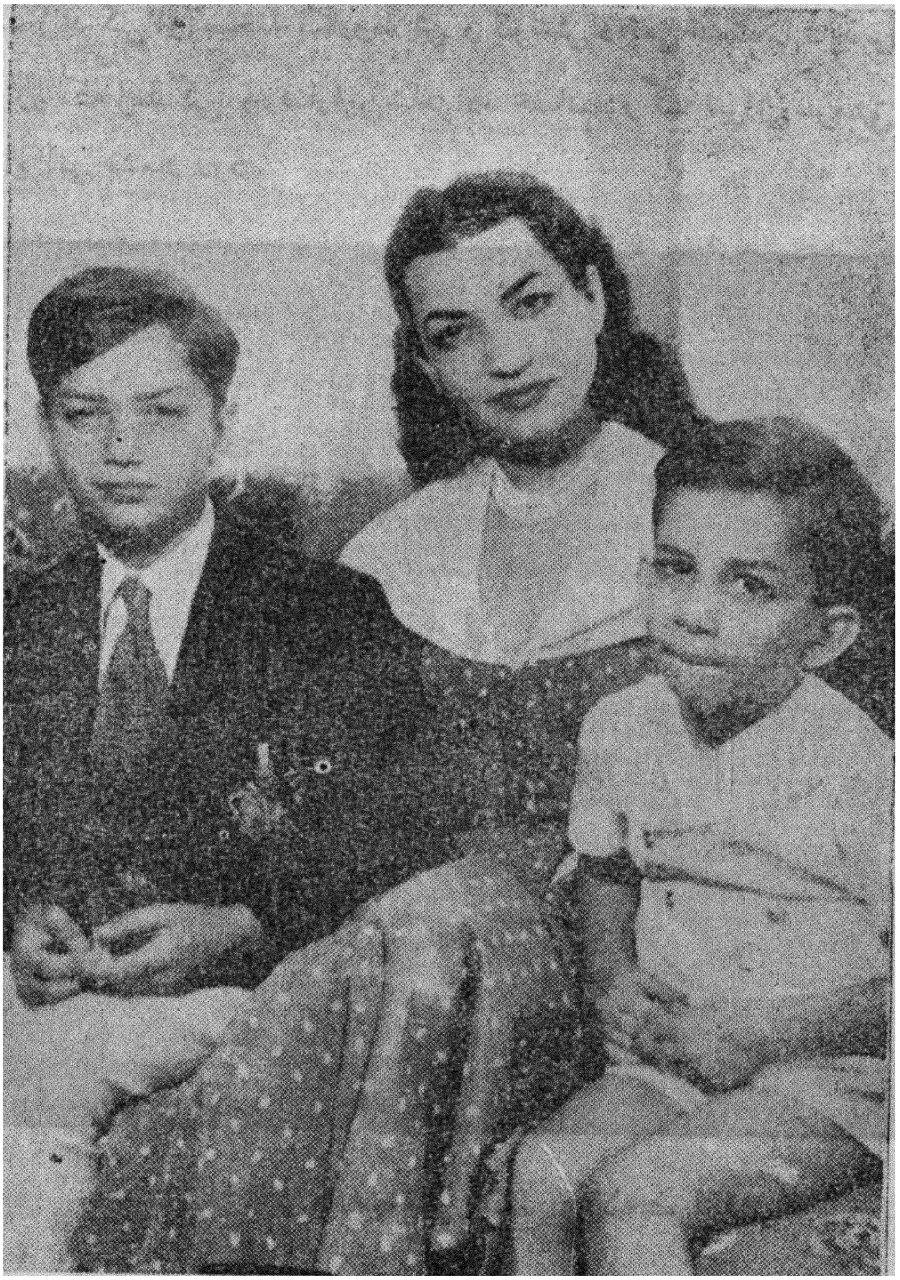

والاحضرت شاهدخت با دوفرزند خود شهرام و شهریار

برجسته والاحضرت سبب گردید که ازطرف مجامع مهم خیریه بین‌المللی از طرف کشورسویس نشان (نایتینگل) و همچنین ازطرف دولت اتحاد جماهیر شوروی دونشان بنام (صلیب سرخ) ونشان بزرگ مملکتی (سرخ) بایشان اهدا گردید.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نمونهٔ بارزیك زن برجسته عالم زنان میباشد زندگی اوآمیخته بکاروتلاش وکوشش دائمی خستگی ناپذیراست و جای آن دارد که زندگی ورفتاراین شاهزاده خانم بزرگ ایرانی سرمشق برای کلیه زنان ایرانی بشمار رود.

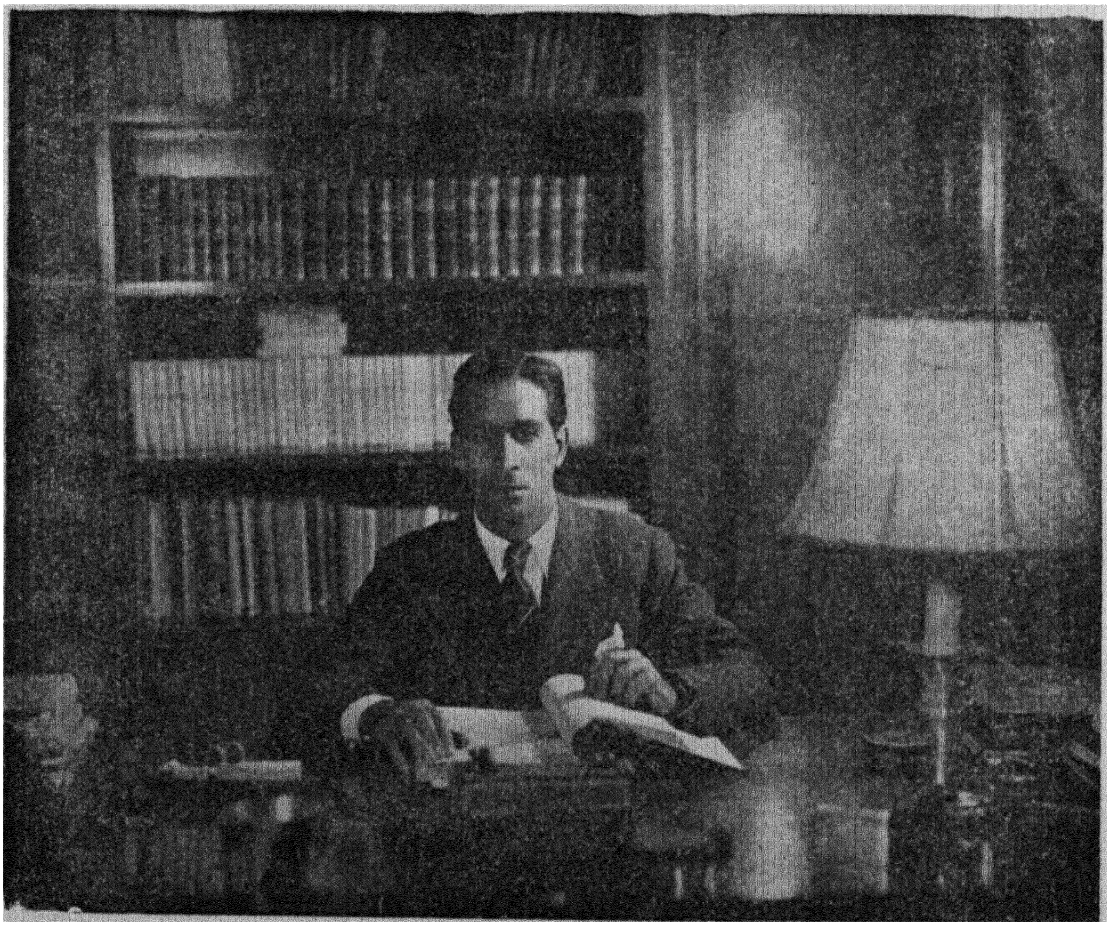

جناب آقای احمد شفیق همسر والاحضرت اشرف

والاحضرت شاهپور علیرضا

در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۰۱ ، درآن دورانی که شرق وغرب، وشمال وجنوب ایران درآتش هرج ومرج وناامنی میسوخت ،وسردارسپه با سینه گشاده درمیدان های جنك مشغول قلع وقمع دشمنان استقلال و آزادی ایران بود ، کودکی پا بعرصهٔ وجود گذاشت که مایهٔ سرور وشادمانی خاندان جلیل پهلوی گردید

شاهپور علیرضا پهلوی، پسردوم اعلیحضرت رضاشاه کبیروعلیا حضرت ملکه مادر ، از دوران کودکی دارای شخصیت ونبوغ فکری خاصی بود، و مخصوصاً در ادواری که به تحصیل اشتغال داشت همواره مورد توجه دبیران واستادان خویش قرار داشت و شخصیت بارز و هوش و استعداد فوق العاده خود رابهمهٔ دانش آموزان نشانداد .

والاحضرت شاهپورعلیرضادردبستان نظام تاکلاس چهارم ابتدائی مشغول تحصیل بود ، وآنگاه برای ادامهٔ تحصیلات خود در ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۰ عازم اروپا گردید ومدت پنجسال در «لوزان» مشغول تحصیل بود .

درمدت اقامت خود درسویس والاحضرت استعدادوقریحهٔ سرشار خود رادر کلیهٔ فنون باستادان ودانش آموزان بیگانه نشانداد وموجبات تحسین وتمجیدعموم را فراهم ساخت ، بعلاوه درورزشهای گوناگون نیز ابراز علاقهٔ بسیار کرد و در اغلب آنها مهارت کامل یافت .

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۵ بایران بازگشت وتاسال ۱۳۱۸ در دبیرستان نظام بتحصیل اشتغال داشت ، ودرشهریورماه این سال باموفقیت کامل دورهٔ دبیرستان را بپایان رساند ووارد دانشکده افسری شد .

چون استعداد وهوش فوق العاده والاحضرت مورد توجه عموم استادان واقع گردید ، ودر کلیهٔ دورس موفق باخذ نمرات عالی شد، ازاینرووزارت فرهنگ بپاس موفقیت های ایشان یك قطعه نشان عملی درجه اول باین شاهزاده عالیقدر تقدیم کرد .

درشهریورماه ۱۳۱۸ پس ازورود بدانشکده افسری باکمال جدیت مشغول

فرا گرفتن تعلیمات نظامی شد و بدون آنکه کوچکترین رحجانی با سایر دانشجویان برای خویش قائل شود ، دوش بدوش آنها فنون مختلف نظامی را آموخت و با دقت و پشتکار و انضباط کامل از کلیهٔ مقررات پیروی نمود ، بطوریکه علاقمندی ایشان برعایت مقررات وحفظ انضباط سبب شد که عموم ازرویه مشارالیه درانجام تکالیف نظامی ستایش نموده واو را نمونهٔ بارز یك سرباز واقعی و از خود گذشته دانستند .

درشهرماه ۱۳۲۰ درهمان دورانی که ایران در آستانه یکی از بزرگترین تحولات تاریخی قرارداشت ،ودرمرزهای ایران جوش وخروش عجیبی برپا بودو نیروهای دول بیگانه آماده حمله و هجوم بخاك ایران بودند ، در همان هنگام والاحضرت دانشکدهٔ افسری را باموفقیت کامل وبی نظیری بپایان رساند، و از طرف پدر تاجدار خود بدرجهٔ ستوان دومی مفتخر شدو بدریافت یك قطعه نشان در جه یك افتخار نائل گردید .

در افریقای جنوبی

سوم شهریورماه ۱۳۲۰ فرارسید. مرزهای ایران مورد تجاوز نیروهای انبوه ومجهز دو کشور بزرك ونیرومند جهان گردید، وباآنکه سربازان غیورایرانی برای هرگونه جانبازی آماده بودند معهذا بنا بفرمان اعلیحضرت فقید که همیشه آرزومند سعادت ملت ایران بودند از مقاومت دست کشیدند تا جوانان و مردانی که سالها برای تربیت آنها زحمت کشیده شده بود، وشهرهای آبادیکه یك عمر برای آبادی آنها تلاش بعمل آمد از بین نروند و ایران بگورستان ویرانه‌ای مبدل نشود .

پس ازورود قوای بیگانه بخاك ایران وغیرعادی شدن اوضاع کشور وعهد شکنی دولت‌های بزرگی که خودرا همواره مدافع استقلال وآزادی ملل کوچك معرفی میکردند، روز ۲۳ شهریور ۱۳۲۰ اعلیحضرت رضاشاه کبیربا افراد خاندان جلیل پهلوی خاك ایران راترك کردند، والاحضرت شاهپور علیرضا نیزدر التزام رکاب پدر تاجدار خود بود.

والاحضرت در آن روزهای تیره و تار که ایران تاریکترین دوران حیات خودرا طی میکرد، ودنیانیزدرشراره های جنك عالمسوزمیسوخت، مدتی درافریقای جنوبی وپس ازآن بقاهره عزیمت کرد وسرانجام در۱۱دیماه ۱۳۲۳ یعنی سه سال پس ازترك خاك میهن برای تکمیل تحصیلات نظامی از قاهره بطرف فرانسه رهسپار گردید.

یك سردار ایرانی در جبهه غرب

درآن روزهائیکه خونین ترین پیکارهای تاریخ دردشتهای وسیع روسیه جریان داشت، ونیروهای قهارآلمان دریك جبههٔ دوهزار کیلومتری شب وروزمشغول جنك وستیز بودند، ناگهان هزاران کشتی وهواپیمای جنگی ازدریای مانش گذشته ودیوار آتلانتیك راشکافته، ورسماً جبههٔ دوم رادرباخترارو پاایجاد کردند.

درهمین هنگام که اروپاوارد صحنهٔ جدیدی ازتاریخ خودمیشد، وبزرگترین پیکارهادرزمین ودریاوهوابین نیروهای آلمان وقوای متفقین درمغرب فرانسه جریان داشت. والاحضرت شاهپورعلیرضا درستاد ارتش یکم فرانسه، که تحت فرمان ژنرال «دولاتردوتاسینی» بودمشغول کارشد، وتحت نظرمستقیم ژنرال مزبور که ازافسران بزرك وعالیقدر فرانسه بشمارمیرفت مشغول آموختن تعلیمات نظامی گردید وپس از طی دانشکده تکمیلی «روفاك» که درآن هنگام درپشت جبههٔ ارتش یکم فرانسه تشکیل شده بود، درلشگرچهار کوهستانی مراکش رسماً مشغول خدمت شدووارد صحنه های خونین جنك عالمگیر گردید.

آنگاه درلشگریك پیاده وپس ازآن در لشگر پنج موتوریزه ارتش یکم، و سپس درستاد سپاههای اول ودوم مشغول بکار شد ودرتمام میدانهای جنك وعملیاتی که بوسیله ارتش های فرانسه وامریکادرمشرق فرانسه ودرسواحل رود «رن» وداخل خاك آلمان صورت گرفت وبالاخره منجربحمله متفقین ببرلن شد شرکت داشت، و تمام صحنه های بزرگترین پیکارهای جهان رابچشم دید وتجربیات نظامی کافی اندوخت بطوریکه تاکنون برای هیچیك ازافراد ایرانی این موفقیت بزرك سابقه نداشته است.

والاحضرت از کلیهٔ مشاهدات خود درجبهه های جنك یادداشتهای بسیار گرانبهائی تهیه کرد که هم‌ازلحاظ نظامی وهم ازنظرتاریخی بی‌نظیراست .

شهامت وازخودگذشتگی وفداکاری والاحضرت درصحنه‌های خونین جنك سبب شد که یکی‌ازبزرگترین ژنرالهای فرانسوی ژنرال «دولاتردوتاسینی» بانظر اعجاب وشگفتی به‌نبوغ نظامی‌ایشان نگریسته ونظرهمکاران وافسران عالیقدر فرانسوی راباستعداد فوق‌العاده این شاهزادهٔ ایرانی درمسائل نظامی جلب کرد.

ژنرال مزبوریکروزبافسران ارشد فرانسوی گفت :

«پرنس علیرضای پهلوی یکی‌ازسرداران بزرك جنك‌اخیراست که لیاقت و استعداد نظامی‌خود را درجبهه‌های جنك بخوبی‌نشانداده وبرای میهن‌خود غنیمت بزرگی بشمارمیرود.»

والاحضرت پس‌ازپایان جنك درواحدهای جدیدالتاسیس و دوائرتدارکاتی ارتش فرانسه مشغول مطالعه و بررسی گردید وبا افسران داوطلب در دورهٔ ششم ستاد دانشگاه جنگ فرانسه درآلمان‌اشغال شده وهمچنین در سواحل جنوبی فرانسه مشغول کارآموزی گردیده‌ودرواحدهاوستادهای مختلف‌دومارسی‌وشربورك بتکمیل اطلاعات نظامی پرداخت.

پس‌ازطی عالیترین‌مدارج نظامی‌چه درصحنه های پیکار،وچه دربزرگترین دانشگاهها ومؤسسات دنیادر ۱۹ فروردین ۱۳۲٦ برای دیدن خاك میهن عزیزبه ایران بازگشت .

امتیازات و نشانها

هنگامیکه‌والاحضرت شاهپورعلیرضابایران‌مراجعت کردباسرمایهٔ گرانبهای معنوی خود تصمیم‌بخدمت درراه میهن‌عزیز گرفت ، همان‌میهنی که‌باجبارو براثر اوضاع جنگ شش‌سال مجبوربدوری‌ازآن گردید .

امتیازاتی که والاحضرت درفنون ومسائل نظامی نوین مخصوصاً پیاده‌نظام وواحد های‌مکانیزه وموتوریزه گردیدواطلاعات ومعلومات‌علمی‌خودرا باتجربیات وسیعی‌در میدانهای جنگ‌آمیخته ونتیجه‌بسیار گرانبهائی‌ازآن‌بدست‌آورد .



والاحضرت شاهپور علیرضا

والاحضرت ازطرف برادرتاجدارو کامکار خود بعنوان "بازرس عالی ارتش و بازرس ویژه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درتشکیلات نظامی منصوب گردیدو تاکنون نیز این سمت را دارامیباشد .

نشانها و امتیازاتی که والاحضرت تاکنون بدست آورده است عبارت است از:

نشان علمی درجه یك ازوزارت فرهنگ	دوتاریخ اول شهریور ۱۳۱۸
نشان افتخار درجه یك	« « « ۱۳۲۰
نشان لیاقت درجه دوازنوع اول	« « فروردین ۱۳۲۸
آجودانی مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی	« ۲٤ خرداد ۱۳۲۷
نشان حسین بن علی باحمایل	« در ۱۳۲۸

نشان اخیر یعنی نشان حسین بن علی باحمایل که عالیترین نشان مخصوص خاندان سلطنتی کشورهاشمی اردن است ،هنگام مسافرت ملك عبدالله پادشاه ماوراء اردن بایران ازطرف ملك عبدالله بوالاحضرت داده شد .

والاحضرت علاوه برمشاغل نظامی وبازرسی عالی ارتش ، ریاست باشگاه شکار ایران وریاست عالی شورای فرهنگ ارتش را نیز بعهده دارد ومخصوصاً خدمات گرانبهائی بپیشرفت وتوسعه فرهنگ ارتش بعمل آورد .

صفات و سجایا

والاحضرت شاهپور علیرضا گذشته از مراتب عالی نظامی یکی ازشاهزادگان نیکنفس ودلسوز ایران بشمار میرود ، چنانکه درمسافرتهائی که اخیراً بصفحات خراسان وآذربایجان بمنظور کمك بآسیب دیدگان دره جز و مغان وسایر نواحی این دواستان کرد ، ضمن تلاشهای شبانه روزی خود دراین راه بحدی برای رفاه و آسایش آوارگان وبینوایان ابرازعلاقه نمود که حس تقدیر وستایش عموم را نسبت باحساسات وعواطف عالی خود جلب کرد ومخصوصاً این ابرازعلاقمندی درروحیه اهالی وعشایر مناطق مزبور تأثیر بسیار بخشید .

والاحضرت بزبانهای انگلیسی وفرانسه تسلط کامل دارد واین دوزبان را مانند زبان مادری خود خوب میدانند ازکار های روزانه والاحضرت اینستکه مرتبا از ازآخرین نظریات نظامی وعقاید سرداران بزرگ جهان وتحولاتی که درارتشهای

مترقی جهان روی میدهد اطلاعی کسب کرده ودراطراف آنها بمطالعه میپردازد .

ورزش یکی ازچیزهائیست که موردنهایت علاقه والاحضرت است ومخصوصاً دراسب سواری و کوه پیمائی وتیراندازی مهارت کامل دارد.

شاید بتوان گفت والاحضرت در تیراندازی کم نظیر ودراین راه شهرت جهانی دارد بطوریکه ممکن نیست حتی یك تیر مشارالیه بخطا برود وبهدف اصابت نکند.

علاقمندی والاحضرت را بشکاراغلب ایرانیان میدانندواین علاقه ازدوران کودکی درایشان وجود داشته است .

والاحضرت تاکنون چندین پلنگ شکار کرده وبارها ست بشکار حیوانات درندهٔ دیگر رفته وهمواره موجب تحسین وتمجید عموم قرار گرفته است.

صفات عالی سربازی، انضباط فکری ومعنوی، ارادهٔ متین وعزم راسخ، فعالیت وتلاش دائمی والاحضرت دراجرای منویات شاهانه درراه ترقی وپیشرفت کشور ، بازرسیهای دقیق ازاوضاع نظامی، مراقبت دربالارفتن سطح فرهنگ ارتش، توجه فوق العاده درباره آموزشهای نظامی، همه وهمه ازشخصیت برجسته والاحضرت حکایت میکند واورا نمونهٔ بارز شاه دوستی ومیهن پرستی وسرمشق بزرگی برای عموم افراد قرار میدهد.

لیاقت وکاردانی وشجاعت و کفایت والاحضرت بحدیست که هر کس در نخستین برخورد متوجه آن میشود وبدیهیست که شاهزاده ای با اینهمه صفات وسجایای عالی وبایك چنین معلومات وتجربیات نظامی که یکی از فرماندهان جنگ بزرگ عالمگیر اورا بعنوان یکی از سرداران بزرگ میشناسد، وجود بسیار گرانبهائی برای این کشور محسوب میشود وبدون شك درآینده خواهد توانست خدمات بسیار سودمندی بمیهن وهم میهنان خویش بکند.

ملکه توران

ملکه توران ، فرزند عیسی مجدالسلطنه (امیر سلیمانی) روز ۱۵ بهمن ۱۲۸۳ درتهران چشم بجهان گشود .

وقتی توران بدنیا آمد، مادرش منزه الدوله جذابیت وگیرندگی خاصی

درچهره کودکانه دختر کوچك خوداحساس کرد ، بطوریکه روز بروز برمهر و علاقه‌اش افزوده میشد .

در ششمین روز تولد او ، هنگامیکه افراد فامیل از جمله پدر بزرگش مجدالدوله برای نامگذاری جمع شدند اورا «ملکه تووان» نام نهادند .

گوئی پنجه تقدیر نیزازاوان کودکی برپیشانی او چنین رقم زده بود که بهنگام بزرگی همسر شاهنشاه ایران خواهد شد، چنانکه این امر سالهابعد جامهٔ عمل پوشید .

ملکه تووان از پنج سالگی تحت تعلیم معلمین خانگی قرار گرفت، واین کارتادهسالگی ادامه داشت .

از این پس پدرومادرش اورا برای تحصیل بدبیرستان ناموس فرستادند و ملکه تاکلاس چهارم متوسطه دراین دبیرستان بتحصیل اشتغال داشت .

در عید قربان

دراین هنگام اعلیحضرت فقید که‌درآنموقع‌وزیر جنگ بود درصدد برآمد با دختر یکی‌از رجال مملکت ازدواج کند ، برای انجام این امر صورتی شامل ۱۸۰ نفر از ازدختران معاریف‌ومشاهیر کشوررا برای وزیرجنگ آوردند وضمناً توضیح‌دادندمجدالدوله که یکی‌ازرجال‌درجه‌اول‌دربار احمد شاه بودنوه‌زیبائی دارد که بیش‌از دیگران شایسته همسری حضرت اشرف میباشد .

وزیر جنگ نیزمترصد فرصت بود تاآنکه‌روزعید قربان ، هنگامیکه کلیه وزراء ورجال ومعاریف مملکت برای سلام به پیشگاه احمد شاه رفته بودند ، وزیرجنك مجدالدوله را از میان جمعیت بکناری کشیدو شوخی کنان گفت آقای مجدالدوله ، عیدی مارا درعید قربان نمیدهید؟ مجدالدوله گفت ، اگرچیزی که شایستگی حضرت اشرف راداشته باشد سراغ‌دارید بفرمائید تا باکمال‌میل تقدیم کنم .

وزیر جنگ لبخندزنان گفت : بمن‌خبرداده‌اند که شما نوه بسیارزیبائی

دارید ،ومن خواستم موافقت کنید که اورا بهمسری خود انتخاب کنم .

مجدالدوله با این پیشنهاد موافقت کرد،وروز بعد خواهر وزن برادر وزیر جنگ بخانه مجدالدوله رفتندورسماً ملکه توران‌را برای سردار سپه خواستگاری کردند .

عقد وعروسی

خانوادهٔ عروس بـا کمال‌میل این پیشنهاد راپذیرفتند ، ودر نتیجه روزعید



ملکه توران

غدیر مراسم‌عقد کنان درحالیکه ملکهٔ توران هفده‌سال ووزیرجنگ چهل وهفت سال داشت بعمل میآید .

میگویند پس‌ازانجام‌مراسم‌عقد،وزیرجنگ که تاآنوقت عروس راندیده‌بود باندرون رفت ودرآنجازن‌جوان و زیبائی رادید ، مجدالدوله زن جوان را به سردارسپه معرفی کردو گفت : عروس‌خودرا بشمامعرفی میکنم .

وزیرجنگ که تصور کرد این‌زن‌زیباملکه توران است بعلامت احترام‌در برابر اوسری‌فرود آوردودستش‌رابوسید . دراینموقع‌مجدالدوله که متوجه‌اشتباه وزیرجنگ شداظهارداشت : گویا حضرت اشرف اشتباه کرده‌اند ، ایشان‌عروس بنده، ومادرهمسرسرکارهستند . بعدملکهٔ توران راپیش‌خواند واورا باسردارسپه آشناساخت بهرحال پس‌ازعقدکنان ، مراسم عروسی نیزهفت روز بعدانجام‌یافت ویکسال بعدصاحب فرزندی‌شدند که اوراغلامرضا نام‌نهادند .

هنوزبیش‌ازیکسال ازازدواج وزیرجنگ باملکه توران‌نگذشته بود ، که اختلافات‌سیاسی وخانوادگی ، مخصوصاً انتساب ملکه توران بخانوادهٔ قاجار، پرده ضخیمی بین‌آنان حائل کرد ، ودرنتیجه ازدواجی که باآن گرمی‌وعلاقمندی انجام‌یافته بود بکدورت ودلتنگی منتهی گردید .

مسافرت بخارج‌ازکشور

این تیرگی‌روابط ازآن تاریخ تاروزیکه حوادث‌شهریور ۱۳۲۰ رویداد ، وسپس‌اعلیحضرت‌فقید درژهانسبورک‌وفات یافت‌همچنان ادامه داشت

هنگامیکه جنازهٔ رضاشاه کبیر اززژها نسبورگ بمصرحمل گردید ، چون والاحضرت‌شاهپورها قصدعزیمت بامریکارا داشتند ، بااجازه وموافقت‌اعلیحضرت همایونی‌ملکه توران بمصرمسافرت‌نمود ، وپس‌ازدیداروالاحضرت شاهپورغلامرضا فرزندخود ، مسافرتی باروپا کرد وسپس بایران مراجعت نمود . ازآن‌تاریخ به بعد ملکه توران درملک‌مورثی‌خود (علی‌آباد) مشغول فلاحت‌وانجام امورخیریه‌است وبعلاوه دبستان مختلط شش کلاسه‌ئی‌درآنمحل ایجاد نموده که گروهی‌ازاطفال

روستائیان درآنجامشغول تحصیلند . همچنین یك مسجد ویك درمانگاه نیز بخرج



ملکه توران با فرزندش شاهپور غلامرضا در مصر

خود درآنمحل ایجاد نموده است که هم اکنون مورد استفاده عموم است .

ملکه‌توران علاوه بر مسافرتهائی که باغلب شهرهای کشور نموده ، بمصرو مکه و ترکیه و کشورهای اروپا و پنج بارهم بعتبات مسافرت کرده است ملکه‌توران که درزندگی خود ازداشتن دخترمحروم بود آرزومنداست که روزی صاحب یك نوه ودخترزیبا ازفرزند خود والاحضرت شاهپور غلامرضا شود وخویشتن رابااو سرگرم سازد .

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی

روزشنبه ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۰۲ بود که والاحضرت شاهپور غلامرضا پنجمین فرزندرضاشاه پهلوی از والاحضرت توران درشهرتهران پابجهان گذاشت والا حضرت شاهپورغلامرضامانند سایر افراد خاندان سلطنتی دوران طفولیت رادرخانه و سپس در دبستان و بعد دردبیرستان نظام بتحصیل اشتغال ورزید.



والاحضرت شاهپور غلامرضا در طفولیت

درخلال این احوال مسافرتی بسویس کرد ودوسال درآن کشور اقامت نمود ودر این مدت درهمان دانشکده‌ای که اعلیحضرت همایونی

تحصیل کرده بود، بتحصیل اشتغال ورزید ، وآنگاه بایران مراجعت کرد .

والاحضرت شاهپور غلامرضادرتهران بقیه تحصیلات مقدماتی نظام را در دبیرستان نظام بپایان رساند که ناگهان واقعه شوم سوم شهریور رویداد .

هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه ازسلطنت کناره گرفت وازایران خارج گشت والاحضرت نیز باتفاق سایر برادران خوددرا لتزام پدرخویش راه دیارغربت رادرپیش گرفت ومدت شش ماه درجزیرهٔ موریس اقامت داشت ، پس ازآن مدت دوسال ونیم در



والاحضرت شاهپور غلامرضا در دبستان نظام

افریقای جنوبی بسر برد ،وپس ازچندی که سردودمان خاندان پهلوی درژهانسبورگ درگذشت وجنازهٔ اوبمصر حمل شد، والاحضرت نیزبمصررفت، وپس ازمدتی اقامت درآندیار، بسوی امریکا عزیمت نمود.

والاحضرت مدت سیزده ماه درامریکا اقامت داشت ودراین مدت دردانشکده «پرینستن» بتحصیل اشتغال داشت. ضمناً ازنزدیك شاهدوناظر ترقیات وپیشرفتهای کشوربزرگی مانندامریکا بود. والاحضرت ازدوران کودکی علاقهٔوافری بمطالعه تاریخ داشت. ازینرو درهمان روزهائی که در امریکا بسر میبرد و در دانشکده مشغول تحصیل بود، اوقات فراغت خودرا صرف مطالعه تاریخ میکرد، بطوریکه امروزه مطالعات والاحضرت درتاریخ ایران وتاریخ جهان بسیارعمیق ووسیع میباشد.

پس ازچندی که والاحضرت عازم ایران گردید، تصمیم گرفت در آنروزهای سخت ودشوار که برادرتاجدارش یکه وتنها درایران برای حفظ استقلال این آب و خاك دربرابر نیروهای بیگانه مشغول تلاش بود، اونیزتاآنجا که میتواند بمیهن عزیز خدمت کند، ومنویات شاهنشاه را بمورداجرا گذارد. ازاین رو درآن ایام سخت ودشوار که کلیهٔ برادران اودر کشورهای اروپا و امریکا مشغول تحصیل بودند، وی در ایران ببرادر تاجدارخود کمك میکرد و اوامر اورا بمورد اجرادر میآورد.



والاحضرت شاهپور غلامرضا در دانشکده افسری

درمسافرتی که اعلیحضرت همایونی برای بازدیدفارس ورسیدگی باوضاع آن سامان و رفع مشکلات مردم آندیار کرد ، والاحضرت نیزدرملازمت شاهنشاه بشیراز عزیمت نمود و آثارتاریخی وبقایای تمدن ایران کهن را در تخت جمشید مشاهده کرد .

والاحضرت دنبالهٔ تحصیلات خودرا دردانشکده افسری ادامه داده واردرستهٔ

سوار شدودر آنجا مانندیك سرباز خدمت کرد تاآنکه بدرجه افسری نائل گردید وسپس برای خدمت در راه میهن واجرای اوامر برادر تاجدارخویش آماده گشت.

تلخ ترین ودردناك ترین خاطرهٔ والاحضرت شاهپورغلامرضا، مربوط بدورانیست که درجزیرهٔ دورافتاده موریس، ودرجنوب افریقا شاهدوناظر رنج و تعب اعلیحضرت پدرخود بودومیدید که چگونه شاهنشاه بزرگ ایران از دوری وطن وهم میهنان خویش رنج میکشد، وپس ازیکعمرخدمت وفداکاری، در دوران کهولت وپیری در دیارغربت دور از فرزندان وعزیزان خویش بسرمیبرد.

هنوزهم وقتی والاحضرت چشمش بعکس پدر میافتد، سخت متاثر میگرددو مدتها بفکرفرو میرودوخاطرات تلخ گذشته را بخاطرمیآورد.

هنوزوالاحضرت آخرین آرزوی رضاشاه را فراموش نمیکند که میل داشت همیشه درگوشه‌ای ازخاك ایران، یادریکی ازممالك نزدیك ایران زندگی کند، تا کسانی را که ازایران میآیند به بیند واحوال وطن را ازآنان بپرسد، وخاك میهن را ازسروروی آنان بزداید، وبرچهرهٔ مردانه خویش بمالد.

والاحضرت بشکارو ورزشهای گوناگون علاقه زیادی دارد وغالباً بهنگام فراغت بکارهای ورزشی میپردازد.

هروقت هم که ازورزش وشکار خسته شدمشغول مطالعه میشود وبیش ازهر چیز بمطالعه کتب تاریخ اشتغال میورزد.

والاحضرت شاهپورغلامرضا دارای نشانهای افتخار درجه‌یك، نشان پهلوی نشان لیاقت درجه۳ ونشان عالی افغانستان میباشد.

همسروالاحضرت شاهپورغلامرضا، هما اعلم دخترد کتراعلم یکی ازپزشکان عالیقدر ورجال ودانشمندان بزرگ مملکت است.

هما نیزمانندهمسرخودعلاقه وافری بتاریخ داردودرتمام دوران تحصیلی در بین کلیه شاگردان ازحیث علاقه بتاریخ وادبیات بین همه شاخص بود بطوریکه هنوز هم بهترین وعزیزترین کتابهائی که در کتابخانه کوچك او مشاهده میشود، کتب تاریخ میباشد.

هما اعلم تحصیلات ابتدائی خودرا در دبستان ایرج، وبعد در دبیرستان - انوشیروان داد گر گذراند.



قبل از جریان عقد اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران حضرت ملکه پهلوی والاحضرت شاهدخت شمس ملکه توران جناب آقای پهلبد مشاهده میشود

پس از آن در خانه بتکمیل معلومات خود پرداخت ومخصوصاً در تاریخ وادبیات وزبانهای انگلیسی وفرانسه اطلاعات خویش را کامل نمود. کارهای دستی هماو ذوق وسلیقه سرشار او در اینکار شاید کمتر نظیر داشته باشد.

در بین کتابهای او، تاریخ ادبیات ایران بقلم پروفسور «ادوارد برون»، وتاریخ ایران باستان، بیش از همه مورد علاقه والاحضرت هماست.

هما درعین حال که با آثار دانشمندان وشعرا وسخنسرایان بزرگ ایران علاقهٔ بسیار دارد، معهذا این شعر ابن یمین خیلی مورد توجه وعلاقه او است.

مرد باید که هر کجا باشد عزت خویش را نگهدارد
خود پسندی وابلهی نکند هرچه کبر ومنی است بگذارد

بطریقی رود که مردم را | سر موئی ز خود نیازارد
همه کس را زخویش به داند | هیچکس را حقیر نشمارد
سرو زر در طلب نهد آنکه | تامگر دوستی بدست آرد

والاحضرت شاهپور غلامرضا بادا ستن چنین همسری دانا و کاردان و دلسوز و مهربان ، بانهایت دلگرمی بکارهای خویش مشغول میباشد والاحضرت درعین حال

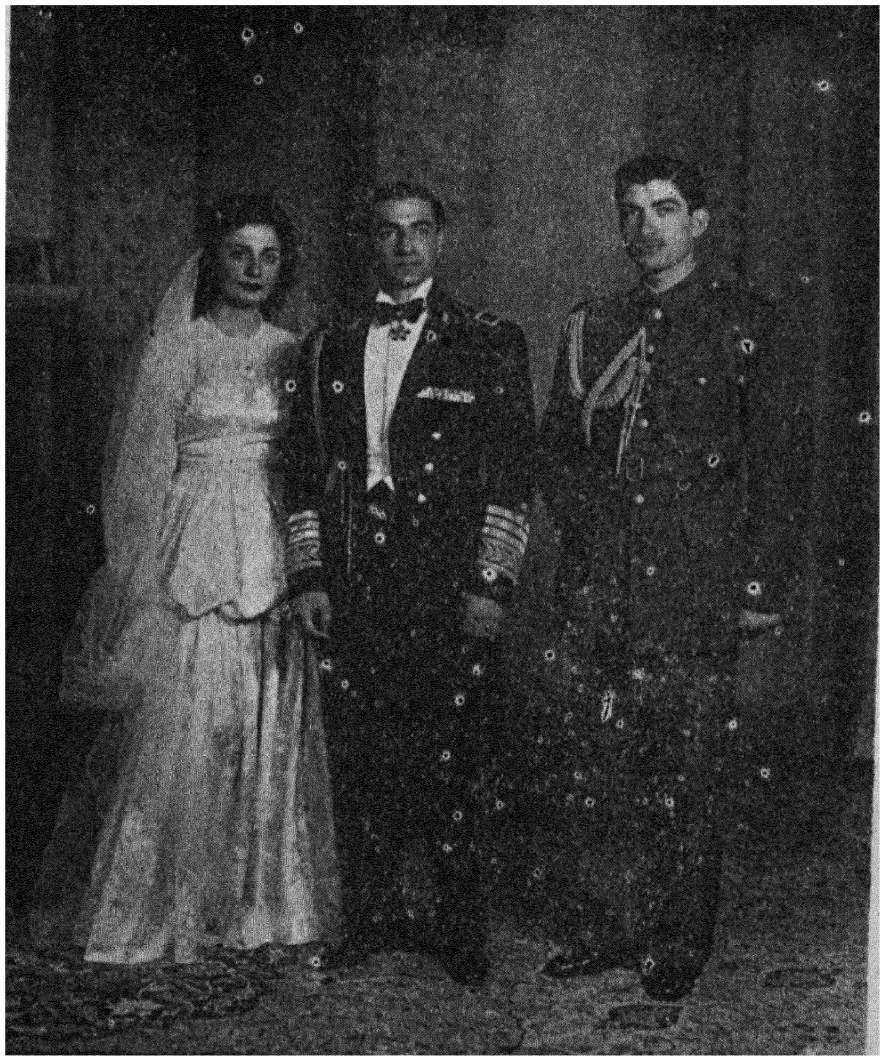

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درجشن عروسی والاحضرت شاهپور غلامرضا
با هما اعلم شرکت فرمودند

که غالباً مأموریت‌ها و دستورهای برادر تاجدار خودرا بمورد اجرا میگذارد، ریاست باشگاه سوارکاران ، وریاست عالیه باشگاه هواپیمائی و بازرسی مخصوص ارتش رااز طرف اعلیحضرت همایونی بعهده دارد، وبرای پیشرفت امور مزبور مساعی و کوشش فوق العاده ای ابراز میدارد . فعلا این ازدواج ثمرهٔ بوجود آورده که شمع کاخ والاحضرت بنام نواب والا (مهرناز و بهمن) میباشد .

والاحضرت عصمت

در سال ۱۳۰۲ هنگامیکه اعلیحضرت فقید، سمت وزیرجنك داشت یکروز ضمن مذاکره باسرهنگ پاشاخان اظهار داشت که شنیده‌ام همسر شما خواهر شایسته‌ئی دارد ومن تصمیم بازدواج بااو گرفته‌ام. میل دارم شمادراین مورد اقدام نمائید .



والاحضرت عصمت بعد ازدواج

سر لشکر خدایارخان و سرهنگ پاشاخان بلا فاصله با خواهر همسر خرد دوشیزه بانو عصمت دولتشاهی شاهزاده مجلل در این باره مذاکره نمودند و پس از تهیه مقدمات امر مراسم عقد و عروسی در منزل ابتهاج السلطنه مادر بزرگ دوشیزه عصمت دولتشاهی



والاحضرت عصمت در مصر

انجام یافت . والاحضرت عصمت دخترمرحوم غلامعلی مجلل الدوله کرمانشاهی که ازرجال ومعاریف زمان قاجاریه وحاکم ووالی بسیاری ازشهرها بود، درسال ١٢٨٤ ازبانومبتهج الدوله متولد گردید ودرسال ١٣٠٢ باسردارسپه ازدواج نمود، وازاعلیحضرت فقید صاحب پنج فرزند گردید که به ترتیب عبارتند از :

والاحضرت شاهپورعبد الرضا ، والاحضرت شاهدخت فاطمه ، شاهپوراحمد رضا ، شاهپورمحمود رضا . شاهپورحمید رضاکه پس از وفات اعلیحضرت فقید، والاحضرت عصمت مسافرتی بمصر کردو چون فرزندان ایشان قصد عزیمت بامریکارا داشتند درآنجا ازآنان دیدن کرد ، وبعدبفلسطین وسوریه ولبنان رفت ،آنگاه بعتبات مسافرت نمودوبعداً بایران مراجعت کرد .

والاحضرت عصمت به گل وموسیقی بسیارعلاقمنداست، مشارالیها اکنون در ویلای شخصی خوددرشمیران اقامت داردو زندگی خانوادگی خویش ادامه میدهد.

والاحضرت شاهپورعبدالرضا

روزهٔ مهر ماه ١٣٠٣ شمسی بود که والاحضرت شاهپور عبدالرضا درتهران پا بعرصهٔ وجود نهاد .

آنهنگام پدربزرگوارش ریاست وزرائی و فرماندهی کل قوارا داشت وملت ایران این سردار بزرگ رابعنوان ناجی خودمیشناخت .

تولدشاهپور عبدالرضامایهٔ شادی ومسرت کلیه افراد خاندان پهلوی گردید وهمه تولد این مولود جدید را بفال نیك گرفتند ، زیرا یکسال پس ازبجهان آمدن اوبود که سردارسپه بپاس خدمات وفداکاریهایش برتخت شاهنشاهی ایران تکیه زد وتاج کیانی را برتارك خویش نهاد .

والاحضرت شاهپور عبدالرضا چهارمین فرزنداعلیحضرت رضاشاه کبیراست که از دوران طفولیت تحت نظر مربیان دانشمند بکسب علم ودانش پرداخت وعلاوه برتحصیل درکاخ سلطنتی ، دردبستان نظام نیزدوش بدوش سایر نوباوگان مشغول آموزش وپرورش وفراگرفتن فضل وکمال گردید.

دوران کودکی

همانطور که پدرتاجدارش ازدوران کودکی لباس سربازی دربرداشت و سرانجام باهمان لباس میهن خودرا ازاضمحلال وانحطاط قطعی نجات داد ، اونیزمانندسایر برادران خرد با همان لباس پرافتخار سربازی بتحصیل مشغول شد .

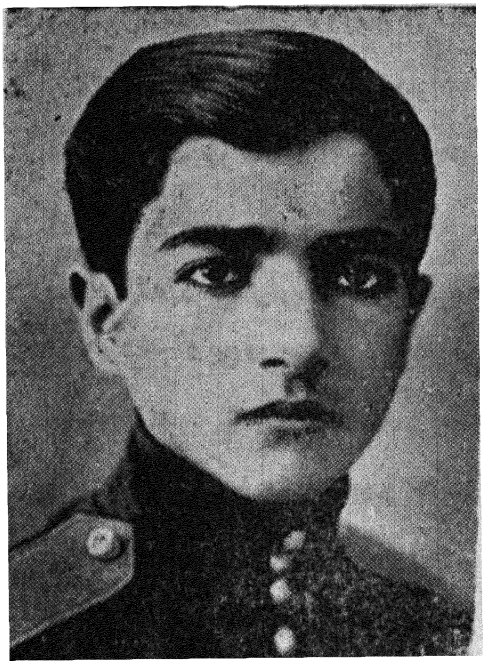

والاحضرت شاهپورعبدالرضا
موقع تحصیل دردبستان نظام

والاحضرت در تمام مراتبی که در دبستان نظام بتحصیل اشتغال داشت ، ازهوش وذکاوت خرد مایه بهم وشکفتی استادان خود برد و چیزیکه بیش ازهمه توجه مربیان اورا جلب کرد متانت و وقار بیش از حدی بود که بهیچوجه با سنین کودکی آن شاهزاده وفق نمیداد .

پس ازآنکه دورهٔ دبستان نظام را بپایان رساند ، مانند سایربرادران خودبرای ادامهٔ تحصیل بطرف سویس عزیمت کرد . درآنجا مدت دوسال بتحصیل اشتغال داشت وبا پشتکار فوق العاده خود مورد تحسین پرفسور های سویسی قرار گرفت .

والاحضرت درضمن تحصیل با آنکه کودك خردسالی بیش نبود ، معهذا توجه خاصی بکشور سویس که نمونهٔ بزرگ تمدن عصر جدید وکانون صلح و آرامش ومظهرانسانیت ومدنیت جدید بشری بود مبذول میداشت . بطوری که خاطرات سویس وترقیات وپیشرفتها واوضاع اجتماعی آنکشورهیچگاه ازخاطر والاحضرت محو نمیشود .

هنگامیکه از کارتحصیل فراغت می یافت باسایرهمسالان خودببازی فوتبال وباسکتبال وتنیس میپرداخت ومخصوصاً ببازی اسکی درکوههای پربرف سویس و درداهنه های زیبا ودل انگیز آلپ شوق وعلاقهٔ خاصی داشت .

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پس ازدو سال اقامت در سویس بایران مراجعت کرد وچون اعلیحضرت رضاشاه کبیر علاقمند بود کلیهٔ فرزندانش قبل ازهرچیز برای میهن خود یك سرباز واقعی وفدا کار باشند ، از اینرو وارد دبیرستان نظام گردید

از تهران به ژوهانسبورك

والاحضرت دورهٔ دبیرستان را با کمال موفقیت طی کرد ودرخردادماه سال ۱۳۲۰ ازدبیرستان نظام فارغ التحصیل شد ، در آنموقع اوضاع ایران غیر عادی بود واغلب اوقات رادیوهای خارجی تك مضرابی برخلاف استقلال و آزادی منافع ایران میزدند کم کم این وضع شدت یافت وابرهای تیره و تاری درافق سیاسی ایران نمودار گردید نیروهای متفقین درمرزهای شمالی وغربی وجنوبی ایران فعالیت میکردند وپی در پی قوای نظامی اسلحه و مهمات زیادی درمرزهای ایران مستقر میساختند .

با آنکه معلوم بود حوادث فوق العاده‌ای در شرف وقوع است و ایران وارد یکی ازمراحل حساس ومهم تاریخ خود میگردد ، معهذا والاحضرت شاهپور عبدالرضا خودرا برای ورود بدانشکده افسری وتکمیل تحصیلات نظامی آماده میکرد .

ولی گوئی سرنوشت وتقدیر با این امرموافق نبود ، زیرا سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ نیروهای بیگانه ازچندین طرف بمرزهای ایران هجوم آوردند و درنتیجه والاحضرت مجبور گردید همراه این طوفان مهیبی که استقلال ایران رازیروزبر کرده بود ، باپدرخود خاك میهن را ترك کرده و بجزیره « موریس » و ازآنجا بافریقای جنوبی برود .

خاطرات والاحضرت شاهپور عبدالرضا در موریس وژوهانسبورك ازدردناك ترین خاطره های دوران حیاتش محسوب میشود ، زیرا درخلال این اوضاع بود که والاحضرت ناظرتأثر شدید پدرتاجدارخود دربارهٔ دوری ازمیهن واشغال کشور بدست نیروهای بیگانه وناقص ماندن اصلاحات وترقیات ایران بود .

روزها تنها سر گرمی والاحضرت این بود که با سایر افراد خانه‌ان سلطنتی در کنار اعلیحضرت رضاشاه بآرزوها وایده‌آلهای پدر تاجدار خود گوش میدادند واز فداکاری ها وجانبازیها وخاطرات دوران جوانی اعلیحضرت در جنگها وزدو خوردهای خونین آگاه میشدند وضمناً اندرزهای مشفقانه معظم‌له را برای خدمت بمیهن بگوش هوش میسپردند.

ازهمان هنگام والاحضرت تصمیم گرفت، بمحض آنکه جنگ پایان یافت و اوضاع سیاسی ایجاب نمود بایران عزیز مراجعت کرده ونقشه‌های اصلاحی اعلیحضرت رضاشاه را که ناتمام مانده بود تحت نظر برادر تاجدار خود بپایان رساند. این یگانه آرزویش بود که همواره خاطر اورا بخود مشغول میداشت.

در برابر نقشهٔ ایران

والاحضرت هنگامیکه در شهر ژوهانسبورگ اقامت داشت روزها بیشتر اوقات درمقابل نقشهٔ ایران قرار گرفته وبصحاری وسیع ولم‌یزرع وکوههای عظیم آن خیره میشد.

فکر میکرد آیا ممکن است روزی فرارسد که این صحراهای خشک وسوزان بکشتزارهای وسیع وخرم مبدل شود، وآیا ممکن است روزی این کوههای عظیم بکرودست نخورده که ثروتهائی بیکران در سینهٔ خود پنهان کرده‌اند، کانون کار وفعالیت شود وایران را یك کشور ثروتمند وغنی نماید؟..

اگرچه اوهزاران کیلومتر ازخاك میهن بدور بود ودر آنسوی دریاوصحاری وسیع وجنگلهای انبوه دراین اندیشه‌ها غوطه‌میخورد ولی روح وقلبش درایران بود روزها بیشتر اوقات بمطالعه کتب وآثار دانشمندان ونویسندگان بزرگ جهان میپرداخت ومخصوصاً بتاریخ ایران وتحولات بزرگی که دراین کشور رویداده علاقهٔ خاصی ابراز میداشت.

والاحضرت درخلال سطور تاریخ میدید که ایران بارها دستخوش هجوم ها،

جنگها، خونریزیها وانقلابات وتحولات عظیم گردیده، ولی باهمه این احوال همواره باسرافرازی وافتخار اززیر توده‌های انبوه رنجها وناکامیها ومشقتهای طاقت فرسا سرراست کرده وباردیگر بحیات سیاسی خودادامه داده است.

بنابراین جای تردید نبود که ایران نیز باردیگر اززیر شراره های دومین جنگ عالمسوز سرراست خواهد کرد واستقلال وآزادی خویش را بدست خواهد آورد. این اندیشه بزرگترین داروئی بود که زخم درون والاحضرت را التیام میداد واورا بآینده‌ای امیدبخش وسعادت آمیز امیدوار وخوشنود میکرد. ازاینرو اوقات فراغت خودرا غالبا صرف ورزشهای گوناگون مخصوصاً بازی چوگان و شکار حیوانات وحشی درجنگلهای انبوه افریقا مینمود.

در همین اوان بزرگترین ودردناکترین فاجعه حیات خاندان سلطنتی پیش آمد وآن مرگ اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود که دوراز خاک میهن برای همیشه جهان را بدرود گفت.

مسافرت بامریکا

مرگ پدر برای این شاهزادهٔ جوان حادثه‌ای تحمل ناپذیر بود، ولی باهمهٔ این احوال بابردباری وشکیبائی خاصی این فاجعه عظیم را تحمل کرد، اما دیگر اقامت خودرا درآن دیار امری غیر قابل تحمل دید ازاین رو باموافقت برادر تاجدارش تصمیم گرفت برای تکمیل تحصیلات خود بامریکا یا اروپا برود.

اروپا درآن ایام درآتش جنگ میسوخت ونیروهای متفقین ازشرق وغرب وجنوب واز آسمان وزمین بمب وگلوله وآتش برسر قوای آلمان میریختند ونیروهای هیتلر لحظه بلحظه بیشتر بخاک آلمان عقب می نشستند. ازاین رو والاحضرت تصمیم گرفت بامریکا برود و بدین ترتیب در اوائل سال ۱۹٤٥ وارد دانشگاه معروف هاروارد، درنزدیکی شهر بوستون، شد.

والاحضرت باآنکه فرزند یکی ازبزرگترین شاهنشاهان مشرق زمین وبرادر شاهنشاه دموکرات وجوان وعدالت پرور ایران بود، بدون آنکه کوچکترین تظاهری

کند، مثل یك دانشجوی عادی بکسب دانش اشتغال ورزید و مطالعات عمیقی در رشته اقتصاد بعمل آورد و بالاخره درژوئن سال ۱۹٤۷ پس ازدوسال دررشتهٔ پولیتیکل اکونومی، فارغ التحصیل گردید .

آنگاه ازمؤسسات صنعتی واقتصادی امریکادیدن کرد، وآنچه را که در کتابها خوانده بود از نزدیك مشاهده نمود و در اواخر سال ۱۳۲٦ از راه اروپا بایران بازگشت .

شخصیت برجسته وتحصیلات عالی ومطالعات عمیق و کفایت ولیاقت این شاهزادهٔ دانشمند که وجودش برای کشورغنیمتی بزرك بود، حکم میکرد که از اطلاعات سرشار و گرانبهایش استفاده شود .

ازاینرو ازطرف اعلیحضرت همایونی بنمایندگی مخصوص شاهنشاه در سازمان برنامه هفت ساله منصوب گردید .

نقشه های اصلاحی

والاحضرت برای پیشرفت کار برنامه‌ها پروژه‌ها و نقشه‌های گرانبهائی طرح کرد و برای مشاهده وضع وطرز کار مؤسسات صنعتی و کارخانه‌ها اغلب آنها را بازدید نمود ودستورها وتعالیم سودمندی برای بهبود وضع صنایع داخلی وتقویت بنیهٔ اقتصادی کشور داد .

والاحضرت شاهپور عبدالرضا درآذرماه ۱۳۲۷ مجدداً مسافرتی بامریکا کرد تاضمن آن مطالعات تازه‌ای درباره توسعه وتقویت کارخانه های ایران وپیشرفت صنایع داخلی، واجرای برنامه هفت ساله بعمل آورد .

هنگامیکه والاحضرت بایران مراجعت کرد بار دیگر با تجربیات واندوخته‌های گرانبهائی که ازامریکا آورده بود شروع بکار نمود و برای پیشرفت کار سازمان برنامه اقدامات سودمندی بعمل آورد وضمناً نخستین سنك کارخانه کاغذسازی ایران را بدست خویش کار گذاشت .

خدمت وظیفه در دانشکده افسری

در سال ۱۳۲۹ والاحضرت بدانشکده افسری جهت انجام خدمت مقدس سربازی وارد و به درجه ستوان دومی نائل گردید

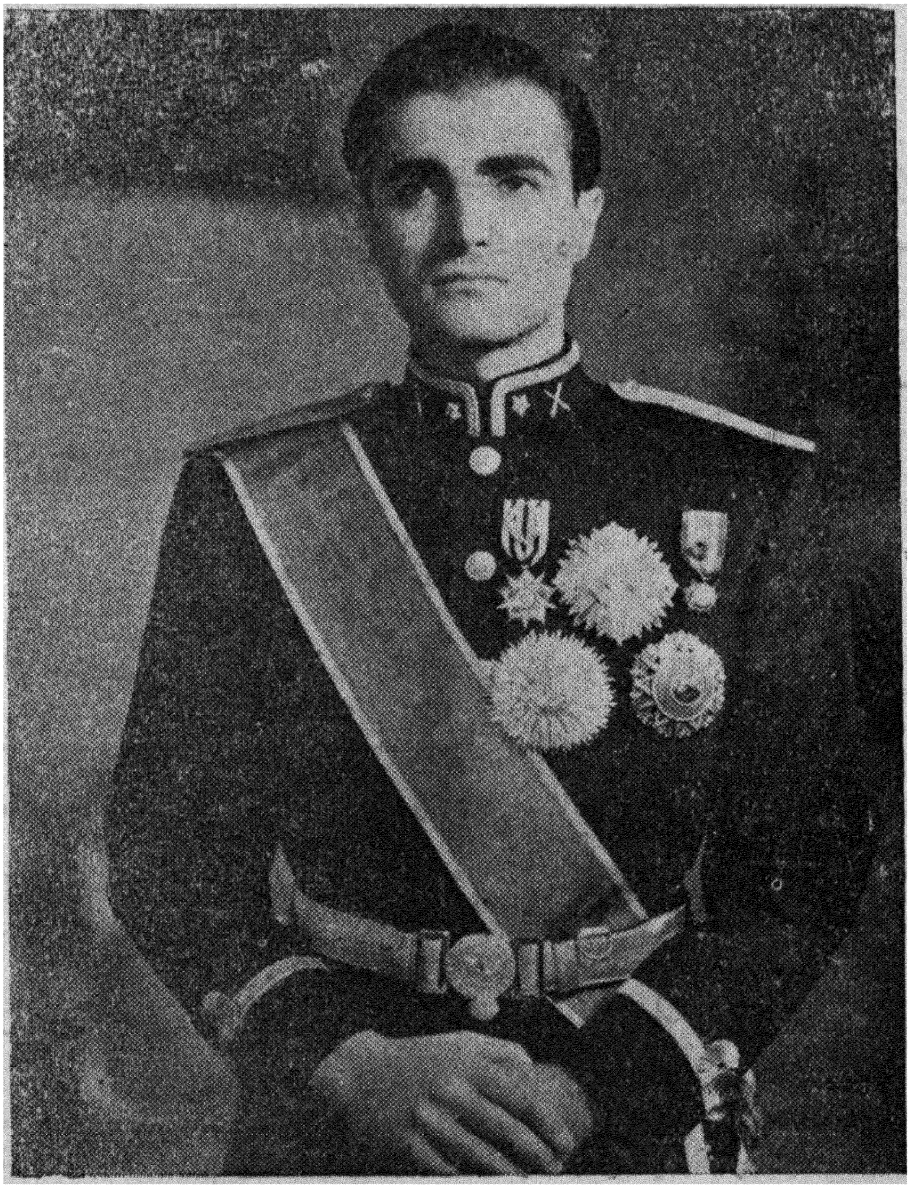

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پس از خاتمه تحصیل دانشکده افسری ازدواج

والاحضرت مدتها درجستجو بود تا همسری که لیاقت ومقام همسری ایشان

را داشته باشد انتخاب و ازغم تنهائی برهاید تصادفاً در یك مهمانی والاحضرت خانم پری سیما را ملاقات و ازاو خواستگاری نمود بلا فاصله درتاریخ ۱۱ مرداد



والاحضرت شاهپورعبدالرضا در مراسم عقد با بانو پری سیما

۱۳۲۹ مراسم عقد و عروسی با حضور و اجازه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی انجام گردید .

خانم پری سیما دختر آقای ابراهیم زند و مادر ایشان بانو اعلم الملوك می باشد در ۱۷ تیر ۱۳۰۶ درتهران متولد واز دبیرستان فیروزبهرام موفق به اخذ دیپلم گردیده و به زبانهای فرانسه وانگلیسی آشنائی دارد و بیشتر اوقات خود را صرف موسیقی ومطالعه کتاب می نمایند والاحضرت شاهپور عبدالرضا دارای یك فرزند بنام کامیار می باشد .

صفات وسجایای والاحضرت شاهپورعبدالرضا باندازه ای این شاهزادهٔ جوان را محبوب القلوب ومورد علاقه وتوجه عموم قرارداده است که دراغلب محافل ازشخصیت بارزومحاسن اخلاقی اوصحبت میشود. هوش وذکاوت ومتانت وادب او در همه جا

ضرب المثل است و کسانیکه حتی یکبار با والاحضرت روبرو شده اند بی اختیار تحت تأثیر شخصیت بارز او قرار گرفته و از صمیم قلب حس احترام و تکریم نسبت باین



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و علیاحضرت ملکه پهلوی پس از جریان عقد قصد خروج دارند.

شاهزادهٔ مؤدب و متین و موقر در خود احساس نموده اند.

والاحضرت علاوه بر سرپرستی سازمان برنامه، ریاست عالی باشگاه چوگان را که یکی از قدیمی ترین ورزشهای ایران باستان است بعهده دارد.

وجود والاحضرت عبدالرضا که جوانی دانشمند و فهمیده و لایق است برای مملکت از هر جهت مغتنم است. زیرا معظم له یکی از بزرگترین کارشناسان اقتصادی کشور بشمار میرود و عموم اهل فن انتظار دارند که در آینده خدمات بسیار گرانبهائی بمیهن و هم میهنان عزیز خود انجام دهد و آن آرزوئی را که هنگام اقامت در ژاپن مسبوق موقع دیدن نقشه ایران در سر داشت، طی سال های آینده بمرحلهٔ عمل گذارد



والاحضرت شاهپورعبدالرضا دراطاق مخصوص به امورسازمان
برنامه رسیدگی می نماید

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی

سال ۱۳۰۹ بود که چهارمین دختر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی در تهران، پا بعرصهٔ وجود نهاد. والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی تحصیلات ابتدائی را علاوه بر خانه در یکی از دبستانها، و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان انوشیروان دادگر بپایان رساند. والاحضرت شاهدخت در دوران کودکی، دختری محجوب و خوش قلب و با محبت بود و مخصوصاً سادگی او در لباس و رفتار محبوبیت زیادی برای وی کسب کرد و مورد محبت دوستان و نزدیکانش گردید.

هنوز بیش از یازده سال نداشت که ناگهان آتش خانمانسوز جنگ بایران نیز سرایت کرده و در روز سوم شهریورماه ۱۳۲۰ قوای بیگانه از شمال و جنوب و غرب بایران هجوم آوردند.

هنگامیکه اعلیحضرت رضا شاه خاك ایران را برای همیشه ترك میکرد، والاحضرت شاهدخت فاطمه نیز همراه سایر افراد خاندان سلطنتی بجزیرهٔ موریس رفت و مدت چهارماه در آن جزیرهٔ آتش زا و سوزان بسر برد، تا آنکه بر اثر اصرار اعلیحضرت پدرش بایران باز گشت

والاحضرت شاهدخت مدت سه سال در ایران اقامت داشت و در اینمدت بتکمیل تحصیلات خود مشغول بود، آنگاه در دورانی که جنگ هنوز بانهایت شدت جریان داشت، از تهران بسوی بیروت عزیمت کرد و مدت چهارماه در آن شهر بود.

در این موقع خبر وفات اعلیحضرت پدرش در ژوهانسبورگ رسید، و این خبر اثر عمیقی در قلب والاحضرت بخشید بطوریکه نتوانست درد یار غربت این خبر دردناك را تحمل کند، از اینرو بایران باز گشت، و مدتی در تهران در میان خاندان سلطنتی بسر میبرد و پس از آنکه تا اندازه‌ای تأثرات روحی او تسکین یافت، والاحضرت شاهدخت برای ادامهٔ تحصیلات باتفاق والاحضرت شاهپور عبدالرضا و والاحضرت شاهپور محمود رضا بسوی امریکا عزیمت کرد.

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی در یکی از دبیرستانهای نزدیك واشنگتن

مدت دوسال بتحصیل اشتغال داشت ودرعرض این مدت هوش وقریحهٔ سرشار خود را باستادان امریکائی نشانداد .

زبان انگلیسی را بخوبی فرا گرفت . آنگاه بکالج «کانورس» درایالت «کارولین



والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی

جنوبی، رفت و پس از آن در تابستان ۱۳۲۷ برای استفاده از تعطیل تابستان بتهران آمد

این هنگام مقارن عزیمت والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از تهران بهندوستان بود، ازاینرو شاهدخت فاطمه پهلوی نیز با والاحضرت اشرف پهلوی بسوی هندوستان عزیمت کرد ومدتی نیز از شهرها و آثار تاریخی و رجال ممالک هندوستان و پاکستان دیدن نمود.

پس از آنکه شاهدخت از سفر هندوستان باز گشت، باردیگر باتفاق برادر خود شاهپور محمود رضا برای ادامهٔ تحصیلات بامریکا مسافرت نمود، و پس از چندی که اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی از طرف مستر ترومن رئیس جمهوری امریکا بآنکشور دعوت شد.

والاحضرت شاهدخت نیز برادر تاجدار خود را در اتازونی ملاقات کرد، و پس از پایان مسافرت شاهنشاه، او نیز باتفاق اعلیحضرت همایونی از امریکا بایتالیا پرواز نمود ومدتی در رم اقامت کرد.

ازدواج

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی درسال ۱۳۲۷ برای دیدار برادر خود مسافرتی به امریکا کرد ومدتی در آن کشور اقامت نمود. در اینموقع بایك جوان امریکائی بنام مستر هیلیر آشنا گردید.

هیلیر فرزند دکتر هیلیر یکی از پزشکان وجراحان مشهور امریکاست که تحصیلات خود را در رشته ادبیات بپایان رسانیده و بنگارش کتابی اشتغال داشت.

آشنائی مستر هیلیر با والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی منجر بعلاقه بیشتری بین طرفین گردید تا آنجا که تصمیم بازدواج گرفتند ودر نتیجه مراسم زناشوئی بین آنان انجام یافت.

هنگامیکه این ماجرا باطلاع اعلیحضرت همایونی رسید چون مستر هیلیر پیرو مذهب مسیح بود شاهنشاه عدم رضایت خود را نسبت باین ازدواج اظهار داشتند وقتی والاحضرت فاطمه و آقای هیلیر از اینموضوع آگاه گردیدند از عدم رضایت

شاهنشاه ناراحت شده وتصمیم گرفتندموجبات رضایت خاطراعلیحضرت همایونی
رافراهم سازند



آقای امام شیرازی در پاریس مراسم مذهبی ازدواج والاحضرت فاطمه
و آقای هیملر را انجام میدهد

برای انجام این منظور بپاریس عزیمت کردند و آقای هیلیر در مسجد مسلمانان پاریس نزد آیت الله شیرازی بدین حنیف اسلام مشرف شد و نام (علی) را برای خود انتخاب کرد. پس از آن مراسم ازدواج والا حضرت و آقای علی هیلیر طبق آئین مقدس اسلام در بهار سال ۱۳۲۸ در پاریس بوسیله آیت الله شیرازی انجام یافت.

در این مراسم شخصیت های مشهور و متعددی از رجال خارجی و داخلی از جمله آقاخان محلاتی و ریتاهیورث ستاره مشهور هالیوود و عروس سابق آقاخان نیز حضور داشتند.

پس از خاتمه ازدواج والا حضرت فاطمه و آقای علی هیلیر بایران مسافرت کردند و بحضور اعلیحضرت همایونی



پس از جریان عقد رسمی آقای سهیلی سفیر کبیر ایران مجلس ضیافتی بمناسبت این ازدواج ترتیب داد در آن که آقاخان محلاتی و عروس ریتاهیورث شرکت داشتند

شرفیاب شدند. سپس درمراسم عقد وعروسی شاهنشاه باعلیاحضرت ملکه ثریادر زمستان سال ۱۳۲۹ حضور یافتند. والاحضرت فاطمه چندین بار باتفاق همسرخود بکشورهای مختلف اروپاوامریکامسافرت کرد واکنون دارای دو فرزندیکی بنام کیوان دوساله ودیگری رعنا ششماهه است که هردودرامریکامتولد شده اند



والاحضرت شاهدخت فاطمه با کیوان در ۲ سالگی

آقای علی هیلیرهمسروالاحضرت فاطمه پهلوی همانطور که گفته شد فرزند یکی ازجراحان مشهور امریکاست، مشارالیه درسال ۱۹۲۵ درتکزاس متولد گردیده وموفق باخذ دیپلم ادبیات ازاویینورسینه کالیفرنیاشده است.

والاحضرت شاهپور احمد رضا

والاحضرت شاهپوراحمد رضا، روزه مهر ۱۳۰٤ درتهران چشم بجهان گشود

مادر والاحضرت شاهپوراحمد رضا، والاحضرت عصمت در پرورش و تربیت فرزند خود دردوران طفولیت سعی ومجاهدت بسیارنمود، وپس ازچندی شاهزاده خرد سال دردبستان نظام بتحصیل اشتغال ورزید.

والاحضرت دردوران تحصیلی مورد علاقهٔ رفقای دبستانی خویش بود، وهمه او را بواسطه مهربانی وسادگی ورحم وشفقت دوست میداشتند.

پس ازاتمام دورهٔ دبستان برای ادامهٔ تحصیلات دردبیرستان نظام مشغول تحصیل شد ولی دراین اوان ناگهان حادثه شوم شهریورررویداد و والاحضرت ددالتزام رکاب پدرخویش اعلیحضرت بجزیره موریس رفت.

مدتی درجزیره موریس وبعد درجنوب افریقا اقامت داشت، وخاطرات تلخی از دوران غربت و دوری از وطن دراوباقی ماند.

پس ازآنکه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی درژهانسبورگ دیده ازجهان فروبست او باتفاق سایر افراد خاندان سلطنتی از طریق قاهره بتهران باز گشت ودرروز های تاریك ومحنت زای ایران شریك درد وغم هم‌میهنان خود بود.

در فروردین سال ۱۳۲۵ بادوشیزه سیمین تاج بهرامی ازدواج کرد وازاو صاحب دوفرزند یکی بنام نواب والاشاهرخ و دیگری موسوم به نواب والاشهلا گردید.

سیمین تاج پهلوی که دختر دکتر بهرامی ازپزشکان عالیقدر و از رجال معروف وباشخصیت کشور است، تحت تعالیم عالیه وتربیت پدر ومادر کردان خود طوری تربیت شده که امروزه مورد احترام عموم میباشد.

سیمین تاج تحصیلات اولیه رادرتهران وبعددراروپا بپایان رسانده وبزبانهای فرانسه وانگلیسی آشنائی داردوبهترین یار وغمخوار و شریك زندگی والاحضرت شاهپور احمد رضا میباشد.

درسال ۱۳۲۷ والاحضرت باهمسر وفرزندان خود مسافرتی بپاریس کردومدتی در کشورهای اروپابمطالعه مشغول بود.

والاحضرت شاهپور احمد رضا دارای نشانهای حسین بن علی از اعلیحضرت ملك عبداله پادشاه ماوراء اردن و نشان عالی افغان و همچنین نشان هلوی میباشد .

والا حضرت اوقات فراغت خود را بامور ورزشی و مطالعه در تاریخ ایران باستان و تاریخ عمومی جهان میپردازد و باسب سواری نیز بسیار علاقمنداست .

والاحضرت ازطرف اعلیحضرت همایونی ریاست عالیه ورزشهای زمستانی کشور راعهده دار میباشد .



والاحضرت شاهپور احمد رضا و سیمین تاج بهرامی پس از جریان عقد

والاحضرت شاهپور محمود رضا

یکسال پس از تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی یعنی در روز ۱۲ آبان سال ۱۳۰۵ والا حضرت شاهپور محمود رضا از والاحضرت عصمت پا بجهان نهاد.

شاهپور دوران کودکی را مانند سایر برادران خود نخست در کاخ سلطنتی وبعد در دبستان و دبیرستان نظام بتحصیل اشتغال ورزید وهنوز تحصیلات او در دبیرستان نظام بپایان نرسیده بود که واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ رویداد و او نیز بهمراه سردودمان پهلوی راه اقیانوس را در پیش گرفت وبجزیره موریس رفت.

پس از مدتی اقامت در آن جزیره به دوربان وسپس به ژهانسبورگ رفت تا آنکه چراغ عمر پدرش خاموش گشت ودر نتیجه از جنوب افریقا بقاهره واز قاهره بتهران مراجعت نمود وپس از چندی برای تکمیل تحصیلات خود باتفاق والاحضرت شاهپور عبدالرضا وشاهدخت فاطمه پهلوی بسوی امریکا پرواز کرد.

والاحضرت شاهپور محمود رضا یك چند در آموزشگاههای بزرگ آن کشور مشغول تحصیل بود وبعد وارد دانشگاه کالیفرنیا شد ودر تابستان ۱۳۲۷ برای استفاده از تعطیلات تابستان باتفاق خواهر خود بایران باز گشت.

آنگاه مجدداً باتفاق والاحضرت شاهدخت فاطمه بامریکا رفت و بادامهٔ تحصیلات خود مشغول گردید تا آنکه اعلیحضرت همایونی بنا بدعوت رئیس جمهوری امریکا بآن کشور پرواز نمود ودر آنجا برادر تاجدار خود را ملاقات کرد و در اغلب بازدیدهای رسمی ومسافرت بشهرها باشاهنشاه ایران همراه بود.

والاحضرت شاهپور محمود رضا هوشی سرشار واستعدادی فوق العاده دارد بطوریکه اولیای دانشگاه و استادان امریکائی از ذوق و قریحه او بارها ستایش کرده اند.

والاحضرت تنها یك آرزو دارد وآن اینستکه هرچه زودتر دوران تحصیلش بپایان رسیده وبرای خدمت بمیهن وهم میهنان خود بایران باز گردد.



والاحضرت شاهپور محمود رضا در کاخ سعد آباد

والاحضرت شاهپور حمیدرضا

آخرین فرزند اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، والاحضرت شاهپور حمید رضا میباشد که در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۱۱ از والاحضرت عصمت پابجهان نهاد.

والاحضرت حمیدرضا نیز در سرنوشت سایر برادران وخواهران خود شریك بود و دوران کودکی را در دبستان و دبیرستان نظام گذراند، ولی هنوز تحصیلات مقدماتی او بپایان نرسیده بود که طوفان سوم شهریور وزیدن گرفت ودر نتیجه او

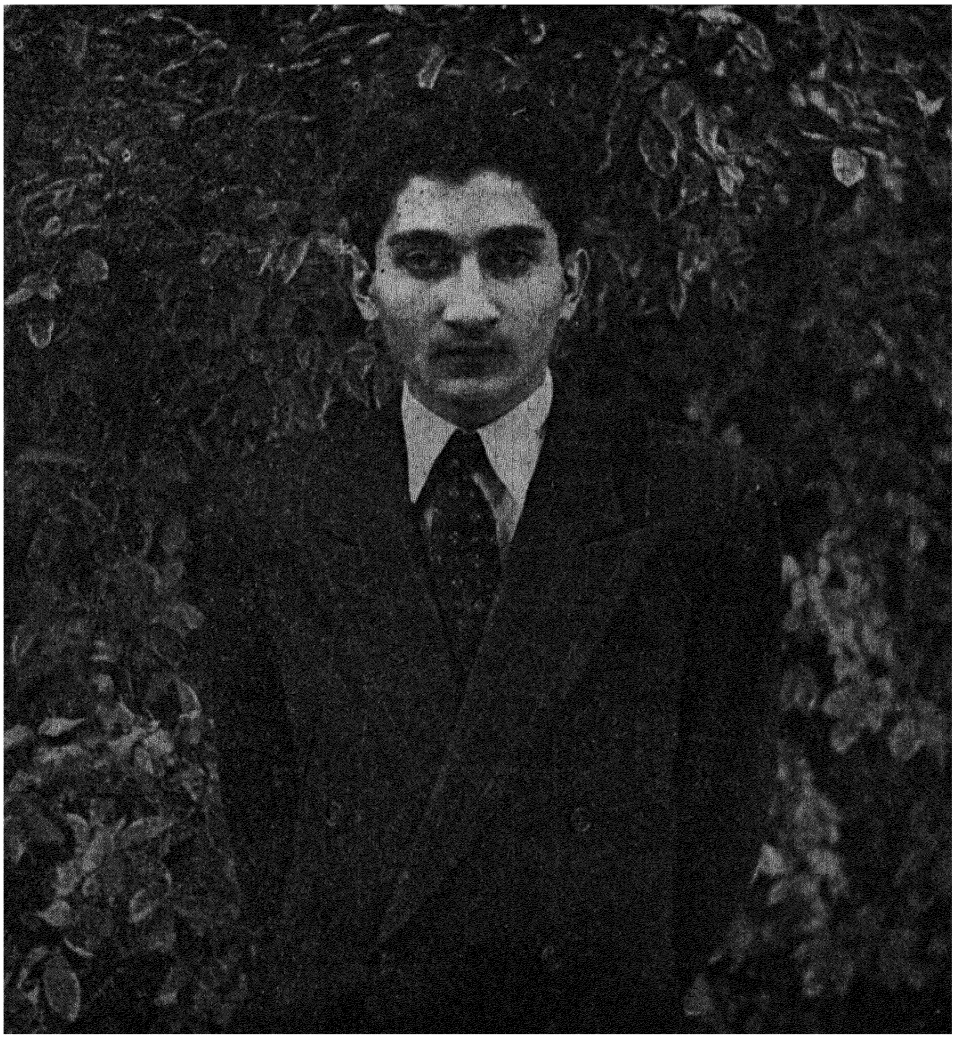

والاحضرت شاهپور حمید رضا پهلوی

نیز باتفاق سایر برادران خود بجزیرهٔ موریس در جنوب افریقا رفت.

والاحضرت که از کلیه برادران وخواهران خود کوچکتر بود، بیش از نها دردیار غربت رنج بردو تحمل غم واندوه جانفرسا نمود

سرانجام پس زچندی اقامت در آنسامان بایران بازگشت ودر کاخ سلطنتی بتحصیل اشتغال ورزید.

ازدواج

دربهمن ماه سال ۱۳۲۹ والاحضرت عصمت مادر والاحضرت حمید رضا از آقای ابوالفتح دولتشاهی عموی خود ملاقات میکند و ضمن مذاکره باو اظهار میدارد که درنظردارم برای والاحضرت حمیدرضا همسری انتخاب کنم.



دوشیزه مینو دولتشاهی با مادرش پریرخ و پدرخود آقای دولتشاهی

هنگامیکه آقای دولتشاهی سئوال میکند چه کسی را برای والاحضرت درنظر گرفته‌اند والاحضرت عصمت میگویند که دوشیزه مینو دولتشاهی توجه ایشان را جلب کرده است .

آقای دولتشاهی که پی برد دختر ایشان مورد توجه والاحضرت عصمت قرار گرفته است اظهارداشت که من افتخار میکنم دختر اینجانب با خاندان سلطنتی و فرزند رضا شاه کبیر و برادر شاهنشاه ازدواج نماید .

پس ازمذاکراتی که دراطراف این امر صورت گرفت مراتب باطلاع اعلیحضرت همایونی رسید وپس ازآنکه شاهنشاه با این ازدواج موافقت فرمودند مراسم عقد دراسفندماه ۱۳۲۹ ومراسم عروسی درخردادماه ۱۳۳۰ درکاخ والاحضرت شاهپور عبدالرضا درپیشگاه شاهنشاه انجام یافت .



والاحضرت شاهپور عبدالرضا پس ازمراسم عقد اگلیل بدست همسر خود میکنند

مینودولتشاهی فرزند بانوپریرخ وآقای ابوالفتح دولتشاهی نماینده‌مجلس شورایملی است که درسال ۱۳۱۲ درتهران متولد گردید و تحصیلات خود را تا حدود سیکل دوم متوسطه درتهران‌بپایان رساند . بانو مینودولتشاهی بموسیقی علاقه زیادی دارد وپیانورا بخوبی مینوازد تاکنون دوسفریکی به‌اروپا ودیگری بامریکا کرده است .والاحضرت شاهپورحمیدرضا از بانو مینو دولتشاهی دختری دارد بنام‌نواب‌والا نیلوفر که موجب سروروشادمانی پدرومادرخود میباشد .

والاحضرت شاهپورحمیدرضا در روزقیام ملی۲۸مرداد مانند یك‌سربازملی درجریان شرکت‌نمود وپس از سقوط دولت بباشگاه افسران رفته و به سپهبد - زاهدی تبریك گفت.



والاحضرت شاهپورحمیدرضا بامینو پهلوی درجشن‌عروسی

بانو همدم السلطنه

درسال ۱۲۸۱ ، یك پسرعمو بادختر عموی خود ازدواج میکنند، و از ثمرهٔ این عشق وازدواج دختری بجهان میآید که اورا (فاطمه) نام مینهند.

این پسرعمو ودختر عمو ، رضاخان و (تاجماه) بودند که یکدیگررا بمنتها درجه دوست میداشتند. وفرزند خود فاطمه همدم السلطنه رانیزدرآغوش پرمهرو محبت خویش پرورش میدادند.

ولی دوران زندگی آنها در کنار هم دیری نپائید ، وتاجماه درحالیکه دختر کوچکش بیش از ششماه نداشت براثر یك بیماری ناگهانی بدرودزندگی گفت رضاخان بناچار فرزندخود همدم السلطنه‌را بپسر عمو و برادر تاجماه سرهنگ ابوالقاسمخان مهاجر سپردتابه تربیت او همت گمارد و خود وارد خدمات نظامی و



والاحضرت فاطمه (همدم السلطنه)

اردو کشی‌های متعدد در نقاط مختلف کشور بود مدتی بعد سرهنگ ابوالقاسمخان مهاجر وفات یافت ، وهمدم‌السلطنه که دائی خود را نیز از دست داده‌بود ، نزد پدرخود رضاخان که‌در کرمانشاه اقامت داشت میرود.

پس ازآن بتهران آمد و در سال ۱۳۰۳ بفرمان پدر خود سردارسپه بانایب سرهنگ دکترهادی آتابای ازدواج کرد.

والا حضرت همدم‌السلطنه از همسر خود صاحب یك دختر و دو پسر بنام سیمین دخت و امیر رضا و سیروس گردید . پس‌ازوفات اعلیحضرت فقید والاحضرت همدم السلطنه



سیمین‌دخت اتابای

با همسرخودمتار که نمودوبه‌تربیت فرزندان خویش پرداخت .

والاحضرت باغلب کشور های اروپاوامریکامسافرت کرد وعلاقه بسیار ببرادر تاجدار خوداعلیحضرت همایونی‌دارد .

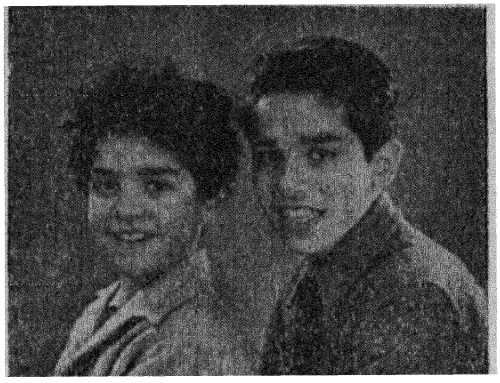

سیروس وامیررضا اتابای

تقسیم یکصدوسی ملیون املاک سلطنتی بین ۴۵۶۹ خانوار و ۱۷۸۴۵ نفر از زارعین

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از روزیکه برتخت سلطنت جلوس کردند ، همواره درنظرداشتند که قدم‌های مؤثری در راه بهبود زندگی طبقات زحمتکش مملکت بردارند، وشکاف عمیقی را که درحیات آنها ایجاد گردیده ، بطرزنیکوئی ازبین ببرند .



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وعلیاحضرت ملکه ثریا موقع ورود به بندرشاه برای تقسیم املاک

برای انجام این منظور گذشته از عطایای ملوکانه وایجادسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ،وجمعیت شیرو خورشید سرخ که دامنه فعالیت خود را بسراسر نقاط کشور ، حتی دور افتاده ترین قصبات و قراء مملکت بسط دادند، و مدارس ابتدائی ودرمانگاههای متعدد درآن نقاط بوجود آوردند ، تدابیردیگری نیز برای

اصلاح وضع مردم مستمند اتخاذ نمودند که یکی از مؤثرترین آنها تقسیم املاک سلطنتی بین کشاورزان است.

روزیکه شاهنشاه تصمیم به تقسیم املاک سلطنتی گرفتند، گروهی از رجال مملکت با نظری آمیخته باعجاب باین تصمیم میگریستند، زیرا بقول روزنامه نیویورک تایمز (اقدام اعلیحضرت شاهنشاه ایران برای تقسیم املاک فصل و تحویل جدیدی

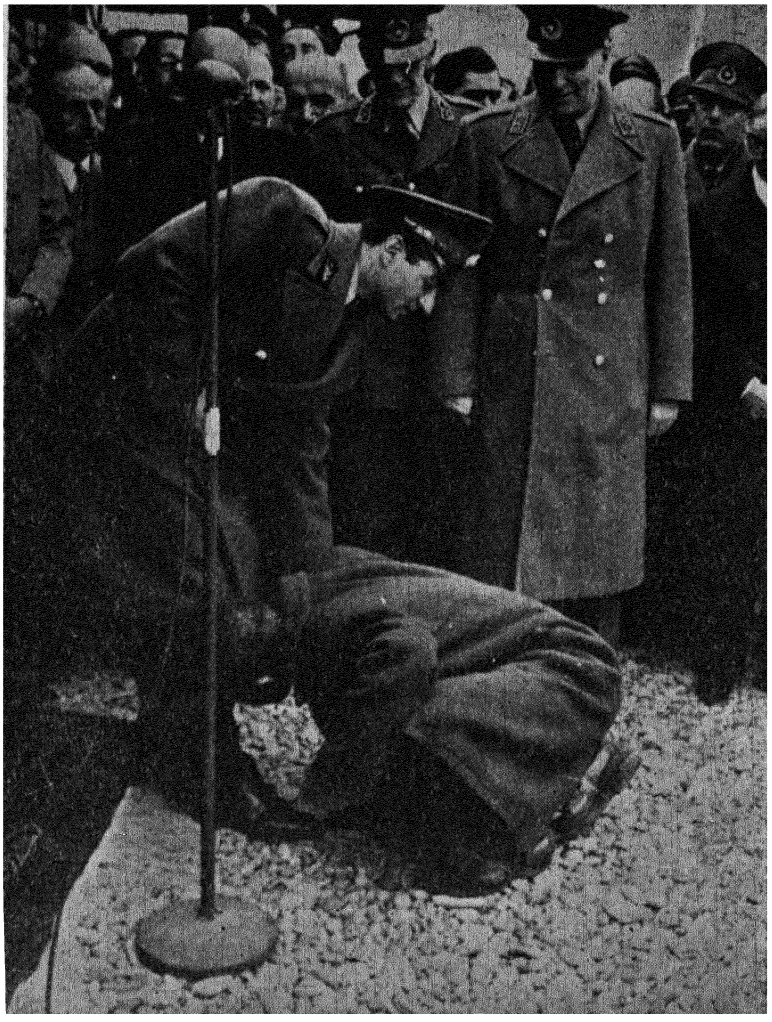

یکی از زارعین گنبد قابوس قبل از دریافت سند مالکیت خود به خاک افتاده پای شاه را می بوسد ولیکن اعلیحضرت همایونی او را از این عمل منع میفرمایند

درتاریخ کشورهای مشرق‌زمین ایجاد نموده، وسرمشقی است برای سایر فرمانروایان ممالك آسیا که برای بهبود زندگی ملت‌های خود روش شاهنشاه ایران را پیشه خویش سازند)

بهرحال هنگامیکه اعلیحضرت همایونی تصمیم بتقسیم املاك سلطنتی گرفتند، بسیاری ازملاکین مخالف این امر بودند، زیرا ازاین امر میترسیدند که مسئله تحدید مالکیت لطمه‌ئی بوضع آنها وارد آورد، ولی اعلیحضرت همایونی بدون توجه بنگرانی کسانیکه بقول خودشان صاحب املاك بوسعت سویس وبلژیك وهلند بودند و در مقابل آنها عده‌ئی حتی جابرای نشستن خودوزن و فرزندانشان راندا شتند، فکر تقسیم املاك سلطنتی را بمرحله عمل درآوردند.

املاك سلطنتی که‌از اعلیحضرت فقید باعلیحضرت همایونی بارث رسیده بود درشمار بهترین ومرغوب ترین املاك بشمار رفته ومیرود، ازاین‌رووا گذاری آنها بکشاورزانی که‌درسخترین شرایط ،دراراضی غیرمستعد بامور فلاحت میپرداختند، نعمت غیرمترقبه‌ئی بشمارمیرود.

نتیجهٔ مهمی که‌تقسیم املاك درروحیه کشاورزان دارد، اینستکه اولا میلیونها کشاورز مملکت را که‌بیشتر آنان‌دارای فرزند ونوه ونتیجه‌هستند و تا بحال همه آنان برای استفاده مالکین وارباباں‌خودزحمت میکشیدند اکنون باتقسیم املاك به‌آب‌وخاك خود علاقمندمیشوند، واین علاقمندی‌را بفرزندان‌خودنیز بارث میدهند وچون اطمینان‌دارند که‌هرقدر زحمت بکشندوکار کنند نتیجه‌آن عاید خودشان میشود ازاین‌روبرای آبادی وعمران املاك خویش نهایت سعی‌وکوشش را بکار میبرند ودرنتیجه‌وضع کشاورزی مملکت بنحو قابل توجهی تغییرخواهد کرد .

نکته‌ئی‌را که‌نبایداز نظردورداشت زحمت وکوششهای کسانیست که‌دراجرای اومرومنویات ملوکانه برای تقسیم املاك سلطنتی نهایت سعی‌وکوشش‌را بکاربردند ازآنجمله آقایان جلال شادمان ،اسدالله‌علم، آموزگار، بهبهانیان میباشند.

آمار املاك تقسیم شده بشرح زیر است

ورامین	۹۳٤	خانوار
رودهن	۱۲۷	«
محمد آباد	۳۸	«
تاکستان	۱٦۰۰	«
خانلوق	۱۲۰	«
فریمان	۵۲۰	«
گنبد قابوس	۲۳۰	«
جمع	۳۵٦۹	

پایان

اکنون که کتاب تاریخ هفتاد ساله خاندان پهلوی پایان یافت لازم میداند نکاتی چند بعنوان یادآوری باطلاع خوانندگان گرامی برساند.

تهیه مدارك وجمع آوری ونگارش مطالب این کتاب باوجود تمام مشکلاتی که درسر راه بود بحمدالله با موفقیت انجام یافت وامید است این خدمت ناچیز نگارنده که همواره آنرا جزو وظائف ملی خود دانسته ومیداند نزد ارباب خرد مورد قبول واقع شود واگر لغزشی در مطالب آن مشاهده شد بادیده اغماض نگرند. زیرا تنها نیت نگارنده از نگارش این کتاب روشن شدن بخشی از تاریخ ایران بود که در عرض هفتاد وچهار سال گذشته در این کشور رویداد ومنجر بتحولات عظیم در اوضاع سیاسی ونظامی واجتماعی واقتصادی وفرهنگی این سرزمین گردید وهمچنین سبب شد که حکومت دویست ساله قاجاریه درایران منقرض ویك سلسله ایرانی نژاد بنام سلسله پهلوی تشکیل گردد.

برای تهیه مطالب تاریخی واسناد ومدارك این کتاب علاوه براستفاده از تاریخ های منتشره در ربع قرن اخیر ازاغلب روزنامه ها ومطبوعات ایران که حوادث روز

منتشر میکردند وهمچنین ازمطبوعات ومجلات خارجی که درباره اوضاع ایران اظهارعقیده مینمودندو وقایع این سامان رادرج میکردند استفاده بعمل آمده است.

این نکته نیز ناگفته نماند که عده‌ای ازرجال سیاسی و نظامی ومردان برجسته ونامی کشور که خود دراغلب حوادث ووقایع منتشره دراین کتاب شاهدوناظرامور بودند مطالب بسیار گرانبهائی در دسترس نگارنده گذاشتند که مطالب واطلاعات مزبور مورداستفاده قرار گرفت واگرچه سزاواربودنام این خدمتگذاران میهن و رجال نامی دراین کتاب ذکرشودو اززاهنمائی‌های سودمندی که کرده‌اندسپاس گزاری بعمل آید ولی چون طبع بلندشان عاری از خودنمائی وخویشتن کامگی بود ازاینرو بنابدرخواست آنان ازذکرنامشان خودداری شدو فقط بهمین وسیله سپاس بی‌پایان خودرا ازمساعدتهایشان ابرازمیدارد.

درخاتمه امیداست تاریخ دودمان پهلوی که شامل جنگها و زدوخوردها و فداکاریها ومبارزه‌های پایان‌ناپذیر و خدمات گرانبهای دوتن ازبرجسته ترین پادشاهان این مرزوبوم یعنی پهلوی اول ودوم است که ایران را ازانقراض واضمحلال قطعی نجات دادند موردتوجه دانش‌پژوهان وهمچنین نسل‌های آینده قرار گیردو آنچنان که سزاوار است ازتاریخ پر کشمکش حیات سردودمان خاندان پهلوی و فرزندتاجدارو الاتبار اومطلع شوند وقدر زحمات ات وفداکاریهای آنانرا برای اعتلای نام وعظمت ایران بدانند.



دکتر جعفر شاهید مؤلف و ناشر کتاب